Arseh Sevom News Archive

Annual volume · 2011 · 133 articles

Preservation copy · searchable text · original source URLs retained
Prepared 30 September 2026

Contents

This volume uses PDF bookmarks for its detailed contents. Each article begins with its original source URL and archive identifier.

مدیر عامل بنیاد رفاه کودک در ایران: من فراری نیستم

2011-01-07 · Archive ID 159
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=159

رادیو فردا، محمد ضرغامی: احمد ایرانشاهی مرد ۵۳ ساله‌ای است که مدیر عامل بنیاد رفاه کودک در ایران را برعهده دارد. او به تازگی به همراه یک زوج ایرانی به نام‌های دکترحسین لاهیجی، پزشک اورولوژیست، و نجمه وحید از سوی دادگاه عالی فدرال شهر پورتلند ایالت اورگون ایالات متحده آمریکا به پول‌شویی و توطئه برای فریب دادن مقام‌های این کشوردر نقض تحریم‌های آمریکا علیه ایران متهم شده است.

بر اساس کیفرخواست ۲۶ صفحه‌ای مقام‌های قضایی آمریکا آقای ایرانشاهی متهم است که بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ مبلغ پنج میلیون و ۴۰۰ هزار دلار را از طریق مهرداد یثربی که مسئولیت بنیاد کودک در پورتلند را برعهده دارد دریافت کرده است که یک میلیون و ۸۰۰ هزار دلار آن متعلق به آقای لاهیجی و خانم وحید بوده است.

بنا بر این کیفرخواست، احمد ایرانشاهی پس از دریافت این وجوه با ارائه اسناد مالی و قبض‌های ظاهری تحت عنوان کمک‌های مالی خیرخواهانه به ادارات آمریکا تلاش کرده است به این مبالغ مالیاتی از سوی دولت آمریکا تعلق نگیرد.

از سویی این سه نفر متهم هستند که با این مبالغ که از طرق گوناگون وارد ایران کرده‌اند دست به سرمایه‌گذاری، خرید خانه و ماشین و تجهیزات اداری زده‌اند.

مقام‌های قضایی ایالات متحده در این کیفرخواست از روابط مهرداد یثربی با حزب‌الله لبنان و مقام‌های حکومتی ایران سخن گفته و آقای ایرانشاهی را متهم کرده‌اند که مبالغی از این پول‌ها را به آیت‌الله مکارم شیرازی، روحانی نزدیک به اصول‌گرایان، داده است.

رادیوفردا در این باره با احمد ایرانشاهی، یکی از متهمان این پرونده که درتهران زندگی می‌کند، گفت‌وگو کرده است:

رادیوفردا: آقای ایرانشاهی، الان در کنار اتهامی که آقای یثربی با آن روبه‌رو است یعنی حمایت شدن از طرف گروه‌های تروریستی مثل حزب‌الله لبنان، مسئله پرداخت پول یا همان چیزی که شما از آن به عنوان خمس اسم می‌برید به آیت‌الله مکارم شیرازی مطرح می‌شود که ایشان هم از چهره‌های نزدیک به دولت آقای احمدی‌نژاد هستند. انتخاب آقای مکارم شیرازی به چه دلیلی بود؟ به هر حال کسان دیگری هستند...

احمد ایرانشاهی: عرض می‌کنم. همین مسئله‌ای که جناب‌عالی می‌فرمایید ظاهراً آن طور که پیداست، من در گذشته این حرف را شنیده‌ام. یک نامه‌ای نوشته شده بود که در حقیقت می‌خواسته اظهار شود که آقا ما فراملیتی، فراسیاسی کار می‌کنیم. فرامذهبی. گفته شده احتمالاً در آن نامه که افراد غیرمسلمان به ما کمک می‌کنند، افراد آمریکایی و افراد حزب‌الله. حزب‌اللهی‌ها هم به ما کمک می‌کنند. آن آقایی که ترجمه کرده، این را به عنوان حزب‌الله لبنان آمده ترجمه کرده. مگر ما درآمدمان چه قدر بوده که برویم به حزب‌الله کمک کنیم. ما تمام وجوهاتی که برای ما... واقعاً این مسخره‌ترین اتهامی است که به ما زده شده. من این را در همین جراید خواندم.

بحث حمایت است، حمایت حزب‌الله لبنان از شما...

حمایت حزب‌الله یعنی حمایت مالی؟ ما اصلاً حزب‌الله نمی‌شناسیم. با حزب‌الله لبنان ارتباطی نداریم. ما با چهار هزار بچه فقیر و بیچاره در ارتباط هستیم. کدام حزب‌الله؟ اصلاً حزب‌الله، استغفرالله...

من برایم سوال هنوز هست که اینجا نقش آقای مکارم شیرازی چه بود؟ آیا شما رابطه‌ای با ایشان دارید؟ به هر حال چرا این پول‌ها را به ایشان می‌دهید؟

من رابطه‌ای با آقای مکارم شیرازی ندارم. فقط مسئله ما این بوده که توسط... بالاخره تلاش کردیم شیوه‌های جدیدی را در ایران ایجاد کنیم.

شیوه جدید چیست، آقای ایرانشاهی؟ می‌شود توضیح بدهید که این شیوه جدید چه بوده؟ چون اگر مسئله...

ببینید بالاخره هیچ وقت هیچ موسسه‌ای وارد این قضیه نشده که بتواند کمک‌های بیشتری برای بچه‌ها جذب کند. ما آمدیم تلاش کردیم، نه فقط... ما خیلی مسیرها را رفتیم. ما فقط کاری که نکردیم کمک‌های دولتی نگرفتیم. وگرنه تمام مسیرها را رفتیم. ما تلاش کردیم که اگر بتوانیم خمسی را که دوستان می‌دهند در حقیقت بتوانیم برای بچه‌ها جذب کنیم.

خب به نوعی این خودش نمی‌شود همکاری کردن؟ چون شما می‌گویید ما سعی کردیم کمک های دولتی یا حکومتی نگیریم. یعنی مستقل بمانیم.

این دولتی و حکومتی نیست، دوست عزیز.

به هر حال ایشان تا آنجایی که مشخص است، آقای مکارم شیرازی روحانی مستقل نیستند. به هر حال ما روحانیونی هم داریم که مستقل‌اند در همان قم یا جاهای دیگر...

ممکن است یک فردی اسباب‌بازی‌فروش باشد. ممکن است با دولت ارتباط داشته باشد. پس شغل اسباب‌بازی‌فروشی دولتی است. واقعاً این کاری که دادگاه فدرال آمریکا با اعلام فراری بودن من و پول‌شویی اعلام کرد، ضربه بسیار بزرگی را به این موسسه وارد کرد.

شما ارتباط‌تان با خانم وحید و آقای لاهیجی به چه صورت بوده؟ شما اینها را از نزدیک دیدید؟

بله. بله. ایشان فقط به عنوان یک اسپانسر [حامی]. من ۳۵۰ تا از کفیل‌ها را دیدم. اگر گناه دارد، اگر که جنایت است، اگر... نمی‌دانم. من ۳۵۰ نفر از کفیل‌های آمریکا را در تهران ملاقات کردم.

به هر حال کمک‌های ایشان باید مدارکش موجود باشد در دفتر شما. درست است؟

کمک‌های ایشان به آمریکا بوده. به ما نبوده. شما هنوز ظاهراً قبول ندارید که...

به هر حال این پول یک میلیون و هشتصد هزار دلار آمده به ایران.

این دوستان ما اسپانسر بنیاد کودک آمریکا بودند.

درست. چه طور یک میلیون و هشتصد هزار دلار آمده به ایران و شما کسی بودید که در ایران این پول را دریافت کردید؟

من پول‌ها را یک جا دریافت می‌کردم. خرد خرد که دریافت نمی‌کردم. مثلاً بگویند ۱۵۰ دلارش مال اوست. پانصد دلارش مال اوست. هزار دلار دو هزار دلارش مال اوست. ما همه را یک جا دریافت می‌کردیم. آن موقعی که در گذشته بود از طریق سوئیس به عنوان یک پروژه انسان‌دوستانه. این آن ذهنیت در گذشته بود به عنوان یک موسسه ایرانی که در آمریکا مشغول فعالیت است، پول را اهدا می‌کرد به یک موسسه خیریه در سوئیس، آنها با ما برنامه‌های انسان‌دوستانه انجام می‌دادند. یعنی پروژه‌های انسان‌دوستانه. این تفکر بود که برخلاف مقررات آمریکا نیست.

یعنی شما به عنوان کسی که کار خیرخواهانه انجام می‌دهید یک موسسه دارید، آقای یثربی که نسبت نزدیکی با شما دارد و در آمریکا زندگی می‌کند و باید آشنا باشد به قوانین آمریکا، نمی‌دانستند که هرگونه وجه نقدی...؟

باید از خودشان بپرسید، دوست عزیز.

نه خب. بالاخره شما دریافت کردید...

من نه آمریکا بودم، نه هیچ وقت سفری به آنجا حتی داشتم.

—

جامعه‌ی ایرانیان در آلمان

2011-01-07 · Archive ID 160
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=160

رادیو زمانه،احمد احق ری - جامعه‌ی ایرانیان در آلمان، از روز ۲۷ نوامبر طی مراسمی در سالن تاریخی جان‌اف‌کندی در شهرداری منطقه‌ی شونه‌برگ برلین اعلام موجودیت و از آن پس به‌طور رسمی آغاز به فعالیت کرده است. در نشستی با شرکت بیش از ۹۰ تن از اعضای موسس این تشکل، اساسنامه و آئین‌نامه‌ی آن مورد تصویب قرار گرفت و اولین هیئت مدیره‌ی جامعه ایرانیان در آلمان انتخاب شد.
از سال ۲۰۰۷ گروهی از ایرانیانِ ساکنِ برلین گرد هم آمدند و در نشست‌های خود ضرورت ایجاد نهادی را که بازتاب‌دهنده‌ی منافع و علایق همه‌ی ایرانیانِ ساکن آلمان باشد، مورد بحث و گفت‌وگو قرار دادند.

به گفته‌ی کاظم کردوانی، مسئول هیئت رئیسه‌ی مجمع موسسان، توجه به توانمندی مجموعه‌ی ایرانیان ساکن آلمان، ورای مرزهای قومی، مذهبی، زبانی، صنفی و سیاسی آنها یکی از اهداف این تشکل است.
او در ادامه خاطرنشان می‌سازد که روند تاسیس جامعه‌ی ایرانیان در آلمان می‌تواند زمینه‌ساز آن دسته از فعالیت‌های متشکل و جمعی ایرانیان باشد که تاکنون در زندگی مهاجران ایرانی در کشور آلمان کمتر مورد توجه بوده و شاید هرگز به صورت جمعی و سازمان‌یافته صورت نگرفته است.

در صفحه‌ی اینترنتی این تشکل، درباره‌ی انگیزه‌های تشکیل جامعه‌ی ایرانیان در آلمان چنین می‌خوانیم: «برای فراهم آوردن شرایط بهینه‌ی مادی و معنوی، باید از آگاهی، قدرت، ثروت، دانش و فرهنگ بهره‌ور بود، و برای این بهره‌وری باید با اتکا به نیرو، ابتکار و خلاقیت جمعی، راهکارهای دقیق و همه‌سویه طراحی و با پشتکار و پی‌گیری آنها را اجرا کرد. لزوم کوشش هم‌بسته‌ی گروهی به‌ویژه از واقعیت وجود ایرانیان به عنوان یک گروه جمعیتی مهاجر در کشوری که فاقد سنت‌ها و ساختارهای مهاجرپذیر است، برمی‌خیزد. با توجه به آن‌که در کشورهای مهاجرپذیری چون ایالات متحده آمریکا و کانادا هنوز پس از نسل‌ها زندگی مهاجران در آن‌جا، مسئله‌ی اقلیت‌ها هم‌چنان مطرح است، در کشوری چون آلمان مرزبندی میان مهاجران و افراد با پیشینه‌ی آلمانی جان‌سخت‌تر و دیرپاتر خواهد بود.»

ناگفته نماند که تشکیل انجمن‌ها و گروه‌های صنفی در میان ایرانیان مهاجر در آلمان از سنتی دیرینه برخوردار است.

در سال ۱۹۱۵ میلادی اولین انجمن ایرانی در شهر برلین توسط سیدحسن تقی‌زاده تشکیل شد که دفتر آن در خیابان لایبنیتس در مرکز شهر برلین قرار داشت.

هدف از تشکیل این انجمن رواج اندیشه‌های نوگرایانه‌ی روشنفکران مشروطه‌خواه به منظور ترویج فرهنگ نوین از یک سو و جلب پشتیبانی دولت آلمان برای کمک به استقلال ایران و رهایی از سلطه‌ی انگلیس و روسیه در ایران از دیگر سو بوده است.

پس از این دوره‌ی تاریخی تا به امروز نیز شمار انجمن‌ها و محافل فرهنگی، صنفی، هنری و سیاسی که به نشر فرهنگ و هنر و یا ترویج سیاست برای ایران اشتغال داشته‌اند، کم نبوده و نیستند.

دکتر صادق صادقی‌پور از اعضای موسس و عضو هیئت مدیره‌ی جامعه‌ی ایرانیان در آلمان معتقد است: «مرکز ثقل فعالیت‌های انجمن‌ها تاکنون به‌طور عمده فرهنگ و جامعه‌ی ایران بوده است. البته شماری از کانون‌ها و انجمن‌های صنفی ایرانی مانند کانون مهندسان، پزشکان، اتحادیه‌ی شرکت‌های تاکسیرانی و یا کانون پناهندگان سیاسی و غیره... نیز هستند که به طور مستقیم در ارتباط با جامعه‌ی آلمان فعالند ولی فعالیت‌های آنها محدود به نیازها و مسائل خاص صنفی آنهاست و از ماهیتی فراگیر و گسترده برای زندگی تمام ایرانیان در جامعه‌ی

آلمان برخوردار نیست. جامعه‌ی ایرانیان با ماهیتی فراگیر برای تمام ایرانیان در محدوده‌ی نظام سیاسی-اجتماعی کشور آلمان با این نگاه از مضمونی تازه برخوردار است.»

بر اساس آمار رسمی اعلام شده، مجموعه‌ی ایرانیان و ایرانی‌تبارانِ ساکنِ آلمان که از سال‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی به این سو، عمدتاً با انگیزه‌ی تحصیل، تجارت و یا به دلایل سیاسی- اجتماعی به آلمان مهاجرت کرده‌اند، بالغ بر حدود ۱۳۰ هزار نفر می‌شود.

اطلاعیه‌ی مطبوعاتی جامعه‌ی نوبنیاد ایرانیان، طیف مهاجرین ایرانی را چنین توصیف می‌کند: «از ویژگی‌های بارز اقلیت ایرانی ساکنِ آلمان می‌توان به شمار چشمگیر آموزش‌دیدگان دانشگاهی و سازگاری سریع و موفق آنان با این جامعه اشاره کرد. طیف وسیعی از دانش‌پژوهان برجسته، پزشکان نامدار بین‌المللی، کارفرمایان موفق، کارمندان کوشا، هنرمندان صاحب‌نام و سیاستمداران بانفوذ به این اقلیت تعلق دارند. تنها در پارلمان آلمان پنج نفر از نمایندگان ایرانی‌تبار حضور دارند.»

احسان جعفری، رئیس هیئت مدیره‌ی جامعه‌ی ایرانیان در آلمان معتقد است: «ایرانیانِ ساکن آلمان به رغم موفقیت‌های فردی‌شان در افکار عمومی کمتر به عنوان جامعه‌ای سازمان‌یافته و متشکل شناخته شده‌اند. دلیل آن بی‌تردید فقدان تشکلی بوده است که خواسته‌ها و منافع عمومی و فراگیر آنان را به رغم وجود تشکل‌های گوناگون صنفی، فرهنگی و علمی بازتاب داده و دیدگاه‌های‌شان را مطرح کند.»

رئیس هیئت مدیره‌ی جامعه‌ی ایرانیان در آلمان با ابراز اطمینان از آینده‌ی جامعه‌ی ایرانیان در آلمان می‌گوید: «این تشکل، با تکیه بر همیاری، همکاری و همدلی ایرانیان می‌کوشد، جایگاه اجتماعی مناسب‌تری برای آنان فراهم نماید و روند سازگارسازی (انتگراسیون) هر چه بیشتر آنان در جامعه‌ی آلمان را آسان‌تر سازد.»

آقای جعفری در ادامه می‌افزاید: «کارکردها و توانایی‌های گوناگون جامعه‌ی ایرانیان در ایفای نقش موثر در سازگارسازیِ هر چه بیشتر اقلیت ایرانی در آلمان، بدون تردید به ارتقای سطح ارتباطات میان فرهنگیِ اقلیت‌های ساکنِ آلمان و پیوندهای دوسویه میان جامعه‌ی ایرانیان و کشور میزبان انجامیده و برای همه‌ی ساکنان این کشور ثمربخش و آینده‌ساز خواهد بود.»

عیسی پهلوان، عضو دیگر هیئت مدیره‌ی جامعه‌ی ایرانیان، گام بعدی این تشکل را «سازماندهی کمیسیون‌های تخصصی» خواند که با تکیه بر «توان» و «امکانات اعضای جامعه‌ی ایرانیان» به پیشبرد اهداف جامعه خواهند پرداخت.

به گفته آقای پهلوان، «در دو سال آینده جامعه‌ی ایرانیان خواهد کوشید با برنامه‌ریزی همه‌جانبه، خود را هرچه بیشتر به افکار عمومی معرفی کند و به جلب اعضای جدید بپردازد.»

او در این زمینه چنین توضیح می‌دهد: «پشتیبانی از جوانان برای دستیابی به موفقیت‌های شغلی و اجتماعی از دیگر اهداف اساسی جامعه‌ی ایرانیان در آلمان است. افزون بر این، از آن‌جا که پیشبرد برنامه‌های میان و بلندمدت جامعه‌ی ایرانیان تنها با فعالیت‌های داوطلبانه میسر نخواهد بود، جامعه تلاش می‌ورزد که با جذب و استفاده از کارمندان ثابت و با صلاحیت طرح‌های آتی خود را پیش ببرد و بر بازدهی عملکرد خود بیافزاید. بی‌تردید مهم‌ترین پیش‌شرط چنین روندی، توانمندی مالی است. جامعه خواهد کوشید در این راستا امکانات مالیِ مناسب فراهم آورد.»

جامعه‌ی یهودیان و ترک‌ها در آلمان از جمله جوامع متشکل و سنت‌دار در نظام اجتماعی کشور آلمان هستند که به نوبه‌ی خود در جهت‌گیری‌های اجتماعی و حتی تدوین و تعدیل قوانین و سایر امور مربوط به زندگی این دسته از مهاجران، تاثیرات اجتماعی و سیاسی بالایی در جامعه‌ی آلمان می‌گذارند.

وب‌سایت جامعه ایرانیان در آلمان

زیر نویس و توضیح عکس‌ها:

عکس ۱- شهرداری تاریخی شونه‌برگ در برلین، محل برگزاری نشست موسسان جامعه ایرانیان در آلمان
این ساختمان از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۳ به عنوان مجلس نمایندگان ایالت برلین و از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۹۱ محل استقرار شهردار برلین بوده است. بسیاری از اتفاق‌های تاریخی شهر برلین در همین محل روی داده‌اند.
منبع عکس: ویکي‌پدیا

عکس ۲- هیئت رئیسه نشست موسسان جامعه ایرانیان در آلمان
از راست به چپ: آقایان احسان جعفری، عیسی پهلوان، کاظم کردوانی، محمد صادق علی‌اصغری و مقصود فلاحی

عکس ۳- هیئت رئیسه موقت به هنگام افتتاح نشست موسسان جامعه ایرانیان در آلمان

عکس ۴- نشست موسسان جامعه ایرانیان در آلمان در سالن جان اف کندی شهرداری شونه‌برگ برلین

—

رده بندی جهانی آزادی مطبوعات ۲۰۱۰/گزارشگران بدون مرز

2011-01-07 · Archive ID 163
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=163

گزارش‌گران بدون مرز نهمین رده‌بندی سالانه‌ی آزادی مطبوعات در جهان را که با همکاری صدها تن از روزنامه‌نگاران و کارشناسان رسانه‌ها تهیه شده، منتشر کرد.

اروپا از الگو بودن بازایستاده ، در کشورهای دیکتاتوری شاهد تغییر نیستیم

گزارش‌گران بدون مرز نهمین رده‌بندی سالانه‌ی آزادی مطبوعات در جهان را که با همکاری صدها تن از روزنامه‌نگاران و کارشناسان رسانه‌ها تهیه شده، منتشر کرد. جدول رده‌بندی جهاني آزادی مطبوعات محدوده زمانی از ۱۰ شهریور- سنبله ۱۳۸۸ (اول سپتامبر ۲۰۰۹) تا ۱۰ شهریور- سنبله ۱۳۸۹ (اول سپتامبر ۲۰۱۰) را در بر می‌گیرد.

بارگزاری کنید

ژان فرانسوا ژولیارد دبیر اول گزارش‌گران بدون مرز نیز در این باره اعلام کرد " نهمین رده‌بندی سالانه‌ی آزادی مطبوعات در جهان همراه با شگفت‌آفرینی‌های خوب، تائید حقایق تلخ و تثبیت برخی گرایش‌هاست. بیش از هر زمان دیگر نظاره‌گر آنیم که توسعه اقتصادی، اصلاحات اساسی و رعایت حقوق بنیادین الزاما هم‌جهت نیستند. دفاع از آزادی مطبوعات مبارزه است، مبارزه‌ای هست و خواهد بود، مبارزه برای مراقبت بیشتر در دمکراسی های کهنه جهان، مبارزه ای علیه ستم و برای عدالت در رژیم های توتالیتر که هنوز در اینجا و آنجای کره خاک وجود دارند. لازم است از یک سو به موتورهای محرک آزادی مطبوعات : فنلاند، ایسلند، نروژ، هلند، سوئد و سوئیس که در راس جدول قرار دارند، درود فرستاد و از سوی دیگر از قاطعیت فعالان مدافع حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان که در سراسر جهان از حق روشنگری دفاع می کنند، ستایش کرد. ما همواره به سرنوشت‌شان در هر کجا که هستند فکر می‌کنیم.

ما بار دیگر خواهان آزادی لیو شیائوبو برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۱۰ ، نماد کنونی ادامه دهان‌بند زدن بر آزادی بیان از سوی سانسور حاکم بر چین هستیم. و نسبت به سیاست سرکوب که فرو رفتن در بن بست است به مقامات چین هشدار می‌دهیم. " "سقوط بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به رده‌های پائینی جدول و از دست دادن جایگاه خود نگران کننده است. اگر اتحادیه اروپا در این باره اقدام جدی نکند جایگاه راهبر خود در جهان را در عرصه رعایت حقوق بشر از دست خواهد داد. در این وضعیت اتحادیه اروپا چگونه می‌تواند در برابر کشورهای اقتدارگرا که از آنها خواهان بهبود وضعیت حقوق بشر است، قانع کننده باشد.

"در آن سوی جدول رده‌بندی ما نگران سقوط برخی دولت هستیم. روندا،یمن، سوریه به جمع سرکوبگرترین کشورهای جهان در عرصه آزادی مطبوعات برمه، کره شمالی پیوسته اند. در کشورهای اقتدارگرا متاسفانه گرایش به سمت بهبود وضعیت آزادی مطبوعات نیست."

اتحادیه اروپا نقش راهبری خود را از دست می‌دهد

گزارش‌گران بدون مرز در طی سال گذشته بارها نگرانی خود را از وضعیت آزادی مطبوعات در برخی از کشورهای اتحادیه اروپا اعلام کرد بود. رده بندی ۲۰۱۰ این نگرانی را تائید کرده است. از ۲۷ کشور عضو اتحادیه تنها ۱۳ کشور در میان بیست رده اول جدول قرار دارند. ۱۳ کشور در زیر رده بیستم و برخی از جمله یونان و بلغارستان (رده ۷۰) رومانی (رده ۵۲)، ایتالیا (رده ٤٩) بسیار پائین‌تر قرار گرفته‌اند. اتحادیه اروپا در عرصه آزادی مطبوعات مجموعه‌ای یکدست نیست. اما شکاف میان شاگردان خوب و بد در حال عمیق شدن است. چندین کشور دمکراتیک که گزارش‌گران بدون مرز به آنها برخی مشکلات را متذکر شده بود، هیچ‌گونه پیشرفتی نداشته‌اند. از جمله و در راس آنها فرانسه و ایتالیا که در سال جاری صحنه‌ی رویدادها و اتفاقات جدی بودند که نشانگر عدم توان آنها برای تغییر گرایش فوق است: نقض اصل حفظ اسرار منبع، تمرکز رسانه‌ای، تحقیر و ناشکیبایی قدرت سیاسی در برابر روزنامه‌نگاران و فعالیت آنها، احضار روزنامه‌نگاران به مراجع قضایی و ... ادامه دارد.

اروپایی شمالی همیشه سرآمد

امسال بازهم چندین کشور اروپای شمالی فنلاند، ایسلند، نروژ، سوئد و سوئیس و هلند با هم رده اول جدول را صاحب شده‌اند. از آغاز انتشار رده بندی جهانی آزادی مطبوعات در سال ۲۰۰۲ ،این کشورها همواره صدرنشین جدول بوده‌اند. ایسلند، نروژ به جز در سال های ۲۰۰٦ و ۲۰۰۹ همیشه در رده اول قرار داشته‌اند. این شش کشور الگوی احترام به روزنامه‌نگار و رسانه و همچنین حمایت از آنها در برابر مراجع قضایی هستند. علاوه بر این آنها به پیشرفت در عرصه آزادی مطبوعات ادامه می‌دهند. ایسلند بررسی قانونی نمونه و یگانه در جهان را به نام "ابتکار رسانه‌های جدید" آغاز کرده است و کشوری مثل سوئد با چارچوب قانونی (قانون در باره آزادی مطبوعات) به ویژه در عرصه فعالیت روزنامه‌نگاران از دیگر کشورها متمایز می‌شود.

ده کشوری که در آنها بهتر است روزنامه‌نگار نباشید

اگر در سال‌های گذشته انگشت اشاره گزارش‌گران بدون مرز بر سه کشور جهمنی برای آزادی مطبوعات ترکمنستان، کره شمالی و اریتره نشانه رفته بود. امسال شاگردان بد کلاس از یک گروه بزرگتر ۱۰ کشور تشکیل شده‌اند. در صفی به هم فشرده در امر سرکوب مطبوعات و نبود اطلاع رسانی کامل، وخامت وضعیت آزادی مطبوعات در این کشورها تمامی ندارد و بیش از پیش تشخیص آنها از همدیگر در این عرصه و تعیین سلسله مراتب برای آنها در جدول رده‌بندی دشوارتر می‌شود. در ۲۰۱۰ شکاف امتیاز منفی میان ده کشور انتهایی جدول ٥،٢٤ است در حالی که در سال ۲۰۰۹این رقم ۵ ،۳۷ و در سال ۲۰۰۷ این امتیاز ۲۵، ٤٣ بود. لازم به تذکر است که برای اولین بار از سال ۲۰۰۲ و انتشار رده‌بندی سالانه آزادی مطبوعات در جهان، کوبا در میان ده کشور آخر جدول نیست. آزادی ١٤ روزنامه نگار و ۲۳ فعال سیاسی در تابستان ۲۰۱۰ دلیل اصلی این امر است. با این حال وضعیت آزادی مطبوعات در این کشور پیشرفت شایانی نداشته است. سانسور و سرکوب برای معترضان سیاسی و حرفه‌کاران رسانه‌ها امری روزمره است.

در برمه که برای اولین بار پس از بیست سال انتخابات پارلمانی در ماه نوامبر برگزار می‌شود. فضای آزاد وجود ندارد و هر ابتکار برای اطلاع رسانی مستقل با زندانی کردن و فرستادن به مراکز کار اجباری پاسخ داده می‌شود. در آخر باید اشاره کرد که بسیاری از کشورهای در شرایط جنگی و یا صحنه‌ی منازعات و جنگ داخلی (افغانستان، پاکستان، سومالی، مکزیک) وخامت وضعیت ادامه دارد. نهادینه شدن فرهنگ خشونت و مصونیت از مجازات مطبوعات را به هدف اولیه حمله تبدیل کرده است. در این کشورها که از جمله خطرناکترین کشورها جهان هستند روزنامه‌نگاران به شکل مستقیم از سوی طرفین منازعه مورد هدف قرار می‌گیرند. به گروگان گرفتن استفان تاپونیه و هروه گسکیر خبرنگاران شبکه ۳ تلویزیون فرانسه از دسامبر سال گذشته در افغانستان موید این امر است.

توسعه اقتصادی به معنای بهبود آزادی مطبوعات نیست

اگر توسعه اقتصادی کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین به شباهت آنها دامن می‌زند، اما رده بندی جهانی آزادی مطبوعات در سال ۲۰۱۰ نشان می دهد در عرصه آزادی مطبوعات تمایزات جدی میان آنها وجود دارد. برزیل (در رده ۵۸) بهرمنداز تحولی قانون در راستای آزادی مطبوعات نسبت به رده بندی سال گذشته ۱۳ رده صعود کرده است. هند ۱۷ رده سقوط و به رده ۱۲۲ رسیده است. روسیه کشور کشتارها در سال گذشته، بازهم چندین رده تنزل کرده است. چین علیرغم داشتن وبلاگستانی پرتحرک و همیشه فعال به سانسور و زندانی کردن صداهای معترض ادامه می دهد و در رده ۱۷۱ درجا می‌زند. این چهار کشور که دارای مسئولیت در میان قدرت های جهانی هستند باید الزامات خود را در عرصه رعایت آزادی‌های بنیادین رعایت کنند.

سقوط فاحش

فیلیپین، اکراین، یونان و قرقیزستان در جدول رده‌بندی سقوطی سنگین داشته‌اند. در فیلیپین کشتار بیش از سی روزنامه‌نگار به آمریت یک بزهکار محلی، در اکرائین که در پی انتخاب ویکتور ویکتور لانوکویچ در فوریه ۲۰۱۰ آهسته و مطمئن به سوی وخامت در عرصه آزادی مطبوعات می‌رود، در یونان چندین روزنامه‌نگار قربانی بحران سیاسی و خشونت‌های حاصل از آن شده‌اند، و در قرقیزستان کارزار کینه پراکنی قومی در زمینه ابهام در قدرت سیاسی ، توضیح‌گر این سقوط سخت در رده‌بندی امسال هستند. در رده بندی امسال متاسفانه پیشرفت‌ها گمراه کننده‌ای وجود دارد. برخی از کشورها که در جدول رشد داشته‌اند مثل گابن (۲۲ +رده) کره جنوبی (۲۷+ رده) ئ یا گینه بی سائو (۲۵+رده) در اصل جایگاه واقعی خود را پس از وخامت وضعیت در سال گذشته بازیافته‌اند.

خاورمیانه تائید گرایش به تنزل

تنزل مراکش (۸-رده) حاصل سخت‌گیری مقامات رسمی کشور در عرصه آزادی مطبوعات است. محکومیت یک روزنامه‌نگار به یکسال زندان (که هشت ماه در زندان ماند) تعطیلی خودسرانه یک نشریه، و فشار سازمان یافته اقتصادی برای در تنگنا قرار دادن روزنامه ای دیگر و غیره از جمله دلایل این سقوط است. همین امر در مورد تونس مصداق دارد. که ۱۰ رده تنزل کرده است. سقوط این کشور در جدول به دلیل ادامه پیشبرد سیاست سرکوب منظم همه کسانی است که نظری مغایر با رژِیم دارند.تونس در سال گذشته ۹ رده سقوط کرده بود. تصویب پیشنهاد طرح تغییر ماده ٦١ قانون مجازات عمومی که در آن هر ارتباطی با سازمان‌های خارجی که به " منافع ملی تونس " لطمه وارد می‌کنند، جرم شناخته می شود. بر نگرانی‌ها افزوده است. وضعیت در سوریه که ۸ رده و در یمن که ۳ رده سقوط کرده‌اند، و آزادی مطبوعات به هیچ گرفته می‌شود، مشابه است. بازداشت‌های خودسرانه و اعمال شکنجه همچنان ادامه دارد.

ایران جایگاه خود را در پائین‌ترین رده جدول حفظ کرده است. سرکوبی که در پی اعتراضات مردمی به اعلام انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری ایران در انتخابات مورد مناقشه خرداد ۱۳۸۸، بر سر روزنامه‌نگاران و شهروند وب‌نگاران آوار شد، همچنان ادامه دارد.

بهبود نسبی در چند کشور

در نگاه اول، در برخی از کشورها،و با مقایسه رده بندی سال ۲۰۰۹ با رده بندی سال جاری، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود. در این باره باید تاکید کرد وخامت وضعیت در سال ۲۰۰۹ در برخی از کشورها دارای چنان حدتی بود که جابجایی آنها در رده بندی ۲۰۱۰ فقط به معنای " تعادل" نسبت به گذشته است، بدون آنکه پیشرفتی حاصل شده باشد.

از جمله مورد اسرائیل در خارج از محدوده سرزمینی که ۱۸ رده صعود داشته است و از رده ۱۵۰ به رده ۱۳۲ رسیده است، از اینگونه "پیشرفت‌های" صوری است. در سال ۲۰۱۰ از سوی ارتش اسرائیل خشونت‌ها علیه آزادی مطبوعات پایان نیافته است. در سال جاری ما شاهد حمله و بازداشت روزنامه‌نگاران در کشتی کمک به فلسطینی‌های غزه در ماه فوریه، هدف قرار گرفتن مداوم روزنامه‌نگاران فلسطینی از سوی سربازان ارتش اسرائیل و یا درگیری ماه اگوست سال جاری در جنوب لبنان بودیم که به مرگ یک روزنامه نگار انجامید. با این

حال این خشونت ها با آنچه که در سال ۲۰۰۹ و در طی عملیات "سرب مذاب" انجام گرفت و منجر به کشته شدن شش خبرنگار که دو تن از آنها به هنگام انجام وظیفه خود به قتل رسیدند و دست کم سه ساختمان متعلق به رسانه ها مورد هدف قرار گرفته و یران شدند، قابل مقایسه نیست. همین ملاحظه در مورد سرزمین‌های خود مختار فلسطین مصداق دارد که در جدول رده بندی ۲۰۱۰ یازده رده پیشروی داشته است. (از رده ۱۵۰ به رده ۱٦۱ رسیده است) واقعیت این است که خشونت‌های سال جاری نسبت به سال گذشته کمتر شده‌اند با این حال همچنان روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها بهای جنگ قدرت میان حماس و الفتح را می‌پردازند.

عراق نیز ۱۵ رده صعود کرده است و در رده ۱۳۰ قرار گرفته است. بهبود محسوسی در وضعیت عراق به وجود آمده است. علیرغم آنکه از ۱۰ شهریور- سنبله ۱۳۸۸ تا ۱۰ شهریور- سنبله ۱۳۸۹ سه روزنامه‌نگار در این کشور به قتل رسیده‌اند. اما خروج سربازان امریکایی در پایان ماه اگوست ۲۰۱۰ بدون شک آغاز دور جدیدی است. امنیت شهروندان و به ویژه روزنامه‌نگاران نباید به خطر افتد.

سقوط در خلیج فارس

بحرین پس‌رفت داشته است و از رده ۱۱۹ به رده ۱٤٤ سقوط کرده است. افزایش دستگیری و محاکمات وبلاگ‌نویسان و شهروند وب‌نگاران توضیح‌گر این امر است. سقوط مهم دیگر در منطقه کویت است که ۲۷ رده پس نشسته و در رده ۸۷ قرار گرفته است. سخت‌گیری‌های مقامات کویتی علیه وکیل وبلاگ‌نویس محمد عبدل قادر الجاسم و شکایت شخصیت‌های نزدیک به قدرت از وی در این باره نقش داشته است. این اقدامات با خواست اعلام شده مقامات کویتی در ساختن اولین دمکراسی خلیج فارس تناقض دارد.

در افغانستان (رده ۱٤۷) و پاکستان (رده ۱۵۱) گروهای مسلح اسلامی اصلی‌ترین مسئولیت را در عقب ماندن این دو کشور در رده بندی بر عهده دارند. عملیات انتحاری و گروگان گیری فعالیت روزنامه نگاری را بیش از پیش دشوار کرده است. اما دولت نیز در این باره بی تقصیر نیست با اقدام به دستگیری‌هایی که به گروگان‌گیری شباهت دارد روزنامه نگاران کنشگر مورد هدف قرار می‌گیرند.

—

مجریان و مروجان سرکوب پس از انتخابات/کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران

2011-01-07 · Archive ID 164
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=164

کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گزارشی با عنوان مردان خشونت: مجریان و مروجان سرکوب پس از انتخابات منتشر کرده است. متن کامل این گزارش را در اینجا بخوانید.

—

دوره‌های آموزشی عرصه سوم برای فعالان جامعه مدنی

2011-01-07 · Archive ID 165
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=165

جامعه مدنی ایران در سال ۱۳۸۸ با طرح شعار«رای من کجاست» و تداوم آن در فریاد حق خواهی، نوعی از رشد یافتگی در درک حقوق بشر را به منصه ظهور رساند. همه گیر شدن این شعار نیز خود گویای عمق این رشدیافتگی درمیان همه اقشار جامعه است.
اما آیا همه جنبه‌های حقوق بشر توافق شده در سطح بین‌المللی در ایران درک و مورد ترویج، حمایت، دفاع و اجرا قرار گرفته است؟ آیا حقوق بشر در همه حوزه‌های عمومی، دولتی، واحدهای خصوصی و روابط فردی میان افراد در خانواده و در خیابان جاری شده است؟ آیا سازمان‌های غیر دولتی مدافع حقوق بشر قادر هستند

که به نقش نظارتی و ارزیابی خود به گونه‌ای عمل کنند که در راه یابی به دموکراسی پایدار نقش اساسی ایفا کنند؟ آیا سازمان‌های غیر دولتی در حوزه‌های متعدد توسعه از ظرفیت لازم برای انطباق حقوق بشر و حوزه مورد فعالیت خود برخوردارند؟

ضرورت آموزش فعالان و سازمان‌های غیر دولتی در ایران و خارج از کشور

آموزش حقوق بشر در ایران یک پدیده منظم و مستمر نیست و تنها در چند سال گذشته در نظام آموزش رسمی دانشگاهی رشته حقوق بشر تاسیس شد و فارغ التحصیلانی نیز داشته‌است که به هر جهت این رشته از نظر آموزشی بیشتر متکی بر نظام سنتی آموزشی بوده است و فقط تعداد اندکی از فارغ التحصیلان این رشته توانایی آموزش و اقدام عملی در دفاع و ارتقاء حقوق بشر را پیدا کرده‌اند. از سوی دیگر همانند بسیاری از کشورهای دیگر، فعالان حقوق بشر در ایران از طریق خود آموزی در پاسخ به نیازها و پرسش‌های خود به اطلاعاتی دست یافته‌اند که اقدامات آن‌ها را حمایت می‌کند.

در ایران تعداد انگشت شماری از مدافعان حقوق بشر هستند که درک همه جانبه و عملی از این مقوله دارند و در دهه آموزش حقوق بشر سازمان ملل متحد با ترجمه کتاب‌های آموزشی، اقدام به تاسیس تعداد اندکی سازمان‌های حقوق بشری کردند. ساختار این سازمان‌ها و وظایفی که برعهده گرفته‌اند گویای ان است که بیشترین توجه به بعد گزارش‌دهی از نقض حقوق بشر و کمترین توجه به آموزش حقوق بشر شده است. ارتباط با مجامع بین‌المللی هم از فعالیت‌های کمرنگ این سازمان هاست، و علیرغم تمایل به ارتباط به دو دلیل عدم شناخت کافی از مراجع بین‌المللی و سازو کارهای بوروکراتیک آن‌ها، و تلاش دولت در قطع ارتباط فعالان و مدافعان حقوق بشر با مجامع بین المللی، توسعه این ارتباطات جایگاه عمده‌ای در فعالیت‌های این سازمان‌ها ندارد.

بدلیل اندک و نو پا بودن سازمان‌های حقوق بشری و سرکوب شدید و نظام مند حقوق بشر، سازمان‌های موجود حقوق بشر در ایران فقط به جنبه‌های خاصی از موضوع توجه می‌کنند، مثلا نقض حقوق بشر توسط دولت و فعالیت آن‌ها هم سطوح خاصی بویژه گزارشدهی نقض حقوق بشر را دربر می‌گیرد، که هر دو این عامل یعنی توجه به یک جنبه و در یک سطح خاص مانع می‌شود تا موضوعات متعدد و همه جانبه حقوق بشر شناخته شوند و مورد آموزش و ترویج قرار گیرند. بخش‌هایی از حقوق زندانیان سیاسی، حقوق کارگران، زنان و کودکان بیش از سایر حقوق مورد آموزش‌های غیر مستقیم فعالان حقوق بشر قرار گرفته است.

روابط افراد در جامعه هنوز در خانواده، در محیط کار و در خیابان از عدم شناخت کافی افراد از حقوق اولیه خود و دیگران در تنظیم روابط اجتماعی حکایت دارد.

البته باید به سایر موارد از ضعف‌های سازمان‌های حقوق بشر و سایر سازمان‌های جامعه مدنی نیز اشاره کرد که باعث می‌شوند حقوق بشر در سازمان‌های اجتماعی نهادینه نشده و دستیابی به دموکراسی در ایران با تاخیر مواجه شود. پر واضح است که دموکراسی فقط تغییر در قدرت سیاسی نیست بلکه دموکراسی پایدار نیازمند نهادهای مردمی است که در درون خود و در روابط خود اصول دموکراسی و رعایت حقوق را نهادینه کرده باشد.

به مجموعه ضرورت‌های برشمرده فوق باید این موارد را هم بعنوان ضرورت آموزش‌های حقوق بشر در سازمان‌ها اضافه کرد:

۱. شناخت ناکافی از مراجع بین‌المللی و ظرفیت‌های آن برای جلب حمایت در دفاع از حقوق بشر که علت آن تلاش‌های سرکوب‌گرانه دولتی در به انزوا کشاندن جامعه مدنی و بویژه مدافعان و سازمان‌های حقوق بشری است.

۲. سازمان‌های حقوق بشری بعنوان بخشی از سازمان‌های جامعه مدنی از ضعف شیوه‌های اداره مطلوب سازمانی و به‌ویژه نبود پاسخ‌گویی و شفافیت رنج می‌برند. به معنای دیگر شیوه‌های اداره و مدیریت سازمان‌های مدافع حقوق بشر شیوه‌های مطلوب و مبتنی بر روش‌های دموکراتیک و شفاف نیست. مهمترین دلیل ضعف مدیریت دموکراتیک سازمان‌ها حتی آن دسته از سازمان‌هایی که با هئیت مدیره انتخابی مدیریت می‌شوند، فشارهای سرکوب سازمان‌ها در طول تاریخ بوده که به فعالان فرصت تمرین دموکراسی نداده است. سرکوب سازمان‌ها همواره منجر به فعالیت‌های محفلی بجای فعالیت‌های شفاف و جریان سازی قدرت سازمانی از راس هرم به بدنه شده‌است و به همین جهت پاسخگویی بعنوان ابزار اداره مطلوب سازمانی حلقه مفقوده سازمان‌های مدافع حقوق بشر و همچنین سایر سازمان‌های جامعه مدنی است.

۳.سازمان‌های جامعه مدنی فاقد روش‌های مناسب نظام‌مند در ایفای نقش خود بعنوان ناظر و ارزیابی کننده اجتماعی درهمه عرصه‌های دولتی و عمومی هستند.

۴.فعالان جامعه مدنی و مدافع حقوق بشر که به دلایل متعددی به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند در ادامه

فعالیت‌های خود از همه ضعف‌های فعالان جامعه مدنی رنج می‌برند. بیشتر آن‌ها هنوز شناخت دقیقی از ساز و کارهای بین‌المللی و شیوه‌های کار منظم و سازماندهی شده اعضای جامعه مدنی برای ایفای نقش خود ندارند و عمدتا پس از تشکیل گروه‌های کوچک فعالیت‌های آن‌ها با انشعاب‌ها و عدم تداوم‌ها مواجه می‌شود.
عرصه سوم برای تبدیل پدیده خودجوش آموزشی، ترویجی و حمایتی و برای رفع ضعف آموزش‌های رسمی حقوق بشر و تقویت سازمان‌های حقوق بشری در ایران و خارج از کشور اقدام به طراحی برنامه‌های آموزشی جامع در همه حوزه‌ها و برای سطوح مختلف و با استفاده از روش‌های موثر مشارکتی کرده است. این آموزش‌ها در همکاری با سازمان‌های علمی آموزشی در سطوح دانشگاه‌های مختلف صورت می‌گیرند و در پایان دوره به شرکت کنندگانی که با موفقت دوره را طی کرده‌اند، مدرک آموزشی مشارکت در دوره ارائه می‌شود.
هدف دوره‌های آموزشی
هدف اصلی دوره آموزشی ارتقاء دانش و مهارت فعالان سازمان‌های جامعه مدنی ایرانی در داخل و خارج از کشور در حوزه‌های حقوق بشر، دموکراسی و صلح است به گونه‌ای که آن‌ها را به سوی اقدامات عملی در اجرای حقوق بشر قادر ساخته و زمینه‌های برقراری دموکراسی را در همه حوزه‌های اجتماعی فراهم سازد.
دوره‌های آموزشی و شیوه‌های ارائه آن‌ها
دوره‌های آموزشی عرصه سوم به دو صورت آن لاین و حضوری ارائه می‌شوند. این دوره‌ها براساس نیازسنجی سازمان‌های غیردولتی طراحی شده‌اند.
در تنظیم برنامه‌های دوره‌های آموزشی سه گروه مخاطب اصلی در نظر گرفته شده‌اند:
۱. عموم مردم ایران،
۲. فعالان و مدافعان حقوق بشر که بطور سازماندهی شده فعالیت می‌کنند اعم از داخل و خارج از کشور
۳. سازمان‌های غیر دولتی در عرصه‌های توسعه اجتماعی که نه تنها نیاز به ارتقاء ظرفیت اداره شیوه مطلوب و ایفای نقش اجتماعی خود دارند بلکه نیازمند شناخت رابطه حوزه کاری خود و حقوق بشر هستند، مثلا در سازمان‌های فعال در محیط زیست، بهداشت، مسکن، معلولین، برنامه‌های توسعه، برنامه‌ها باید بصورت ادغامی از موضوعات تخصصی و حقوق بشر باشند.
دوره‌های آموزشی عرصه سوم دربرگیرنده چهار مرحله است:
۱. آموزش مشارکتی آنلاین آموزشگران حقوق بشر،
۲. تداوم آموزش آموزشگران حقوق بشر با مشارکت در آموزش‌ها و شبکه‌های آموزشی و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی اعم از آنلاین یا حضوری،
۳. تداوم آموزش آموزشگران حقوق بشر با برگزاری جلسات منظم اینترنتی در انتقال تجربه‌های آموزشی آموزشگران و ایجاد شبکه‌های آموزشی آموزشگران
۴. ارزیابی مستمر توانایی عملی فعالان آموزش دیده در نهادینه کردن آموزش‌ها توسط یکدیگر در شبکه‌های ارتباطی
محورهای آموزش
محورهای آموزشی عرصه سوم بر اساس نیازسنجی که تاکنون صورت گرفته، طراحی شده‌اند، اما در جریان آموزش و با طرح نیازهای جدید بویژه در اولین دوره آموزش آموزشگران و با تداوم شبکه‌های ارتباطی آموزشی دوره‌های بیشتری طراحی و ارائه خواهند شد.
برخی از محورهای آموزش آنلاین حقوق بشر عبارتند از:
۱) مبانی و بنیان‌های حقوق بشر
۲) مکانیسم ارتباط با سازمانهای بین المللی و منطقه‌ای حمایتی حقوق بشر
۳) ترویج حقوق بشر با تاکید بر مهارت‌های ترویج و حمایتگری
۴) سازو کارهای گزارش دهی
۵) حقوق بشر مدافعان حقوق بشر
۶) حقوق کودک و قوانین بین المللی
۷) نظارت و ارزیابی توسط سازمان‌های غیر دولتی با تاکید بر حسابرسی اجتماعی
۸) شیوه اداره مطلوب سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشری
۹) طراحی پروژه و مدیریت پروژه برای سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشری
دوره‌های آموزشی آنلاین دوره‌های سالیانه‌است و هر دوره برای سه ماه طراحی شده است. دوره‌ها بطور هم‌زمان ارائه خواهند شد و افراد می‌توانند همزمان در چند دوره شرکت کنند.

اولین دوره آموزشی برای آموزشگران حقوق بشر ارائه خواهد شد که همه این بخش‌ها را در بر می‌گیرد. این آموزشگران حقوق بشر علاوه بر مفاهیم و مباحث فوق از آموزش تکنیک‌های آموزشی نیز بهره مند خواهند شد. گروه‌های دو نفره آموزشگران در طول سال یک دوره آموزشی برگزار خواهند کرد که این دوره‌ها حضوری خواهند بود.
منابع آموزشی آن لاین تا حد ممکن به فارسی تهیه خواهند شد اما منابع اضافی آموزشی به انگلیسی نیز در دسترس قرار خواهد گرفت. بحث‌های گروهی و مشارکتی و شیوه‌های سوال و جواب با متخصصین بین‌المللی هر حوزه نیز در آموزش‌های آن لاین پیش بینی شده‌است. شرح درس هر بخش پس از اولین دوره آموزشی آموزشگران ارائه خواهد شد.
شرکت کنندگان در دوره‌های آموزشی
شرایط شرکت کنندگان هر دوره آموزشی پس از اولین دوره آموزشگران و همراه با شرح درس ارائه خواهد شد.
امکانات مورد نیاز برای آموزش‌های آنلاین
امکانات اموزشگران برای دسترسی به آموزش آن لاین و نحوه استفاده از آن‌ها پس از طراحی کامل برنامه همراه با شرح دروس ارائه خواهد شد.

—

مجموعه قوانین ناظر بر سازمان‌های جامعه مدنی

2011-01-07 · Archive ID 167
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=167

عرصه سوم: حضورجامعه مدنی در نظام قانونگذاری ایران تاریخی در خور تأمل است. متمم نخستین قانون اساسی رسمی ایران[۱] که ثمره انقلاب مشروطه بود، دارای اصلی بود که به لحاظ تطبیقی آنرا میتوان یکی از نخستین قانونگذاریها در خصوص سازمانهای جامعه مدنی به شمار آورد. بر طبق اصل ۲۱ متمم قانون اساسی مشروطه مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری، «انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است...». همچنین قانون تجارت که از نخستین قوانین ایران به شمار می‌آید در دو ماده خود مستقیماً به موضوع مؤسسات غیر تجاری اشاره نموده و مقرراتی را در این خصوص در بر دارد.
با وجود این سابقه تقنینی در امر سازمان‌های جامعه مدنی در ایران، متأسفانه به خاطر برخی کمبودها و نارسائی‌های ساختاری در نظام حقوقی- سیاسی کشور هیچگاه شاهد رشد متناسب نهادهای مذکور نبوده‌ایم. در دوران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نیز علاوه بر هیجانات انقلابی و مسلط شدن پوپولیسم از یک سو و درگیر شدن در جنگ با عراق، جامعه ایرانی را در مضیقه‌ای تاریخی قرار داد. با این وجود، در هر دو دوره قبل و بعد از انقلاب، دولت بهیموت گونه، بی توجهی و بی اعتمادی به مردم، هراس از دموکراسی در میان دولتمردان و برخی گروههای جامعه، سلطه اندیشه‌های جامعه مدنی ستیز، سنت عوام ستایی، ضعف فرهنگ شهروندی، ذهنیت دموکراتیک و...
را نیز می‌توان در طول این مدت باز شناسی کرد. تعامل همه این عوامل شناخته شده به اضافه برخی عوامل مبهم، به وضعیت کنونی جوامع مدنی در ایران انجامید. در حوزه حقوقی، این وضعیت را می‌توان تحت عنوان «هرج و مرج تقنینی»۱ مورد بررسی قرار داد. در واقع، عدم وجود عزمی راسخ در شناسایی و حمایت نهادهای مردم نهاد در ایران باعث شده تا گاه و بی گاه، قوانین و مقرراتی در این خصوص به تصویب برسد؛ بی آنکه بتوان بین آن‌ها ارتباط منطقی برقرار کرد. وجود بیش از بیست مورد سند حقوقی در مورد موضوعی واحد تنها می‌تواند نشانگر تشتت و پریشانی ذهن مقنن ایران در این خصوص باشد.
آنچه در این مجموعه معرفی شده‌است قوانین و مقرراتی است که هم اینک در کشور جاری است و می‌توان در دادگاه‌ها به آن استناد کرد.
بدین ترتیب، برخی از قوانین و مقرراتی که منسوخ هستند و یا توسط نهادهای صالح همانند دیوان عدالت اداری ابطال شده‌اند در این مجموعه مورد اشاره قرار نگرفته‌اند. همچنین برای سهولت مخاطبان غیر حقوقدان این مجموعه، سعی شده تا اصطلاحات نا مأنوس حقوقی و برخی دیگر از اطلاعات لازمه را در پاورقیها مورد اشاره قرار دهیم. در ابتدای هر متن قانونی نیز به خاطر برخی ملاحظات تفسیری مقدمه‌ای کوتاه درباره آن مصوبه

نگاشته‌ایم.
با این وجود، قبل از ورود به متن مقررات، اشاره به برخی نکات مناسب خواهد بود. قوانین و مقرراتی که در این مجموعه گرد آوری شده است از نهادهای زیر است: مقنن اساسی، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیأت وزیران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی اداری، سازمان ملی جوانان و وزارت دادگستری.
هرم قانونی۲ ایران در برخی نقاط دچار اعوجاج و ابهام است. برای نمونه جایگاه حقوقی مصوبات شواری عالی انقلاب فرهنگی معلوم نیست و به لحاظ صرف حقوقی تردیدهایی در این باره وجود دارد. همچنین، بین مصوبات شوراها و سازمان‌های مختلف با مصوبات وزارتی مرزهای معینی ترسیم نشده است. بدین ترتیب، در خوانش قوانین و مقررات ایران همیشه باید احتیاط حقوقی را در نظر داشت.
متن کامل این مجموعه قوانین را از لینک زیر دانلود کنید : مجموعه قوانین ناظر بر سازمان‌های غیردولتی

—

تهاجم به جامعه مدنی

2011-01-07 · Archive ID 169
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=169

عرصه سوم، توری ایگرمن، سهراب رزاقی، کامران اشتری: سال هاست که حقوق افراد در جمهوری اسلامی ایران بطور نظام مند نقض می‌شود، اما در نگاه واقع بینانه تری می‌توان این حقیقت را دریافت که هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران از بین بردن جامعه مدنی است. همانگونه که بدرفتاری و شکنجه افراد بازداشت شده پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸و بازداشت‌های خودسرانه مدافعان حقوق بشر حقیقت دارد، این موضوع نیز که جمهوری اسلامی ایران در صدد از بین بردن جامعه مدنی است، حقیقت کتمان ناشدنی است. این رفتارها برای به سکوت کشاندن مخالفان و دگراندیشان و برای کنترل مردم آزادی‌خواهی طراحی شده که هر روز به تعداد آن‌ها اضافه می‌شود.

همچنین باید اضافه کرد که گفتمان حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران موضوعی حاشیه‌ای و مشکل‌ساز است. در گذشته بسیاری از روشنفکران به همراه بخشی در حاکمیت در این مورد که غربی‌ها از «حقوق بشرِ» بعنوان ابزاری برای تنبیه کشورهایی مثل ایران استفاده می‌کنند، هم نظر بودند. جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به انتقادات عدم رعایت پیمان‌های بین‌المللی حقوق بشراز سوی ایران، ترجیح می‌دهد که از مفهوم نامشخص و تعریف نشده‌ای به نام «حقوق بشر اسلامی» استفاده کند.

روش‌های نظام‌مند تضعیف جامعه مدنی در ایران در این گزارش بیش از اینکه به موارد فردی یا سازمانی نقض حقوق بشر معطوف باشد، به‌دنبال طرح الگوی نهفته نقض حقوق بشردر ایران است. طرحی که همه بخش‌های مختلف جامعه را از طریق آزار و اذیت افراد و سازمان‌ها هدف قرار داده است. در مورد نقض حقوق افراد ده‌ها گزارش وجود دارد و به همین سبب تلاش ما در این گزارش، تبیین بستر نهفته در آزار افراد و تحلیل شرایط داخلی است که به حمله به فعالان جامعه مدنی منجر شده است.

این گزارش از نظر زمانی از سال ۱۳۸۴به بعد را پوشش می‌دهد؛ یعنی از زمانی که محمود احمدی‌نژاد بعنوان رئیس جمهور قدرت را در دست گرفت. قبل از به قدرت رسیدن احمدی نژاد، جامعه مدنی در ایران اولین طعم آزادی نسبی را چشیده بود که حاصل باز شدن موقتی جامعه در دو دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) بود.

دولت جدید از سال ۱۳۸۴ نگرش خصمانه‌ای را در مورد سازمان‌های جامعه مدنی در پیش گرفت و با بستن دفاتر آن‌ها، ایجاد ممنوعیت سفر و اعمال سایر موانع، فعالیت‌های سازمان‌های جامعه مدنی را با محدودیت روبرو ساخت. در حالیکه چالش بین اصلاح اجتماعی و نیروهای تند روو افراطی مشخصه تعریف شده دوره ریاست جمهوری خاتمی است،ر جامعه مدنی هراسی ویژگی دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد است.

این گزارش در برگیرنده مطالب ذیل است:

رشد موقتی جامعه مدنی

نبرد بین اصلاح و سرکوب

انتخابات سال ۱۳۸۴

پیدایش یک طبقه سیاسی جدید

انقلاب مخملی

مبارزه برای ایران

از موج سبز تا حقوق مدنی: پس ازانتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸

خاموش کردن صدای زنان

اصلاح جرم می‌شود

کارگران در کنترل دولت

حمله به مدافعان حقوق بشر

حرکت دانشجویان بسیج؛ تنها فعالیت دانشجویی مجوز دار

«آزادی مطبوعات در ایران در بالاترین حد است»

جامعه مدنی بدون مدنیت

پیشنهادات

—

سه ایرانی در آمریکا به پولشویی در چارچوب فعالیت‌های خیریه متهم شدند

2011-01-07 · Archive ID 170
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=170

بی بی سی: دادستانی فدرال آمریکا سه ایرانی را متهم کرده است که از طریق یک سازمان خیریه میلیون‌ها دلار به ایران پول فرستاده اند.

بر اساس کیفرخواست ارائه شده، نجمه وحید و همسرش، دکتر حسین لاهیجی، مقیم ایالت تگزاس، با نقض قوانین آمریکا در مورد تحریم مالی جمهوری اسلامی، مبالغی بیش از ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار دلار را از طریق بنگاه خیریه بنیاد کودک، مستقر در شهر پورتلند، به ایران انتقال داده اند.

گیرنده این مبلغ موسسه خیریه رفاه کودک در ایران بوده و خانم وحید و آقای لاهیجی به سوء استفاده از معافیت های مالیاتی مربوط به کمک به موسسات خیریه نیز متهم هستند.

احمد ایرانشاهی، رئیس موسسه خیریه رفاه کودک در ایران متهم سوم این پرونده است.

در بیانیه ای که از سوی دادستانی انتشار یافته، این سه نفر به سودجویی فردی از طریق نقض قوانین مالیاتی ایالات متحده راجع به معافیت مالیاتی کمک به نهادهای خیریه، همراه با تخطی از قوانین مربوط به انتقال پول به ایران متهم شده اند.

در ایالات متحده، مانند بسیاری دیگر از کشورها، مبالغی که افراد و موسسات به امور خیریه اختصاص می دهند از پرداخت مالیات معاف است.

علاوه بر این، بخشی از قوانین ایالات متحده در مورد تحریم ایران، انتقال پول به این کشور را منع کرده است.

در کیفرخواست علیه سه ایرانی آمده است که نجمه وحید، حسین لاهیجی و احمد ایرانشاهی با توسل به ترفندهای پیچیده، مبالغی را به ایران انتقال می دادند و در حالیکه تظاهر می کردند که این مبالغ برای مصارف خیریه به خارج منتقل شده، عملا این پول را همچنان در اختیار خود داشته اند.

مقام های فدرال آمریکا می گویند متهمان این پرونده مقادیر زیادی پول نقد از طریق حساب های بانکی در سوئیس به ایران منتقل کرده اند و همچنین، برای این منظور، به ارسال محموله های مواد غذایی و سایر اقلام به ایران مبادرت ورزیده اند.

به گفته مقامات آمریکایی، بنیاد کودک، از زمان تاسیس در سال 1999 بخش اعظم عواید خود را صرفا به موسسه خیریه رفاه کودک در ایران منتقل کرده است.

بر اساس کیفرخواست دادستانی، آقای ایرانشاهی مدارک تقلبی درباره پولهای دریافت ارسال شده به ایران به بازرسان مالی در آمریکا ارائه کرده است.

آقای لاهیجی و خانم وحید هفته آینده در دادگاهی در سن آنتونیو در تگزاس حاضر خواهند شد، اما آقای ایرانشاهی که در ایران زندگی می کند "فراری" محسوب می شود.

دوایت هولتون، نماینده دادستانی فدرال در شهر پورتلند، در اطلاعیه ای گفته است که اعتماد عمومی به سازمان های خیریه نباید لطمه ببیند و باید اطمینان حاصل کرد که فعالیت های بشردوستانه ساکنان ایالات متحده در خارج هم ناقض قوانین این کشور نیست.

بنیاد کودک با هدف ارسال کمک های غذایی، دارویی و آموزشی به کودکان نیازمند در شماری از کشورها تاسیس شده است.

—

جامعه‌ی مدنی ایرانی گذار به کدام سو؟

2011-01-07 · Archive ID 171
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=171

عرصه سوم- سهراب رزاقی: جامعهٔ مدنی ایرانی در شرایط محیطی پر مخاطره‌ای قرار دارد و اقتدارگرایان تهاجم گسترده‌ای علیه آن طراحی و ساماندادهاند. در دهه‌های اخیر سازمان‌های جامعهٔ مدنی با وجود محدودیت‌ها و تنگناهای سازمانی و محیطی از رشد به نسبت چشمگیری برخوردار بوده‌اند، اما در چند سال گذشته با به قدرت رسیدن یک طبقهٔ جدید سیاسی، شکل‌گیری دولت پادگانی، ورود نظامیان به عرصهٔ سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعهٔ مجازی و مسلط شدن گفتمان‌های دموکراسی‌ستیز و جامعهٔ مدنی‌هراسی بر جامعهٔ ایرانی، جامعهٔ مدنی با تهدیدات و تنگناهای جدی مواجه شده است.



از این رو در صورت عدم درک شرایط محیطی پر مخاطره، فقدان مدیریت تغییرات سازمانی برای پاسخگویی به نیازهای جدید و مدیریت برای ایجاد تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و برخورد

محافظه‌کارانه و منفعلانه از سوی فعالان و سازمان‌های جامعهٔ مدنی ایرانی و سکوت و مسامحهٔ جامعه مدنی جهانی، دورنمای روشن، شفاف و مثبتی برای آن قابل ترسیم نیست و در نهایت در صورت تداوم شرایط کنونی «جامعهٔ مدنی کاغذی» جایگزین جامعهٔ مدنی واقعی خواهد شد.

نوشتار حاضر در گفت‌وگو با برخی فعالان مدنی در پی تحلیل وضعیت کنونی جامعهٔ مدنی، تبیین مسایل استراتژیک و ارزیابی نقاط قوت و آسیب‌پذیر، فرصت‌ها و تهدیدات آن است.

تبیین اینکه جامعهٔ مدنی ایرانی در شرایط پرمخاطرهٔ کنونی در حال گذار به کدام سو است، از دیگر اهداف این نوشته است. در این تحلیل تلاش می‌شود در صورت لزوم برای برون‌رفت از شرایط کنونی، تبدیل نقاط ضعف و آسیب‌پذیر به نقاط قوت و تهدیدات به فرصت‌ها و جلوگیری از جوان‌مرگی جامعهٔ مدنی، راهکارهایی ارایه شود.

در مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای انجام‌شده با فعالان جامعهٔ مدنی روی چند گزاره تاکید شده است:

- یکی از علل مهم توسعه‌نیافتگی و عدم استقرار دموکراسی پایدار در جامعهٔ ایرانی، فقدان و ضعف جامعهٔ مدنی است.

- جامعهٔ مدنی نقطهٔ کانونی برای گذار به دموکراسی و مهار قدرت سیاسی در جامعهٔ ایرانی است.

- گذار از جامعهٔ مدنی ضعیف به جامعهٔ مدنی قوی، یکی از مهم‌ترین و موثرترین راه‌های برون‌رفت جامعهٔ ایرانی از دو معضل تاریخی توسعه‌نیافتگی و فقدان دموکراسی پایدار است.

- ساخت و ماهیت دولت در ایران جامعه‌ی‌مدنی‌ستیز است. سیاست دولت پادگانی در چند سال اخیر سیاست سرکوب، محدود سازی و جایگزینی در عرصهٔ جامعهٔ مدنی بوده است.

- جامعهٔ مدنی برای ایفای نقش موثر در فرایند توسعه، دموکراسی پایدار و جنبش حقوق مدنی ایران باید دارای استراتژی مشخص و برنامهٔ عملی باشد، در غیر این صورت دنباله‌رو استراتژی دیگران خواهد شد.

مهم‌ترین برنامه‌های عرصه‌های جامعهٔ مدنی در شرایط کنونی عبارتند از:

۱- در شرایط کنونی مهم‌ترین اولویت فعالان و اصحاب جامعهٔ مدنی در ایران بسط گفتارهای دموکراسی، حقوق بشر، صلح و ساختن جامعهٔ مدنی شاداب، پویا، دموکراتیک و توسعه‌گرا است. هم‌چنین توسعهٔ دانش و مهارت‌های شبکه‌سازی، ترویج و حمایتگری، رهبری، صلح‌سازی، و جامعه‌ی‌مدنی‌سازی است.

۲- تواناسازی محیط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عرصهٔ مجازی یکی دیگر از استراتژی‌های مهم برای تحکیم دموکراسی و جامعهٔ مدنی‌سازی در جامعهٔ ایرانی است. اساساً لازمهٔ یک حکومت دمواتیک، وجود یک جامعهٔ قوی و دموکراتیک است و بدون وجود جامعهٔ دموکراتیک، یک حکومت دموکراتیک نمی‌تواند تداوم داشته باشد. از این‌رو برای رسیدن به دموکراسی و جامعهٔ مدنی قوی در جامعهٔ ایرانی، پروژهٔ قدرت‌یابی شهروندان ایرانی از طریق آگاهی‌بخشی، آموزش حقوق و مسئولیت‌ها، بسط دانش و مهارت‌های زندگی انجمنی و تمرین دموکراسی در سطوح خرد اجتماعی، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های استراتژی تواناسازی محیطی است.

۳- بسط و گسترش روابط و مناسبات با جامعهٔ مدنی جهانی و سازمان‌های بین‌المللی، ترمیم و بازسازی شبکه‌های اجتماعی مجازی و رو در رو، و بسط شبکهٔ همکاری و همبستگی میان فعالان مدنی و ایجاد ائتلاف بین سازمان‌های جامعهٔ مدنی ایرانی و بسیج جامعهٔ مدنی جهانی برای حمایت و پشتیبانی از جامعهٔ مدنی و جنبش حقوق مدنی- سیاسی ایران یکی دیگر از استراتژی‌ها برای برون‌رفت از بحران کنونی و جلوگیری از جوان‌مرگی جامعهٔ مدنی ایرانی است.

۴- یکی از مسایل مهم و تاثیرگذار در آیندهٔ جامعهٔ مدنی ایرانی چگونگی دسترسی و گردش اطلاعات در میان فعالان و سازمان‌های جامعهٔ مدنی است. در صورت فقدان دسترسی و گردش آزاد اطلاعات در مطلوب‌ترین وضعیت جامعهٔ مدنی ایرانی به یک جامعهٔ مدنی کاغذی بدل خواهد شد. از این‌رو استراتژی تنوع‌بخشی رسانه‌ای، تسهیل در دسترسی و گردش آزاد اطلاعات در جامعهٔ ایرانی برای مقابله با سیاست ایجاد و تحمیل فرهنگ سکوت، سکون و محدودسازی دسترسی و مبادلهٔ اطلاعات از سوی دولت، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های فعالان و سازمان‌های جامعهٔ مدنی ایرانی است.

متن کامل این گزارش را به صورت پی دی اف در اینجا دانلود کنید: جامعه مدنی ایرانی گذار به کدام سو

عرصه سوم: جامعهٔ مدنی ایرانی در شرایط محیطی پر مخاطره‌ای قرار دارد و اقتدارگرایان تهاجم گسترده‌ای علیه آن طراحی و ساماندادهاند. در دهه‌های اخیر سازمان‌های جامعهٔ مدنی با وجود محدودیت‌ها و تنگناهای سازمانی و محیطی از رشد به نسبت چشمگیری برخوردار بوده‌اند، اما در چند سال گذشته با به قدرت رسیدن یک طبقهٔ جدید سیاسی، شکل‌گیری دولت پادگانی، ورود نظامیان به عرصهٔ سیاست، اقتصاد، فرهنگ و جامعهٔ مجازی و مسلط شدن گفتمان‌های دموکراسی‌ستیز و جامعهٔ مدنی‌هراسی بر جامعهٔ ایرانی، جامعهٔ مدنی با تهدیدات و تنگناهای جدی مواجه شده است.
از این رو در صورت عدم درک شرایط محیطی پر مخاطره، فقدان مدیریت تغییرات سازمانی برای پاسخگویی به نیازهای جدید و مدیریت برای ایجاد تغییرات و دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و برخورد محافظه‌کارانه و منفعلانه از سوی فعالان و سازمان‌های جامعهٔ مدنی ایرانی و سکوت و مسامحهٔ جامعه مدنی جهانی، دورنمای روشن، شفاف و مثبتی برای آن قابل ترسیم نیست و در نهایت در صورت تداوم شرایط کنونی «جامعهٔ مدنی کاغذی» جایگزین جامعهٔ مدنی واقعی خواهد شد.

نوشتار حاضر در گفت‌وگو با برخی فعالان مدنی در پی تحلیل وضعیت کنونی جامعهٔ مدنی، تبیین مسایل استراتژیک و ارزیابی نقاط قوت و آسیب‌پذیر، فرصت‌ها و تهدیدات آن است.
تبیین اینکه جامعهٔ مدنی ایرانی در شرایط پرمخاطرهٔ کنونی در حال گذار به کدام سو است، از دیگر اهداف این نوشته است. در این تحلیل تلاش می‌شود در صورت لزوم برای برون‌رفت از شرایط کنونی، تبدیل نقاط ضعف و آسیب‌پذیر به نقاط قوت و تهدیدات به فرصت‌ها و جلوگیری از جوان‌مرگی جامعهٔ مدنی، راهکارهایی ارایه شود.
در مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای انجام‌شده با فعالان جامعهٔ مدنی روی چند گزاره تاکید شده است:
- یکی از علل مهم توسعه‌نیافتگی و عدم استقرار دموکراسی پایدار در جامعهٔ ایرانی، فقدان و ضعف جامعهٔ مدنی است.
- جامعهٔ مدنی نقطهٔ کانونی برای گذار به دموکراسی و مهار قدرت سیاسی در جامعهٔ ایرانی است.
- گذار از جامعهٔ مدنی ضعیف به جامعهٔ مدنی قوی، یکی از مهم‌ترین و موثرترین راه‌های برون‌رفت جامعهٔ ایرانی از دو معضل تاریخی توسعه‌نیافتگی و فقدان دموکراسی پایدار است.
- ساخت و ماهیت دولت در ایران جامعه‌ی‌مدنی‌ستیز است. سیاست دولت پادگانی در چند سال اخیر سیاست سرکوب، محدود سازی و جایگزینی در عرصهٔ جامعهٔ مدنی بوده است.
- جامعهٔ مدنی برای ایفای نقش موثر در فرایند توسعه، دموکراسی پایدار و جنبش حقوق مدنی ایران باید دارای استراتژی مشخص و برنامهٔ عملی باشد، در غیر این صورت دنباله‌رو استراتژی دیگران خواهد شد.
مهم‌ترین برنامه‌های عرصه‌های جامعهٔ مدنی در شرایط کنونی عبارتند از:
۱- در شرایط کنونی مهم‌ترین اولویت فعالان و اصحاب جامعهٔ مدنی در ایران بسط گفتارهای دموکراسی، حقوق بشر، صلح و ساختن جامعهٔ مدنی شاداب، پویا، دموکراتیک و توسعه‌گرا است. هم‌چنین توسعهٔ دانش و مهارت‌های شبکه‌سازی، ترویج و حمایتگری، رهبری، صلح‌سازی، و جامعه‌ی‌مدنی‌سازی است.
۲- تواناسازی محیط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و عرصهٔ مجازی یکی دیگر از استراتژی‌های مهم برای تحکیم دموکراسی و جامعهٔ مدنی‌سازی در جامعهٔ ایرانی است. اساساً لازمهٔ یک حکومت دمواتیک، وجود یک جامعهٔ قوی و دموکراتیک است و بدون وجود جامعهٔ دموکراتیک، یک حکومت دموکراتیک نمی‌تواند تداوم داشته باشد. از این‌رو برای رسیدن به دموکراسی و جامعهٔ مدنی قوی در جامعهٔ ایرانی، پروژهٔ قدرت‌یابی شهروندان ایرانی از طریق آگاهی‌بخشی، آموزش حقوق و مسئولیت‌ها، بسط دانش و مهارت‌های زندگی انجمنی و تمرین دموکراسی در سطوح خرد اجتماعی، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های استراتژی تواناسازی محیطی است.
۳- بسط و گسترش روابط و مناسبات با جامعهٔ مدنی جهانی و سازمان‌های بین‌المللی، ترمیم و بازسازی شبکه‌های اجتماعی مجازی و رو در رو، و بسط شبکهٔ همکاری و همبستگی میان فعالان مدنی و ایجاد ائتلاف بین سازمان‌های جامعهٔ مدنی ایرانی و بسیج جامعهٔ مدنی جهانی برای حمایت و پشتیبانی از جامعهٔ مدنی و جنبش حقوق مدنی- سیاسی ایران یکی دیگر از استراتژی‌ها برای برون‌رفت از بحران کنونی و جلوگیری از جوان‌مرگی جامعهٔ مدنی ایرانی است.
۴- یکی از مسایل مهم و تاثیرگذار در آیندهٔ جامعهٔ مدنی ایرانی چگونگی دسترسی و گردش اطلاعات در میان فعالان و سازمان‌های جامعهٔ مدنی است. در صورت فقدان دسترسی و گردش آزاد اطلاعات در مطلوب‌ترین وضعیت جامعهٔ مدنی ایرانی به یک جامعهٔ مدنی کاغذی بدل خواهد شد. از این‌رو استراتژی تنوع‌بخشی رسانه‌ای، تسهیل در دسترسی و گردش آزاد اطلاعات در جامعهٔ ایرانی برای مقابله با سیاست ایجاد و تحمیل فرهنگ سکوت، سکون و محدودسازی دسترسی و مبادلهٔ اطلاعات از سوی دولت، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های فعالان و سازمان‌های جامعهٔ مدنی ایرانی است.

متن کامل این گزارش را به صورت پی دی اف در اینجا دانلود کنید : جامعه مدنی ایرانی گذار به کدام سو

—

آیین‌نامه چگونگی تشکیل و نحوه عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های کارگری

2011-01-07 · Archive ID 173
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=173

ایلنا: دولت به منظور حفظ حقوق و منافع قانونی کارگران و بهبود شرایط اقتصادی و معیشتی این گروه، آیین‌نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف، اختیارات و نحوه عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط را تصویب کرد.

به گزارش ایلنا، هیئت وزیران به استناد تبصره (5) ماده (131) قانون کار ـ مصوب 1369 ـ آیین‌نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و نحوه عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط را تصویب کرد.

این آیین‌نامه در چهار فصل به تصویب رسیده است که در ماده 1 از فصل اول(کلیات) به کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان هر حرفه یا صنعت اجازه داده شده به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان که خود متضمن حفظ منافع جامعه نیز است، با رعایت مقررات قانونی و این آیین‌نامه مبادرت به تشکیل انجمن صنفی کنند.

همچنین بر این اساس، کمترین نصاب لازم برای تشکیل انجمن صنفی کارگری در سطح کارگاه 10 نفر و در حرفه یا صنعت حداقل 50 نفر عضو از حرفه یا صنعت مربوط در قسمتی از شهرستان تا سراسر استان است.

انجمن صنفی کارفرمایی، با عضویت دست کم 10 شخص حقیقی یا حقوقی (کارفرما) شاغل در آن حرفه یا صنعت در حوزه جغرافیایی مورد درخواست در قسمتی از یک استان تا سراسر کشور تشکیل می‌شود.

بر اساس مصوبه دولت، به منظور هماهنگی در انجام وظایف محوله قانونی، انجمن‌های صنفی هرحرفه یا صنعت یک استان می‌توانند مطابق این آیین‌نامه نسبت به تشکیل کانون انجمن های صنفی آن حرفه یا صنعت در آن استان اقدام کنند.

همچنین بر این اساس، کانون انجمن‌های صنفی حرف یا صنایع استان توسط نمایندگان معرفی شده از سوی کانون های حرفه یا صنعت خاص استان مربوط با توجه به تعداد انجمن‌های صنفی عضو، حداکثر به تعداد سه نماینده از هر کانون، طبق اساسنامه کانون حرف یا صنایع استان و نمایندگان معرفی شده از سوی انجمن‌های صنفی که کانون مربوط را تشکیل نداده‌اند، تأسیس وکانون انجمن‌های صنفی هر استان از نمایندگان کانون انجمن‌های صنفی حرف و کانون انجمن‌های صنفی صنایع استان با توجه به تعداد اعضا و طبق اساسنامه کانون استان تشکیل می شود.

بر اساس مصوبه هیئت وزیران، کانون‌های عالی انجمن‌های صنفی کارگری یا کارفرمایی کشور (کانون عالی کارگران یا کارفرمایان کشور) توسط هیئت مدیره کانون های انجمن های صنفی کارگری یا کارفرمایی حداقل یک دوم استان‌های کشور با توجه به تعداد انجمن‌های صنفی دارای اعتبار موجود در استان، حداکثر به تعداد 9 نماینده طبق اساسنامه کانون عالی تشکیل می‌شود.

فصل دوم: هیئت مؤسس و ارکان انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط

همچنین بر این اساس، به منظور تأسیس و فراهم کردن مقدمات تشکیل تشکل‌های موضوع این آیین‌نامه، هیئت مؤسسی مرکب از حداقل سه نفر از اشخاص ذی‌ربط با توجه به نوع تشکل با وظایفی از جمله ارایه درخواست تأسیس انجمن صنفی یا کانون مربوط حسب مورد به وزارت کار و امور اجتماعی یا واحد کار و امور اجتماعی استان مربوط، انتشار آگهی پذیرش عضو (آگهی در شرف تأسیس) در روزنامه‌هاي كثيرالانتشار سراسری یا روزنامه محلی (با توجه به حوزه فعالیت تشکل) به غیر از انجمن‌های صنفی کارگری در سطح کارگاه، بررسی درخواست‌های متقاضیان عضویت از نظر داشتن شرایط عضویت و اظهارنظر در مورد آن و همچنین تهیه فهرست اسامی و مشخصات آنان، تهیه پیش‌نویس اساسنامه با رعایت مواد (11) و (12) این آیین‌نامه، دعوت از اعضا برای شرکت در مجمع عمومی مؤسس به منظور تصویب اساسنامه و انتخاب اعضای هیئت مدیره، بازرس یا بازرسان و تسلیم دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی به وزارت کار و امور اجتماعی به منظور نظارت بر انتخابات تشکیل می‌شود.

ارکان تشکل‌های موضوع این آیین‌نامه

بر اساس آین آیین نامه، تشکل‌ها باید دارای سه رکن؛ مجمع عمومی، هیئت مدیره و بازرس یا بازرسان باشند.

* شرایط داوطلبان عضویت در هیئت مدیره و بازرسان تشکل های موضوع این آیین‌نامه

بر اساس مصوبه دولت، داوطلبان عضویت در هیئت مدیره و بازرسان تشکل‌ها باید دارای تابعیت جمهوری اسلامی ایران، التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عدم وابستگی به احزاب و گروه‌های سیاسی غیرقانونی، نداشتن محکومیت قطعی کیفری مؤثر، داشتن حسن شهرت و عدم اعتیاد به مواد مخدر باشند.

همچنین دولت هیئت مدیره تشکل‌های موضوع این آیین‌نامه را مکلف کرده است، دست کم سه ماه پیش از پایان دوره، مجمع عمومی را برای تجدید انتخابات دعوت کنند به گونه‌ای که تا پایان دوره اعتبار هیئت مدیره،

انتخابات مسئولان تشکل انجام شده باشد.

فصل سوم: چگونگی ثبت و انحلال انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط

بر این اساس، ضوابط و مقررات قانونی که باید در اساسنامه انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط درج شود، ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه بنا به پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید.

تشکل‌های موضوع این آیین‌نامه به هنگام تشکیل موظف به تنظیم اساسنامه با رعایت مقررات قانونی و طرح و تصویب آن در مجمع عمومی مربوط و ثبت در وزارت کار و امور اجتماعی هستند.

همچنین ثبت تشکل‌های موضوع این آیین‌نامه و انتخاب و تجدید انتخاب یا تغییر اعضای هیئت مدیره، دبیر و بازرسان و هرگونه تغییر یا اصلاح اساسنامه تشکل‌های فوق‌الذکر، مستلزم تسلیم مدارکی همچون؛ تقاضانامه تأسیس تشکل (در مرحله تأسیس)، دو نسخه اساسنامه (در مرحله تأسیس) یا دو نسخه اساسنامه اصلاح شده در صورت ایجاد تغییرات (در مراحل پس از تأسیس)، صورتجلسه هیئت‌رئیسه و نظارت مجمع عمومی که با حضور، نظارت و تأیید نماینده وزارت کار و امور اجتماعی تنظیم شده باشد، آگهی پذیرش عضو، منتشر شده در روزنامه (در مرحله تأسیس)، فهرست اسامی امضا شده شرکت‌کنندگان در مجمع عمومی، فهرست اسامی و مشخصات کامل اعضا، آگهی دعوت مجمع عمومی، منتشر شده در روزنامه (با توجه به حوزه فعالیت)، صورتجلسه هیئت مدیره مبنی بر تقسیم وظایف هیئت مدیره و پرسشنامه آماری تکمیل شده مربوط به مشخصات اعضای هیئت مدیره، بازرسان و دبیر تشکل به وزارت کار و امور اجتماعی است.

همچنین با تصویب دولت، ثبت دو تشکل همگن (انجمن صنفی یا کانون) در یک حرفه یا صنعت، در حوزه فعالیت جغرافیایی مشترک مجاز نیست و انحلال تشکل‌های موضوع این آیین‌نامه، موجب تضیع حق یا اسقاط تکلیف دو طرف قرارداد در پیمان‌های دسته جمعی منعقد شده قبلی، نخواهد بود.

بر اساس این تصویب نامه، تشکل‌های موضوع این آیین‌نامه در مواردی چنانچه مدت اعتبار هیئت مدیره تشکل پایان یافته و ظرف شش ماه نسبت به تجدید انتخابات آن اقدام نشده باشد، بنا به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده و در صورت صدور رأی قطعی از طرف مراجع قضایی ذی‌صلاح منحل و ثبت آنها نیز لغو خواهدشد.

همچنین دولت ثبت تشکل‌های صنفی موضوع این آیین‌نامه و نظارت بر انتخابات و فعالیت آنها را به عهده وزارت کار و امور اجتماعی گذاشته است.

فصل چهارم: وظایف و اختیارات انجمن‌های صنفی و کانون های مربوط

بر اساس این تصویب نامه، انجمن‌های صنفی کارگری وظایف و اختیاراتی از جمله کوشش در جهت استیفای حقوق و خواست‌های مشروع و قانوین اعضای صنف، برنامه‌ریزی و پیگیری در ارتقای سطح مهارت کارگران عضو، تلاش برای آموزش فرهنگی و اجتماعی اعضا به منظور ارتقای سطح آگاهی‌های لازم در شناخت و تأمین حقوق اعضا، تلاش در بررسی و تحقیق درخصوص مشکلات، نارسائی‌های اقتصادی، مهارتی، افزایش بهره‌وری و ارایه پیشنهادات به مدیران و مسئولان مربوط و جلوگیری از سیاسی شدن عملکرد انجمن صنفی، دریافت ورودیه، حق عضویت و کمک‌های داوطلبانه به ترتیبی که در اساسنامه مقرر می‌شود، همکاری در جهت تأسیس و تقویت شرکت‌های تعاونی، صندوق قرض‌الحسنه مرتبط با وظایف تشکل و تلاش در جهت تأمین امکانات رفاهی اعضا با رعایت مقررات مربوط، همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در جهت شناخت بهتر مشکلات کارگری و اجرای قانون کار، عضویت در کانون انجمن‌های صنفی مربوط پس از تصویب مجمع عمومی انجمن، فعالیت مشترک با کانون انجمن‌های صنفی مربوط در حدود قوانین و مقررات کشور و همکاری با سایر تشکل‌های کارگری و کارفرمایی و انجام سایر وظایف و اختیاراتی که به موجب قانون بر عهده انجمن های صنفی قرار داده شده است و شرکت در مذاکرات حرفه‌ای و انعقاد و پیمان‌های دسته جمعی با کارفرمایان یا تشکل‌های کار فرمایی خواهند داشت.

دولت بر اساس این تصویب نامه، تشکل‌های موضوع این آیین نامه را مکلف کرده است؛ ساختار تشکیلات و اساسنامه خود را با آیین نامه جدید منطبق کنند.

این تصویب نامه در تاریخ 3/8/89 پس از تایید رئیس جمهور، برای اجرا از سوی محمدرضا رحیمی؛ معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شده است.

—

خاموش کردن جنبش زنان در ایران/ مرکز اسناد حقوق بشر ایران

2011-01-07 · Archive ID 174
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=174

مرکز اسناد حقوق بشر ایران در یک گزارش شصت صفحه‌ای فشارهای وارد شده در دوران پس از انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 بر جنبش زنان ایران را بررسی کرده است. متن کامل این گزارش را در اینجا بخوانید.

—

کار با برنامه حقوق بشر سازمان ملل/کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل

2011-01-08 · Archive ID 185
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=185

راهنمای "کار با برنامه حقوق بشر سازمان ملل" دفترچه راهنمایی است که از سوی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل تهیه شده و از سوی بنیاد عبدالرحمن برومند به فارسی ترجمه شده است.

متن کامل این دفترچه را که برای سازمان‌های جامعه مدنی تهیه شده است، در اینجا دانلود کنید: کار با برنامه حقوق بشر سازمان ملل

—

تبعیض علیه اقلیت‌های قومی و دینی/ فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر

2011-01-08 · Archive ID 188
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=188

فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران در گزارشی با عنوان "رویه پنهان ایران: تبعیض علیه اقلیت‌های قومی و دینی" نابرابری‌های اعمال شده در این حوزه را بررسی کرده‌اند. این گزارش چهل صفحه‌ای را در اینجا بخوانید:

تبعیض ضد اقلیت‌های قومی و دینی در ایران

—

تاکید فعالان و پژوهشگران بر فعالیت پرتوان و مستدام زنان در نشست انجمن جامعه شناسی

2011-01-09 · Archive ID 161
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=161

مدرسه فمینیستی: گروه مطالعات زنان انجمن جامعه شناسی ایران در ششم دي ماه میز گردي با حضور دکتر شهلا اعزازی، دکتر محبوبه پاک نیا، فریده ماشینی، دکتر افسانه وارسته فر و شرکت افراد صاحب نظر حوزه زنان همچون دکتر شیرین احمدي نیا، دکتر افسانه نجم آبادي، فخرالسادات محتشمي پور، دکتر ناهید توسلی، منیژه نجم عراقی و... برگزار کرد.

مرکز امور زنان و خانواده دعوت را نپذیرفت: دیکر کار پژوهشی انجام نمی دهیم...



این میز گرد با هدف بررسي دستاورد های پژوهشی این مراکز و تاثیر ان در بهبود وضعیت زنان در ایران و با حضور جمع متنوعي از صاحبنظران، اساتيد، مترجمان و فعالين مراكز غير دولتي(NGO) در دانشكده ي علوم اجتماعي دانشگاه تهران برگزار شد. طبق گفته برگزارکنندگان این میزگرد، از مرکز امور زنان و خانواده نیز براي شركت در اين ميزگرد دعوت به عمل آمده بود كه متاسفانه معاونت پژوهشي اين نهاد اعلام كرده بودند كه "ديگر كار پژوهشي انجام نمي دهند و به كار فرهنگي مي پردازند" و بدين ترتيب دعوت را نپذيرفته بودند.

چهار سخنران با حضور تعدادی از صاحب نظران حوزه زنان

چهار سخنران اصلي ميزگرد، دكتر شهلا اعزازي (مدير گروه مطالعات زنان)، دكتر محبوبه پاك نيا (دانش آموخته ي علوم سياسي از فرانسه و عضو پژوهشكده ي زنان دانشگاه الزهرا)، مهندس فريده ماشيني (كارشناس ارشد مطالعات زنان و عضو گروه زنان پژوهشكده ي تعليم و تربيت) و دكتر افسانه وارسته فر (دكتراي جامعه شناسي از فرانسه و مدرس دانشگاهي مطالعات زنان) بودند كه البته جلسه پس از اتمام سخنرانی ها در ادامه به شكل جمعي و با اظهار نظرات صاحب نظران شركت كننده اداره شد.

شهلا اعزازی: این مجموعه ای که در حوزه زنان به پژوهش پرداخته اند تا به امروز چه کارنامه ای داشته اند؟

در ابتداي جلسه دكتر شهلا اعزازي با تسليت درگذشت دكتر محمد عبدالهي جامعه شناس و رئيس هيئت مديره ي انجمن جامعه شناسي در دو دوره كه از بانيان ساختار فعلي و گروه هاي متعدد انجمن جامعه شناسي بودند، ياد ايشان را گرامي داشت. اعزازي سپس در ادامه سخنان اش از حضور گسترده صاحبنظران حوزه زنان در ميزگرد تشكر كرد و هدف ميزگرد را بررسي كارنامه پژوهشي مطالعات زنان اعلام كرد. وي همچنين اضافه كرد: مسئله زنان در ايران مساله جديدي نيست بلكه سابقه يكصد ساله دارد و فعاليت زنان را می توان از دوران مشروطه ردیابی کرد. اين فعاليت ها خارج از فضاي دانشگاهي و به شكل فعاليت هاي غير دولتي از طرف فعالان حوزي زنان و بدون پژوهش هاي علمي انجام گرفته است كه با دست آوردهاي مهمي نظير حق تحصيل دختران اساسا راه را براي زنان امروز و مشخصا همه ي ما كه در اين جلسه شركت كرده ايم باز كرده است. انجمن ها و سازمان های غیردولتی همواره در رابطه پر تنشي با دولت قرار داشته اند؛ زماني به شكل رسمي و گاه با حمايت دولت و زماني نيز با محدوديت ها و مشكلاتي كه دولت برايشان به وجود می آورد به فعاليت خود ادامه می دادند و در اين وضعيت بود كه اين فعاليت ها (غالبا غير دولتي) دستاوردهايي نظير بالا بردن سن ازدواج دختران و اجازه خروج از كشور دختران مجرد را به همراه داشته اند.

شهلا اعزازی: این مجموعه ای که در حوزه زنان به پژوهش پرداخته، توانسته چيزي به بدنه مطالعات زنان بیافزایند؟ شهلا اعزازی در جای دیگری از سخنان خود تاکید کرد: «حدود ده سال از کنفرانس پکن می گذشت

كه رشته ي دانشگاهي "مطالعات زنان" تاسيس شد و دغدغه هاي زنان به محيط آكاديمك و پژوهشي راه پيدا كرد. بدون شک اين خواست فعالان زن كه بتوانند از جهت نظري نيز تقويت شوند، به كرسي نشانده شد. اگرچه امروز همين رشته دانشگاهي"مطالعات زنان" نيز بسيار دستخوش مشكلات عديده اي نظير دستور العمل ها و كاركردهايي كه به آن ديكته مي شود و نپذيرفتن دانشجو در سالهاي اخير شده است.

اعزازی در ادامه افزود: «به موازات راه اندازی رشته مطالعات زنان در سال 1995، دفاتر امور زنان در اكثر وزارتخانه ها به راه افتادند كه از دفاتر فعال مي توان به دفتر امور زنان وزارت كشور، آموزش و پرورش و بهداشت اشاره كرد و به اين ترتيب بود كه ما با مجموعه اي از دانشگاه ها، پژوهشكده ها و دفاتري مواجه شديم كه به مسائل زنان مي پرداختند. حال پرسش اصلی ما در اين ميزگرد اين است كه اين مجموعه ای كه در حوزه زنان به پژوهش پرداخته اند تا به امروز چه كارنامه ای داشته اند؟ آيا توانسته اند چيزي به بدنه ي مطالعات زنان بيافزايند؟ آيا اساسا مسائل واقعي زنان را پيگيري كرده اند يا پژوهش هايي با نتيجه هاي بديهي انجام داده اند؟ آيا اصلا مي توانستند به مسائل واقعي زنان بپردازند؟»

محبوبه پاک نيا: برای ترسيم چهره ای واقعی از زنان، ادبيات و نگارش زنانه كاراتر از پرسش نامه هاست

سخنران دوم اين ميزگرد دكتر محوبه پاك نيا، نويسنده كتاب "رودابه و سودابه"، بود كه به واسطه ي عضويت در پژوهشكده ي زنان دانشگاه الزهرا و همچنين پژوهش هاي ايشان در مورد "نوشتار زنانه"، در رابطه با پرسش اصلی ميزگرد، به سخنرانی پرداخت. پاک نيا، بحث خود را با بين رشته اي دانستن رشته ي مطالعات زنان و ارتباط تنگاتنگ آن با ادبيات، جامعه شناسي و علوم سياسي آغاز كرد. وي انگيزه هاي ابتدايي خود را براي ورود به رشته ي مطالعات زنان و همينطور ادبيات، برخورد با يکی از اشعار فردوسي دانست، همان بيت فردوسی كه می گويد:"زن و اژدها هر دو در خاک به / جهان پاک از اين هر دو ناپاک به ". وي گفت: پس از اولين برخوردم با اين شعر به مطالعه ادبيات كلاسيك ايران و شاعراني همچون فردوسي و نظامي پرداختم و اينجا بود كه متوجه شدم كه شاعران گرانقدر و بزرگ ما سخنگوي چه ديدگاه هايي در مورد زنان بوده اند و از همين رو اشعار آنان نياز به خوانش دوباره دارد، اگرچه واضح است كه اين بزرگان اساسا قرار نيست دغدغه مسائل زنان داشته باشند.

محبوبه پاک نيا در ادامه سخنان خود يادآور شد: به نظر مي آيد كه براي بهتر فهميدن وضعيت زنان، بايد به لايه هاي عميقتر و زير ساخت ها توجه كرد و مي توان از سه ديدگاه فلسفي، اجتماعي و فرهنگي به مسئله ي زنان پرداخت. در حوزه ي فرهنگي، شاخص فرهنگ را مي توان ادبيات (كه پتانسيل كليشه سازي دارد) دانست كه اين بيان ادبي (يعنی شعر و داستان) به گونه اي است كه مورد سوال قرار نمي گيرد، چرا كه شايد بتوان گفت كه خواننده در حقيقت شعر يا رمان را مي بلعد و آن را مورد نقادي يا پرسش قرار نمي دهد. امروز رمان و كتاب هاي شعر، تا حدود زيادي با توجه به نياز بازار نوشته شده اند و مشغول به ساختن كليشه هاي جديد از زن امروز هستند. اين درحاليست كه كليشه هاي جديد اساسا در كار ساخت موجودي غير واقعي (دوگانه ي "زن ستمديده/ ابر زن") است و نتيجه ي آن تنها سردرگمي بيشتر زن امروزي در محيط كار، در رابطه با همسر و در محيط خانه است. شايد چهره ي واقعي زن را بتوان تنها در نگارش هايي يافت كه در آنها زنان دست از خود سانسوري برمی دارند. از همين روست كه شايد بتوان ادعا كرد كه ادبيات و نگارش زنانه بسيار كاراتر از پرسش نامه هاي پر شده توسط زنان در ترسيم چهره اي واقعي از زنان، به پژوهش در اين حوزه كمك خواهد كرد.

فريده ماشينی: مديران از گروه مطالعات زنان آموزش و پرورش و پژوهش های ما انتظار نتيجه هاي دلخواه خود را دارند

سخنران بعدي ميزگرد مهندس فريده ماشيني بود كه بحث خود را با تشكر از حضور پر شمار علاقه مندان به ميز گرد آغاز كرد. فريده ماشينی اين آغازيه را درحالی بيان كرد كه بسياري از حضار ايستاده بحث را دنبال مي كردند و همچنان بر تعداد افراد در سالن هر لحظه اضافه مي شد.

فريده ماشينی در ادامه سخنرانی خود بحث اش را چنين ادامه می دهد: پس از سال 1376 دفاتر و پژوهشكده هايي با محوريت مسئله زنان آغاز به كار كردند و ميزان بازده اين مراكز با توانايي و تجربه ي فعالاني كه در اين مراكز فعاليت داشتند نسبت مستقيم داشت. يكي از اين مراكز، دفتر امور زنان آموزش و پرورش است كه

همانند بدنه ي جامعه ي فعالان زن در سالهاي 76 تا 78 دوره ي بسيار پرباري را سپري كرد و البته بعد از سال 78 نياز زيادي به دانش تئوريك در اين دفتر و بين فعالان آن (ناشي از خلا پژوهشي) احساس شد. تا پيش از راه اندازی اين دفتر، پژوهش ها در وزارت آموزش و پرورش بسيار سطحي (و شايد كورجنسي) انجام مي شد و هيچ گاه به مسائلي نظير جنسيت به عنوان فاكتوري اساسي و همچنين موقعيت واقعي زنان پرداخته نمي شد. اما با ايجاد اين دفتر امور زنان آموزش و پرورش در آن سالها اما ما شاهد شكوفايي پژوهش در مقوله هايي نظير پرداختن به جنسيت در آموزش و پرورش بوديم. در آن دوره در اين دفتر قرار بر اين شد كه پژوهش ها در سه محور دختران دانش آموز، زنان فرهنگي و موضوع جنسيت در آموزش و پرورش انجام شود. در ابتدا نگاهي به اندوخته ي اطلاعاتي كه از گذشته موجود بود داشتيم و با گردآوري اطلاعات موجود كتابچه اي را منتشر كرديم. همچنين طرح پژوهشي عظيم و كشوري را با همكاري نهاد زنان وزارت كشور وقت در مورد مقايسه ي دختران دانش آموز با پسران دانش آموز (بررسي ويژگي هاي تحصيلي و روان شناختي) انجام داديم و اين پژوهش تا حدود زيادي موفق به ترسيم تصويري واقعي از دختران شد.

فریده ماشینی در ادامه افزود: «البته به دلیل کمبود وقت در این جلسه، نمی توانم تمامي دستاورد هاي این پژوهش را در دفتر امور زنان آموزش و پرورش بررسی کنم و فقط اشاره ي كوتاهي به يكي از اين نتايج مي كنم.» ماشینی این نتیجه را چنین بیان کرد: «دختران در سراسر كشور از نظر نرخ قبولي و راندمان تحصيلي در وضعيت بهتري نسبت به پسران قرار داشتند در حاليكه در مورد "هوش هيجاني"،"رضايت از جنس خود" و "خودكارآمدگي" در وضعيت پايينتري نسبت به پسران قرار داشتند و اين گواه نكته ظريفي است و آن اين كه در حاليكه دختران از نظر تحصيلي در موقعيت بهتر قرار دارند (در حاليكه كه از امكانات كمتري بهرمندند) اما همچنان اين امتياز باعث نشده است كه از جنسيت خود راضي باشند. از نتايج ديگر اين پژوهش يك مورد ديگر را می خواهم ذکر کنم و آن این مسئله است که دختران نسبت به پسران از كليشه هاي جنسيتي كمتري برخوردار هستند.

فریده ماشینی سپس گفت: «همچنين گروه مطالعات زنان آموزش و پرورش در سالهاي 82 و 83 كه بحث سهميه بندي جنسيتي آزمون ورودي دانشگاه ها مطرح شده بود، دست به انجام پژوهش بسيار ارزشمندي زد كه از نتايج آن اين بود كه اساسا پيش فرض قانون گذار در تصويب اين قانون اشتباه بوده است و پسران هم به اندازه دختران به دانشگاه وارد مي شوند اما نه از طريق كنكور سراسري بلكه از طريق آموزش هاي مهارتي.

فریده ماشین همچنین به مشکلات کنونی پژوهش پرداخت و از آفات کنوني پژوهش ، به رویکرد پژوهش تنها به منظور خودِ پژوهش و نه به منظور کشف نتایج و آمار جدید و حل مشکل اشاره کرد و اظهار تاسف کرد که امروز پژوهش ها بدون نيازسنجي انجام مي گيرند و در نتيجه در گنجه ها خاك مي خورند. وي همچنين گفت: از ديگر مشكلات گروه زنان آموزش و پرورش، تلاش مديران براي ادغام گروه زنان در گروه خانواده و يا اساسا كمرنگ جلوه دادن ضرورت وجود گروه زنان در آموزش و پرورش است. گذشته از اين شايد بزرگترين چالش و مشكلي كه فعالان زن با آن روربرو هستند اين است كه مسئله ي زنان به شكل يك مخاطره ديده مي شود، يعني از ديد مديران كنونی، مسئله ي دختران ما، به آسيبي كه حضور اجتماعي دختران براي جامعه به همراه دارد، تبديل شده است و به طبع اين نوع نگاه، آنان فکر می کنند وظيفه گروه مطالعات زنان آموزش و پرورش، كنترل آسيب اجتماعي دختران است.

فریده ماشینی همچنین به مشکل دیگر پژوهش اشاره کرد و گفت: از ديگر آفاتي كه من به صورت گذرا به آن اشاره مي كنم تلاش بسيار زيادي ست كه براي متفاوت نشان دادن افراطي دختران و پسران انجام مي شود و پس از تزريق اين بينش، راه كارهايي نظير تاليف كتاب هاي درسي متفاوت براي دختران و پسران و تفاوت مدت آموزشي آنها ارائه مي دهند. در واقع به رغم تلاش گروه مطالعات زنان آموزش و پرورش براي بي طرفي در نتايج پژوهش هاي انجام گرفته، انتظار نتيجه هاي دلخواه خود را از ما و پژوهش هاي ما دارند.

افسانه وارسته فر: نبود خلاقیت در روش تحقیق و تکراری بودن موضوعات پژوهش در حوزه زنان ضعفی بزرگ در رشته مطالعات زنان است

سخنران آخر دکتر افسانه وارسته فر بود که بحث خود را به پژوهش هاي انجام گرفته توسط دانشجويان در رشته ي مطالعات زنان اختصاص داد. ایشان گفت: از موضوعاتي كه دانشجويان براي پايان نامه ي خود انتخاب

مي كنند مي توان به ادبيات، آموزش و پرورش و اشتغال زنان اشاره كرد كه مخصوصا در مورد اشتغال پژوهش هاي بسياري انجام شده و هم چنين نشست هاي دانشگاهي بسياری نيز با همين محوريت برگزار شده است. از نقاط ضعف اين پژوهش ها مي توان به همه گير شدن يك موضوع خاص در مقطع زماني كه توسط تعداد زيادي از دانشجوها به عنوان موضوع پژوهش/پايان نامه انتخاب مي شود، اشاره كرد. همچنين متاسفانه اساسا به موضوع جنسيت _ با توجه به نظريات گسترده در مورد آن _ نمي پردازند و تنها جنسيت به عنوان يک فاكتور تلقي مي شود كه در آخر يا تاثيري در نتيجه دارد و يا ندارد. از ديگر مشكلات اين رشته در دانشگاه مي توان به نبود متخصص آن رشته هم در منصب استاد و هم در جلسات دفاع، نبود خلاقيت در انتخاب موضوع پژوهش، تكراري بودن ايده ها و نبود جسارت در دانشجويان (جسارتي كه آموزش و پرورش هيچگاه آن را نپرورانده است) اشاره كرد.

افسانه وارسته فرد سپس ادامه داد: شايد بهتر باشد كه در بررسی برخي مسائل و انجام برخي از پژوهش ها به جاي استفاده ي صرف از روش هاي كمي از روش هاي كيفي و يا تلفيق هر دو روش استفاده شود. به طور مثال قريب به اتفاق پژوهش ها با موضوعاتي نظير" تاثير عوامل 1 و 2 و 3 در رضايتمندي زناشويي، شغلي، موفقيت تحصيلي و ..." انجام مي شوند كه تنها از روش كمي استفاده مي كنند. اين مسئله نشان از نبود خلاقيت در روش تحقيق و محقق مسائل واقعي زنان نبودن دارد كه ضعف بسيار بزرگي براي دانشگاهيان و دانشجويان رشته هايي نظير مطالعات زنان و جامعه شناسي محسوب می شود.

يکی از كارشناسان وزارت بهداشت: وزارت بهداشت از پژوهش ها در حوزه زنان استقبال مي كند

در ادامه دكتر شهلا اعزازي از بحث سخنرانان ميزگرد جمع بندي كوتاهي ارائه كرد و با اشاره به حضور جمع متنوعي از زنان در سالن از همه حضار، همراهان گروه و به خصوص از فعالان NGO ها ، دكتر شيرين احمدي نيا، دكتر افسانه نجم آبادي و خانم فخرالسادات محتشمي پور و... تشكر كرد و از حاضران خواست نظرات و يا پرسش های خود را مطرح كنند. اولين پرسش با دعوت شهلا اعزازی مطرح شد: زنان و مرداني كه با دغدغه ي زنان وارد اين رشته شده اند، با توجه به محدوديت ها و آراي ديكته شده از بالا، آيا در پيوند پژوهش با عمل و اجرا (در مقابل تئوري) توانسته اند موفق باشند و دستاوردي ارائه كنند؟ در پاسخ دكتر افسانه وارسته فر با اظهار تاسف از كم كاري و حتي بر چيده شدن دفاتر زنان در وزارتخانه ها، مهمترين عامل ضعف پيوند پژوهش و كار اجرايي را در نبود و عدم همكاري اين نهاد ها دانست.

فريده ماشيني نيز در پاسخ به اين پرسش، اين مسئله را مطرح كرد بايد به دستاوردهای پژوهش ها و تحقيقات انجام شده نگاه كرد و به آينده بيشتر اميدوار بود. وی تاكيد كرد كه در شرايط موجود و با وجود بضاعت اندک نهادهاي زنان، باز هم ما شاهد دستاوردهايي هستيم. البته براي تاثيرگذاري بيشتر اين پژوهش ها بر مسائل واقعي زنان از مهمترين كارهايي كه بايد انجام داد بالا بردن حساسيت زنان جامعه نسبت به مسائل شان و تبديل نيازهاي خام به مطالبات جمعياست تا بتوان خواست زنان را بر قانون گذاران و مديران تحميل كرد.

يكي از حاضران كه كارشناس بهداشت و در كارگروه بهداشت رواني و اعتياد وزارت بهداشت به فعاليت مشغول است در اين مورد گفت: پژوهش ها مادامي كه توليد آمار و اطلاعات جديد مي كنند می توانند كاربردی باشند.. وی در ادامه افزود: در وزارت بهداشت نه تنها از پژوهش ها در حوزه ي زنان استقبال مي شود بلكه اساسا اين وزارت خانه به اين گونه پژوهش ها نياز دارد. او سپس بر قابليت و ظرفيت اجرايي بودن پژوهش هاي انجام گرفته تاكيد كرد.

فخرالسادات محتشمی پور: زمانی بود كه مديران فعاليت و پژوهش در حوزه زنان را عبث می دانستند

در انتهای اين نشست فخرالسادات محتشمي پور به بيان تجربه شخصي خود در مورد مشكلات و موانع موجود بر سر راه پژوهش در حوزه ي زنان پرداخت و با يادآوري زماني كه اين رشته و پژوهش بسيار نوپا بود و از طرف سياست مداران فعاليت عبثي دانسته مي شد، خاطر نشان كرد: در كنفرانسي كه مدام گفته مي شد حتي يك نفر مقاله اي براي شركت در كنفرانس ارسال نخواهد كرد، ما دويست مقاله دريافت كرديم كه بيشتر از يك چهارم آنها كاملا مناسب محورهاي كنفرانس تشخيص داده شدند. در نتيجه بايد به فراخوان هايي از اين دست توجه بيشتري داشت چرا كه افرادي از رشته هاي متفاوت اما با دغدغه هاي مشترك در كنفرانس ها و سمينارها شركت خواهند كرد.

به رغم همه مشکلات، فعالیت زنان همچنان پرتوان و مستدام است

دکتر اعزازي در انتهای جلسه مجددا بر فعالیت پرتوان و مستدام زنان تاکید کرد و با بیان اینکه بسیار بر سر راه زنان ایجاد محدودیت و مشکلات مي شود، یاد آور شد که: این جریان پژوهش با محوریت زنان اگرچه با احداث رشته ي مطالعات زنان ظاهري رسمي یافت و با وجود اینکه حتي دیگر به طور مثال دانشگاه علامه دانشجویي براي این رشته نمي گیرد، جرياني نیست که بتوان آن را متوقف کرد.

—

اولین کنفرانس «شبکه سازی سازمان‌های مردم نهاد فعال در حوزه مواد مخدر کشورهای اکو» در تهران

2011-01-09 · Archive ID 199
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=199

عرصه سوم: اولین کنفرانس «شبکه سازی سازمان‌های مردم نهاد فعال در حوزه کاهش تقاضای مواد مخدر کشورهای عضو اکو» ۲۵ تا ۲۸ دی ماه ۱۳۸۹ از سوی »جمعیت تولد دوباره» در تهران برگزار می‌شود.

به گزارش وب سایت این جمعیت ، «تعیین نیازهای مشترک و مبنایی، مباحثه در خصوص چگونگی دست‌یابی به راه‌های موثر در امر پیشگیری از مواد، درمان و خدمات مراقبتی در زمینه HIV/AIDS در منطقه از طریق شبکه‌سازی در میان NGOها» از جمله اهداف برگزاری این کنفرانس است.

«گسترش هماهنگی میان افراد کلیدی ذینفع و پیرو آن تقویت همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی میان سازمان‌های شرکت کننده و ایجاد شبکه منطقه‌ای به ویژه در میان اعضای NGOهای عضو ECO» از دیگر اهدافی است که برای این کنفرانس تعریف شده است.

جمعیت تولد دوباره معتقد است که این کنفرانس می‌تواند «عرصه مهمی جهت مشارکت سازمان‌های مردم نهاد بین‌المللی و تبادل تجربیات گوناگون مرتبط با مصرف مواد اعتیاد آور» باشد.دبیرخانه اجرایی کنفرانس «شبکه سازی سازمان‌های مردم نهاد فعال در حوزه کاهش تقاضای کشورهای عضو اکو» از ۲۰ آذر ماه ۱۳۸۹ در دفتر مرکزی جمعیت خیریه تولد دوباره تشکیل شده است. عباس دیلمی‌زاده دبیر این همایش و امیرحسین برمکی مدیریت اجرایی آن را بر عهده دارد.جمعیت تولد دوباره یکی از سازمان مردم نهاد در زمینه کاهش تقاضا در ایران است که در شهرهای مختلف ایران شعبه دارد و فعالیت بر پیشگیری از مواد، درمان، بازتوانی و کاهش آسیب متمرکز است.جلسات مشاوره گروهی، آموزش و ارائه اطلاعات در زمینه کاهش آسیب و رفتارهای پرخطر، آموزش به جمعیت عمومی و افراد و گروههای در معرض خطر در زمینه کاهش آسیب و ارجاع به مراکز درمانی یا کانون‌ها از جمله فعالیت‌های این جمعیت است.

—

اعتراض کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران به حکم نسرین ستوده

2011-01-10 · Archive ID 193
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=193

عرصه سوم: کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران طی بیانیه‌ای محکومیت ۱۱ سال حبس برای نسرین ستوده، وکیل دادگستری و فعال حقوق زنان را را یک «بی‌عدالتی مفرط» خواند و خواستار فسخ این حکم در دادگاه تجدید نظر شد.

دادگاه انقلاب نسرین ستود را به ۱۱ سال حبس تعزیری، ۲۰ سال محرومیت از ارائه خدمات حقوقی و وکالت و ۲۰ سال ممنوعیت از خروج کشور محکوم کرده است.

وی به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به پنج سال حبس، به اتهام «عدم رعایت حجاب اسلامی در یک فیلم سخنرانی» به پنج سال حبس و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس محکوم شده است.

به گفته رضا خندان، همسر نسرین ستوده بازجویان خانم ستوده بارها به وی گفته بودند که «ما نمی‌گذاریم کمتر از ده سال زندانی به تو داده شود.»

هادی قائمی، سخنگوی کمپین می‌گوید: «این حکم یک حکم شفاف سیاسی با هدف حذف یکی از مدافعین پیشرو حقوق بشر از عرصهء فعالیت از طریق یک بی‌عدالتی محض است.»

به گفته وی: «نسرین ستوده هیچ قانونی را نقض نکرده است، اما به دلیل تعهدش به قوانین ایران و قوانین بین المللی، در سیستم قضایی ایران که اصرار به نقض حقوق بشر دارد، زندانی شده است.»

این بیانیه محکومیت نسرین ستوده را جزیی از یک «حمله سازماندهی شده علیه وکلای مدافع و فعالان حقوق بشر در ایران» دانسته است.

وی تمامی مدت بازداشت خود را در سلول انفرادی سپری کرده و سه بار در اعتراض به شرایط زندان و نقض آیین دادرسی در پرونده‌اش، دست به اعتصاب غذا زده است.

هم زمان با صدور این حکم، کمیته گزارشگران حقوق بشر از احضار کتبی نسیم غنوی، وکیل و رضا خندان، همسر نسرین ستوده به دادگاه انقلاب خبر داده است.

همسر نسرین ستوده با بیان اینکه در احضاریه از واژه «متهم» برای وی استفاده شده، گفت: «یک‌بار هم ۱۰ الی ۱۲ روز پس از بازداشت خانم ستوده احضار شدم و تذکراتی در مورد مصاحبه با رسانه‌ها دریافت کردم.»

نسرین ستوده وکیل دادگستری که در سال‌های اخیر وکالت بسیاری از فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران، کودکان قربانیِ کودک آزاری و کودکان در معرض اعدام را بر عهده داشته است، ۱۳ شهریور ماه سال جاری از سوی ماموران امنیتی بازداشت شد.

این برنده جایزه حقوق بشر «سازمان حقوق بشر بین‌الملل» یکی از فعالان کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز علیه زنان است و پیش از آن نیز در انجمن حمایت از کودکان عضویت داشته است.

—

حمایت مالی دولت از سازمان‌های مردم نهاد همسو با دولت

2011-01-10 · Archive ID 196
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=196

عرصه سوم:مهدی شریفی، سرپرست اداره کل سازمان‌های مردم نهاد وزارت کشور می‌گوید که «حمایت ریالی دولت» از سازمان‌های مردم نهاد منوط به «ارائه طرح و برنامه همسو با سیاست دولت و حفظ نظام» است.

به گزارش خبرگزاری فارس، وی که روز دوشنبه ۲۰ دی ماه در همایش و نمایشگاه توانمندی سازمان‌های مردم نهاد استان گلستان سخن می‌گفت، از کمک‌های برخی سازمان‌های مردم نهاد در «جریان فتنه سال گذشته و جنگ نرم» تشکر کرد.

مقامات دولتی ایران از اعتراضات پس از دهمین انتخابات ریاست جمهوری در سال گذشته به عنوان «فتنه» یاد می‌کنند و این اعتراضات را «جنگ نرم» می‌دانند.

به گفته این مقام مسئول درسال آینده فقط به طرح و برنامه‌هایی که «پس از بررسی مورد تایید قرار بگیرند» بودجه تخصیص خواهد یافت.

در پنج سال گذشته بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی با محدودیت و فشارهای دولت روبرو شده و مجوز برخی از این سازمان‌ها لغو شده است. حمایت دولت از سازمان‌های مردم نهاد وابسته به دولت از دیگر اتفاقاتی است که در چند سال اخیر در حوزه جامعه مدنی رخ داده است.

مهدی شریفی در این همایش اظهار داشت که راه اندازی «اداره کل سازمان مردم نهاد» در دولت نهم را نشانه قصد دولت برای «حمایت جدی» از سازمان‌های مردم نهاد است.

این در حالی است که بنا به گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌ها، این اداره تعامل مناسبی با سازمان‌های غیردولتی مستقل نداشته و حمایت‌های آن در اکثر مواقع شامل سازمان‌های شبه مدنی یا وابسته و حامی دولت شده است.

—

انتشار «کتاب شهادت‌ها» حاوی حکایت‌های شخصی ۵۰ مدافع حقوق بشر توسط خط مقدم

2011-01-14 · Archive ID 203
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=203

خط مقدم: سازمان حقوق بشری خط مقدم «کتاب شهادت‌ها» را منتشر کرده است که حاوی حکایت‌های شخصی ۵۰ مدافع حقوق بشر از سراسر جهان است که در پنجمین پلاتفرم دوبلین در فوریه ۲۰۱۰ شرکت داشتند. هر یک از مدافعان حقوق بشر که در این کتاب از آن‌ها نقل قول شده است، به خاطر فعالیت‌های مشروع حقوق بشر خود در معرض خطر جدی قرار دارند.

بتی کارینو Bety Carino از کشور مکزیک یکی از شرکت کنندگان در این پلاتفرم بود که متاسفانه در حمله گروه‌های شبه نظامی به کاروان کمک در منطقه اوکساکا Oaxaca در مکزیک کشته شد.

بتی کارینو در فوریه ۲۰۱۰ در پلتفورم گفته بود که «ما امروز می‌خواهیم تاریخ دیگری بسازیم. ما معترضیم و می‌گوئیم دیگر بس است. ما امروز وهمینجا می‌خواهیم بگوئیم که آن‌ها از ما می‌ترسند بخاطر آنکه ما از آن‌ها نمی‌ترسیم، بخاطر آنکه برغم تهدیدات، اتهامات، و اذیت و آزارها، ما همچنان بسوی خورشیدی قدم بر می‌داریم که معتقدیم بشدت خواهد درخشید. به اعتقاد ما دوره مردم فرا می‌رسد؛ دوران زنان سرکوب نشده و مردمی که در اعماق زندگی می‌کنند.»

پلاتقرم دوبلین در سال ۲۰۰۱ بمنظور ایجاد فضای امنی تاسیس شد که در آن مدافعان حقوق بشر بتوانند از تجربیات یکدیگر بیاموزند و به استراتژی‌های جدید و مؤثرتری دست یابند که آن‌ها را قادر می‌کند به کار خود ادامه دهند بدون اینکه با خطر آزار و اذیت، ارعاب یا بازداشت روبرو شوند.

خانم مری لالر، مدیر اجرائی خط مقدم امروز در دوبلین گفت: «مدافعان حقوق بشر می‌توانند گزینه ساده تری را انتخاب کنند؛ نیازهای مردم دورو بر خود را نادیده بگیرند و همه انرژی خود را صرف ساختن زندگی بهتر برای خود کنند. برعکس، آن‌ها همه شور، انرژی و تعهد خود را به مبارزه برای حقوق بشر اختصاص می‌دهند و بخاطر آن، هزینه سنگینی می‌پردازند.»

خانم لالر تاکید کرد که «سیاستمداران به آن‌ها تهمت می‌زنند و در رسانه‌ها منتشر می‌کنند. آن‌ها دشمنان کشور خطاب می‌شوند و در معرض تهدید زندان یا ترور قرار می‌گیرند. خانواده‌های آن‌ها نیز ممکن است در معرض خطرقرار گیرند و با انزوا در جامعه خود روبرو شوند. ولی مدافعان حقوق بشر فراتر از فشارها و رنج‌ها قد علم می‌کنند تا چشم انداز بلندشان را برای جامعه‌ای بهتر و امید دادن به دیگران، پایدار نگه دارند.»

به همین دلیل تلاش خط مقدم بر «حفاظت یک نفر قدرتبخشی به هزاران نفر» از مردمی بنا شده است که علیرغم خشونت و تهدیدها به مبارزه برای حقوق بشر برای همه ادامه می‌دهند.

یائنا سلامائی از تایلند گفت «من این را هم متوجه شدم که بسیاری از زنان دیگرهم رنج می‌بینند و کار من نیز با آن هاست. من می‌خواهم وقتم را صرف کسانی کنم که عزیزانشان را مثل من که به شوهرم دوسال پیش شلیک شد، از دست داده‌اند. ولی از آنجا که من برای عدالت مبارزه می‌کنم، می‌خواهم که مقامات تایلندی فکر نکنند که همه مسلمانان شورشی هستند.»

«کتاب شهادت‌ها» توسط خط مقدم هم بصورت کتاب و هم بصورت نرم افزاری پی دی اف موجود است. برای اطلاعات بیشتر با جیم لقران Jim Loughran، رئیس ارتباطات خط مقدم و با شماره تلفن ثابت ۰۰۳۵۳۱۲۱۲۳۷۵۰ یا تلفن همراه ۰۰۳۵۳۸۷۹۳۷۷۵۸۶ تماس بگیرید.

—

خطر غیر قانونی شدن همه سازمان‌های غیر دولتی پیشرو در ایران

2011-01-15 · Archive ID 85
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=85

عرصه سوم:مجلس شورای اسلامی بررسی پیش‌نویس قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی را که در سال ۱۳۸۶ توسط تعدادی از نمایندگان مجلس ارائه شده در دستور کار خود قرار داده است و این طرح پس از انجام اصلاحاتی از سوی کمیسیون تخصصی امور اجتماعی در انتظار بررسی و تصویب نمایندگان مجلس است.

عرصه سوم با اعتقاد به اینکه این طرح در راستای کنترل هرچه بیشتر سازمان‌های جامعه مدنی است، به بررسی و تحلیل آن پرداخته است:

تعریف سازمان - در پیش نویس طرح سال ۱۳۸۶ ارائه شده توسط برخی از نمایندگان مجلس، سازمان غیر دولتی بصورت یک بند تعریف شده بود که در اصلاحیه کمیسیون تخصصی مجلس به ماده تبدیل شده است. به غیر از موارد ظاهری در تعریف از جمله تغییر نام این سازمان‌ها به سازمان‌های مردم نهاد، نکته مهم اضافه شده در این ماده این است که سازمان غیردولتی آن سازمانی است که «با رعایت مقررات ذیل (منظورمقررات مندرج در این قانون است) درچهارچوب قانون اساسی، مبانی اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران [1] تاسیس شده باشد.»

در واقع این ماده در تعریف سازمان غیردولتی، از چارچوب قانون اساسی فراتر رفته و نه تنها مقررات مندرج در این طرح را بر قانون اساسی در بازشناسی یک سازمان غیر دولتی اولویت داده است، بلکه ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران را که بسیارمبهم، نامشخص، تعریف نشده و قابل تفسیر است را نیز برای شناسایی سازمان غیر دولتی ملاک قرار داده‌است. به این ترتیب قانون‌گذار کاملا دست مجریان را در عدم تائید سازمان‌های غیردولتی و انحلال آن‌ها با تفسیرهای خود خواسته باز می‌گذارد.

جایگاه انسان دوستانه در سازمان غیر دولتی - در تبصره ۴ بند اول پیش نویس سال ۱۳۸۶، در تعریف مفهوم سازمان وهدف انسان دوستانه تاکید شده بود که «انسان دوستانه: به معنای اینکه فعالیتهای سازمان فارغ از نژاد، رنگ، مذهب، جنس، سن و شغل و در جهت بهبود شرایط زندگی انسانها انجام شود.» در نسخه اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس کلمه انسان دوستانه از تعریف سازمان غیردولتی حذف شده است. با کمی دقت و اینکه تبصره چهار در کمیسیون اجتماعی مجلس حذف می‌شود می‌توان به این امر پی برد که چرا سازمان‌های انسان دوستانه در مفهوم سازمان‌های غیردولتی نمی‌گنجند. در واقع به‌خاطر تبصره ۴ بود که نوع سازمان‌های انسان دوستانه از تعریف سازمان‌های غیر دولتی نسخه اصلاحی مجلس حذف شد تا این تبصره حذف شود.

عمده ترین دلیل حذف این تبصره ابعاد برابری در دفاع از مذاهب، اقوام و همه اقلیت‌ها هستند. در واقع یکی از دلایل تعقیب قضایی سازمان‌هایی مثل کانون مدافعان حقوق بشر دفاع این کانون از بهائیان است. این همان جایی است که حتی با تغییر ماده اول در تعریف سازمان، و تاکید بر ارزش‌های اخلاقی جمهوری اسلامی ایران،

همچنان نگرانی دفاع از بهائیان به جای خود باقی مانده است. چرا که در سال‌های اخیر و با رشد آگاهی مردم از حقوق بشر، موضوع بهائیان و دفاع از اقوام و اقلیت‌ها از تابو بودن خارج شده و در افکار عمومی بعنوان حق مذهب و حق اقوام و اقلیت‌ها مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. در واقع این نگرانی نیروهای تندروی حاکمیت بقدری است که ترجیح داده‌اند که ماهیت یک سازمان غیر دولتی، انسان دوستانه نباشد تا این تبصره بر سازمان‌ها تعلق نگیرد.

غیر سیاسی بودن سازمان غیر دولتی- در تعریف غیر سیاسی بودن سازمان غیر دولتی در پیش نویس سال ۱۳۸۶ آمده بود که «غیر سیاسی: عبارت است از عدم فعالیت سیاسی، تحت عنوان شخصیت حقوقی سازمان به گونه‌ای که مشمول ماده یک قانون احزاب نگردد.» ماده یک قانون فعالیت احزاب به تعریف حزب پرداخته و هدف یک حزب را کسب قدرت سیاسی تعریف می‌کند. [2] طبیعی است که تعریف ارائه شده در پیش نویس سال ۱۳۸۶ و منع فعالیت سیاسی تحت شخصیت حقوقی طبق ماده یک قانون احزاب باعث تفکیک یک سازمان غیر دولتی از حزب در جایگاه کسب قدرت سیاسی معنادار است.

هر چند هنوز ضرورت این تفکیک نامشخص است، اما طبق این پیش نویس سال ۱۳۸۶، افراد در سازمان‌های غیر دولتی از هرگونه فعالیت سیاسی منع نمی‌شوند، بلکه بعنوان یک سازمان برای کسب قدرت سیاسی فعالیت نمی‌کنند، اما می‌توانند به نقد و بررسی سیاسی بپردازند و می‌توانند در زمان انتخابات، عرصه‌های نقد و بررسی نامزدهای انتخاباتی را فراهم کنند.

این ماده در کمیسیون تخصصی مجلس به شکلی تغییر یافته که یک سازمان غیر دولتی را از هرگونه فعالیت سیاسی منع کرده و فراتر از ماده یک قانون احزاب پیش رفته و سازمان‌های غیر دولتی را از هرگونه فعالیت سیاسی منع می‌کند: «تبصره ۵- غیر سیاسی: عبارت است از عدم انجام هر گونه فعالیتی به گونه‌ای که مشمول ماده ۱ قانون احزاب باشد و تحت عنوان شخصیت حقوقی سمن در قالب‌های اجتماعی و سیاسی برای تصدی پست‌های حساس شرکت نداشته و به نفع و علیه افراد و جریانات سیاسی تبلیغ ننماید .» [3]

پر واضح است که دغدغه اصلی طراحان این تغییرات در کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی، این است که در شرایطی که فضای سیاسی برای فعالیت‌های احزاب منتقد دولت کاملا بسته شده، احزاب در قالب فعالیت‌های اجتماعی در میان مردم حضور پیدا کنند و به این ترتیب عرصه برای تغییر قدرت سیاسی توسط نیروهای منتقد دولت فراهم شود.

در تائید این نظر که برای از دور خارج کردن فعالان سیاسی از حوزه سازمان‌های غیر دولتی تلاشی همه جانبه در جریان است، می‌توان به این بند الحاقی در طرح اصلاح شده توسط کمیسیون تخصصی مجلس اشاره کرد که برای شرایط عضویت در هئیت موسس، هئیت مدیره، مدیرعامل و بازرسان یک سازمان غیر دولتی «عدم وابستگی تشکیلاتی به احزاب، سازمان‌ها، و گروه‌های غیر قانونی و معاند که از طرف مراجع صالحه اعلام شده اند» اشاره کرد.

این در حالی است که هم اکنون اکثر قریب به اتفاق همه سازمان‌ها و احزاب سیاسی منتقد دولت غیر قانونی اعلام شده‌اند و آن تعدادی که هنوز رسما از سوی وزارت کشور (1) غیر قانونی اعلام نشده‌اند مانند مجمع روحانیون مبارز نیز بطور مرتب فعالیت‌های‌شان غیر قانونی تلقی شده است. به این ترتیب راه برای از دور خارج کردن هر فردی که زمانی همراه با هر سازمان سیاسی بوده‌است، فراهم می‌شود.

باید توجه داشت که سازمان‌های ثبت شده قبلی نیز باید مسیر تائید یک سازمان غیر دولتی را طبق این طرح جدید پشت سر بگذارند وگرنه ثبت قانونی آن‌ها باطل می‌شود. بسیاری از مدیران، اعضای هئیت مدیره و یا بازرسان این سازمان‌ها از نظر تصمیم گیران امروزی متهم هستند که با سازمان‌ها و احزابی که اخیرا غیر قانونی اعلام شده‌اند، ارتباط داشته‌اند. به این ترتیب راه برای باطل و غیر قانونی کردن اکثر سازمان‌های غیر دولتی قبلی فراهم می‌شود.

این همان نکته مهمی است که در صحبت‌های علیرضا افشار،معاون امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور به‌طور متناقض در نشست هم اندیشی سازمان‌های غیر دولتی و نمایندگان وزارت کشور ارائه شده است. به گزارش ایرنا و جام جام آنلاین، افشار در این نشست تاکید کرد:«این سازمان‌ها حق فعالیت سیاسی ندارند و

نمی‌توانند در قالب جناح و گروه، در مقابل دولت و دستگاه‌های دولتی موضعگیری کنند.» [4] هر چند آقای افشار هیچ محدودیتی در تعریف فعالیت سیاسی از دید خود نداشته و به وضوح اعلام کرده‌است که در مقابل دولت و دستگاه‌های دولتی نباید موضعگیری کنند، (یعنی برعکس آن تائید می‌شود و فعالیت سیاسی تلقی نمی‌شود)، اما نکته مهمتر و متناقض این است که ایشان مصداق یک سازمان غیر دولتی را بسیج می‌داند و اعلام می‌کند که «بسیج و اردوهای جهادی بزرگترین تشکل‌های مردمی هستند.» [5]

در اینکه بسیج یک تشکل وابسته نظامی است هیچ شکی نیست و جایگاه ساختاری آن در نظام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کاملا این امر را تائید می‌کند. استفاده سیاسی از این نیروهای شبه نظامی بسیجی در تحولات اخیر ایران، چه در جریان قبل از انتخابات ریاست جمهوری برای اعمال تقلب و چه در جریان پس از اعلام نتایج انتخابات که منجر به حرکت‌های اجتماعی شد، نیز همواره مورد اعتراض نیروهای پیشروی اجتماعی بوده است.

اما هرگز تصور نمی‌شد که چنین نیروی وابسته نظامی که درعرصه سیاسی به نفع جناح حاکم فعال است نه تنها بعنوان بزرگترین سازمان غیر دولتی معرفی شود بلکه بر غیر سیاسی بودن آن تاکید شود. این زنگ خطربزرگی است که نشان می‌دهد که هدف از سمت و سو دادن به سازمان‌های غیر دولتی، تبدیل آن‌ها به نیروهایی همچون بسیج و در خدمت قدرت حاکمه است.

عدم مصونیت سازمان‌های غیر دولتی در نقد تخصصی فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی- در پیش نویس طرح سال ۱۳۸۶ در بند (ج) ماده یک، هئیت حقیقت یابی پیش بینی شده بود که از نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌های آن‌ها تشکیل می‌شدند و وظیفه این هئیت‌ها این بود که زمانی که این سازمان‌های تخصصی غیر دولتی در مورد فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی سوالاتی مطرح می‌کنند، این هئیت به بررسی آن‌ها پرداخته و نتیجه بررسی‌ها را به گروه‌های ذی‌نفع اعلام کنند. این بند کلا از طرح اصلاحیه توسط کمیسیون تخصصی حذف شده است و بر اساس اصلاحیه جدید فعالیت‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی نباید توسط سازمان‌های غیر دولتی مورد سوال قرار گیرد.

در مقابل، بندی به بخش هئیت‌های نظارت اضافه شده‌است که رسیدگی به تخلفات و گزارش‌های عمومی و تخصصی سازمان‌های غیر دولتی و صدور رای طبق مقررات این قانون بر عهده هئیت‌های نظارت گذاشته شده است. ترکیب اعضای این هئیت‌های نظارت، ظرفیت بی طرفی این هئیت‌ها را به زیر سوال می‌برد، و در ضمن از آنجا که این هئیت‌ها مرجع صدور حکم هستند باعث می‌شود که سازمان‌های غیر دولتی اساسا نتوانند به آن‌ها اعتماد کنند و جنبه گزارش‌دهی در مورد فعالیت‌های سازمان‌های دولتی وغیر دولتی عملا منتفی می‌شود. ظرفیت و بی‌طرفی این هئیت‌ها در بخش ساختارهئیت‌های نظارت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

موضوع نقد دستگاه‌های دولتی نیز بوضوح در سخنان علیرضا افشار در نشست هم اندیشی سازمان‌های مردم نهاد و وزارت کشور مطرح شد و آقای افشار رسما اعلام کرد که سازمان‌های غیر دولتی حق انتقاد از دولت را در رسانه‌ها و عرصه‌های عمومی ندارند. [6] در اصل قرار بوده که هئیت‌های حقیقت یاب که پیش‌بینی شده بود که منتخب سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌های آن‌ها باشند، موارد گزارش شده توسط سازمان‌های غیر دولتی را بررسی و به گروه‌های ذینفع که مردم بخش اصلی آن هستند، اطلاع رسانی کنند.

ثبت سازمان‌های غیر دولتی - در پیش نویس سال ۱۳۸۶، طبق روال معمول سند ثبت این سازمان‌ها به این شرح تعریف شده است: «سند ثبت: سندی است که توسط اداره کل ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی با رعایت ضوابط این قانون در جهت تاسیس سازمان یا شبکه صادر می‌شود.» در طرح اصلاحی کمیسیون تخصصی مجلس و در نفی مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت، این بند حذف شده و دو بند به جای آن اضافه شده که در واقع هر سازمان غیر دولتی نتواند به راحتی و طبق قوانین رسمی کشور ثبت شود. بر اساس پیش‌نویس جدید حکم ابطال غیر اختیاری سازمان‌های غیر دولتی نه با دستور دادگاه که بخواست هئیت‌های نظارت صورت می‌گیرد.

طبق این اصلاحیه هر سازمان برای شروع فعالیت نیاز به کسب پروانه‌ای دارد که خود، ماجرای کنترل این سازمان‌ها را تائید می‌کند. در واقع مشکلی که برای ابطال سازمان‌های غیر دولتی منتقد دولت اقتدارگرا وجود دارد همین است که این سازمان‌ها طبق قانون رسمی کشوری ثبت شده و رسمی هستند اما ممکن است که وزارت کشور برای آن‌ها پروانه فعالیت صادر نکرده باشد و ابطال این سازمان‌ها طبق قانون رسمی کشوری از اختیار وزارت کشور خارج است و حداقل باید حکمی توسط دادگاه صادر شود.

در واقع هر سازمان غیر دولتی قبلا می‌توانست با ثبت ساده، کار و فعالیت خود را شروع کند، وحتی اگر وزارت کشور پروانه فعالیت برای سازمان‌های غیر دولتی صادر نمی‌کرد، از نظر قانونی این سازمان می‌توانست فعالیت کند اما نمی‌توانست که از امتیازات سازمان پروانه دار استفاده کند. اما با تصویب این طرح، قانونا سازمان ثبت اسناد و املاک از ثبت سازمان‌های غیر دولتی قبل از تائید هئیت نظارت منع شده‌اند و شروع فعالیت آن‌ها هم تنها پس از صدور پروانه فعالیت [7] امکان پذیر است.

طبق این اصلاحیه، هر سازمان متقاضی ثبت باید اول توسط هئیت نظارت تائید شود و سازمان ثبت اسناد و املاک هم مکلف شده است که تنها آن دسته از سازمان‌های غیر دولتی را به ثبت برساند که دارای مجوز از هئیت نظارت هستند. البته خود ترکیب هئیت نظارت هم از نکات بسیار مهمی است که در ساختار هئیت نظارت به آن پرداخته می‌شود.

از نکات بارزی که به معنای کنترل کلیه سازمان‌های غیر دولتی فعال است این است که طبق فصل پنجم طرح اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس، همه سازمان‌های غیر دولتی که قبلا ثبت شده‌اند و فعالند باید در چارچوب این قانون جدید خود را انطباق دهند و عدم مراجعه آن‌ها پس از دو ماه از تصویب این طرح برای تطبیق قانون جدید به معنای عدم تمایل برای ادامه فعالیت تلقی می‌شود و طبق درخواست هئیت عالی از اداره ثبت اسناد و املاک، شماره ثبت این سازمان‌ها لغو می‌شود.

به این ترتیب همه سازمان‌ها یا باید در چارچوب مقررات جدید فعالیت کنند و یا با ابطال شماره ثبت‌شان، غیر قانونی می‌شوند. البته با دلایلی که در بخش سیاسی ذکر شد، پر واضح است که بسیاری از این سازمان‌ها در روند تائید توسط هئیت عالی، مورد تائید قرار نخواهند گرفت و به این ترتیب هئیت عالی حکم ابطال ثبت آن‌ها را صادر خواهد کرد.

نه تنها این فرآیند دستوری به اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعت یبرای ثبت و ابطال سازمان‌های غیر دولتی خلاف قوانین رسمی تجارت کشور است، بلکه در مغایرت کامل با اصل ۲۶ قانون اساسی دارد که طبق آن هر فردی می‌تواند نسبت به تشکیل هر گونه سازمانی که مغایرت با اصول آزادی، استقلال و اساس جمهوری اسلامی نداشته باشد، اقدام کند.

شبکه‌های سازمان‌های غیر دولتی- اولین موضوع مربوط به شبکه‌های سازمان‌های غیر دولتی در طرح اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس شورای اسلامی ایران، منع استفاده از نام‌های شناخته شده :«شورای همآهنگی، خانه، اتحادیه، فدراسیون» برای تعیین نوع شبکه بوده است. شاید در نظر اول این یک منع ساده استفاده از اسم باشد، اما نگاهی عمیقتر به مفهوم اتحادیه، فدراسیون و یا شورای همآهنگی گویای ماهیت انتخاباتی بودن این نهادها هستند. یعنی اتحادیه از تعدادی از سازمان‌های مشابهی تشکیل می‌شود که اعضای این اتحادیه توسط آن سازمان‌ها انتخاب شده باشند و از نظر شیوه گردش کار باید به این سازمان‌ها گزارش بدهند و نسبت به آن‌ها پاسخگو باشند.

همین مفهوم درشورای همآهنگی که اصطلاحی است داخلی، نهفته است و در سال‌های اخیر در ایران میان سازمان‌های مشابه مثلا کانون‌های صنفی معلمان در ایران، شوراهای همآهنگی منطقه‌ای و ملی این کانون‌ها از طریق انتخاباتی که با حضور بیش از ۴۰ کانون صنفی کشوری انجام شد، تشکیل شده است.

وقتی که به بندهای حذف و اضافه شده در مورد شبکه‌های سازمان‌های غیر دولتی در طرح اصلاحیه کمیسیون تخصصی مجلس دقت کنیم دقیقا همین روند را می‌بینیم. یعنی از نظر اصلاح کنندگان این طرح، شبکه فقط یک سازمان غیر دولتی تلقی می‌شود نه مجموعه ارتباطات نهادینه شده‌ای که از سوی سازمان‌های همسو و هم هدف در جریان انتخابات برای تامین اهداف همه آن سازمان‌ها تشکیل می‌شود.

در پیش نویس سال ۱۳۸۶، شبکه مجموعه‌ای از سازمان‌های غیر دولتی بودند [8] و برای آن یک هئیت موسس شبکه پیش بینی شده بود که از سازمان‌های متقاضی تاسیس شبکه در حوزه مشخص تشکیل می‌شده‌است. در حالی‌که در اصلاحیه کمیسیون مجلس، شبکه به یک سازمان غیر دولتی (سمن) ی گفته می‌شود که از تعدادی سازمان‌های غیر دولتی همسو و هم هدف تشکیل می‌شود و بند مربوط به هئیت موسس شبکه نیز برای آن حذف شده‌است. البته تاکید شده است که برای تشکیل شبکه باید ۱۰ سازمان مردم نهاد متقاضی تشکیل آن

شبکه باشند. اما واقعیت این است که شبکه را به حد یک سازمان غیر دولتی از نظر فعالیت و ارتباطات با سایر سازمان‌ها تقلیل داده‌اند. مثلا می‌توان یک سازمان غیر دولتی درست کرد و گفت که این شبکه سازمان‌های غیر دولتی مثلا محیط زیست است بدون این که همه سازمان‌های غیر دولتی محیط زیست در تشکیل به روش انتخاباتی یا هدایت آن نقشی داشته باشند و روح پویای آن را تغذیه کنند.

به این ترتیب برای سازمان‌های غیر دولتی تخصصی، به نام شبکه‌ها نیز تشکل‌هایی ایجاد می‌شود. این در واقع همان الگوی خانه کارگر است که از انجمن‌های اسلامی کار تشکیل می‌شوند و کاملا در خدمت و اختیار دولت هستند در حالیکه اگر قرار بود که مثلا فدراسیون کارگران فلزکار تشکیل شود، باید اول اتحادیه فلزکارها در هر منطقه تشکیل می‌شد و از دل آن‌ها انتخاباتی انجام می‌شد و فدراسیون کارگران فلزکار شکل می‌گرفت و این همان چیزی است که طراحان تشکل‌های سازمان‌های غیر دولتی از آن نگرانند؛ انتخابات و مجمع عمومی و ارتباطات غیر کنترل شده در سطح کشوری. اما درست این همان چیزی است که به جامعه مدنی هویت واقعی و استقلال واقعی می‌دهد؛ یعنی انتخاب شدن توسط گروه‌های ذینفع و پاسخگو بودن به گروه‌های ذینفع.

هئیت‌های نظارت بر فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی – در پیش نویس طرح پیشنهادی سال ۱۳۸۶، هئیت‌های نظارت در سه سطح پیش‌بینی شده بودند: شهرستان، استان و ملی. اعضای این هئیت‌ها ۸ نفر پیش بینی شده بودند که ۳ نفر آن‌ها نماینده سازمان‌های غیر دولتی بودند، و از نیروهای دولتی در سطح شهرستان، نماینده فرماندار، نماینده نیروهای انتظامی، نماینده دستگاه تخصصی، نماینده شورای اسلامی شهرستان، نماینده اداره امور اقتصادی و دارایی پیش بینی شده بودند که در سطح استان، نماینده استاندار و نماینده شورای اسلامی استان و در سطح ملی نماینده وزارت کشور و نماینده شورای عالی استان‌ها به ترتیب جایگزین می‌شدند. وظیفه‌ای که در پیش نویس سال ۱۳۸۶ برعهده هئیت‌های نظارت گذاشته شده بود، نظارت بر فعالیت سازمان‌ها و شبکه هاً طبق همین قانون مصوب بود.

در اصلاحیه طرح پیشنهادی کمیسیون تخصصی مجلس، هئیت‌ها به سه دسته هئیت عالی، هئیت استانی و هئیت شهرستان تقسیم شده‌اند. در نامگذاری هئیت‌ها در سه سطح، در واقع ماهیت وظایف این هئیت‌ها نهفته است: هئیت‌های شهرستان و استان هئیت‌های نظارتی بر فعالیت‌های سازمان‌های غیر دولتی هستند اما هئیت عالی یک «مرجع عالی سیاستگذاری و تصمیم گیری و نظارت در امور سازمان‌های مردم نهاد و هماهنگی میان مراجع نظارتی» است. در تعریف وظایف هئیت عالی «سیاستگذاری و نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد» در کنار سایر وظایف آورده شده است. البته نه تنها وظیفه سیاست‌گذاری برای تاسیس یک سازمان غیر دولتی بلکه صدور رای انحلال برای آن‌ها نیز از وظایف این هئیت هاست. فراتر از آن‌ها، اقدامات روزمره همچون راهپیمایی و تجمع نیز باید از فیلتر هئیت عالی بگذرد چرا که بررسی تقاضا برای هر گونه تجمع و راهپیمایی هر سازمان غیر دولتی باید به هئیت عالی گزارش شود و پس از بررسی از طرف این هئیت به مراجع ذیربط منتقل بشود. این‌ها علاوه بر سایر وظایف سیاستگذاری است که در فصل چهارم طرح اصلاح شده توسط کمیسیون تخصصی مجلس است مثلا سیاست‌گذاری برای ساماندهی سازمان‌های غیر دولتی که معلوم نیست حیطه و حوزه آن‌ها چیست.

به این ترتیب سازمان‌های غیر دولتی صاحب یک نهاد عالی برای سیاستگذاری و تصمیم گیری می‌شوند، یعنی هئیت مدیره و اعضای هر سازمان غیر دولتی بجای اینکه قدرت سیاستگذاری داشته باشند باید تابع هئیت عالی باشند که ترکیب آن بسیار قابل تامل است. جالب توجه‌است که هئیت‌های نظارتی شهرستان و استان نیز تابع هئیت عالی ومجری تصیمات آن هستند.

ترکیب اعضای این نهاد عالی به جای ۵ نفر نیروی دولتی و سه نفر نماینده سازمان‌های غیردولتی که طبق پیش نویس سال ۱۳۸۶ باید هر دو سال یکبار توسط سازمان‌های غیر دولتی انتخاب می‌شدند، به طرز حیرت انگیزی تغییر می‌کند که می‌توان پی برد که چرا وظیفه تصمیم گیری و سیاستگذاری بر عهده این هئیت عالی گذاشته شده‌است. به ترکیب این اعضا در سطح عالی علاوه بر ۵ نماینده سابق دولتی، نمایندگان قوه قضائیه، وزارت امورخارجه، وزارت اطلاعات، امور اوقاف، امور مساجد، نیروی مقاومت بسیج، سازمان تبلیغات اسلامی اضافه شده‌اند و تعداد نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی از سه نفر به یک نفر تقلیل یافته‌است. نکته مهم دیگر این است که ریاست این هئیت عالی بر عهده وزارت کشور است که هر بار بر حسب نوع تصمیم گیری، یکی از معاونین وزارت کشور مسئولیت آن را برعهده می‌گیرد. به همین ترتیب نیز بر نیروهای دولتی در هئیت‌های

نظارت شهرستان و استان اضافه شده و نمایندگان دادستانی، وزارت اطلاعات، امور مساجد، امام جمعه، سازمان تبیغات اسلامی اضافه شده و تعداد نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی به یک نفر تقلیل یافته‌است. محل دبیرخانه هر یک از این هئیت‌ها فرمانداری، استانداری و وزارت کشور اعلام شده‌است، در حالیکه در پیش نویس سال ۱۳۸۶، قرار بوده‌است که طبق آئین نامه اجرایی قانون، برای محل دبیرخانه تصمیم گیری شود.

علاوه بر وظیفه بسیار مشخص سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری که برای هئیت عالی در نظر گرفته شده است، و نقش هماهنگی میان هئیت‌های نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی برعهده آن گذاشته شده است، در تعریف هئیت نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی که در برگیرنده هئیت‌های نظارتی شهرستان و استان (و بطور تلویحی هئیت عالی چرا که وظیفه هماهنگی میان این دو را دارد) است، صدور رای نیز دیده می‌شود: «هئیت نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد: عبارت است از مشمول اجرای مصوبات هئیت عالی در سطح استانی و شهرستانی، نظارت بر عملکرد دستگاه‌های تخصصی مربوطه، رسیدگی به تخلفات و گزارشات تخصصی و عمومی واصله از سمن‌ها و صدور رای طبق مقررات این قانون.»

نه تنها در این تعریف نقش نظارتی سازمان‌های غیر دولتی بر فعالیت‌های سازمان‌های دولتی به عهده هئیت نظارت در شهرستان و استان واگذار شده‌است (یادآوری می‌شود که به ترکیب این هئیت‌ها توجه شود) بلکه سازمان‌های غیر دولتی در حد خرده پای گزارش ده به این هئیت نظارت مورد توجه قرار گرفته‌اند تا آن‌ها وظایف نظارتی خود بر عملکرد دستگاه‌های دولتی را به انجام برسانند.

با مروری بر وظایف تعریف شده سیاستگذاری هئیت عالی و تصمیم‌گیری‌های آن در بخش‌های مختلف این طرح اصلاح شده توسط کمیسیون تخصصی مجلس، بیشتر می‌توان به عمق این سیاست‌ها و تصمیمات پی برد. همانگونه که فقط در سه مورد ذیل آورده شده‌است، تصمیم گیری برای تاسیس و فعالیت سازمان غیر دولتی، واگذاری پروژه‌های دولتی و اعتبارات و تسهیلات، و هر گونه حضور در مجامع بین‌المللی باید با تصمیم هئیت عالی انجام شود. در واقع هئیت عالی یک نهاد برتر برای سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌های آن هاست که همواره می‌تواند هر نوع تصمیم توسط هئیت مدیره‌های آن‌ها را نقض کند.

در فصل دوم مربوط به حقوق و وظایف سازمان‌های غیر دولتی، ماده ۴، تبصره‌هایی به پیش نویس سال ۱۳۸۶ اضافه شده است که نشان می‌دهد که سازمان‌های غیر دولتی کاملا باید مطابق تصمیمات هئیت عالی عمل کنند:

۱) هر گونه عضویت در سازمان‌های بین‌المللی و هر گونه همکاری و فعالیت بین‌المللی باید با مجوز هئیت عالی انجام شود. جالب توجه است که منظور از هرگونه همکاری و فعالیت بین‌المللی فقط عقد قراردادها و کمک مالی نیست بلکه حتی شرکت در همایش‌ها و دوره‌های آموزشی در خارج از کشور نیز باید به تائید هئیت عالی برسد. و این سازمان‌های بین‌المللی در برگیرنده آژانس‌های سازمان ملل هم می‌شوند.

۲) هرگونه تصمیم برای توزیع اعتبارات و تسهیلات به سازمان‌های غیر دولتی در چارچوب سیاست‌ها و تصمیمات هئیت عالی صورت می‌گیرد.

۳) صدور مجوز برای ثبت و صدور پروانه فعالیت برای سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌ها بر عهده هئیت‌های نظارت بر تاسیس و هئیت عالی است. هئیت عالی می‌تواند در مورد انحلال سازمان بصورت غیر اختیاری نیز تصمیم گیری کند. در حالیکه این امر تاکنون همواره فقط در اختیار دادگاه‌ها بوده‌اند.

باید توجه داشت که در پیش نویس سال ۱۳۸۶، در فصل چهارم مربوط به نظارت بر تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی پیش بینی شده بود که در صورت گزارش تخلف از یک سازمان غیر دولتی به یک هئیت نظارت، این هئیت پس از بررسی و وارد بودن تخلف، مراحل تذکر شفاهی، تذکر کتبی و درج در پرونده و نهایتا تقاضای توقف موقت فعالیت یا انحلال سازمان از دادگاه صالحه را باید طی می‌کرد. اما در اصلاحیه پیش نویس توسط کمیسیون مجلس، مراحل تذکر کتبی، محرومیت از خدمات و یا حمایت‌ها، تعلیق موقت فعالیت برای یک سال و نهایتا انحلال سازمان متخلف با رای هئیت عالی است و اداره ثبت اسناد و مدارک کشور نیز موظف است که شماره ثبت سازمان غیر دولتی مربوطه را باطل کند و هیچ دادگاه صالحه‌ای در این زمینه حضور نخواهد داشت. فقط برای تشدید مجازات یک سازمان غیر دولتی متخلف که مرتکب جرمی هم شده باشد، هئیت

عالی بخاطر این جرم می‌تواند به دادگاه صالحه شکایت ببرد. اما در حوزه فعالیت و انحلال سازمان اختیار تام با هئیت عالی است.

منابع مالی سازمان‌های غیر دولتی- در پیش نویس سال ۱۳۸۶، برای حفظ استقلال مالی، یک سازمان غیر دولتی حداکثر می‌توانست ۶۰ درصد از بودجه سالیانه خود را از منابع دولتی تامین کند. و این ماده ۶ فصل پنجم در اصلاحیه کمیسیون تخصصی مجلس حذف می‌شود. به این ترتیب سازمان‌های غیر دولتی می‌توانند ۱۰۰ درصد منابع مالی خود را از طریق دولت تامین کنند و این راه را برای وابستگی کامل این سازمان‌ها به دولت فراهم می‌کند. اگر حذف این محدودیت در تامین منابع مالی را با نقش تصمیم گیری هئیت‌های نظارت برای واگذاری فعالیت‌ها و اعتبارات و تسهیلات دولتی و عقد قرارداد با سازمان‌های بین‌المللی خارجی در کنار هم در نظر بگیریم و یادمان نرود که ترکیب هئیت‌های نظارت و عالی چه کسانی هستند، می‌توان به چگونگی فرآیند تبدیل سازمان‌های غیر دولتی به ابزار صد درصد دولتی پی برد.

طبق ماده الحاقی به فصل پنجم، «هیات عالی مکلف است بودجه لازم در جهت تشویق، توانمند سازی، اطلاع رسانی، حمایت از سمن‌ها و سایر هزینه‌های جاری را در قوانین بودجه سنواتی وزارت کشور پیش بینی نموده و به دولت پیشنهاد دهد.» به این ترتیب سازمان‌های غیر دولتی، به واحدهای وزارت کشور تقلیل پیدا می‌کنند. البته آن دسته که نه تنها توسط هئیت‌های عالی و نظارت تائید شده باشند، بلکه فعالیت‌های آن‌ها کاملا در چارچوب دولت و در حمایت از دولت نظارت شده باشد.

رابطه سازمان‌های غیر دولتی و دولت – در پیش نویس سال ۱۳۸۶، در فصل پنجم درمورد حقوق و وظایف سازمان‌های غیر دولتی، طبق مواد ۱۳ تا ۱۷، به وظایف دولت در ارائه اطلاعات طبقه بندی نشده به سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌ها، بهره گیری از خدمات مشاوره‌ای این سازمان‌ها و شبکه‌های مربوط به آن‌ها، حضور در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها و در نظارت بر عملکرد بخش‌های دولتی و عمومی، و واگذاری اجرای پروژه‌های تخصصی دولتی به این سازمان‌ها تاکید شده بود. اصلاحات انجام شده توسط کمیسیون مجلس به گونه‌ای است که هیچ الزامی برای دولت در انجام این وظایف ایجاد نمی‌کند و آن را در حد دولت «می‌تواند» بجای موکلف است یا «طبق قوانین و مقررات» رها می‌کند تا سازمان‌های غیر دولتی برای اینکه بتوانند در این فرآیندهای تصمیم گیری حضور داشته باشند و یا پروژه‌ای در اختیار بگیرند یا منابع مالی برایشان تامین شود یا مجوز ارتباط با سازمان‌های غیر دولتی را از هئیت عالی و هئیت‌های نظارت دریافت کنند، باید تبدیل به عوامل صددرصد اجرایی و تابعی دولت اقتدارگرا شوند. در غیر این صورت در هیچ یک از این عرصه‌ها حضور نمی‌توانند پیدا کنند.

در ماده ۱۳ وظیفه دولت در تامین اطلاعات طبقه بندی نشده برای سازمان‌های غیر دولتی، در نسخه اصلاح شده قید شده است که «در چارچوب ضوابط و مقررات» دستگاه‌های دولتی مکلف به همکاری هستند. در مواد ۱۴ و ۱۵ که در پیش نویس سال ۱۳۸۶، تاکید شده بود که دولت موظف است سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌ها را در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها مشارکت بدهد و موظف است که پروژه‌های تخصصی را واگذار کند، در نسخه اصلاح شده کمیسیون تخصصی مجلس، «موظف» و«مکلف» به «می تواند» تبدیل شده است. مواد ۱۶ و ۱۷ اساسا در نسخه اصلاح شده حذف شده‌است. طبق ماده ۱۶ پیش نویس سال ۱۳۸۶، دولت موظف شده بود که زمینه‌های مشارکت سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌ها را برای نظارت بر وظایف بخش عمومی فراهم کند و در صورت نیاز با هئیت‌های حقیقت یاب منتخب سازمان‌های غیر دولتی موظف بودند که همکاری کنند. حذف کامل این بند در واقع همان حذف کامل نقش اصلی سازمان‌های غیر دولتی در نظارت بر قدرت است. ماده ۱۷ نیز به همین دلیل حذف شده است. در ماده ۱۷ پیش نویس سال ۱۳۸۶، پیش بینی شده بود که سازمان‌های غیر دولتی و شبکه‌ها می‌توانند برای صیانت از منافع عمومی و در چارچوب وظایف خود علیه اشخاص حقیقی و حقوقی به مراجع قضایی شکایت کنند.

به این ترتیب نه وظیفه نظارت بر دستگاه‌های دولتی و نه وظیفه صیانت از منابع عمومی برعهده سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌ها گذاشته نشده‌است. آیا به این ترتیب سازمان‌های غیر دولتی چیزی جز ابزار کامل در اختیار دولت نخواهند بود؟ که البته باید توجه کرد در شرایطی که آقای افشار در نشست هم اندیشی با سازمان‌های مردم نهاد تاکید می‌کند که بسیج بزرگترین تشکیلات مردمی است، دیگر جای پرسشی باقی نمی‌ماند که هدف از این قانون، کنترل همه سازمان‌های غیر دولتی و تنظیم روابط آن‌ها با مردم و دولت بعنوان وابستگان درجه یک دولتی است.

رابطه سازمان‌های غیر دولتی و سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های سازمان ملل متحد – در پیش نویس سال ۱۳۸۶، در ماده ۲۹ تاکید شده بود که فعالیت سازمان‌های خارجی و بین‌المللی در ایران بر عهده هیئت ملی است. که البته درترکیب ساختاری هئیت ملی در این پیش نویس، نشانی از حضور وزارت امورخارجه و وزارت اطلاعات هم نبوده‌است. اما علیرغم اینکه در طرح اصلاح شده توسط کمیسیون، هئیت ملی به هئیت عالی تبدیل شده‌است، این بند به بند ۲۸ تبدیل شده و در آن تاکید شده است که «صدور مجوز و نظارت بر سمن‌های خارجی یا بین‌المللی که قصد فعالیت در داخل کشور جمهوری اسلامی ایران و یا عقد قرارداد با دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی و سمن‌های داخلی را دارند، به عهده هئیت عالی و با اخذ نظر وزارت امورخارجه و اطلاعات وحسب مورد دستگاه تخصصی مربوطه می‌باشد.»

به این ترتیب وزارت اطلاعات و امور خارجه نه تنها در ترکیب هئیت عالی برای تصمیم گیری حضور دارند بلکه برای تصمیم گیری برای عقد قرارداد با سازمان‌های بین‌المللی که البته آژانس‌های سازمان ملل هم در همین چارچوب گنجانده می‌شوند، محل استعلام اصلی هستند. همانگونه که قبلا هم توضیح داده شد، این مجوز و ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی شامل شرکت در همایش‌ها و دوره‌های آموزشی خارج از کشورهم است. [9] تصور کنید که فردی از یک سازمان غیر دولتی در یک همایشی در خارج از کشور شرکت می‌کند بدون اینکه از هئیت عالی کسب مجوز کرده باشد، این امر می‌تواند دستمایه هئیت عالی برای انحلال این سازمان قرار بگیرد. یعنی هر گونه ارتباط با سازمان‌های خارج از کشور، حضور در سمینارها فقط در اختیار و خدمت هئیت عالی قرار می‌گیرد که اعضای آن کاملا امنیتی و قضایی هستند.

سخنان آقای افشار در نشست هم‌اندیشی با سازمان‌های غیر دولتی که در آن از دولتی‌ها خواسته بود که در نشست‌های بین‌المللی یکی دو تا از سازمان‌های غیر دولتی را با خود همراه ببرند، موید این است که دولت از یکسو درصدد جلوگیری از حضور افراد مستقل در نشست‌ها و همایش‌های بین‌المللی است و از سوی دیگر در تلاش است که نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی کاملا وابسته به دولت را راهی این نشست‌ها کند. این اقدام حتی اگر قانونی شود، با تمامی اصول بین‌المللی مغایرت دارد چرا که تشکل‌های مستقل در سازمان ملل حق گرفتن مقام مشورتی و حضور مستقل را دارند. امروزه جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در نهادها و مراجع سازمان ملل متحد به اندازه جایگاه دولت‌ها ارزش یافته‌است و جلوگیری از حضور نیروهای غیر دولتی مستقل ایرانی در نشست‌های سازمان ملل متحد، آسیب بزرگی است که براحتی قابل جبران نخواهد بود.

مجموعه مطالب منتشر شده از سوی عرصه سوم درباره این پیش‌نویس را از لینک زیر دانلود کنید: خطر غیر قانونی شدن همه سازمان‌های غیر دولتی پیشرو در ایران

[1] تاکید ها از عرصه سوم است.

[2] قانون یک ماه احزاب در تعریف حزب:"حزب نهاد و سازمانی است منظم در درون یک نظام سیاسی که از اشخاص حقیقی که دارای یک هدف آرمان خاصی هستند، تشکیل یافته و دارای اساسنامه و مرامنامه خاصی بوده و در سایه رعایت و پیروی کردن از اصول قانون اساسی در پی فتح قدرت عمومی است."

[3] تاکید از عرصه سوم است.

[4] به جام جم آنلاین در این لینک نگاه کنید: http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100888509517

[5] همان منبع.

[6] آقای افشار گفت:"هر نوع دیدگاه حتی علیه دولت و دستگاه های دولتی از سوی سازمان های مردم نهاد در جلسات خصوصی مجاز است ولی انتقاد در رسانه ها باید همراه با ملاحظات باشد.". وی تصریح کرد:"اینکه بخواهیم از طریق رسانه ها با انتقادات، نظام را تضعیف کنیم، مناسب نیست و اینگونه نقدها باید همراه با ملاحظات سیاسی باشد تا از این طریق، آب به آسیاب دشمن نریزیم."
http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100888509517

[7] در بند دوم الحاقی در مورد ثبت و فعالیت سازمان های غیر دولتی تاکید شده است که "پروانه فعالیت، مجوزی است که پس از ثبت سمن]سازمان های مردم نهاد که همان سازمان های غیر دولتی هستند.[از سوی مراجع مقرر در این قانون با رعایت ضوابط مربوط در جهت شروع فعالیت سمن صادر می شود."

[8] در پیش نویس سال 1386 تعریف شبکه چنین آمده است: "شبکه به مجموعه ای از سازمان های مردم نهاد اطلاق می شود که با تعیین اهداف مشترک یا پیرامون موضوع فعالیت تخصصی مشترک شکل می گیرد."

[9] تبصره 1- عضویت در سازمان های بین المللی و هر گونه همکاری و فعالیت بین المللی از قبیل عقد قرارداد، تفاهم نامه، دریافت کمک مالی و شرکت در همایش ها و دوره های آموزش در خارج از کشور، منوط به اخذ مجوز از هیات عالی است."

"تبصره 2- سمن موظف است پیش از عقد قرارداد یا دریافت کمک اعم از نقدی و غیر نقدی از آژانس های وابسته به ملل متحد و دیگر منابع کمک کننده اعم از حقوقی یا حقیقی، نوع و میزان کمک و موضوع آن را به صورت مشروح بر حسب مورد جهت اخذ مجوز به هیات عالی اعلام کند."

"تبصره 3- هیات عالی پس از دریافت تقاضا و تکمیل مدارک، موظف است ضمن استعلام از وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه، موافقت یا عدم موافقت خود را حداکثر ظرف مدت دو ماه به مرجع متقاضی اعلام نماید."

—

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی

2011-01-18 · Archive ID 238
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=238

ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱ - کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلایق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲ - محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رای مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳ - محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

۴ - با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملا مراعات گردد.

۵ - اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده‌است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶ - در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایذای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷ - بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.

۸ - بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد.

۹ - هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰ - تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱ - پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرموثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲ - پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهارشده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۳ - محاکم و دادسراها بر بازداشتگاههای نیروهای ضابط یا دستگاههایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار ماموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴ - از دخل و تصـرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده‌است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵ - رئیس قوه قضائیه موظف است هیاتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاههایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیات همکاری لازم را معمول دارند. آن هیات وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۲/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده‌است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

بخشنامه حقوق شهروندی

از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادیهای مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزشهای اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضائی، انتظامی و اطلاعاتی کشور می‌باشد، توجه کلیّه قضات شریف ضابطین، بازجویان و ناظران زندانها و بازداشتگاههای سراسر کشور را به نکات ذیل جلب می‌نمایم.

۱- کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و باحکم و دستور قضائی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلایق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت غیرقانونی و یا بازداشتهای اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

۳- محاکم و دادسراها حق دفاع را از متهمین و مشتکی علیهم سلب نکنند و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان همواره فراهم نمایند.

۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطّلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده‌است و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضائی ارسال شود و حتی الامکان خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶- در جریان دستگیری و بازجوئی یا استطلاع و تحقیق از ایذای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدامهای خلاف متعارف، خودداری ورزند و بجای آن از شیوه‌های علمی و فنّی تحقیق و بازجوئی و تکنیکهای مدرن استفاده شود.

۸- بازرسیها و معاینات محلّی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیائی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکسهای فامیلی و فیلمهای خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد.

۹- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ قرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیّت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰- تحقیقات و بازجوئیها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی و آموزشهای قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روشهای خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱- پرسشها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سئوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر درپرونده مورد بررسی احتراز گردد.

۱۲- پاسخها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد با سواد در صورت تمایل، خودشان، مطالب خود را بنویسند تا شبهة تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۳- محاکم و دادگستریها بر بازداشتگاههای نیروهای ضابط یا دستگاههایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأمورین و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلّفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم با قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به

آنها اتخاذ تصمیم قضائی نگردیده‌است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵- با هیأتی که برای نظارت بر اجرای این موارد تعیین شده‌اند، همکاریهای لازم معمول شود.

آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی و نتیجه اقدام خود را به این جانب گزارش نماید.

شماره :۷۱۶/۸۳/۱ مورخ۲۰/۱/۸۳

سید محمود هاشمی شاهرودی

رئیس قوه قضائیه

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به دقت رعایت و اجراء کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد: ۱ - کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تامین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلایق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود. ۲ - محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رای مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد. ۳ - محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند. ۴ - با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملا مراعات گردد. ۵ - اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده‌است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند. ۶ - در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایذای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد. ۷ - بازجویان و ماموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند. ۸ - بازرسی‌ها و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد. ۹ - هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت. ۱۰ - تحقیقات و بازجویی‌ها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد. ۱۱ - پرسش‌ها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرموثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد. ۱۲ - پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهارشده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد. ۱۳ - محاکم و دادسراها بر بازداشتگاههای نیروهای ضابط یا دستگاههایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار ماموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود. ۱۴ - از دخل و تصـرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده‌است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از

آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید. ۱۵ - رئیس قوه قضائیه موظف است هیاتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاههایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند موظفند با این هیات همکاری لازم را معمول دارند. آن هیات وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۶/۲/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده‌است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

بخشنامه حقوق شهروندی از آنجا که حفظ کرامت و ارزش والای انسانی و احترام به آزادیهای مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزشهای اسلامی در گرو اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضائی، انتظامی و اطلاعاتی کشور می‌باشد، توجه کلیّه قضات شریف ضابطین، بازجویان و ناظران زندانها و بازداشتگاههای سراسر کشور را به نکات ذیل جلب می‌نمایم.۱- کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و باحکم و دستور قضائی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلایق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت غیرقانونی و یا بازداشتهای اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.۲- محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.۳- محاکم و دادسراها حق دفاع را از متهمین و مشتکی علیهم سلب نکنند و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان همواره فراهم نمایند.۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطّلعان از وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده‌است و ظرف مهلت مقرر، پرونده به مراجع صالح قضائی ارسال شود و حتی الامکان خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.۶- در جریان دستگیری و بازجوئی یا استطلاع و تحقیق از ایذای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.۷- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدامهای خلاف متعارف، خودداری ورزند و بجای آن از شیوه‌های علمی و فنّی تحقیق و بازجوئی و تکنیکهای مدرن استفاده شود.۸- بازرسیها و معاینات محلّی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیائی که ارتباطی به جرم نداشته یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکسهای فامیلی و فیلمهای خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد.۹- هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ قرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیّت شرعی و قانونی نخواهد داشت.۱۰- تحقیقات و بازجوئیها، باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی و آموزشهای قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روشهای خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.۱۱- پرسشها باید، مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سئوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر درپرونده مورد بررسی احتراز گردد.۱۲- پاسخها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد با سواد در صورت تمایل، خودشان، مطالب خود را بنویسند تا شبهة تحریف یا القاء ایجاد نگردد.۱۳- محاکم و دادگستریها بر بازداشتگاههای نیروهای ضابط یا دستگاههایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأمورین و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلّفان برخورد قانونی شود.۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم با قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آنها اتخاذ تصمیم قضائی نگردیده‌است در حفظ و مراقبت از آنها اهتمام لازم معمول و در هیچ موردی نباید از آنها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.۱۵- با هیأتی که برای نظارت بر اجرای این موارد تعیین شده‌اند، همکاریهای لازم معمول شود. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روشها و انطباق آنها با مقررات، با

متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی و نتیجه اقدام خود را به این جانب گزارش نماید. شماره ۷۱۶/۸۳/۱: مورخ۲۰/۱/۸۳ سید محمود هاشمی شاهرودی رئیس قوه قضائیه

—

کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده

2011-01-18 · Archive ID 240
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=240

مصوبه ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴/ قطعنامه شماره ۴۶/۳۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

قدرت اجرائی کنوانسیون، ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷

کشورهای طرف این کنوانسیون (میثاق)

- با توجه به اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد که شناسائی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال تمام اعضاء خانواده بشری را مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان اعلام داشته‌است.

- با توجه به اینکه حقوق مذکور از شان و منزلت ذاتی انسان سرچشمه گرفته‌است.

- با توجه به تعهدات دولتهای امضاء کننده منشور، بویژه ماده ۵۵ آن که اعتلای رعایت و حرمت حقوق بشر و آزادیهای اساسی را متذکر میشود.

- با در نظر گرفتن ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده هفتم کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که مقرر داشته‌است: هیچکس را نمیتوان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات و رفتارهای ظالمانه و غیر انسانی قرار داد که سلب کننده حقوق مدنی و اجتماعی فرد است.

- با توجه به اعلامیه مجمع عمومی ۹ دسامبر ۱۹۷۵ مبنی بر حمایت انسانهائی که مورد شکنجه و اعمال ظالمانه غیر انسانی و رفتارهائی که باعث سلب حقوق مدنی و اجتماعی آنها میشود.

- با آرزو و تلاش و تاثیر گذاری بیشتر علیه شکنجه و دیگر اعمال وحشیانه و غیر انسانی و مجازات و رفتارهائی که حقوق انسانها را در سراسر جهان به مخاطره می‌اندازد.

ما امضاء کنندگان این کنوانسیون، اصول زیر را می‌پذیریم:

قسمت اول

ماده اول

۱- از نظر این کنوانسیون شکنجه چنین تعریف می‌گردد: هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال میشود، شکنجه نام دارد. (همچنین) مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده‌است و یا احتمال می‌رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامیکه وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر، انجام گیرد شکنجه تلقی میشود. درد و رنجی که بطور ذاتی یا به طور تبعی لازم مجازات قانونی است، شامل (این کنوانسیون) نمیشود.

۲- این ماده خللی نسبت به اسناد بین المللی و یا (مصوبات) قوانین داخلی کشورها که مفهوم وسیعتری برای شکنجه در نظر گرفته‌اند، وارد نمیکند.باید بر اساس همان مفهوم وسیعی که آن سند بین المللی و یا قانون داخلی در نظر گرفته‌است، عمل نمود.

ماده دوم

۱- هر دولت عضو این کنوانسیون، موظف است اقدامات لازم و موثر قانونی اجرائی، قضائی و دیگر امکانات را جهت ممانعت از اعمال شکنجه در قلمرو حکومتی خود، بعمل آورد.

۲- هیچ وضعیت استثنائی کشوری، مانند جنگ و یا تهدید به جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی و یا هر گونه وضعیت اضطراری دیگر، مجوز و توجیه کننده اعمال شکنجه نمی‌باشد.

۳- دستور و حکم مقام مافوق (حکومتی) و یا مرجع دولتی، نمی‌تواند توجیه کننده عمل شکنجه باشد.

ماده سوم

۱- هیچ دولت عضوی فردی را که جانش در خطر است و مورد شکنجه واقع خواهد شد را به دولتی که زمینه واقعی (چنین اعمالی را) دارد مسترد نخواهد کرد.

۲- به منظور پایان دادن به ایجاد زمینه عمل شکنجه، مراجع شایسته و صلاحیت داری باید در نظر گرفت (تا بتوان بدین وسیله) دولتی که وجود نمونه‌های فاحش و آشکار و عملی شکنجه و نقض مداوم حقوق بشر در آن مشاهده میشود را بررسی کنند.

ماده چهارم

۱- هر دولت عضوی مراقب و مطمئن خواهد شد که تمام انواع شکنجه تحت قوانین جنائی، جرم محسوب گردد و برای کسی که مبادرت به انجام شکنجه میکند و یا کسی که در انجام این عمل با او مشارکت و همکاری می‌نماید، جرم شناخته شود

۲- هر دولت عضوی برای این جرائم و با در نظر گرفتن نوع و اهمیت آنها، کیفری مناسب تعیین خواهد کرد.

ماده پنجم

۱- هر دولت عضوی، اقدامات لازم و ضروری و اختیارات قانونی برای جرمهائی که راجع به ماده چهارم است را (در دستگاه قضائی) خود به قرار زیر انجام خواهد داد:

الف: هنگامیکه جرمی در قلمرو قضائی و یا مرز دریایی و هوائی شناخته شده (آن کشور)، انجام گرفته‌است.

ب: هنگامیکه متهم شهروند آن کشور باشد.

ج: هنگامیکه قربانی (شکنجه) شهروند آن کشور باشد و آن دولت آنرا تائید نماید.

۲- هر دولت عضوی همچنین، اقدامات لازم را در جهت کسب اختیارات قانونی در نظام قضائی خود، بعمل خواهد آورد. این اقدامات در مواردی است که جرمهائی در قلمرو قضائی آن کشور صورت گرفته‌است و فرد متهم به کشور متبوعش تسلیم نشده‌است. طبق ماده هشتم بند اول، متهم به دولتهائی که نامشان ذکر شده‌است مسترد خواهد شد.

۳- این کنوانسیون از جرائم جنائی که در ارتباط با قوانین داخلی است مستثنی نمیباشد.

ماده ششم

۱- هر دولت عضوی فرد متهمی را که جرمی مطابق ماده ۴ (این کنوانسیون) مرتکب شده‌است، بازداشت خواهد نمود و یا اقدامات دیگری جهت اطمینان از حضور متهم بعمل خواهد آورد. (این دولت) برای اطمینان از وضعیت متهم، اطلاعات موجود و قابل استفاده را مورد بررسی قرار خواهد داد و سپس حکم بازداشت و یا هر اقدام دیگری را مطابق قوانین خود انجام خواهد داد. این بازداشت متهم بر حسب ضرورت، ممکن است برای مدتی ادامه داشته باشد تا روند جرم و استرداد مجرم، طی گردد.

۲- دولت (مذکور) مقدمات تحقیق و رسیدگی (پرونده متهم) را فراهم خواهد کرد.

۳- فردی که در بازداشت بسر میبرد، حق خواهد داشت که طبق بند ۱ این ماده، بیدرنگ با نزدیکترین نمایندگی دولت متبوعش تماس حاصل نماید. اگر فرد بازداشتی تابعیتی نداشته باشد، او حق خواهد داشت که با نمایندگی کشوری که او در آنجا معمولا اقامت داشته‌است، تماس گیرد.

۴- هنگامیکه دولتی فردی را طبق این ماده بازداشت میکند، مراتب امر را به دولتهائی که در ماده ۵ بند ۱ به آنها اشاره شده‌است، بیدرنگ اطلاع خواهد داد و شرایط و موقعیت بازداشتی فرد متهم را بازگو خواهد نمود.

ماده هفتم

۱- دولت عضوی که تحت قلمرو قضائی خود، فرد متهم در مطابقت با ماده ۴ مرتکب جرمی شده‌است، با در نظر گرفتن ماده ۵ عمل خواهد نمود. اگر (آن دولت) فرد متهم را به (دولت متبوعش) مسترد ننماید، میباید پرونده متهم را به مراجع صلاحیت دار و شایسته بمنظور تعقیب قضائی واگذار نماید.

۲- مراجع (صلاحیت دار) مذکور، مانند هر جرم عادی و در یک جریان طبیعی و جدی، تحت قوانین دولتی، نظر و تصمیم خود را خواهند گرفت. مدارک قانونی و معتبر بنا به ماده ۵ بند ۲ برای پیگرد و تعقیب قانونی و محکومیت ضروری است. این مدارک در تطابق با ماده ۵ بند ۱ می‌بایست مستدل و محکم باشد، بطوریکه تعقیب قضائی را قابل اجرا گرداند.

۳- هر فردی با توجه به اقامه دعوی جرمی که علیه او و در ارتباط با ماده ۴ صورت گرفته‌است، میبایست در تمام مراحل قضائی رفتاری مناسب با او تضمین گردد.

ماده هشتم

۱- دولتهای عضو جرائم مربوط به ماده چهار که شامل استرداد مجرمین به کشور متبوعشان است و یا هر نوع اخراج و استردادی که آنها بوسیله قراردادهای دوجانبه پذیرفته‌اند، تضمین خواهند کرد.

۲- اگر دولت عضوی در خواست استرداد (متهمی) را از دولت عضو دیگر که معاهده‌ای را برای استرداد با این دولت امضاء نکرده‌است، دریافت دارد، این کنوانسیون بمثابه معاهده‌ای قانونی برای استرداد مجرمین بشمار می‌رود.

۳- دولتهای عضوی که شرط استرداد را بنابر معاهده‌ای نپذیرفته‌اند، جرائم (مربوط به شکنجه) را بمثابه جرائم قابل استرداد در قراردادهای دوجانبه ملحوظ خواهند داشت و آنرا (جرم شکنجه) همانند یک جرم قابل استرداد و قانونی از دولت عضوی خواستار میشوند.

۴- این نوع جرائم (شکنجه) با هدف استرداد ضرورت دارد که بوسیله قرارداد دوجانبه‌ای بین کشورهای عضو، انجام گردد. چنانکه قرارداد دوجانبه‌ای بین (آنها) امضاء شده‌است، لازم است بنابه ماده ۵ بند ۱ و بر اساس اختیارات قضائی دولتها، نه فقط برای مکانی که جرم در آن بوقوع پیوسته‌است، باشد، بلکه شامل قلمرو دولتها نیز گردد.

ماده نهم

۱- دولتهای عضو در فراهم کردن امکاناتی که در ارتباط با روند پیگیری جرائم و مجرمینی که مشمول ماده چهار می‌باشند، اقدامات لازم را بعمل خواهند آورد و نیز یکدیگر را با ارائه شواهد و اسنادی که در اختیار دارند جهت پیگیری روند جرائم یاری خواهند رساند.

۲- دولتهای عضو، تعهدات خویش را بنابر بند ۱ این ماده مبنی بر مساعدت‌های قضائی متقابل در بین خود عمل خواهند کرد.

ماده دهم

۱- هر دولت عضوی با توجه به ممنوعیت شکنجه به مجریان قانون، نیروهای انتظامی (مدنی) و نظامی، کارکنان خدمات پزشکی، کارمندان و دیگر افرادی که به نحوی در بازداشت، بازجویی و بازرسی (افراد دخالت دارند) و نیز هر رفتاری که موجب دستگیری، بازداشت و زندانی افراد میشود، آموزشها و اطلاعات لازم را به آنها بدهند و مطمئن شوند که آنها از این آموزشها و اطلاعات برخوردار خواهند شد.

۲- هر دولت عضوی در قوانین و دستورات به فراخور وظائف و مسئولیتهای افراد، ممنوعیت شکنجه را ملحوظ خواهد کرد.

ماده یازدهم

هر دولت عضوی موظف است بطور مرتب و منظم قواعد و روشهای مربوط به بازجویی (بازپرسی) و ترتیبات راجع به نگهداری افراد را (در بازداشتگاهها) انجام دهد. این بازنگری و مراقبت شامل هر نوع دستگیری، زندان و در هر قلمروی که حوزه قضائی آن دولت است با در نظر گرفتن اصل ممنوعیت شکنجه میباشد.

ماده دوازدهم

هر دولت عضوی موظف است ترتیب اطمینان بخشی بدهد تا اگر قراین معقولی بر انجام عمل شکنجه در مکان و یا در قلمرو قضائی آن دولت وجود داشت، مقامات صلاحیت دار بیدرنگ و بیطرفانه به آنها رسیدگی نمایند.

ماده سیزدهم

هر دولت عضوی موظف است حق شکایت فردی را که عنوان میکند او در قلمرو قضائی آن دولت مورد شکنجه قرار گرفته‌است را محفوظ بدارد و شکایت او را بیدرنگ و بیطرفانه به مقامات صلاحیت دار جهت رسیدگی ارجاع دهد و نیز مطمئن گردد که شکایت کننده و شاهدان از تهدید هائی که نتیجه عمل آنهاست در امان خواهند بود.

ماده چهاردهم

۱- هر دولت عضوی موظف است از طریق نظام قانونی خود ترتیب اطمینان بخشی بدهد که قربانی شکنجه حق گرفتن خسارت و جبران غرامت مناسب (عادلانه) و کافی داشته باشد. این جبران شامل اعاده وضع اولیه قربانی شکنجه تا حد امکان نیز هست. هر گاه فردی بر اثر شکنجه بمیرد، جبران خسارات شامل بستگان او میگردد.

۲- هیچ موردی از اجرای این ماده مبنی بر اعاده حقوق قربانی شکنجه و افراد دیگری که بنا بر قوانین کشوری غرامت به آنها تعلق میگیرد، جلوگیری نخواهد کرد.

ماده پانزدهم

هر دولت عضوی موظف است به نحوی اطمینان حاصل نماید که اقرار در اثر شکنجه به هیچ وجه مدرک محسوب نخواهد شد و نمی‌توان آن مدارک را به جز در مورد شخص شکنجه گر و در جهت پیگرد او به لحاظ ارتکاب جرم، مورد استناد قرار داد.

ماده شانزدهم

۱- هر دولت عضوی متعهد است که در قلمرو قضائی خود اعمال وحشیانه، غیر انسانی و رفتارهای تحقیرکننده و مجازات هائی را که مشمول تعریف شکنجه و ماده یک این کنوانسیون نیست و این اعمال به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام میگیرد، جلوگیری بعمل آورد. این تعهدات بویژه، تعهداتی است که در مواد ۱۳- ۱۲- ۱۱ و ۱۰ مبنی بر تعویض و جایگزینی افرادی که در عمل شکنجه و یا دیگر اعمال وحشیانه غیر انسانی و رفتارهای تحقیرآمیز و مجازاتهای خشن آمده‌است.

۲- مقررات این کنوانسیون نسبت به مقررات، اسناد بین المللی و قوانین ملی که اعمال وحشیانه و غیر انسانی و رفتارهای تحقیرآمیز که مربوط به استرداد یا اخراج میباشد و ممنوع اعلام کرده‌اند، خللی وارد نخواهد کرد.

قسمت دوم

ماده هفدهم

۱- یک کمیته ضد شکنجه تاسیس خواهد شد(از این پس در این کنوانسیون کمیته نامیده میشود) و وظائفی که در مواد بعدی به آنها اشاره خواهد شد را عهده دار است. این کمیته از ۱۰ کارشناس عالیرتبه که برخوردار از صلاحیت اخلاقی و شایستگی در زمینه حقوق بشر می‌باشند، تشکیل خواهد شد. آنها با صلاحیت شخصی خود انجام وظیفه می‌نمایند(نه به عنوان نماینده دولت متبوع خویش) همچنین این کارشناسان بوسیله دولتهای عضو و با رعایت تقسیمات عادلانه جغرافیائی و نیز همکاریهای سودمندانه و تجربیات حقوقی آنها انتخاب خواهند شد.

۲- اعضاء کمیته بوسیله رای مخفی و از فهرست نامزدهائی که دولتهای عضو تعیین کرده‌اند، انتخاب میگردند. دولتهای عضو در نظر خواهند داشت که افراد سودمند و کسانی از اعضاء کمیته حقوق بشر تحت نظارت پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز افرادی که مایل به خدمت در کمیته ضد شکنجه باشند را نامزد نمایند.

۳- انتخابات اعضاء کمیته با دعوت به گردهمائی دبیر کل سازمان ملل متحد از دولتهای عضو و در هر دو سال یکبار انجام خواهد گرفت. حد نصاب در این گردهمائی، شرکت دوسوم کشورهای عضو می‌باشد. افرادی که حائز اکثریت آراء از طرف نمایندگان حاضر دولتهای عضو باشند انتخاب خواهند شد.

۴- اولین انتخابات نباید بیشتر از ۶ ماه پس از لازم الاجرا شدن این کنوانسیون به درازا بکشد. برای انتخابات حداقل ۴ ماه پیش از تاریخ انجام آن، دبیر کل سازمان ملل متحد، از دولتهای عضو، بوسیله نامه دعوت خواهد نمود که نامزدهای خود را برای عضویت در کمیته ظرف ۳ ماه معرفی کنند. دبیر کل سازمان ملل فهرستی بترتیب حروف الفباء از افرادی که نامزد شده‌اند با ذکر کشورهائی که آنان را معرفی کرده‌اند، تهیه و به دولتهای عضو ارسال خواهد داشت.

۵- اعضاء کمیته برای مدت ۴ سال انتخاب میشوند و در صورتی که مجددا نامزد شوند، تجدید انتخاب آنها مجاز خواهد بود. لیکن مدت زمان پنج عضو کمیته منتخب در اولین انتخابات در پایان ۲ سال منقضی میشود. نام این ۵ عضو پس از اولین دوره انتخابات با قید قرعه و بوسیله رئیس جلسه مذکور، بنا بر بند ۳ این ماده معین میگردد.

۶- اگر عضوی از اعضاء کمیته فوت کند و یا استعفا دهد و یا به هر دلیل دیگری نتواند انجام وظیفه کند، دولت عضوی که این فرد را نامزد کرده بود، شخص کارشناس دیگری که تبعه آن کشور باشد را جهت جایگزینی و خدمت تعیین میکند و تصویب او را با اکثریت آراء از دولتهای عضو خواستار میگردد. دولتهای عضو تصویب (عضو جدید) را مورد بررسی قرار خواهند داد، اگر نصف یا بیشتر آنها رای منفی به این تصویب دهند، مراتب امر به اطلاع دبیر کل سازمان ملل خواهد رسید تا در خلال ۶ هفته فرد دیگری معرفی و تعیین گردد.

۷- دولتهای عضو، مسئولیت هزینه‌های اعضاء کمیته را در هنگام انجام وظیفه متقبل خواهند شد.

(اصلاحیه - به تصمیم عمومی ۱۱۱/۴۷، ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ شرایط تصویب رجوع شود)

ماده هیجدهم

۱- کمیته، هیات رئیسه خود را برای مدت ۲ سال انتخاب خواهد کرد، آنها می‌توانند مجددا انتخاب شوند.

۲- کمیته آئین نامه داخلیش را خود تنظیم میکند. مقررات این آئین نامه به قرار زیر خواهد بود:

الف- حد نصاب رسمیت جلسات حضور ۶ عضو است.

ب- تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر اتخاذ میگردد.

۳- دبیر کل سازمان ملل متحد، کارمندان و امکانات لازم و مورد احتیاج را جهت اجرای موثر وظائفی که کمیته بموجب این کنوانسیون بعهده دارد، در اختیار کمیته خواهد گذاشت.

۴- دبیر کل سازمان ملل متحد اعضای کمیته را برای تشکیل نخستین جلسه دعوت میکند. پس از آن، کمیته در اوقاتی که در آئین نامه داخلی آن پیش بینی شده‌است، تشکیل جلسه خواهد داد.

۵- دولتهای عضو مسئولیت (پرداخت) هزینه هائی که در ارتباط با گردهمائی‌های دولتهای عضو کمیته و هزینه هائی که بوسیله سازمان ملل در این مورد پرداخت میشود، مانند هزینه کارمندان و تهیه امکانات بنابر بند ۳ این ماده را بعهده خواهند داشت.

(اصلاحیه - به تصمیم مجمع عمومی ۱۱۱/۴۷، ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲، شرایط تصویب رجوع شود)

ماده نوزدهم

۱- دولتهای عضو بواسطه دبیر کل سازمان ملل، اقداماتی که در جهت اجرای تعهداتشان طبق این کنوانسیون انجام داده‌اند را به کمیته تقدیم مینمایند. (نخستین گزارش) یکسال پس از لازم الاجرا شدن کنوانسیون برای دولت عضو باید به کمیته ارائه گردد و از آن پس دولتهای عضو گزارشات تکمیلی و اقدامات جدید خود در این زمینه را هر چهار سال یکبار تقدیم میدارند.

۲- دبیر کل سازمان ملل این گزارشات را به دولتهای عضو ارسال خواهد داشت.

۳- هر گزارشی مورد بررسی و رسیدگی کمیته قرار خواهد گرفت و کمیته نظرات و پیشنهادات عمومی خود را نسبت به گزارش به دولتهای مربوط اعلام میدارد. دولت عضو مزبور میتواند پاسخها و نظرات خود را به کمیته اعلام نماید.

۴- کمیته بنابر صلاحدید خود ممکن است نظرات و پیشنهاداتی که در ارتباط با بند ۳ این ماده و مربوط به دولت عضو مذبور است و ملاحظات خود و نظر دولتها را در گزارش سالانه خود و بر طبق ماده ۲۴ به مجمع عمومی ارائه دهد.

اگر دولت عضو مزبور در خواست یک رونوشت از این گزارش را نماید، کمیته طبق بند ۱ این ماده این درخواست را اجابت می‌نماید.

ماده بیستم

۱- اگر کمیته اطلاعات موثق و قابل اعتمادی دریافت نماید که بوضوح نشان دهد در قلمرو یکی از دولتهای عضو به طور منظم شکنجه وجود دارد، کمیته دولت مربوط را دعوت میکند که برای رسیدگی و بررسی این موضوع همکاری نماید و در پایان نظرات خود را با توجه بر اطلاعات مزبور، ارائه خواهد داد.

۲- با توجه به نظراتی که دولت عضو ممکن است به کمیته ارائه دهد و نیز اطلاعات قابل استناد دیگر که کمیته را به معتبر بودن این اطلاعات متقاعد کرده‌است، کمیته ممکن است یک یا چند عضو خود را برای رسیدگی و تحقیق بطور محرمانه مامور کند تا بی درنگ گزارشی برای کمیته تهیه نمایند.

۳- با انجام این تحقیقات، بنابر بند ۲ این ماده، کمیته از دولت عضو مربوط خواهد خواست که در این مورد همکاری نماید. با توجه به تحقیقات انجام شده و توافق با دولت عضو ذیربط، بازدید (و مسافرت) از قلمرو آن دولت بعمل خواهد آمد.

۴- کمیته بعد از رسیدگی و تشخیص نظرات عضو و یا اعضاء و با توجه به بند ۲ این ماده، نظرات و تشخیص آنها را همراه با پیشنهادات و ارزیابی خود و با در نظر گرفتن موقعیت به دولت عضو مربوط، منتقل خواهد کرد.

۵- تمام مراحل (تحقیق و بررسی) که از طرف کمیته انجام میگیرد، بنابر بند ۱ تا ۴ این ماده، محرمانه خواهد بود. همچنین در تمام مراحل تحقیق و رسیدگی، دولت عضو ذیربط به همکاری خواسته میشود. پس از تکمیل

روند تحقیقات و با توجه به بند ۲، کمیته با مشورت دولت عضو مربوط، ممکن است تصمیم بگیرد که خلاصه‌ای از نتایج تحقیقات را با توجه به ماده ۲۴، در گزارش سالانه خود (به مجمع عمومی) منعکس نماید.

ماده بیست و یکم

۱- هر دولت عضو این کنوانسیون، بموجب این ماده هر زمان اعلام نماید که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به شکایات دائر بر ادعای هر دولت عضو که دولت عضو دیگر کنوانسیون تعهدات خود را طبق مواد این میثاق انجام نمی‌دهد، برسمیت بشناسد. بموجب اقدامات عملی که در این ماده قرار دارد، شکایاتی قابل دریافت و رسیدگی خواهد بود که توسط دولت عضو صلاحیت کمیته را نسبت به خود شناسائی و اعلام کند. هیچ شکایتی مربوط به یک دولت عضو این کنوانسیون که چنین اعلامی نکرده باشد بنابر این ماده از طرف کمیته پذیرفته نخواهد شد. نسبت به شکایات که بموجب این ماده دریافت میشود، بترتیب زیر اقدام خواهد شد:

الف - اگر یک دولت عضوی تشخیص دهد که دولت عضو دیگری به مقررات این کنوانسیون ترتیب اثر نمی‌دهد، میتواند بوسیله نامه، توجه آن دولت عضو را جهت رسیدگی بموضوع جلب کند. در ظرف ۳ ماه پس از دریافت اطلاعیه، دولت دریافت کننده، توضیح یا هر گونه اظهار کتبی دیگر دائر بر روشن کردن موضوع را در اختیار دولت فرستنده اطلاعیه خواهد گذارد.توضیحات و اظهارات مزبور تا حد امکان شامل اطلاعاتی در مورد آئین دادرسی طبق قوانین داخلی آن کشور و آنچه که برای بهبودی آن بعمل آمده یا در جریان رسیدگی است یا آنچه در این مورد قابل اصلاح است، خواهد بود.

ب - اگر موضوعات به ترتیبی باشد که رضایت هر دو دولت عضو پس از دریافت اولین اطلاعیه و در ظرف ۶ ماه جلب ننماید، هر یک از طرفین حق خواهد داشت با ارسال اخطاریه‌ای به کمیته و به دولت مقابل، موضوع را پیگیری نماید.

ج - کمیته با توجه به این ماده فقط پس از اینکه برایش محقق شد که اقدامات چاره جویانه و قابل اصلاح طبق قوانین داخلی دو کشور، به نتیجه‌ای نرسیده‌است و دو دولت از حل موضوع بر طبق اصول متفق حقوق بین المللی عاجز می‌باشند، آنگاه بموضوع مرجوعه رسیدگی خواهد کرد. این قاعده در مواردی که رسیدگی به شکایات بنحوی از راههای قانونی غیر معقول و طولانی باشد و یا کمک موثر به فردی که طبق این میثاق قربانی خشونت محسوب میشود، غیر محتمل و بعید بنظر رسد، اجرا نخواهد شد.

د - کمیته در مواقع رسیدگی به شکایت‌های دریافتی، بنابر این ماده جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

ه - با رعایت مقررات بند (ج)، کمیته بمنظور حل دوستانه موضوع مورد اختلاف و بر اساس احترام به تعهداتی که در این کنوانسیون ارائه شده‌است، کمکهای قابل اجرای خود را در اختیار دولتهای عضو مربوط خواهد گذارد. بدین منظور، در زمان مقتضی، کمیته یک کمیسیون حل اختلاف تخصصی تعیین خواهد کرد.

و - کمیته بنا بر این ماده، در کلیه اموری که به آن ارجاع شود میتواند از دولتهای طرف اختلاف موضوع زیر بند (ب) هر گونه اطلاعات مربوط را خواستار گردد.

ز - دولتهای عضو مربوط موضوع زیر بند (ب) حق خواهند داشت هنگام رسیدگی بموضوع در کمیته، نماینده‌ای داشته باشند و ملاحظات خود را بطورشفاهی و یا کتبی اظهار دارند.

ح - کمیته موظف است در مدت ۱۲ ماه پس از تاریخ دریافت اخطاریه بنا به زیر بند (ب) گزارش بدهد:

۱) اگر راه حلی بنا به مقررات زیر بند (ه) حاصل شده باشد، کمیته گزارش خود را به یک خلاصه گزارش منحصر خواهد کرد.

۲) اگر راه حلی بنابر مقررات زیر بند (ه) حاصل نشود کمیته در گزارش خود بشرح قضایا مختصرا اکتفا خواهد کرد. (همچنین) متن صورت مجلس ملاحظات کتبی و شفاهی دولتهای عضو، ضمیمه گزارش خواهد شد. در هر مورد، گزارشی به دولتهای عضو مربوط ابلاغ خواهد شد.

۲- مقررات این ماده هنگامی قابل اجرا خواهد بود که پنج دولت عضو کنوانسیون، بنا بر بند ۱ این ماده اعلامیه‌های پیش بینی شده را داده باشند. اعلامیه‌های مذکور نزد دبیر کل سازمان ملل سپرده خواهد شد و رونوشت آن برای سایر کشورهای عضو کنوانسیون ارسال خواهد شد. اعلامیه ممکن است در هر زمان بوسیله اخطاریه دبیر کل سازمان ملل بازپس گرفته شود. این استرداد به رسیدگی مسئله، موضوع یک شکایت که قبلا بموجب این ماده ارسال شده باشد، خللی وارد نمیکند.

هیچ شکایت دیگری پس از دریافت اخطاریه استرداد اعلامیه به دبیر کل پذیرفته نمی‌شود مگر آنکه دولت عضو مربوط اعلامیه جدیدی داده باشد.

ماده بیست و دوم

۱- یک دولت عضو این کنوانسیون می‌تواند بموجب این ماده در هر زمان صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی شکایات افرادی که مدعی قربانی خشونت توسط یک دولت عضو این میثاق هستند، به رسمیت شناسد و آنرا اعلام دارد. هیچ شکایتی از دولت عضوی که چنین اعلامی نسبت به آن صورت نگرفته‌است از جانب کمیته قابل پذیرش نخواهد بود.

۲- کمیته شکایات بدون نام و یا ناسازگار با مقررات کنوانسیون را بنا بر این ماده و یا شکایاتی که در مقام سوء استفاده از این حق مطرح شده‌است را نخواهد پذیرفت.

۳- با رعایت مقررات بند ۲، کمیته بنا بر این ماده ضمن رسیدگی کردن به شکایات دولت عضوی که متهم به تخلف از مفاد این کنوانسیون است، توجه آنرا نیز طبق بند ۱ به این شکایات جلب میکند. در ظرف ۶ ماه پس از وصول شکایات دولت متهم به تخلف، توضیحات کتبی و اظهاراتی مبنی بر روشن نمودن موضوع و یا بهبودهائی که توسط آن کشور انجام گرفته‌است را به کمیته ارائه خواهد داد.

۴- کمیته شکایات را بنا بر این ماده و طبق اطلاعات روشن موجود که به نیابت فرد یا بوسیله عضو مربوط دریافت میکند، مورد بررسی و رسیدگی قرار خواهد داد.

۵- کمیته به شکایاتی که از طرف فرد و بنا بر این ماده دریافت میکند، مورد رسیدگی قرار نخواهد داد مگر اینکه برای کمیته محقق شود که:

الف - موضوع شکایت در ارگانهای بین المللی دیگر مطرح و مورد رسیدگی قرار نگرفته‌است.

ب - فرد (شکایت کننده) از تمام اقدامات چاره جویانه در مراجع ذیصلاح داخلی نتیجه‌ای نگرفته‌است. همچنین در مواردی که طی طریق شکایت بنحو غیر معقول طولانی گشته‌است و یا کمک موثر بر فردی که طبق این میثاق قربانی خشونت شناخته میشود، غیر محتمل و بعید بنظر رسد.

۶- کمیته در مواقع رسیدگی به شکایات دریافتی، بنابر این ماده جلسات محرمانه تشکیل خواهد داد.

۷- کمیته نظرات خود را به دولت عضو مربوط و فرد(شکایت کننده) منعکس خواهد نمود.

۸- مقررات این ماده هنگامی قابل اجرا خواهد بود که پنج دولت عضو کنوانسیون اعلامیه‌های پیش بینی شده در بند اول این ماده را داده باشند. اعلامیه‌های مذکور توسط دولت عضو، نزد دبیر کل سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد. دبیر کل سازمان ملل، رونوشت آنرا برای سایر دولتهای طرف میثاق ارسال خواهد داشت. اعلامیه ممکن است در هر زمان، بوسیله اخطاریه به دبیر کل مسترد گردد، این استرداد به رسیدگی هر مسئله، موضوع شکایتی که قبلا بموجب این ماده ارسال شده بود، خللی وارد نمی‌کند.

ماده بیست و سوم

اعضاء کمیته و کمیسیونهای مشاورین متخصص که بنا به ماده ۲۱ بند ۱(ه) انتصاب میشوند، سزاوار برخورداری از امتیازات و مصونیتهائی در ماموریت‌های سازمان ملل، خواهند بود. این موارد در قسمتهای مربوط به کنوانسیون و بر اساس امتیازات و مصونیتهای سازمان ملل قرار خواهد گرفت.

ماده بیست و چهارم

کمیته بموجب این کنوانسیون، فعالیتهای خود را در یک گزارش سالانه تقدیم دولتهای عضو و مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواهد نمود.

قسمت سوم

ماده بیست و پنجم

۱- این کنوانسیون برای امضاء تمام دولتها مفتوح است.

۲- این کنوانسیون موکول به تصویب دولتها استاصلاح «تصویب» در پیمان نامه‌ها و پروتکل‌های بین المللی، به این معنا است که تصویب باید طبق قانون اساسی و یا مراجع صلاحیت دار مثل مجلس شورا و در داخل کشور، انجام شود

اسناد تصویب‌ها یا الحاق، نزد دبیر کل سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد.

ماده بیست و ششم

این کنوانسیون برای الحاق تمام کشورها به آن مفتوح خواهد بود. الحاق دولتها بوسیله سند الحاق که نزد دبیر کل سازمان ملل سپرده خواهد شد، صورت میگیرد.

ماده بیست و هفتم

۱- این کنوانسیون ۳۰ روز پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد، قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد.

۲- برای هر دولتی که پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق، این کنوانسیون را تصویب کند و به آن بپیوندد، کنوانسیون ۳۰ روز بعد از تاریخ سپرده شدن سند تصویب یا الحاق آن دولت، قدرت اجرائی (برای آن دولت) پیدا خواهد کرد.

ماده بیست و هشتم

۱- هر دولتی ممکن است در زمان امضاء یا تصویب این کنوانسیون یا الحاق، اعلام دارد که صلاحیت کمیته را برای (وظائفی که) در ماده ۲۰ ارائه شده‌است، به رسمیت نمی‌شناسد.

۲- هر دولت عضوی که شرط و حق محفوظی را در ارتباط با بند ۱ این ماده قائل شده‌است، در هر زمان میتوان آنرا بوسیله نوشتن یادداشت به دبیر کل سازمان ملل متحد، استرداد کند.

ماده بیست و نهم

۱- هر دولت عضو این کنوانسیون میتواند اصلاحیه‌ای به آن، پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل بسپارد. دبیر کل هر طرح اصلاحی پیشنهادی را برای دولتهای عضو این میثاق ارسال خواهد داشت و از آنها درخواست خواهد کرد که به او اعلام دارند آیا با تشکیل کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور رسیدگی و گرفتن رای در باره طرحهای پیشنهادی موافق هستند؟ در صورتیکه حداقل یک سوم دولتهای عضو خواهان تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل کنفرانس را تحت نظر و توجهات سازمان ملل تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت دولتهای حاضر عضو و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، بوسیله دبیر کل به تمام کشورهای عضو برای پذیرفتن، ارسال خواهد شد.

۲- اصلاحیه پذیرفته شده با توجه به بند ۱ این ماده، هنگامی قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد که دو سوم دولتهای عضو این کنوانسیون، به دبیر کل سازمان ملل متحد اطلاع دهند که آنها بر طبق قانون اساسی خودشان آنرا پذیرفته‌اند.

۳- وقتی مفاد اصلاحی قدرت اجرائی پیدا کردند، برای دولتهای عضو که آنرا پذیرفته‌اند، لازم الاجرا میگردد. دیگر کشورهای عضو به مقررات این کنوانسیون و هر گونه اصلاحاتی که پذیرفته‌اند، ملزم خواهند شد.

ماده سی ام

۱- هر مشاجره و اختلافی که بین دو دولت عضو و یا بیشتر در مورد تفسیر یا کاربرد این کنوانسیون بوجود آید و آنها نتوانند این اختلاف را طی مذاکرات بین خود حل نمایند، با درخواست یکی از آنها این اختلاف به (هیئت) داوری وحکمیت واگذار خواهد شد. اگر پس از ۶ ماه یعنی از زمانیکه درخواست به هیئت واگذار شده‌است، دولتها قادر به پذیرفتن رای هیئت حکمیت نیستند، هر کدام از طرفین موضوع میتوانند این اختلاف را به دادگاه دادگستری بین المللی ارجاع دهند.

۲- هر دولتی میتواند در زمان امضاء این کنوانسیون یا الحاق آن اعلام دارد که خود را موظف به اجرای بند ۱ این ماده نمی‌داند. دولتهای عضو دیگر با احترام به هر کشوری که این حق و شرط را برای خود محفوظ داشته‌اند، خود را موظف به اجرای بند ۱ این ماده، در مورد آن کشور نمی‌دانند.

۳- هر دولت عضوی که شرط و حق محفوظی را در ارتباط با بند ۲ این ماده قائل شده‌است، در هر زمان می‌تواند آنرا بوسیله یادداشت به دبیر کل سازمان ملل متحد، مسترد کند.

ماده سی و یکم

۱- یک دولت عضو میتواند در هر زمان این کنوانسیون را از طریق یادداشت کتبی به دبیر کل سازمان ملل، فسخ نماید و خروج خود را از این کنوانسیون (که در واقع عدم تعهد خود به آن است) را اعلام دارد. یکسال پس از دریافت این یادداشت به دبیر کل انصراف و خروج قطعی و لازم الاجرا خواهد شد.

۲- این فسخ و انصراف، تاثیری بر تعهدات دولت عضو نسبت به اعمالی که قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن خروج انجام داده‌است، نخواهد داشت و مانع ادامه رسیدگی کمیته که قبل از آن تاریخ شروع شده، نمی‌شود.

۳- پس از تاریخ لازم الاجرا شدن خروج از کنوانسیون، کمیته دیگر نسبت به دولت خارج شده، رسیدگی ای را انجام نخواهد داد.

ماده سی و دوم

۱- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولتهای عضو سازمان ملل و دولتهائی که این کنوانسیون را امضاء کرده‌اند و یا به آن پیوسته‌اند را مطلع خواهد کرد که: الف: امضاءها، مصوبات (اسناد تصویب) و الحاق‌ها را بنا بر ماده ۲۵ و ۲۶

ب: تاریخ به اجرا درآمدن این کنوانسیون طبق ماده ۲۷ و تاریخ لازم الاجرای اصلاحات طبق ماده ۲۹

ج: انصراف و فسخ دولتها طبق ماده ۳۱

ماده سی و سوم

۱- متنهای عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی این کنوانسیون، دارای اعتباری یکسان می‌باشند و آنها نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به امانت سپرده خواهند شد.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت گواهی شده این کنوانسیون را برای تمام کشورها ارسال خواهد داشت.

ترجمه: سایت دیدگاه

—

کنوانسیون حقوق کودک

2011-01-18 · Archive ID 244
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=244

قدرت اجرایی کنوانسیون، طبق ماده ۴۹ دوم سپتامبر ۱۹۹۰

دیباچه

بر اساس اصول پایه‌ای سازمان ملل متحد که از طرف تمامی نمایندگان جامعه بشری عضو آن پذیرفته شده‌است، احترام به ارزش ذاتی و برابری خدشه ناپذیر حقوقی انسانها ترسیم گر آزادی، عدالت و صلح در جهان است.

ملتهای دنیا بر مبنای همین اعتقاد به مقام و منزلت انسانی، خواهان سعادت عموم بشری در قالب پیشرفتهای اجتماعی، بهبود وضعیت زندگی همراه آزادیهای هر چه بیشتر هستند.

با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره مندی تک تک افراد بشری از حقوق مندرج در آن بدور از وابستگیهای نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری.

و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژۀ کودکان و حمایت آنها تاکید کرده‌است.

و با آگاهی به اینکه خانواده، واحد ساختاری جامعه و مکان رشد و پرورش تمام اعضای آن و به ویژه شکل دهندۀ شخصیت کودکان است.

و اینکه کودکان برای شکوفایی خود نیازمند داشتن خانواده‌ای هستند سرشار از محبت، عشق، تفاهم و احترام.

و با این یادآوری که باید کودک را برای فردای جامعه آماده و او را مطابق ایده آل‌های اعلام شده از طرف سازمان ملل یعنی آزادیخواه، باشخصیت، صلح جو با روحیه‌ای دارای تفاهم و همبستگی تربیت نمود و با توجه به ضرورت حمایت ویژه کودکان مطابق مصوبات بین المللی مختلف و از آن جمله:

قرارداد ژنو در سال ۱۹۲۴ میلادی در باره حقوق کودکان، قرارداد رعایت حقوق کودکان از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ میلادی، اعلامیۀ جهانی حقوق بشر، پیمان بین المللی در باره حقوق سیاسی و شهروندی (بخصوص در ماده ۲۳ و ۲۴ آن)، پیمان جهانی برای حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (بخصوص در ماده ۴۰)، اسناد و اساسنامه‌های دیگر تشکل‌های بین المللی که بنفع کودکان فعالیت میکنند.

و بدنبال آنچه در اسناد حقوق کودک ذکر شده‌است، مبنی بر اینکه: کودک بخاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد میباشد.

و بر اساس مصوبات و قراردادهای مربوط به حمایت کودکان و بخشنامه‌های سازمان مل در باره تعیین حداقل سن و شرایط مجازات قانونی برای نوجوانان و حمایت از زنان و کودکان در زمان جنگ و درگیریهای مسلحانه.

و بر پایه این واقعیت که در بسیاری از کشورهای دنیا، کودکان در موقعیت بد و نابسامانی زندگی میکنند و نیاز به توجه فوری و ویژه دارند.

و با درک اهمیت و ارزش همکاری‌های بین المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همۀ دنیا و بویژه در کشورهای در حال رشد.

پیمان نامه‌ای برای حفظ و رعایت حقوق کودکان جهان به قرار زیر تصویب میشود:

ماده ۱ (تعریف)

مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده‌است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.

ماده ۲ (ممنوعیت تبعیض)

۱) حکومتهای عضو این پیمان، برای هر کودکی که در قلمرو آنهاست، بدون تبعیض و یا فرق گذاری و بدور از هرگونه وابستگی به نژاد، رنگ پوست، منشاء اجتماعی و قومی و یا ملی، میزان دارایی، معلولیت، وضعیت سرپرست و یا والدین و هر موقعیت دیگری که کودک در آن است، اجرای حقوق مندرج در این پیمان نامه را تضمین میکنند.

۲) حکومتهای عضو این پیمان، تمام اقدامات لازم را انجام میدهند تا این اطمینان کامل را بوجود آورند که هر کودکی از همه اشکال تبعیض و فرق گذاری در امان است و بخاطر ابراز عقیده و جهان بینی و فعالیت‌های والدین یا سرپرست یا اقوام خودش مجازات نمی‌شود.

ماده ۳ (نفع کودک)

۱) درانجام هر اقدامی که به نوعی به کودک مربوط میشود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیر اداری و یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تامین سلامت کودک بر سایر مسائل تقدم دارد.

۲) حکومتهای عضو پیمان موظف اند با رعایت حقوق والدین و یا سرپرست، از کودکان حمایت نموده و اقدامات لازم حقوقی و قانونی را بعمل آورند.

۳) حکومتهای عضو پیمان، اطمینان میدهند که ارگانها و نهادهای مسئول حمایت کودک، دارای استانداردهای تعیین شده مربوط به تعداد و تخصص نیروی شاغل و تکنیک موجود در موسسات هستند و به ویژه در زمینه ایمنی و بهداشت کنترل کافی وجود دارد.

ماده ۴ (وظایف دولتها)

حکومتهای عضو پیمان، اقدامهای ضروری و مناسب قانونی، اداری و غیره را بعمل می‌آورند تا حقوق پذیرفته شده در این عهدنامه را اجرا نمایند. حکومتها برای تحقق مفاد این عهدنامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تا آخرین حد ممکن از تمامی منابع موجود ملی خود و در صورت نیاز بین المللی استفاده میکنند.

ماده ۵ (حقوق والدین)

حکومتهای عضو این پیمان به وظایف، حقوق و مسئولیتهای والدین و یا سرپرست قانونی کودک توجه لازم را می‌نمایند تا نسبت به کودک در رابطه با حقوق مندرج در این پیمان نامه کوتاهی نشود.

ماده ۶ (حق زندگی)

۱) هر کودکی حق زندگی دارد و این حق مادرزادی اوست که از طرف همه حکومتهای عضو پیمان به رسمیت شناخته میشود.

۲) ادامه حیات و رشد کودک از طرف حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه بطور کامل تضمین میشود.

ماده ۷ (حقوق مربوط به تولد)

۱) هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آنها نگهداری شود.

۲) حکومتهای عضو پیمان، حقوق عنوان شده در این پیمان نامه را در رابطه با حقوق و قوانین داخلی خود و وظایف بین المللی، بخصوص در مورد کودک بدون تابعیت، تضمین نموده و اجرا می‌نمایند.

ماده ۸ (حفظ هویت شخصی)

۱) حکومتهای عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند.

۲) در صورتی که تمام یا بخشی از هویت شخصی بطور غیرقانونی خدشه دار شود، حکومتها سریعا درصدد ترمیم این خسارت برمی آیند.

ماده ۹ (جدایی از پدر و مادر)

۱) حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه اطمینان میدهند که یک کودک برخلاف میل والدینش از آنها جدا نمیشود مگر اینکه بر طبق قوانین موجود ثابت شود که آن جدایی به نفع کودک و لازم است. مثلا وقتی کودک مورد سوء استفاده قرار گرفته و جدای از هم زندگی کنند و تکلیف اقامت کودک باید روشن شود.

۲) در موقع اجرای بند یک این ماده، باید امکان شرکت همهٔ افراد مربوطه در آن تصمیم گیری را فراهم آورد.

۳) حکومتها توجه دارند که حق کودک مبنی بر تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر را در هنگامی که آنها از هم جدا شده‌اند، فراهم کنند مگر اینکه این عمل با منافع کودک در تضاد باشد.

۴) هرگاه جدایی نتیجه اقدام حکومت باشد، مثلا زندان، تبعید و یا مرگ یکی از والدین یا هر دو آنها و یا مرگ کودک (مرگ به هر علتی که باشد، تعیین کننده آن است که شخص در آن هنگام به نوعی در «اسارت» قانون بوده‌است)، حکومت امضاکننده این پیمان نامه موظف است برپایه درخواست والدین یا کودک و یا سرپرست قانونی او، اطلاعات لازم را در مورد محل شخص غایب در اختیار این افراد قرار دهد، مگراینکه این عمل به نفع کودک نباشد و به او زیان برساند. حکومتها اطمینان میدهند که افراد با تقاضای چنین درخواستی، از طرف حکومت در خطر قرار نمی‌گیرند.

ماده ۱۰ (رساندن اعضای خانواده به هم)

۱) بدنبال ماده ۹ بند ۱ مندرج در این پیمان نامه، هرگاه کودک یا والدین او درخواست خروج از کشور و یا ورود به کشور دیگری را برای پیوستن به اعضای خانواده خودشان دارند، ترتیب این امر بطور انسانی و سریع از طرف حکومت داده میشود و چنین درخواستی دارای هیچگونه خطری از سوی حکومت برای متقاضی و یا وابستگان او نیست.

۲) کودکی که والدین او در کشورهای متفاوت بسر میبرند، حق دارد با هر دوی آنها بطور شخصی، منظم و مستقیم تماس داشته باشد، مگر در صورت وجود شرایط استثنایی مثلا بخاطر حفظ امنیت ملی یا نظم و اخلاق عمومی، لطمه به آزادی و حقوق دیگری و یا نقض حقوق مندرج در این پیمان نامه.

حکومتها بر پایه ماده ۹ بند ۱ این پیمان نامه مکلف به رعایت حق کودک و والدین مبنی بر با هم بودن آنها هستند.

ماده ۱۱ (کودک ربایی)

۱) حکومتهای عضو پیمان، جهت مبارزه با انتقال و اقامت غیرقانونی کودکان به خارج از کشور، اقدام لازم را می‌نمایند.

۲) حکومتها برای این منظور، خواهان قبول توافق نامه‌های موجود از طرف یکدیگر و یا تصویب توافق نامه‌های جدید دو یا چند جانبه هستند.

ماده ۱۲ (آزادی عقیده)

۱) از سوی حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه، حق کودکی که که توانایی ساختن نظر شخصی خودش را دارد، به رسمیت شناخته میشود. کودک در تمامی امور مروط به خود، آزادی بیان و اظهار عقیده شخصی را که مطابق سن و رشد اوست، دارد.

۲) برای این منظور، به کودک امکان داده میشود که در دادگاهها و در تمام مراحل قانونی، مستقیم یا با کمک وکیل و یا نهاد مسوول و مناسب دیگر، مطابق قوانین موجود، محاکمه شود.

ماده ۱۳ (آزادی آگهانش)

۱) کودک حق آزادی بیان دارد و این حق در پیوند با آزادی آگهانش است که کودک بدون ترس از محدودیتهای حکومتی، دانستنیها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست نویس یا چاپ، کارهای هنری یا هر طریق و یا هر وسیلهٔ انتخابی دیگر، بیان کرده، دریافت نموده و یا به دیگران بدهد.

۲) اجرای این حق میتواند از طرف قوانین دیگری که لازم هستند، محدود شود:

الف) بخاطر حفظ حقوق یا شهرت فردی دیگر.

ب) بخاطر حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق و عفت عمومی و یا سلامتی جامعه.

ماده ۱۴ (آزادی مذهب، وجدان و افکار)

۱) حکومتها به حق کودک برای آزادی افکار، وجدان و مذهب توجه میکنند.

۲) حکومتها توجه به حقوق و وظایف والدین یا سرپرست کودک دارند که نقش راهنمایی خود را در رابطه با اجرای این حق در مراحل مختلف سنی کودک، ایفا کنند.

۳) آزادی مذهب و جهان بینی تنها در شرایط قانونی تعیین شده قابل تحدید است که آنهم بخاطر حفظ امنیت ملی، نگهداری نظم اجتماعی، حفظ سلامتی و یا عفت عمومی و یا وقتی منافی حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

ماده ۱۵ (آزادی تشکیل انجمن و گروه)

۱) حکومتها حق کودک برای شرکت در اجتماعات را به رسمیت می‌شناسند.

۲) اجرای این حق نباید با امنیت ملی و نظم عمومی مبادرت داشته و منافی اخلاق عمومی و یا برخلاف حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

ماده ۱۶ (حفظ محدوده خصوصی)

۱) محدوده شخصی و خصوصی هیچ کودکی قابل تعرض نیست. این محدوده که شامل همه جوانب مربوط به امور خانوادگی، مسکونی، حیثیتی و مکاتبات شخصی است، نباید بطور عمد یا غیرقانونی آسیب ببیند.

۲) برخورداری از حمایت قانونی در مقابل چنین آسیب‌هایی، حق کودک است.

ماده ۱۷ (استفاده از وسایل ارتباط گروهی)

حکومتها با آگاهی از نقش مهم وسایل ارتباط جمعی، خاطرنشان میکنند که کودک باید به همه منابع گوناگون ملی و بین المللی آگاهی رسانی، به ویژه آنهایی که برای سلامت جسمی- روانی او مفیدند، دسترسی یابد. برای این منظور، حکومتهای عضو این پیمان:

الف) وسایل ارتباط جمعی را تشویق میکنند تا آگهانش، کاربرد اجتماعی- فرهنگی داشته و با محتوای ماده ۲۹ همخوان باشد.

ب) خواهان همکاری بین المللی در زمینه تولید، مبادله و توزیع این آگهانش با مراجعه به منابع رنگارنگ ملی و بین المللی هستند.

ج) تولید و پخش کتابهای کودکان را حمایت نموده و گسترش میدهند.

د) وسایل ارتباط جمعی را تشویق میکنند تا به نیازهای زبانی و گفتاری کودکی که از اقلیتهای فرهنگی- قومی است، پاسخگو باشند.

ه) قوانینی را که حافظ کودک در مقابل آسیب‌های احتمالی ناشی از این وسایل ارتباطی است، بررسی میکنند بطوریکه ماده‌های ۱۳ و ۱۸ رعایت شوند.

ماده ۱۸ (نگهداری کودک توسط والدین)

۱) حکومت‌ها تاکید و تضمین میکنند که پدر و مادر هردو با هم مسوول تربیت و رشد کودک هستند.

۲) حکومتهای عضو این پیمان، جهت اجرای حقوق مندرج در اینجا، از والدین در انجام وظایف خود در رابطه با تربیت و رشد کودک، پشتیبانی میکنند.

۳) حکومتها تمام اقدامهای لازم را انجام میدهند تا برای نگهداری از کودکانی که والدین شاغل دارند، امکانات مناسب فراهم نمایند.

ماده ۱۹ (حمایت کودکان در برابر سوء استفاده)

۱) حکومتها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودک را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه با آنها، سوء استفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت میکنند.

۲) اقدامات حمایتی حکومتها همراه اجرای روشها و برنامه‌های اجتماعی است که برای کشف و پیشگیری این جرایم نسبت به کودک موثر باشند. همچنین درمان آسیب وارده برکودک و کمک به والدین و یا سرپرست در رابطه با سوء استفاده‌های ذکر شده در بند ۱ این ماده بر عهدهٔ حکومتها است.

ماده ۲۰ (حمایت کودک در دوران جدایی از والدین)

۱) یک کودک که بطور موقت یا دایم از آغوش خانواده محروم شده و یا بدلیل نفع خودش باید خانواده را ترک کند، حق استفاده از کمکها و حمایت ویژه حکومتی را دارد.

۲) حکومتها برپایه حقوق جاری و قوانین داخلی خود، اشکال مختلف کمک به چنین کودکی را بکار میگیرند.

۳) قبول کفالت و یا فرزندخواندگی کودک از طرف اشخاص دارای صلاحیت، شکلی از سرپرستی و مواظبت از کودک است. در این رابطه باید به ریشه‌ها و نیازهای فرهنگی، مذهبی و قومی کودک توجه کرده و تربیت و پرورش بدون انقطاع کودک را تامین نمود.

ماده۲۱ (ضمانت‌های قانونی فرزندخواندگی)

آن دسته از حکومتهای عضو پیمان که سیستم کفالت و فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته یا مجاز می‌دانند، با اطمینان خاطرنشان میکنند که در تمام این مراحل، منافع کودک و آسایش او تامین میشود.

این حکومتها:

الف) تضمین میکنند که امور مربوط به فرزندخواندگی فقط از طرف مسئوولین و ارگانهای تعیین شده و مجاز صورت گرفته و در چهارچوب حقوق جاری و قوانین داخلی اجرا و کنترل میشود.

ب) شکل بین المللی فرزندخواندگی را هم به رسمیت شناخته و این امکان را در اختیار کودکانی که داخل کشور از این نظر تامین نیستند، می‌گذارند.

ج) تضمین میدهند که کودک در صورت استفاده از امکان بین المللی فرزندخواندگی، همچنان تحت پوشش کامل حمایتهای حکومتی و ملی قرار دارد.

د) تمام اقدامهای مناسب را انجام میدهند تا از سودجویی‌های مالی در رابطه با فرزندخواندگی بین المللی جلوگیری کنند.

ه) در این چهارچوب، خواهان عقد قراردادهای دو یا چند جانبه با کشورهای دیگر هستند تا بتوانند از جریان مثبت و موفق فرزندخواندگی بین المللی اطمینان حاصل کنند.

ماده ۲۲ (حقوق پناهنده)

۱) حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه، با انجام اقدامهای مناسب، حقوق کودکی را که از نظر قوانین داخلی و یا بین المللی پناهنده شناخته شده‌است، تضمین میکنند. این حقوق شامل کمکهای انسانی و در جهت احقاق همه حقوق مندرج در این پیمان نامه و همینطور دیگر پیمان‌های منطقه‌ای و بین المللی است که بر پایه تامین حقوق بشر و حقوق کودک استوار هستند، صرف نظر از اینکه کودک تنها با والدین و یا همراه دیگری باشد.

۲) برای این منظور، حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه، نهایت تلاش خود را میکنند تا از طریق همکاری با سازمان ملل متحد و یا تشکیلات وابسته به آن و همچنین با کمک دیگر سازمانهای مسئوول منطقه‌ای و یا فرامنطقه‌ای که در زمینه حمایت کودک در ارتباط با سازمان ملل هستند، با تمام نیرو کودک پناهنده را نگهداری کرده و یاری رسانند تا والدین یا افراد فامیل خود را پیدا نموده و به آنها ملحق شود. در صورتیکه افراد مزبور پیدا نشوند، آن کودک مانند بقیه کودکان شامل قانون مربوطه به محرومیت موقت یا دایم از آغوش خانواده میشود. (ماده ۲۰ بند ۱)

ماده ۲۳ (حقوق کودکان معلول)

۱) حکومتها اعلام میدارند که اگر یک کودک دارای نقص بدنی یا عقلی است، باید در عین معلولیت خودش، یک زندگی شایسته انسانی داشته باشد. زندگی که در آن، حیثیت او محفوظ باشد و شرکت فعال و مستقل او در زندگی جمعی تسهیل گردد.

۲) حکومتها اعلام میکنند که کودک معلول، دارای حق حمایت ویژه حکومتی است و باید تا حد ممکن، برای آن کودک و والدین و یا سرپرست او امکانات مناسب را فراهم نمود.

۳) با توجه به نیازهای اختصاصی کودک معلول، باید حمایتهای مندرج در بند ۲ این ماده را در صورت امکان چنان سازمان داد که وضعیت مالی والدین و یا سرپرست در نظر گرفته شود و خدمات ارائه شده در جهت آموزش و پرورش و شکوفایی هر چه بیشتر کودک باشند.

۴) حکومتها، با تکیه بر همکاری بین المللی، خواهان تبادل نظرها و تجربه‌های مختلف اداری، فنی، پزشکی و تربیتی در زمینه کودکان معلول هستند تا به ویژه کشورهای در حال رشد با آشنایی با امکانات و پیشرفتهای لازم بتوانند به آن دسته از کودکان کمکها و خدمات مفیدتری را ارائه دهند.

ماده ۲۴ (مراقبتهای بهداشتی)

۱) حکومتها، حق کودک برای داشتن سلامتی و استفاده از همهٔ امکانات برای سلامت ماندن، بهبودی و درمان بیماری را به رسمیت می‌شناسند و تضمین میکنند که هیچ کودکی از این حق محروم نخواهد ماند.

۲) حکومتها برای تامین این حق کودک، اقدامهای مناسب را انجام میدهند:

الف) تعداد مرگ و میر نوزادان و کودکان را کاهش میدهند.

ب) خدمات درمانی سراسری برای کودکان را سازمان میدهند و از تامین نیازهای اولیه بهداشتی، اطمینان حاصل میکنند. حکومتها به سلامتی مادر قبل و بعد از زایمان توجه کرده و با بیماری‌ها و کمبود یا بدی تغذیه

مبارزه میکنند و در این رابطه امکان تهیه مواد غذایی و آب آشامیدنی سالم را با رعایت حفظ محیط زیست، فراهم می‌نمایند.

ج) به امر آموزش همه مردم و به ویژه کودکان و والدین توجه نموده و تلاش میکنند تا اهالی اصول اولیه بهداشتی و بهزیستی را فرگیرند. آنها مثلا با فواید از سینه شیردادن، بهداشت شخصی و تمیز نگهداشتن محیط زیست و چگونگی پیشگیری از سوانح آشنا میشوند و در عمل هم از پشتیبانی حکومتها برخوردارند.

د) مراکز مشاوره برای والدین و روشنگری در زمینه تنظیم خانواده را سازماندهی میکنند.

۳) حکومتها جهت مبارزه با خرافات و عادتهایی که برای سلامتی کودک زیان بخش هستند، اقدامات لازم و مناسب را انجام میدهند.

۴) حکومتها خود را موظف می‌دانند که از همکاری‌های بین المللی پشتیبانی نموده و آن را تقویت نمایند تا مفاد این ماده بدون کم و کاست جامه عمل بخود بپوشاند و در این باره باید به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه ویژه نمود.

ماده ۲۵ (کنترل و رسیدگی منظم به مکان نگهداری)

کودکی که از طرف مسوولین امر جهت نگهداری و پرستاری و یا درمان ناراحتی جسمی یا روانی بستری میشود، از حق کنترل و رسیدگی منظم تمام امور به نفع خودش برخوردار است و این حق از طرف حکومتهای عضو پیمان به رسمیت شناخته میشود.

ماده ۲۶ (بیمه و خدمات اجتماعی)

۱) حکومتها حق کودک مبنی بر استفاده از خدمات و بیمه امور اجتماعی را به رسمیت می‌شناسند و اقدامهای ضروری برای نیل به این مقصود را در هماهنگی با حقوق جاری و قوانین داخلی انجام میدهند.

۲) در ارائه این خدمات و برای کمک به کودک، باید شرایط عمومی و اقتصادی کودک و والدین یا سرپرست قانونی در نظر گرفته شود.

ماده ۲۷ (استاندارد و سطح زندگی)

۱) حکومت حق کودک را برای داشتن سطحی از زندگی که متناسب با موقعیت و رشد روحی، جسمی، قومی و اجتماعی اوست، به رسمیت میشناسد.

۲) تامین شرایط مطلوب برای کودک، در مرتبه نخست، وظیفه والدین و یا سرپرست اوست.

۳) حکومت‌ها بر پایه امکانات و قوانین داخلی خود، تلاش می‌کنند تا به والدین و یا سرپرست قانونی کودک کمک‌های لازم را نموده و در صورت نیازمندی، برای آنها خوراک، مسکن و تن پوش فراهم کنند.

۴) حکومت‌ها برای تامین خواست‌های مالی کودک در برابر والدین و یا سرپرست، چه در داخل و یا خارج از کشور، اقدامات مقتضی را انجام می‌دهند.

ماده ۲۸ (حق آموزش و پرورش)

۱) حکومت‌ها حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می‌شناسند و بویژه برای تحقق آن:

الف) تحصیل دوره ابتدایی را برای همه اجباری و رایگان می‌کنند.

ب) مدارس گوناگون آموزشی و حرفه‌ای را بوجود می‌آورند و آنها را بطور ارزان یا رایگان در اختیار افراد کم درآمد قرار می‌دهند.

ج) امکان ورود به مدارس عالی را در دسترس همه گذاشته و از آن حمایت می‌کنند.

د) مشاوره شغلی و حرفه‌ای را برای همه کودکان ممکن و قابل دسترسی می‌نمایند.

ه) برای کاهش تعداد کودکانی که مدرسه را رها می‌کنند، تلاش نموده و اقدامات مناسب را برای حضور منظم کودکان در مدرسه انجام می‌دهند.

۲) حکومت‌های عضو پیمان کوشش خود را می‌کنند تا روند آموزش و پرورش در مدارس درخور منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه هم خوان باشد.

۳) حکومت‌ها از همکاری‌های بین المللی در امور آموزشی و پرورشی استقبال کرده و بخصوص هدف ریشه کنی بیسوادی و گسترش فن و دانش را دنبال می‌کنند و در این مورد هم به نیازهای کشورهای در حال رشد بیشتر توجه می‌شود.

ماده ۲۹ (اهداف تربیتی)

۱) حکومت‌های عضو پیمان تایید می‌کنند که تربیت باید:

الف) شخصیت، استعداد و توانایی‌های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.

ب) احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی‌های پایه‌ای مصوب سازمان ملل متحد را، در کودک پرورش دهد.

ج) نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش‌های ملی سرزمین پدری ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین‌ها را تقویت کند.

د) کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و دیگرباشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق‌ها و گروههای قومی یا ملی_ مذهبی، آماده کند.

ه) علاقه و توجه به کودک را نسبت به محیط زیست و طبیعت بیشتر کند.

۲) این ماده و ماده ۲۸ اجازه ندارند چنان تفسیر شوند که موجب اخلال یا خدشه در آزادی شخص حقیقی و یا شخص حقوقی دیگری شوند. در تاسیس مدارس آموزشی هم با توجه به رعایت بند ۱، باید حداقل استانداردهای تعیین شده حکومتی موجود باشند.

ماده ۳۰ (حمایت از اقلیت‌ها)

کودکان متعلق به اقلیت‌های مذهبی، قومی و یا زبانی در کشورهایی که این اقلیت‌ها وجود دارند، دارای این حق هستند که همراه دیگر آشنایان بطور جمعی یا فردی از زبان فرهنگ و مذهب خود برخوردار بوده و از آنها استفاده کنند.

ماده ۳۱ (حق بازی و اوقات فراغت)

۱) حکومت‌ها حق کودک را برای داشتن بازی، سرگرمی، وقت آسایش و استراحت به رسمیت می‌شناسند. کودک می‌تواند بطور فعال و آزادانه در امور فرهنگی و هنری در خور سنی خودش، شرکت جوید.

۲) حکومت‌ها به حق کودک برای فعالیت‌های هنری و فرهنگی توجه داشته و با اقدام‌های خود، آنرا پشتیبانی می‌کنند و امکانات مناسب را برای انجام فعالیت‌های فرهنگی_ هنری و همچنین اوقات فراغت و سرگرمی کودک فراهم می‌نمایند.

ماده ۳۲ (ممنوعیت استثمار)

۱) حکومت‌ها این حق را به رسمیت می‌شناسند که کودک استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشود.

۲) حکومت‌ها برای تضمین و اجرای این حق، امکانات مختلف قانونی، اجتماعی، اداری و آموزشی را بکار می‌برند. حکومت‌ها برای این منظور و در هماهنگی با پیمان‌ها و توافق نامه‌های بین المللی دیگر، ضمن تعیین سن آغاز اشتغال و تنظیم مدت و شرایط کار کودک، مجازات مختلف همراه محاصره اقتصادی دولت خاطی را بررسی می‌نمایند.

ماده ۳۳ (حمایت در برابر مواد مخدر)

حکومت‌ها تمامی اقدامات مناسب همراه استفاده از امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی را بعمل می‌آورند تا کودک را بر علیه موادی که مطابق اسناد بین المللی بعنوان مواد اعتیادآور و مخدر شناخته شده‌اند، حمایت نمایند و از بکارگیری غیرمجاز کودکان در تولید و یا توزیع این مواد جلوگیری می‌کنند.

ماده ۳۴ (حمایت در برابر سوء استفاده جنسی)

حکومت‌های عضو پیمان، خود را موظف می‌دانند که کودک را در مقابل هرگونه استثمار سکسی و سوء استفاده جنسی حمایت کنند. حکومت‌ها برای این منظور دست به اقداماتی در سطح داخل و خارج از کشور می‌زنند تا:

الف) کودکان به روابط جنسی غیر قانونی و یا اجباری کشانده نشوند.

ب) کودکان در زمینه فاحشه گری مورد استفاده قرار نگیرند.

ج) از کودکان در پورنوگرافی و نمایش‌های سکسی استفاده نشود.

ماده ۳۵ (خرید و فروش انسان)

حکومت‌های عضو پیمان با بکارگیری تمامی امکانات موجود داخلی و خارجی، منطقه‌ای و فرامنطقه از سرقت و خرید و فروش کودکان به هر منظوری که باشد، جلوگیری می‌کنند.

ماده ۳۶ (حمایت در برابر انواع دیگر استثمار)

حکومت‌های عضو پیمان، کودکان را در مقابل انواع استثمار که به شکلی به زیان آنهاست، حمایت می‌کنند.

ماده ۳۷ (ممنوعیت شکنجه، تضمین قانونی در اجرای مجازات)

حکومت‌ها تضمین می‌کنند که:

الف) هیچ کودکی مورد شکنجه قرار نگیرد و رفتار غیر انسانی و توهین آمیز با او نشود. اجرای مجازات اعدام و حبس‌های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است.

ب) توقیف و حبس‌های غیرقانونی و بر پایهٔ تصمیم‌های شخصی، ممنوع است. حکم زندانی شدن برای کودکان مطابق قانونی و بعنوان آخرین امکان و آنهم برای مدتی بسیار کوتاه، صادر می‌شود.

ج) با هر کودکی که در حبس بسر می‌برد باید رفتاری انسانی و بدون تحقیر و توهین و متناسب با سن او داشت. این کودکان را باید در زندان از بزرگسالان جدا نمود مگر اینکه این عمل به نفع کودک نباشد. هر کودکی حق دارد با خانواده خود بصورت ملاقات و یا نامه ارتباط داشته باشد، مگر در شرایط فوق العاده استثنایی.

د) هر کودک زندانی حق استفاده از وکیل را برای دفاع از خود دارد و باید در دادگاه قانونی و ناوابسته که جانبدار دولت، حزب، فرقه یا آیینی نباشد، محاکمه شود. کودک حق دارد به دیگر مراجع صلاحیت دار قانونی در مورد حکم خود شکایت کند و به کار او سریع رسیدگی شود.

ماده ۳۸ (حمایت در انجام خدمت وظیفه)

۱) حکومت‌ها وظیفه قانونی دارند که حتی در شرایط جنگی، قوانین انسانی و مربوط به کودکان را رعایت کنند و بر اجرای آنها نظارت داشته باشند. حکومت‌ها تضمین می‌کنند و برای اجرای این تضمین همه اقدامات ضروری را انجام می‌دهند که هیچ کودکی تا قبل از پایان سن پانزده سالگی خود، در جنگ شرکت داده نشود.

۲) حکومت‌های عضو پیمان، افرادی را که هنوز سن پانزده سالگی خود را تمام نکرده‌اند، به جنگ نمی‌فرستند و در شرایط اضطراری تنها از افراد نسبتا مسن تر استفاده می‌کنند.

۳) حکومت‌های عضو پیمان در شرایط جنگی هم تمام اقدامات را برای حمایت کودکان آسیب دیده از جنگ، انجام می‌دهند.

ماده ۳۹ (بازسازی اجتماعی کودکان آسیب دیده)

برای سلامتی روحی، جسمی و اجتماعی کودکی که قربانی نوعی از بدرفتاری، شکنجه، استثمار یا هر عمل غیرانسانی شده‌است، حکومت‌های عضو پیمان همه اقدامات مناسب را انجام می‌دهند.

بازسازی جسمی و روانی باید در محیط و شرایط مناسب، سلامتی و منزلت کودک را تامین کند.

ماده ۴۰ (بازسازی اجتماعی کودکان مجرم)

۱) حکومت‌ها به هر کودکی که بدنبال دوره حبس یا اتهام وارده آسیب دیده‌است، کمک و اقدامات لازم را جهت درمان او می‌نمایند. بطوریکه منزلت او خدشه دار نشده و احترام به حقوق بشر و توانایی او در ایفای نقش مثبت در جامعه با رعایت سنی که دارد، تقویت شود.

۲) همصدا با دیگر پیمان‌های بین المللی، حکومت‌ها تضمین می‌کنند که هیچ کودکی با انجام عملی که در زمان ارتکاب، مطابق قوانین جرم نموده‌است، مجازات نمی‌شود و هر کودکی که بنوعی در مقابل قانون گناه کار شناخته شده و متهم یا مجازات می‌شود، این حداقل حقوق را دارد:

الف) تا قبل از اثبات جرم بطور قانونی، بی گناه است.

ب) بلافاصله والدین و یا سرپرست کودک باید به موضوع اتهام واقف شده و بتوانند از ابزار حقوقی و داشتن وکیل برای دفاع از کودک برخوردار باشند.

ج) دادگاه یا نهاد حقوقی مربوطه بلافاصله به مورد کودک رسیدگی نماید و در صورتیکه سن و شرایط کودک اجازه دهند و نفع و آسایش کودک مختل نشود، والدین یا سرپرست کودک هم در دادگاه شرکت می‌کنند.

د) کودک را نباید مجبور کرد که شهادت داده و یا خود را گناهکار بداند و یا از طریق تماس با شاهدان بر آنها تاثیر بگذارد.

ه) هرگاه حکم دادگاه اولیه مبنی بر مجرم شناختن و مجازات کودک بود، باید دادگاه یا مرجع بالاتری که جانبدار حکومت، حزب، فرقه یا آیینی نبوده و کاملا ناوابسته باشد، حکم صادره قبلی را بررسی و به شکایت رسیدگی کند.

ی) اگر کودک زبان بازجو را نمی‌داند، باید بطور رایگان مترجم در اختیار او گذاشت.

و) هیچگاه نباید محدوده خصوصی کودک و شخصیت او دچار آسیب شود.

۳) دولت‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از همه امکانات مختلف در جهت بهتر کردن روند دادگاه‌ها بکوشند وبه کودکان در این مراکز کمک نمایند؛ بخصوص:

الف) تعیین حداقل سن برای یک کودک که در صورت ارتکاب جرم، بتوان او را مجرم شناخت.

ب) کوشش برای حل مسایل بدون دخالت دادگاه ولی اکیدا بر پایه رعایت حقوق بشر و قوانین مدنی.

۴) برای اطمینان از سلامتی جریان حقوقی و اینکه به کودک اجحافی نشود، باید تدارکات زنجیره‌ای گوناگونی انجام شده یا دردست اجرا باشد مانند: تعیین سرپرست، نظارت و مشاوره آزادی مشروط و مسایل مربوط به قیم، آموزش و پرورش و بسیاری نکات روانشناسی و اجتماعی دیگر.

ماده ۴۱ (برتری حقوقی برخی از کشورهای دنیا)

این پیمان نامه تباینی با حقوق کودکان در کشورهای از این نظر پیشرفته تر ندارد و در اجرای بهتر احقاق حقوق کودکان دخالتی نمی‌کند. حقوقی که برای کودکان مناسب تر هستند و:

الف) جزو قوانین یک حکومت عضو این پیمان محسوب می‌شوند.

ب) جزو حقوق ملی و مدنی آن کشور هستند.

بخش دوم عهدنامه

ماده ۴۲ (معرفی عهدنامه)

حکومت‌های عضو پیمان خود را موظف می‌دانند که مفاد و مصوبات این پیمان نامه را از راههای گوناگون و موثر در اختیار بزرگسالان و همچنین کودکان قرار دهند تا آنها با این پیمان نامه آشنا شوند.

ماده ۴۳ (کمیسیون حقوق کودکان)

۱) کمیسیون حقوق کودکان، برای کنترل پیشرفت اموری که حکومت‌های عضو پیمان، تضمین آنرا داده‌اند، تشکیل می‌شود. این کمیسیون تکالیف و وظایف زیر را بر دوش می‌گیرد.

۲) کمیسیون از ده نفر که از نظر حرفه‌ای و اخلاقی، کارشناسان بلندپایه هستند تشکیل شده‌است که از طرف حکومت‌های حاضر در این پیمان نامه و از میان افراد تابع همان حکومت‌ها انتخاب می‌شوند. در ترکیب افراد این کمیسیون به پراکندگی جغرافیایی و سیستم حقوقی کشورها توجه می‌شود.

۳) اعضای کمیسیون به روش مخفی از لیست پیشنهادی حکومت‌های عضو پیمان انتخاب می‌شوند.

هر حکومت می‌تواند فقط یک نفر از تابعین خودش را پیشنهاد کند.

۴) اولین انتخابات کمیسیون حداکثر شش ماه بعد از تصویب این پیمان نامه برگزار می‌شود و انتخابات بعدی هر دو سال یکبار انجام می‌پذیرند. دبیرکل بطور کتبی و حداکثر چهارماه قبل از انتخابات، از حکومت‌های عضو پیمان درخواست می‌کند که پیشنهادات خودشان را ظرف دو ماه ارایه دهند. دبیرکل بر پایه این پیشنهادات همه اسامی را برطبق حروف الفبا و ذکر نام حکومت پیشنهاد دهنده تهیه کرده و به اطلاع همه حکومت‌ها می‌رساند.

۵) جلسه برای انتخابات که از طرف دبیرکل سازمان ملل اعلام و تشکیل شده‌است در صورت حضور دوسوم حکومت‌های عضو پیمان، قدرت تصمیم گیری دارد. افراد پیشنهاد شده در لیست که اکثریت مطلق آرای حاضرین را کسب کنند بعنوان نماینده و کارشناس عضو کمیسیون شناخته می‌شوند.

۶) اعضای کمیسیون برای مدت چهارسال انتخاب می‌شوند و در صورت پیشنهاد مجدد، می‌توانند دوباره انتخاب شوند. مدت عضویت پنج نفر از اعضای کمیسیون که در بار اول انتخاب شده‌اند، بعد از دو سال تمام می‌شود که نام آنها در قرعه تعیین و بلافاصله بعد از انتخابات اعلام می‌شود.

۷) در صورت فوت یا استعفای یکی از اعضای کمیسیون و یا اگر یک عضو به هر دلیلی نتوانست انجام وظیفه کند، حکومتی که آن عضو را پیشنهاد کرده‌است از بین تابعین خود، یک کارشناس را معرفی می‌کند که با موافقت کمیسیون، برای مدت باقی مانده، به عضویت کمیسیون درمی آید.

۸) کمیسیون، اصول کار و فعالیت‌های خود را برنامه ریزی می‌کند.

۹) کمیسیون، هیات مدیره خود را برای مدت دو سال انتخاب می‌کند.

۱۰) جلسات کمیسیون معمولا سالی یکبار در محل سازمان ملل یا مکان مناسب دیگری که کمیسیون مشخص کند تشکیل می‌شود. مدت جلسه با توافق دبیرکل سازمان ملل تعیین می‌گردد.

۱۱) مکان و نیروی انسانی که کمیسیون برای انجام وظایف خود نیاز دارد، از طرف دبیرکل سازمان ملل متحد تامین می‌شود.

۱۲) به اعضای این کمیسیون با موافقت مجمع عمومی حکومت‌های عضو این پیمان نامه، درآمدی تعلق می‌گیرد که از محل صندوق سازمان ملل و طبق مقررات آن تامین می‌شود.

ماده ۴۴ (گزارش دهی و گزارش گیری)

۱) حکومت‌های عضو پیمان موظف هستند که گزارشات خود را درباره فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به تحقق و پیگیری تصمیمات این پیمان نامه تهیه و تنظیم نموده و ارایه دهند و آنهم:

الف) ظرف دو سال بعد از تصویت این پیمان نامه برای حکومت‌های مربوطه.

ب) سپس هر پنج سال یکبار.

۲) در گزارشات باید مشکلا ت اصلی را که مانع اجرای مصوبات بوده‌اند، ذکر نموده و تصویر کامل و دقیقی از چگونگی اجرای مصوبات ارایه نمود.

۳) محتوای گزارشات حکومتی عرضه شده به کمیسیون نباید در گزارشات بعدی که مطابق بند (ب) در اصل شماره (۶) این ماده ارایه می‌گردند، تکرار شوند.

۴) کمیسیون می‌تواند از حکومت‌های مربوطه در مورد اجرای این پیمان نامه، تحقیق و پرس و جو کند.

۵) کمیسیون، گزارش فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود را هر دو سال یکبار به مجمع عمومی تقدیم می‌کند.

۶) حکومت‌های عضو پیمان، گزارشات ارایه شده را در سرزمین‌های خود منتشر و به اطلاع مردم می‌رسانند.

ماده ۴۵ (وظایف ارگان‌های ویژه سازمان ملل)

برای پیشبرد و اجرای قاطع این پیمان نامه و گسترش همکاری‌های بین المللی در این رابطه:

الف) «کارگاه کمک به کودکان» و دیگر سازمان‌ها و تشکیلات ویژه سازمان ملل، در مسایل مربوط به زمینه کاری خودشان، نماینده سازمان ملل متحد برای اجرای پیمان‌های بین المللی هستند.

کمیسیون اگر لازم بداند، می‌تواند از این ارگان‌های ویژه سازمان ملل متحد برای همکاری در زمینه‌های مربوطه دعوت نموده و یاری دریافت کند.

ب) کمیسیون حقوق کودکان در صورت لزوم با ارگان‌های سازمان ملل تماس گرفته و با درخواست کتبی همراه ارایه گزارش کشورهای طرف قرارداد، از مشاوره فنی و کارشناسی آن ارگان مربوطه کمک می‌گیرد.

ج) کمیسیون می‌تواند جهت اجرای مفاد مربوط به حقوق کودک، به مجمع عمومی پیشنهاد پرسش و درخواست از دبیرکل را بنماید.

د) کمیسیون می‌تواند بر پایه اطلاعاتی که طبق ماده ۴۴ و ماده ۴۵ کسب کرده‌است، پیشنهادات و توصیه‌های لازم را به حکومت مربوطه داده و مجمع عمومی را هم در جریان بگذارد.

بخش سوم عهدنامه

ماده ۴۶ (امضاها)

این پیمان نامه جهت امضا دراختیار همه حکومت‌های قرار دارد.

ماده ۴۷ (تایید رسمی)

این پیمان نامه دراختیار دبیرکل سازمان ملل متحد گذاشته شده‌است.

ماده ۴۸ (پذیرش این پیمان نامه)

این پیمان نامه جهت پذیرش دراختیار همه حکومت‌ها قرار گرفته و سند توافق هر حکومت بطور ثبت شده و تحت عنوان «پذیرش نامه» در نزد دبیرکل می‌باشد.

ماده ۴۹ (قدرت اجرایی)

۱) این پیمان نامه درست سی روز پس از دریافت بیستمین پذیرش نامه توسط دبیرکل سازمان ملل، قدرت اجرایی می‌یابد.

۲) هرگاه حکومتی بعد از دریافت بیستمین پذیرش نامه به این پیمان نامه پیوسته و پذیرش نامه را امضا کند، تاریخ قدرت اجرایی برای آن حکومت، سی روز پس از ورود و امضای پذیرش نامه‌است.

(توضیح: آغاز اعتبار و قدرت اجرایی این پیمان نامه مطابق این مصوبه از تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی است-م)

ماده ۵۰ (تغییرات)

۱) هر حکومت عضو پیمان می‌تواند پیشنهاد یک تغییر در این پیمان نامه را داده و آنرا به دبیرکل تسلیم کند. دبیرکل این پیشنهاد دریافتی را به اطلاع سایر حکومت‌های عضو پیمان رسانده و درباره آن نظرخواهی می‌کند. اگر چهارماه پس از اظهار یک پیشنهاد، حداقل یک سوم حکومت‌ها با آن پیشنهاد موافق بودند، دبیرکل، تشکیل جلسه عمومی را برای طرح آن پیشنهاد اعلام می‌کند. هر تغییری که توسط اکثریت حاضرین در جلسه پذیرفته شد، جهت تصویب به مجمع عمومی ابلاغ می‌شود.

۲) تغییر پذیرفته شده در پیمان نامه پس از تصویب مجمع عمومی و توافق دوسوم اکثریت حکومت‌ها، قدرت اجرایی دارد.

۳) تغییری که اعتبار و قدرت اجرایی یافته‌است، تنها برای حکومت‌هایی که آنرا پذیرفته‌اند، می‌تواند پیگرد قانونی داشته باشد.

ماده ۵۱ (قید وشرط)

۱) دبیرکل سازمان ملل متحد با تاکید اعلام می‌کند؛ هر حکومتی که هنگام ورود و پذیرش این پیمان نامه قید و شرطی بگذارد، با آغوش باز پذیرفته و آنرا به اطلاع سایر حکومت‌ها می‌رساند.

۲) قیود و شروطی که با هدف و منظور این پیمان نامه منافات دارند، پذیرفته نمی‌شوند.

۳) قید و شرط‌ها می‌توانند از طریق یادداشت کوتاه و تاریخ دار به دبیرکل، در هر زمانی پس گرفته شوند. دبیرکل، سایر حکومت‌ها را از آن یادداشت مطلع می‌کند.

ماده ۵۲ (استعفا)

یک حکومت می‌تواند استعفای خود را از شرکت و پذیرش این پیمان نامه از طریق نامه کتبی به دبیرکل اعلام کند. یکسال بعد از دریافت آن نامه توسط دبیرکل، استعفا قدرت قانونی دارد.

ماده ۵۳ (نگهداری)

دبیرکل سازمان ملل متحد به عنوان نگهدارنده و حافظ این پیمان نامه تعیین می‌شود.

ماده ۵۴ (امانت)

نوشته اصل این پیمان نامه که به زبان‌های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی است و همگی به یک اندازه اعتبار دارند، به رسم امانت، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد گذاشته شده‌است.

پیمان نامه از طرف مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ بیستم نوامبر سال ۱۹۸۹ میلادی تصویب شد.

منبع: سایت دیدگاه

کنوانسیون حقوق کودکقدرت اجرایی کنوانسیون، طبق ماده ۴۹ دوم سپتامبر ۱۹۹۰
دیباچه بر اساس اصول پایه‌ای سازمان ملل متحد که از طرف تمامی نمایندگان جامعه بشری عضو آن پذیرفته شده‌است، احترام به ارزش ذاتی و برابری خدشه ناپذیر حقوقی انسانها ترسیم گر آزادی، عدالت و صلح در جهان است.ملتهای دنیا بر مبنای همین اعتقاد به مقام و منزلت انسانی، خواهان سعادت عموم بشری در قالب پیشرفتهای اجتماعی، بهبود وضعیت زندگی همراه آزادیهای هر چه بیشتر هستند.با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره مندی تک تک افراد بشری از حقوق مندرج در آن بدور از وابستگیهای نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری.و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژۀ کودکان و حمایت آنها تاکید کرده‌است.و با آگاهی به اینکه خانواده، واحد ساختاری جامعه و مکان رشد و پرورش تمام اعضای آن و به ویژه شکل دهندۀ شخصیت کودکان است.و اینکه کودکان برای شکوفایی خود نیازمند داشتن خانواده‌ای هستند سرشار از محبت، عشق، تفاهم و احترام.و با این یادآوری که باید کودک را برای فردای جامعه آماده و او را مطابق ایده آل‌های اعلام شده از طرف سازمان ملل یعنی آزادیخواه، باشخصیت، صلح جو با روحیه‌ای دارای تفاهم و همبستگی تربیت نمود و با توجه به ضرورت حمایت ویژه کودکان مطابق مصوبات بین المللی مختلف و از آن جمله: قرارداد ژنو در سال ۱۹۲۴ میلادی در باره حقوق کودکان، قرارداد رعایت حقوق کودکان از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیستم نوامبر ۱۹۵۹ میلادی، اعلامیۀ جهانی حقوق بشر، پیمان بین المللی در باره حقوق سیاسی و شهروندی (بخصوص در ماده ۲۳ و ۲۴ آن)، پیمان جهانی برای حقوق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (بخصوص در ماده ۴۰)، اسناد و اساسنامه‌های دیگر تشکل‌های بین المللی که بنفع کودکان فعالیت میکنند.و بدنبال آنچه در اسناد حقوق کودک ذکر شده‌است، مبنی بر اینکه: کودک بخاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد میباشد.و بر اساس مصوبات و قراردادهای مربوط به حمایت کودکان و بخشنامه‌های سازمان مل در باره تعیین حداقل سن و شرایط مجازات قانونی برای نوجوانان و حمایت از زنان و کودکان در زمان جنگ و درگیریهای مسلحانه.و بر پایه این واقعیت که در بسیاری از کشورهای دنیا، کودکان در موقعیت بد و نابسامانی زندگی میکنند و نیاز به توجه فوری و ویژه دارند.و با درک اهمیت و ارزش همکاری‌های بین المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همۀ دنیا و بویژه در کشورهای در حال رشد.پیمان نامه‌ای برای حفظ و رعایت حقوق کودکان جهان به قرار زیر تصویب میشود:
ماده ۱ (تعریف)
مطابق این پیمان نامه، یک کودک، انسانی است که سن هجده سالگی را هنوز تمام نکرده‌است مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوطه زودتر تعیین شده باشد.
ماده ۲ (ممنوعیت تبعیض)
۱) حکومتهای عضو این پیمان، برای هر کودکی که در قلمرو آنهاست، بدون تبعیض و یا فرق گذاری و بدور از هرگونه وابستگی به نژاد، رنگ پوست، منشاء اجتماعی و قومی و یا ملی، میزان دارایی، معلولیت، وضعیت سرپرست و یا والدین و هر موقعیت دیگری که کودک در آن است، اجرای حقوق مندرج در این پیمان نامه را تضمین میکنند. ۲) حکومتهای عضو این پیمان، تمام اقدامات لازم را انجام میدهند تا این اطمینان کامل را بوجود آورند که هر کودکی از همه اشکال تبعیض و فرق گذاری در امان است و بخاطر ابراز عقیده و جهان بینی و فعالیت‌های والدین یا سرپرست یا اقوام خودش مجازات نمی‌شود.

ماده ۳ (نفع کودک)
۱) درانجام هر اقدامی که به نوعی به کودک مربوط میشود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری، غیر اداری و یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تامین سلامت کودک بر سایر مسائل تقدم دارد.۲) حکومتهای عضو پیمان موظف اند با رعایت حقوق والدین و یا سرپرست، از کودکان حمایت نموده و اقدامات لازم حقوقی و قانونی را بعمل آورند.۳) حکومتهای عضو پیمان، اطمینان میدهند که ارگانها و نهادهای مسئول حمایت کودک، دارای استانداردهای تعیین شده مربوط به تعداد و تخصص نیروی شاغل و تکنیک موجود در موسسات هستند و به ویژه در زمینه ایمنی و بهداشت کنترل کافی وجود دارد.

ماده ۴ (وظایف دولتها)
حکومتهای عضو پیمان، اقدامهای ضروری و مناسب قانونی، اداری و غیره را بعمل می‌آورند تا حقوق پذیرفته شده در این عهدنامه را اجرا نمایند. حکومتها برای تحقق مفاد این عهدنامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تا آخرین حد ممکن از تمامی منابع موجود ملی خود و در صورت نیاز بین المللی استفاده میکنند.
ماده ۵ (حقوق والدین)
حکومتهای عضو این پیمان به وظایف، حقوق و مسئولیتهای والدین و یا سرپرست قانونی کودک توجه لازم را می‌نمایند تا نسبت به کودک در رابطه با حقوق مندرج در این پیمان نامه کوتاهی نشود.
ماده ۶ (حق زندگی)
۱) هر کودکی حق زندگی دارد و این حق مادرزادی اوست که از طرف همه حکومتهای عضو پیمان به رسمیت شناخته میشود.۲) ادامه حیات و رشد کودک از طرف حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه بطور کامل تضمین میشود.

ماده ۷ (حقوق مربوط به تولد)
۱) هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آنها نگهداری شود.۲) حکومتهای عضو پیمان، حقوق عنوان شده در این پیمان نامه را در رابطه با حقوق و قوانین داخلی خود و وظایف بین المللی، بخصوص در مورد کودک بدون تابعیت، تضمین نموده و اجرا می‌نمایند.

ماده ۸ (حفظ هویت شخصی)
۱) حکومتهای عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند.۲) در صورتی که تمام یا بخشی از هویت شخصی بطور غیرقانونی خدشه دار شود، حکومتها سریعا درصدد ترمیم این خسارت برمی آیند.
ماده ۹ (جدایی از پدر و مادر)
۱) حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه اطمینان میدهند که یک کودک برخلاف میل والدینش از آنها جدا نمیشود مگر اینکه بر طبق قوانین موجود ثابت شود که آن جدایی به نفع کودک و لازم است. مثلا وقتی کودک مورد سوء استفاده قرار گرفته و جدای از هم زندگی کنند و تکلیف اقامت کودک باید روشن شود.۲) در موقع اجرای بند یک این ماده، باید امکان شرکت همهٔ افراد مربوطه در آن تصمیم گیری را فراهم آورد.۳) حکومتها توجه دارند که حق کودک مبنی بر تماس شخصی و مستقیم با پدر و مادر را در هنگامی که آنها از هم جدا شده‌اند، فراهم کنند مگر اینکه این عمل با منافع کودک در تضاد باشد.۴) هرگاه جدایی نتیجه اقدام حکومت باشد، مثلا زندان، تبعید و یا مرگ یکی از والدین یا هر دو آنها و یا مرگ کودک (مرگ به هر علتی که باشد، تعیین کننده آن است که شخص در آن هنگام به نوعی در «اسارت» قانون بوده‌است)، حکومت امضاکننده این پیمان نامه موظف است برپایه درخواست والدین یا کودک و یا سرپرست قانونی او، اطلاعات لازم را در مورد محل شخص غایب در اختیار این افراد قرار دهد، مگراینکه این عمل به نفع کودک نباشد و به او زیان برساند. حکومتها اطمینان میدهند که افراد با تقاضای چنین درخواستی، از طرف حکومت در خطر قرار نمی‌گیرند.
ماده ۱۰ (رساندن اعضای خانواده به هم)
۱) بدنبال ماده ۹ بند ۱ مندرج در این پیمان نامه، هرگاه کودک یا والدین او درخواست خروج از کشور و یا ورود به کشور دیگری را برای پیوستن به اعضای خانواده خودشان دارند، ترتیب این امر بطور انسانی و سریع از طرف حکومت داده میشود و چنین درخواستی دارای هیچگونه خطری از سوی حکومت برای متقاضی و یا

وابستگان او نیست.۲) کودکی که والدین او در کشورهای متفاوت بسر میبرند، حق دارد با هر دوی آنها بطور شخصی، منظم و مستقیم تماس داشته باشد، مگر در صورت وجود شرایط استثنایی مثلا بخاطر حفظ امنیت ملی یا نظم و اخلاق عمومی، لطمه به آزادی و حقوق دیگری و یا نقض حقوق مندرج در این پیمان نامه.حکومتها بر پایه ماده ۹ بند ۱ این پیمان نامه مکلف به رعایت حق کودک و والدین مبنی بر با هم بودن آنها هستند.

ماده ۱۱ (کودک ربایی)

۱) حکومتهای عضو پیمان، جهت مبارزه با انتقال و اقامت غیرقانونی کودکان به خارج از کشور، اقدام لازم را می‌نمایند.۲) حکومتها برای این منظور، خواهان قبول توافق نامه‌های موجود از طرف یکدیگر و یا تصویب توافق نامه‌های جدید دو یا چند جانبه هستند.

ماده ۱۲ (آزادی عقیده)

۱) از سوی حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه، حق کودکی که که توانایی ساختن نظر شخصی خودش را دارد، به رسمیت شناخته میشود. کودک در تمامی امور مروط به خود، آزادی بیان و اظهار عقیده شخصی را که مطابق سن و رشد اوست، دارد.۲) برای این منظور، به کودک امکان داده میشود که در دادگاهها و در تمام مراحل قانونی، مستقیم یا با کمک وکیل و یا نهاد مسوول و مناسب دیگر، مطابق قوانین موجود، محاکمه شود.

ماده ۱۳ (آزادی آگهانش)

۱) کودک حق آزادی بیان دارد و این حق در پیوند با آزادی آگهانش است که کودک بدون ترس از محدودیتهای حکومتی، دانستنیها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست نویس یا چاپ، کارهای هنری یا هر طریق و یا هر وسیلهٔ انتخابی دیگر، بیان کرده، دریافت نموده و یا به دیگران بدهد.۲) اجرای این حق میتواند از طرف قوانین دیگری که لازم هستند، محدود شود:الف) بخاطر حفظ حقوق یا شهرت فردی دیگر.ب) بخاطر حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق و عفت عمومی و یا سلامتی جامعه.

ماده ۱۴ (آزادی مذهب، وجدان و افکار)

۱) حکومتها به حق کودک برای آزادی افکار، وجدان و مذهب توجه میکنند.۲) حکومتها توجه به حقوق و وظایف والدین یا سرپرست کودک دارند که نقش راهنمایی خود را در رابطه با اجرای این حق در مراحل مختلف سنی کودک، ایفا کنند.۳) آزادی مذهب و جهان بینی تنها در شرایط قانونی تعیین شده قابل تحدید است که آنهم بخاطر حفظ امنیت ملی، نگهداری نظم اجتماعی، حفظ سلامتی و یا عفت عمومی و یا وقتی منافی حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

ماده ۱۵ (آزادی تشکیل انجمن و گروه)

۱) حکومتها حق کودک برای شرکت در اجتماعات را به رسمیت می‌شناسند.۲) اجرای این حق نباید با امنیت ملی و نظم عمومی مبادرت داشته و منافی اخلاق عمومی و یا برخلاف حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

ماده ۱۶ (حفظ محدوده خصوصی)

۱) محدوده شخصی و خصوصی هیچ کودکی قابل تعرض نیست. این محدوده که شامل همه جوانب مربوط به امور خانوادگی، مسکونی، حیثیتی و مکاتبات شخصی است، نباید بطور عمد یا غیرقانونی آسیب ببیند.۲) برخورداری از حمایت قانونی در مقابل چنین آسیب‌هایی، حق کودک است.

ماده ۱۷ (استفاده از وسایل ارتباط گروهی)

حکومتها با آگاهی از نقش مهم وسایل ارتباط جمعی، خاطرنشان میکنند که کودک باید به همه منابع گوناگون ملی و بین المللی آگاهی رسانی، به ویژه آنهایی که برای سلامت جسمی- روانی او مفیدند، دسترسی یابد. برای این منظور، حکومتهای عضو این پیمان:الف) وسایل ارتباط جمعی را تشویق میکنند تا آگهانش، کاربرد اجتماعی- فرهنگی داشته و با محتوای ماده ۲۹ همخوان باشد.ب) خواهان همکاری بین المللی در زمینه تولید، مبادله و توزیع این آگهانش با مراجعه به منابع رنگارنگ ملی و بین المللی هستند.ج) تولید و پخش کتابهای کودکان را حمایت نموده و گسترش میدهند.د) وسایل ارتباط جمعی را تشویق میکنند تا به نیازهای زبانی و گفتاری کودکی که از اقلیتهای فرهنگی- قومی است، پاسخگو باشند.ه) قوانینی را که حافظ کودک در مقابل آسیب‌های احتمالی ناشی از این وسایل ارتباطی است، بررسی میکنند بطوریکه ماده‌های ۱۳ و ۱۸ رعایت شوند.

ماده ۱۸ (نگهداری کودک توسط والدین)

۱) حکومت‌ها تاکید و تضمین میکنند که پدر و مادر هردو با هم مسوول تربیت و رشد کودک هستند.۲) حکومتهای عضو این پیمان، جهت اجرای حقوق مندرج در اینجا، از والدین در انجام وظایف خود در رابطه با تربیت و رشد کودک، پشتیبانی میکنند.۳) حکومتها تمام اقدامهای لازم را انجام میدهند تا برای نگهداری از کودکانی که والدین شاغل دارند، امکانات مناسب فراهم نمایند.

ماده ۱۹ (حمایت کودکان در برابر سوء استفاده)
۱) حکومتها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودک را در مقابل هر شکل از رفتار سهل انگارانه با آنها، سوء استفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت میکنند.۲) اقدامات حمایتی حکومتها همراه اجرای روشها و برنامه‌های اجتماعی است که برای کشف و پیشگیری این جرایم نسبت به کودک موثر باشند. همچنین درمان آسیب وارده برکودک و کمک به والدین و یا سرپرست در رابطه با سوء استفاده‌های ذکر شده در بند ۱ این ماده بر عهدهٔ حکومتها است.
ماده ۲۰ (حمایت کودک در دوران جدایی از والدین)
۱) یک کودک که بطور موقت یا دایم از آغوش خانواده محروم شده و یا بدلیل نفع خودش باید خانواده را ترک کند، حق استفاده از کمکها و حمایت ویژه حکومتی را دارد.۲) حکومتها برپایه حقوق جاری و قوانین داخلی خود، اشکال مختلف کمک به چنین کودکی را بکار میگیرند.۳) قبول کفالت و یا فرزندخواندگی کودک از طرف اشخاص دارای صلاحیت، شکلی از سرپرستی و مواظبت از کودک است. در این رابطه باید به ریشه‌ها و نیازهای فرهنگی، مذهبی و قومی کودک توجه کرده و تربیت و پرورش بدون انقطاع کودک را تامین نمود.
ماده۲۱ (ضمانت‌های قانونی فرزندخواندگی)
آن دسته از حکومتهای عضو پیمان که سیستم کفالت و فرزندخواندگی را به رسمیت شناخته یا مجاز می‌دانند، با اطمینان خاطرنشان میکنند که در تمام این مراحل، منافع کودک و آسایش او تامین میشود.این حکومتها:الف) تضمین میکنند که امور مربوط به فرزندخواندگی فقط از طرف مسئوولین و ارگانهای تعیین شده و مجاز صورت گرفته و در چهارچوب حقوق جاری و قوانین داخلی اجرا و کنترل میشود.ب) شکل بین المللی فرزندخواندگی را هم به رسمیت شناخته و این امکان را در اختیار کودکانی که داخل کشور از این نظر تامین نیستند، می‌گذارند.ج) تضمین میدهند که کودک در صورت استفاده از امکان بین المللی فرزندخواندگی، همچنان تحت پوشش کامل حمایتهای حکومتی و ملی قرار دارد.د) تمام اقدامهای مناسب را انجام میدهند تا از سودجویی‌های مالی در رابطه با فرزندخواندگی بین المللی جلوگیری کنند.ه) در این چهارچوب، خواهان عقد قراردادهای دو یا چند جانبه با کشورهای دیگر هستند تا بتوانند از جریان مثبت و موفق فرزندخواندگی بین المللی اطمینان حاصل کنند.
ماده ۲۲ (حقوق پناهنده)
۱) حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه، با انجام اقدامهای مناسب، حقوق کودکی را که از نظر قوانین داخلی و یا بین المللی پناهنده شناخته شده‌است، تضمین میکنند. این حقوق شامل کمکهای انسانی و در جهت احقاق همه حقوق مندرج در این پیمان نامه و همینطور دیگر پیمان‌های منطقه‌ای و بین المللی است که بر پایه تامین حقوق بشر و حقوق کودک استوار هستند، صرف نظر از اینکه کودک تنها با والدین و یا همراه دیگری باشد.۲) برای این منظور، حکومتهای امضاکننده این پیمان نامه، نهایت تلاش خود را میکنند تا از طریق همکاری با سازمان ملل متحد و یا تشکیلات وابسته به آن و همچنین با کمک دیگر سازمانهای مسئوول منطقه‌ای و یا فرامنطقه‌ای که در زمینه حمایت کودک در ارتباط با سازمان ملل هستند، با تمام نیرو کودک پناهنده را نگهداری کرده و یاری رسانند تا والدین یا افراد فامیل خود را پیدا نموده و به آنها ملحق شود. در صورتیکه افراد مزبور پیدا نشوند، آن کودک مانند بقیه کودکان شامل قانون مربوطه به محرومیت موقت یا دایم از آغوش خانواده میشود. (ماده ۲۰ بند ۱)
ماده ۲۳ (حقوق کودکان معلول)
۱) حکومتها اعلام میدارند که اگر یک کودک دارای نقص بدنی یا عقلی است، باید در عین معلولیت خودش، یک زندگی شایسته انسانی داشته باشد. زندگی که در آن، حیثیت او محفوظ باشد و شرکت فعال و مستقل او در زندگی جمعی تسهیل گردد.۲) حکومتها اعلام میکنند که کودک معلول، دارای حق حمایت ویژه حکومتی است و باید تا حد ممکن، برای آن کودک و والدین و یا سرپرست او امکانات مناسب را فراهم نمود.۳) با توجه به نیازهای اختصاصی کودک معلول، باید حمایتهای مندرج در بند ۲ این ماده را در صورت امکان چنان سازمان داد که وضعیت مالی والدین و یا سرپرست در نظر گرفته شود و خدمات ارائه شده در جهت آموزش و پرورش و شکوفایی هر چه بیشتر کودک باشند.۴) حکومتها، با تکیه بر همکاری بین المللی، خواهان تبادل نظرها و تجربه‌های مختلف اداری، فنی، پزشکی و تربیتی در زمینه کودکان معلول هستند تا به ویژه کشورهای در حال رشد با آشنایی با امکانات و پیشرفتهای لازم بتوانند به آن دسته از کودکان کمکها و خدمات مفیدتری را ارائه دهند.
ماده ۲۴ (مراقبتهای بهداشتی)
۱) حکومتها، حق کودک برای داشتن سلامتی و استفاده از همهٔ امکانات برای سلامت ماندن، بهبودی و درمان بیماری را به رسمیت می‌شناسند و تضمین میکنند که هیچ کودکی از این حق محروم نخواهد ماند.۲) حکومتها

برای تامین این حق کودک، اقدامهای مناسب را انجام میدهند:الف) تعداد مرگ و میر نوزادان و کودکان را کاهش میدهند.ب) خدمات درمانی سراسری برای کودکان را سازمان میدهند و از تامین نیازهای اولیه بهداشتی، اطمینان حاصل میکنند. حکومتها به سلامتی مادر قبل و بعد از زایمان توجه کرده و با بیماری‌ها و کمبود یا بدی تغذیه مبارزه میکنند و در این رابطه امکان تهیه مواد غذایی و آب آشامیدنی سالم را با رعایت حفظ محیط زیست، فراهم می‌نمایند.ج) به امر آموزش همه مردم و به ویژه کودکان و والدین توجه نموده و تلاش میکنند تا اهالی اصول اولیه بهداشتی و بهزیستی را فرگیرند. آنها مثلا با فواید از سینه شیردادن، بهداشت شخصی و تمیز نگهداشتن محیط زیست و چگونگی پیشگیری از سوانح آشنا میشوند و در عمل هم از پشتیبانی حکومتها برخوردارند.د) مراکز مشاوره برای والدین و روشنگری در زمینه تنظیم خانواده را سازماندهی میکنند.۳) حکومتها جهت مبارزه با خرافات و عادتهایی که برای سلامتی کودک زیان بخش هستند، اقدامات لازم و مناسب را انجام میدهند.۴) حکومتها خود را موظف می‌دانند که از همکاری‌های بین المللی پشتیبانی نموده و آن را تقویت نمایند تا مفاد این ماده بدون کم و کاست جامه عمل بخود بپوشاند و در این باره باید به نیازهای کشورهای در حال رشد توجه ویژه نمود.

ماده ۲۵ (کنترل و رسیدگی منظم به مکان نگهداری)

کودکی که از طرف مسوولین امر جهت نگهداری و پرستاری و یا درمان ناراحتی جسمی یا روانی بستری میشود، از حق کنترل و رسیدگی منظم تمام امور به نفع خودش برخوردار است و این حق از طرف حکومتهای عضو پیمان به رسمیت شناخته میشود.

ماده ۲۶ (بیمه و خدمات اجتماعی)

۱) حکومتها حق کودک مبنی بر استفاده از خدمات و بیمه امور اجتماعی را به رسمیت می‌شناسند و اقدامهای ضروری برای نیل به این مقصود را در هماهنگی با حقوق جاری و قوانین داخلی انجام میدهند.۲) در ارائه این خدمات و برای کمک به کودک، باید شرایط عمومی و اقتصادی کودک و والدین یا سرپرست قانونی در نظر گرفته شود.

ماده ۲۷ (استاندارد و سطح زندگی)

۱) حکومت حق کودک را برای داشتن سطحی از زندگی که متناسب با موقعیت و رشد روحی، جسمی، قومی و اجتماعی اوست، به رسمیت میشناسد.۲) تامین شرایط مطلوب برای کودک، در مرتبه نخست، وظیفه والدین و یا سرپرست اوست.۳) حکومت‌ها بر پایه امکانات و قوانین داخلی خود، تلاش می‌کنند تا به والدین و یا سرپرست قانونی کودک کمک‌های لازم را نموده و در صورت نیازمندی، برای آنها خوراک، مسکن و تن پوش فراهم کنند.۴) حکومت‌ها برای تامین خواست‌های مالی کودک در برابر والدین و یا سرپرست، چه در داخل و یا خارج از کشور، اقدامات مقتضی را انجام می‌دهند.

ماده ۲۸ (حق آموزش و پرورش)

۱) حکومت‌ها حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می‌شناسند و بویژه برای تحقق آن:الف) تحصیل دوره ابتدایی را برای همه اجباری و رایگان می‌کنند.ب) مدارس گوناگون آموزشی و حرفه‌ای را بوجود می‌آورند و آنها را بطور ارزان یا رایگان در اختیار افراد کم درآمد قرار می‌دهند.ج) امکان ورود به مدارس عالی را در دسترس همه گذاشته و از آن حمایت می‌کنند.د) مشاوره شغلی و حرفه‌ای را برای همه کودکان ممکن و قابل دسترسی می‌نمایند.ه) برای کاهش تعداد کودکانی که مدرسه را رها می‌کنند، تلاش نموده و اقدامات مناسب را برای حضور منظم کودکان در مدرسه انجام می‌دهند.۲) حکومت‌های عضو پیمان کوشش خود را می‌کنند تا روند آموزش و پرورش در مدارس درخور منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه هم خوان باشد.۳) حکومت‌ها از همکاری‌های بین المللی در امور آموزشی و پرورشی استقبال کرده و بخصوص هدف ریشه کنی بیسوادی و گسترش فن و دانش را دنبال می‌کنند و در این مورد هم به نیازهای کشورهای در حال رشد بیشتر توجه می‌شود.

ماده ۲۹ (اهداف تربیتی)

۱) حکومت‌های عضو پیمان تایید می‌کنند که تربیت باید:الف) شخصیت، استعداد و توانایی‌های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.ب) احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی‌های پایه‌ای مصوب سازمان ملل متحد را، در کودک پرورش دهد.ج) نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش‌های ملی سرزمین پدری ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین‌ها را تقویت کند.د) کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و دیگرباشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق‌ها و گروههای قومی یا ملی_ مذهبی، آماده کند.ه) علاقه و توجه به کودک را نسبت به محیط زیست و طبیعت بیشتر

کند.۲) این ماده و ماده ۲۸ اجازه ندارند چنان تفسیر شوند که موجب اخلال یا خدشه در آزادی شخص حقیقی و یا شخص حقوقی دیگری شوند. در تاسیس مدارس آموزشی هم با توجه به رعایت بند ۱، باید حداقل استانداردهای تعیین شده حکومتی موجود باشند.

ماده ۳۰ (حمایت از اقلیت‌ها)

کودکان متعلق به اقلیت‌های مذهبی، قومی و یا زبانی در کشورهایی که این اقلیت‌ها وجود دارند، دارای این حق هستند که همراه دیگر آشنایان بطور جمعی یا فردی از زبان فرهنگ و مذهب خود برخوردار بوده و از آنها استفاده کنند.

ماده ۳۱ (حق بازی و اوقات فراغت)

۱) حکومت‌ها حق کودک را برای داشتن بازی، سرگرمی، وقت آسایش و استراحت به رسمیت می‌شناسند. کودک می‌تواند بطور فعال و آزادانه در امور فرهنگی و هنری در خور سنی خودش، شرکت جوید.۲) حکومت‌ها به حق کودک برای فعالیت‌های هنری و فرهنگی توجه داشته و با اقدام‌های خود، آنرا پشتیبانی می‌کنند و امکانات مناسب را برای انجام فعالیت‌های فرهنگی_ هنری و همچنین اوقات فراغت و سرگرمی کودک فراهم می‌نمایند.

ماده ۳۲ (ممنوعیت استثمار)

۱) حکومت‌ها این حق را به رسمیت می‌شناسند که کودک استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان بخش است، گمارده نشود.۲) حکومت‌ها برای تضمین و اجرای این حق، امکانات مختلف قانونی، اجتماعی، اداری و آموزشی را بکار می‌برند. حکومت‌ها برای این منظور و در هماهنگی با پیمان‌ها و توافق نامه‌های بین المللی دیگر، ضمن تعیین سن آغاز اشتغال و تنظیم مدت و شرایط کار کودک، مجازات مختلف همراه محاصره اقتصادی دولت خاطی را بررسی می‌نمایند.

ماده ۳۳ (حمایت در برابر مواد مخدر)

حکومت‌ها تمامی اقدامات مناسب همراه استفاده از امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی را بعمل می‌آورند تا کودک را بر علیه موادی که مطابق اسناد بین المللی بعنوان مواد اعتیادآور و مخدر شناخته شده‌اند، حمایت نمایند و از بکارگیری غیرمجاز کودکان در تولید و یا توزیع این مواد جلوگیری می‌کنند.

ماده ۳۴ (حمایت در برابر سوء استفاده جنسی)

حکومت‌های عضو پیمان، خود را موظف می‌دانند که کودک را در مقابل هرگونه استثمار سکسی و سوء استفاده جنسی حمایت کنند. حکومت‌ها برای این منظور دست به اقداماتی در سطح داخل و خارج از کشور می‌زنند تا:الف) کودکان به روابط جنسی غیر قانونی و یا اجباری کشانده نشوند.ب) کودکان در زمینه فاحشه گری مورد استفاده قرار نگیرند.ج) از کودکان در پورنوگرافی و نمایش‌های سکسی استفاده نشود.

ماده ۳۵ (خرید و فروش انسان)

حکومت‌های عضو پیمان با بکارگیری تمامی امکانات موجود داخلی و خارجی، منطقه‌ای و فرامنطقه از سرقت و خرید و فروش کودکان به هر منظوری که باشد، جلوگیری می‌کنند.

ماده ۳۶ (حمایت در برابر انواع دیگر استثمار)

حکومت‌های عضو پیمان، کودکان را در مقابل انواع استثمار که به شکلی به زیان آنهاست، حمایت می‌کنند.

ماده ۳۷ (ممنوعیت شکنجه، تضمین قانونی در اجرای مجازات)

حکومت‌ها تضمین می‌کنند که:الف) هیچ کودکی مورد شکنجه قرار نگیرد و رفتار غیر انسانی و توهین آمیز با او نشود. اجرای مجازات اعدام و حبس‌های طولانی مدت برای کودکان تا قبل از پایان سن هجده سالگی ممنوع است.ب) توقیف و حبس‌های غیرقانونی و بر پایهٔ تصمیم‌های شخصی، ممنوع است. حکم زندانی شدن برای کودکان مطابق قانونی و بعنوان آخرین امکان و آنهم برای مدتی بسیار کوتاه، صادر می‌شود.ج) با هر کودکی که در حبس بسر می‌برد باید رفتاری انسانی و بدون تحقیر و توهین و متناسب با سن او داشت. این کودکان را باید در زندان از بزرگسالان جدا نمود مگر اینکه این عمل به نفع کودک نباشد. هر کودکی حق دارد با خانواده خود بصورت ملاقات و یا نامه ارتباط داشته باشد، مگر در شرایط فوق العاده استثنایی.د) هر کودک زندانی حق استفاده از وکیل را برای دفاع از خود دارد و باید در دادگاه قانونی و ناوابسته که جانبدار دولت، حزب، فرقه یا آیینی نباشد، محاکمه شود. کودک حق دارد به دیگر مراجع صلاحیت دار قانونی در مورد حکم خود شکایت کند و به کار او سریع رسیدگی شود.

ماده ۳۸ (حمایت در انجام خدمت وظیفه)

۱) حکومت‌ها وظیفه قانونی دارند که حتی در شرایط جنگی، قوانین انسانی و مربوط به کودکان را رعایت کنند و بر اجرای آنها نظارت داشته باشند. حکومت‌ها تضمین می‌کنند و برای اجرای این تضمین همه اقدامات ضروری

را انجام می‌دهند که هیچ کودکی تا قبل از پایان سن پانزده سالگی خود، در جنگ شرکت داده نشود.۲) حکومت‌های عضو پیمان، افرادی را که هنوز سن پانزده سالگی خود را تمام نکرده‌اند، به جنگ نمی‌فرستند و در شرایط اضطراری تنها از افراد نسبتا مسن تر استفاده می‌کنند.۳) حکومت‌های عضو پیمان در شرایط جنگی هم تمام اقدامات را برای حمایت کودکان آسیب دیده از جنگ، انجام می‌دهند.

ماده ۳۹ (بازسازی اجتماعی کودکان آسیب دیده)

برای سلامتی روحی، جسمی و اجتماعی کودکی که قربانی نوعی از بدرفتاری، شکنجه، استثمار یا هر عمل غیرانسانی شده‌است، حکومت‌های عضو پیمان همه اقدامات مناسب را انجام می‌دهند.بازسازی جسمی و روانی باید در محیط و شرایط مناسب، سلامتی و منزلت کودک را تامین کند.

ماده ۴۰ (بازسازی اجتماعی کودکان مجرم)

۱) حکومت‌ها به هر کودکی که بدنبال دوره حبس یا اتهام وارده آسیب دیده‌است، کمک و اقدامات لازم را جهت درمان او می‌نمایند. بطوریکه منزلت او خدشه دار نشده و احترام به حقوق بشر و توانایی او در ایفای نقش مثبت در جامعه با رعایت سنی که دارد، تقویت شود.۲) همصدا با دیگر پیمان‌های بین المللی، حکومت‌ها تضمین می‌کنند که هیچ کودکی با انجام عملی که در زمان ارتکاب، مطابق قوانین جرم نموده‌است، مجازات نمی‌شود و هر کودکی که بنوعی در مقابل قانون گناه کار شناخته شده و متهم یا مجازات می‌شود، این حداقل حقوق را دارد:الف) تا قبل از اثبات جرم بطور قانونی، بی گناه است.ب) بلافاصله والدین و یا سرپرست کودک باید به موضوع اتهام واقف شده و بتوانند از ابزار حقوقی و داشتن وکیل برای دفاع از کودک برخوردار باشند.ج) دادگاه یا نهاد حقوقی مربوطه بلافاصله به مورد کودک رسیدگی نماید و در صورتیکه سن و شرایط کودک اجازه دهند و نفع و آسایش کودک مختل نشود، والدین یا سرپرست کودک هم در دادگاه شرکت می‌کنند.د) کودک را نباید مجبور کرد که شهادت داده و یا خود را گناهکار بداند و یا از طریق تماس با شاهدان بر آنها تاثیر بگذارد.ه) هرگاه حکم دادگاه اولیه مبنی بر مجرم شناختن و مجازات کودک بود، باید دادگاه یا مرجع بالاتری که جانبدار حکومت، حزب، فرقه یا آیینی نبوده و کاملا ناوابسته باشد، حکم صادره قبلی را بررسی و به شکایت رسیدگی کند.ی) اگر کودک زبان بازجو را نمی‌داند، باید بطور رایگان مترجم در اختیار او گذاشت.و) هیچگاه نباید محدوده خصوصی کودک و شخصیت او دچار آسیب شود.۳) دولت‌ها تلاش می‌کنند با استفاده از همه امکانات مختلف در جهت بهتر کردن روند دادگاه‌ها بکوشند وبه کودکان در این مراکز کمک نمایند؛ بخصوص:الف) تعیین حداقل سن برای یک کودک که در صورت ارتکاب جرم، بتوان او را مجرم شناخت.ب) کوشش برای حل مسایل بدون دخالت دادگاه ولی اکیدا بر پایه رعایت حقوق بشر و قوانین مدنی.۴) برای اطمینان از سلامتی جریان حقوقی و اینکه به کودک اجحافی نشود، باید تدارکات زنجیره‌ای گوناگونی انجام شده یا دردست اجرا باشد مانند: تعیین سرپرست، نظارت و مشاوره آزادی مشروط و مسایل مربوط به قیم، آموزش و پرورش و بسیاری نکات روانشناسی و اجتماعی دیگر.

ماده ۴۱ (برتری حقوقی برخی از کشورهای دنیا)

این پیمان نامه تباینی با حقوق کودکان در کشورهای از این نظر پیشرفته تر ندارد و در اجرای بهتر احقاق حقوق کودکان دخالتی نمی‌کند. حقوقی که برای کودکان مناسب تر هستند و:الف) جزو قوانین یک حکومت عضو این پیمان محسوب می‌شوند.ب) جزو حقوق ملی و مدنی آن کشور هستند.

بخش دوم عهدنامه

ماده ۴۲ (معرفی عهدنامه)

حکومت‌های عضو پیمان خود را موظف می‌دانند که مفاد و مصوبات این پیمان نامه را از راههای گوناگون و موثر در اختیار بزرگسالان و همچنین کودکان قرار دهند تا آنها با این پیمان نامه آشنا شوند.

ماده ۴۳ (کمیسیون حقوق کودکان)

۱) کمیسیون حقوق کودکان، برای کنترل پیشرفت اموری که حکومت‌های عضو پیمان، تضمین آنرا داده‌اند، تشکیل می‌شود. این کمیسیون تکالیف و وظایف زیر را بر دوش می‌گیرد.۲) کمیسیون از ده نفر که از نظر حرفه‌ای و اخلاقی، کارشناسان بلندپایه هستند تشکیل شده‌است که از طرف حکومت‌های حاضر در این پیمان نامه و از میان افراد تابع همان حکومت‌ها انتخاب می‌شوند. در ترکیب افراد این کمیسیون به پراکندگی جغرافیایی و سیستم حقوقی کشورها توجه می‌شود.۳) اعضای کمیسیون به روش مخفی از لیست پیشنهادی حکومت‌های عضو پیمان انتخاب می‌شوند.هر حکومت می‌تواند فقط یک نفر از تابعین خودش را پیشنهاد کند.۴) اولین انتخابات کمیسیون حداکثر شش ماه بعد از تصویب این پیمان نامه برگزار می‌شود و انتخابات بعدی هر دو سال یکبار انجام می‌پذیرند. دبیرکل بطور کتبی و حداکثر چهارماه قبل از انتخابات، از حکومت‌های عضو پیمان

درخواست می‌کند که پیشنهادات خودشان را ظرف دو ماه ارایه دهند. دبیرکل بر پایه این پیشنهادات همه اسامی را برطبق حروف الفبا و ذکر نام حکومت پیشنهاد دهنده تهیه کرده و به اطلاع همه حکومت‌ها می‌رساند.۵) جلسه برای انتخابات که از طرف دبیرکل سازمان ملل اعلام و تشکیل شده‌است در صورت حضور دوسوم حکومت‌های عضو پیمان، قدرت تصمیم گیری دارد. افراد پیشنهاد شده در لیست که اکثریت مطلق آرای حاضرین را کسب کنند بعنوان نماینده و کارشناس عضو کمیسیون شناخته می‌شوند.۶) اعضای کمیسیون برای مدت چهارسال انتخاب می‌شوند و در صورت پیشنهاد مجدد، می‌توانند دوباره انتخاب شوند. مدت عضویت پنج نفر از اعضای کمیسیون که در بار اول انتخاب شده‌اند، بعد از دو سال تمام می‌شود که نام آنها در قرعه تعیین و بلافاصله بعد از انتخابات اعلام می‌شود.۷) در صورت فوت یا استعفای یکی از اعضای کمیسیون و یا اگر یک عضو به هر دلیلی نتوانست انجام وظیفه کند، حکومتی که آن عضو را پیشنهاد کرده‌است از بین تابعین خود، یک کارشناس را معرفی می‌کند که با موافقت کمیسیون، برای مدت باقی مانده، به عضویت کمیسیون درمی آید.۸) کمیسیون، اصول کار و فعالیت‌های خود را برنامه ریزی می‌کند.۹) کمیسیون، هیات مدیره خود را برای مدت دو سال انتخاب می‌کند.۱۰) جلسات کمیسیون معمولا سالی یکبار در محل سازمان ملل یا مکان مناسب دیگری که کمیسیون مشخص کند تشکیل می‌شود. مدت جلسه با توافق دبیرکل سازمان ملل تعیین می‌گردد.۱۱) مکان و نیروی انسانی که کمیسیون برای انجام وظایف خود نیاز دارد، از طرف دبیرکل سازمان ملل متحد تامین می‌شود.۱۲) به اعضای این کمیسیون با موافقت مجمع عمومی حکومت‌های عضو این پیمان نامه، درآمدی تعلق می‌گیرد که از محل صندوق سازمان ملل و طبق مقررات آن تامین می‌شود.

ماده ۴۴ (گزارش دهی و گزارش گیری)

۱) حکومت‌های عضو پیمان موظف هستند که گزارشات خود را درباره فعالیت‌ها و اقدامات مربوط به تحقق و پیگیری تصمیمات این پیمان نامه تهیه و تنظیم نموده و ارایه دهند و آنهم:الف) ظرف دو سال بعد از تصویت این پیمان نامه برای حکومت‌های مربوطه.ب) سپس هر پنج سال یکبار.۲) در گزارشات باید مشکلا ت اصلی را که مانع اجرای مصوبات بوده‌اند، ذکر نموده و تصویر کامل و دقیقی از چگونگی اجرای مصوبات ارایه نمود.۳) محتوای گزارشات حکومتی عرضه شده به کمیسیون نباید در گزارشات بعدی که مطابق بند (ب) در اصل شماره (۶) این ماده ارایه می‌گردند، تکرار شوند.۴) کمیسیون می‌تواند از حکومت‌های مربوطه در مورد اجرای این پیمان نامه، تحقیق و پرس و جو کند.۵) کمیسیون، گزارش فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود را هر دو سال یکبار به مجمع عمومی تقدیم می‌کند.۶) حکومت‌های عضو پیمان، گزارشات ارایه شده را در سرزمین‌های خود منتشر و به اطلاع مردم می‌رسانند.

ماده ۴۵ (وظایف ارگان‌های ویژه سازمان ملل)

برای پیشبرد و اجرای قاطع این پیمان نامه و گسترش همکاری‌های بین المللی در این رابطه:الف) «کارگاه کمک به کودکان» و دیگر سازمان‌ها و تشکیلات ویژه سازمان ملل، در مسایل مربوط به زمینه کاری خودشان، نماینده سازمان ملل متحد برای اجرای پیمان‌های بین المللی هستند.کمیسیون اگر لازم بداند، می‌تواند از این ارگان‌های ویژه سازمان ملل متحد برای همکاری در زمینه‌های مربوطه دعوت نموده و یاری دریافت کند.ب) کمیسیون حقوق کودکان در صورت لزوم با ارگان‌های سازمان ملل تماس گرفته و با درخواست کتبی همراه ارایه گزارش کشورهای طرف قرارداد، از مشاوره فنی و کارشناسی آن ارگان مربوطه کمک می‌گیرد.ج) کمیسیون می‌تواند جهت اجرای مفاد مربوط به حقوق کودک، به مجمع عمومی پیشنهاد پرسش و درخواست از دبیرکل را بنماید.د) کمیسیون می‌تواند بر پایه اطلاعاتی که طبق ماده ۴۴ و ماده ۴۵ کسب کرده‌است، پیشنهادات و توصیه‌های لازم را به حکومت مربوطه داده و مجمع عمومی را هم در جریان بگذارد.

بخش سوم عهدنامه

ماده ۴۶ (امضاها)

این پیمان نامه جهت امضا دراختیار همه حکومت‌های قرار دارد.

ماده ۴۷ (تایید رسمی)

این پیمان نامه دراختیار دبیرکل سازمان ملل متحد گذاشته شده‌است.

ماده ۴۸ (پذیرش این پیمان نامه)

این پیمان نامه جهت پذیرش دراختیار همه حکومت‌ها قرار گرفته و سند توافق هر حکومت بطور ثبت شده و تحت عنوان «پذیرش نامه» در نزد دبیرکل می‌باشد.

ماده ۴۹ (قدرت اجرایی)

۱) این پیمان نامه درست سی روز پس از دریافت بیستمین پذیرش نامه توسط دبیرکل سازمان ملل، قدرت

اجرایی می‌یابد.۲) هرگاه حکومتی بعد از دریافت بیستمین پذیرش نامه به این پیمان نامه پیوسته و پذیرش نامه را امضا کند، تاریخ قدرت اجرایی برای آن حکومت، سی روز پس از ورود و امضای پذیرش نامه‌است.(توضیح: آغاز اعتبار و قدرت اجرایی این پیمان نامه مطابق این مصوبه از تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی است-م)
ماده ۵۰ (تغییرات)
۱) هر حکومت عضو پیمان می‌تواند پیشنهاد یک تغییر در این پیمان نامه را داده و آنرا به دبیرکل تسلیم کند. دبیرکل این پیشنهاد دریافتی را به اطلاع سایر حکومت‌های عضو پیمان رسانده و درباره آن نظرخواهی می‌کند. اگر چهارماه پس از اظهار یک پیشنهاد، حداقل یک سوم حکومت‌ها با آن پیشنهاد موافق بودند، دبیرکل، تشکیل جلسه عمومی را برای طرح آن پیشنهاد اعلام می‌کند. هر تغییری که توسط اکثریت حاضرین در جلسه پذیرفته شد، جهت تصویب به مجمع عمومی ابلاغ می‌شود.۲) تغییر پذیرفته شده در پیمان نامه پس از تصویب مجمع عمومی و توافق دوسوم اکثریت حکومت‌ها، قدرت اجرایی دارد.۳) تغییری که اعتبار و قدرت اجرایی یافته‌است، تنها برای حکومت‌هایی که آنرا پذیرفته‌اند، می‌تواند پیگرد قانونی داشته باشد.
ماده ۵۱ (قید وشرط)
۱) دبیرکل سازمان ملل متحد با تاکید اعلام می‌کند؛ هر حکومتی که هنگام ورود و پذیرش این پیمان نامه قید و شرطی بگذارد، با آغوش باز پذیرفته و آنرا به اطلاع سایر حکومت‌ها می‌رساند.۲) قیود و شروطی که با هدف و منظور این پیمان نامه منافات دارند، پذیرفته نمی‌شوند.۳) قید و شرط‌ها می‌توانند از طریق یادداشت کوتاه و تاریخ دار به دبیرکل، در هر زمانی پس گرفته شوند. دبیرکل، سایر حکومت‌ها را از آن یادداشت مطلع می‌کند.
ماده ۵۲ (استعفا)
یک حکومت می‌تواند استعفای خود را از شرکت و پذیرش این پیمان نامه از طریق نامه کتبی به دبیرکل اعلام کند. یکسال بعد از دریافت آن نامه توسط دبیرکل، استعفا قدرت قانونی دارد.
ماده ۵۳ (نگهداری)
دبیرکل سازمان ملل متحد به عنوان نگهدارنده و حافظ این پیمان نامه تعیین می‌شود.
ماده ۵۴ (امانت)
نوشته اصل این پیمان نامه که به زبان‌های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی است و همگی به یک اندازه اعتبار دارند، به رسم امانت، نزد دبیرکل سازمان ملل متحد گذاشته شده‌است.
پیمان نامه از طرف مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ بیستم نوامبر سال ۱۹۸۹ میلادی تصویب شد.

ترجمه: سایت دیدگاه

—

کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی(قتل عام)

2011-01-18 · Archive ID 246
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=246

صدو هفتاد و نهمین گردهمائی- ۹ دسامبر ۱۹۴۸

دولتهای طرف کنوانسیون:

- با توجه به اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ و تصمیم خود مبنی بر اینکه قتل عام بنابر قوانین بین المللی جرم محسوب میشود و مغایر با روح و اهداف ملل متحد و محکوم شده به وسیله ملل متمدن است.

- با شناخت به اینکه در تمام مراحل تاریخ، قتل عام تلفات بسیار سنگینی به جامعه انسانی وارد کرده‌است.

- با اطمینان به لزوم همکاریهای بین المللی جهت رها شدن انسان از این نوع مجازات و تنبیه نفرت انگیز.

بدین وسیله به اتفاق، این مفاد ارائه میگردد:

ماده اول

دولتهای عضو، تائید میکنند، قتل عام چه در زمان صلح و یا چه در زمان جنگ یک جرم بین المللی محسوب میشود و همچنین آنها تعهد میکنند که از آن جلوگیری نموده و مرتکبین را مجازات نمایند.

ماده دوم

در کنوانسیون حاضر، تعریف قتل عام بدین معنی میباشد: کشتار دسته جمعی به هر یک از اعمال زیر که به منظور از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی صورت گیرد، اطلاق میشود:

الف: کشتن اعضای یک گروه

ب: صدمات جدی جسمی یا روحی به اعضاء یک گروه وارد کردن

ج: قرار دادن یک گروه در معرض شرایط نامناسب زندگی که منجر به از بین رفتن قوای جسمی آن گروه، بطور کلی یا جزئی میگردد.

د: اقدامات تحمیلی به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه ه: انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر

ماده سوم

اعمال زیر قابل مجازات میباشند:

الف: قتل عام

ب: توطئه برای قتل عام

ج: تحریک مستقیم و علنی در انجام قتلها

د: کوشش برای انجام قتل عام

ه : شرکت در امر قتل عام

ماده چهارم

افرادی که مرتکب قتل عام میشوند یا هر مورد دیگری که در ماده سوم ذکر شده‌است، مجازات خواهند شد. خواه این افراد از حاکمان مسئول و قانونی و یا مقامات رسمی دولتی و یا افراد خصوصی باشند.

ماده پنجم

دولتهای عضو، ضرورت تصویب مقررات کنوانسیون حاضر را در مراجع قانونگذاری خودشان تعهد میکنند تا اجرای کنوانسیون میسر گردد. آنها بویژه تعهد میکنند که مجازات‌های موثری برای اشخاص مجرم در رابطه با قتل عام و یا دیگر اعمالی که در ماده سوم ذکر شده‌است را در قوانین خود تصویب نمایند.

ماده ششم

افرادی که محکوم به قتل عام و یا دیگر اعمالی که در ماده سوم ذکر شده‌است، می باشند، در دادگاه صلاحیتدار کشوری که جرم در آن واقع شده‌است و مطابق قوانین آن کشور و یا بوسیله دادگاه بین المللی که صلاحیت قضائی آن مورد قبول دولتهای عضو باشد، مجازات میشوند.

ماده هفتم

عمل قتل عام و دیگر اعمالی که در ماده سوم ذکر شده‌است، از لحاظ استرداد مجرمین، جرم سیاسی محسوب نمیشود. دولتهای عضو تعهد خواهند کرد که بنابر قوانین کشور خود و قراردادهای موجود با استرداد مجرمین موافقت نمایند.

ماده هشتم

هریک از دولتهای عضو میتوانند از نهادهای صلاحیت دار سازمان ملل بخواهند که بر اساس منشور سازمان ملل متحد اقدامات مناسب برای جلوگیری و از بین بردن قتل عام را مورد بررسی قرار دهند.

ماده نهم

اگر اختلافی بین دولتهای عضو در مورد تفسیر یا اجرای مواد این کنوانسیون بوجود آید و یا مسئله‌ای مربوط به مسئولیت دولتی، که در این جنایت(شرکت داشته‌است) و یا دیگر اعمالی که در ماده سوم آمده‌است، به درخواست هر یک از طرفین اختلاف، موضوع به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع میشود.

ماده دهم

متنهای چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی کنوانسیون حاضر دارای اعتباری یکسان میباشد و در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ لازم ا لاجرا خواهند بود.

ماده یازدهم

کنوانسیون حاضر تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۴۹ برای امضاء اعضاء سازمان ملل و نیز دولتهای غیر عضوی که بوسیله دبیر کل دعوتنامه‌ای برای امضاء دریافت کرده‌اند، مفتوح خواهد بود.

کنوانسیون حاضر، وقتی به مرحله اجرای قانونی برسید، مقررات تصویب آن نزد دبیر کل سازمان ملل سپرده خواهد شد.

الحاق از طرف اعضاء سازمان ملل و هر دولت غیر عضوی که دعوتنامه مذکور را دریافت کرده‌است بعد از اول ژانویه ۱۹۵۰، پذیرفته میشود. مقررات سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد.

ماده دوازدهم

هر دولت عضوی میتواند در هر زمان بوسیله نامه خطاب به دبیر کل سازمان ملل، خواستار توسعه کنوانسیون حاضر به تمام و یا هر قلمروی باشد. این درخواست به سبب اداره مناسبات خارجی دولتهای عضوی که مسئولیت دارند، صورت خواهد گرفت.

ماده سیزدهم

در هنگام سپرده شدن اولین بیست سند تصویب یا الحاق، دبیر کل سازمان ملل، «ابلاغیه‌ای شفاهی» تهیه و تنظیم خواهد نمود و رونوشت آنرا به اعضاء سازمان ملل و دولتهای غیر عضو با در نظر داشتن ماده ۱۱ ارسال خواهد کرد.

کنوانسیون حاضر ۹۰ روز پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل قابلیت اجرا پیدا میکند.

هر تصویب یا الحاق که بعد از تاریخ ذکر شده اخیر انجام گیرد، ۹۰ روز پس از اینکه مقررات تصویب یا الحاق سپرده شود، لازم الاجرا خواهد شد.

ماده چهاردهم

کنوانسیون حاضر به مدت ۱۰ سال یعنی از روزی که لازم الاجرا گردید، به اعتبار خود باقی خواهد ماند. پس از آن هر۵ سال به ۵ سال، در صورتی که حداقل ۶ ماه قبل از پایان مدت، کنوانسیون توسط دولتهای عضو فسخ نشود، (خود بخود) تمدید میگردد.

اعلان فسخ از طرف دولت عضو بوسیله نوشتن نامه خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد، صورت خواهد گرفت.

ماده پانزدهم

اگر در نتیجه اعلان فسخ، تعداد دولتهای عضو (متعاهد) به کنوانسیون حاضر به کمتر از ۱۶ دولت برسد، قرارداد مزبور از تاریخ آخرین اعلان فسخ، از درجه اعتبار ساقط میگردد.

ماده شانزدهم

درخواست تجدید نظر در مورد کنوانسیون حاضر، بوسیله تذکر کتبی که دولت عضو خطاب به دبیر کل بعمل می‌آورد، در هر زمان میسر می‌باشد.

ماده هفدهم

دبیر کل سازمان ملل مراتب ذیل را جهت اطلاع همه اعضاء سازمان ملل و دولتهای غیر عضو با در نظر گرفتن ماده ۱۱ متذکر خواهد شد:

الف: امضاءها، تصویب‌ها و الحاق‌های دریافتی بنابر ماده ۱۱

ب: تذکرات دریافتی بر طبق ماده ۱۲

ج: زمان لازم الاجرا شدن کنوانسیون حاضر بنابر ماده ۱۳

د: انصرافهای دریافتی بنابر ماده ۱۴

ه : فسخ کنوانسیون بنابر ماده ۱۵

و: تذکرات دریافتی بنابر ماده ۱۶

ماده هیجدهم

رونوشت اصلی کنوانسیون حاضر در بایگانی سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد. یک رونوشت گواهی شده کنوانسیون به تمام اعضاء سازمان ملل و دولتهای غیر عضو با در نظر گرفتن ماده ۱۱، ارسال خواهد شد.

ماده نوزدهم

کنوانسیون حاضر در زمان لازم الاجرا شدن آن بوسیله دبیر کل سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

منبع: سایت دیدگاه

کنوانسیون منع و مجازات کشتار دسته جمعی(قتل عام)
صدو هفتاد و نهمین گردهمائی- ۹ دسامبر ۱۹۴۸دولتهای طرف کنوانسیون:
- با توجه به اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ و تصمیم خود مبنی بر اینکه قتل عام بنابر قوانین بین المللی جرم محسوب میشود و مغایر با روح و اهداف ملل متحد و محکوم شده به وسیله ملل متمدن است.- با شناخت به اینکه در تمام مراحل تاریخ، قتل عام تلفات بسیار سنگینی به جامعه انسانی وارد کرده‌است.- با اطمینان به لزوم همکاریهای بین المللی جهت رها شدن انسان از این نوع مجازات و تنبیه نفرت انگیز.بدین وسیله به اتفاق، این مفاد ارائه میگردد:
ماده اولدولتهای عضو، تائید میکنند، قتل عام چه در زمان صلح و یا چه در زمان جنگ یک جرم بین المللی

محسوب میشود و همچنین آنها تعهد میکنند که از آن جلوگیری نموده و مرتکبین را مجازات نمایند.
ماده دومدر کنوانسیون حاضر، تعریف قتل عام بدین معنی میباشد: کشتار دسته جمعی به هر یک از اعمال زیر که به منظور از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی صورت گیرد، اطلاق میشود:الف: کشتن اعضای یک گروهب: صدمات جدی جسمی یا روحی به اعضاء یک گروه وارد کردن ج: قرار دادن یک گروه در معرض شرایط نامناسب زندگی که منجر به از بین رفتن قوای جسمی آن گروه، بطور کلی یا جزئی میگردد.د: اقدامات تحمیلی به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه ه: انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر
ماده سوماعمال زیر قابل مجازات میباشند:الف: قتل عامب: توطئه برای قتل عامج: تحریک مستقیم و علنی در انجام قتلهاد: کوشش برای انجام قتل عامه : شرکت در امر قتل عام
ماده چهارمافرادی که مرتکب قتل عام میشوند یا هر مورد دیگری که در ماده سوم ذکر شده‌است، مجازات خواهند شد. خواه این افراد از حاکمان مسئول و قانونی و یا مقامات رسمی دولتی و یا افراد خصوصی باشند.
ماده پنجمدولتهای عضو، ضرورت تصویب مقررات کنوانسیون حاضر را در مراجع قانونگذاری خودشان تعهد میکنند تا اجرای کنوانسیون میسر گردد. آنها بویژه تعهد میکنند که مجازات‌های موثری برای اشخاص مجرم در رابطه با قتل عام و یا دیگر اعمالی که در ماده سوم ذکر شده‌است را در قوانین خود تصویب نمایند.
ماده ششمافرادی که محکوم به قتل عام و یا دیگر اعمالی که در ماده سوم ذکر شده‌است، می باشند، در دادگاه صلاحیتدار کشوری که جرم در آن واقع شده‌است و مطابق قوانین آن کشور و یا بوسیله دادگاه بین المللی که صلاحیت قضائی آن مورد قبول دولتهای عضو باشد، مجازات میشوند.
ماده هفتمعمل قتل عام و دیگر اعمالی که در ماده سوم ذکر شده‌است، از لحاظ استرداد مجرمین، جرم سیاسی محسوب نمیشود. دولتهای عضو تعهد خواهند کرد که بنابر قوانین کشور خود و قراردادهای موجود با استرداد مجرمین موافقت نمایند.
ماده هشتمهریک از دولتهای عضو میتوانند از نهادهای صلاحیت دار سازمان ملل بخواهند که بر اساس منشور سازمان ملل متحد اقدامات مناسب برای جلوگیری و از بین بردن قتل عام را مورد بررسی قرار دهند.
ماده نهماگر اختلافی بین دولتهای عضو در مورد تفسیر یا اجرای مواد این کنوانسیون بوجود آید و یا مسئله‌ای مربوط به مسئولیت دولتی، که در این جنایت(شرکت داشته‌است) و یا دیگر اعمالی که در ماده سوم آمده‌است، به درخواست هر یک از طرفین اختلاف، موضوع به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع میشود.
ماده دهممتنهای چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی کنوانسیون حاضر دارای اعتباری یکسان میباشد و در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۴۸ لازم ا لاجرا خواهند بود.
ماده یازدهمکنوانسیون حاضر تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۴۹ برای امضاء اعضاء سازمان ملل و نیز دولتهای غیر عضوی که بوسیله دبیر کل دعوتنامه‌ای برای امضاء دریافت کرده‌اند، مفتوح خواهد بود.کنوانسیون حاضر، وقتی به مرحله اجرای قانونی برسید، مقررات تصویب آن نزد دبیر کل سازمان ملل سپرده خواهد شد.الحاق از طرف اعضاء سازمان ملل و هر دولت غیر عضوی که دعوتنامه مذکور را دریافت کرده‌است بعد از اول ژانویه ۱۹۵۰، پذیرفته میشود. مقررات سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد.
ماده دوازدهمهر دولت عضوی میتواند در هر زمان بوسیله نامه خطاب به دبیر کل سازمان ملل، خواستار توسعه کنوانسیون حاضر به تمام و یا هر قلمروی باشد. این درخواست به سبب اداره مناسبات خارجی دولتهای عضوی که مسئولیت دارند، صورت خواهد گرفت.
ماده سیزدهمدر هنگام سپرده شدن اولین بیست سند تصویب یا الحاق، دبیر کل سازمان ملل، «ابلاغیه‌ای شفاهی» تهیه و تنظیم خواهد نمود و رونوشت آنرا به اعضاء سازمان ملل و دولتهای غیر عضو با در نظر داشتن ماده ۱۱ ارسال خواهد کرد.کنوانسیون حاضر ۹۰ روز پس از سپرده شدن بیستمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل قابلیت اجرا پیدا میکند.هر تصویب یا الحاق که بعد از تاریخ ذکر شده اخیر انجام گیرد، ۹۰ روز پس از اینکه مقررات تصویب یا الحاق سپرده شود، لازم الاجرا خواهد شد.
ماده چهاردهمکنوانسیون حاضر به مدت ۱۰ سال یعنی از روزی که لازم الاجرا گردید، به اعتبار خود باقی خواهد ماند. پس از آن هر۵ سال به ۵ سال، در صورتی که حداقل ۶ ماه قبل از پایان مدت، کنوانسیون توسط دولتهای عضو فسخ نشود، (خود بخود) تمدید میگردد.اعلان فسخ از طرف دولت عضو بوسیله نوشتن نامه خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد، صورت خواهد گرفت.
ماده پانزدهماگر در نتیجه اعلان فسخ، تعداد دولتهای عضو (متعاهد) به کنوانسیون حاضر به کمتر از ۱۶ دولت برسد، قرارداد مزبور از تاریخ آخرین اعلان فسخ، از درجه اعتبار ساقط میگردد.

ماده شانزدهمدرخواست تجدید نظر در مورد کنوانسیون حاضر، بوسیله تذکر کتبی که دولت عضو خطاب به دبیر کل بعمل می‌آورد، در هر زمان میسر می‌باشد.
ماده هفدهمدبیر کل سازمان ملل مراتب ذیل را جهت اطلاع همه اعضاء سازمان ملل و دولتهای غیر عضو با در نظر گرفتن ماده ۱۱ متذکر خواهد شد:الف: امضاءها، تصویب‌ها و الحاق‌های دریافتی بنابر ماده ۱۱ ب: تذکرات دریافتی بر طبق ماده ۱۲ج: زمان لازم الاجرا شدن کنوانسیون حاضر بنابر ماده ۱۳د: انصرافهای دریافتی بنابر ماده ۱۴ه : فسخ کنوانسیون بنابر ماده ۱۵و: تذکرات دریافتی بنابر ماده ۱۶
ماده هیجدهمرونوشت اصلی کنوانسیون حاضر در بایگانی سازمان ملل به امانت سپرده خواهد شد. یک رونوشت گواهی شده کنوانسیون به تمام اعضاء سازمان ملل و دولتهای غیر عضو با در نظر گرفتن ماده ۱۱، ارسال خواهد شد.
ماده نوزدهمکنوانسیون حاضر در زمان لازم الاجرا شدن آن بوسیله دبیر کل سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

ترجمه: سایت دیدگاه

—

کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد

2011-01-18 · Archive ID 247
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=247

مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶/ قطعنامه ۲۲۰۰ A قدرت اجرائی بنابر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶

دیباچه:

دولتهای عضو این میثاق:

با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده‌است، شناسائی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، •نظر به اینکه، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است،

با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهائی از ترس میباشد و دستیابی به این شرایط فقط بوسیله بهره مندی هر کس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است، با توجه به منشور ملل متحد، دولتها متعهد برعایت و احترام به حقوق و آزادیهای انسان وترویج آنها در سراسر جهان میباشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسئولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق میباشند، (دولتهای عضو این میثاق) با مواد زیر موافقت میکنند:

بخش یکم

ماده اول

۱- تمام ملتها حق خودمختاری دارند. بواسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین میکنند.

۲- تمام ملتها میتوانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاریهای اقتصادی بین المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین المللی، آزادانه (منعقد شده‌است) ثروتها و منابع طبیعی شان را مصرف نمایند. در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم نمود.

۳- دولتهای عضو این میثاق، از جمله دولتهای مسئول اداره کشورهای مستعمره و تحت قیمومیت، باید در تحقق حق خودمختاری و احترام به این حق، طبق مقررات منشور ملل متحد، سرعت بخشند.

بخش دوم

ماده دوم

۱- هر دولت عضو این میثاق متعهد میشود که نسبت به افراد ساکن قلمرو و تبعه حوزه قانونی خود، حقوق شناخته شده این میثاق را صرفنظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا عقیده‌ای دیگر، و همچنین اصل و منشاء اجتماعی یا ملی، دارائی، نسب و یا وضعیت‌های دیگر، محترم شمرد و تضمین نماید.

۲- هر دولت عضو این میثاق در جائیکه قوانین و تدابیری پیش بینی نشده‌است، متعهد میباشد که اقدامات لازم را بنابر روند قانونگذاری خود و مقررات این میثاق بعمل آورد. اتخاذ چنین قوانین و تدابیری بمنظور اجرای حقوق شناخته شده این میثاق میباشد.

۳- هر یک از اعضای عضو این میثاق متعهد است که:

الف: تضمین نماید، فردی که حقوق و آزادیهایش که در این میثاق برسمیت شناخته شده‌است، نقض گردد، باید وسیله‌ای جهت جبران خسارت موثر داشته باشد، هرچند این نقض بوسیله افرادی انجام گرفته باشد که در سمت رسمی خود قرار داشته‌اند.

ب: تضمین نماید، فردی که درخواست جبران خسارت میکند، باید بوسیله مقامات صالح قضائی، اداری و قانونگذاری و یا بوسیله هر مقام دیگری که بواسطه نظام قانونی کشور مقرر میگردد (مورد رسیدگی قرار گیرد) و همچنین امکانات جبران خسارت قضائی و حقوقی (تظلم خواهی) توسعه یابد.

ج: تضمین نماید که مقامات صالحه در صورت محرز شدن چنین خساراتی وادار به جبران شوند.

ماده سوم

دولتهای عضو این میثاق تعهد مینمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده‌است، تضمین شود.

ماده چهارم

۱- کشورهای عضو این میثاق درزمان پیشامدهای اضطراری عمومی که حیات ملتی را تهدید میکند و وجود آن پیشامد بطور رسمی اعلام گردیده‌است، میتوانند اقدامات لازم را خارج از مواد این پیمان و تعهدات خود نسبت به آنرا بنا بر وضعیت و مقتضیات بعمل آورند، مشروط براینکه این اقدامات متناقض با دیگر تعهدات حقوق بین الملل خود نباشد (و نیز) تبعیض انحصاری بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، منشاء مذهبی یا اجتماعی در بر نداشته باشد.

۲- (این اقدامات) نباید خارج از مواد ۶-۷-۸ (بند ۱و۲) ۱۱-۱۵-۱۶و۱۸ این قانون (میثاق) انجام گیرد.

۳- هر یک از کشورهای عضو این میثاق که از (حق) پیشامدهای اضطراری این پیمان استفاده میکند، باید بلافاصله موارد پیشامد اضطراری و دلایلی که موجب این اضطرار شده‌است را توسط دبیر کل سازمان ملل متحد به دیگر کشورهای عضو پیمان اطلاع دهد. (همچنین این کشور) اطلاعیه‌ای (مبنی بر ذکر) تاریخی که این پیشامد اضطراری پایان می‌پذیرد را صادر نماید و از طریق همان واسطه (دبیر کل) به اطلاع دیگر کشورهای عضو برساند.

ماده پنجم

۱- هیچیک (از مواد) این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که بموجب آن حقی برای کشوری یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق میگردد و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنچه که در این میثاق پیش بینی شده‌است، ایجاد نماید.

۲- هیچ نوع محدودیت و یا تخلف از حقوق اساسی بشر که در قوانین، پیمان نامه‌ها، آئین نامه‌ها و یا عرف هر یک از کشورهای عضو این پیمان شناخته شده‌است و یاوجود دارد، به بهانه اینکه در این میثاق (آن حقوق) به رسمیت شناخته نشده‌است و یا به میزان کمتری به رسمیت شناخته شده‌است، پذیرفته نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ششم

۱- هر انسانی بطور ذاتی حق زندگی دارد. این حق باید بوسیله قانون محافظت گردد. هیچکس را نمیتوان بطور دلخواه و خودسرانه از حق زندگی محروم نمود.

۲- در کشورهائی که مجازات اعدام لغو نشده‌است، حکم مرگ فقط باید برای مهمترین جنایات، آنهم بنا بر قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جرم صادر شود و (نیز این حکم) نباید با مقررات این میثاق و میثاق منع و مجازات جرم کشتار دستجمعی Genocide منافات داشته باشد.

۳- هنگامیکه سلب زندگی (صدور حکم مرگ) جرم کشتار جمعی باشد، (در این صورت) بدیهی است که هیچ چیزی در این ماده مجاز نمی‌شمارد که کشور عضو این پیمان از تعهداتی که به قوانین میثاق منع و مجازات جرم کشتار جمعی سپرده‌است، تخلف ورزد.

۴- هر فرد محکوم به مرگ، حق دارد که درخواست عفو و یا تخفیف جرم نماید. امکان اعطاء بخشش عمومی، بخشش فردی یا تخفیف مجازات مرگ در تمام موارد وجود دارد.

۵- حکم مجازات مرگ نباید برای جرمهائی که افراد زیر ۱۸ سال مرتکب شده‌اند صادر شود و (نیز این حکم) نباید در مورد زنان باردار اجرا گردد.

۶- هیچ چیز در این ماده جهت به تاخیر انداختن و یا منع الغای مجازات اعدام از طرف کشور عضو این میثاق، قابل استناد نمی‌باشد.

ماده هفتم

هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیر انسانی و وحشیانه قرار گیرد. بویژه کسی را نباید بدون رضایت آزادانه اش در معرض آزمایشات پزشکی و علمی قرار داد.

ماده هشتم

۱- هیچکس نباید در بردگی نگاه داشته شود. بردگی و تجارت برده با تمام اشکال آن ممنوع میباشد.

۲- کسی نباید در خدمت اجباری نگاه داشته شود.

۳- الف: هیچکس را نباید به کار اجباری و انجام عمل تحمیلی وادار نمود.

ب: بند سوم (الف) نباید برای کشورهائی که اعمال شاقه را بمثابه مجازات جرم در نظر میگیرند، مانعی ایجاد کند، بدیهی است حکم چنین مجازاتی (مجازات مجرم با اعمال شاقه) باید بوسیله دادگاه صالحه صادر گردد.

ج: برای (روشن شدن) مفاد این بند، واژه کار تحمیلی و اجباری شامل موارد زیر نمی‌باشد:

- اهر کار یا خدمتی که به زیر بند (ب) عطف نشده‌است که معمولا به فردی که در نتیجه حکم دادگاه تحت بازداشت است و یا به فردی که در حین برخورداری مشروط از این نوع بازداشت، تکلیف میگردد.

- II هر نوع خدمت شخصی نظامی در کشورهائی که موضوع خدمت وظیفه برسمیت شناخته نشده‌است، هر نوع خدمت ملی مقرر شده که بوسیله قانون خدمت وظیفه پذیرفته نشده‌است

- IIIهر نوع خدمتی که در موارد اضطراری یا بلایائی که زندگی و رفاه جامعه را تهدید میکند، مقتضی می‌باشد.

- IIIIهر کار یا خدمتی که قسمتی از تعهدات (اجتماعی) مدنی را تشکیل دهد.

ماده نهم

۱- هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچکس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند.

۲- هر کسی که دستگیر میشود باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و (نیز) باید بدون درنگ هر اتهامی که علیه او وجود دارد، به اطلاعش رساند.

۳- هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت میگردد، باید بی درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که بوسیله قانون، قدرت قضائی را اعمال میکند، آورده شود و شایسته‌است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید، ولی در هر مرحله از رسیدگی قضائی، (متهم) ممکن است با تضمین آزادی (موقت) جهت حضور در دادگاه و به اقتضای حکم دادگاه موکول گردد.

۴- هر کسی که بموجب دستگیری و یا بازداشت، از آزادی اش محروم میگردد، حق دارد روند دادخواهی را بدین منظور که دادگاه بدون تاخیر در مورد غیر قانونی بودن بازداشتش تصمیم گیرد، دنبال نماید تا اگر بازداشت او غیر قانونی است (قاضی) دستور به آزادی او دهد.

۵- هر کس که قربانی دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی شده‌است، حق جبران خسارت دارد.

ماده دهم

۱- تمام افرادی که آزادی آنها سلب میگردد (زندانیان) باید با آنها با انسانیت و احترام که حقیقت ذاتی شخص انسان است، رفتار شود.

۲- الف- به جزء موارد استثنائی، افراد متهم باید از محکومین جدا نگاه داشته شوند و میبایست مشمول رفتار جداگانه‌ای، متناسب با وضعیت افراد غیر محکوم شوند.

ب – افراد جوان متهم باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت در مورد آنها قضاوت گردد.

۳- نظام ندامتگاه باید متضمن رفتار با افرادی باشد که هدف اساسی آن اصلاح آنان و اعاده حیثیت اجتماعی شان باشد. جوانان بزهکار باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و (با آنها) متناسب سن و وضعیت قانونی شان رفتار گردد.

ماده یازدهم

هیچکس را نباید فقط بعنوان اینکه (او) قادر به انجام تعهد قراردادی خود نیست، زندانی کرد.

ماده دوازدهم

۱- هر کس بطور قانونی باید در قلمرو کشور، حق رفت و آمد آزاد و انتخاب آزادانه محل اقامت خود را داشته باشد.

۲- هر کس باید برای ترک هر کشوری که شامل کشور خود (نیز) است، آزاد باشد.

۳- حقوق یاد شده بالا نباید مشمول هیچ محدودیتی گردد، مگر آنکه آن (محدودیتها) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا (رعایت) حقوق و آزادیهای دیگران، ضروری بوده و بوسیله قانون مقرر گشته‌است و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

۴- هیچکس نباید از حق ورود به کشور خود، خودسرانه (بدون مجوز) محروم گردد.

ماده سیزدهم

هر بیگانه‌ای که بطور قانونی در قلمرو کشور عضو این میثاق باشد، فقط در صورتی از آن (کشور) اخراج میگردد که (این اخراج) پیرو تصمیمی مطابق قانون باشد، در غیر اینصورت و در جائی که دلایل حتمی امنیت ملی ایجاب نکند، باید این اجازه به او داده شود که دلایل مخالفت خود را نسبت به (این اخراج) ارائه دهد. بدین منظور پرونده او با حضور نماینده‌ای که قبلا تعیین کرده‌است و بوسیله مرجع صلاحیت دار و یا فرد یا افراد بخصوصی که از طرف مرجع صلاحیت دار تعیین شده‌اند، دوباره خوانی و رسیدگی میگردد.

ماده چهاردهم

۱-همه افراد در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری (از حقوق) برابر برخوردارند. در امور تصمیم گیری هر اتهامی علیه فرد و یا (علیه) حقوق و تعهدات مدنی او، هر کس باید حق داشته باشد که (اتهامات او) بوسیله یک دادگاه قانونی، صلاحیت دار، مستقل و بیطرف، بطور منصفانه و علنی، رسیدگی شود. مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه بدلایل اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار منع شوند. وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن (جلسات) را زیان آور به مصالح دادگستری بداند، (محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی) امکان دارد، اما حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد مگر آنکه مصلحت افراد جوان ایجاب نماید و یا روند دادرسی، مربوط به اختلافات زناشوئی یا سرپرستی اطفال باشد.

۲-هر کس که به ارتکاب جرمی متهم شده‌است این حق را دارد که بیگناه فرض شود تا مگر جرم او برطبق قانون ثابت شود.

۳-در مورد قطعی شدن جرم علیه فرد، هر کس حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد.

الف- بیدرنگ و به تفصیل با زبانی که او بفهمد، (باید) از نوع و علت اتهامی که به او نسبت داده شده‌است، آگاه گردد.

ب – وقت و تسهیلات کافی جهت تهیه دفاعیه خود و گفتگو با وکیلی که خود انتخاب کرده‌است، داشته باشد.

ج – بدون تاخیر موجه، دادگاهی شود.

د – در حضور خودش محاکمه شود. شخصا از خود دفاع نماید و یا از طریق وکیلی که خود انتخاب کرده‌است (از خود دفاع کند). او باید از حقوق خود مطلع گردد که اگر وکیل ندارد، در صورتیکه مصالح دادگستری اقتضا می‌نماید و (نیز) در صورتیکه او توانائی کافی برای پرداخت (دستمزد وکیل) را نداشته باشد، بدون پرداخت هزینه‌ای، وکیلی برای او تعیین میگردد.

ه – از شهودی که علیه او (شهادت داده‌اند) بازپرسی کنند و یا بخواهند که از آنها بازپرسی شوند و تحت شرایط مشابهی که علیه او شهادت داده‌اند، شاهدانی جهت شهادت بنفع او حاضر شوند.

و – اگر او زبانی که در دادگاه بکار می‌رود را نمی‌تواند بفهمد و یا صحبت کند (باید) بطور رایگان مترجمی جهت کمک در اختیار اوگذاشته شود.

ز – اجباری در شهادت دادن علیه خود و یا اقرار به مجرمیتش وجود نداشته باشد.

۴- آئین دادرسی در مورد افراد جوان باید مطابق سن آنها، مصلحت و اعاده حیثیت آنان در نظر گرفته شود.

۵- هر کس که مجرم شناخته میشود مطابق قانون (باید) حق داشته باشد که مجرمیت و محکومیت او بوسیله یک دادگاه عالیتر مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۶- هر گاه شخصی حکم نهائی محکومیت جزائی گرفته‌است و بعدا درنتیجه یک کشف جدید با وجود شواهد قطعی معلوم گردد که محکومیت او در نتیجه یک اشتباه قضائی بوده‌است و حکم او نقض شود و یا مورد عفو قرار گیرد، او یعنی شخصی که در نتیجه این محکومیت و مجازات متحمل رنج و عذاب شده‌است، حق دارد طبق قانون اعاده جبران خسارت نماید، مگر ثابت شود که عدم افشای بموقع و چگونکی امر نامعلوم بطور کلی و یا جزئی منتسب به خود او بوده‌است.

۷- هیچکس را نباید بوسیله قانون دادرسی کیفری کشور، به جرمی که محکوم و یا تبرئه شده‌است، دوباره دادگاهی، محکوم و مجازات نمود.

ماده پانزدهم

۱-هیچکس را نباید بواسطه انجام عملی و یا ترک آن که بنا بر قوانین ملی و یا بین المللی جرم نبوده‌است در آن واحد محکوم نمود. همچنین نباید هیچ مجازات شدیدی را از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده‌است، تعیین نمود. اگر پس از ارتکاب جرم مقررات قانونی دیگری وضع شود که مجازات ملایمتری را در بر داشته باشد، مجرم باید از آن مقررات استفاده نماید.

۲-هیچیک از مقررات این ماده نباید با دادرسی و مجازات شخصی که در هنگام انجام عملی یا ترک آن، بنا بر اصول کلی قوانین شناخته شده جامعه ملل، جرم نیست، منافات داشته باشد.

ماده شانزدهم

هر کس حق دارد در هر کجا در مقابل قانون، بمثابه یک شخص (حقوقی) شناخته شود.

ماده هفدهم

۱-هیچکس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و یا مکاتبات، مورد دخالت خودسرانه (بدون مجوز قانونی) یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت او مورد تعرض غیر قانونی واقع گردد.

۲-هر کس حق دارد که در مقابل این تعرضات و دخالتها از حمایت قانون برخوردار شود.

ماده هیجدهم

۱-هر کس حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب دارد. این حق شامل اختیار و آزادی در پذیرش یک مذهب و یا عقیده‌ای، به انتخاب خود است. همچنین هر کسی، در بیان آشکار مذهب یا عقیده خود بطور فردی یا گروهی آشکارا یا در نهان و نیز انجام تعلیمات مذهبی خود اختیار و آزادی دارد.

۲-در این موارد، هیچکس نباید با زور و اجبار (روبرو گردد) و نیز نباید به آزادی او در پذیرش یک مذهب یا عقیده‌ای که بر اساس انتخاب خودش انجام گرفته‌است، آسیب رساند.

۳-در صورتی ممکن است آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات کسی محدود گردد که بموجب قانون آنهم در جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران، پیش بینی شده باشد.

۴-کشورهای عضو این میثاق، متعهد میگردند که آزادی والدین و سرپرستان قانونی را در مورد آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان و مطابق با عقایدشان محترم شمارند.

ماده نوزدهم

۱-هر کس حق دارد که نظرات خود را بدون دخالت و مانع (دیگران) بیان دارد.(حفظ کند)

۲-هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هر نوع عقایدی، بدون توجه به چگونگی ارائه آن (آرایش) بطور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا بهر وسیله دیگری که خود انتخاب میکند، میباشد.

۳-اعمال حقوق ارائه شده در بند ۲ این ماده که همراه با وظائف ویژه و مسئولیت‌ها می‌باشد، ممکن است که تابع محدودیتهای معینی قرار گیرد. این (محدودیتها)، فقط باید بنا به ضرورتهای ذیل و بوسیله قانون انجام گیرد:

الف) برای احترام حقوق یا حیثیت دیگران

ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی

ماده بیستم

۱- هرگونه تبلیغ برای جنگ بموجب قانون ممنوع است.

۲- هرگونه ترغیب به تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که باعث تحریک به تبعیض و یا دشمنی و خشونت گردد، بموجب قانون ممنوع می‌باشد.

ماده بیست و یکم

حق تشکیل مسالمت آمیز مجامع به رسمیت شناخته میشود. هیچ محدودیتی در مورد اعمال این حق صورت نمی‌گیرد مگر مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری در جهت نفع (مصلحت) امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد.

ماده بیست و دوم

۱-هر کس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌ها و برای حفاظت علاقه مندیها و منافع خود می‌باشد.

۲-اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نیست مگر اینکه این محدودیتها مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری جهت نفع (مصلحت)، امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد. (همچنین) این ماده مانع از آن نمی‌شود که اعضاء نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیتهای قانونی باشند.

۳-هیچیک از مقررات این ماده، کشورهای عضو مقاوله نامه سازمان بین المللی کار، مورخ ۱۹۴۸ که مربوط به آزادی (تشکیل) اتحادیه و حمایت از حق متشکل شدن است، مجاز نمی‌شمارد که با اقدامات قانونگذاری و یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین‌های ارائه شده در این مقاوله نامه مخالفت کنند و به آن لطمه وارد آورند.

ماده بیست و سوم

۱-خانواده یک واحد گروهی و (جزء عنصر) بنیادین و طبیعی جامعه‌است و شایسته می‌باشد که بوسیله جامعه و حکومت حفاظت گردد.

۲-حق ازدواج و تشکیل خانواده برای مردان و زنانی که به این سن رسیده‌اند، برسمیت شناخته میشود.

۳-هیچ ازدواجی بدون رضایت آزادانه و کامل زوجین منعقد نمی‌گردد.

۴-کشورهای عضو این میثاق، باید اقدامات مناسب را بمنظور تامین تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در خلال انعقاد و فسخ ازدواج بعمل آورند. در مورد فسخ ازدواج باید برای حفاظت کودکان پیش بینی‌های لازم انجام گیرد.

ماده بیست و چهارم

۱- هر کودکی بدون هیچگونه تبعیض (از قبیل) نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت یا منشاء اجتماعی، دارائی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت صغارت (خردسالی) ایجاد شده‌است، حق دارد از اقدامات حفاظتی (حمایتی) خانواده، جامعه و دولت برخوردار گردد.

۲- هر کودکی باید بیدرنگ پس از تولد دارای نام گردد و به ثبت رسد.

۳- هر کودکی حق کسب تابعیت دارد.

ماده بیست و پنجم

هر شهروندی باید از فرصتها (امکانات)، بدون در نظرگرفتن محدودیتهائی که در بند ۲ آمده‌است و (نیز) بدون محدودیتهای نامعقول، حق داشته باشد که:

الف) در اداره امور عمومی، مستقیما یا بوسیله انتخاب آزاد نمایندگان، شرکت کند.

ب) در انتخابات دوره‌ای صحیح که با آراء عمومی مساوی و مخفی انجام میگیرد و تضمین کننده بیان آزادانه خواسته انتخاب کنندگان است، (حق) رای دادن و انتخاب شدن دارد.

ج) (هر شهروندی) بنا بر شرایط کلی حق مساوی ورود به مشاغل عمومی در کشور خود را دارد.

ماده بیست و ششم

تمام افراد در مقابل قانون برابر هستند و بدون تبعیض، مستحق حفاظت (حمایت) مساوی در مقابل قانون می‌باشند. از این لحاظ قانون باید هر نوع تبعیض را مانع شود و برای تمام افراد حفاظتهای (حمایتهای) موثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض و در هر مرحله‌ای مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا دیگر عقاید، منشاء ملی یا اجتماعی، دارائی، تولد (نسب) و یا هر وضعیت دیگری تضمین نماید.

ماده بیست و هفتم

در کشورهائی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، افرادی که متعلق به این اقلیتها هستند را نباید از حق (تشکیل) اجتماعات با اعضای گروه خود و (نیز) بهره مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرایض) مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان، محروم نمود.

بخش چهارم

ماده بیست و هشتم

۱- یک کمیته حقوق بشر (از این بعد در این میثاق کمیته نامیده خواهد شد) تاسیس میگردد. این کمیته شامل ۱۸ عضو است و وظائفی که در بندهای بعدی (۲و۳) ارائه گردد را انجام میدهد.

۲- اعضای این کمیته از اتباع کشورهای عضو این پیمان تشکیل میگردد، (یعنی) کسانیکه دارای نشانه‌های عالی اخلاقی بوده و صلاحیت آنان در زمینه حقوق بشر شناخته شده‌است. شرکت بعضی از افراد که در امور قضائی دارای تجربه هستند، مورد توجه (کمیته) می‌باشد.

۳- اعضای کمیته، انتخابی هستند و بنا بر صلاحیت شخصی خود (در این کمیته) خدمت میکنند. (نمایندگان رسمی دولت متبوع خود نمی‌باشند)

ماده بیست و نهم

۱- اعضای کمیته باید با رای مخفی و از فهرست افراد واجد شرایطی که در ماده ۲۸ آمده‌است و بدان منظور از طرف کشورهای عضو این پیمان نامزد شده‌اند، انتخاب گردند.

۲- هر کشور عضو این پیمان نمی‌تواند بیش از ۲ نفر را نامزد کند. این افراد باید تابعیت کشور نامزد کننده را دارا باشند.

۳- تجدید نامزدی برای یک فرد مجاز می‌باشد.

ماده سی ام

۱- اولین انتخابات دیرتر از ۶ ماه بعد از تاریخ به قدرت اجرائی در آمدن این میثاق انجام نخواهد گرفت.

۲- حداقل چهار ماه قبل از تاریخ هر انتخاباتی در کمیته، به استثنای انتخاباتی که بنا بر ماده ۳۴ برای پرکردن محل خالی انجام میگیرد، دبیر کل سازمان ملل متحد می‌بایست از کشورهای عضو این پیمان جهت معرفی عضویت نامزدهای شان، ظرف سه ماه دعوت کتبی بعمل آورد.

۳- دبیر کل سازمان ملل متحد می‌بایست فهرستی به ترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که به این ترتیب نامزد (عضویت در کمیته) میشوند با نام کشورهائی که آنها را (جهت عضویت) نامزد کرده‌اند، تهیه نماید و آنرا به کشورهای عضو این پیمان، حداکثر یکماه قبل از تاریخ انتخابات ارائه دهد. انتخاب اعضاء کمیته می‌بایست در نشستی که دبیر کل سازمان ملل متحد از کشورهای عضو این پیمان بعمل آورده‌است، انجام گیرد. حد نصاب این جلسات دوسوم کشورهای عضو این پیمان می‌باشد و افرادی که برای (عضویت) کمیته انتخاب میشوند باید نامزدهائی باشند که بیشترین تعداد آراء را بدست آورده و حائز مطلق اکثریت آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رای دهنده باشند.

ماده سی و یکم

۱- کمیته نمی‌تواند بیش از یک تبعه از هر کشوری (عضو) داشته باشد.

۲- در انتخابات (اعضاء) کمیته می‌بایست توجه به رعایت تقسیمات منصفانه جغرافیائی اعضاء و نمایندگان اشکال مختلف تمدنها و نظامهای عمده حقوقی (قانونی) نماید.

ماده سی و دوم

۱- اعضاء کمیته می‌بایست برای مدت ۴ سال انتخاب شوند. آنها برای انتخاب مجدد مجاز هستند که نامزد شوند. اما مدت عضویت ۹ نفر از اعضاء انتخاب شده در اولین انتخابات می‌بایست در پایان ۲ سال منقضی گردد. نام این ۹ عضو می‌بایست بیدرنگ بعد از اولین انتخابات به قید قرعه و بوسیله رئیس جلسه و بنابر ماده ۳۰ بند ۴ معین شوند.

۲- انتخابات در پایان دوره خدمت، بنا بر مواد پیشین این قسمت از میثاق حاضر بعمل خواهد آمد.

ماده سی و سوم

۱- هرگاه اگر یک عضو کمیته انجام وظائف خود را به هر علتی به جزء غیبت موقت، قطع نماید (و این عمل) به اتفاق آراء (مورد تصدیق) سایر اعضاء کمیته باشد، رئیس کمیته می‌بایست دبیر کل سازمان ملل متحد، کسیکه می‌باید اعلام نماید که صندلی این عضو خالی است (بلامتصدی) را (از این موضوع) مطلع نماید.

۲- در صورت فوت یا استعفای یک عضو کمیته، رئیس (کمیته) می‌باید بیدرنگ دبیر کل سازمان ملل متحد کسی که می‌بایست خالی بودن (بلامتصدی) صندلی را از تاریخ فوت یا تاریخ موثر استعفا اعلام نماید، مطلع گرداند.

ماده سی و چهارم

۱- هرگاه خالی بودن صندلی (بلا متصدی بودن) طبق ماده ۳۳ اعلام گردد و مدت زمان تصدی عضو جایگزین، ظرف ۶ ماه از تاریخ اعلام بلا متصدی بودن، منقضی نشده‌است دبیر کل سازمان ملل متحد به کشورهای عضو این پیمان اعلام خواهد نمود که (میتوانند) ظرف ۲ ماه بنا به ماده ۲۹ برای پرکردن صندلی خالی، نامزدهای خود را معرفی نمایند.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد فهرستی بترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که نامزد (عضویت در کمیته) میشوند، تهیه خواهد کرد و آنرا به کشورهای عضو این پیمان ارائه خواهد داد. انتخاب برای پرکردن صندلی خالی (بلامتصدی) بنا بر مقررات مربوطه این قسمت از میثاق حاضر، انجام خواهد گرفت.

۳- هر عضو کمیته‌ای که برای پرکردن صندلی خالی اعلام شده بنا بر ماده ۳۳ انتخاب شود، باید برای بقیه دوره عضوی که صندلی او بنا به مقررات آن ماده (۳۳) خالی بوده‌است، عضو کمیته گردد.

ماده سی و پنجم

اعضاء کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بنا به شرایطی که مجمع عمومی تعیین میکند و با توجه به مسئولیتهای مهم کمیته، از منابع (مالی) سازمان ملل متحد حقوق دریافت خواهند داشت.

ماده سی و ششم

دبیر کل سازمان ملل متحد کارمندان و تسهیلات لازم را برای اجرای موثر وظائفی که کمیته بموجب این پیمان بعهده دارد، در اختیار (کمیته) خواهد گذاشت.

ماده سی و هفتم

۱- دبیر کل سازمان ملل متحد اعضاء اولین نشست کمیته را به مرکز سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد.

۲- بعد از نخستین نشست، کمیته در زمانهائی که در آئین نامه داخلی خود، پیش بینی میکند، تشکیل جلسه خواهد داد.

۳- کمیته بطور معمول در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو نشست خواهد داشت.

ماده سی و هشتم

هر عضو کمیته قبل از تصدی وظایف خود، می‌باید طی اعلام رسمی در جلسه علنی کمیته (تعهد کند) که او وظائف خود را در کمال بیطرفی و از روی وجدان انجام خواهد داد.

ماده سی و نهم

۱- کمیته می‌بایست (اعضاء) هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب نماید، آنها ممکن است دوباره انتخاب شوند.

۲- کمیته قوانین داخلی خود را، خود تنظیم خواهد نمود اما این قوانین می‌باید مشتمل بر مقررات زیر باشد:

الف) حد نصاب (رسمیت) جلسات ۱۲ نفر باشد.

ب) تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر، گرفته شود.

ماده چهلم

۱- کشورهای عضو این پیمان متهعد میشوند از اقداماتی که برای ترتیب اثر دادن حقوق شناخته شده (در این میثاق) جهت پیشرفت در بهره مندی از این حقوق انجام داده‌اند، گزارشهائی ارائه دهند:

الف) ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن میثاق حاضر برای کشورهای عضو مربوطه.

ب) بعد از آن هر زمان که کمیته درخواست نماید.

۲- تمام گزارشها باید به دبیر کل سازمان ملل ارائه گردد و او آنها را برای رسیدگی به کمیته ارجاع خواهد داد. گزارشها می‌بایست به عوامل و مشکلاتی که در اجرای (مقررات) این میثاق اثر دارند، دلالت کند.

۳- دبیر کل سازمان ملل ممکن است بعد از مشورت با کمیته، رونوشت قسمتهائی از گزارشها (که به امور تخصصی مربوط میشود) را به موسسات تخصصی که صلاحیت آنرا دارند، ارجاع دهد.

۴- کمیته گزارشهائی را که بوسیله کشورهای عضو این میثاق ارائه گردیده‌است مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد داد. (سپس) گزارشهای خود و نیز پیشنهادهای کلی که ممکن است مورد توجه و مناسب باشند را به کشورهای عضو این پیمان ارسال خواهد داشت. همچنین کمیته ممکن است این پیشنهادات همراه با رونوشت گزارشهای رسیده از کشورهای عضو این پیمان را به شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه دهد.

۵- کشورهای عضو این پیمان میتوانند بنا بر بند ۴ این ماده نظریاتی در مورد پیشنهادات اظهارشده را به کمیته ارسال دارد.

ماده چهل و یکم

۱- هر کشور عضو این میثاق میتواند بنا بر این ماده در هر زمان (اعلام کند) که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی شکایتهایی دایر بر ادعای یک کشور عضو این میثاق، مبنی بر اینکه کشور دیگری (عضو) تعهدات خود را انجام نمی‌دهد، برسمیت بشناسد. بموجب این ماده شکایاتی دریافت و مورد رسیدگی قرار میگیرد که بوسیله کشور عضو این میثاق، شناسائی صلاحیت کمیته را نسبت بخود اعلام کرده باشد. هیچ شکایاتی را که مربوط به یک کشور عضو میثاق حاضر باشد و چنین اعلام شناسائی را بعمل نیاورده‌است، قابل پذیرش نخواهد بود. شکایاتی که بموجب این ماده دریافت میگردد بترتیب زیر نسبت به آنها اقدام خواهد شد:

الف) اگر یک کشور عضو این میثاق تشخیص دهد که کشور دیگر عضو به مقررات میثاق حاضر ترتیب اثر نمی‌دهد، (آن کشور) میتواند با شکایت کتبی و آوردن (طرح) موضوع، توجه کشور عضو را جلب نماید. در ظرف ۳ ماه پس از دریافت شکایت (کتبی)، کشور دریافت کننده (آن) توضیح یا هرگونه اظهار کتبی دیگری جهت روشن شدن موضوع در اختیار کشور (فرستنده شکایت) خواهد گذاشت. (این توضیحات و اظهارات) تا حد امکان و بطور مناسب باید شامل اطلاعاتی عطف به قواعد دادرسی داخلی (آن کشور) و جهت جبران و اصلاح آن یا در جریان (رسیدگی به آن) یا آنچه که قابل استفاده در این موضوع است، باشند.

ب) اگر موضوع در جهت تعدیل و رضایت دو کشور عضو قرار نگرفت، در ظرف شش ماه پس از دریافت اولین شکایت، هر یک از (دو) کشور، حق خواهند داشت که موضوع را بوسیله یادداشتی به کمیته و کشور (مزبور) ارجاع نماید.

ج) کمیته به موضوع ارجاع شده، فقط در صورتی اقدام خواهد کرد که محقق شده باشد که تمام چاره جوئی‌های داخلی مناسب در مورد موضوع و بنا بر اصول قوانین بین المللی شناخته شده بطور کلی انجام گرفته و به نتیجه نرسیده‌است. این قاعده در مواردی که شکایت بطور نامعقولی طولانی گردد، اجرا نخواهد شد.

د) کمیته بنا بر این ماده، در موقع رسیدگی به شکایتها، نشست‌های رسیدگی تشکیل خواهد داد.

ه) پیرو مقررات زیر بند ج، کمیته اقدامات مناسب و توجهات خود، بمنظور حل دوستانه موضوع (مورد اختلاف) بر پایه احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی شناخته شده در این میثاق را در اختیار کشورهای عضو قرار خواهد گذاشت.

و) کمیته درهر موضوع ارجاع شده به خود میتواند با توجه به زیر بند ب، از کشورهای مربوطه اطلاعات مربوط را درخواست نماید.

ز) کشورهای مربوطه عضو این میثاق، بنا بر زیر بند (ب) حق خواهند داشت که در هنگام رسیدگی موضوع در کمیته، نماینده داشته باشند و نظریات و اظهارات شفاهی و یا کتبی خود را ارائه دهند.

ح) کمیته ظرف ۱۲ ماه بعد از تاریخ دریافت یادداشت بنا بر زیر بند (ب) خواهد پذیرفت که گزارش دهد که:

۱) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست آید، کمیته بطور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا و راه حل بدست آمده، منحصر خواهد کرد.

۲) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست نیامده باشد، کمیته بطور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا منحصر خواهد کرد. نظریات کتبی و شفاهی که بوسیله کشورهای مربوطه انجام گرفته‌است ضبط خواهد شد و به گزارش، ضمیمه میگردد. برای هر موضوعی گزارشی به کشورهای مربوط و عضو میثاق ابلاغ خواهد شد.

۲- مقررات این ماده زمانی قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد که ۱۰ کشور عضو این میثاق، بنا بر بند ۱ این ماده، (آنرا) اعلام کرده باشند. اعلامیه کشورهای عضو این میثاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده میشود و او رونوشت آنرا به دیگر کشورهای عضو خواهد فرستاد. یک اعلامیه در هر زمان ممکن است بوسیله یادداشتی (خطاب) به دبیر کل مسترد گردد. استرداد، شکایتی که قبلا بنا بر این ماده ارسال شده‌است را خدشه دار نخواهد ساخت. هیچ شکایت دیگری پس از دریافت یادداشت استرداد اعلامیه به دبیر کل، پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه کشور مربوطه اعلامیه جدیدی صادر کند.

ماده چهل و دوم

۱- (الف) اگر موضوعی بنا به ماده ۴۱ به کمیته ارجاع شده باشد و (آن موضوع) با رضایت کشورهای عضو مربوطه حل نگردیده‌است، کمیته میتواند با رضایت قبلی کشورهای عضو مربوطه، یک کمیسیون ویژه توافق تعیین نماید (که از این پس کمیسیون نامیده خواهد شد). کمیسیون توجهات کافی (کمکهای مفید) را بمنظور یک راه حل مسالمت آمیز در مورد (موضوع مورد اختلاف) بر اساس احترام به میثاق حاضر، بعمل خواهد آورد.

ب) کمیسیون شامل پنج عضو است که مورد پذیرش کشورهای عضو مربوطه می‌باشند. اگر کشورهای عضو مربوطه برای ترکیب تمام یا قسمتی از (اعضاء) کمیسیون در مدت ۳ ماه به توافق نرسیدند، آن عده از اعضاء کمیسیون که در مورد آنها توافق حاصل نشده‌است با رای مخفی و با اکثریت ۲ سوم اعضاء کمیته از بین اعضاء انتخاب خواهند شد.

۲- اعضاء کمیسیون بنا به صلاحیتهای شخصی خود، انجام وظیفه می‌نمایند (سمت نمایندگی از طرف کشور خود در کمیسیون را ندارند). آنها نباید تابعیت کشورهای عضو مربوطه و یا یک کشوری که عضو این پیمان نیست و یا کشوری که بنا به ماده ۴۱ اعلامیه را صادر نکرده‌است، باشند.

۳- کمیسیون رئیس خود را انتخاب خواهد کرد و آئین نامه داخلی خود را بتصویب خواهد رساند.

۴- نشستهای کمیسیون بطور معمول می‌باید در مرکز سازمان ملل متحد و یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل گردد. اما آنها می‌توانند با مشورت دبیر کل سازمان ملل متحد و کشورهای عضو مربوطه نشستها را در مکانهای مناسب دیگری تشکیل دهند.

۵- بنا بر ماده ۳۶ دبیرخانه پیش بینی شده، خدمات (دفتری) کمیسیونهائی که تحت این ماده تعیین شده‌اند را انجام خواهد داد.

۶- اطلاعاتی که بوسیله کمیته دریافت و بررسی میگردد می‌باید در اختیار و در دسترس کمیسیون قرار گیرد. کمیسیون میتواند از کشورهای عضو مربوط تهیه دیگر اطلاعات وابسته (تکمیلی) را بخواهد.

۷- وقتی که کمیسیون رسیدگی کامل به موضوع نمود، در هر صورت، حداکثر در مدت ۱۲ ماه بعد از رسیدگی کردن موضوع یک گزارش برای به اطلاع رساندن کشورهای عضو مربوط از طرف رئیس کمیته ارائه خواهد شد.

الف) اگر کمیسیون به اتمام رسیدگی به موضوع در مدت ۱۲ ماه قادر نیست، در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر موقعیت رسیدگی موضوع خواهد کرد.

ب) اگر یک راه حل مسالمت آمیز بمنظور ملزم نمودن و براساس احترام به حقوق بشر که (قوانین آن) در این میثاق شناخته شده‌است، حاصل شود، کمیسیون گزارش خود را به ذکر کوتاه قضایا و راه حلی که به آن دست یافته‌است، منحصر میکند.

ج) اگر یک راه حل مسالمت آمیز مطابق زیربند ب حاصل نگردد کمیسیون تمام راه حل هائی که مربوط به موضوع مابین دولتهای عضو است و نظرات (پیشنهادی) خود را در مورد امکان حل مسالمت آمیز موضوع، ارائه میدهد.

این گزارش همچنین شامل صورت مجلس ملاحظات کتبی و ملاحظات شفاهی که بوسیله دولتهای عضو انجام گرفته‌است، می‌باشد.

د) اگر گزارش کمیسیون بنا بر زیربند (ج) ارائه گردد، دولتهای عضو در مدت ۳ ماه پس از دریافت گزارش، (می بایست) به رئیس کمیته اعلام دارند که آیا مندرجات گزارش کمیسیون را خواهند پذیرفت یا خیر.

۸- بنا به ماده ۴۱، مقررات این ماده به مسئولیتهای کمیته خللی وارد نمیکند.

۹- دولتهای عضو، کلیه هزینه‌های اعضاء کمیسیون را طبق برآوردی که دبیر کل سازمان ملل متحد بعمل می‌آورد، بطور مساوی به عهده خواهند گرفت.

۱۰- دبیر کل سازمان ملل متحد این اختیار را دارد که در صورت لزوم هزینه‌های اعضاء را قبل از آنکه دولت عضوی پرداخت کند، بنا بر بند ۹ این ماده، بعهده گیرد.

ماده چهل و سوم

اعضای کمیته و (اعضای) کمیسیونهای ویژه حل اختلاف که طبق ماده ۴۲ تعیین شده‌اند، محق می‌باشند که از تسهیلات، امتیازات و مصونیتهای کارشناسان مامور سازمان ملل متحد همانگونه که در قسمتهای (مربوط) به مقاوله نامه امتیازات و مصونیت‌ها وضع شده‌است، استفاده کنند.

ماده چهل و چهارم

مقررات اجرائی این میثاق، به آئین نامه‌های دادرسی مقرر شده در زمینه حقوق بشر و اسناد تشکیل دهنده میثاقهای سازمان ملل و موسسات تخصصی خللی وارد نمی‌سازد و (نیز این مقررات) مانع از آن نخواهد شد که دولتهای عضو این میثاق، برای حل اختلافات (خود) طبق موافقت نامه‌های بین المللی عمومی یا اختصاصی (که بین آنها وجود دارد) به دیگر آئین نامه‌های دادرسی متوسل شوند.

ماده چهل و پنجم

کمیته گزارش سالانه از فعالیت‌های خود را بوسیله شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد داد.

بخش پنجم

ماده چهل و ششم

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه‌های موسسات تخصصی که معین کننده مسئولیتهای گوناگون ویژه سازمان ملل هستند و (نیز) موسسات تخصصی مربوط به موضوعهای این میثاق، لطمه وارد آورد.

ماده چهل و هفتم

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که به حق ذاتی تمام مردم جهت بهره مندی و استفاده کامل و آزادانه از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان، لطمه‌ای وارد آورد.

بخش ششم

ماده چهل و هشتم

۱- این میثاق برای امضای هر دولت عضو سازمان ملل و یا عضو هر یک از موسسات تخصصی آن و یا هر دولت عضو (متعهد به) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر دولتی که (از طرف) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شود تا عضو این میثاق گردد، گشوده میباشد.

۲- این میثاق تابع به تصویب (قانون اساسی هر کشور) است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۳- این میثاق بنا بر بند اول این ماده برای پیوستن (وارد شدن) هر دولتی، گشوده شده‌است.

۴- پیوستن بوسیله سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.

۵- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولتهائی که این میثاق را امضاء کرده‌اند و یا به آن پیوسته‌اند را از سپرده شدن هر سند تصویبی یا الحاقی آگاه خواهد کرد.

ماده چهل و نهم

۱-این میثاق سه ماه پس از تاریخ سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

۲-برای هر دولتی که این میثاق را پس از سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی، تصویب کند یا به آن بپیوندد، این میثاق ۳ ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویبی یا الحاقی برای آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

ماده پنجاهم

مقررات این میثاق تمام واحدهای دولتهای فدرال (کشورهای هم عهد) را بدون محدودیت و یا استثنائی، شامل خواهد بود.

ماده پنجاه و یکم

۱- هر دولت عضو این میثاق میتواند اصلاحیه‌ای (برای این میثاق) پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. دبیر کل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاحی پیشنهاد شده‌ای را به دولتهای عضو ارسال میدارد و از آنها درخواست میکند که به او اعلام دارند، آیا مایلند کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور بررسی و تصمیم گیری (اخذ رای) در باره طرحهای پیشنهادی، تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک سوم دولتهای عضو موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل، کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد پذیرش اکثریت دولتهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، (آن اصلاح) برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد شد.

۲- اصلاحات زمانی قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دوسوم دولتهای عضو، آنرا بنا به روند قانونگذاری خود (قانون اساسی) پذیرفته باشند.

۳- وقتیکه اصلاحات، قدرت اجرائی پیدا میکنند، برای آن دسته از دولتهائی که آنرا پذیرفته‌اند (اجرای) آن الزامی خواهد شد و سایر دولتهای عضو به مقررات این میثاق و هر گونه اصلاحیه‌ای که قبلا آنرا پذیرفته‌اند، موظف می‌باشند.

ماده پنجاه و دوم

صرف نظر از اطلاعیه‌های صادر شده در بند ۵ ماده ۴۸، دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب ویژه زیر را به تمام دولتهای مذکور در بند ۱ همان ماده، اطلاع خواهد داد:

الف) امضاءها، مصوبه‌ها و پیوستها بنا به ماده ۴۸

ب) تاریخ قدرت اجرائی این میثاق بنا بر ماده ۴۹ و تاریخ قدرت اجرائی اصلاحات بنا به ماده ۵۱

ماده پنجاه و سوم

۱- متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی این میثاق دارای اعتباری برابر است و در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت تائید شده این میثاق را برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۴۸ ارسال خواهد کرد.

منبع: سایت دیدگاه

کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحدمصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶/ قطعنامه A ۲۲۰۰ قدرت اجرائی بنابر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶

دیباچه:دولتهای عضو این میثاق:با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده‌است، شناسائی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، •نظر به اینکه، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است،با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهائی از ترس میباشد و دستیابی به این شرایط فقط بوسیله بهره مندی هر کس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است، با توجه به منشور ملل متحد، دولتها متعهد برعایت و احترام به حقوق و آزادیهای انسان وترویج آنها در سراسر جهان میباشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسئولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق میباشند، (دولتهای عضو این میثاق) با مواد زیر موافقت میکنند:

بخش یکمماده اول۱- تمام ملتها حق خودمختاری دارند. بواسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین میکنند.۲- تمام ملتها میتوانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاریهای اقتصادی بین المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین المللی، آزادانه (منعقد شده‌است) ثروتها و منابع طبیعی شان را مصرف نمایند. در هیچ موردی نمی‌توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم نمود.۳- دولتهای عضو این میثاق، از جمله دولتهای مسئول اداره کشورهای مستعمره و تحت قیمومیت، باید در تحقق حق خودمختاری و احترام به این حق، طبق مقررات منشور ملل متحد، سرعت بخشند.

بخش دوم

ماده دوم۱- هر دولت عضو این میثاق متعهد میشود که نسبت به افراد ساکن قلمرو و تبعه حوزه قانونی خود،

حقوق شناخته شده این میثاق را صرفنظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا عقیده‌ای دیگر، و همچنین اصل و منشاء اجتماعی یا ملی، دارائی، نسب و یا وضعیت‌های دیگر، محترم شمرد و تضمین نماید.۲- هر دولت عضو این میثاق در جائیکه قوانین و تدابیری پیش بینی نشده‌است، متعهد میباشد که اقدامات لازم را بنابر روند قانونگذاری خود و مقررات این میثاق بعمل آورد. اتخاذ چنین قوانین و تدابیری بمنظور اجرای حقوق شناخته شده این میثاق میباشد.۳- هر یک از اعضای عضو این میثاق متعهد است که:الف: تضمین نماید، فردی که حقوق و آزادیهایش که در این میثاق برسمیت شناخته شده‌است، نقض گردد، باید وسیله‌ای جهت جبران خسارت موثر داشته باشد، هرچند این نقض بوسیله افرادی انجام گرفته باشد که در سمت رسمی خود قرار داشته‌اند.ب: تضمین نماید، فردی که درخواست جبران خسارت میکند، باید بوسیله مقامات صالح قضائی، اداری و قانونگذاری و یا بوسیله هر مقام دیگری که بواسطه نظام قانونی کشور مقرر میگردد (مورد رسیدگی قرار گیرد) و همچنین امکانات جبران خسارت قضائی و حقوقی (تظلم خواهی) توسعه یابد.ج: تضمین نماید که مقامات صالحه در صورت محرز شدن چنین خساراتی وادار به جبران شوند.ماده سومدولتهای عضو این میثاق تعهد مینمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده‌است، تضمین شود.ماده چهارم۱- کشورهای عضو این میثاق درزمان پیشامدهای اضطراری عمومی که حیات ملتی را تهدید میکند و وجود آن پیشامد بطور رسمی اعلام گردیده‌است، میتوانند اقدامات لازم را خارج از مواد این پیمان و تعهدات خود نسبت به آنرا بنا بر وضعیت و مقتضیات بعمل آورند، مشروط براینکه این اقدامات متناقض با دیگر تعهدات حقوق بین الملل خود نباشد (و نیز) تبعیض انحصاری بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، منشاء مذهبی یا اجتماعی در بر نداشته باشد.۲- (این اقدامات) نباید خارج از مواد ۶-۷-۸ (بند ۱و۲) ۱۱-۱۵-۱۶و۱۸ این قانون (میثاق) انجام گیرد.۳- هر یک از کشورهای عضو این میثاق که از (حق) پیشامدهای اضطراری این پیمان استفاده میکند، باید بلافاصله موارد پیشامد اضطراری و دلایلی که موجب این اضطرار شده‌است را توسط دبیر کل سازمان ملل متحد به دیگر کشورهای عضو پیمان اطلاع دهد. (همچنین این کشور) اطلاعیه‌ای (مبنی بر ذکر) تاریخی که این پیشامد اضطراری پایان می‌پذیرد را صادر نماید و از طریق همان واسطه (دبیر کل) به اطلاع دیگر کشورهای عضو برساند.ماده پنجم۱- هیچیک (از مواد) این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که بموجب آن حقی برای کشوری یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق میگردد و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنچه که در این میثاق پیش بینی شده‌است، ایجاد نماید.۲- هیچ نوع محدودیت و یا تخلف از حقوق اساسی بشر که در قوانین، پیمان نامه‌ها، آئین نامه‌ها و یا عرف هر یک از کشورهای عضو این پیمان شناخته شده‌است و یاوجود دارد، به بهانه اینکه در این میثاق (آن حقوق) به رسمیت شناخته نشده‌است و یا به میزان کمتری به رسمیت شناخته شده‌است، پذیرفته نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ششم۱- هر انسانی بطور ذاتی حق زندگی دارد. این حق باید بوسیله قانون محافظت گردد. هیچکس را نمیتوان بطور دلخواه و خودسرانه از حق زندگی محروم نمود.۲- در کشورهائی که مجازات اعدام لغو نشده‌است، حکم مرگ فقط باید برای مهمترین جنایات، آنهم بنا بر قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جرم صادر شود و (نیز این حکم) نباید با مقررات این میثاق و میثاق منع و مجازات جرم کشتار دستجمعی Genocide منافات داشته باشد.۳- هنگامیکه سلب زندگی (صدور حکم مرگ) جرم کشتار جمعی باشد، (در این صورت) بدیهی است که هیچ چیزی در این ماده مجاز نمی‌شمارد که کشور عضو این پیمان از تعهداتی که به قوانین میثاق منع و مجازات جرم کشتار جمعی سپرده‌است، تخلف ورزد.۴- هر فرد محکوم به مرگ، حق دارد که درخواست عفو و یا تخفیف جرم نماید. امکان اعطاء بخشش عمومی، بخشش فردی یا تخفیف مجازات مرگ در تمام موارد وجود دارد.۵- حکم مجازات مرگ نباید برای جرمهائی که افراد زیر ۱۸ سال مرتکب شده‌اند صادر شود و (نیز این حکم) نباید در مورد زنان باردار اجرا گردد.۶- هیچ چیز در این ماده جهت به تاخیر انداختن و یا منع الغای مجازات اعدام از طرف کشور عضو این میثاق، قابل استناد نمی‌باشد.ماده هفتمهیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیر انسانی و وحشیانه قرار گیرد. بویژه کسی را نباید بدون رضایت آزادانه اش در معرض آزمایشات پزشکی و علمی قرار داد.ماده هشتم۱- هیچکس نباید در بردگی نگاه داشته شود. بردگی و تجارت برده با تمام اشکال آن ممنوع میباشد.۲- کسی نباید در خدمت اجباری نگاه داشته شود.۳- الف: هیچکس را نباید به کار اجباری و انجام عمل تحمیلی وادار نمود.ب: بند سوم (الف) نباید برای کشورهائی که اعمال شاقه را بمثابه مجازات جرم در نظر میگیرند، مانعی ایجاد کند، بدیهی است حکم چنین مجازاتی (مجازات مجرم با

اعمال شاقه) باید بوسیله دادگاه صالحه صادر گردد.ج: برای (روشن شدن) مفاد این بند، واژه کار تحمیلی و اجباری شامل موارد زیر نمی‌باشد:- اهر کار یا خدمتی که به زیر بند (ب) عطف نشده‌است که معمولا به فردی که در نتیجه حکم دادگاه تحت بازداشت است و یا به فردی که در حین برخورداری مشروط از این نوع بازداشت، تکلیف میگردد.- اا هر نوع خدمت شخصی نظامی در کشورهائی که موضوع خدمت وظیفه برسمیت شناخته نشده‌است، هر نوع خدمت ملی مقرر شده که بوسیله قانون خدمت وظیفه پذیرفته نشده‌است- ااهر نوع خدمتی که در موارد اضطراری یا بلایائی که زندگی و رفاه جامعه را تهدید میکند، مقتضی می‌باشد.- اااهر کار یا خدمتی که قسمتی از تعهدات (اجتماعی) مدنی را تشکیل دهد.ماده نهم۱- هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچکس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند.۲- هر کسی که دستگیر میشود باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و (نیز) باید بدون درنگ هر اتهامی که علیه او وجود دارد، به اطلاعش رساند.۳- هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت میگردد، باید بی درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که بوسیله قانون، قدرت قضائی را اعمال میکند، آورده شود و شایسته‌است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید، ولی در هر مرحله از رسیدگی قضائی، (متهم) ممکن است با تضمین آزادی (موقت) جهت حضور در دادگاه و به اقتضای حکم دادگاه موکول گردد.۴- هر کسی که بموجب دستگیری و یا بازداشت، از آزادی اش محروم میگردد، حق دارد روند دادخواهی را بدین منظور که دادگاه بدون تاخیر در مورد غیر قانونی بودن بازداشتش تصمیم گیرد، دنبال نماید تا اگر بازداشت او غیر قانونی است (قاضی) دستور به آزادی او دهد.۵- هر کس که قربانی دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی شده‌است، حق جبران خسارت دارد.ماده دهم۱- تمام افرادی که آزادی آنها سلب میگردد (زندانیان) باید با آنها با انسانیت و احترام که حقیقت ذاتی شخص انسان است، رفتار شود.۲- الف- به جزء موارد استثنائی، افراد متهم باید از محکومین جدا نگاه داشته شوند و میبایست مشمول رفتار جداگانه‌ای، متناسب با وضعیت افراد غیر محکوم شوند.ب – افراد جوان متهم باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت در مورد آنها قضاوت گردد.۳- نظام ندامتگاه باید متضمن رفتار با افرادی باشد که هدف اساسی آن اصلاح آنان و اعاده حیثیت اجتماعی شان باشد. جوانان بزهکار باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و (با آنها) متناسب سن و وضعیت قانونی شان رفتار گردد.ماده یازدهمهیچکس را نباید فقط بعنوان اینکه (او) قادر به انجام تعهد قراردادی خود نیست، زندانی کرد.ماده دوازدهم۱- هر کس بطور قانونی باید در قلمرو کشور، حق رفت و آمد آزاد و انتخاب آزادانه محل اقامت خود را داشته باشد.۲- هر کس باید برای ترک هر کشوری که شامل کشور خود (نیز) است، آزاد باشد.۳- حقوق یاد شده بالا نباید مشمول هیچ محدودیتی گردد، مگر آنکه آن (محدودیتها) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا (رعایت) حقوق و آزادیهای دیگران، ضروری بوده و بوسیله قانون مقرر گشته‌است و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.۴- هیچکس نباید از حق ورود به کشور خود، خودسرانه (بدون مجوز) محروم گردد.ماده سیزدهمهر بیگانه‌ای که بطور قانونی در قلمرو کشور عضو این میثاق باشد، فقط در صورتی از آن (کشور) اخراج میگردد که (این اخراج) پیرو تصمیمی مطابق قانون باشد، در غیر اینصورت و در جائی که دلایل حتمی امنیت ملی ایجاب نکند، باید این اجازه به او داده شود که دلایل مخالفت خود را نسبت به (این اخراج) ارائه دهد. بدین منظور پرونده او با حضور نماینده‌ای که قبلا تعیین کرده‌است و بوسیله مرجع صلاحیت دار و یا فرد یا افراد بخصوصی که از طرف مرجع صلاحیت دار تعیین شده‌اند، دوباره خوانی و رسیدگی میگردد.ماده چهاردهم۱-همه افراد در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری (از حقوق) برابر برخوردارند. در امور تصمیم گیری هر اتهامی علیه فرد و یا (علیه) حقوق و تعهدات مدنی او، هر کس باید حق داشته باشد که (اتهامات او) بوسیله یک دادگاه قانونی، صلاحیت دار، مستقل و بیطرف، بطور منصفانه و علنی، رسیدگی شود. مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه بدلایل اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار منع شوند. وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن (جلسات) را زیان آور به مصالح دادگستری بداند، (محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی) امکان دارد، اما حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد مگر آنکه مصلحت افراد جوان ایجاب نماید و یا روند دادرسی، مربوط به اختلافات زناشوئی یا سرپرستی اطفال باشد.۲- هر کس که به ارتکاب جرمی متهم شده‌است این حق را دارد که بیگناه فرض شود تا مگر جرم او برطبق قانون ثابت شود.۳-در مورد قطعی شدن جرم علیه فرد، هر کس حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد.الف- بیدرنگ و به تفصیل با زبانی که او بفهمد، (باید) از نوع و علت اتهامی که به او

نسبت داده شده‌است، آگاه گردد.ب – وقت و تسهیلات کافی جهت تهیه دفاعیه خود و گفتگو با وکیلی که خود انتخاب کرده‌است، داشته باشد.ج – بدون تاخیر موجه، دادگاهی شود.د – در حضور خودش محاکمه شود. شخصا از خود دفاع نماید و یا از طریق وکیلی که خود انتخاب کرده‌است (از خود دفاع کند). او باید از حقوق خود مطلع گردد که اگر وکیل ندارد، در صورتیکه مصالح دادگستری اقتضا می‌نماید و (نیز) در صورتیکه او توانائی کافی برای پرداخت (دستمزد وکیل) را نداشته باشد، بدون پرداخت هزینه‌ای، وکیلی برای او تعیین میگردد.ه – از شهودی که علیه او (شهادت داده‌اند) بازپرسی کنند و یا بخواهند که از آنها بازپرسی شوند و تحت شرایط مشابهی که علیه او شهادت داده‌اند، شاهدانی جهت شهادت بنفع او حاضر شوند.و – اگر او زبانی که در دادگاه بکار می‌رود را نمی‌تواند بفهمد و یا صحبت کند (باید) بطور رایگان مترجمی جهت کمک در اختیار اوگذاشته شود.ز – اجباری در شهادت دادن علیه خود و یا اقرار به مجرمیتش وجود نداشته باشد.۴- آئین دادرسی در مورد افراد جوان باید مطابق سن آنها، مصلحت و اعاده حیثیت آنان در نظر گرفته شود.۵- هر کس که مجرم شناخته میشود مطابق قانون (باید) حق داشته باشد که مجرمیت و محکومیت او بوسیله یک دادگاه عالیتر مورد تجدید نظر قرار گیرد.۶- هر گاه شخصی حکم نهائی محکومیت جزائی گرفته‌است و بعدا درنتیجه یک کشف جدید با وجود شواهد قطعی معلوم گردد که محکومیت او در نتیجه یک اشتباه قضائی بوده‌است و حکم او نقض شود و یا مورد عفو قرار گیرد، او یعنی شخصی که در نتیجه این محکومیت و مجازات متحمل رنج و عذاب شده‌است، حق دارد طبق قانون اعاده جبران خسارت نماید، مگر ثابت شود که عدم افشای بموقع و چگونکی امر نامعلوم بطور کلی و یا جزئی منتسب به خود او بوده‌است.۷- هیچکس را نباید بوسیله قانون دادرسی کیفری کشور، به جرمی که محکوم و یا تبرئه شده‌است، دوباره دادگاهی، محکوم و مجازات نمود.ماده پانزدهم۱-هیچکس را نباید بواسطه انجام عملی و یا ترک آن که بنا بر قوانین ملی و یا بین المللی جرم نبوده‌است در آن واحد محکوم نمود. همچنین نباید هیچ مجازات شدیدی را از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده‌است، تعیین نمود. اگر پس از ارتکاب جرم مقررات قانونی دیگری وضع شود که مجازات ملایمتری را در بر داشته باشد، مجرم باید از آن مقررات استفاده نماید.۲-هیچیک از مقررات این ماده نباید با دادرسی و مجازات شخصی که در هنگام انجام عملی یا ترک آن، بنا بر اصول کلی قوانین شناخته شده جامعه ملل، جرم نیست، منافات داشته باشد.ماده شانزدهمهر کس حق دارد در هر کجا در مقابل قانون، بمثابه یک شخص (حقوقی) شناخته شود.ماده هفدهم۱-هیچکس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و یا مکاتبات، مورد دخالت خودسرانه (بدون مجوز قانونی) یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت او مورد تعرض غیر قانونی واقع گردد.۲-هر کس حق دارد که در مقابل این تعرضات و دخالتها از حمایت قانون برخوردار شود.ماده هیجدهم۱-هر کس حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب دارد. این حق شامل اختیار و آزادی در پذیرش یک مذهب و یا عقیده‌ای، به انتخاب خود است. همچنین هر کسی، در بیان آشکار مذهب یا عقیده خود بطور فردی یا گروهی آشکارا یا در نهان و نیز انجام تعلیمات مذهبی خود اختیار و آزادی دارد.۲-در این موارد، هیچکس نباید با زور و اجبار (روبرو گردد) و نیز نباید به آزادی او در پذیرش یک مذهب یا عقیده‌ای که بر اساس انتخاب خودش انجام گرفته‌است، آسیب رساند.۳-در صورتی ممکن است آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات کسی محدود گردد که بموجب قانون آنهم در جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران، پیش بینی شده باشد.۴-کشورهای عضو این میثاق، متعهد میگردند که آزادی والدین و سرپرستان قانونی را در مورد آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان و مطابق با عقایدشان محترم شمارند.ماده نوزدهم۱-هر کس حق دارد که نظرات خود را بدون دخالت و مانع (دیگران) بیان دارد.(حفظ کند)۲-هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هر نوع عقایدی، بدون توجه به چگونگی ارائه آن (آرایش) بطور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا بهر وسیله دیگری که خود انتخاب میکند، میباشد.۳-اعمال حقوق ارائه شده در بند ۲ این ماده که همراه با وظائف ویژه و مسئولیت‌ها می‌باشد، ممکن است که تابع محدودیتهای معینی قرار گیرد. این (محدودیتها)، فقط باید بنا به ضرورتهای ذیل و بوسیله قانون انجام گیرد:الف) برای احترام حقوق یا حیثیت دیگرانب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومیماده بیستم۱- هرگونه تبلیغ برای جنگ بموجب قانون ممنوع است.۲- هرگونه ترغیب به تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که باعث تحریک به تبعیض و یا دشمنی و خشونت گردد، بموجب قانون ممنوع می‌باشد.ماده بیست و یکمحق تشکیل مسالمت آمیز مجامع به رسمیت شناخته میشود. هیچ محدودیتی در مورد اعمال این حق صورت نمی‌گیرد مگر مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری در جهت نفع (مصلحت) امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد.ماده بیست و دوم۱-هر کس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌ها و برای حفاظت علاقه مندیها و منافع

خود می‌باشد.۲-اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نیست مگر اینکه این محدودیتها مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری جهت نفع (مصلحت)، امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادیهای دیگران باشد. (همچنین) این ماده مانع از آن نمی‌شود که اعضاء نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیتهای قانونی باشند.۳-هیچیک از مقررات این ماده، کشورهای عضو مقاوله نامه سازمان بین المللی کار، مورخ ۱۹۴۸ که مربوط به آزادی (تشکیل) اتحادیه و حمایت از حق متشکل شدن است، مجاز نمی‌شمارد که با اقدامات قانونگذاری و یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین‌های ارائه شده در این مقاوله نامه مخالفت کنند و به آن لطمه وارد آورند.ماده بیست و سوم۱-خانواده یک واحد گروهی و (جزء عنصر) بنیادین و طبیعی جامعه‌است و شایسته می‌باشد که بوسیله جامعه و حکومت حفاظت گردد.۲-حق ازدواج و تشکیل خانواده برای مردان و زنانی که به این سن رسیده‌اند، برسمیت شناخته میشود.۳-هیچ ازدواجی بدون رضایت آزادانه و کامل زوجین منعقد نمی‌گردد.۴-کشورهای عضو این میثاق، باید اقدامات مناسب را بمنظور تامین تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در خلال انعقاد و فسخ ازدواج بعمل آورند. در مورد فسخ ازدواج باید برای حفاظت کودکان پیش بینی‌های لازم انجام گیرد.ماده بیست و چهارم۱- هر کودکی بدون هیچگونه تبعیض (از قبیل) نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت یا منشاء اجتماعی، دارائی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت صغارت (خردسالی) ایجاد شده‌است، حق دارد از اقدامات حفاظتی (حمایتی) خانواده، جامعه و دولت برخوردار گردد.۲- هر کودکی باید بیدرنگ پس از تولد دارای نام گردد و به ثبت رسد.۳- هر کودکی حق کسب تابعیت دارد.ماده بیست و پنجمهر شهروندی باید از فرصتها (امکانات)، بدون در نظرگرفتن محدودیتهائی که در بند ۲ آمده‌است و (نیز) بدون محدودیتهای نامعقول، حق داشته باشد که:الف) در اداره امور عمومی، مستقیما یا بوسیله انتخاب آزاد نمایندگان، شرکت کند.ب) در انتخابات دوره‌ای صحیح که با آراء عمومی مساوی و مخفی انجام میگیرد و تضمین کننده بیان آزادانه خواسته انتخاب کنندگان است، (حق) رای دادن و انتخاب شدن دارد.ج) (هر شهروندی) بنا بر شرایط کلی حق مساوی ورود به مشاغل عمومی در کشور خود را دارد.ماده بیست و ششمتمام افراد در مقابل قانون برابر هستند و بدون تبعیض، مستحق حفاظت (حمایت) مساوی در مقابل قانون می‌باشند. از این لحاظ قانون باید هر نوع تبعیض را مانع شود و برای تمام افراد حفاظتهای (حمایتهای) موثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض و در هر مرحله‌ای مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا دیگر عقاید، منشاء ملی یا اجتماعی، دارائی، تولد (نسب) و یا هر وضعیت دیگری تضمین نماید.ماده بیست و هفتمدر کشورهائی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، افرادی که متعلق به این اقلیتها هستند را نباید از حق (تشکیل) اجتماعات با اعضای گروه خود و (نیز) بهره مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرایض) مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان، محروم نمود.

بخش چهارم

ماده بیست و هشتم۱- یک کمیته حقوق بشر (از این بعد در این میثاق کمیته نامیده خواهد شد) تاسیس میگردد. این کمیته شامل ۱۸ عضو است و وظائفی که در بندهای بعدی (۲و۳) ارائه گردد را انجام میدهد.۲- اعضای این کمیته از اتباع کشورهای عضو این پیمان تشکیل میگردد، (یعنی) کسانیکه دارای نشانه‌های عالی اخلاقی بوده و صلاحیت آنان در زمینه حقوق بشر شناخته شده‌است. شرکت بعضی از افراد که در امور قضائی دارای تجربه هستند، مورد توجه (کمیته) می‌باشد.۳- اعضای کمیته، انتخابی هستند و بنا بر صلاحیت شخصی خود (در این کمیته) خدمت میکنند. (نمایندگان رسمی دولت متبوع خود نمی‌باشند)ماده بیست و نهم۱- اعضای کمیته باید با رای مخفی و از فهرست افراد واجد شرایطی که در ماده ۲۸ آمده‌است و بدان منظور از طرف کشورهای عضو این پیمان نامزد شده‌اند، انتخاب گردند.۲- هر کشور عضو این پیمان نمی‌تواند بیش از ۲ نفر را نامزد کند. این افراد باید تابعیت کشور نامزد کننده را دارا باشند.۳- تجدید نامزدی برای یک فرد مجاز می‌باشد.ماده سی ام۱- اولین انتخابات دیرتر از ۶ ماه بعد از تاریخ به قدرت اجرائی در آمدن این میثاق انجام نخواهد گرفت.۲- حداقل چهار ماه قبل از تاریخ هر انتخاباتی در کمیته، به استثنای انتخاباتی که بنا بر ماده ۳۴ برای پرکردن محل خالی انجام میگیرد، دبیر کل سازمان ملل متحد می‌بایست از کشورهای عضو این پیمان جهت معرفی عضویت نامزدهای شان، ظرف سه ماه دعوت کتبی بعمل آورد.۳- دبیر کل سازمان ملل متحد می‌بایست فهرستی به ترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که به این ترتیب نامزد (عضویت در کمیته) میشوند با نام کشورهائی که آنها را (جهت عضویت) نامزد کرده‌اند، تهیه نماید و آنرا به کشورهای عضو این پیمان، حداکثر یکماه قبل از تاریخ انتخابات ارائه دهد. انتخاب اعضاء کمیته می‌بایست در نشستی که دبیر کل سازمان ملل متحد از کشورهای عضو این پیمان بعمل آورده‌است، انجام گیرد. حد نصاب این جلسات دوسوم کشورهای عضو این پیمان می‌باشد

و افرادی که برای (عضویت) کمیته انتخاب میشوند باید نامزدهائی باشند که بیشترین تعداد آراء را بدست آورده و حائز مطلق اکثریت آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رای دهنده باشند.ماده سی و یکم۱- کمیته نمی‌تواند بیش از یک تبعه از هر کشوری (عضو) داشته باشد.۲- در انتخابات (اعضاء) کمیته می‌بایست توجه به رعایت تقسیمات منصفانه جغرافیائی اعضاء و نمایندگان اشکال مختلف تمدنها و نظامهای عمده حقوقی (قانونی) نماید.ماده سی و دوم۱- اعضاء کمیته می‌بایست برای مدت ۴ سال انتخاب شوند. آنها برای انتخاب مجدد مجاز هستند که نامزد شوند. اما مدت عضویت ۹ نفر از اعضاء انتخاب شده در اولین انتخابات می‌بایست در پایان ۲ سال منقضی گردد. نام این ۹ عضو می‌بایست بیدرنگ بعد از اولین انتخابات به قید قرعه و بوسیله رئیس جلسه و بنابر ماده ۳۰ بند ۴ معین شوند.۲- انتخابات در پایان دوره خدمت، بنا بر مواد پیشین این قسمت از میثاق حاضر بعمل خواهد آمد.ماده سی و سوم۱- هرگاه اگر یک عضو کمیته انجام وظائف خود را به هر علتی به جزء غیبت موقت، قطع نماید (و این عمل) به اتفاق آراء (مورد تصدیق) سایر اعضاء کمیته باشد، رئیس کمیته می‌بایست دبیر کل سازمان ملل متحد، کسیکه می‌باید اعلام نماید که صندلی این عضو خالی است (بلامتصدی) را (از این موضوع) مطلع نماید.۲- در صورت فوت یا استعفای یک عضو کمیته، رئیس (کمیته) می‌باید بیدرنگ دبیر کل سازمان ملل متحد کسی که می‌بایست خالی بودن (بلامتصدی) صندلی را از تاریخ فوت یا تاریخ موثر استعفا اعلام نماید، مطلع گرداند.ماده سی و چهارم۱- هرگاه خالی بودن صندلی (بلا متصدی بودن) طبق ماده ۳۳ اعلام گردد و مدت زمان تصدی عضو جایگزین، ظرف ۶ ماه از تاریخ اعلام بلا متصدی بودن، منقضی نشده‌است دبیر کل سازمان ملل متحد به کشورهای عضو این پیمان اعلام خواهد نمود که (میتوانند) ظرف ۲ ماه بنا به ماده ۲۹ برای پرکردن صندلی خالی، نامزدهای خود را معرفی نمایند.۲- دبیر کل سازمان ملل متحد فهرستی بترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که نامزد (عضویت در کمیته) میشوند، تهیه خواهد کرد و آنرا به کشورهای عضو این پیمان ارائه خواهد داد. انتخاب برای پرکردن صندلی خالی (بلامتصدی) بنا بر مقررات مربوطه این قسمت از میثاق حاضر، انجام خواهد گرفت.۳- هر عضو کمیته‌ای که برای پرکردن صندلی خالی اعلام شده بنا بر ماده ۳۳ انتخاب شود، باید برای بقیه دوره عضوی که صندلی او بنا به مقررات آن ماده (۳۳) خالی بوده‌است، عضو کمیته گردد.ماده سی و پنجماعضاء کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بنا به شرایطی که مجمع عمومی تعیین میکند و با توجه به مسئولیتهای مهم کمیته، از منابع (مالی) سازمان ملل متحد حقوق دریافت خواهند داشت.ماده سی و ششمدبیر کل سازمان ملل متحد کارمندان و تسهیلات لازم را برای اجرای موثر وظائفی که کمیته بموجب این پیمان بعهده دارد، در اختیار (کمیته) خواهد گذاشت.ماده سی و هفتم۱- دبیر کل سازمان ملل متحد اعضاء اولین نشست کمیته را به مرکز سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد.۲- بعد از نخستین نشست، کمیته در زمانهائی که در آئین نامه داخلی خود، پیش بینی میکند، تشکیل جلسه خواهد داد.۳- کمیته بطور معمول در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو نشست خواهد داشت.ماده سی و هشتمهر عضو کمیته قبل از تصدی وظایف خود، می‌باید طی اعلام رسمی در جلسه علنی کمیته (تعهد کند) که او وظائف خود را در کمال بیطرفی و از روی وجدان انجام خواهد داد.ماده سی و نهم۱- کمیته می‌بایست (اعضاء) هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب نماید، آنها ممکن است دوباره انتخاب شوند.۲- کمیته قوانین داخلی خود را، خود تنظیم خواهد نمود اما این قوانین می‌باید مشتمل بر مقررات زیر باشد:الف) حد نصاب (رسمیت) جلسات ۱۲ نفر باشد.ب) تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر، گرفته شود.ماده چهلم۱- کشورهای عضو این پیمان متهعد میشوند از اقداماتی که برای ترتیب اثر دادن حقوق شناخته شده (در این میثاق) جهت پیشرفت در بهره مندی از این حقوق انجام داده‌اند، گزارشهائی ارائه دهند:الف) ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن میثاق حاضر برای کشورهای عضو مربوطه.ب) بعد از آن هر زمان که کمیته درخواست نماید.۲- تمام گزارشها باید به دبیر کل سازمان ملل ارائه گردد و او آنها را برای رسیدگی به کمیته ارجاع خواهد داد. گزارشها می‌بایست به عوامل و مشکلاتی که در اجرای (مقررات) این میثاق اثر دارند، دلالت کند.۳- دبیر کل سازمان ملل ممکن است بعد از مشورت با کمیته، رونوشت قسمتهائی از گزارشها (که به امور تخصصی مربوط میشود) را به موسسات تخصصی که صلاحیت آنرا دارند، ارجاع دهد.۴- کمیته گزارشهائی را که بوسیله کشورهای عضو این میثاق ارائه گردیده‌است مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد داد. (سپس) گزارشهای خود و نیز پیشنهادهای کلی که ممکن است مورد توجه و مناسب باشند را به کشورهای عضو این پیمان ارسال خواهد داشت. همچنین کمیته ممکن است این پیشنهادات همراه با رونوشت گزارشهای رسیده از کشورهای عضو این پیمان را به شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه دهد.۵- کشورهای عضو این پیمان میتوانند بنا بر بند ۴ این ماده نظریاتی در مورد پیشنهادات اظهارشده را به کمیته ارسال دارد.ماده چهل و یکم۱- هر کشور عضو این میثاق میتواند بنا بر این ماده در هر زمان (اعلام کند) که صلاحیت کمیته را برای دریافت و

رسیدگی شکایتهایی دایر بر ادعای یک کشور عضو این میثاق، مبنی بر اینکه کشور دیگری (عضو) تعهدات خود را انجام نمی‌دهد، برسمیت بشناسد. بموجب این ماده شکایاتی دریافت و مورد رسیدگی قرار میگیرد که بوسیله کشور عضو این میثاق، شناسائی صلاحیت کمیته را نسبت بخود اعلام کرده باشد. هیچ شکایاتی را که مربوط به یک کشور عضو میثاق حاضر باشد و چنین اعلام شناسائی را بعمل نیاورده‌است، قابل پذیرش نخواهد بود. شکایاتی که بموجب این ماده دریافت میگردد بترتیب زیر نسبت به آنها اقدام خواهد شد:الف) اگر یک کشور عضو این میثاق تشخیص دهد که کشور دیگر عضو به مقررات میثاق حاضر ترتیب اثر نمی‌دهد، (آن کشور) میتواند با شکایت کتبی و آوردن (طرح) موضوع، توجه کشور عضو را جلب نماید. در ظرف ۳ ماه پس از دریافت شکایت (کتبی)، کشور دریافت کننده (آن) توضیح یا هرگونه اظهار کتبی دیگری جهت روشن شدن موضوع در اختیار کشور (فرستنده شکایت) خواهد گذاشت. (این توضیحات و اظهارات) تا حد امکان و بطور مناسب باید شامل اطلاعاتی عطف به قواعد دادرسی داخلی (آن کشور) و جهت جبران و اصلاح آن یا در جریان (رسیدگی به آن) یا آنچه که قابل استفاده در این موضوع است، باشند.ب) اگر موضوع در جهت تعدیل و رضایت دو کشور عضو قرار نگرفت، در ظرف شش ماه پس از دریافت اولین شکایت، هر یک از (دو) کشور، حق خواهند داشت که موضوع را بوسیله یادداشتی به کمیته و کشور (مزبور) ارجاع نماید.ج) کمیته به موضوع ارجاع شده، فقط در صورتی اقدام خواهد کرد که محقق شده باشد که تمام چاره جوئی‌های داخلی مناسب در مورد موضوع و بنا بر اصول قوانین بین المللی شناخته شده بطور کلی انجام گرفته و به نتیجه نرسیده‌است. این قاعده در مواردی که شکایت بطور نامعقولی طولانی گردد، اجرا نخواهد شد.د) کمیته بنا بر این ماده، در موقع رسیدگی به شکایتها، نشست‌های رسیدگی تشکیل خواهد داد.ه) پیرو مقررات زیر بند ج، کمیته اقدامات مناسب و توجهات خود، بمنظور حل دوستانه موضوع (مورد اختلاف) بر پایه احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی شناخته شده در این میثاق را در اختیار کشورهای عضو قرار خواهد گذاشت.و) کمیته درهر موضوع ارجاع شده به خود میتواند با توجه به زیر بند ب، از کشورهای مربوطه اطلاعات مربوط را درخواست نماید.ز) کشورهای مربوطه عضو این میثاق، بنا بر زیر بند (ب) حق خواهند داشت که در هنگام رسیدگی موضوع در کمیته، نماینده داشته باشند و نظریات و اظهارات شفاهی و یا کتبی خود را ارائه دهند.ح) کمیته ظرف ۱۲ ماه بعد از تاریخ دریافت یادداشت بنا بر زیر بند (ب) خواهد پذیرفت که گزارش دهد که:۱) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست آید، کمیته بطور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا و راه حل بدست آمده، منحصر خواهد کرد.۲) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست نیامده باشد، کمیته بطور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا منحصر خواهد کرد. نظریات کتبی و شفاهی که بوسیله کشورهای مربوطه انجام گرفته‌است ضبط خواهد شد و به گزارش، ضمیمه میگردد. برای هر موضوعی گزارشی به کشورهای مربوط و عضو میثاق ابلاغ خواهد شد.۲- مقررات این ماده زمانی قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد که ۱۰ کشور عضو این میثاق، بنا بر بند ۱ این ماده، (آنرا) اعلام کرده باشند. اعلامیه کشورهای عضو این میثاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده میشود و او رونوشت آنرا به دیگر کشورهای عضو خواهد فرستاد. یک اعلامیه در هر زمان ممکن است بوسیله یادداشتی (خطاب) به دبیر کل مسترد گردد. استرداد، شکایتی که قبلا بنا بر این ماده ارسال شده‌است را خدشه دار نخواهد ساخت. هیچ شکایت دیگری پس از دریافت یادداشت استرداد اعلامیه به دبیر کل، پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه کشور مربوطه اعلامیه جدیدی صادر کند.ماده چهل و دوم۱- (الف) اگر موضوعی بنا به ماده ۴۱ به کمیته ارجاع شده باشد و (آن موضوع) با رضایت کشورهای عضو مربوطه حل نگردیده‌است، کمیته میتواند با رضایت قبلی کشورهای عضو مربوطه، یک کمیسیون ویژه توافق تعیین نماید (که از این پس کمیسیون نامیده خواهد شد). کمیسیون توجهات کافی (کمکهای مفید) را بمنظور یک راه حل مسالمت آمیز در مورد (موضوع مورد اختلاف) بر اساس احترام به میثاق حاضر، بعمل خواهد آورد.ب) کمیسیون شامل پنج عضو است که مورد پذیرش کشورهای عضو مربوطه می‌باشند. اگر کشورهای عضو مربوطه برای ترکیب تمام یا قسمتی از (اعضاء) کمیسیون در مدت ۳ ماه به توافق نرسیدند، آن عده از اعضاء کمیسیون که در مورد آنها توافق حاصل نشده‌است با رای مخفی و با اکثریت ۲ سوم اعضاء کمیته از بین اعضاء انتخاب خواهند شد.۲- اعضاء کمیسیون بنا به صلاحیتهای شخصی خود، انجام وظیفه می‌نمایند (سمت نمایندگی از طرف کشور خود در کمیسیون را ندارند). آنها نباید تابعیت کشورهای عضو مربوطه و یا یک کشوری که عضو این پیمان نیست و یا کشوری که بنا به ماده ۴۱ اعلامیه را صادر نکرده‌است، باشند.۳- کمیسیون رئیس خود را انتخاب خواهد کرد و آئین نامه داخلی خود را بتصویب خواهد رساند.۴- نشستهای کمیسیون بطور معمول می‌باید در مرکز سازمان ملل متحد و یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل گردد. اما آنها می‌توانند با مشورت دبیر کل سازمان ملل متحد و کشورهای عضو مربوطه نشستها را در مکانهای مناسب دیگری تشکیل دهند.۵- بنا بر ماده ۳۶ دبیرخانه پیش بینی شده، خدمات (دفتری) کمیسیونهائی

که تحت این ماده تعیین شده‌اند را انجام خواهد داد.۶- اطلاعاتی که بوسیله کمیته دریافت و بررسی میگردد می‌باید در اختیار و در دسترس کمیسیون قرار گیرد. کمیسیون میتواند از کشورهای عضو مربوط تهیه دیگر اطلاعات وابسته (تکمیلی) را بخواهد.۷- وقتی که کمیسیون رسیدگی کامل به موضوع نمود، در هر صورت، حداکثر در مدت ۱۲ ماه بعد از رسیدگی کردن موضوع یک گزارش برای به اطلاع رساندن کشورهای عضو مربوط از طرف رئیس کمیته ارائه خواهد شد.الف) اگر کمیسیون به اتمام رسیدگی به موضوع در مدت ۱۲ ماه قادر نیست، در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر موقعیت رسیدگی موضوع خواهد کرد.ب) اگر یک راه حل مسالمت آمیز بمنظور ملزم نمودن و براساس احترام به حقوق بشر که (قوانین آن) در این میثاق شناخته شده‌است، حاصل شود، کمیسیون گزارش خود را به ذکر کوتاه قضایا و راه حلی که به آن دست یافته‌است، منحصر میکند.ج) اگر یک راه حل مسالمت آمیز مطابق زیربند ب حاصل نگردد کمیسیون تمام راه حل هائی که مربوط به موضوع مابین دولتهای عضو است و نظرات (پیشنهادی) خود را در مورد امکان حل مسالمت آمیز موضوع، ارائه میدهد.این گزارش همچنین شامل صورت مجلس ملاحظات کتبی و ملاحظات شفاهی که بوسیله دولتهای عضو انجام گرفته‌است، می‌باشد.د) اگر گزارش کمیسیون بنا بر زیربند (ج) ارائه گردد، دولتهای عضو در مدت ۳ ماه پس از دریافت گزارش، (می بایست) به رئیس کمیته اعلام دارند که آیا مندرجات گزارش کمیسیون را خواهند پذیرفت یا خیر.۸- بنا به ماده ۴۱، مقررات این ماده به مسئولیتهای کمیته خللی وارد نمیکند.۹- دولتهای عضو، کلیه هزینه‌های اعضاء کمیسیون را طبق برآوردی که دبیر کل سازمان ملل متحد بعمل می‌آورد، بطور مساوی به عهده خواهند گرفت.۱۰- دبیر کل سازمان ملل متحد این اختیار را دارد که در صورت لزوم هزینه‌های اعضاء را قبل از آنکه دولت عضوی پرداخت کند، بنا بر بند ۹ این ماده، بعهده گیرد. ماده چهل و سوماعضای کمیته و (اعضای) کمیسیونهای ویژه حل اختلاف که طبق ماده ۴۲ تعیین شده‌اند، محق می‌باشند که از تسهیلات، امتیازات و مصونیتهای کارشناسان مامور سازمان ملل متحد همانگونه که در قسمتهای (مربوط) به مقاوله نامه امتیازات و مصونیت‌ها وضع شده‌است، استفاده کنند.ماده چهل و چهارممقررات اجرائی این میثاق، به آئین نامه‌های دادرسی مقرر شده در زمینه حقوق بشر و اسناد تشکیل دهنده میثاقهای سازمان ملل و موسسات تخصصی خللی وارد نمی‌سازد و (نیز این مقررات) مانع از آن نخواهد شد که دولتهای عضو این میثاق، برای حل اختلافات (خود) طبق موافقت نامه‌های بین المللی عمومی یا اختصاصی (که بین آنها وجود دارد) به دیگر آئین نامه‌های دادرسی متوسل شوند.ماده چهل و پنجمکمیته گزارش سالانه از فعالیت‌های خود را بوسیله شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد داد.

بخش پنجم

ماده چهل و ششمهیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه‌های موسسات تخصصی که معین کننده مسئولیتهای گوناگون ویژه سازمان ملل هستند و (نیز) موسسات تخصصی مربوط به موضوعهای این میثاق، لطمه وارد آورد.ماده چهل و هفتمهیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که به حق ذاتی تمام مردم جهت بهره مندی و استفاده کامل و آزادانه از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان، لطمه‌ای وارد آورد.

بخش ششم

ماده چهل و هشتم۱- این میثاق برای امضای هر دولت عضو سازمان ملل و یا عضو هر یک از موسسات تخصصی آن و یا هر دولت عضو (متعهد به) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر دولتی که (از طرف) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شود تا عضو این میثاق گردد، گشوده میباشد.۲- این میثاق تابع به تصویب (قانون اساسی هر کشور) است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.۳- این میثاق بنا بر بند اول این ماده برای پیوستن (وارد شدن) هر دولتی، گشوده شده‌است.۴- پیوستن بوسیله سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.۵- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولتهائی که این میثاق را امضاء کرده‌اند و یا به آن پیوسته‌اند را از سپرده شدن هر سند تصویبی یا الحاقی آگاه خواهد کرد.ماده چهل و نهم۱-این میثاق سه ماه پس از تاریخ سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.۲-برای هر دولتی که این میثاق را پس از سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی، تصویب کند یا به آن بپیوندد، این میثاق ۳ ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویبی یا الحاقی برای آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.ماده پنجاهممقررات این میثاق تمام واحدهای دولتهای فدرال (کشورهای هم عهد) را بدون محدودیت و یا استثنائی، شامل خواهد بود.ماده پنجاه و یکم۱- هر دولت عضو این

میثاق میتواند اصلاحیه‌ای (برای این میثاق) پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. دبیر کل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاحی پیشنهاد شده‌ای را به دولتهای عضو ارسال میدارد و از آنها درخواست میکند که به او اعلام دارند، آیا مایلند کنفرانسی از دولتهای عضو بمنظور بررسی و تصمیم گیری (اخذ رای) در باره طرحهای پیشنهادی، تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک سوم دولتهای عضو موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل، کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد پذیرش اکثریت دولتهای حاضر و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، (آن اصلاح) برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد شد.۲- اصلاحات زمانی قدرت اجرائی پیدا خواهد کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دوسوم دولتهای عضو، آنرا بنا به روند قانونگذاری خود (قانون اساسی) پذیرفته باشند.۳- وقتیکه اصلاحات، قدرت اجرائی پیدا میکنند، برای آن دسته از دولتهائی که آنرا پذیرفته‌اند (اجرای) آن الزامی خواهد شد و سایر دولتهای عضو به مقررات این میثاق و هر گونه اصلاحیه‌ای که قبلا آنرا پذیرفته‌اند، موظف می‌باشند.ماده پنجاه و دومصرف نظر از اطلاعیه‌های صادر شده در بند ۵ ماده ۴۸، دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب ویژه زیر را به تمام دولتهای مذکور در بند ۱ همان ماده، اطلاع خواهد داد:الف) امضاءها، مصوبه‌ها و پیوستها بنا به ماده ۴۸ب) تاریخ قدرت اجرائی این میثاق بنا بر ماده ۴۹ و تاریخ قدرت اجرائی اصلاحات بنا به ماده ۵۱ماده پنجاه و سوم۱- متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیائی این میثاق دارای اعتباری برابر است و در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.۲- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت تائید شده این میثاق را برای کلیه دولتهای مذکور در ماده ۴۸ ارسال خواهد کرد.

ترجمه: سایت دیدگاه

—

مجموعه اصول برای حمایت همه افراد در هرگونه بازداشت یا زندان

2011-01-18 · Archive ID 248
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=248

قطعنامه ۴۳/۱۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۹ دسامبر ۱۹۸۸

حوزه مجموعه اصول

این اصول در مورد حمایت از همه افراد در هر گونه بازداشت یا زندان می‌تواند بکار گرفته شود.

کاربرد واژه‌ها

در آنچه مورد نظر این مجموعه اصول است:

آ - «دستگیری» یعنی عمل توقیف کردن یک فرد به خاطر اتهام به ارتکاب یک جرم یا به حکم یک مقام مسئول

ب - «فرد در بازداشت» یعنی هر کسی که به دلیلی غیر از مجرم شناخته شدن، از آزادی شخصی محروم شده‌است.

پ - «فرد در زندان» یعنی هر کسی که به دلیل مجرم شناخته شدن از آزادی شخصی محروم شده‌است.

ت - «در بازداشت» یعنی وضعیت افراد در بازداشت چنانچه در بالا تعریف شد.

ث - «در زندان» یعنی وضعیت افراد در زندان چنانچه در بالا تعریف شد.

ج - عبارت «یک مقام قضائی یا مقام مسئول دیگر» یعنی یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگری که بر اساس قانون موقعیت و تصدی ایشان بالاترین تضمین ممکن را در مورد صلاحیت، بی طرفی، و استقلال تامین نماید.

اصل ۱

شیوه رفتار با همه افراد در هرگونه بازداشت یا زندان باید انسانی و با حفظ احترام به کرامت ذاتی فرد انسان باشد.

اصل ۲

دستگیری، بازداشت یا زندان باید فقط بر طبق ضوابط اکید قانون و توسط مقامات رسمی دارای صلاحیت و یا افرادی که برای این امر مسئولیت یافته‌اند، انجام شود.

اصل ۳

هیچ یک از حقوق بشری افراد در هر گونه بازداشت یا زندان که در قوانین، میثاق‌ها، مقررات یا عرف کشور تصریح شده، نباید به این بهانه که این مجموعه اصول اینگونه حقوق را تصریح نمی‌کند یا به میزان کمتری تصریح می‌کند، محدود یا فروکاسته شود.

اصل ۴

هرگونه بازداشت یا زندان و همه اقداماتی که بر حقوق بشر یک فرد در هرگونه بازداشت یا زندان تاثیر دارد، بایستی بدستور یا در حوزه نظارت قابل اجرای یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر باشد.

اصل ۵

۱. این اصول بایستی درباره همه افراد در قلمرو هر کشوری، بدون تمایز قائل شدن از هر گونه، از جمله نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب یا عقیده مذهبی، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، ملیت، قومیت یا خاستگاه اجتماعی، مالکیت، تولد یا ویژگی‌های دیگر اجرا شود.

۲. اقداماتی که تحت قانون انجام می‌شود و تنها به منظور حمایت از حقوق و وضعیت ویژه زنان، بویژه زنان باردار و شیرده، کودکان و نوجوانان، افراد سالمند، بیمار و معلول تدوین شده، نباید تبعیض آمیز تلقی شود. نیاز برای چنین اقداماتی و اجرای آنها باید همیشه مورد بازنگری یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر قرار گیرد.

اصل ۶

هیچ فردی در هرگونه بازداشت یا زندان نباید شکنجه شود و یا مورد مجازات یا رفتار بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین آمیز قرار گیرد*. هیچگونه شواهد و شرایطی نمی‌تواند به عنوان توجیهی برای شکنجه یا دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین آمیز به کار گرفته شود.

* عبارت «مجازات یا رفتار بیرحمانه، غیر انسانی یا توهین آمیز» باید چنان تعبیر شود که وسیع ترین حمایت ممکن را در مقابل آزارهای جسمی یا روانی امکان پذیر سازد، از جمله نگهداری فرد در بازداشت یا زندان به گونه‌ای که وی به طور موقتی یا دائمی از استفاده از حس‌های طبیعی خویش مانند دیدن یا شنیدن، یا آگاهی از مکان و گذشت زمان محروم شود.

اصل ۷

۱. دولت‌ها باید قانونا هر عملی را که متناقض با حقوق و وظایف تعیین شده در این اصول باشد، منع کرده و هر گونه عملی از اینگونه را با ضمانت اجرایی قانون ممنوع سازند و در صورت دریافت شکایات، تحقیقات بیطرفانه‌ای را انجام دهند.

۲. مسئولین رسمی که به دلیلی باور دارند که عملی در جهت نقض این مجموعه اصول رخ داده‌است، بایستی که موضوع را به مسئول مافوق خود گزارش داده و در صورت لزوم با دیگر مقامات مربوطه یا نهادهای دارای قدرت بررسی و رسیدگی در میان بگذارند.

۳. هر فرد دیگری که مبنایی برای این باور دارد که عملی در جهت نقض این مجموعه اصول رخ داده یا در شرف وقوع است، بایستی این حق را داشته باشد که موضع را به مقامات مافوق مسئولین دست اندرکار و نیز به دیگر مقامات مربوطه یا نهادهای دارای قدرت بررسی و رسیدگی گزارش دهد.

اصل ۸

با افراد در بازداشت باید متناسب با وضعیت مجرم نبودن آنها رفتار شود. به همین ترتیب، آنها باید در صورت امکان، جدا از افراد زندانی نگهداری شوند.

اصل ۹

مسئولینی که یک فرد را دستگیر می‌کنند، وی را در بازداشت نگه می‌دارند یا بر روی پرونده تحقیق می‌کنند بایستی فقط در محدوده اختیاراتی که قانون به آنان داده، عمل کنند و دیگران می‌توانند پرسش درباره استفاده این مسئولین از اختیارات خود را به یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر ارجاع دهند.

اصل ۱۰

هر فردی که دستگیر می‌شود باید در هنگام دستگیری از علت دستگیری خویش آگاه شده و بی درنگ از هرگونه اتهامی بر علیه خویش آگاه گردد.

اصل ۱۱

۱. فرد نباید بدون آنکه بی درنگ فرصتی کارآ برای ارائه توضیحات در دفاع از خود در مقابل یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر به وی داده شود، بازداشت گردد. فرد در بازداشت باید این حق را داشته باشد که از خود دفاع کند یا چنانچه در قانون تعیین شده توسط وکیل مدافع یاری شود.

۲. فرد بازداشت شده و وکیل مدافع وی، اگر وکیلی داشته باشد، باید بی درنگ و بطور کامل حکم بازداشت و همه دلایل مربوطه را دریافت کنند.

۳. به یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر باید این اختیار داده شود که در صورت لزوم ادامه بازداشت را مورد بررسی قرار دهد.

اصل ۱۲

موارد زیر بایستی به طور کامل ثبت شود:

آ. دلایل دستگیری؛

ب. زمان دستگیری و انتقال فرد دستگیر شده به محل حبس و همچنین زمان اولین احضار در مقابل یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر؛

پ. هویت مسئولین رسمی اجرای قانون در این مورد؛

ت. اطلاعات دقیق درباره محل حبس.

این اطلاعات باید در اختیار فرد بازداشت شده، یا وکیل وی، اگر وکیلی داشته باشد، به شیوه‌ای که قانون تعیین می‌کند گذارده شود.

اصل ۱۳

هر فردی باید در لحظه دستیگری و در آغاز بازداشت یا زندان، یا بی درنگ پس از آن، توسط مقامات مسئول، به ترتیب، دستگیری، بازداشت و زندانی کردن وی، اطلاعات و توضیحاتی درباره حقوق خویش و چگونگی استفاده از این حقوق دریافت کند.

اصل ۱۴

فردی که زبان مقامات مسئول دستگیری، بازداشت یا زندان خویش را نمی‌فهمد یا نمی‌تواند به آن زبان تکلم کند، حق دارد که بی درنگ اطلاعاتی را که در اصل ۱۰، بند دوم اصل ۱۱، بند اول اصل ۱۲، و اصل ۱۳ به زبانی که با آن آشنایی دارد، دریافت کرده و در صورت لزوم، از یاری مترجم در رابطه با روند مراحل قانونی در پی دستگیری خویش به صورت رایگان استفاده نماید.

اصل ۱۵

به جز موارد استثنای قید شده در بند چهارم اصل ۱۶، بند سوم اصل ۱۸، فرد در بازداشت یا زندان نباید از ارتباط با دنیای خارج، و بویژه با خانواده و وکیل خود، بیش از چند روز محروم باشد.

اصل ۱۶

۱. فرد در بازداشت یا زندان، باید این حق را داشته باشد که بی درنگ پس از دستگیری و پس از هر بار انتقال از یک محل بازداشت یا زندان به محلی دیگر، اعضای خانواده خویش و دیگر افراد مناسب را به انتخاب خود، از دستگیری، بازداشت یا زندانی شدن خویش یا منتقل شدن و همچنین از محل نگهداری خویش آگاه سازد، یا از مقامات دارای صلاحیت بخواهد که آنان را آگاه سازند.

۲. اگر فرد در بازداشت یا زندان یک شهروند خارجی است، وی همچنین باید بی درنگ از حقوق خویش درمورد تماس به شیوه‌های مناسب با یک مقام کنسولی یا هیات دیپلماتیک کشور متبوع خویش آگاه گردد، و یا اگر پناهنده‌است و یا تحت حمایت سازمان‌های بین المللی می‌باشد حق دارد که چنین ارتباطی را بر اساس قوانین بین المللی یا با نماینده سازمان بین المللی دارای صلاحیت برقرار سازد.

۳. اگر فرد در بازداشت یا زندان نوجوان است یا قادر به درک حقوق خویش نیست، مقامات دارای صلاحیت باید خود اقدام به آگاه ساختن [افراد خانواده و یا نزدیکان فرد] چنانچه در این اصل آمده‌است، بنمایند. باید توجه ویژه به امر آگاه ساختن والدین و اولیاء معطوف شود.

۴. هر گونه آگاه سازی که در این اصل بدان اشاره شده‌است باید بی درنگ انچام گرفته یا اجازه داده شود که انجام گیرد. اما مقامات دارای صلاحیت می‌توانند در صورتی که ضرورت فوق العاده در انجام تحقیقات چنین ایجاب می‌نماید این آگاه سازی را به مدت معقولی به تاخیر بیندازند.

اصل ۱۷

۱. فرد در بازداشت باید این حق را داشته باشد که وکیل مدافع قانونی داشته باشد. وی بایستی بی درنگ پس از دستگیری توسط مقامات دارای صلاحیت از حق خویش آگاه گشته و از امکانات در خور برای استفاده از این حق برخوردار شود.

۲. اگر فرد در بازداشت وکیل مدافع قانونی مورد انتخاب خویش را ندارد، بایستی در همه مواردی که اجرای عدالت ایجاب می‌کند از حق داشتن یک وکیل تسخیری که توسط یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر انتخاب می‌گردد، برخوردار شود و اگر امکانات کافی برای پرداخت ندارد وجهی بابت حق الزحمه نپردازد.

اصل ۱۸

۱. فرد در بازداشت یا زندان باید حق تماس و مشاوره با وکیل قانونی خویش را داشته باشد.

۲. فرد در بازداشت یا زندان باید مدت زمان کافی و امکانات درخور برای مشاوره با وکیل قانونی خویش داشته باشد.

۳. حق فرد در بازداشت یا زندان برای داشتن ملاقات و تماس و مشاوره بدون تاخیر و سانسور و بصورت کاملا محرمانه با وکیل قانونی خود نباید تعلیق یا محدود شود، مگر در شرایط استثنایی که در قانون یا مقررات قانونی

مشخص شده باشد و نیز از نظر یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر اینکار به خاطر حفظ امنیت و نظم اکیدا ضروری تشخیص داده شود.

۴. مصاحبه‌های میان فرد در بازداشت یا زندان و وکیل قانونی وی می‌تواند در دیدرس، ولی نه در حوزه شنود، یک مامور اجرای قانون باشد.

۵. تماس‌های میان فرد در بازداشت یا زندان و وکیل قانونی وی که در این اصل منظور شده، نباید به عنوان شواهدی علیه فرد در بازداشت یا زندان بکار رود مگر آنکه با جنایتی در حال جریان یا طرح ریزی شده در ارتباط باشد.

اصل ۱۹

فرد در بازداشت یا زندان باید حق ملاقات و مکاتبه، بویژه با اعضای خانواده اش را، داشته باشد و باید به او فرصت کافی برای تماس با دنیای بیرون داده شود ضمن اینکه شرایط درخور و محدودیت‌های تعیین شده توسط قانون یا مقررات قانونی باید در نظر گرفته شود.

اصل ۲۰

در صورت در خواست فرد در بازداشت یا زندان، در صورت امکان وی باید در مکانی برای بازداشت یا زندان نزدیک به محل سکونت عادی وی نگاهداری شود.

اصل ۲۱

۱. استفاده نامناسب از وضعیت فرد در بازداشت یا زندان به منظور مجبور کردن وی به اعتراف، یا مجرم نمایاندن خویش به هر طریق دیگری، یا شهادت بر علیه فرد دیگر بایستی منع شود.

۲. فرد در بازداشت در ضمن بازجویی نباید مورد اعمال خشونت، تهدید یا شیوه‌هایی از بازجویی که قوه تمیز و تصمیم گیری او را دچار اختلال می‌نماید، واقع شود.

اصل ۲۲

هیچ فرد در بازداشت یا زندان نباید، حتی با رضایت خویش، مورد آزمایش‌های پزشکی یا علمی که به سلامت وی آسیب می‌زند، قرار بگیرد.

اصل ۲۳

۱. مدت زمان هر بازجویی از فرد در بازداشت یا زندان و فاصله زمانی بین بازجویی‌ها و همچنین هویت مسئولین رسمی که بازجویی را انجام می‌دهند و دیگر افراد حاضر بایستی به صورتی که در قانون تعیین شده‌است ثبت و صورت جلسه شود.

۲. فرد در بازداشت یا زندان یا وکیل وی چنانچه قانون مقرر شده باید حق دسترسی به اطلاعات منظور شده در بند یک این اصل را داشته باشد.

اصل ۲۴

یک معاینه پزشکی مناسب باید در اسرع وقت پس از پذیرش در محل بازداشت یا زندان، از فرد در بازداشت یا زندان به عمل آید، و پس از آن مراقبت و درمان پزشکی باید در هنگام لزوم برای وی فراهم شود. این مراقبت و درمان باید رایگان باشد.

اصل ۲۵

فرد در بازداشت یا زندان، یا وکیل وی، باید حق درخواست یا دادخواست از یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر برای معاینه مجدد یا نظر پزشک دیگری را داشته باشد با درنظر گرفتن اینکه تنها شرایط درخور برای تضمین امنیت و نظم در محل بازداشت یا زندان موجود باشد.

اصل ۲۶

هنگامی که فرد در بازداشت یا زندان مورد معاینه پزشکی قرار می‌گیرد، نام پزشک و نتایج معاینه بایستی به طور کامل ثبت شود. دسترسی به چنین پرونده‌های ثبت شده‌ای باید تضمین شود. اشکال مشخص انجام آن بدین ترتیب باید با توجه به قوانین مربوطه داخلی هر کشور باشد.

اصل ۲۷

عدم رعایت این اصول در هنگام بدست آوردن شواهد، بایستی در تصمیم گیری درباره امکان قانونی استفاده از اینگونه شواهد برعلیه فرد در بازداشت یا زندان، مد نظر قرار گیرد.

اصل ۲۸

فرد در بازداشت یا زندان باید این حق را داشته باشد که در محدوده امکانات موجود، ولو از منابع همگانی، مقادیر نسبتا مناسبی مواد فرهنگی، آموزشی و کسب اطلاعات در اختیار داشته باشد، مشروط به اینکه شرایط درخور برای تضمین امنیت و نظم در محل بازداشت یا زندان موجود باشد.

اصل ۲۹

۱. به منظور نظارت بر رعایت اکید قوانین و مقررات مربوطه، مکان‌های بازداشت باید بطور مرتب توسط افراد دارای صلاحیت و تجربه، که توسط مقام مسئولی به جز مقام مسئول مستقیم اداره مکان بازداشت یا زندان منصوب می‌شوند و بدو پاسخگو می‌باشند، مورد بازدید قرار گیرد.

۲. فرد در بازداشت یا زندان باید این حق را داشته باشد که آزادانه و به شیوه کاملا محرمانه با افرادی که مکان‌های بازداشت یا زندان را بر اساس بند یک این اصل بازدید می‌کنند، در تماس باشد، مشروط به اینکه شرایط درخور برای تضمین امنیت و نظم در چنین مکان‌هایی موجود باشد.

اصل ۳۰

۱. انواع رفتارهای فرد در بازداشت یا زندان که منجر به جرایم انضباطی در طول دوران بازداشت یا زندان می‌شود، چگونگی و طول مدت تنبیه‌های انضباطی که ممکن است اعمال شود و مقامات دارای صلاحیت برای اعمال این مجازات‌ها باید توسط قانون یا مقررات قانونی مشخص شده و به طور کامل منتشر شود.

۲. فرد در بازداشت یا زندان باید این حق را داشته باشد که پیش از اعمال تنبیه‌های انضباطی توضیحاتی در دفاع از خود ارائه دهد. وی باید این حق را داشته باشد که اینگونه تنبیه‌های انضباطی را برای بررسی به مقامات بالاتر ارجاع دهد.

اصل ۳۱

مقامات مربوطه بایستی کوشش نمایند که در صورت لزوم امر یاری رسانی به افراد تحت سرپرستی، بویژه اعضای صغیر خانواده افراد در بازداشت یا زندان با توجه به قوانین داخلی کشور تضمین شده و اقدامات دقیق برای توجه به سرپرستی کودکانی که بدون سرپرست مانده‌اند، انجام گیرد.

اصل ۳۲

۱. فرد در بازداشت یا وکیل وی باید هر زمان این حق را داشته باشد که بتواند براساس قوانین داخلی کشور اعتراض حقوقی در مورد غیر قانونی بودن بازداشت وی را به نزد یک مقام قضائی یا مقام مسئول دیگر برده و در صورت غیر قانونی بودن بازداشت، آزادی بی درنگ خود را حاصل نماید.

۲. اقدامات لازم که در بند یک این اصل بدان اشاره می‌شود بایستی ساده و به سرعت قابل انجام باشد و برای فرد در بازداشت که توانایی مالی ندارد، مخارجی در برنداشته باشد. مقام مسئول بازداشتگاه بایستی بدون اتلاف وقت، فرد در بازداشت را به حضور مقامات مسئول بررسی ببرد.

اصل ۳۳

۱. فرد در بازداشت یا زندان یا وکیل وی باید این حق را داشته باشد که درخواست یا شکایت خود را دررابطه با شیوه رفتار با وی، بویژه در مورد شکنجه یا دیگر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین آمیز، به نزد مقامات مسئول بازداشتگاه و مقامات بالاتر، و در صورت لزوم، به نزد دیگر مقامات مربوطه دارای اختیار بررسی و رسیدگی ببرد.

۲. در مواردی که فرد در بازداشت یا زندان و وکیل وی امکان استفاده از حقوق قید شده در بند یک این اصل را ندارند، یکی از اعضای خانواده فرد در بازداشت یا زندان یا هر فرد دیگری که از این جریان اطلاع دارد، می‌تواند از چنین حقوقی استفاده نماید.

۳. در صورت درخواست فرد، محرمانه بودن درخواست یا شکایت وی بایستی حفظ شود.

۴. هر درخواست یا شکایتی بایستی سریعا مورد رسیدگی قرار گرفته و بدون اتلاف وقت بدان پاسخ داده شود. در صورت رد درخواست یا شکایت یا تاخیر بیش از اندازه، فرد شاکی باید این حق را داشته باشد که درخواست یا شکایت را به یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر ارجاع نماید. فرد در بازداشت یا زندان و یا فرد شاکی مورد نظر بند یک این اصل، نبایستی به خاطر اقدام به درخواست یا شکایت مورد قضاوت یا رفتار تبعیض آمیز قرار گیرند.

اصل ۳۴

در صورت مرگ یا ناپدید شدن فرد در بازداشت یا زندان در طول دوران بازداشت یا زندان وی، تحقیق درباره علت مرگ یا ناپدید شدن بایستی توسط یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر، به خواست خود این مقام و یا به درخواست یکی از اعضای خانواده این فرد یا هر کسی که درباره این جریان آگاهی دارد، انجام شود. در صورت لزوم، هرگاه مرگ یا ناپدید شدن فرد مدت کوتاهی پس از آزادی وی از بازداشت یا زندان رخ دهد، باید بر اساس همین روند مورد اینگونه تحقیق قرارگیرد. یافته‌های چنین تحقیقی یا گزارش حاصل از آن بایستی در صورت درخواست ارائه شود مگر آنکه این کار روند جاری تحقیقات جنایی را به مخاطره اندازد.

اصل ۳۵

۱. خساراتی که به خاطر اقدامات یا بی توجهی یکی از مقامات رسمی در جهت خلاف حقوق قید شده در این اصول رخ می‌دهد، بایستی با توجه به قوانین و مقررات داخلی مربوط به جبران خسارات وارده بازپرداخت و جبران گردد.

۲. اطلاعاتی که بر اساس این اصول ثبت آنها الزامی است، بایستی بنا بر رویه دادرسی در قوانین داخلی برای استفاده در مورد ادعای خسارت بر طبق اصل حاضر، قابل دسترسی باشد.

اصل ۳۶

۱. فرد در بازداشت که مظنون یا متهم به یک جرم جنایی است، تا زمانی که بر اساس قانون در یک محاکمه علنی که وی در آن از همه تضمین‌های لازم در زمینه دفاع برخوردار است، مجرم شناخته نشده‌است، باید که بیگناه شناخته شود و با وی به عنوان فردی بیگناه رفتار شود.

۲. دستگیری یا بازداشت چنین فردی که مرحله تحقیقات و دادگاه وی به پایان نرسیده‌است، بایستی فقط به خاطر اجرای عدالت بر اساس قانون و تحت شرایط و رویه تعیین شده توسط قانون باشد. اعمال هر گونه محدودیت بر این فرد به جز آنچه که اکیدا به منظور بازداشت یا جلوگیری از تاخیر در روند اجرای تحقیقات یا اجرای عدالت یا برای حفظ امنیت و نظم بازداشتگاه است، باید ممنوع شود.

اصل ۳۷

فرد در بازداشت به اتهام جرم جنایی بایستی فورا پس از دستگیری به حضور یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر بر طبق قانون برده شود. چنین مقامی باید بی درنگ در باره قانونی بودن و ضرورت بازداشت تصمیم بگیرد. هیچ کس نباید پیش از پایان تحقیقات یا محاکمه در بازداشت بسر ببرد مگر آنکه بدستور کتبی چنین مقامی باشد. فرد بازداشت شده باید این حق را داشته باشد که هنگامی که به نزد چنین مقامی برده می‌شود، درباره شیوه رفتاری که در مدت بازداشت با وی شده‌است، صحبت نماید.

اصل ۳۸

فردی که به اتهام جرم جنایی بازداشت شده‌است باید این حق را داشته باشد که در مدت زمان قابل قبولی محاکمه شود و یا تا پیش از محاکمه آزاد باشد.

اصل ۳۹

به جز در موارد ویژه قید شده در قانون، فردی که به اتهام جرم جنایی بازداشت شده‌است، باید این حق را داشته باشد که تا پیش از دادگاه آزاد باشد مگر آنکه یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر به خاطر اجرای عدالت دستور خلاف آن را صادر نماید و مشروط بر آنکه شرایط قانونی رعایت شود. چنین مقامی باید تاهنگامی که فرد در بازداشت بسر می‌برد، ضرورت ادامه بازداشت را مورد بررسی قرار دهد.

تبصره عام

هیچ یک از موارد این مجموعه اصول نباید در جهت محدود کردن یا فروکاستن حقوق تعریف شده در «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی» تفسیر شود.

قطعنامه ۴۳/۱۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۹ دسامبر ۱۹۸۸

مجموعه اصول برای حمایت همه افراد در هرگونه بازداشت یا زندانقطعنامه ۴۳/۱۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۹ دسامبر ۱۹۸۸

حوزه مجموعه اصولاین اصول در مورد حمایت از همه افراد در هر گونه بازداشت یا زندان می‌تواند بکار گرفته شود.
کاربرد واژه‌هادر آنچه مورد نظر این مجموعه اصول است: آ - «دستگیری» یعنی عمل توقیف کردن یک فرد به خاطر اتهام به ارتکاب یک جرم یا به حکم یک مقام مسئول ب - «فرد در بازداشت» یعنی هر کسی که به دلیلی غیر از مجرم شناخته شدن، از آزادی شخصی محروم شده‌است. پ - «فرد در زندان» یعنی هر کسی که به دلیل مجرم شناخته شدن از آزادی شخصی محروم شده‌است. ت - «در بازداشت» یعنی وضعیت افراد در بازداشت چنانچه در بالا تعریف شد. ث - «در زندان» یعنی وضعیت افراد در زندان چنانچه در بالا تعریف شد. ج - عبارت «یک مقام قضائی یا مقام مسئول دیگر» یعنی یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگری که بر اساس قانون موقعیت و تصدی ایشان بالاترین تضمین ممکن را در مورد صلاحیت، بی طرفی، و استقلال تامین نماید.
اصل ۱شیوه رفتار با همه افراد در هرگونه بازداشت یا زندان باید انسانی و با حفظ احترام به کرامت ذاتی فرد انسان باشد.
اصل ۲دستگیری، بازداشت یا زندان باید فقط بر طبق ضوابط اکید قانون و توسط مقامات رسمی دارای صلاحیت و یا افرادی که برای این امر مسئولیت یافته‌اند، انجام شود.
اصل ۳ هیچ یک از حقوق بشری افراد در هر گونه بازداشت یا زندان که در قوانین، میثاق‌ها، مقررات یا عرف کشور تصریح شده، نباید به این بهانه که این مجموعه اصول اینگونه حقوق را تصریح نمی‌کند یا به میزان کمتری تصریح می‌کند، محدود یا فروکاسته شود.
اصل ۴هرگونه بازداشت یا زندان و همه اقداماتی که بر حقوق بشر یک فرد در هرگونه بازداشت یا زندان تاثیر دارد، بایستی بدستور یا در حوزه نظارت قابل اجرای یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر باشد.
اصل ۵۱. این اصول بایستی درباره همه افراد در قلمرو هر کشوری، بدون تمایز قائل شدن از هر گونه، از جمله نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب یا عقیده مذهبی، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، ملیت، قومیت یا خاستگاه

اجتماعی، مالکیت، تولد یا ویژگی‌های دیگر اجرا شود.۲. اقداماتی که تحت قانون انجام می‌شود و تنها به منظور حمایت از حقوق و وضعیت ویژه زنان، بویژه زنان باردار و شیرده، کودکان و نوجوانان، افراد سالمند، بیمار و معلول تدوین شده، نباید تبعیض آمیز تلقی شود. نیاز برای چنین اقداماتی و اجرای آنها باید همیشه مورد بازنگری یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر قرار گیرد.

اصل ۶هیچ فردی در هرگونه بازداشت یا زندان نباید شکنجه شود و یا مورد مجازات یا رفتار بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین آمیز قرار گیرد*. هیچگونه شواهد و شرایطی نمی‌تواند به عنوان توجیهی برای شکنجه یا دیگر مجازات‌ها یا رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین آمیز به کار گرفته شود.* عبارت «مجازات یا رفتار بیرحمانه، غیر انسانی یا توهین آمیز» باید چنان تعبیر شود که وسیع ترین حمایت ممکن را در مقابل آزارهای جسمی یا روانی امکان پذیر سازد، از جمله نگهداری فرد در بازداشت یا زندان به گونه‌ای که وی به طور موقتی یا دائمی از استفاده از حس‌های طبیعی خویش مانند دیدن یا شنیدن، یا آگاهی از مکان و گذشت زمان محروم شود.

اصل ۷۱. دولت‌ها باید قانونا هر عملی را که متناقض با حقوق و وظایف تعیین شده در این اصول باشد، منع کرده و هر گونه عملی از اینگونه را با ضمانت اجرایی قانون ممنوع سازند و در صورت دریافت شکایات، تحقیقات بیطرفانه‌ای را انجام دهند. ۲. مسئولین رسمی که به دلیلی باور دارند که عملی در جهت نقض این مجموعه اصول رخ داده‌است، بایستی که موضوع را به مسئول مافوق خود گزارش داده و در صورت لزوم با دیگر مقامات مربوطه یا نهادهای دارای قدرت بررسی و رسیدگی در میان بگذارند. ۳. هر فرد دیگری که مبنایی برای این باور دارد که عملی در جهت نقض این مجموعه اصول رخ داده یا در شرف وقوع است، بایستی این حق را داشته باشد که موضع را به مقامات مافوق مسئولین دست اندرکار و نیز به دیگر مقامات مربوطه یا نهادهای دارای قدرت بررسی و رسیدگی گزارش دهد.

اصل ۸با افراد در بازداشت باید متناسب با وضعیت مجرم نبودن آنها رفتار شود. به همین ترتیب، آنها باید در صورت امکان، جدا از افراد زندانی نگهداری شوند.

اصل ۹مسئولینی که یک فرد را دستگیر می‌کنند، وی را در بازداشت نگه می‌دارند یا بر روی پرونده تحقیق می‌کنند بایستی فقط در محدوده اختیاراتی که قانون به آنان داده، عمل کنند و دیگران می‌توانند پرسش درباره استفاده این مسئولین از اختیارات خود را به یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر ارجاع دهند.

اصل ۱۰هر فردی که دستگیر می‌شود باید در هنگام دستگیری از علت دستگیری خویش آگاه شده و بی درنگ از هرگونه اتهامی بر علیه خویش آگاه گردد.

اصل ۱۱۱. فرد نباید بدون آنکه بی درنگ فرصتی کارآ برای ارائه توضیحات در دفاع از خود در مقابل یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر به وی داده شود، بازداشت گردد. فرد در بازداشت باید این حق را داشته باشد که از خود دفاع کند یا چنانچه در قانون تعیین شده توسط وکیل مدافع یاری شود. ۲. فرد بازداشت شده و وکیل مدافع وی، اگر وکیلی داشته باشد، باید بی درنگ و بطور کامل حکم بازداشت و همه دلایل مربوطه را دریافت کنند. ۳. به یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر باید این اختیار داده شود که در صورت لزوم ادامه بازداشت را مورد بررسی قرار دهد.

اصل ۱۲موارد زیر بایستی به طور کامل ثبت شود:آ. دلایل دستگیری؛ب. زمان دستگیری و انتقال فرد دستگیر شده به محل حبس و همچنین زمان اولین احضار در مقابل یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر؛پ. هویت مسئولین رسمی اجرای قانون در این مورد؛ت. اطلاعات دقیق درباره محل حبس.این اطلاعات باید در اختیار فرد بازداشت شده، یا وکیل وی، اگر وکیلی داشته باشد، به شیوه‌ای که قانون تعیین می‌کند گذارده شود.

اصل ۱۳هر فردی باید در لحظه دستیگری و در آغاز بازداشت یا زندان، یا بی درنگ پس از آن، توسط مقامات مسئول، به ترتیب، دستگیری، بازداشت و زندانی کردن وی، اطلاعات و توضیحاتی درباره حقوق خویش و چگونگی استفاده از این حقوق دریافت کند.

اصل ۱۴فردی که زبان مقامات مسئول دستگیری، بازداشت یا زندان خویش را نمی‌فهمد یا نمی‌تواند به آن زبان تکلم کند، حق دارد که بی درنگ اطلاعاتی را که در اصل ۱۰، بند دوم اصل ۱۱، بند اول اصل ۱۲، و اصل ۱۳ به زبانی که با آن آشنایی دارد، دریافت کرده و در صورت لزوم، از یاری مترجم در رابطه با روند مراحل قانونی در پی دستگیری خویش به صورت رایگان استفاده نماید.

اصل ۱۵به جز موارد استثنای قید شده در بند چهارم اصل ۱۶، بند سوم اصل ۱۸، فرد در بازداشت یا زندان نباید از ارتباط با دنیای خارج، و بویژه با خانواده و وکیل خود، بیش از چند روز محروم باشد.

اصل ۱۶۱. فرد در بازداشت یا زندان، باید این حق را داشته باشد که بی درنگ پس از دستگیری و پس از هر بار

انتقال از یک محل بازداشت یا زندان به محلی دیگر، اعضای خانواده خویش و دیگر افراد مناسب را به انتخاب خود، از دستگیری، بازداشت یا زندانی شدن خویش یا منتقل شدن و همچنین از محل نگهداری خویش آگاه سازد، یا از مقامات دارای صلاحیت بخواهد که آنان را آگاه سازند.۲. اگر فرد در بازداشت یا زندان یک شهروند خارجی است، وی همچنین باید بی درنگ از حقوق خویش درمورد تماس به شیوه‌های مناسب با یک مقام کنسولی یا هیات دیپلماتیک کشور متبوع خویش آگاه گردد، و یا اگر پناهنده‌است و یا تحت حمایت سازمان‌های بین المللی می‌باشد حق دارد که چنین ارتباطی را بر اساس قوانین بین المللی یا با نماینده سازمان بین المللی دارای صلاحیت برقرار سازد. ۳. اگر فرد در بازداشت یا زندان نوجوان است یا قادر به درک حقوق خویش نیست، مقامات دارای صلاحیت باید خود اقدام به آگاه ساختن [افراد خانواده و یا نزدیکان فرد] چنانچه در این اصل آمده‌است، بنمایند. باید توجه ویژه به امر آگاه ساختن والدین و اولیاء معطوف شود.۴. هر گونه آگاه سازی که در این اصل بدان اشاره شده‌است باید بی درنگ انچام گرفته یا اجازه داده شود که انجام گیرد. اما مقامات دارای صلاحیت می‌توانند در صورتی که ضرورت فوق العاده در انجام تحقیقات چنین ایجاب می‌نماید این آگاه سازی را به مدت معقولی به تاخیر بیندازند.

اصل ۱۷۱. فرد در بازداشت باید این حق را داشته باشد که وکیل مدافع قانونی داشته باشد. وی بایستی بی درنگ پس از دستگیری توسط مقامات دارای صلاحیت از حق خویش آگاه گشته و از امکانات در خور برای استفاده از این حق برخوردار شود.۲. اگر فرد در بازداشت وکیل مدافع قانونی مورد انتخاب خویش را ندارد، بایستی در همه مواردی که اجرای عدالت ایجاب می‌کند از حق داشتن یک وکیل تسخیری که توسط یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر انتخاب می‌گردد، برخوردار شود و اگر امکانات کافی برای پرداخت ندارد وجهی بابت حق الزحمه نپردازد.

اصل ۱۸۱. فرد در بازداشت یا زندان باید حق تماس و مشاوره با وکیل قانونی خویش را داشته باشد. ۲. فرد در بازداشت یا زندان باید مدت زمان کافی و امکانات درخور برای مشاوره با وکیل قانونی خویش داشته باشد.۳. حق فرد در بازداشت یا زندان برای داشتن ملاقات و تماس و مشاوره بدون تاخیر و سانسور و بصورت کاملا محرمانه با وکیل قانونی خود نباید تعلیق یا محدود شود، مگر در شرایط استثنایی که در قانون یا مقررات قانونی مشخص شده باشد و نیز از نظر یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر اینکار به خاطر حفظ امنیت و نظم اکیدا ضروری تشخیص داده شود. ۴. مصاحبه‌های میان فرد در بازداشت یا زندان و وکیل قانونی وی می‌تواند در دیدرس، ولی نه در حوزه شنود، یک مامور اجرای قانون باشد.۵. تماس‌های میان فرد در بازداشت یا زندان و وکیل قانونی وی که در این اصل منظور شده، نباید به عنوان شواهدی علیه فرد در بازداشت یا زندان بکار رود مگر آنکه با جنایتی در حال جریان یا طرح ریزی شده در ارتباط باشد.

اصل ۱۹فرد در بازداشت یا زندان باید حق ملاقات و مکاتبه، بویژه با اعضای خانواده اش را، داشته باشد و باید به او فرصت کافی برای تماس با دنیای بیرون داده شود ضمن اینکه شرایط درخور و محدودیت‌های تعیین شده توسط قانون یا مقررات قانونی باید در نظر گرفته شود.

اصل ۲۰در صورت در خواست فرد در بازداشت یا زندان، در صورت امکان وی باید در مکانی برای بازداشت یا زندان نزدیک به محل سکونت عادی وی نگاهداری شود.

اصل ۲۱۱. استفاده نامناسب از وضعیت فرد در بازداشت یا زندان به منظور مجبور کردن وی به اعتراف، یا مجرم نمایاندن خویش به هر طریق دیگری، یا شهادت بر علیه فرد دیگر بایستی منع شود.۲. فرد در بازداشت در ضمن بازجویی نباید مورد اعمال خشونت، تهدید یا شیوه‌هایی از بازجویی که قوه تمیز و تصمیم گیری او را دچار اختلال می‌نماید، واقع شود.

اصل ۲۲هیچ فرد در بازداشت یا زندان نباید، حتی با رضایت خویش، مورد آزمایش‌های پزشکی یا علمی که به سلامت وی آسیب می‌زند، قرار بگیرد.

اصل ۲۳۱. مدت زمان هر بازجویی از فرد در بازداشت یا زندان و فاصله زمانی بین بازجویی‌ها و همچنین هویت مسئولین رسمی که بازجویی را انجام می‌دهند و دیگر افراد حاضر بایستی به صورتی که در قانون تعیین شده‌است ثبت و صورت جلسه شود.۲. فرد در بازداشت یا زندان یا وکیل وی چنانچه قانون مقرر شده باید حق دسترسی به اطلاعات منظور شده در بند یک این اصل را داشته باشد.

اصل ۲۴یک معاینه پزشکی مناسب باید در اسرع وقت پس از پذیرش در محل بازداشت یا زندان، از فرد در بازداشت یا زندان به عمل آید، و پس از آن مراقبت و درمان پزشکی باید در هنگام لزوم برای وی فراهم شود. این مراقبت و درمان باید رایگان باشد.

اصل ۲۵فرد در بازداشت یا زندان، یا وکیل وی، باید حق درخواست یا دادخواست از یک مقام قضایی یا مقام

مسئول دیگر برای معاینه مجدد یا نظر پزشک دیگری را داشته باشد با درنظر گرفتن اینکه تنها شرایط درخور برای تضمین امنیت و نظم در محل بازداشت یا زندان موجود باشد.
اصل ۲۶هنگامی که فرد در بازداشت یا زندان مورد معاینه پزشکی قرار می‌گیرد، نام پزشک و نتایج معاینه بایستی به طور کامل ثبت شود. دسترسی به چنین پرونده‌های ثبت شده‌ای باید تضمین شود. اشکال مشخص انجام آن بدین ترتیب باید با توجه به قوانین مربوطه داخلی هر کشور باشد.
اصل ۲۷عدم رعایت این اصول در هنگام بدست آوردن شواهد، بایستی در تصمیم گیری درباره امکان قانونی استفاده از اینگونه شواهد برعلیه فرد در بازداشت یا زندان، مد نظر قرار گیرد.
اصل ۲۸فرد در بازداشت یا زندان باید این حق را داشته باشد که در محدوده امکانات موجود، ولو از منابع همگانی، مقادیر نسبتا مناسبی مواد فرهنگی، آموزشی و کسب اطلاعات در اختیار داشته باشد، مشروط به اینکه شرایط درخور برای تضمین امنیت و نظم در محل بازداشت یا زندان موجود باشد.
اصل ۲۹۱. به منظور نظارت بر رعایت اکید قوانین و مقررات مربوطه، مکان‌های بازداشت باید بطور مرتب توسط افراد دارای صلاحیت و تجربه، که توسط مقام مسئولی به جز مقام مسئول مستقیم اداره مکان بازداشت یا زندان منصوب می‌شوند و بدو پاسخگو می‌باشند، مورد بازدید قرار گیرد.۲. فرد در بازداشت یا زندان باید این حق را داشته باشد که آزادانه و به شیوه کاملا محرمانه با افرادی که مکان‌های بازداشت یا زندان را بر اساس بند یک این اصل بازدید می‌کنند، در تماس باشد، مشروط به اینکه شرایط درخور برای تضمین امنیت و نظم در چنین مکان‌هایی موجود باشد.
اصل ۳۰۱. انواع رفتارهای فرد در بازداشت یا زندان که منجر به جرایم انضباطی در طول دوران بازداشت یا زندان می‌شود، چگونگی و طول مدت تنبیه‌های انضباطی که ممکن است اعمال شود و مقامات دارای صلاحیت برای اعمال این مجازات‌ها باید توسط قانون یا مقررات قانونی مشخص شده و به طور کامل منتشر شود.۲. فرد در بازداشت یا زندان باید این حق را داشته باشد که پیش از اعمال تنبیه‌های انضباطی توضیحاتی در دفاع از خود ارائه دهد. وی باید این حق را داشته باشد که اینگونه تنبیه‌های انضباطی را برای بررسی به مقامات بالاتر ارجاع دهد.
اصل ۳۱مقامات مربوطه بایستی کوشش نمایند که در صورت لزوم امر یاری رسانی به افراد تحت سرپرستی، بویژه اعضای صغیر خانواده افراد در بازداشت یا زندان با توجه به قوانین داخلی کشور تضمین شده و اقدامات دقیق برای توجه به سرپرستی کودکانی که بدون سرپرست مانده‌اند، انجام گیرد.
اصل ۳۲۱. فرد در بازداشت یا وکیل وی باید هر زمان این حق را داشته باشد که بتواند براساس قوانین داخلی کشور اعتراض حقوقی در مورد غیر قانونی بودن بازداشت وی را به نزد یک مقام قضائی یا مقام مسئول دیگر برده و در صورت غیر قانونی بودن بازداشت، آزادی بی درنگ خود را حاصل نماید.۲. اقدامات لازم که در بند یک این اصل بدان اشاره می‌شود بایستی ساده و به سرعت قابل انجام باشد و برای فرد در بازداشت که توانایی مالی ندارد، مخارجی در برنداشته باشد. مقام مسئول بازداشتگاه بایستی بدون اتلاف وقت، فرد در بازداشت را به حضور مقامات مسئول بررسی ببرد.
اصل ۳۳۱. فرد در بازداشت یا زندان یا وکیل وی باید این حق را داشته باشد که درخواست یا شکایت خود را دررابطه با شیوه رفتار با وی، بویژه در مورد شکنجه یا دیگر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی یا توهین آمیز، به نزد مقامات مسئول بازداشتگاه و مقامات بالاتر، و در صورت لزوم، به نزد دیگر مقامات مربوطه دارای اختیار بررسی و رسیدگی ببرد.۲. در مواردی که فرد در بازداشت یا زندان و وکیل وی امکان استفاده از حقوق قید شده در بند یک این اصل را ندارند، یکی از اعضای خانواده فرد در بازداشت یا زندان یا هر فرد دیگری که از این جریان اطلاع دارد، می‌تواند از چنین حقوقی استفاده نماید. ۳. در صورت درخواست فرد، محرمانه بودن درخواست یا شکایت وی بایستی حفظ شود. ۴. هر درخواست یا شکایتی بایستی سریعا مورد رسیدگی قرار گرفته و بدون اتلاف وقت بدان پاسخ داده شود. در صورت رد درخواست یا شکایت یا تاخیر بیش از اندازه، فرد شاکی باید این حق را داشته باشد که درخواست یا شکایت را به یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر ارجاع نماید. فرد در بازداشت یا زندان و یا فرد شاکی مورد نظر بند یک این اصل، نبایستی به خاطر اقدام به درخواست یا شکایت مورد قضاوت یا رفتار تبعیض آمیز قرار گیرند.
اصل ۳۴در صورت مرگ یا ناپدید شدن فرد در بازداشت یا زندان در طول دوران بازداشت یا زندان وی، تحقیق درباره علت مرگ یا ناپدید شدن بایستی توسط یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر، به خواست خود این مقام و یا به درخواست یکی از اعضای خانواده این فرد یا هر کسی که درباره این جریان آگاهی دارد، انجام شود. در صورت لزوم، هرگاه مرگ یا ناپدید شدن فرد مدت کوتاهی پس از آزادی وی از بازداشت یا زندان رخ دهد، باید

بر اساس همین روند مورد اینگونه تحقیق قرارگیرد. یافته‌های چنین تحقیقی یا گزارش حاصل از آن بایستی در صورت درخواست ارائه شود مگر آنکه این کار روند جاری تحقیقات جنایی را به مخاطره اندازد.
اصل ۳۵۱. خساراتی که به خاطر اقدامات یا بی توجهی یکی از مقامات رسمی در جهت خلاف حقوق قید شده در این اصول رخ می‌دهد، بایستی با توجه به قوانین و مقررات داخلی مربوط به جبران خسارات وارده بازپرداخت و جبران گردد. ۲. اطلاعاتی که بر اساس این اصول ثبت آنها الزامی است، بایستی بنا بر رویه دادرسی در قوانین داخلی برای استفاده در مورد ادعای خسارت بر طبق اصل حاضر، قابل دسترسی باشد.
اصل ۳۶۱. فرد در بازداشت که مظنون یا متهم به یک جرم جنایی است، تا زمانی که بر اساس قانون در یک محاکمه علنی که وی در آن از همه تضمین‌های لازم در زمینه دفاع برخوردار است، مجرم شناخته نشده‌است، باید که بیگناه شناخته شود و با وی به عنوان فردی بیگناه رفتار شود. ۲. دستگیری یا بازداشت چنین فردی که مرحله تحقیقات و دادگاه وی به پایان نرسیده‌است، بایستی فقط به خاطر اجرای عدالت بر اساس قانون و تحت شرایط و رویه تعیین شده توسط قانون باشد. اعمال هر گونه محدودیت بر این فرد به جز آنچه که اکیدا به منظور بازداشت یا جلوگیری از تاخیر در روند اجرای تحقیقات یا اجرای عدالت یا برای حفظ امنیت و نظم بازداشتگاه است، باید ممنوع شود.
اصل ۳۷فرد در بازداشت به اتهام جرم جنایی بایستی فورا پس از دستگیری به حضور یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر بر طبق قانون برده شود. چنین مقامی باید بی درنگ در باره قانونی بودن و ضرورت بازداشت تصمیم بگیرد. هیچ کس نباید پیش از پایان تحقیقات یا محاکمه در بازداشت بسر ببرد مگر آنکه بدستور کتبی چنین مقامی باشد. فرد بازداشت شده باید این حق را داشته باشد که هنگامی که به نزد چنین مقامی برده می‌شود، درباره شیوه رفتاری که در مدت بازداشت با وی شده‌است، صحبت نماید.
اصل ۳۸فردی که به اتهام جرم جنایی بازداشت شده‌است باید این حق را داشته باشد که در مدت زمان قابل قبولی محاکمه شود و یا تا پیش از محاکمه آزاد باشد.
اصل ۳۹ به جز در موارد ویژه قید شده در قانون، فردی که به اتهام جرم جنایی بازداشت شده‌است، باید این حق را داشته باشد که تا پیش از دادگاه آزاد باشد مگر آنکه یک مقام قضایی یا مقام مسئول دیگر به خاطر اجرای عدالت دستور خلاف آن را صادر نماید و مشروط بر آنکه شرایط قانونی رعایت شود. چنین مقامی باید تاهنگامی که فرد در بازداشت بسر می‌برد، ضرورت ادامه بازداشت را مورد بررسی قرار دهد.
تبصره عامهیچ یک از موارد این مجموعه اصول نباید در جهت محدود کردن یا فروکاستتن حقوق تعریف شده در «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی» تفسیر شود.

—

اعلامیه جهانی حقوق بشر

2011-01-18 · Archive ID 250
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=250

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد، از آنجا که عدم شناسایی وتحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده‌است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده‌است، از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد، از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین الملل را مورد تشویق قرار داد، از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری به وجود آورند، از انجاکه دولتهای عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تامین کنند، از آنجا که حسن تفاهم مشترک نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد، مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و کلیه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد

و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می‌باشند، تامین گردد.

ماده اول: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده دوم :

۱) هر کس میتواند بدون هیچ تمایز - خصوصاً از حیث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیدهٔ دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیهٔ آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده‌است بهره مند گردد.

۲) به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی که شخص به آن تعلق دارد. خواه این کشور مستقل، تحت قیومیت یا خود مختار بوده و یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده سوم : هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده چهارم : احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

ماده پنجم : احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا خلاف انسانیت و شئون انسانی یا موهن باشد.

ماده ششم : هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود.

ماده هفتم : همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و هر تحریکی که برای اعمال چنین تبعیضی انجام شود از حمایت قانون برخوردار شوند.

ماده هشتم : در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیلهٔ قانون اساسی و یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه را دارد.

ماده نهم : احدی را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود.

ماده دهم : هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش بوسیلهٔ دادگاه مستقل و بی طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود و چنین دادگاهی دربارهٔ حقوق و الزامات او و یا هر اتهام جزائی که به او وارد شده باشد تصمیم بگیرد.

ماده یازدهم :

۱) هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که کلیه تضمین‌های لازم جهت دفاع او تامین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.

۲) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی‌شده‌است محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدید تر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق میگرفت در بارهٔ احدی اجرا نخواهد شد.

ماده دوازدهم : احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده سیزدهم :

۱) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند.

۲)هر کس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند یا به آن بازگردد.

ماده چهاردهم :

۱) هرکس حق دارد در مقابل شکنجه، آزار و تعقیب پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه گزیند.

۲) در مواردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مغایر با اصول و مقاصد ملل متحد باشد نمیتوان از این حق استفاده کرد.

ماده پانزدهم :

۱) هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد.

۲) احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

ماده شانزدهم :

۱) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می‌باشند.

۲) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

ماده هفدهم :

۱) هر کس منفرداً یا بطور دسته جمعی حق مالکیت دارد.

۲) احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.

ماده هیجدهم : هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان میباشد و همچنین شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس میتواند از این حقوق منفرداً یا اجتماعاً و به طور خصوصی یا عمومی برخوردار شود.

ماده نوزدهم : هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشت عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

ماده بیستم :

۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمت آمیز تشکیل دهد.

۲) هیچکس را نمیتوان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

ماده بیست و یکم :

۱) هر کس حق دارد در ادارهٔ امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

۲) هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

۳) اساس و منشاء قدرت حکومت ارادهٔ مردم است. این اراده باید به وسیلهٔ انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تضمین نماید.

ماده بیست و دوم : هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است بوسیلهٔ مساعی ملی و همکاری بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمهٔ مقام و نمو آزادانهٔ شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد.

ماده بیست وسوم :

۱) هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خود خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

۲) همه حق دارند بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت کنند.

۳) هر کس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق میشود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آنرا در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید.

۴) هر کس حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد یا در اتحادیه‌ها شرکت کند.

ماده بیست و چهارم : هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های ادواری با اخذ حقوق ذیحق میباشد.

ماده بیست و پنجم :

۱)هر کس حق دارد که سطح زندگانی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضاء، بیوگی، پیری یا تمام موارد دیگری که به عللی خارج از ارادهٔ انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد، از شرایط آبرومندانهٔ زندگی برخوردار شود.

۲) مادران و کودکان حق دارند از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یکنوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

ماده بیست وششم :

۱) هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره گیرند.

۲) آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر فرد را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حس تفاهم، گذشت و احترام به عقیدهٔ مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیتهای نژادی یا مذهبی و همچنین توسعهٔ فعالیتهای ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید.

۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

ماده بیست و هفتم :

۱) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها بهره گیرد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد.

۲) هر کس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

ماده بیست وهشتم : هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده‌است تامین کند و آنها را به مورد اجرا گذارد.

ماده بیست و نهم :

۱) هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر کند.

۲) هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون و منحصراً به منظور تامین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعهٔ دمکراتیک وضع گردیده‌است.

ماده سی ام : هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولت، جمعیت یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا در راه آن فعالیتی نمایند.

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد، از آنجا که عدم شناسایی وتحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده‌است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده‌است، از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد، از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین الملل را مورد تشویق قرار داد، از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری به وجود آورند، از انجاکه دولتهای عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تامین کنند، از آنجا که حسن تفاهم مشترک نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد، مجمع عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و کلیه ارکان اجتماع این اعلامیه را دائماً مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می‌باشند، تامین گردد. ماده اول: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.ماده دوم : ۱) هر کس میتواند بدون هیچ تمایز - خصوصاً از حیث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیدهٔ دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیهٔ آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده‌است بهره مند گردد. ۲) به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی که شخص به آن تعلق دارد. خواه این کشور مستقل، تحت قیومیت یا خود مختار بوده و یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. ماده سوم : هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. ماده چهارم : احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است. ماده پنجم : احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا خلاف انسانیت و شئون انسانی یا موهن باشد. ماده ششم : هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود. ماده هفتم : همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و هر تحریکی که برای اعمال چنین تبعیضی انجام شود از حمایت قانون برخوردار شوند. ماده هشتم : در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیلهٔ قانون اساسی و یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر به

محاکم ملی صالحه را دارد. ماده نهم : احدی را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود. ماده دهم : هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش بوسیلۀ دادگاه مستقل و بی طرف، منصفانه و علناً رسیدگی شود و چنین دادگاهی دربارۀ حقوق و الزامات او و یا هر اتهام جزائی که به او وارد شده باشد تصمیم بگیرد. ماده یازدهم : ۱) هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که کلیه تضمین‌های لازم جهت دفاع او تامین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.۲) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمی‌شده‌است محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدید تر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق میگرفت در بارۀ احدی اجرا نخواهد شد. ماده دوازدهم : احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد. ماده سیزدهم : ۱) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب کند. ۲)هر کس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند یا به آن بازگردد.ماده چهاردهم : ۱) هرکس حق دارد در مقابل شکنجه، آزار و تعقیب پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه گزیند. ۲) در مواردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مغایر با اصول و مقاصد ملل متحد باشد نمیتوان از این حق استفاده کرد. ماده پانزدهم : ۱) هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد. ۲) احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد. ماده شانزدهم : ۱) هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با یکدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می‌باشند. ۲) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود. ماده هفدهم : ۱) هر کس منفرداً یا بطور دسته جمعی حق مالکیت دارد. ۲) احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود. ماده هیجدهم : هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و نیز متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان میباشد و همچنین شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس میتواند از این حقوق منفرداً یا اجتماعاً و به طور خصوصی یا عمومی برخوردار شود.ماده نوزدهم : هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشت عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد. ماده بیستم : ۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمت آمیز تشکیل دهد. ۲) هیچکس را نمیتوان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد. ماده بیست و یکم : ۱) هر کس حق دارد در ادارۀ امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید. ۲) هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید. ۳) اساس و منشاء قدرت حکومت ارادۀ مردم است. این اراده باید به وسیلۀ انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تضمین نماید.ماده بیست و دوم : هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است بوسیلۀ مساعی ملی و همکاری بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمۀ مقام و نمو آزادانۀ شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد.ماده بیست وسوم : ۱) هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خود خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد. ۲) همه حق دارند بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت کنند. ۳) هر کس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق میشود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آنرا در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید. ۴) هر کس حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد یا در اتحادیه‌ها شرکت کند. ماده بیست و چهارم : هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی‌های ادواری با اخذ حقوق ذیحق میباشد.ماده بیست و پنجم : ۱)هر کس حق دارد که سطح زندگانی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضاء، بیوگی، پیری یا تمام موارد دیگری که به عللی خارج از ارادۀ انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد، از شرایط آبرومندانۀ زندگی برخوردار شود.۲) مادران و کودکان حق دارند از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یکنوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

ماده بیست وششم : ۱) هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید رایگان باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره گیرند. ۲) آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر فرد را به حد کمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حس تفاهم، گذشت و احترام به عقیدهٔ مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیتهای نژادی یا مذهبی و همچنین توسعهٔ فعالیتهای ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید.۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند. ماده بیست و هفتم : ۱) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها بهره گیرد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد. ۲) هر کس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود. ماده بیست وهشتم : هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده‌است تامین کند و آنها را به مورد اجرا گذارد. ماده بیست و نهم : ۱) هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر کند. ۲) هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون و منحصراً به منظور تامین، شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت صحیح مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعهٔ دمکراتیک وضع گردیده‌است.ماده سی ام : هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولت، جمعیت یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادیهای مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند یا در راه آن فعالیتی نمایند.

—

بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی نژادی مذهبی و زبانی

2011-01-18 · Archive ID 253
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=253

مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۱۳۵/۴۷

مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲

مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛

- با تاکید مجدد بر یکی از اهداف بیان شده در چارتر سازمان ملل متحد پیشبرد و حمایت احترام به حقوق انسانی و آزادیهای اساسی همه افراد بشر بدون درنظر گرفتن تفاوت‌های نژادی جنسی زبانی ویا دینی آنان؛

وبا تاکید مجدد اعتقاد به حقوق اساسی انسان به کرامت و ارزش ذاتی هرانسان به حقوق برابر زن و مرد و حقوق ملل اعم از ملل کوچک ویا بزرگ؛

- با آرزوی پیشبرد و تحقق اصول مندرج در چارتر(منشور) سازمان ملل متحد و در اعلامیه جهانی حقوق بشر در کنوانسیون جلوگیری و مجازات اقدام برای نابودی نژادی، کنوانسیون بین المللی ستردن تمام انواع ستم‌های نژادی کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی وسیاسی، کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه امحاء همه نوع عدم تحمل و ستم مبتنی بر اختلاف عقیده و مذهب و کنوانسیون حقوق کودکان و همچنین دیگر راهکارهای مربوطه بین المللی که در سطح جهانی و یا منطقه یی و یا بین هر یک از کشورهای عضو سازمان ملل متحد تصویب و منعقد گردیده‌است ؛

- با توجه به مفادماده ۲۷ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مبنی بر حقوق افراد متعلق به اقلیتهای قومی دینی و زبانی ؛

- با ملاحظه اینکه تامین و حفظ حقوق افراد متعلق به ملتها و اقوام ادیان و زبانهای اقلیت‌ها منجر به ثبات سیاسی و اجتماعی کشورهائی که درآن بسر میبرند میشود ؛

- با توضیح این حقیقت که تامین و حفظ مستمر حقوق افراد اقلیتهای ملی نژادی مذهبی و زبانی یکی از شرایط لازم پیشرفت اجتماعی و بطور عام ودر چهارچوب یک دموکراسی مبتنی بر حکومت قانون باعث تقویت مودت و همکاری ساکنین آن کشورها میباشد؛

- با توجه به نقش مهمی که سازمان ملل متحد در حفظ اقلیتها بعهده دارد ؛

- با یادآوری کاریکه در مجموعه سازمان ملل متحد علل الخصوص در کمیسیون حقوق بشر سو (زیر) کمیسیون جلوگیری از ستم به اقلیتها و حفظ آنان و ضمیمه هایالحاقی کنوانسیونهای بین المللی حقوق بشر و دیگر ساز و کارهای مناسب اعلامیه جهانی حقوق بشر برای حفظ و پیشبرد حقوق افراد اقلیتهای ملی و نژادی و مذهبی و زبانی باید انجام گیرد ؛

- با تکیه بر کارهای مهمی که بوسیله حکومتها و موسسات غیر وابسته به حکومتهابرای حفظ اقلیتها و پیشبرد و حفظ حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی و نژادی مذهبی و زبانی باید انجام پذیرد ؛ با برسمیت شناختن احتیاج افراد به اطمینان به کارآیی تمهیدات پیشبرد حقوق بشر بین المللی در مورد حقوق افراد اقلیتهای ملی و نژادی مذهبی و زبانی ؛ این بیانیه را در مورد حقوق افراد اقلیتهای ملی یا نژادی دینی و زبانی اعلام میدارد:

ماده ۱

۱- ملل عضو موجودیت و هویت اقلیتهای ملی و قومی فرهنگی مذهبی و زبانی را در محدوده مرزهای این اقلیتها حفظ و شرایط حمایت از حفظ هویت آنانرا فراهم خواهند نمود.

۲- ملل متبوع کلیه تمهیدات لازم قانونی و تصمیمات ضروری را در جهت نیل به این هدف اتخاذ خواهند نمود.

ماده ۲

۱- افراد متعلق به اقلیتهای ملی و قومی مذهبی و زبانی (که ازاین پس اقلیتها خوانده میشوند) در حوزه شخصی و اجتماعی حق دارند که آزادانه بدون هیچ نوع اعمال تبعیض یا مزاحمت از فرهنگ خود برخوردار شده مذهب خود را علنا ابرازداشته و مراسم آنرا انجام دهند و زبان خود را بکار گیرند.

۲- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که بگونه یی موثر در حوزه‌های فرهنگی مذهبی اقتصادی، اجتماعی فعال بوده و در زندگانی عمومی شرکت جویند.

۳- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که بطور موثر در تصمیمات ملی شرکت داشته و در سطح محلی در اقلیتی که به آن تعلق دارند ویا در محلی که در آن زندگی میکنند در تصمیمات (تا آنجائیکه با قوانین ملی در تضاد نباشد) شرکت کنند.

۴- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که انجمنهای مخصوص به خود را ایجاد و راه اندازی نمایند.

۵- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که بدون هیچ تبعیض و اجحافی تماسهای آزادانه و صلح آمیز خود رابا اعضاء دیگر گروه خود و با افراد دیگری که به اقلیت آنان تعلق دارند برقرار نموده وادامه دهند و هم چنین با اتباع ملل هم مرز که باآنان قرابت ملی قومی ویا مذهبی وزبانی دارند تماس داشته باشند.

ماده ۳

۱- افراد متعلق به اقلیتها منفردا یا با دیگر افراد گروه به حالت اجتماع میتوانند بدون هیچگونه اعمال تبعیض و اجحاف کلیه حقوق خود را منجمله آنچه که در این بیانیه اعلام شده‌است اعمال نمایند.

۲- اعمال ویا عدم اعمال حقوق اعلام شده در این بیانیه دارای هیچ نتیجه منفی برای افراد متعلق به اقلیتها نمی‌باشد.

ماده۴

۱- ملل متبوع کلیه اقدامات لازم را هرجا که ضروری باشد برای اطمینان افراد متعلق به اقلیتها در تامین به اعمال موثر حقوق انسانی و آزادیهای اساسی آنان و برابری در مقابل قانون بدون هیچگونه اجحاف و تبعیض اعمال خواهند داشت.

۲- ملل متبوع اقدامات لازم را برای خلق شرائط مناسب در مورد افراد متعلق به اقلیتها در جهت ابراز ویژه گیهای آنان وترویج فرهنگ زبان مذهب سنن ولباسهای آنان اعمال خواهند داشت مگرآنجا که انجام آن مورد خاص باقوانین ملی یا استانداردهای بین المللی مغایرت داشته باشد.

۳- ملل متبوع در صورت امکان بایداقدامات لازم را در اینکه افراد متعلق به اقلیتها فرصتهای مناسبی برای یادگیری زبان مادری ویا دریافت قوانین و مقررات به زبان مادری خود داشته باشند ایجاد نماید.

۴- ملل متبوع در صورت امکان تمهیدات لازم را در زمینه تحصیل به زبان مادری و تشویق در کسب معلومات تاریخی سنتها زبان و فرهنگی که در درون مرزهای آن اقلیتها وجود دارد اعمال خواهند نمود.

۵- ملل متبوع باید اقدامات لازم را برای شرکت کامل افراد متعلق به اقلیتها در توسعه اقتصادی و پیشرفت ملی در کشورشان بنمایند.

ماده ۵

۱- سیاستها و برنامه‌های ملی باید درجهت تحقق بخشیدن به منافع مشروع اشخاص متعلق به اقلیتها برنامه ریزی و تعبیه شوند.

۲- برنامه‌های تعاون و همکاری بین ایالات باید در تحقق بخشیدن به منافع مشروع افراد متعلق به اقلیتها برنامه ریزی و تعبیه شوند.

ماده ۶

ایالات باید در مسائل مربوط به افراد متعلق به اقلیتها با در نظرگرفتن دیگر مسائل باید درزمینه تبادل اطلاعات و تجارب برای تشویق متقابل و کسب تفاهم و اطمینان در بین آنان نیز کوشا باشند.

ماده ۷

ملل متبوع باید در جهت تحقق حقوق مشروحه در این اعلامیه برای اقلیتها کوشا باشند.

ماده ۸

۱- هیچ چیز در بیانیه حاضر نباید مانع تحقق تعهدات بین المللی ملل متبوع دررابطه با افراد متعلق به اقلیتها باشد. خصوصا ملل متبوع با اعتقاد کامل تعهدات و الزاماتی را که در معاهدات وموافقت نامه‌های بین المللی پذیرفته‌اند انجام خواهند داد.

۲- تحقق عملی حقوق مندرج در این اعلامیه نباید مانع بهره وری افراد از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و آزادیهای اساسی آنان شود.

۳- اقدامات انجام شده بوسیله ملل متبوع برای تحقق موثر برخورداری از حقوق اعلام شده در این بیانیه نباید در درجه نخست طوری تفسیر شود که در تخالف با اصل برابری افراد متخذ از اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار گیرد.

۴.هیچ چیز در بیانیه حاضر نباید بنیان هیچ فعالیتی در مخالفت با اهداف و اصول سازمان ملل متحد قرار گیرد علی الخصوص حق ملل در برابری در حاکمیت تمامیت ارضی و استقلال سیاسی ملل را خدشه دار نماید.

ماده ۹

آژانسهای تخصصی و ارگانهای دیگر سازمان ملل متحد باید در تحقق کامل حقوق و اصول مندرج در این بیانیه در حیطه صلاحیت‌های مربوطه خودشان شرکت نمایند.

منبع: سایت دیدگاه

بیانیه حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی نژادی مذهبی و زبانیمصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۱۳۵/۴۷ مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد؛ - با تاکید مجدد بر یکی از اهداف بیان شده در چارتر سازمان ملل متحد پیشبرد و حمایت احترام به حقوق انسانی و آزادیهای اساسی همه افراد بشر بدون درنظر گرفتن تفاوت‌های نژادی جنسی زبانی ویا دینی آنان؛ وبا تاکید مجدد اعتقاد به حقوق اساسی انسان به کرامت و ارزش ذاتی هرانسان به حقوق برابر زن و مرد و حقوق ملل اعم از ملل کوچک ویا بزرگ؛ - با آرزوی پیشبرد و تحقق اصول مندرج در چارتر(منشور) سازمان ملل متحد و در اعلامیه جهانی حقوق بشر در کنوانسیون جلوگیری و مجازات اقدام برای نابودی نژادی، کنوانسیون بین المللی ستردن تمام انواع ستم‌های نژادی کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی وسیاسی، کنوانسیون بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه امحاء همه نوع عدم تحمل و ستم مبتنی بر اختلاف عقیده و مذهب و کنوانسیون حقوق کودکان و همچنین دیگر راهکارهای مربوطه بین المللی که در سطح جهانی و یا منطقه یی و یا بین هر یک از کشورهای عضو سازمان ملل متحد تصویب و منعقد گردیده‌است ؛ - با توجه به مفادماده ۲۷ کنوانسیون بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مبنی بر حقوق افراد متعلق به اقلیتهای قومی دینی و زبانی ؛ - با ملاحظه اینکه تامین و حفظ حقوق افراد متعلق به ملتها و اقوام ادیان و زبانهای اقلیت‌ها منجر به ثبات سیاسی و اجتماعی کشورهائی که درآن بسر میبرند میشود ؛ - با توضیح این حقیقت که تامین و حفظ مستمر حقوق افراد اقلیتهای ملی نژادی مذهبی و زبانی یکی از شرایط لازم پیشرفت اجتماعی و بطور عام ودر چهارچوب یک دموکراسی مبتنی بر حکومت قانون باعث تقویت مودت و همکاری ساکنین آن کشورها میباشد؛ - با توجه به نقش مهمی که سازمان ملل متحد در حفظ اقلیتها بعهده دارد ؛ - با یادآوری کاریکه در مجموعه سازمان ملل متحد علل الخصوص در کمیسیون حقوق بشر سو (زیر) کمیسیون جلوگیری از ستم به اقلیتها و حفظ آنان و ضمیمه هایالحاقی کنوانسیونهای بین المللی حقوق بشر و دیگر ساز و کارهای مناسب اعلامیه جهانی حقوق بشر برای حفظ و پیشبرد حقوق افراد اقلیتهای ملی و نژادی و مذهبی و زبانی باید انجام گیرد ؛ - با تکیه بر کارهای مهمی که بوسیله حکومتها و موسسات غیر وابسته به حکومتهابرای حفظ اقلیتها و پیشبرد و حفظ حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی و نژادی مذهبی و زبانی باید انجام پذیرد ؛ با برسمیت شناختن احتیاج افراد به اطمینان به کارآیی تمهیدات پیشبرد حقوق بشر بین المللی در مورد حقوق افراد اقلیتهای ملی و نژادی مذهبی و زبانی ؛ این بیانیه را در مورد حقوق افراد اقلیتهای ملی یا نژادی دینی و زبانی اعلام میدارد:

ماده ۱ ۱- ملل عضو موجودیت و هویت اقلیتهای ملی و قومی فرهنگی مذهبی و زبانی را در محدوده مرزهای این اقلیتها حفظ و شرایط حمایت از حفظ هویت آنانرا فراهم خواهند نمود. ۲- ملل متبوع کلیه تمهیدات لازم قانونی و تصمیمات ضروری را در جهت نیل به این هدف اتخاذ خواهند نمود.

----------ماده ۲ ۱- افراد متعلق به اقلیتهای ملی و

قومی مذهبی و زبانی (که ازاین پس اقلیتها خوانده میشوند) در حوزه شخصی و اجتماعی حق دارند که آزادانه بدون هیچ نوع اعمال تبعیض یا مزاحمت از فرهنگ خود برخوردار شده مذهب خود را علنا ابرازداشته و مراسم آنرا انجام دهند و زبان خود را بکار گیرند. ۲- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که بگونه یی موثر در حوزه‌های فرهنگی مذهبی اقتصادی، اجتماعی فعال بوده و در زندگانی عمومی شرکت جویند. ۳- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که بطور موثر در تصمیمات ملی شرکت داشته و در سطح محلی در اقلیتی که به آن تعلق دارند ویا در محلی که در آن زندگی میکنند در تصمیمات (تا آنجائیکه با قوانین ملی در تضاد نباشد) شرکت کنند. ۴- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که انجمنهای مخصوص به خود را ایجاد و راه اندازی نمایند. ۵- افراد متعلق به اقلیتها حق دارند که بدون هیچ تبعیض و اجحافی تماسهای آزادانه و صلح آمیز خود رابا اعضاء دیگر گروه خود و با افراد دیگری که به اقلیت آنان تعلق دارند برقرار نموده وادامه دهند و هم چنین با اتباع ملل هم مرز که باآنان قرابت ملی قومی ویا مذهبی وزبانی دارند تماس داشته باشند.

----------ماده ۳ ۱- افراد متعلق به اقلیتها منفردا

یا با دیگر افراد گروه به حالت اجتماع میتوانند بدون هیچگونه اعمال تبعیض و اجحاف کلیه حقوق خود را منجمله آنچه که در این بیانیه اعلام شده‌است اعمال نمایند. ۲- اعمال ویا عدم اعمال حقوق اعلام شده در این بیانیه دارای هیچ نتیجه منفی برای افراد متعلق به اقلیتها نمی‌باشد.

----------ماده۴ ۱- ملل متبوع کلیه اقدامات لازم

را هرجا که ضروری باشد برای اطمینان افراد متعلق به اقلیتها در تامین به اعمال موثر حقوق انسانی و آزادیهای اساسی آنان و برابری در مقابل قانون بدون هیچگونه اجحاف و تبعیض اعمال خواهند داشت. ۲- ملل متبوع اقدامات لازم را برای خلق شرائط مناسب در مورد افراد متعلق به اقلیتها در جهت ابراز ویژه گیهای آنان وترویج فرهنگ زبان مذهب سنن ولباسهای آنان اعمال خواهند داشت مگرآنجا که انجام آن مورد خاص باقوانین ملی یا استانداردهای بین المللی مغایرت داشته باشد. ۳- ملل متبوع در صورت امکان بایداقدامات لازم را در اینکه افراد متعلق به اقلیتها فرصتهای مناسبی برای یادگیری زبان مادری ویا دریافت قوانین و مقررات به زبان مادری خود داشته باشند ایجاد نماید. ۴- ملل متبوع در صورت امکان تمهیدات لازم را در زمینه تحصیل به زبان مادری و تشویق در کسب معلومات تاریخی سنتها زبان و فرهنگی که در درون مرزهای آن اقلیتها وجود دارد اعمال خواهند نمود. ۵- ملل متبوع باید اقدامات لازم را برای شرکت کامل افراد متعلق به اقلیتها در توسعه اقتصادی و پیشرفت ملی در کشورشان بنمایند. ----------

ماده ۵ ۱- سیاستها و برنامه‌های ملی باید درجهت تحقق بخشیدن به منافع مشروع اشخاص متعلق به اقلیتها برنامه ریزی و تعبیه شوند. ۲- برنامه‌های تعاون و همکاری بین ایالات باید در تحقق بخشیدن به منافع مشروع افراد متعلق به اقلیتها برنامه ریزی و تعبیه شوند.

----------ماده ۶ ایالات باید در مسائل مربوط به

افراد متعلق به اقلیتها با در نظرگرفتن دیگر مسائل باید درزمینه تبادل اطلاعات و تجارب برای تشویق متقابل و کسب تفاهم و اطمینان در بین آنان نیز کوشا باشند.

----------ماده ۷ ملل متبوع باید در جهت تحقق

حقوق مشروحه در این اعلامیه برای اقلیتها کوشا باشند.

----------ماده ۸ ۱- هیچ چیز در بیانیه حاضر نباید

مانع تحقق تعهدات بین المللی ملل متبوع دررابطه با افراد متعلق به اقلیتها باشد. خصوصا ملل متبوع با اعتقاد کامل تعهدات و الزاماتی را که در معاهدات وموافقت نامه‌های بین المللی پذیرفته‌اند انجام خواهند داد. ۲- تحقق عملی حقوق مندرج در این اعلامیه نباید مانع بهره وری افراد از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و آزادیهای اساسی آنان شود. ۳- اقدامات انجام شده بوسیله ملل متبوع برای تحقق موثر برخورداری از حقوق اعلام شده در این بیانیه نباید در درجه نخست طوری تفسیر شود که در تخالف با اصل برابری افراد متخذ از اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار گیرد. ۴.هیچ چیز در بیانیه حاضر نباید بنیان هیچ فعالیتی در مخالفت با اهداف و اصول سازمان ملل متحد قرار گیرد علی الخصوص حق ملل در برابری در حاکمیت تمامیت ارضی و استقلال

سیاسی ملل را خدشه دار نماید. ----------ماده ۹
آژانسهای تخصصی و ارگانهای دیگر سازمان ملل متحد باید در تحقق کامل حقوق و اصول مندرج در این بیانیه در حیطه صلاحیت‌های مربوطه خودشان شرکت نمایند.

ترجمه: سایت دیدگاه

—

پیاده نظام ارتش سایبری

2011-01-19 · Archive ID 270
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=270

مردمک : امین ثابتی، در یادداشتی که برای مردمک نوشته‌است، به بررسی گروه بزرگ وبلاگ‌های نوظهور پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ می‌پردازد و آنها را «پیاده نظام‌هایی» می‌خواند «که تنها به دلیل حمایت از دو طیف اصلی در وبلاگستان فارسی ظهور پیدا کرده‌اند.»

وب فارسی، پدیده‌است که از ابتدای دهه هشتاد به صورت گسترده‌ای مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و در طول عمر ۱۰ ساله خود دو نقطه عطف داشته است؛ «وبلاگ‌نویسی» و «انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸»

در مورد تاثیر انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته بر روی فضای وب و پدیده‌هایی مانند شهروند- روزنامه‌نگار در طی یک سال اخیر بسیار صحبت شده‌است و من نیز در مقاله‌ای با نام «وبلاگستان؛ قبل و بعد از انتخابات ۸۸» تا حدودی به کلیات این تاثیر پرداخته‌ام. اما هدف از نوشتن این مقاله حاضر و آنچه در هفته‌های آینده خواهم نوشت، آن است که به بررسی کلی پدیده‌ای به نام «پیاده نظام‌های ارتش سایبری» پرداخته شود. پدیده‌ای که از ابتدای سال ۱۳۸۹ به صورت قارچ‌گونه شروع به رشد کرده‌اند.

پیاده نظام‌های ارتش سایبری چه کسانی هستند؟
دولت ایران در فضای وب دارای دو بازوی اجرایی است که از طریق آن سعی در کنترل فضای وب فارسی براساس منافع خود دارد. فضایی که کنترل آن با توجه به ساختار و ماهیت اینترنت کار بسیاری دشواری است و تا کنون هیچ یک از دولت‌های جهان نتوانسته آن را به صورت کامل کنترل کنند. این دو بازوی اجرای عبارتند از «فیلترینگ» و «ارتش سایبری.» دو ابزاری که در مورد هر یک بسیار سخن گفته شده است و با کمی جستجوی می‌توان اطلاعات بسیاری در موردشان کسب کرد.
حال آنکه برخلاف تصور، ارتش سایبری تنها شامل گروهی هکر از هر دو طیف (حامیان دولت و جنبش سبز) نیست، بلکه با آغاز سال 1389 دسته‌ای دیگر به این ارتش پیوسته‌اند که می‌توان از آنها با عنوان پیاده نظام‌های ارتش سایبری نام برد. پیاده نظام‌هایی که تنها به دلیل حمایت از دو طیف اصلی در وبلاگستان فارسی ظهور پیدا کرده‌اند.
وظیفه پیاده نظام‌ها چیست؟
اگر به صفحه لیست وبلاگ‌های ثبت شده در وب‌سایت‌های ارائه دهنده سرویس‌های وبلاگ‌نویسی مانند پرشین بلاگ یا بلاگفا مراجعه کنید، خواهید دید که بسیاری از وبلاگ‌های لیست شده (مخصوصا در دسته سیاست) دارای عمر زیادی نیستند و اکثر آنها عمری کمتر از یک سال دارند و عنوان‌هایی در حمایت از حکومت ایران یا جنبش سبز را با خود یدک می‌کشند.
با یک بررسی کلی می‌توان دید که اکثر این وبلاگ‌ها هیچ تولید محتوایی ندارند و تنها اخبار، مقالات و سخنان منتشر شده در دیگر وب‌سایت‌ها یا وبلاگ‌ها را بدون هیچ کم و کاستی منتشر می‌کنند. به همین دلیل مطالب منتشر شده در این وبلاگ‌ها دارای ارزش خبری و یا محتوایی نیست زیرا می‌توان با مراجعه به خبرگزاری‌هایی از هر دو طیف، تمامی مطالب منتشر شده در این وبلاگ‌ها را خواند.
بر همین اساس می‌توان وظیفه پیاده نظام‌های ارتش سایبری را افزایش کمیت (نه کیفیت) اخبار منتشر شده در حمایت از هر یک از دو طیف درگیر سیاسی در ایران دانست و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد پروپاگاندای خبری نام برد. ابزاری که تنها هدفش بزرگ جلوه دادن یک رویداد و یا سخن بدون هیچگونه تجزیه و تحلیل علمی

و منطقی است تا بتواند در فضای وب فارسی طرف مقابل خودش را کم شمارتر جلوه دهد.

آینده پیاده نظام‌های چه خواهد بود؟

ده سال از عمر وبلاگستان فارسی می‌گذرد و این مدت زمان ثابت شده است که این سبک وبلاگ‌ها عمر کوتاهی دارند و در بسیاری از موارد بعد از یک سال فعالیت، به کار خود پایان می‌دهند و از دامنه وبلاگ‌های فعال خارج می‌شود. علت این تعطیلی به چندین عامل بستگی دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

-جو احساسی و سیاسی جامعه: فضای جامعه ایران با توجه به رخدادهای بعد از انتخابات شدیدا احساسی و سیاسی شده است. علاوه بر این بزرگنمایی‌هایی که از سوی حامیان دولت و جنبش سبز در مورد قدرت اینترنت (مانند جنگ نرم یا انقلاب توییتری) صورت گرفته است، باعث ایجاد تفکری شده که در آن اینترنت و وبلاگ‌نویسی قدرتی بی‌پایان است که به کمک آن می‌توان وضعیت جامعه حقیقی را به کمک جامعه‌ای مجازی تغییر داد! به مرور زمان این جو سیاسی و احساسی کم رنگ‌تر می‌شود و با آغاز این کمرنگی، وبلاگ‌های پیاده نظام‌های ارتش سایبری یکی پس از دیگری خاموش خواهند شد.

- بزرگنمایی در قدرت اینترنت: اینترنت پدیده‌ای است که تغییرات بسیاری در جوامع بشری ایجاد کرده است، اما این پدیده در ایران با بزرگنمایی زیادی همراه بوده است؛ به طوری که از یک سو حامیان دولت و مسئولین از آن به عنوان ابزار اصلی جنگ نرم یاد می‌کنند که سعی در براندازی دارد و از سوی دیگر حامیان جنبش سبز اینترنت را ابزاری برای تغییرات بنیادی در جامعه ایران می‌دانند. تغییراتی که ممکن است تا میزان کمی از طریق اینترنت امکان‌پذیر باشد، اما هیچگاه به بطن جامعه رسوخ نمی‌کند.

در نهایت باید گفت که پیاده نظام‌های ارتش سایبری تنها به یک بخش از جامعه و یا فضای سیاسی وابسته نیستند و می‌توان آنها را در تمامی طیف‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... پیدا کرد. ولی نباید از یاد برد که پیاده نظام‌های ارتش سایبری مانند پیاده نظام‌های ارتش‌های حقیقی هستند که خیلی زود از صحنه نبرد حذف می‌شوند.

پلاکفا

سرویس وبلاگ‌نویسی پلاکفا یکی از سرویس‌های وبلاگ‌نویسی نوظهور است که عده‌ای از وبلاگ‌نویسان نزدیک به حکومت، موسوم به ارزشی اول تیر ماه ۱۳۸۹ راه اندازی کردند تا از این طریق به فیلتر شدن برخی از وبلاگ‌های این جریان توسط سرویس وبلاگ‌نویسی بلاگفا، اعتراض کنند.

بررسی آماری این سرویس وبلاگ‌نویسی بر روی تمامی وبلاگ‌های ایجاد شده در آن تا تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۹ انجام شده است به گونه‌ای که تا این تاریخ ۱۸۶ وبلاگ در این سرویس ثبت شده است.

براساس این آمار، بیشترین تعداد وبلاگ‌های ایجاد شده در آن در همان ماه ابتدایی فعالیت یعنی تیر ۱۳۸۹ با تعداد ۵۰ وبلاگ و کمترین آن در مرداد ماه ۱۳۸۹ با تعداد ۲۸ وبلاگ بوده است. علاوه بر آن تاریخ ایجاد یک وبلاگ نیز نامشخص است (نمودار ۱).

نمودار ۱

از نظر محتوا نیز همانگونه که در بخش اول این مطلب عنوان شده بود، حدود ۶۱ درصد وبلاگ‌های فعال در پلاکفا مشغول بازنشر محتوای دیگر منابع مانند خبرگزاری‌ها، وب‌سایت‌های خبری، وبلاگ‌ها و... بوده‌اند و تنها حدود ۱۷ درصد از کل وبلاگ‌های ثبت شده در این سرویس وبلاگ‌نویسی به تولید محتوا می‌پردازند. علاوه بر آن حدود ۲۲ درصد از وبلاگ‌ها به مسائل مذهبی می‌پرداختند که خود نوعی کپی کردن مطالب از دیگر منابع است و یا آنکه این وبلاگ‌ها تنها شامل یک پست بودند (نمودار ۲ و ۳).

بر همین اساس می‌توان گفت که حدود ۸۳ درصد از وبلاگ‌های سرویس وبلاگ‌نویسی پلاکفا به تولید محتوا نمی‌پردازند و تنها آینه‌ای از دیگر وب‌سایت‌ها و یا وبلاگ‌های معروف هستند.

این نکته را نیز باید یادآوری کرد که حدود ۶. ۵ درصد از کل وبلاگ‌های ثبت شده در پلاکفا به مقولهٔ جنگ نرم می‌پردازند.

نمودار ۲

نمودار ۳

پرشین بلاگ (persianblog.ir)

بررسی آماری سرویس وبلاگ‌نویسی پرشین بلاگ تا تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۸۹ صورت گرفته است و به دلیل کمبود امکانات و منابع مانند نبود فهرست موضوعی در این سرویس، تگ‌ها با موضوع «انتخابات» به عنوان معیار انتخاب وبلاگ‌ها در نظر گرفته شده است که بر این اساس ۳۷ وبلاگ از مجموعه وبلاگ‌های پرشین بلاگ که بعد از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ راه اندازی شده‌اند دارای این تگ بوده‌اند و در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

براساس بررسی آماری صورت گرفته، بیشترین تعداد وبلاگ‌های ایجاد شده در پرشین بلاگ در خرداد ۱۳۸۸ با تعداد ۷ وبلاگ بوده است هر چند که تعداد ۱۹ وبلاگ از ۳۷ وبلاگ ایجاد شده با تگ انتخابات مسدود بوده‌اند و به همین دلیل امکان بررسی آن‌ها از نظر محتوا و همچنین تاریخ ایجاد وجود نداشت (نمودار ۴).

نمودار ۴

از نظر محتوا حدود ۷۸ درصد از وبلاگ‌های مورد بررسی به بازنشر مطالب دیگر وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها و... می‌پردازند و تنها حدود ۱۱ درصد مشغول به تولید محتوا بوده‌اند. علاوه بر آن حدود ۱۱ درصد نیز شامل وبلاگ‌های غیرفعال هستند (نمودار ۵).

نمودار ۵

از نظر دیدگاه سیاسی نیز باید گفت که حدود ۵۶ درصد از وبلاگ‌های مورد بررسی طرفدار حکومت ایران بوده‌اند و تنها ۴۴ درصد از این دست وبلاگ‌ها مخالف حکومت ایران هستند. البته نباید فراموش کرد که حدود ۵۱ درصد از کل وبلاگ‌های مورد بررسی مسدود شده‌اند و بر همین اساس می‌توان این میزان اختلاف را توجیه‌پذیر دانست.

نمودار ۶

بلاگفا (blogfa.com)

برای بررسی آمار سرویس وبلاگ‌نویسی بلاگفا با توجه به اینکه فهرست موضوعی وجود داشت، موضوع «جامعه و سیاست» معیار انتخاب وبلاگ‌ها قرار گرفت و وبلاگ‌های مورد بررسی به شیوه تصادفی انتخاب شدند.

براساس این بررسی، ۱۷۵ وبلاگ مورد بررسی قرار گرفته‌اند که بیشترین تعداد وبلاگ‌های ایجاد شده در این سرویس مربوط به دی ماه ۱۳۸۸ با تعداد ۱۷ مورد است که می‌توان آن را حاصل جو سیاسی حاکم بر حامیان دولت بعد از تظاهرات ۹ دی ۸۸ دانست. با نگاهی به وبلاگ‌های ایجاد شده براساس ماه (نمودار ۷) می‌توان دید که در تابستان ۸۹ بیشترین وبلاگ با موضوع جامعه و سیاست در بلاگفا ایجاد شده است. هر چند که تاریخ ایجاد حدود ۷. ۵ درصد از کل وبلاگ‌ها نامشخص است.

نمودار ۷

از نظر محتوا نیز حدود ۷۲ درصد از وبلاگ‌ها تنها به بازنشر مطالب دیگر وب‌سایت‌ها و وبلاگ‌ها می‌پردازند و تنها حدود ۱۸ درصد از این وبلاگ‌ها مشغول تولید محتوا هستند. علاوه بر آن حدود ۱۰ درصد از کل وبلاگ‌های مورد بررسی یا مسدود بوده‌اند و یا به مسائلی غیر از موضوع «جامعه و سیاست» می‌پرداخته‌اند (نمودار ۸).

نمودار ۸

از نظر دیدگاه سیاسی حدود ۷۱ درصد از وبلاگ‌های مورد بررسی حامی حکومت ایران و ۱۷ درصد مخالف حکومت ایران بوده‌اند. علاوه بر آن حدود ۱۲ درصد نیز وبلاگ‌هایی بودند که نه حامی و نه مخالف حکومت ایران بودند و یا دستکم در وبلاگ خود آن را ابراز نکرده‌اند (نمودار ۹).

این نکته را نیز باید گفت که حدود ۵ درصد از کل وبلاگ‌های مورد بررسی در بلاگفا به مقولهٔ جنگ نرم پرداخته‌اند.

نمودار ۹

براساس این بررسی آماری می‌توان نتایج زیر را گرفت:

۱- هر چند که بررسی صورت گرفته بر روی وبلاگ‌های سه سرویس وبلاگ‌نویسی پلاکفا، پرشین بلاگ و بلاگفا دامنهٔ وسیعی از وبلاگ‌های این سرویس‌ها را در بر نگرفته است (به جز پلاکفا) اما می‌توان با همین میزان آمار نیز به این نتیجه رسید که اکثر وبلاگ‌های فعال در زمینهٔ سیاست تولید محتوا نمی‌کنند و تنها به کپی کردن خبرهای دیگر وب‌سایت‌های خبری و یا وبلاگ‌ها می‌پردازند. به عنوان مثال وبلاگ‌های حامی حکومت ایران به کپی کردن اخبار از خبرگزاری فارس، جهان‌نیوز و... می‌پردازند و وبلاگ‌های مخالف حکومت ایران به کپی کردن اخبار از وب‌سایت‌هایی مانند کلمه، جرس و... می‌پردازند. این کپی کردن‌ها به گونه‌ای است که بیش از نیمی از کل وبلاگ‌های مورد بررسی در این دسته از وبلاگ‌ها قرار می‌گیرند.

۲- میزان کم مخالفین حکومت ایران در این سه سرویس و همچنین آمار بالای وبلاگ‌های مسدود شده این نکته را نشان می‌دهد که مخالفین حکومت ایران به سرویس‌های وبلاگ‌نویسی ایرانی به دلایل مختلفی مانند امنیت اطمینان ندارد و اگر هم اقدام به ایجاد وبلاگی بکنند، توسط سرویس‌های وبلاگ‌نویسی مسدود می‌شوند. به همین دلیل می‌توان نامهٔ مدیران سه سرویس وبلاگ‌نویسی ایران را در این مورد به یاد آورد که در آن از سیاست فیلترینگ در قبال وبلاگ‌های این سرویس‌ها گله کرده بودند و آن را اقدام موثر در جهت افزایش ریزش میزان کاربران و مهاجرت آن‌ها به سرویس‌های خارجی اعلام کردند.

۳- با توجه به میزان وبلاگ‌های غیرفعال (دستهٔ «سایر موارد» در بخش دسته‌بندی وبلاگ‌ها از نظر محتوا) که میزان آن‌ها همواره برابر و یا بیشتر از تعداد وبلاگ‌هایی که مشغول به تولید محتوا هستند، بوده است باید گفت که احتمال کاهش درصد وبلاگ‌هایی که به بازنشر محتوای دیگر منابع می‌پردازند و افزایش وبلاگ‌های غیر فعال وجود دارد.

در نهایت باید گفت که همانگونه که قبلا گفته شده، پیاده نظام‌های ارتش سایبری درست است که این روزها تعداد بسیار زیادی از وبلاگ‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، اما این مطالعه نشان می‌دهد که در فعالیت خود تداوم ندارند و احتمال زیادی وجود دارد که با گذشت زمان این وبلاگ‌ها خاموش شوند.

—

انتقاد مرتضی طلایی از نگاه تشریفاتی و ابزاری به سازمان‌های جامعه مدنی

2011-01-21 · Archive ID 259
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=259

عرصه سوم: مرتضی طلایی، رییس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی شورای اسلامی شهر تهران با انتقاد از «نگاه تشریفاتی و ابزاری» به سازمان‌های مردم نهاد می‌گوید که از این نهادهای مدنی «تن‌ها در برخی مناسبت‌ها و به شکل موضوعی» استفاده می‌شود.

به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، مرتضی طلایی گفت: «سازمان‌های مردم نهاد، سازمان‌های چند منظوره‌ای هستند که می‌توانند در حوزه‌های مختلف نقش آفرینی کنند، اما انجام این کار مشروط بر آن است تا جایگاه و اهمیت و نقش این تشکل‌ها به درستی برای کارگزاران و مدیران اجرایی جامعه مورد توجه قرار گیرد.»

این عضو شورای شهر تهران «عدم توجه مناسب و کافی» تشکل‌های مدنی را یکی از چالش‌های موجود دانست و افزود: «زمانی ما می‌توانیم از تشکل‌ها انتظار داشته باشیم که به فعالیت‌های مردم نهاد توجه کافی داشته باشیم.»

به گفته وی: «آموزش شهروندان از جمله کارهای مهمی است که این تشکل‌ها می‌توانند به خوبی انجام دهند، چرا که آن‌ها در متن مردم قرار دارند و می‌توانند با توجه به نیروهای داوطلب و با انگیزه‌ای که با تخصص خود در اختیار دارند در قالب برنامه‌های آموزشی به مخاطبان خود در سطح محلات، منطقه و یا شهر آموزش دهند حتی به طور چهره به چهره این کار را انجام دهند.»

رییس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی شورای شهر تهران اطلاع رسانی را از دیگر کارکردهای تشکل‌های مردم نهاد دانست و ادامه داد: «اهمیت اطلاع رسانی از آموزش کمتر نیست و به همان میزان که به مردم آگاهی داده می‌شود می‌توان از آنان انتظار بازخورد و نتیجه نیز داشت و تشکل‌های مردم نهاد سازمان یافته می‌توانند به عنوان شبکه‌ای اجتماعی برای اطلاع رسانی فعالیت کنند.»

وی با اشاره به نقش تشکل‌های مردم نهاد در «جلب توجه مسئولان»، افزود: «تشکل‌های مردمی کارکردی دو سویه دارند که بخشی از آن این است که می‌توانند به نمایندگی از مردم، حرف مردم را بزنند و با فعالیت‌ها و روش‌های مختلف دغدغه‌ها و خواسته‌های مردم را به گوش مسئولان برسانند.»

مرتضی طلایی ریاست «ستاد ساماندهی فعالیت سازمان‌های مردم نهاد شهر تهران» را نیز بر عهده دارد. این ستاد چندی پیش با هدف «ساماندهی مجموعه فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان‌های مردم نهاد که در حوزه مدیریت شهری فعالیت دارند» تشکیل شده است.

به گزارش وب سایت شورای شهر تهران، مرتضی طلایی، ۲۳ آذر ماه جاری در دومین نشست این ستاد گفت که اگر مدیریت شهری بتواند از این ظرفیت‌های بالقوه بهره بگیرد بسیاری از معضلات و کاستی‌ها رفع خواهد شد.

—

صدور شماره شناسایی ملی برای سازمان‌های جامعه مدنی

2011-01-21 · Archive ID 262
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=262

عرصه سوم: وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران درپی طرح آمارگیری از سازمان‌های جامعه مدنی سراسر ایران در صدد اختصاص « شماره شناسایی ملی» به سازمانهای جامعه مدنی است.

بر اساس اطلاعیه‌ای که در وب سایت رسمی وزارت کشور منتشر شده، این طرح آمارگیری از سازمان های غیردولتی که از تیر ماه جاری آغاز شده بود؛ تا پایان دی ماه سال ۱۳۸۹ ادامه داشته است.

در این اطلاعیه آمده بود که ماموران طرح آمار با مراجعه به تمامی سازمان‌های غیردولتی دارای پروانه فعالیت از وزارت کشور، نیروی انتظامی (ناجا)، سازمان بهزیستی کشور، سازمان ملی جوانان و وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، پرسشنامههایی را جهت ثبت مشخصات آنها پر می‌کنند.

این اطلاعیه تاکید کرده است که «هرگونه حمایت بعدی منوط به داشتن شناسه ملی است.»

از سوی دیگر اداره کل امور سازمان‌های مردم نهاد وزارت کشور از اختصاص یارانه به سازمان های غیردولتی خبر داده است.

به نوشته وب سایت وزارت کشور، تمامی سازمان‌های غیردولتی و خیریه دارای ثبت شرکتی می توانند با با مراجعه به دفاتر اجتماعی استانداری‌ها و فرمانداریها برگ درخواست یارانه را تکمیل کنند.

بنا به این اطلاعیه، این یارانه در راستای «تمرکز یافتن برنامه کمک به مؤسسات غیر دولتی در قانون بودجه سال ۸۹» به سازمان های غیردولتی اختصاص یافته است.

برخی فعالان مدنی ایران می‌گویند که سازمان های جامعه مدنی مستقل از اینگونه حمایت‌های مالی محروم هستند.

مهدی شریفی، سرپرست اداره کل سازمان‌های مردم نهاد وزارت کشور نیز چندی پیش در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس گفته بود که «حمایت ریالی دولت» از سازمان‌های مردم نهاد منوط به «ارائه طرح و برنامه همسو با سیاست دولت و حفظ نظام» است.

—

جامعه مدنی، قدرت‌یابی شهروندان

2011-01-21 · Archive ID 256
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=256

عرصه سوم، سهراب رزاقی: شأن شهروندی و حقوق و تکالیف مربوط به آن از مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود، در زندگی دموکراتیک، تمامی شهروندان صرف نظر از دین، نژاد، قومیت، جنس و... از حیث حقوق و تکالیف با هم برابرند و مفهوم شهروند در دنیای مدرن همراه با مرکز ثقل قرار گرفتن انسان، اهمیت یافتن فردیت و حقوق فردی پدید آمده است.



با وجود اینکه در دموکراسی‌های یونان باستان و روم نیز شهروندی به معنای محدود، یعنی برخورداری از حقوق و تکالیف یکسان در برابر قانون و مشارکت در زندگی اجتماعی- سیاسی جامعه، وجود داشته‌است، شهروندی در آتن فقط به مردان آزاد محدود می‌شد و بردگان، زنان و دیگران از شمار شهروندان بیرون بودند.

در امپراطوری روم شأن شهروندی به عامه مردم و مردمان سرزمین‌های مغلوب نیز بسط داده شد، هرچند در این امپراطوری، شهروند بیشتر به معنی منفی «برخورداری از امنیت قانونی» به کار می‌رفت تا به معنای مثبت

«شرکت فعال در حیات عمومی جامعه». اما مفهوم واقعی شهروندی در دنیای مدرن احیا شد ودر امواج مدرنیته بسط یافت.

در انقلاب فرانسه، مفهوم شهروندی به نهایت شکوفایی خود رسید. انقلاب فرانسه ۳ اصل شهروندی یعنی «آزادی، برابری و برادری» را پایه ریزی کرد که در «اعلامیه حقوق بشر و شهروند» ظهور و بروز یافت. این سه اصل بعدها مبدل به جوهر شهروندی در دنیای مدرن شد. به نظر متفکران دوران مدرن، انسانیت فرد تنها به عنوان شهروند در جامعه‌ای آزاد و مستقل تحقق می‌یابد.

متفکران قرن نوزده بر مفهوم شهروندی فقط از منظر حقوق مدنی – سیاسی تأکید می‌کردند. این حقوق عبارت بودند از: حفظ آزادی‌های فردی شامل آزادی بیان، اندیشه و عقیده، آزادی شخصی، حق مالکیت شخصی، برابری در نزد قانون، حق آزادی اجتماع وتشکیل انجمن‌های مسالمت‌آمیز، حقوق سیاسی در بردارنده حق شرکت در انتخابات، رای دادن ونامزد شدن براساس سیستم اخذ رای همگانی ویکسان، حق مشارکت در حکومت واداره امور عمومی و....

در قرن بیستم ظهور مفهوم «حقوق اجتماعی، اقتصادی» مفهوم شهروندی را بسط وگسترش بیشتری داد. منظور از حقوق اجتماعی، برخورداری از خدمات اجتماعی، بهداشتی، آموزشی، تأمین اجتماعی، حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی وعضویت در آن‌ها و...است. بدین سان مفهوم شهروندی در دنیای امروز دیگر خصلت صرفاً حقوقی و سیاسی ندارد بلکه شأن اجتماعی و اقتصادی نیز یافته است.

جامعه مدنی مهمترین کانون آموزش وقدرت یابی شهروندان

فرهنگ شهروندی بنا به محتوای خود، هم شامل کسب آگاهی درباره زندگی سیاسی، نهادهای قانونی موجود و محیط اجتماعی افراد می‌شود و هم در برگیرنده آموزش عملی رفتار و اعمال مربوط به شهروند مسؤول، متعهد و علاقمند به ارزش‌های انسانی وآزادی، این فرهنگ سرانجام معرف تمام بنیان‌های اساسی است که از آن سرچشمه می‌گیرد. خانواده، مدرسه وجامعه مدنی به طور منطقی مهم‌ترین مکان‌های کسب فرهنگ شهروندی محسوب می‌شود. اما مسلم است که پرورش شهروند طی دوره بسیار طولانی تری صورت می‌گیرد. این دوره عملاً از کودکی شروع و تا سنین بلوغ و پس از آن تا دوران مرگ ادامه می‌یابد و در نهایت حاصل مجموعه تجربیات هر انسان در طول زندگی اوست. در نتیجه محیط خانوادگی به عنوان چارچوب این تجربیات به همان اندازه مدرسه اهمیت دارد، همچنان که همسایگان و همسالان یا انجمن‌های داوطلبانه که فرد در آنها می‌تواند مشارکت کند و مشارکت در زندگی مدنی را نیز بیاموزد، دارای اهمیت است.

جامعه مدنی به عنوان یکی از کانون‌های آموزش وقدرت یابی شهروندان، از عرصه‌هایی است که افراد از طریق آن و به واسطه تعاملات مدنی به موقعیت شهروندی نائل می‌شوند.

تبدیل توده‌های بی‌شکل و فاقد حقوق و مسؤولیت‌های اجتماعی، به شهروند دارای حق مشارکت در زندگی اجتماعی – سیاسی یکی از کارویژه‌های اصلی جامعه مدنی است.

رشد، پویایی و شادابی جامعه مدنی تأثیر مهمی در شکوفایی نقش انسان در زندگی اجتماعی- سیاسی داشته است. زیرا پویایی و شادابی جامعه مدنی به رشد شخصیت انسانی، بلوغ اجتماعی و استقلال او در برابر دیگر بازیگران و کانون‌های قدرت منجر می‌شود. جامعه مدنی سپر و حفاظ شهروندان در برابر دولت و تنظیم‌کننده روابط و مناسبات میان دولت و شهروندان بر اساس مشارکت عمومی در گردش امور همگانی جامعه است.

مهم ترین کار ویژه جامعه مدنی پرورش و تربیت افراد جامعه با روحیه دموکراتیک وشهروندی است. انسان شهروند یک سرمایه بزرگ اجتماعی است و فقط از طریق مشارکت در فعالیت‌های مدنی است که شهروندان متوجه ارتباط بین منافع شخصی خود و مصالح اجتماعی می‌شوند و از این طریق می‌توانند به انباشت وافزایش سرمایه اجتماعی کمک کنند.

مشارکت شهروندان در فعالیت‌های مدنی منجر به شکل گیری شهروندان مسئول ومتعهد می‌شود. فعالیت‌های مدنی شهروندی به دو روش اصلی صورت می‌پذیرد: نخست با حسابگری جمعی و دوم بامشارکت در زندگی اجتماعی.

حسابگری جمعی مستلزم همکاری مردم با یکدیگر برای حرکت در جهت یک مصلحت جمعی به جای پیگیری صرف منافع شخصی مجزا است، بدین ترتیب افراد تبدیل به شهروندان می‌شوند.

مشارکت در زندگی جمعی با حضور در فعالیت‌های مدنی نه چندان حساب شده صورت می‌پذیرد، فعالیت‌هایی همچون پیک نیک‌ها و راهپیمایی‌ها و اقدام‌های دسته جمعی که موجب تشدید اشتیاق در پیگیری مصلحت جمعی به واسطهٔ القای روح عشق به جامعه و مشترکات‌شان می‌شود.عملکردهای غیرحساب شدهٔ مدنی در واقع در راستای ایجاد شرایط مناسب برای ظهور حسابگری جمعی قرار می‌گیرد.

گسترش شهروندی در یک جامعه مستلزم آن است که شهروندان به راستی قدرت‌یابی خود را تجربه کنند یعنی تا حدودی آن را به سوی عملی شدن هدایت کنند. از این لحاظ، مهم‌ترین شاخص قدرت‌یابی شهروندان این است که تردیدی برای درخواست شفافیت و پاسخگویی مسئولان امور وصاحبان قدرت در مورد اعمال و رفتارشان، نداشته باشند و بتوانند آنها را در مواقع لزوم، مورد سؤال و مؤاخذه قرار دهند.

آگاهی،رفتار مدنی و نظام ارزشی اخلاقی، سه عنصر اصلی شهروندی

شهروندی از سه عنصر مکمل و جدایی‌ناپذیر تشکیل می‌شود. شهروندی در درجه نخست مبتنی بر آگاهی به مجموع حقوق و تکالیفی است که از سوی حکومت واگذار شده، حقوقی که اگر مطالبه و یا اجرا نشود، هیچ سود و معنایی برای شهروندان نخواهد داشت و فقط کلماتی تو خالی خواهند ماند. ثانیاً مبتنی است بر مجموعه رفتارهای مدنی که از کوشش ساده جهت کسب اطلاعات مسائل روزانه تا شرکت در مبارزات انتخاباتی و... را شامل می‌شود. بدون این رفتارهای مدنی، تلاش‌ها و پیکارهای اجتماعی هیچ نتیجه مثبتی را به دنبال نخواهد داشت.

ثالثاً و بویژه شهروندی مبتنی است بر وجود یک نظام ارزشی و اعتقاد اخلاقی که به آن معنا وارزش می‌بخشد. چون روحیه شهروند مسؤول ومتعهد را نمی‌توان تا حد محاسبه ساده سوددهی تنزل داد. حاکمیت با مردم است وآنان باید در قدرت یابی شهروندی عظمت این اصل را درک کرده و آن را ارج نهند.

در واقع وجود جامعه توسعه یافته ودمکرات به شکل دهی و پرورش توده مردان و زنان منتقدی بستگی دارد که مصمم اند مجموع حاکمیت خود را تحمیل و قدرت خود را اعمال کنند.

یکی از ویژگی‌های شهروند مسؤول و متعهد، تحصیل قواعد سلوک مدنی حقیقی است چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزش‌های اخلاقی. شهروند نه تنها باید به حقوق بلکه باید به وظایف خود نیز آگاه باشد. از جمله وظایف او، پیکار برای محترم شمرده شدن حقوق خود و نیز وظایف مربوط به ضرورت رفتار فعال و مسؤولانه در امور اجتماعی- سیاسی است. مشارکت یا عدم مشارکت بنا به دلائل روشن، اطاعت از قواعد قابل قبول، عدم احساس جدایی از دیگران در هنگام جستجوی نیک بختی یا نفع مشترک اجتماعی، توقع نداشتن امور نا ممکن از دولت‌ها، دولت را گاو شیردهی در راه سود شخصی نپنداشتن، از جمله الزامات سلوک مدنی شهروند فعال و مسؤول هستند.

قدرت‌یابی شهروندان بزرگ‌ترین پروژه هزاره سوم

بزرگ‌ترین پروژه درآغاز هزاره سوم، پروژه جامعه مدنی سازی(Civil Society Building)است که هدف اصلی‌اش، قدرت‌یابی شهروندان است. یعنی بازتعریف و بازتوزیع قدرت و تقسیم مجدد وظایف ومسؤولیت‌ها در تقسیم کار جدید اجتماعی.

در این مرحله قدرت یابی، مردم از قدرتی برخوردار می‌شوند که به واسطه آن می‌توانند شفافیت و پاسخگویی سیاست‌ها و برنامه‌ها را تضمین کنند.

شهروندان طراحی واجرای کامل برنامه‌ها و سیاست‌ها را بدون اتکا به یک سازمان میانی که واسطه آن‌ها و منابع سرمایه گذاری باشد، در دست می‌گیرند. در این پروژه مشارکت واقعی از نگاه شهروندان به معنای قادر بودن و محق بودن و تأثیر گذاری بر دستور کار سیاسی - اجتماعی است. توانایی حضور در روندهای مشورتی آزادانه و در نظر گرفتن زمان و منابع کافی برای اثر بخشی این مفهوم اهمیت می‌یابد.

در این فرایند مردم می‌خواهند به معنای واقعی کلمه شهروند باشند، نه یک رأی‌دهنده و مصرف‌کنندهٔ صرف.آن‌ها به عنوان شهروند از حقوق و تکالیفی برخوردارند.آنها خواهان به رسمیت شناخته‌شدن حقوق و نیز به انجام رسانیدن تکالیف خود هستند. شهروندان جامعه در عصر کنونی از تقاضاها و مطالبات بیشتری در راستای شکل‌دهی به زندگی اجتماعی وسیاسی‌شان سخن می‌رانند. آنها خواهان بدست آوردن یک نقش پویا و مؤثر در اتخاذ و اجرای تصمیمات هستند و به حضور در مباحثات و تصمیم گیری‌ها علاقه وافری نشان می‌دهند، آن‌ها می‌خواهند بدانند که چرا برخی سیاست‌ها و برنامه‌ها به مرحله اجرا نرسیده است، آن‌ها شفافیت و دسترسی آزاد اطلاعات و اطلاع رسانی کامل دولت را مطالبه می‌کنند. بدین ترتیب و به طور خلاصه آن‌ها خواهان شیوه اداره مشارکتی، شفافیت و پاسخگویی توسط صاحبان قدرت هستند. به عبارت دیگر آن‌ها به دنبال کنترل و پاسخگویی مدنی هستند.

در دنیای کنونی شهروندان انتظارات کاملاً مشخصی از دولت‌ها دارند: عملی‌سازی شعارها، اجرای عادلانه سیاست‌ها، توجه به امنیت اجتماعی، اقتصادی و...، تضمین سلامت عمومی جامعه و نظر خواهی منظم و مستمر از مردم.

شهروندان از دولت‌ها انتظار دارند آنان را در کانون تصمیم‌گیری‌های خود قرار دهند و برای مشورت با شهروندان و اجتماع اقدام کنند. به تهیه زیر بناها و نیازهای اساسی مبادرت ورزند و شفاف‌تر، دموکراتیک‌تر، پاسخگوتر و آسان گیرتر باشند.آنها همچنین انتظار دارند که دولت، رفاه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فکری شهروندان را تضمین کند.

همچنین شهروندان از بخش خصوصی انتظار دارند در مشارکت اجتماعی به نحوی عمل کنند که نفع مردم از آن فعالیت‌ها افزایش یابد. شهروندان انتظار دارند بخشی خصوصی دریابد که هدف این عرصه باید کارآفرینی، سرمایه گذاری در اقتصاد و عرضه خدمات و محصولات با کیفیت و قیمت مناسب باشد.آنها تأکید دارند بخش خصوصی باید سودطلبی خود را به نحوی غیر خودخواهانه و با حداکثر پاسخگویی اجتماعی انجام دهد. این انتظارات کاملاً در راستای افزایش مطالبات مربوط به شفافیت و پاسخگویی شرکت و بنگاه‌های اقتصادی قرار دارد و آن‌ها باید به مسؤولیت خود در سرمایه گذاری اجتماعی اقدام کنند.

در عین حال شهروندان نقش بنیادی را برای سازمان‌های جامعه مدنی در خلق ابتکارات، نوآوری‌ها و خلاقیت برای زندگی مدنی قائل هستند. همچنین حساس کردن و بسیج شهروندان برای دستیابی به حقوق و انجام مسؤولیت هایشان، بهره گیری از امکانات مدنی برای تأثیر نهادن بر سیاست¬گذاری‌ها، تشویق اقدام‌های داوطلبانه برای انباشت سرمایه اجتماعی، کمک به ایجاد مبنای قدرتمند برای چانه زنی و ترویج در رسیدن به اهداف، حفاظت از شهروندان در برابر سلطه گری‌ها، ایجاد فرهنگ شفافیت و پاسخگویی از دیگر نقش‌های سازمان‌های جامعه مدنی است. شهروندان از سازمان‌های جامعه مدنی انتظار دارند که طلایه داران شاخص‌های شیوه اداره مطلوب: شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، اجماع، مسؤولیت‌پذیری، پیش‌بینی پذیری و...باشند.

—

مدیرعامل بنیاد کودک ایران: نه به دولت ایران وابسته‌ایم؛ نه به دولت آمریکا

2011-01-21 · Archive ID 267
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=267

ایلنا : بنیاد کودک یا همان موسسه خیریه رفاه کودک که در ۱۶ سال فعالیت در ایران و خارج از کشور ۴ هزار مددجو و دانش‌آموز را حمایت کرده و با داشتن ۱۵ شعبه فعال در کشور، ۵ شعبه مستقل نیز در سایر کشورها داشته که به‌تازگی با اتهاماتی روبه‌رو بوده و در مقابل اطلاع‌رسانی و شانتاژهای خبری گسترده سایت‌ها و رسانه‌های خارج و داخل از کشور قرار گرفته‌است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، به تازگی دادستانی ایالت اورگان در آمریکا دادخواستی را علیه سه ایرانی ارائه و آنها را به پولشویی، انتقال پول به ایران و توطئه برای فریب دولت آمریکا متهم کرده‌است این اتهامات قبل از آنکه به

اطلاع مسئولان این موسسه غیر دولتی رسیده باشد در برخی از رسانه‌ها منعکس و بدون انجام هرگونه پرسش وتحقیق از مدیرعامل بنیاد کودک در ایران، با زدن اتهاماتی به وی، او را «فراری» قلمداد کردند.

برای بررسی آنچه که در صدها سایت خبری آمده به سراغ احمد ایرانشاهی، مدیر عامل «بنیاد کودک ایران» رفتیم و علی‌رغم آنکه برخی از رسانه‌ها خبر از فرار این فعال حقوق کودک را داده بودند اما تقاضای ملاقات و مصاحبهٔ خبرنگار و عکاس خبرگزاری ایلنا خیلی سریع و بدون حاشیه فراهم شد.

آقای ایرانشاهی، پیشینیه‌ای از کار در بنیاد کودک و نحوه فعالیتتان ارائه دهید.

موسسه خیریه رفاه کودک ۱۶ سال قبل، کار خود را در ایران برای کمک به دانش‌آموزان مستعد ونیازمندی که به دلیل فقر از چرخه تحصیل و آموزش در حال خارج شدن بودند آغاز کرد. این موسسه در حال حاضر حدود ۴ هزار خانواده را تحت پوشش قرار داده و بیش از ۴۲۰ مددجوی این موسسه نیز تاکنون از دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیل شدند و بیش از ۶۵۰ نفر از مددجویان تحت پوشش نیز که در صورت عدم حمایت هر لحظه امکان ترک تحصیل آنها وجود داشته در حال حاضر در دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل هستند.

علاوه بر این آمار، تعدادی از مددجویان بیمار نیز در اقصی نقاط کشور تحت پوشش بنیاد کودک قرار دارند که عمده آنها دانش‌آموزان مبتلا به سرطان هستند و در این میان کودکان نابینا و ناشنوا نیز تحت حمایت این موسسه قرار گرفته‌اند.

بنیاد کودک ایران وابسته به چه سازمانی بوده و از چه سازمانی مجوز فعالیت دارد؟

بنیاد کودک یک موسسه خیریه خصوصی و مردم نهاد است و به هیچ دولت یا ارگانی در داخل یا خارج از کشور وابستگی ندارد امابا توجه به شفافیت و عملکرد مطلوب موفق به اخذ مقام مشورتی ویژه از اکوسوک سازمان ملل متحد، گواهی استاندارد جهانی موسسات غیر دولتی از SGS سوئیس دریافت شده‌است و به عنوان اولین موسسه دریافت کننده مجوز فعالیت ملی از وزارت کشور شناخته شده‌است ضمنا از سوی وزارت امور اقتصادی و دارایی نظارت می‌شود.

از یک سو می‌گوئید وابسته به ارگان خاصی نیستید، اما آیا با داشتن مجوز از وزارت کشور و نظارت از طرف وزارت دارایی، ملزم به رعایت ضوابط خاصی هستید؟

بنیاد کودک بعنوان یک موسسه خیریه در ایران، آمریکا، امارات متحده عربی، سوئیس، دبی، آلمان و دانمارک ثبت شده‌است و در هر کشور طبق قوانین و ضوابط آنها عمل می‌کند اما به هیچ یک از این دولت‌ها وابستگی ندارد. بنیاد کودک در ایران و شعباتش در خارج از کشور با داشتن هیات امنا به طور مستقل عمل کرده وهیات امنا نظارت دقیق برعملیات موسسه دارند، ضمن آنکه تصمیمات و اقدامات خود را براساس قوانین کشور محل فعالیت اتخاذ می‌کند.

نحوه اعمال نظارت را تشریح می‌کنید؟

علی‌رغم اینکه از ابتدای تاسیس بنیاد، الزامی به حسابرسی نداشتیم اما هر ساله به طور داوطلبانه مورد رسیدگی موسسات حسابرسی مستقل قرار گرفته‌ایم، این حسابرسی توسط حسابرسان رسمی و قسم خورده در ایران انجام می‌شود که مورد تایید وزارت کشور و وزارت اموراقتصاد و دارایی هستند؛ آخرین نتایج گزارش حسابرسی انجام شده نیز به ۲ زبان فارسی و انگلیسی روی وب‌سایت موسسه به آدرس www.childf.org به اطلاع افکار عمومی می‌رسد. حتی طی ۲ سال نیز صورت‌های مالی‌مان توسط موسسه Ernst&young که یک موسسه حسابرسی بین‌المللی است و در ایران نمایندگی داشته رسیدگی شده‌است.

جذب کفیل و اسپانسر ازبین هموطنان مقیم کشورهای آمریکایی و اروپایی وجه تمایز بنیاد کودک با سایر موسسه‌ها است؛ ایرانیان مقیم آمریکا و اروپا چه میزان برای کمک به کودکان نیازمند ایرانی هزینه می‌کنند و اینکه هدف موسسه از جذب کمک‌های انسان دوستانه از سراسر دنیا چه بوده است؟ ضمن اینکه بر چه اساس نسبت به فعالیت‌های بنیاد کودک اطمینان می‌کنند، ساز و کاری برای جلب اطمینان وجود دارد؟

طی سالهای گذشته صدها نفر از کفیلان موسسه که در ایران، آمریکا و سراسر دنیا زندگی می‌کنند برای دیدن کودکان تحت حمایت خود به ایران آمده‌اندو با آنها ملاقات کرده‌اند؛ از سوی دیگر نامه‌های بچه‌های ایرانی که برای کفیلان خود نوشته‌اند از طریق بنیاد کودک به زبان مورد نظراسپانسر ترجمه و برای آنها ارسال شده‌است و حتی شرایط نامه‌نگاری دو طرفه فراهم شده است؛در حال حاضر بیش از ۳ هزار ایرانی مقیم آمریکا به‌صورت مستمراز طریق بنیاد کودک، به کودکان نیازمند ایرانی کمک می‌کنند؛ در میان کفیلان افرادی وجود دارند که ایرانی هستند اما هیچ وقت ایران را ندیده‌اند. در واقع عمدتا هر کفیل در خارج از کشور اسپانسر یک یا چند کودک است.



و هدف اولیه موسسه از جذب کمک‌های سایر کشورها؟

از ابتدای تشکیل موسسه متوجه شدیم عمدتا ایرانیان مقیم آمریکا نیز برای انجام کارهای انسان دوستانه، به کودکان آفریقایی کمک می‌کردند که با راه‌اندازی بنیاد کودک، امکان جذب کمک‌های آنها برای کودکان ایرانی نیزفراهم شد و اتفاقا با استقبال چشم‌گیری نیز برای کمک به بنیاد مواجه شدیم که البته بنا به اظهارنظرهای کتبی اسپانسرهای ما در داخل و خارج از کشور، نسبت به عملکرد موسسه راضی بوده و به ما اعتماد دارند چرا که در هر زمان پاسخگوی آنان بوده‌ایم ونتایج حسابرسی‌های ما کاملا شفاف است.از سوی دیگر بنیاد کودک دارای گسترده‌ترین شبکه خصوصی کمک‌رسانی در ایران است و متفاوت با سایر موسسات خیریه اصولا تمرکز آن برجلوگیری از آسیبهای اجتماعی کودکان در استانها و شهرهای دوردست است.

آقای ایران‌شاهی از اتهامات وارده به خودتان و ۲ عضو دیگر موسسه که در خارج از کشور هستند صحبت کنیم؛

این اتهامات به مسایل تحریم امریکا علیه بنیاد کودک بر می‌گردد.

دقیقا همین است اتهام زده‌اند بدون اینکه به قول خودشان «متهم» را از قبل در جریان اتهاماتش قرار دهند.

اتهامات وارده چه بود؟ تشریح می‌کنید؟

در خبرگزاری آسوشیتدپرس اعلام شده که دادستان ایالت اورگان در آمریکا یک متن ۲۶ صفحه‌ای علیه من و دو تن دیگر که در آمریکا زندگی می‌کنند تهیه کرده‌است در حالیکه بنده هیچگاه این متن را که بر علیه من بود ندیده بودم و از طریق سایت‌ها متوجه شدم که به جرم توطئه برای فریب دولت امریکا و پولشویی متهم شده‌ام که البته هر دو، اتهامی بی‌پایه و اساس است و با دلیل و مدرک آنها را رد می‌کنم؛ جالب این جا است که این اتهامات را در شرایطی وارد کرده‌اند که بنیاد کودک را در سال‌های گذشته ارزیابی و کنترل کرده‌اند و لی قطعا این اتهامات بی‌ارتباط با روابط سیاسی دو کشور ایران و آمریکا نیست.

دلیل اصلی این اتهام تحت عنوان «پولشویی» چه بوده؟

در جراید این چنین مطرح شده که پول از آمریکا خارج شده و به ایران رفته و گفته شده که بنیاد کودک از بخش دیپلماتیک ایران و حزب‌الله لبنان حمایت شده‌است که این اتهامات به هیچ وجه صحت نداشته و افرادی که به بنیاد کودک کمک کرده‌اند تنها ایرانیان وطن پرست مقیم آمریکا و اروپا و ایران بوده‌اند که با اطمینان، میل و رغبت و اطلاعات کامل از شرایط کودکان هموطن خود، به موسسه کمک کرده‌اند؛ تمام فعالیت ما حول محور کمک به کودکان نیازمند در ایران بوده و داشتن مجوز ازوزارت کشور به منزله ارتباط ما با دولت نیست، چنانچه داشتن مجوز از مقامات آمریکا نیز به معنی ارتباط بنیاد کودک با دولت آمریکا نیست؛ ضمن اینکه حتی یک ریال هم از هیچ دولتی نگرفته‌ایم. چه امریکا و چه ایران..... متاسفانه این تحریم‌های یک‌سویه هرروز افزایش می‌یابد و این‌بار کودکان نیازمند هدف نیزه بی‌رحم و گزنده بازیهای سیاسی قرارگرفتند.

ابتدای مصاحبه از حسابرسی صحبت کردیم، مدارک بنیاد کودک و شخص شما برای دفاع از خودتان مربوط به همین حسابرسی‌ها می‌شود؟

با وجود آنکه رسانه‌های آمریکا اعلام کرده که کمک‌های واصله به حساب اشخاص واریز شده، تمام مدارک مربوط به کمکهای اهدایی به مددجویان به صورت کاملا منظم در دفتر مرکزی بنیاد کودک ایران وجود دارد، دقیق‌ترین و شفاف‌ترین مدرک بنیاد کودک، مدارک مربوط به گزارشات مالی است؛ که مطابق با استانداردهای بین‌المللی تهیه و همه ساله به طور داوطلبانه در اختیار حسابرسان مستقل برای حسابرسی قرار می‌گیرد و گزارش آن نیز از طریق وب‌سایت بنیاد به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر می‌شود. ضمن اینکه تمام سیستم‌های بنیاد کودک مکانیزه و آن‌لاین بوده و نحوه ارائه اطلاعات کاملا دقیق و شفاف است به همین دلیل درهر لحظه می‌توانیم با دلیل و مدرک و بصورت مستند پاسخگوی هر مقامی باشیم.

فکر نمی‌کنید زور تحریمی که خودتان از آن صحبت می‌کنید به قدرت مدارک موجودتان بچربد؟ چه قدر اطمینان دارید که اتهامات وارده را خنثی و رد کنید؟

ما تمام تلاشمان را برای رفع این اتهامات از طریق مراجع بین المللی می‌کنیم اما هزینه وکالت در آمریکا بسیار بالا بوده و گاها به۱۰۰ تا۲۰۰ هزار دلار می‌رسد.

به همین دلیل من و تمامی دوستانم در گروه بنیاد کودک تنها نگران زندگی ۴ هزار کودک ایرانی هستیم و دوست نداریم که آیندهٔ این تعداد کودک نیازمند ایرانی با اتهامات وارد آمده، دستخوش بازی‌های سیاسی شود ضمن اینکه دادگاه نیز در آمریکا تشکیل می‌شود.

پیش‌بینی‌تان چیست؟ فکر می‌کنید اتهامات وارد آمده در میزان کمک کفیلان تاثیری بگذارد؟

با توجه به آنکه کفیلان ایرانی خارج از کشور باکار بنیاد کودک آشنا هستند حمایتشان را از مددجویان قطع نکرده‌اند اما بعید نیست که اتفاقات اخیر بر روی کمک‌های دریافتی از کفیلان سخاوتمند در خارج از کشور بی‌تاثیر نباشد.

با وجود به نظارت‌های مستمر از سوی نهادهای دولتی که برروی NGO هااعمال می‌شود وهمچنین مجوز فعالیتتان که از وزارت کشور دریافت کرده‌اید، مسوولان دولتی پیگیر مشکلات بنیادکودک و پرس‌وجو در مورد اتفاقات اخیر نشدند؟

وزارت کشور وشورای‌عالی امور ایرانیان خارج ازکشور که نهادهای دولتی مرتبط با این موضوع هستند تا کنون به بنیاد مراجعه نکرده‌اند. البته بنیاد کودک طی سالیان گذشته، بدون هیچ وقفه‌ای مورد رسیدگی و نظارت قرار گرفته و این حسابرسی مطابق با قانون توسط حسابرسان رسمی و قسم خورده که مورد تاییدوزارت دارایی و وزارت کشور بوده انجام شده‌است و نتایج آن برای سازمانهای ذیربط ارسال شده‌است.

با وجود تحریمی که بنیاد کودک را دچار نگرانی و محدودیت کرده شعبه‌های بنیاد کودک در سایر کشورها، کمک‌ها را به چه صورت ارسال می‌کنند؟

تا ۵ سال گذشته، بنیاد کودک آمریکا، پول را به بنیاد کودک سوئیس اهدا می‌کرد و کمک‌های مالی از آن کشور برای ایران ارسال می‌شد امااز سال ۲۰۰۶ اعلام شد که باید کمک‌های مالی فقط به کمک‌های غذایی تبدیل شود به همین دلیل بنیاد کودک بر طبق قوانین و مقررات خزانه داری آمریکا عمل کرده و آنها می‌توانندکمک‌های جمع‌آوری شده را به صورت دارو، البسه و مواد غذایی برای مصارف خیریه ارسال کنند که آنها ارسال مواد غذایی را انتخاب کرده‌اند به همین واسطه هر چند ماه، کمک‌های جمع‌آوری شده را تبدیل به موادغذایی کرده وبرای بنیاد کودک ایران ارسال می‌کنند و ما نیز آنها را توزیع کرده و یا به مواد غذایی دیگری تبدیل می‌کنیم و همراه با درآمدهای نقدی موسسه که از سوی سایرشعبات بنیاد کودک جذب می‌شود در اختیار مددجویان قرار می‌دهیم.

به این ترتیب اتهامات مربوطه به زمانی بوده که از آمریکا پول حواله می‌شده؟

بله، اتهامات را به۶ تا ۱۰ سال گذشته نسبت داده‌اند و اعلام کردند که بنیاد کودک سالهای گذشته پول‌شویی کرده و ظاهرا پول منتقل شده به ایران برای کمک به کودکان نیازمند در ردیف فعالیتهای پول شویی تلقی شده‌است.

مطلب دیگری هست که به آن اشاره نکرده باشیم؟ پیش‌بینی‌تان از آیندهٔ بنیاد کودک چیست؟

امیدوارم هستیم که زمانی بتوانیم ۱۰۰ هزار خانواده نیازمندایرانی را تحت پوشش قرار دهیم چرا که این پتانسیل در بین هموطنان خیر مقیم داخل و خارج از کشور کاملا مشهود است و خوشبختانه ما نیز با ایجاد یک ساختار قوی و کاملا مکانیزه در بنیاد کودک امکان تحقق این امر را فراهم کرده‌ایم.

با وجود مسائل به وجود آمده آرمانی فکر نمی‌کنید؟

نه، دولت آمریکا تا به امروز هیچ خدشه‌ای به کارموسسه وارد نکرده و بنیاد کودک هم بیش از گذشته برای کودکان ایرانی از سایر کشورها از جمله آمریکا، اسپانسر و حامی جذب می‌کند؛ ضمن اینکه در صدد گسترش شعبات موسسه رفاه کودک در خارج و داخل ایران نیز هستیم و از هموطنان عزیز درخواست می‌کنیم‌ضمن مراجعه به سایت ما به آدرس www.childf.org با حمایت از یک یا چند کودک نیازمند مستعد مارا در جهت ریشه کنی ترک‌تحصیلهای ناشی از فقر یاری کنند.

صحبت دیگر و پایانی؟

وقت آن رسیده که سازمان‌ها و مراجع بین‌المللی باپیگیری مسوولانه، حداقل درحمایت از NGOهای عضو سازمان ملل متحد، دولت‌ها را موظف کنند تا در درگیری‌های سیاسی وتحریم‌های اعمال شده، حرکت‌های انسان دوستانه این موسسات را مستثنی کرده و اجازه ندهند که این گونه موسسات در چنگ نیروهای امنیتی و پلیسی کشورها مورد هجوم قرار گیرند.

—

حرکت خزنده جریان خاص سیاسی برای تصاحب کرسی‌های اتاق بازرگانی

2011-01-22 · Archive ID 272
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=272

خبرگزاری مهر : انتخابات اتاقهای بازرگانی سراسر کشور در حالی اسفندماه امسال برگزار می‌شود که برخی گزارشها از حرکت خزنده برخی جریانات خاص سیاسی برای تصاحب صندلی‌های ریاست این اتاقها حکایت دارد .

به گزارش خبرنگار مهر، بیش از ۱۲۰ هزار دارنده کارت بازرگانی چهارم اسفندماه امسال گردهم خواهند آمد تا با برگزاری هفتمین دوره انتخابات اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور، تکلیف چهار ساله آینده بخش خصوصی را روشن کنند.

این انتخابات درحالی در چهارم اسفندماه برگزار خواهد شد که از هم اکنون تب و تاب‌ها و جنب و جوش‌ها برای برگزاری انتخابات اتاقهای بازرگانی آغاز شده‌است و هر روز که به زمان این انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، جلسات تشکلها، گروه‌ها و جریانات خاصی سیاسی نیز برای تصاحب صندلی‌های ریاست اتاقهای بازرگانی سراسر کشور، بیشتر و بیشتر می‌شود.

برخی کاندیداهای احتمالی برای تصاحب کرسی ریاست اتاق بازرگانی ایران، در پی گپ و گفت با مقامات دولتی هستند و می‌خواهند نظر دولتی‌ها را به سمت خود بکشند. برخی دیگر نیز با برگزاری نشستها و همایشی‌هایی در آستانه برگزاری انتخابات، قدرت مانور مدیریتی خود را به رقبا نشان می‌دهند. گروهی هم با سابقه فعالیت سیاسی در جریان خاص به دنبال تدارک برای ورود به انتخابات اتاقها و تصاحب صندلی‌های ریاست آنها را دارند.

البته باید اشاره کرد که فعالیت اتاقهای بازرگانی در سراسر ایران که با ابلاغ سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی متحول شده و رییس پارلمان بخش خصوصی هم مجوز ورود به شوراهای عالی و ویژه کشور همچون شورای پول و اعتبار، صندوق توسعه ملی و... را دریافت کرده، حالا همه نگاه‌های گروه‌ها، تشکلها و جریانات سیاسی را به سمت خود کشانده‌است تا آنان هم درپی معرفی نماینده خود در اتاقها باشند.

در این میان، مهدی غضنفری وزیر بازرگانی اخیرا در اولین اظهارنظر رسمی خود درباره انتخابات آتی اتاقهای بازرگانی (اسفندماه)، از رای دهندگان درخواست کرده‌است تا افراد اصلح را انتخاب و یکدیگر را به مشارکت ترغیب کنند.

همچنین محمد نهاوندیان رئیس اتاق بازرگانی ایران با بیان اینکه انتخابات آتی اتاق‌های بازرگانی باید در فضایی همراه با متانت و همدلی اجرایی شود، گفته‌است: جنس کار اتاق یک فعالیت اجتماعی است و نفع شخصی در آن دنبال نمی‌شود.

این درحالی است که برخی گزارشهای رسیده نشان می‌دهد که مثلث محمد نهاوندیان رئیس فعلی اتاق بازرگانی ایران، یحیی آل اسحاق رئیس اتاق بازرگانی تهران و علی نقی خاموشی رئیس اسبق اتاق بازرگانی ایران در این انتخابات برای ریاست با یکدیگر به رقابتی نفس‌گیر خواهند پرداخت؛ اگرچه گفته می‌شود ضلع چهارم دیگری که می‌تواند کاندیدای خاصی یک جریان سیاسی باشد، به این ترکیب افزوده خواهد شد.

در همین حال، گفته می‌شود مدیرعامل یکی از غولهای خودروسازی کشور نیز برای عضویت در هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران ثبت نام کرده‌است. اگر این اتفاق بیفتد، برای نخستین بار خواهد بود که یک مقام مسئول دولتی در انتخابات پارلمان بخش خصوصی، حضور خواهد داشت.

به هرحال باید به انتظار روز برگزاری انتخابات اتاقهای بازرگانی بنشینیم و ببینیم سرانجام کدام کاندیدا بر رقیب خود غلبه می‌کند تا چهار سال ریاست پارلمان بخش خصوصی کشور را از آن خود کند؛ بخش خصوصی‌ای که همزمان با اجرای برنامه پنجم توسعه از سال ۹۰ دوران متحول شده‌ای دیگری را در اقتصاد ایران تجربه خواهد کرد.

—

درخواست دولت برای ابطال پروانه فعالیت کانون صنفی معلمان رد شد

2011-02-09 · Archive ID 280
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=280

عرصه سوم: شعبه ۱۲۶ دادگاه حقوقی تهران، دادخواست وزارت کشور در خصوص ابطال پروانه فعالیت کانون صنفی معلمان را رد کرد.

پیمان حاج محمود عطار، وکیل مدافع کانون صنفی معلمان، در گفتگو با «ایسنا» گفت که قاضی پرونده «قرار عدم استماع دعوای خواهان» را صادر کرده است.

پیشتر وزارت کشور همزمان با دادخواستی که به طرفیت سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب مشارکت به دادگاه عمومی ارایه کرده بود، علیه کانون صنفی نیز دادخواستی را به شعبه ۱۲۶ مجتمع قضایی شهید باهنر داده بود.

پیمان حاج محمود عطار در بخش دیگری از اظهاراتش گفت: «کانون صنفی معلمان پیش از مسایلی که پس از انتخابات ۸۸ رخ داد با برگزاری مجمع عمومی، هیات مدیره جدید خود را تعیین و یک نسخه از صورت جلسه تصمیمات را به وزارت کشور ارسال و شماره ثبت دبیرخانه کمیسیون ماده ۱۰ احزاب را دریافت کرد. پس از بازداشت برخی از اعضای هیات مدیره کانون در حوادث پس از انتخابات سال گذشته، وزارت کشور و کمیسیون ماده ۱۰ احزاب اقدام به طرح دادخواستی برای ابطال پروانه کانون صنفی در دادگاه به بهانه فعال نبودن و انجام تخلف این کانون کردند.»

به گفته وکیل مدافع کانون صنفی معلمان «در حال حاضر این کانون برای ادامه فعالیت‌هایش باید از وزارت کشور تقاضای تمدید پروانه کند.»

—

جامعه مدنی در تبعید/مهر انگیز کار

2011-02-15 · Archive ID 283
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=283

آن بخش از جامعه ی مدنی ایران که با استفاده از فرصتهای به دست آمده در دوران محمد خاتمی شالوده هایش ریخته شده، جامعه ی مدنی در تبعید را تشکیل داده است. جامعه ی مدنی پس از جنبش اعتراضی 22 خرداد1388 در تبعید کار می کند و نیمه ی محبوس و گرفتارش در ایران به آن انرژی می بخشد.

جامعه ی مدنی در تبعید هرچند پرانرژی و با ظرفیت است، اما خود با چالش ها و بحران هائی که پیامد تبعید است، دست و پنجه نرم می کند. فعالان مدنی که جان شان در خطر بوده، از فضای واقعی مبارزه به فضای مجازی مبارزه تغییر مکان داده اند و این تغییر مکان دشواری های تازه ای پیش رو گذاشته که گاهی حسرت کار کردن در فضای پرخطر ایران آزارشان می دهد. از طرفی پاره های به جا مانده در کشور بیش از آن رنج می کشند که بتوانند محدودیت ها و گرفتاری های جامعه ی مدنی در تبعید را در فضای مجازی به درستی درک کنند. مطالبات و انتظارات از شاخه های جامعه ی مدنی در تبعید، از حدود توانائی این جامعه خارج است. طبعا خطاهای جامعه ی مدنی در تبعید، بسیار است. بازیگران روی این صحنه موقعیت جدید را تمام و کمال نمی شناسند و در همه حال باز یابی هویت سیاسی که پشت سر گذاشته و حفظ این هویت (هرچند اندکی از آن) دشوار است.

فعالان مدنی که اندیشه ی سیاسی شان اغلب در فضای دوران اصلاحات رشد کرده و شناخت شان از زیر و بم های سیاسی دهه ی سوم انقلاب، به اندازه ای است که می تواند حکومت ایران را نگران کند، نیروی بالقوه ای شده اند که هریک به فراخور حال در تلاش اند تا در تبعید برای تغییر در ایران بسترسازی کنند. آنها نخستین ایرانیانی نیستند که اراده کرده اند ازراه دور حاکمیت جمهوری اسلامی را به چالش بکشند، اما بی گمان گونه ای از فعالان سیاسی در تبعید را تشکیل می دهند که درکوره ی حوادث پس از اصلاحات و گذار از آن، ویژگیهای سیاسی متفاوتی کسب کرده اند. این ویژگیها به کلام و پیام سیاسی شان رمق، تازگی و سرزندگی داده است. حکومت از این زبان که به زبان خودش نزدیک است، ولی مضامین سیاسی روزآمدی را تبلیغ می کند، بسیار می ترسد. این گونه از فعالان رانده شده، جمهوری اسلامی و لابیرنت های سیاسی - امنیتی- اقتصادی آن را خوب می شناسند. وقتی در بحث رایج و پرهیجان و پر طرفدار "براندازی" در گیر می شوند، به لحاظ شناختی که از مشخصات درونی حکومت و ظرفیت های آن برای سرکوب و کشتار دارند ، نگرانی های خود را کتمان نمی کنند و بلافاصله به طرح این پرسش بسیار مهم می پردازند که "چگونه؟". مخالفانی که دیرینه سال در تبعید زیسته اند و شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" به آنها امید بخشیده تا تلخکامی های تبعید را تاب بیاورند، به آنها با سوء ظن نگاه می کنند و آنچه در این میان از دست می رود "اعتماد" است که نیروهای سیاسی مثل خون به آن نیاز دارند.

جامعه ی مدنی در تبعید را بخصوص پس از سرکوب جنبش اعتراضی، این گروه از ایرانیان معماری می کنند، ایرانیانی که پیش از نقش آفرینی در این جنبش، در جنبش دانشجوئی و زنان و اصلاح طلبی ومطبوعات و اعتراض های کارگران و معلمان کار کرده و تجربه اندوخته اند. تجربه ها لزوما حزبی نبوده و خواسته ی براندازی و آرزوی دستیابی به آن با مطالبات اصلاح طلبانه در آمیخته تا جائی که هر دو خواسته در شرایط امنیتی خاص، بی آن که یکی دیگری را به همدستی با حکومت متهم کند، در کنار یکدیگر رشد کرده و سامان یافته اند. مدافعان براندازی بر خلاف مدافعان اصلاح طلبی، هرگز فرصت سازماندهی تشکیلاتی در کشور به دست نیاورده ودست بالا توانسته اند خود را در چارچوب جنبش ها در حدود امکانات امنیتی هریک از دورانهای سیاسی در این 32 سال تعریف کنند وبا این شگرد تا سالها سر پا باقی مانده و برای اعتراض های وسیع که در راه است مهیا شده اند.البته روشنفکران که رفته اند زیر تیغ حمله ی برادران لاریجانی از این دسته اند و هرگاه ارادتی و سپاسی نثار برخی روحانیون کرده اند، از باب آن بوده که در آنها تلاش برای روزآمد شدن را دیده اند. درانتخاب این شیوه نیز گاهی کلاه سرشان رفته و ناچار شده اند سالها به جبران خطای خود کار کنند و هزینه بپردازند و در همه حال، بخصوص در سه دهه ی اخیر با هدف جبران خطای تاریخی که در سال 1357مرتکب شده اند، از امنیت که بستر رشد روشنفکری در هر کشوری است محروم مانده اند. جامعه ی مدنی در تبعید که بازتابی است از آن دست و پا زدن ها و دست در دست هم داشتن ها ی درون کشور، در فضای مجازی خارج از کشور که ظاهرا امن به نظر می رسد، در حال نشو و نماست و از تکیه گاههای نیرومندی در نهادهای مدنی و دولتی جامعه ی جهانی هم برخوردار است. نگرانی اینجاست که مبادا جامعه ی مدنی در تبعید، قدرت شبکه سازی در فضای مجازی و درجات ایمنی محیط تازه ی حیات سیاسی و تکیه گاههای خودرا بیش از آنچه هست، ارزیابی کند وجدی بگیرد. در این صورت به تدریج از یاد می برد آن هوشمندی سیاسی را که در فضای واقعی و امنیتی در دو قدمی زندانهای مخوف به کار می گرفت تا بر عمر حضور سیاسی خود، یک دم هم که شده بیافزاید.

البته آن هوشمندی سیاسی متناسب با شرایط درون کشور انتخاب می شد . بیرون از ایران هوشمندی سیاسی تعریف دیگری دارد. به هر شکل که تعریف بشود، نمی تواند به توهم سیاسی و ترویج آن مقبولیت بدهد. در مواردی از دور بهتر می شود چراغ قرمزها را دید و برای حفظ جان مردم در برابر حمله و هجوم امنیتی ها ئی که در ایران به گرگ تبدیل شده اند به موقع هشدار داد. بنابراین هوشمندی سیاسی همچنان و با تعاریف مرتبط با فعالیتهای در تبعید، دارای اهمیت است و بر پایه ی آن می توان از راه دور به جان و مال و امنیت فعالان درون کشور اندیشه کرد . جامعه ی مدنی در تبعید که پاره ی جدا شده ای از انواع جنبش های اصلاحات ببعد است، بخصوص شاخه های سبز آن بر پایه ی هوشمندی سیاسی که آن را آسان به دست نیاورده، نمی توانند بر تفاوت شرایط سیاسی، امنیتی و نظامی و اقتصادی مصر و ایران چشم ببندند. اکتفا به انتشار خبر ومقایسه های بی وقت که با هدف بالا بردن درجه ی التهاب سیاسی در فضای مجازی صورت می گیرد، به این معناست که احساس مسئولیت در کار نیست. اینجا ست که اصرار سبزها بر شبکه سازی افقی بی وجه می شود و هرم قدرت سیاسی در سوئی که جمع بزرگی از مردم معترض، آن را حمایت می کند، همچنان صورت عمودی و کلاسیک را حفظ کرده و شبکه های اجتماعی که خارج از کشور، جامعه ی مدنی در تبعید را سامان می دهند، نماد های رهبری مورد علاقه ی خود را به هنگام نقد نمی کنند. آنها را به حال خود می گذارند و عجیب نیست اگر رویداد تلخ دیگری به زیان جنبش تکرار بشود. پذیرفتن مسئولیت جمعی و پائین آوردن درجه ی خطا ی رهبران با هشدارهای لازم به آنها کار شبکه های اجتماعی است که به صورت افقی شکل می گیرد. حال اگر زیر سرکوب، جا به جائی و نقل مکان از فضای واقعی به فضای مجازی اتفاق افتاده باشد ، این مسئولیت به جای خود باقی است.

آزموده را آزمودن خطاست و پرهیز از تکرار خطا عین هوشمندی سیاسی است. حال اگر بازیگران درون کشور به هر دلیل از عهده ی هشدار به رهبران اعتراضی بر نمی آیند، به عهده ی جامعه ی مدنی در تبعید و شاخه های سبز آن است که خطرات تلاش تازه ی آقایان برای کشاندن مردم به خیابانها را به صورت علنی تذکر بدهند.

اگر شرایط برای حضور توده های مردم معترض در عرصه ی عمومی فراهم نیست، چرا باید جان و امنیت جمعیت کوچکی را به خطر انداخت و آنها را به سوی مقصدی هدایت کرد که جانیان حتی از جنازه شان در نمی گذرند. هنوز بسیار زود است که آینده ی مصر را ارزیابی کنیم. اما در همین اندازه که آن را دنبال کرده ایم، بی گمان دریافته ایم که فرق است بین عوامل سرکوب در کشوری که با دولتهای مهم جهان رابطه ی دوستانه دارد

و ناگزیر در شرایط اضطراری و غیر عادی از توصیه های آنها بهره می برد با کشوری که دولت رجز خوان آن رابطه با این دولتها را عمدا تیره کرده تا شهروندان را مثل طعمه زیر دندان بگیرد. جامعه ی مدنی در تبعید از هر دسته و گروه نمی تواند بر این تفاوت فاحش چشم بسته و بدون زمینه سازی های لازم که به زمان حاصل می شود بر هیجان ها بیافزاید. تفاوت نظام امنیتی ایران با نظام امنیتی مصر از زمین تا آسمان است. مصر فقیر است. دیکتاتوری مصری به گنجینه های نفتی که جانیان ایرانی یه آن دست یافته اند، دسترسی نداشته و نتوانسته تشکلهای جانیان را سازماندهی کرده و اعضا را به نان و نوا برساند. این است که تهدید امریکا بر قطع کمکهای مالی اثر می گذارد و تیغ سرکوب را در مصر کند می کند. با وجود این تفاوتها و بسیاری دیگر چه اصراری است که دو نمونه ی غیر مشابه را با هم تاخت بزنیم و هیجان بی وقت بیافرینیم ؟

جامعه ی مدنی در تبعید هرگاه نیروی خود را به این سمت هدایت کند که ایده و فکر ایجاد شاخه های برون مرزی تشکلهای سیاسی درون ایران را فعال کند و از تلاش برای حذف اندیشه ی سیاسی مبتنی بر سکولاریسم که در تبعید تناور شده بپرهیزد، با قدرت و قوت بیشتری از عهده ی تغییر وضع موجود بر می آید. این روش سیاسی که براندازی را از خواسته ها بکلی حذف کنیم فرسوده شده و در دورانی که سپری شده، از آن حداکثر استفاده شده است و دیگر جواب نمی دهد. نه به صورت تاکتیک، نه استراتژی .

جوانان ایرانی تبدیل به شراره های آتشی شده اند که زیر سرکوب، آرام و قرار ندارند. چوبه های اعدام، فقط پایه های حکومت را بیش از پیش لرزانده است. جوانان خون می خورند و در ضرورت تغییر وضع موجود تردید به دل راه نمی دهند. سالی می گذرد که بدون حضور خیابانی و بدون ورود به یک تظاهرات برنامه ریزی نشده، جنبش را زنده نگاهداشته اند. اینکه جنبش مرده است حرف لغوی است که حکومت به دهانها انداخت تا نزدیک شدن مرگ خود را انکار کند. جوانهائی که در سختترین شرایط از درون کشور جامعه ی مدنی در تبعید را تغذیه می کنند، جان شان گرانقدرتر از آن است که با الگوبرداری از مصر به خطر بیفتد. هنگامی که آنها هوشمندانه حرکت خاموش و انبوه خود را بدون برخورداری از رهبری شروع کردند، دیگران را در سطح جهان به شگفتی وا داشتند. ایرانیان معترض زیر یوغ حکومتی به سر می برند که با بخش تاثیر گذار جهان قطع را بطه کرده. دستجات کارشناس درامر مذاکره بین نیروهای دولتی و مردم معترض و نمایندگان آنها که اکنون از سوی دوستان غربی مصر راهی مصر شده اند، راه به ایران ندارند. همین قدر که حکومت ایران ترس و زبونی خود را به شکلهای گوناگون نشان می دهد و خواب از چشم حاکمان ربوده شده، کم دستاوردی نیست و ضرورتی ندارد تا پیش از برنامه ریزی های دقیق پا جای پای مصر بگذاریم. جنبش از هر زاویه در کار است، فعال است و برای ورود وسیع و تاثیر گذار به یک حضور انبوه به اندازه ای که جانیان از عهده ی آن بر نیایند، وقت مناسب نیست و این شتاب هرگاه حضور انبوه جمعیت را در پی نداشته باشد، بیشتر زیانبار است تا سودمند.

شاید وقتی دیگر. با برنامه ای مستقل و بی نیاز از الگوبرداری از کشوری که مشخصاتی متفاوت دارد و به کمک جامعه ی مدنی در تبعید که به سرعت در حال نشو و نماست و پیاپی نیروهای جدید به آن می پیوندد، ایثار جان سودمند افتد. بخصوص که می دانیم در هزارتوی نظام امنیتی ایران تصمیم گرفته شده، اگر روز 25 بهمن جمعیت انبوه باشد، کوتاه بیابند. بنابراین وادار کردن حکومت به کوتاه آمدن و مدارا با خواسته های مردم آدابی و لوازمی دارد. آیا این لوازم مهیاست؟

منبع: روزآنلاین

—

برگزاری نشست «نقش اجتماعی سازمان های غیردولتی»

2011-02-15 · Archive ID 289
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=289

نشست «بررسی نقش اجتماعی سازمان های غیردولتی» روز دوشنبه، ۱۸ بهمن، با حضور جمعی از صاحبنظران در مرکز تحقیقات استراتژیک برگزار شد.

برگزار کننده این نشست، معاونت پژوهش های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک بود.

به گزارش خبرگزاری مهر ، در آغاز برگزاری این نشست، دکتر سیدرضا صالحی، معاون پژوهش های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک گفت: «بحث در مورد موانع گسترش نهادهای مردم نهاد در ایران مهمتر از بحث در مورد الزامات گسترش این نهادها است».

او در ادامه افزود: «فرهنگ سیاسی در ایران مبتنی بر منافع شخصی است تا منافع جمعی. بر این اساس مسئولیت پذیری خیلی محدود است و بر این اساس نهادهای جمعی نمی‌توانند توسعه یابند».

به گفته دکترسیدرضا صالحی «ابتدا باید موانع در سر راه نهادهای مدنی بر طرف شود و سپس به توسعه و گسترش آن پرداخت».

در بخش دیگری از این نشست، خانم بروجردی، پژوهشگر مسائل زنان پیرامون سیر تکوینی نهادهای مردم نهاد در ایران گفت: «بر اساس اصل 26 قانون اساسی تشکیل و شکل‌گیری این نهادها و تشکلهای مردمی تحت شرایط و ضوابطی آزاد است. روند شکل‌گیری تشکلهای غیردولتی به شکل کنونی آن به سال 1372 برمی‌گردد. این روند سیر آهسته داشت و در آن زمان نیز قانونی برای شناسنامه‌دار کردن این تشکلها وجود نداشت».

او با بیان اینکه «در قانون برنامه سوم توسعه به تدریج موضوع شکل‌گیری تشکلهای غیردولتی مطرح شد و در ماده 182 با این موضوع پرداخته شد.» افزود:«بر این اساس وزارت کشور مکلف به دادن مجوز برای تشکیل این تشکلها شد. به رغم اینکه این نهادها و تشکلها باید خودجوش و داوطلبانه باشند ولی می‌توان این مرحله را گام خوبی برای رواج این تشکلها دانست».

به گفته خانم بروجردی «نگاه برنامه چهارم به تشکلهای غیردولتی این بود که این سازمانها به عنوان یک سرمایه اجتماعی هستند. در قانون برنامه پنجم توسعه در مورد این تشکلها موضوعی به چشم نمی‌خورد.»

در ادامه این نشست، خانم دکتر شجاعی، پژوهشگر مسائل زنان با بیان اینکه «نهادهای مدنی از ارکان دولت عاقل به شمار می‌روند» تاکید کرد: «در بحث حکمرانی خوب و دولت عاقل نهادهای مدنی از ارکان چنین دولتی به شمار می‌روند. چنین دولتی کارهای اقتصادی را به بخش خصوصی و مسائل اجتماعی را به سازمانهای مردم نهاد ارجاع می‌دهد و بر این اساس دولت کوچک است».

به اعتقاد او «جز در مقاطعی از تاریخ، زنان با مردان مساوی نبوده‌اند. بر این اساس ورود و حضور زنان در عرصه اجتماعی و تشکل یافتن فعالیتهای آنان جدید است».

خانم دکتر شجاعی با اشاره به اینکه «از اواخر دوره قاجار شاهد شکل‌گیری سازمانهای غیردولتی زنان هستیم.» افزود که «خیریه‌ای بودن، ایجاد توسط مقامات و منصوبین و زنان درباری و وابسته به آنها، تشکیل توسط طبقه مرفه و حضور افراد غیرایرانی» از ویژگی های سازمان های غیردولتی زنان در دوران پهلوی بوده است.

او در بخش پایانی سخنانش، در خصوص وضعیت سازمان های غیردولتی زنان در دوره پس از انقلاب، چنین گفت:«بعد از انقلاب تا سال 1372 شاهد شکل‌گیری سازمانهای غیردولتی زنان نیستیم». و «در برنامه سوم توسعه موضوع سازمانهای مردم نهاد و سازمانهای غیردولتی زنان مطرح شد.»

—

«جامعه بین المللی در واکنش به سرکوب های ایران وارد عمل شود»

2011-02-16 · Archive ID 292
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=292

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران با صدور بیانیه ای مشترک ، «سرکوب خشونت بار» معترضان ایرانی از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی را در روز ۲۵ بهمن محکوم کردند و خواستار واکنش جامعه بین المللی شدند.

این دو نهاد حقوق بشری اعلام کردند که از شدت «خشونت و سرکوب» نیروهای حکومتی در این روز، «احساس خطر» می کنند و تاکید کردند که «این سرکوب نشانه دیگری برای جامعه بین المللی است تا سیاست خود در حمایت از جامعه مدنی ایران را مورد بررسی دوباره قرار دهد».

فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامع دفاع از حقوق بشر در ایران تعداد بازداشت شدگان ۲۵ بهمن را ۱۰ برابر رقم اعلام شده از سوی منابع رسمی دانستند. در گزارش های رسمی آمده بود که تعداد بازدشت شدگان این روز ۱۵۰ تن بوده اند. همچنین دو تن به نام های «محمد مختاری» و «صانع ژاله» نیز در جریان اعتراضات کشته شده بودند.

عبدالکریم لاهیجی، نایب رییس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و رییس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران گفت: «با سرکوب خشونت بار معترضان مسالمت جو، دولتمردان جمهوری اسلامی برقراری اختناق را دنبال می کنند. جامعه بین المللی اکنون باید در تناسب با عملکرد خود در مصر و تونس عمل کند و بیشترین توان خود را در حمایت از جامعه مدنی ایران به کار بگیرد».

او خطاب به جامعه ای بین المللی خواسته های زیر را مطرح کرد:
«حمایت از قطعنامه ای در محکومیت وخیم تر شدن اوضاع و تعیین گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران»، «درخواست موکد از شرکت های خصوصی و موسسه های رسانه ای برای ممکن ساختن ارتباطات آزاد تلفنی، تلویزیونی، مخابراتی، ماهواره ای در داخل ایران، به ایران و از ایران به خارج؛ بر اساس آزادی بیان» و «تعیین فهرستی از مسؤولان بلندپایه و ناقضان اصلی حقوق بشر، مسدود ساختن دارایی های آنها و منع صدور ویزا برای آنها».

—

درخواست شیرین عبادی و شش سازمان حقوق بشری برای توقف اعدام ها در ایران

2011-02-16 · Archive ID 295
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=295

شیرین عبادی و شش سازمان مدافع حقوق بشر طی بیانیه ای مشترک از سازمان ملل و جامعه جهانی خواستند تا برای توقف موج گسترده اعدام ها در ایران اقدام کنند.

سازمان عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر، کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، فدارسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر و شعبه ایرانی آن جامعه دفاع از حقوق بشر ایران و همچنین گزارشگران بدون مرز نهادهایی هستند که به همراه شیرین عبادی این بیانیه را امضا کرده اند.

در این بیانیه همچنین از مجلس شورای اسلامی درخواست شده که تصمیمی قانونی برای توقف مجازات اعدام در ایران اتخاذ کند.

از ابتدای ژانویه سال ۲۰۱۰ تا کنون، بیش از ۸۶ زندانی در ایران اعدام شده اند که به گفته امضا کنندگان این بیانیه، دست کم هشت تن از اعدام شدگان، زندانی سیاسی بوده اند.

به گفته شیرین عبادی و شش نهاد امضا کننده این بیانیه « مقامات مسوول جمهوری اسلامی نشان داده‌اند که دیگر برای سرکوب معترضان به انتخاب مجدد محمود احمدی نژاد به زندانی کردن و محکومیت‌های سنگین راضی نیستند، حال به اعدام آنها پرداخته‌اند. جمهوری اسلامی از روش شناخته شده‌ی، پنهان کردن اعدام‌های سیاسی در میان خیل زندانیان اعدام شده به اتهام جرایم عادی استفاده می‌کنند. اگر جامعه جهانی در این باره سکوت کند، اعدام‌ها بیشتر خواهند شد».

در بخش پایانی این بیانیه تاکید شده که «برای پایان دادن به کشتار در ایران، جامعه جهانی باید جمهوری اسلامی ایران را وادار به قطع اعدام ها و رعایت قوانین بین‌المللی کند».

—

خطر تصویب طرحی که جامعه مدنی را جوانمرگ می کند

2011-02-19 · Archive ID 300
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=300

با تقاضای جمعی از نمایندگان مجلس ، بررسی مجدد طرح «قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی» در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت.
کلیات طرح قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی در دهم دی ماه در صحن علنی مجلس مطرح شد اما پس از اظهار نظر موافقان و مخالقان، کلیات طرح به رای گیری گذاشته شد که به تصویب نرسید.

نمایندگان مجلس با ۶۵ رأی موافق، ۲۴ رأی مخالف و ۱۱ رای ممتنع با کلیات این طرح موافقت نکردند و از دستور کار مجلس خارج شد اما پس از رد این طرح از سوی نمایندگان مجلس عده ای از نمایندگان طرفدار دولت نسبت به روند بررسی طرح اعتراض کردند.

به نظر می رسد با توجه به محتوای این لایحه، فشارهایی از خارج مجلس بر هیات رئیسه مجلس اعمال شده تا برخلاف آئین نامه داخلی مجلس، طرح بررسی مجدد آن در دستور کار مجلس قرار بگیرد. براساس آیین نامه داخلی مجلس، در صورت رد لایحه ای یا طرحی، تا شش ماه امکان طرح مجدد آن در صحن مجلس وجود ندارد.

"عرصه سوم" پیشتر نسبت به عواقب و پیامدهای زیانبار طرح قانون ناظر برتاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی و جوانمرگی نهادهای مدنی هشدار داده بود و تاکید کرده بود که این لایحه در صورت تصویب، دست دولت را برای اعمال نظارت برنهادهای مدنی بازتر کرده و مداخلات دستگاههای امنیتی و نظامی در جامعه مدنی را، قانونی می کند و خطرغیرقانونی اعلام کردن نهادهای مدنی پیشرو در ایران را افزایش می دهد. (متن تحلیلی عرصه سوم درباره این لایحه را اینجا می توانید بخوانید)

طرح ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی در سال ۱۳۸۶ از سوی تعدادی نمایندگان مجلس با قید یک فوریت به هیات رئیسه مجلس ارائه شده بود در سال ۱۳۸۷ یک فوریت این طرح به رای گذاشته شد که پس اظهار نظر موافقان و مخالفان، یک فوریت طرح به تصویب نرسید و طرح به کمسیون امور اجتماعی مجلس برای بررسی بیشتر ارجاع شد و کمسیون ضمن بررسی و انجام تغییرات جدی در محتوای طرح با تصویب آن، برای طرح درصحن علنی به هیات رئسیه مجلس ارائه شد.

موافقان این طرح تاکید می کنند که رای ندادن نمایندگان به معنای عدم اشراف به طرح و کم توجهی آنان نیست. مخالفان می گویند که رای ندادن ۹۵ نماینده به این لایحه به معنای انتقادات و ملاحظاتی است که دارند. ناظران بر این باورند که طرح مجدد این موضوع، برغم اینکه هنوز چند ماه از عدم تصویبش نمی گذرد، به این معناست که طیف هایی تندرو در در داخل و خارج مجلس، می خواهند با تصویب فوری این طرح، راه را برای کنترل بیشتر و محدودتر کردن نهادهای غیردولتی هموار کنند و استقلال نهادهای مدنی را با مشکل مواجه کنند.

این طرح در برگیرنده چند نکته مهم و کلیدی است از جمله:

در صورت تصویب طرح قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی، کلیه افرادی که بخواهند یک سازمان غیر دولتی تاسیس کنند می بایست برای ثبت آن مراحل کامل تایید توسط وزارت اطلاعات و هیئت های عالی نظارتی را طی کنند. هیئت هایی که ترکیب مسلط آن نظامی، امنیتی است.

همچنین در این طرح آمده است کلیه انجمن و سازمانهای مدنی که قبلا توسط اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی ثبت شده اند باید خود را بار دیگر با شرایط مقرر در این قانون تطبیق داده و مجددا خود را به ثبت برسانند اگر در این فرایند تایید نشوند، به دستور هیئت عالی، پروانه آنها ابطال و فعالیت آنها غیر قانونی اعلام خواهد شد.

نکته مهم دیگر انحلال غیراختیاری سازمان های غیردولتی است که قبلا در اختیار دستگاه قضایی بود و تا حدودی امکان مداخله دستگاه امنیتی را با مشکل مواجه می کرد، در این طرح تنها قدرت مطلقه در عرصه جامعه مدنی، هیت عالی نظارت است که کلیه امور تاسیس، انحلال و نظارت برفعالیت سازمانهای غیر دولتی برعهد دارد. ترکیب این هیئت تشکیل شده از پنج نماینده دولتی، نمایندگان قوه قضاییه، وزارت خارجه، وزارت اطلاعات، امور اوقاف، امور مساجد، نیروی مقاومت بسیج و سازمان تبلیغات اسلامی است.

در صورت تصویب این طرح در مجلس، دولت قادر خواهد بود از یکسو سیاست سرکوب و حذف سازمانهای و نهادهای مدنی را به پیش ببرد (سیاستی را که در چند سال اخیر در دستور کار آن قرار داشته است) و از سوی دیگر سیاست جایگزینی در عرصه جامعه مدنی دنبال کند و سازمانهای مدنی همسو با سیاستهای دولت را بصورت قانونمند تاسیس و به تقویت آن اقدام کند.

—

بالاترین آمار سالانه‌ی اعدام بعد از دهه‌ی ۶۰

2011-02-24 · Archive ID 303
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=303

آ سیه امینی ـ آمار اعدام ایران در سال ۲۰۱۰ میلادی، ۵۴۶مورد و بالاترین رقم بعد از اعدام‌های سالانه‌ی دهه ۶۰ بوده است.

یک ارگان حقوق بشری در نروژ به نام «سازمان حقوق بشر ایران» که پیرامون موضوع اعدام‌ها در ایران اطلاع‌رسانی و تحقیق می‌کند، با اعلام رقم ۵۴۶ اعدام در سال ۲۰۱۰ افزوده است: «این تعداد اعدام از پایان دهه‌ی ۶۰ در ایران بی‌سابقه بوده است. بر طبق گزارش منابع رسمی ایران در ماه ژانویه ۸۵ مورد اعدام در ایران صورت گرفته است. دست‌کم سه تن از افراد اعدام شده در ارتباط با ناآرامی‌های بعد از انتخابات دستگیر شده بودند.

تعداد اعدام‌های صورت گرفته در ایران نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. به طوری که میزان اعدام‌های صورت گرفته در سال پس از اعدام‌های سیاسی دهه‌ی ۶۰ (دهه‌ی ۸۰ میلادی) بالاترین میزان اعدام‌های پس از انقلاب اسلامی است.

محمود امیری‌مقدم، سخنگوی این سازمان در گفت‌وگو با رادیو زمانه آمار اعدام‌ها در ایران را از گزارش اعلام شده بیشتر دانسته و می‌گوید: «بر اساس گزارش‌های موجود بیش از ۲۰۰ مورد اعدام در سال گذشته صورت گرفته که در این گزارش لحاظ نشده. بر این اساس میزان واقعی اعدام‌ها بیش از آماری است که در این گزارش منتشر شده است.»

امیری مقدم در مورد منبع این آمار می‌گوید: «طبق گزارشی که در بیانیه‌ی سازمان ما نیز آمده ۵۷ درصد از این آمار بر اساس منابع خبری منتشر شده رسمی ایران گردآوری شده. در عین حال ما گزارش‌هایی نیز از اعدام و حتی اعدام‌های دسته‌جمعی دریافت کردیم که در برخی موارد چون نتوانستیم از طریق دو منبع موثق صحت آن را تایید کنیم، از انتشار آن خودداری کردیم.»

وی در توضیح این منابع می‌گوید: «در مورد منابعی که از طریقی به جز خبرگزاری‌ها و منابع خبری رسمی اطلاعات اعدام دریافت کردیم، تنها آماری ذکر شدند که دو منبع اعم از وکیل، خانواده، شاهد عینی یا یک مقام رسمی آن را تایید کرده باشد. مثلاً در مورد اعدام شهروندان افغان، به منابع اطلاعاتی در افغانستان نیز مراجعه کردیم تا صحت اخبار تایید شود.»

امیری مقدم می‌گوید: «تعداد زیادی زندانی سیاسی و غیر سیاسی در زندان‌ها در نوبت اعدام هستند و ما از سازمان ملل می‌خواهیم تا به سرعت یک گزارشگر ویژه را به ایران بفرستد.»

اعدام، به تفکیک آمار

در گزارش منتشر شده‌ی سازمان حقوق بشر ایران عنوان شده است که از ۵۴۶ مورد اعدام، ۳۱۲ مورد توسط مقام‌های ایران به صورت رسمی یا غیر رسمی تایید شده‌اند. علاوه بر این، ۲۰۰ مورد اعدام دیگر نیز گزارش تایید نشده است که در حال بررسی و تحقیق جهت صحت منبع خبر است. نام دو نوجوان به نام‌های آرش رحمانی‌پور و نوجوانی به نام محمد در این ۵۴۶ نفر به چشم می‌خورد.

همچنین هشت زن در این ۵۴۶ نفر شناسایی شده‌اند که تنها هویت سه تن به نام‌های شهلا جاهد، شیرین علم‌هولی و مهین قدیری محرز است.

از آمار یاد شده دست‌کم ۵۵ نفر غیر ایرانی (۵۳ افغان، یک غنایی و یک نیجریه‌ای) به چشم می‌خورد. همچنین ۱۹ مورد اعدام در ملا عام صورت گرفته است.

اعدام، به تفکیک سال

طبق آمار همین سازمان در دو سال گذشته میلادی یعنی ۲۰۰۹ ایران ۳۸۸ اعدام و در سال ۲۰۰۸ ۳۵۰ نفر را اعدام کرده بود.

موثق‌ترین منبع آماری پیش از سال ۲۰۰۸ مربوط به آمار سازمان عفو بین‌الملل است که طبق آن از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷، ایران به ترتیب مرتکب اعدام ۱۶۵ نفر در سال ۲۰۰۰، ۷۵ نفر در سال ۲۰۰۱، ۳۱۶ نفر در سال ۲۰۰۲، ۱۵۴ نفر در سال ۲۰۰۳، ۱۰۸ نفردر سال ۲۰۰۴، ۹۴ نفردر سال ۲۰۰۵ ، ۱۷۷ نفر در سال ۲۰۰۶ و بالاخره ۳۱۷ نفر در سال ۲۰۰۷ شده است.

طبق گزارش این سازمان در سال گذشته اعدام‌های دسته جمعی نیز شاخصی از انواع اعدام در ایران بوده‌اند. این سازمان از استان خراسان به‌طور خاص نام برده و اعلام کرده است: به‌طورخاص گزارش‌ها حاکی از وقوع اعدام‌های دسته‌جمعی در زندان وکیل‌آباد مشهد است. بیشتر این اعدام‌ها به صورت مخفیانه و بدون اطلاع دادن به اعضای خانواده و وکلای متهمان صورت گرفته است. همچنین این اعدام‌ها از سال میلادی۲۰۰۹ آغاز شده و از زمانی که غلامسحین محسنی اژه‌ای به سمت دادستان کل کشور شده رسیده به شدت افزایش یافته است.

اعدام‌های خراسان

طبق تحقیقات سازمان حقوق بشر ایران استان خراسان در یک سال گذشته بیشترین تعداد آمار را در استان‌های ایران داشته است؛ به طوری که یک بخش مجزا از این گزارش به اعدام‌های این بخش از خاک ایران اختصاص داده شده است.

پنجاه (۵۰) اعدام در ماه‌های فوریه و آوریل (بهمن ۸۸ تا اردیبهشت ماه ۸۹) در زندان وکیل‌آباد مشهد صورت گرفته است. ۳۵ اعدام در روز دهم آوریل صورت گرفته است. تنها پنج مورد توسط منابع رسمی ایران گزارش شده است. منبع: احمد قابل یکی از مخالفان دولت و روشنفکر دینی نزدیک به محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران که مدت ۱۷۰ روز را در زندان وکیل‌آباد گذرانده از انجام اعدام‌های دسته‌جمعی خبر داد.

او در ماه ژوئن از زندان آزاد شد و اعلام کرد دربندی که او نگهداری می‌شد ۵۰ تن از زندانیان اعدام شده‌اند. آقای قابل به دلیل افشای این اطلاعات دوباره بازداشت و راهی زندان شد.

- ۴۵ شهروند افغان در ماه آوریل در شمال خراسان اعدام شدند. نمایندگان مجلس در افغانستان و سازمان‌های مدافع حقوق بشر از تحویل دست کم چهل و پنج جسد در مرز هرات خبر دادند.
- هفت شهروند افغان در ماه مه (خرداد) در شهر تایباد اعدام شدند.
- اعدام دسته‌جمعی ۴۶ شهروند در یک روز در ماه تیر و یا مرداد در زندان وکیل آباد مشهد.
- اعدام دسته‌جمعی ۶۷ تن در روز هجدهم آگوست.
- یک شهروند اهل کشور غنا در ایران اعدام شده است. آغاسی آکابا در روز هجدهم آگوست در میان اعدام شدگان است.
- ۱۳ نفر روز پنج اکتبر در زندان وکیل آباد مشهد به دار آویخته شده‌اند. یک شهروند اهل نیجریه به نام پاول چیندو در میان اعدام‌شدگان بوده است.

- ده نفر در تاریخ دوازدهم اکتبر، ده نفر در تاریخ بیست و ششم اکتبر، یازده تن در تاریخ نهم نوامبر، نه تن در تاریخ ۳۰ نوامبر در زندان وکیل‌آباد مشهد اعدام شده‌اند.
بیشتر افراد اعدام شده در زندان وکیل‌آباد مشهد محکوم به قاچاق مواد مخدر شده بودند.

علاوه براین گزارش‌ها از تعداد قابل توجهی اعدام انجام شده در زندان‌های وکیل آباد مشهد و نیز زندان بیرجند خبر می‌دهد که به دلیل تایید نشدن منابع موثق، در این تحقیق از آنها یاد نشده است. این آمار همانطور که گفته شد رقم آنها به بیش از ۲۰۰ مورد می‌رسد و صحت آن در دست تحقیق و بررسی است.

به تفکیک اتهام

در این تحقیق عنوان شده است که بر طبق گزارش رسانه‌های رسمی ایران، ۶۶ درصد افراد اعدام شده متهم به جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر بودند. اتهام ۱۳ درصد افراد اعدام شده محاربه با خدا ، نه درصد تجاوز، پنج درصد قتل نفس، یک درصد اعمال خلاف عفت و یک درصد آدم‌ربایی بود. اتهام چهار درصد افراد اعدام شده در اخبار رسمی ذکر نشده است.

قابل ذکر است که اتهام بیشتر افرادی که طی اعدام‌های مخفیانه در زندان مشهد به دار آویخته شده‌اند قاچاق مواد مخدر بوده است. باید یادآور شویم که تمامی متهمان قاچاق مواد مخدر در دادگاه انقلاب در پشت درهای بسته محاکمه می‌شوند.

محاربه

در سال گذشته ۳۸ نفر با اتهام محاربه در ایران اعدام شده‌اند. از این میان ۱۳ نفر متهم به عضویت در گروه جندالله بودند. عمده‌ی این افراد اهل استان بلوچستان بودند. پنج‌نفر متهم به عضویت در گروه پژاک بودند. سه‌نفر متهم به عضویت در «انجمن پادشاهی ایران» و بمبگذاری یک حسینیه در شیراز بودند. یکی از این افراد (آرش رحمانی‌پور) در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشت و یک نفر متهم به عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران بود.

در تمامی این موارد گزارش‌هایی حاکی از اعترافات اجباری و شکنجه‌ی این افراد موجود است. همچنین اعضای خانواده و وکلای این افراد از زمان اجرای حکم اعدام بی‌خبر بودند.

از تعداد آمار موجود مقام‌های رسمی ایران تنها ۳۲ درصد از اعدام‌شدگان را با نام و نام خانوادگی معرفی کرده‌اند و تنها از گروه کوچکی از آنها اطلاعات بیشتری همچون سن اتهام و سن اعدام در دست است.

سازمان حقوق بشر ایران که گزارش این اعدام‌ها را منتشر کرده است در سال ۲۰۰۹ به عضویت «ائتلاف جهانی علیه اعدام» درآمد.

منبع: رادیو زمانه

—

راهکاری برای خروج از بن بست کانون عالی کارفرمایان ایران

2011-02-24 · Archive ID 307
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=307

ایلنا : اسفند سال 1389 سالگرد پایان اعتبار دوره قبلی هیئت مدیره کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان ایران است.مطابق ماده 131 قانون کار و آیین‌نامه چگونگی تشکیل و نحوه عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون های کارگری وکارفرمایی حداکثر زمان مجاز برای برگزاری مجمع عمومی وانتخابات کانون6 ماه بوده که در شهریور سال 1389 خاتمه یافته و با وجود برگزاری مجمع عمومی این کانون در پنجم آبان ماه سال 1389(که خارج از مهلت مقرر در قانون بوده)به علت اعتراضات زیاد به مجمع عمومی برگزار شده وهم چنین عدم فراگیر بودن این کانون هم چنان اعتبار کانون عالی کارفرمایان ایران در هاله ای از ابهام قراردارد.

ابطال یا عدم ابطال انتخابات کانون عالی کارفرمایان ؟

اخیرا در خبرگزاری وسایت های خبری وهم چنین برخی نشریات خبری درج شده بود با این عنوان « ابطال انتخابات کانون عالی کارفرمایان».جدای از پرداختن به صحت یا سقم این خبر وتکذیبه بعدی آن، موردی که جای ابهام دارد وهم چنان پاسخ های قانع کننده ای برای نگارنده این سطور و بسیاری از تشکل های صنفی کارفرمایی روشن نشده است،عدم تعیین زمانی برای روشن شدن موضوع وتعیین تکلیف این نهاد مهم کارفرمایی است.

با وجود ثبت بیش از 1600انجمن صنفی کارفرمایی در وزارت کار که در اقصی نقاط کشور پراکنده می باشندمشروعیت مجمع عمومی این کانون که با حضور کم تر از 140 انجمن صنفی آن هم عمدتا از سه صنف می باشد بیش از پیش زیر سئوال می رود.به عبارتی کانون عالی کارفرمایی ایران یعنی نمایندگی سه صنف وکمتر از 10 درصد انجمن های صنفی را دارا می باشد.

ضعف کارفرمایان در پرداختن به اهمیت تشکل گرایی

چند سالی است که بحث سه جانبه گرایی بسیار مهم تلقی شده وتوجه لازم به آن می باشد.ضلع دولتی این مثلث سه جانبه از قدرت قانونی واجرایی لازم برخوردار است وعلی رغم تصریح در واگذاری امور به بخش خصوصی نقش بیشتر تشکل های صنفی هم چنان در بحث ها وموارد فی مابین این سه ضلع نقش دولت اولی تر است.

ضلع دوم این مثلث سه جانبه گرایی که تشکل های کارگری می باشند نیز با توجه به قدمت وانسجام بیشتر این تشکل های فعال ، می توان گفت نقش پررنگ تری نسبت به ضلع سوم این مثلث سه جانبه گرایی دارند.ولی ضلع سوم سه جانبه گرایی که حداقل انتظار نقش برابر آن با تشکل های کارگری است، متاسفانه به این نقش نرسیده است .تکثر تشکل های کارفرمایی وبعضا تفرق وعدم اتحاد این تشکل ها،عدم همگرایی در تشکل های کارفرمایی، عدم پوشش لازم از طریق کانون عالی کارفرمایان ایران و...را می توان از دلایل این کم اثرگذاری دانست.

در طی چند ساله اخیرشاهد بودیم بدلیل انحصاری عمل شدن در کانون عالی انجمن های صنفی ومغایرت اساسنامه آن با آیین نامه تشکل های صنفی ، عملا استقبال لازم از تبعیت وعضویت در کانون عالی کارفرمایان نشده است.

نقش آیین نامه جدید تشکل ها در رفع ابهام وتشکیل کانون عالی قوی

در تاریخ سوم آبان ماه آیین نامه جدید انجمن ها وکانون های صنفی با امضای معاون اول رییس جمهورابلاغ شد.یکی از موارد مهم ایین نامه جدید تاکید صریح بر وضعیت اعضای مجمع کانون عالی است که در آن تصریح شده کانون های استانی ، سراسری وانجمن های سراسری فقط می توانند عضو کانون عالی کارفرمایان ایران شوند.در همین آیین نامه تصریح شده تشکل های موجود نیز موظفند نسبت به انطباق اساسنامه خود با آیین نامه جدید اقدام نمایند.حال در اساسنامه فعلی کانون عالی که منشا بروز اختلاف وعدم عضویت بسیاری از تشکل های صنفی به ویژه کانون های استانی ، انجمن های سراسری وکانون های سراسری شده این نکته اساسی نادیده گرفته شده است.

راهکاری برای خروج از بن بست کانون عالی کارفرمایان ایران

با توجه به صراحت موجود در قانون ورفع ابهام های قبلی حال که علی رغم گذشت یک سال از تاریخ اعتبار کانون عالی کارفرمایان ایران هم چنان رسمیت وتایید انتخابات مجمع مورخ1389/8/5در هاله ای از ابهام قراردارد ویک روز اعلام ابطال می شود وروز بعد خبر از تایید انتخابات ویا معرفی نماینده در شورای عالی کار و.. می شود. به عنوان عضو کوچکی از جامعه کارفرمایی ایران پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می گردد:

تشکیل مجمع عمومی فوق العاده کانون عالی واصلاح اساسنامه کانون وانطباق آن با آیین نامه جدید تشکل ها: علی رغم عدم وجاهت قانونی تشکیل این مجمع با توجه به سپری شدن مهلت شش ماهه از اسفند 88(مهلت برگزاری انتخابات جدید)با این حال این راهکار می تواند موجب استحکام بیشتری در جامعه کارفرمایی گردد.اصلی ترین موضوعی که بایستی در اساسنامه کانون عالی مد نظر قرارگیردترکیب اعضای مجمع عمومی است که بایستی مطابق ماده 131 وایین نامه اجرایی ان از کانون های استانی ، کانون های سراسری وانجمن های سراسری تشکیل شود.

تشکیل هیئت موسس جدید وثبت کانون عالی کارفرمایان ایران:
از دیگر راهکار های قانونی که اخیرابا استقبال وپیشنهاد بسیاری از تشکل های صنفی ارائه شده معرفی هیئت موسس جدید برای کانون عالی کارفرمایان ایران وانجام اقدامات اجرایی وقانونی برای تهیه اساسنامه جدید ودعوت به مجمع عمومی می باشد که باتوجه به مطابقت آن با قانون یحتمل تر است.
برابر اطلاعات واصله برای این مهم بسیاری از کانون های استانی ، کانون های سراسری وانجمن های سراسری تقاضای رسمی داده اند بطوریکه انجمن های تحت پوشش همین اعضای متقاضی اولیه بیش از 600 انجمن صنفی ثبت شده را پوشش می دهد(قریب 5 برابر اعضای فعلی کانون عالی)که در ترکیب اعضای هیئت موسس وکانون های استانی وسراسری وانجمن های سراسری بسیاری از تشکل های صنفی معتبر صنعتی وحرف وخدمات وجود دارند.بیش از 10 کانون استانی ،10کانون سراسری وبیش از 30 انجمن سراسری به عنوان اعضای هیئت موسس بیش از 600 انجمن را عضو خود دارند متقاضی تعیین وضعیت وتاسیس کانون عالی فراگیر می باشند که بسیار جای توجه وتامل دارد که البته ضمن معرفی هیئت موسس تقاضاهای خود را به وزارت کار منعکس نموده اند.
بنظر می رسد با توجه به بن بست موجود وقرارگرفتن درروز های پایانی سال که نیاز به حضور پر رنگ تر تشکل های کارفرمایی در مراجع قانونی ودفاع از حقوق همه کارفرمایان ایران می باشد (نه قشر خاص ومحود)، نقش بزرگان جامعه کارفرمایی ایران می تواند نقش پررنگ تری باشد که با حضور موثرتر خود موجب وفاق جامعه کارفرمایی ایران گردند .بزرگانی چون خلیلی عراقی ، احمدی زاده ، مروج حسینی،و...
امید است باحمایت پرشور وفراگیر تشکل های کارفرمایی بزودی شاهد رفع این مشکلات وشکل گیری فراگیرترین کانون عالی کارفرمایی ایران باشیم.
داوودجوانی ،فعال کارفرمایی

—

به نام جامعه مدنی، علیه جامعه مدنی

2011-03-18 · Archive ID 311
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=311

یک هیئت ۲۰ نفره ایرانی که خود را نمایندگان جامعه مدنی در ایران معرفی می کردند در شانزدهمین اجلاس جهانی حقوق بشر در ژنو حاضر شدند و به دفاع از عملکرد جمهوری اسلامی در حوزه حقوق بشر و جامعه مدنی پرداختند.

اهمیت حضور این هیئت، در این بود که اعضای آن، همراه هیئت رسمی جمهوری اسلامی وارد ژنو شده بودند و در پنل های مختلفی که در شورای حقوق بشر برگزار شد، برای به چالش کشیدن گزارشات سازمان های مستقل حقوق بشری و اظهارات فعالان مستقل ایرانی تلاش می کردند.

در نشستی که به میزبانی سازمان «ساودویند» برگزار شد، اعضای این هیئت، مدعی شدند که در حوزه هایی همچون «حمایت از زنان سرپرست خانوار» و «مقابله با خشونت علیه زنان» نیز «فعالیت های خیریه ای» فعالیت می کنند. و تاکید داشتند که در ایران آزادی کافی برای انجام دادن فعالیت های مدنی وجود دارد.

تشکل هایی همچون سازمان دفاع از قربانیان خشونت، انجمن ملل متحد ایران، انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده، موسسه مطالعات و تحقیقات زنان، موسسه خیریه حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی، بنیاد کودک و مرکز توسعه صلح پایدار، از جمله نهادهایی بودند که به همراه هیئت رسمی جمهوری اسلامی در ژنو حاضر شده بودند.

یکی از سخنگویان این هیئت در بخشی از اظهاراتش اعلام کرد که «ما در ایران به عنوان یک شبکه که متشکل از ۱۰۰۰ ان جی او است فعالیت می کنیم.». (ویدیوی سخنرانی هیئت ایرانی را اینجا می توانید ببینید).

این در حالی است که نمایندگان مستقلی که در این نشست حضور داشتند، گزارشاتی در خصوص سرکوبهای صورت گرفته علیه نهادهای مدنی، حقوق بشری، و محکومیت فعالان اجتماعی در ایران را قرائت کردند.

نمایندگان سازمان های مستقلی همچون کمپین بین المللی لغو مجازات مرگ در ایران و افراد مستقلی همچون سهراب مختاری، فرزند محمد مختاری، از جمله شرکت کنندگان در نشست جانبی شورای حقوق بشر سازمان ملل بودند.

برخورد با نهادهایی همچون کانون مدافعان حقوق بشر، ادوار تحکیم وحدت، کنشگران داوطلب، سازمان حقوق بشر کردستان، انجمن صنفی روزنامه نگاران و احضار، بازداشت و محکومیت اعضای این نهادها، تنها بخشی از سرکوب هایی است که در سالهای اخیر علیه نهادهای مدنی مستقل در ایران صورت گرفته است.

بهداد بردبار، فعال حقوق بشر ایرانی که یکی از سخنرانان نشست جانبی شورای حقوق بشر بود، در مورد تحرکات این هیئت ۲۰ نفره به عرصه سوم گفت: «ما مستقیما با این هیئت روبرو شدیم. آنها خیلی سعی می کردند که از صحبت کردن با ما پرهیز کنند. و در واکنش به این سوال که چرا از حقوق ما به عنوان بخشی از فعالان مدنی در ایران دفاع نمی کنید؟ جواب دادند: شما کارغیرقانونی و خلاف اخلاق و خلاف اسلام انجام داده اید.»

«نشست اسلام هراسی» یکی از پنل هایی بود که از سوی این هیئت برگزار شد و تعدادی از اساتید دانشگاه های آمریکا و دیپلمات ها نیز به آن دعوت شده بودند. هدف از برگزاری این نشست، به چالش کشیدن رفتار کشورهای غربی در نحوه برخورد با مسلمانان و دین اسلام بود. اما این نشست هم تبدیل به مکانی شد برای پرداختن به وضعیت حقوق بشر در ایران.

به گفته بهداد بردبار، در جریان جدل هایی که در حاشیه «نشست اسلام هراسی» اتفاق افتاد، یکی از اعضای این هیئت گفت:« من به خاطر موقعیت شغلی ام به اینجا آمده ام و از وضعیت حقوق بشر در ایران اطلاع دارم. از اتفاقاتی که در کهریزک افتاد. ما می دانیم که در ایران سرکوب وجود دارد.»

پروانه وحید منش، فعال حقوق بشر نیز درباره یکی از شرکت کنندگان این نشست که همراه هیئت ایرانی به این اجلاس آمده بود به «عرصه سوم» می گوید: «خانم بقایی، دبیر تاریخ من در دبیرستان فرهنگ بود. او با انصار حزب الله در ارتباط بود و نویسنده روزنامه یالثارات بود و هیچ نوع فعالیت حقوق بشری نداشت.»

و در آخر، مرتضی اصلاحچی یکی دیگر از شرکت کنندگان این اجلاس نتیجه می گیرد: «در مجموع تلاش های این هیئت هیچ نتیجه ای برای جمهوری اسلامی دربرنداشت و آنها عملا نتوانستند حضار را متقاعد کنند که وضعیت حقوق بشر در ایران وخیم نیست.»

—

درخواست انحلال «مجمع مدرسین حوزه علمیه قم»

2011-03-18 · Archive ID 315
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=315

خبرگزاری فارس از توقیف پروانه فعالیت "مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه‌ی قم" توسط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب خبر داده است. بر طبق این گزارش پرونده این تشکل برای "انحلال" به قوه قضائیه ارسال شده است.

کمیسیون ماده ۱۰ احزاب که زیر نظر وزارت کشور دولت محمود احمدی‌نژاد فعالیت می‌کند، در آخرین جلسه خود، اعلام کرده است: «از آنجایی که این تشکل سیاسی از بدو تاسیس نسبت به برگزاری مجمع عمومی و انتخاب شورای مرکزی برای پذیرش مسئولیت اقدام نکرده، پروانه آن توقیف شده است.»

این کمیسیون همچنین درخواست انحلال این تشکل اصلاح‌طلب را تصویب و برای صدور رأی نهایی به دستگاه قضایی ارسال کرده است.

مجمع، رقیبی جدی برای "جامعه"مجمع مدرسین و محققین حوزه‌ی علمیه قم، متشکل از روحانیون مدرس و محقق حوزه‌ی علمیه‌ی قم است که در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی در قم فعالیت خود را آغاز کرد. این تشکل می‌گوید که بر پایه‌های سیاسی "اصلاح طلبی، تغییر و اصول‌گرایی انقلابی اصیل" فعالیت می‌کند.

در میان اسامی بنیان‌گذاران مجمع مدرسین و محققین، نام‌های سرشناسی همچون آیت‌الله عبایی خراسانی، آیت‌الله موسوی تبریزی، آیت‌الله بیات زنجانی دیده می‌شود. تعدادی از مدرسان درس خارج حوزه علمیه قم، اساتید دانشگاه روحانی و شاگردان آیت‌الله منتظری نیز در میان اعضای این تشکل دیده می‌شوند.

اکثر اعضای این تشکل از منتقدان دولت ایران و نزدیک به جریانات اصلاح‌طلب هستند. دبیر کلی مجمع مدرسین و محققین حوزه‌علمیه قم بر عهده آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی است. آقای موسوی تبریزی، محقق حوزه و رییس خانه احزاب است. وی همچنین دادستان کل انقلاب در دوران رهبری آیت‌الله خمینی بود.

این مجمع در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته حمایت خود را از میرحسین موسوی اعلام کرد. همچنین از آغاز اعتراضات پس از انتخابات ریاست جمهوری نیز در کنار احزاب مشارکت و مجاهدین انقلاب اسلامی، از گروه‌های حامی "جنبش سبز" محسوب می‌شود.

این تشکل اصلاح‌طلب توانست در سالهای ریاست جمهوری محمد خاتمی نفوذ قابل‌توجهی در میان روحانیون جوان و ناراضی از سیاست‌های حکومت کسب کند. بدین ترتیب به یک رقیب جدی برای "جامعه مدرسین و محققین حوزه علمیه قم" تبدیل شد.

"جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم" در سال ۱۳۴۰ توسط روحانیونی همچون آیت‌الله منتظری، اکبر هاشمی رفسنجانی و آیت‌الله آذری قمی تاسیس شد. این تشکل هم‌اکنون از گروه‌های نزدیک به اصول‌گرایان است.

انحلال و ایجاد محدودیت احزاب منتقد پیش از این شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی با درخواست کمیسیون ماده ۱۰ احزاب رأی به انحلال "جبهه مشارکت ایران اسلامی" و "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" داد و با بازداشت شورای مرکزی این دو حزب، فعالیت آنها را در یک سال و نیم اخیر غیرقانونی خواند.

همچنین اعضای کمیسیون قضایی مجلس از این کمیسیون خواسته بودند که "حزب کارگزاران سازندگی" و مجمع روحانیون مبارز، به دلیل شرکت در اعتراضات سال گذشته منحل شوند.
"حزب اعتماد ملی" که دبیرکلی آن بر عهده مهدی کروبی است، نیز با بالا گرفتن اعتراضات عمومی به انتخابات جنجال برانگیز ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، از ادامه فعالیت خود بازداشته شده است.

بنیاد باران نیز که توسط محمد خاتمی، رییس جمهور پیشین ایران و با حضور برخی از وزرای دولت خاتمی و هاشمی و برخی نمایندگان ادوار مجلس تشکیل شده، توسط کمیسیون ماده ۱۰ احزاب تهدید به انحلال شده است.
منبع: دویچه وله فارسی

—

تصویب کلیات طرح تاسیس سازمانهای مردم نهاد

2011-03-19 · Archive ID 317
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=317

کلیات طرح تاسیس سازمان های مردم نهاد، از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

به گزارش مهر، کلیات این طرح روز چهارشنبه هفته گذشته در دستور کار مجلس قرار گرفت و با ۱۳۰ رای موافق، ۲۵ رای مخالف و ۱۶ رای ممتنع به تصویب رسید.

قرار است جزییات این طرح، بعد از تعطیلات نوروز مورد بررسی قرار بگیرد.

پیشتر نمایندگان در دی ماه ۱۳۸۹به کلیات این طرح رای نداده بودند اما با تقاضای جمعی از نمایندگان، این طرح مجددا در دستور کار مجلس قرار گرفت.

—

تایید حکم کاوه کرمانشاهی؛ ادامه حملات هدفمند علیه اعضای موثر نهادهای مدنی

2011-03-19 · Archive ID 319
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=319

در ادامه سرکوب های هدفمند علیه فعالان حقوق بشر، شعبه چهارم دادگاه تجدید نظر استان کرمانشاه، کاوه کرمانشاهی، روزنامه نگار و فعال مدنی را به تحمل چهار سال حبس تعزیری در زندان دیزل آباد محکوم کرد.

کاوه کرمانشاهی پیشتر در دادگاه بدوی به اتهام «عضویت در سازمان حقوق بشر کردستان» و «تبلیغ علیه نظام» از راه مصاحبه با رسانه های خارج از کشور به تحمل پنج سال زندان محکوم شده بود و دادگاه تجدید نظر به استناد مواد ۴۹۹ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی این حکم را برای وی صادر کرده است.

این فعال کرد در سال های گذشته علاوه بر همکاری با سازمان حقوق بشر کردستان، با کمپین یک میلیون امضا وادوار تحکیم وحدت نیز همکاری داشت و همچنین از مسئولان انجمن منحل شده ژیار کرمانشاه نیز بود.

او در بهمن ما سال گذشته دستگیر شد و حدود چهار ماه را در بازداشت بسر برد که از این میان ۸۰ روز در سلول انفرادی بسر برده بود. در این مدت، نیروهای امنیتی او را برای پذیرش اتهام «جاسوسی» تحت فشار قرار داده بودند. کاوه کرمانشاهی در طول مدت بازداشت خود، هفت روز را در اعتصاب غذا بسر برده بود و در نهایت پس از تحمل چهار ماه بازداشت با وثیقه ۱۰۰ میلیونی از زندان آزاد شده بود.

کاوه کرمانشاهی از جمله فعالان شاخص حقوق بشر است که در سال های گذشته تلاش های زیادی برای مستندسازی موارد نقض حقوق بشر در کردستان و نیز فعالیت های برابری طلبانه داشته است و از جمله فعالان خوشنامی است که به شکل مدنی، مسالمت آمیز و شفاف به دفاع از حقوق شهروندان کرد پرداخته است.

برخورد با کاوه کرمانشاهی، در ادامه برخورد نهادهای امنیتی و قضایی با فعالان مستقل حقوق بشر در ایران است. و می توان آن را دنباله حملات هدفمند دستگاه امنیتی علیه اعضای موثر نهادهای مستقل مدنی و حقوق بشری ارزیابی کرد.

پیشتر، محمد صدیق کبودوند، رییس سازمان حقوق بشر کردستان و همکار کاوه کرمانشاهی به اتهام تاسیس نهاد حقوق بشری به تحمل ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شده بود. او در حال حاضر برغم ابتلا به بیماریهای مختلف، در زندان بسر می برد و در حال سپری کردن دوره محکومیتش است. همچنین سایر اعضای فعال سازمان حقوق بشر کردستان نیز پیشتر با احضار، بازداشت و محکومیت مواجه شده بودند.

برخورد با چهره هایی همچون کاوه کرمانشاهی و محمد صدیق کبودوند و تلاش برای حذف سازمان حقوق بشر کردستان، این پرسش را مطرح می کند که حاکمیت با حذف نهادهای مستقل و خفه کردن صداهای مسالمت جو، به دنبال چیست و در صدد است کردستان ایران را به چه سمت و سویی بکشاند؟

فارغ از اینکه محکومیت چهار ساله به جرم دفاع از حقوق بشر، غیرقابل توجیه و غیرمنطقی است، حذف چهره های مدافع حقوق بشر در کردستان، نه به مصلحت جامعه و نه حکومت است و صرفا در خدمت منافع نیروهای امنیتی تندرو در کردستان است و می توان آن را واکنشی تلافی جویانه به فعالیت های حق طلبانه نسل جدید مدافعان حقوق بشر در کردستان دانست.

سیاست حذف یا ضربه زدن به نهادهای مستقل حقوق بشری در ماهها و سالهای گذشته همواره در دستور کار نیروهای امنیتی قرار گرفته است.

فشارهای امنیتی علیه شیرین عبادی، پلمپ دفتر و برخورد با اعضای کانون مدافعان حقوق بشر، کنشگران داوطلب، بازداشت و یا فشار بر فعالانی همچون عمادالدین باقی، شیوا نظرآهاری، کوهیار گودرزی و محکومیت وکلای مدافع حقوق بشر نظیر نسرین ستوده را می توان در چهارچوب پروژه سرکوب نهادهای مدنی و فعالان مستقل حقوق بشری ارزیابی کرد.

عرصه سوم برا این باور است که رفع تمامی این محدودیت ها، لغو احکام فعالانی همچون کاوه کرمانشاهی و تضمین آزادی فعالیت نهادهای مدنی، یکی از ضروری ترین وظایف دستگاه قضایی در چنین شرایطی است. نهادها و فعالانی که نه تنها تهدید به شمار نمی روند، بلکه فعالیت آنها برای هر جامعه پویایی ضروری و حیاتی است.

—

فاجعه کشتار زندانیان در قزل حصار و خلاء وجود نهادهای مدافع حقوق زندانیان

2011-03-21 · Archive ID 323
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=323

(اول فروردین ۱۳۹۰) عرصه سوم: در شب ۲۴ اسفند ۱۳۸۹ در زندان قزل حصار، زندانبانان با تعدادی از زندانیان درگیر شدند. به گفته نهادهای حقوق بشری این درگیری در پی اعتراض تعدادی از زندانیان به وضعیت خود و نیز اعتراضشان نسبت به احتمال اجرای چندین حکم اعدام در این زندان آغاز شد. منابع غیر رسمی از کشته شدن ۱۴ تن از زندانیان در جریان درگیری در زندان قزل حصار خبر داده اند. برخی گزارش ها حاکیست که زندانبانان از گلوله های جنگی برای مقابله با زندانیان استفاده کرده اند.

سازمان زندان ها و اقدامات تامینی در این ارتباط مدعی شده که «تعدادی از زندانیان شرور و قاچاقچیان مواد مخدر که حکم اعدام آن‌ها صادر شده است در یکی از بخش‌های زندان قزل حصار قصد داشتند با انجام خرابکاری در زندان مبادرت به فرار نمایند که با حضور مقتدرانه عوامل مسئول و همکاری سایر زندانیان که مخالف اقدام آن‌ها بودند در اجرای نقشه خویش ناکام ماندند.»

این سازمان در ادامه تاکید کرده که تحقیقات قضایی مرتبط با این درگیری آغاز شده است.

قطعا مسئولیت محافظت از جان زندانیان و نیز اتفاقاتی که در زندان قزل حصار افتاده بر عهده مسئولان زندان قزل حصار، و سازمان زندان ها و اقدامات تامینی است. این سازمان بجای این که مسئولیت فاجعه ای را که در زندان قزل حصار اتفاق افتاده به عهده بگیرد و عاملان کشتار زندانیان را شناسایی و به دستگاه قضایی معرفی کند، نه تنها آن ها را تبرئه می کند بلکه فراتر رفته و با تاکید بر «قاطعانه بودن اقدام ماموران زندان» کشتار زندانیان را تایید می کند.

در حالی که سازمان زندان ها و اقدامات تنبیهی، پیشاپیش عاملان به قتل رساندن زندانیان را تبرئه و حتی تشویق می کند، مشخص نیست تحقیقاتی که آن ها مدعی شده اند، با چه هدفی و توسط چه نهاد های مستقلی انجام خواهد شد.

کشته شدن این تعداد زندانی به هیچ عنوان اتفاق ساده ای نیست بلکه زنگ خطری است که هشدار می دهد که جان سایر زندانیانی که در حال حاضر دوره محکومیت شان را در زندان های ایران سپری می کنند، در خطر است. بروز این فاجعه، بیانگر این است که مسئولان سازمان زندان ها و اقدامات تامینی، به مهمترین وظیفه خود که محافظت از جان زندانیان و تضمین حق حیات آن ها است، پایبند نیستند و از خود سلب مسئولیت می کنند.

از سوی دیگر، اتفاقی که در زندان قزل حصار افتاد، بیانگر این واقعیت است که وجود نهادهای مستقلی که مدافع حقوق زندانیان هستند چقدر حیاتی و مهم است و در خلا چنین نهادهایی، زندانیان هیچ گونه حامی وپشتیبانی ندارند که از حقوق اساسی آنها به عنوان زندانی دفاع کند.

برخوردهای امنیتی با نهادهایی همچون انجمن دفاع از حقوق زندانیان که حامی حقوق زندانیان بوده و به تعطیلی کشاندن آن و بازداشت و محکوم کردن عمادالدین باقی؛ رئیس این انجمن بیش از پیش زندانیان را آسیب پذیرتر و بی پناه ترکرده است. بطوری که در غیاب نظارت چنین نهادهایی، وضعیت زندان های کشور روز به روز، وخیم تر شده و حقوق زندانیان کماکان نقض می شود. .

عرصه سوم، با یادآوری اینکه زندانیان فارغ از هر جرمی که مرتکب شده اند یا اتهامی که بر آن ها وارد شده است، باید از تمامی حقوق یک زندانی و در صدر آن ها حق حیات وتامین امنیت جانی برخوردار باشند، کشته شدن تعدادی از زندانیان توسط زندانبانان قزل حصار را محکوم می کند و ازدستگاه قضایی جمهوری اسلامی درخواست می کند تا توسط یک تیمی از محققان و وکلای مستقل، عاملان و آمران کشتار زندانیان را شناسایی کند و آن ها را مورد محاکمه عادلانه قرار دهد.

عرصه سوم همچنین از مسئولان جمهوری اسلامی درخواست می کند که از این فرصت استفاده کرده و تمامی محدودیت های اعمال شده علیه نهادهای مدافع حقوق زندانیان نظیر انجمن دفاع از حقوق زندانیان و کانون مدافعان حقوق بشر را لغو کنند واجازه دهد که این نهادها امور مربوط به تحقیق و محاکمه عاملان و آمران کشتار در زندان قزل حصار را به دست بگیرند. بدین ترتیب جامعه به مستقل و عادلانه بودن این محاکمه باورخواهد آورد.

عرصه سوم همچنین از کانون وکلای دادگستری به عنوان یکی از قدیمی ترین نهادهای مدنی ایران درخواست می کند تا در قبال چنین فجایعی به شکلی جدی و قاطعانه موضع بگیرد.

—

تداوم سیاست حذف غیرقانونی سازمان های مدنی در ایران: فشار بر دکتر ابراهیم یزدی برای استعفا از نهضت آزادی

2011-03-23 · Archive ID 328
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=328

(سوم فروردین ۱۳۹۰) عرصه سوم: در حالی خبر آزادی دکتر ابراهیم یزدی در روز یکشنبه ۲۹ اسفند ماه ۱۳۸۹ منتشر شد که خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران از استعفای وی از سمت دبیر کلی نهضت آزادی ایران خبر داد. این خبرگزاری استعفانامه یک خطی دکترابراهیم یزدی را به این شرح منتشر کرد: «بدین وسیله استعفاي خود را از پست دبير كلي نهضت آزادي ايران اعلام مي‌دارم».

ابراهیم یزدی، که ۸۰ سال سن دارد و مسن ترین زندانی سیاسی ایران به شمار می رفت، به سرطان پروستات و بیماری قلبی مبتلا است. او در یک سال و نیم گذشته سه بار بازداشت شده است. نیروهای امنیتی، اولین بار او را در بیمارستان دستگیر کردند؛ دومین بار، در حالی که آقای یزدی دو ماه در زندان بود، اعلام شد که به مرخصی آمده اما در واقع ماموران وی را به دلیل نارساییهای قلبی از زندان به بیمارستان منتقل کرده بودند تا عمل جراحی قلب باز روی او انجام شود. این چهره سرشناس سیاسی، آخرین بار روز ۹ مهر ۱۳۸۹ به اتهام «شرکت در نماز جمعه غیرقانونی» در اصفهان بازداشت شد و در زندان چندین بار به دلیل وخامت حالش، به بهداری منتقل گردیده بود .

آزادی آقای یزدی در حالی صورت می گیرد که او هفته گذشته (روز ۲۲ اسفند) قرار بود به اتهام «تاسیس نهضت آزادی ایران» محاکمه شود. وی از موسسان نهضت آزادی در داخل ایران نبوده و از بنیانگذاران این تشکل سیاسی در خارج از کشور بوده اما قوانین و مقررات ناظر بر تاسیس و فعالیت احزاب سیاسی و سازمان های جامعه مدنی تغییری پیدا نکرد.

خانواده دکترابراهیم یزدی در نامه ای که چهار ماه پیش خطاب به مسلمانان جهان نوشتند، تاکید کرده بودند: «حکومت جمهوری اسلامی برای منحل کردن یکی از قدیمی‌ترین جناح‌های سیاسی (نهضت آزادی ایران) آقای یزدی را تحت فشار مضاعف قرار داده تا وی دست از مخالفت در برابر سیاست‌های سرکوبگر حاکم بردارد».

استعفای آقای یزدی از سمتش را می توان به نوعی حاصل فشارهای شدید امنیتی جمهوری اسلامی بر نهضت آزادی بعنوان یکی از قدیمی ترین احزاب سیاسی در سه دهه گذشته دانست.

نهضت آزادی ایران، ۵۰ سال پیش تاسیس شد. اعضای این حزب در اولین سال های پس از انقلاب، در دولت موقت و شورای انقلاب حضور داشتند و ابراهیم یزدی نیز وزیر امور خارجه ایران در دولت موقت بازرگان بود. در سه دهه گذشته، همواره این حزب سیاسی با فشارها و محدودیت هایی مواجه بوده است. از جمله:

- در سال ۱۳۶۰ نهضت آزادی از کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب، درخواست صدور پروانه فعالیت کرد اما کمیسیون از صدور پروانه فعالیت خودداری کرد و این آغازی شد بر ایجاد محدودیت ها و فشار بر اعضای نهضت آزادی ایران.

- در سال ۱۳۶۱، «روزنامه میزان» که وابسته به نهضت آزادی بود، توقیف شد.

- نهضت آزادی در سال های پایانی جنگ هشت ساله ایران و عراق، رویکردی انتقادی نسبت به ادامه جنگ داشت و در آن دوره، نیروهای لباس شخصی بارها به دفتر این حزب حمله کردند و مزاحمت هایی برای اعضای آن ایجاد کردند.

- در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ که آقای محمد خاتمی برنده انتخابات شد ابراهیم یزدی و عزت الله سحابی رد صلاحیت شدند.

به رغم اینکه در قانون اساسی ایران، آزادی تشکل و تجمع به رسمیت شناخته شده است، اما عملا تشکیل سازمان های مدنی و احزاب سیاسی همواره از چالش های جامعه مدنی ایران بوده است. قوانین متعددی از جمله قانون کار، قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی از بعد قانونی، جامعه مدنی را برای تشکیل سازمان های اجتماعی و سیاسی با محدودیت روبرو کرده است. از نظر عملی نیز آئین نامه ها و بخشنامه های وزارتخانه ها بویژه کشور، کار، فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، و آموزش عالی و تحقیقات و فن آوری مسیر تشکیل سازمان ها و انجمن ها را دشوارتر کرده اند.

در دوره حاکمیت اصلاحات در ایران (۱۳۷۶- ۱۳۸۴) محدودیت های تشکیل سازمان های جامعه مدنی و احزاب سیاسی کمتر شد اما قوانینی ناظر برحق جامعه در تشکیل سازمان ها بدون هیچ مداخله ای از سوی دولت به تصویب نرسید. علیرغم اینکه بسیاری از سازمان های جامعه مدنی در این دوره به ثبت رسیدند و از ان جمله می توان به انجمن صنفی روزنامه نگاران، کانون های صنفی معلمان، حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اشاره کرد، اما همچنان برخی از سازمان های پیشرو و احزاب منتقد از جمله کانون مدافعان حقوق بشر ونهضت آزادی ایران از این حق محروم شدند. با این وجود فعالیت آن ها در دوره اصلاحات عملا با تهدید های شدید امنیتی همراه نبود.

اما در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد و بویژه پس از انتخابات سال ۸۸، موج جدیدی از فشارها بر احزاب سیاسی و سازمانهای جامعه مدنی از جمله نهضت آزادی آغاز شد.

- در سال ۱۳۸۸، پس از مناقشات حاصل ازاعلام نتایج دهمین انتخابات ریاست جمهوری، شماری از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی، احضار شدند. این حزب سیاسی تصمیم گرفت فعالیت های سیاسی خود را به شکل موقت متوقف کند.

- علاوه بر ابراهیم یزدی، مهدی معتمدی مهر، سارا و لیلا توسلی ؛ فرزندان محمد توسلی (رئیس دفتر سیاسی حزب)، امیر خرم، محسن محققی، مهدی قلی زاده و مازیار شکوهی، دیگر اعضای نعضت آزادی بودند که توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شدند.

از سیاست های مقابله با اعتراضات مردمی پس از انتخابات سال ۱۳۸۸، تشدید محدودیت ها بر احزاب سیاسی و سازمان های مدنی ای بود که در طی دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی تاسیس و ثبت شده بودند و یا اینکه بدون ثبت فعال شده بودند. این مقابله با احضار، بازداشت و محاکمه فعالان سیاسی و مدنی عضو این سازمان ها همراه بود. در تمامی قریب به یقین بازجویی های اعمال شده از فعالان سیاسی و مدنی که در تشکل ها نقش رهبری داشتند و رئیس هئیت مدیره یا از اعضای شورای مرکزی تشکل ها بودند خواسته می شد که ازحزب یا سازمان خود استعفا دهند.

احزاب مشارکت، ادوار تحکیم وحدت، کانون های صنفی معلمان، سندیکای کارگران شرکت واحد، انجمن های اسلامی دانشجویان و کمیته گزارشگران حقوق بشر همه نمونه های کوچکی هستند که اعضای رهبری آن ها بازداشت و محاکمه شدند و شرط آزادی آن ها استعفا از مقام خود بوده است. علت اصلی فشار بر اعضای رهبری سازمان ها بر استعفا این بود که طبق قانون انحلال یک سازمان یا حزب یا به حکم دادگاه یا با اعلام رسمی آن سازمان امکان پذیر است. طبیعی است که انحلال سازمان ها به دلیل استعفای جمعی اعضای رهبری آن ها راحت ترین کار است. باید یادآور شد که بسیاری از سازمان ها که پرونده آن ها به دادگاه برده شده، حکم انحلال دریافت نکرده اند.

در چنین شرایطی، متن استعفانامه ابراهیم یزدی، همزمان با آزادی اش از زندان -که از سوی خبرگزاری های دولتی منتشر شده است- تائید سیاست های مشخص زمینه سازی برای انحلال سازمان ها و احزاب سیاسی از راه فشار بر اعضای رهبری همان سازمان هاست.

عرصه سوم ضمن محکوم کردن اعمال فشار بر اعضای رهبری سازمان ها و احزاب برای استعفا، بویژه فشار بر دکتر ابراهیم یزدی و نهضت آزادی ایران، نه تنها خواستارتوقف این فشارهاست بلکه از مقامات مسئول می خواهد که به وظایف خود عمل کرده و زمینه های آزاد سازی فعالیت های اعضای جامعه مدنی را فراهم کنند. اصول ۱۹ و ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آزادی عقیده و بیان و نیز حق آزادی تشکیل اجتماعات و انجمن های مسالمت آمیز را به رسمیت می شناسد.

عرصه سوم با تاکید بر هشدار های قبلی خود مبنی بر فعالیت های سازماندهی شده برای نابودی جامعه مدنی بار دیگر یادآور می شود که پایداری توسعه در ایران نیازمند جامعه مدنی قوی، پویا و شاداب است و از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران ایجاد زمینه های قانونی و عملی آن است.

آزادي انجمن‌ها يكي از شاخص‌هاي مهم دموكراسي پايدار است . از اين رو ما خواهان تضمين آزادي حق تأسيس و فعاليت احزاب سياسی و سازمان‌هاي جامعه مدني بر اساس اعلاميه جهانی حقوق بشر و ، ميثاق‌هاي حقوق مدني-سياسي، حقوق اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي، كنوانسيون‌ها و مقاوله‌نامه‌هاي ۸۷ ۹۸ سازمان بين‌المللي كار هستيم.

—

تصویب گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد حاصل تلاش های خستگی ناپذیر و فداکاری های اعضای جامعه مدنی درایران

2011-03-24 · Archive ID 332
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=332

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد باید مشارکت و امنیت فعالان و سازمان های واقعی جامعه مدنی در ایران را در فرآیند تحقیق و تفحص تضمین کند.

عرصه سوم – چهارم فروردین ماه ۱۳۹۰- عرصه سوم تصویب اختصاص گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران را از سوی سازمان ملل متحد، مصوب چهارم فروردین ماه ۱۳۹۰، حاصل تلاش های خستگی ناپذیر فعالان و سازمان های جامعه مدنی درایران و پشتیبانی جامعه مدنی بین الملل می داند. عرصه سوم ضمن ارج گذاری بر این موفقیت امیدوار است که شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد با درنظر گرفتن شرایط واقعی درجامعه

ایران، سازوکاری تعبیه کند که در آن از حضور واقعی فعالان، سازمان های جامعه مدنی ایران، گروه ها و نیروهای فعال اجتماعی سرتاسر ایران درفرآیند تحقیق و تفحص اطمینان حاصل شود.

جامعه مدنی ایران در سال های اخیر در جریان اطلاع رسانی درخصوص وضعیت حقوق بشر ایران با تهدیدهای فراوانی روبرو شده، مورد حمله و هجوم قرار گرفته و فعالان آن محاکمه و زندانی شده اند. بعلاوه، دولت همسو با این حملات سازمان یافته، دو اقدام مشخص در راستای نابودی جامعه مدنی درپیش گرفته است. اولین تلاش دولت، سازماندهی و ایجاد جامعه مدنی وابسته به نیروهای امنیتی - نظامی است که همه عرصه ها و حوزه های اجتماعی و سیاسی را پوشش می دهند. نمایندگانی از جامعه مدنی وابسته به این نهادهای امنیتی و نظامی، در همین نشست شورای حقوق بشر حضور داشتند؛ از «قربانیان خشونت» و «مرکز مطالعات و تحقیقات زنان» گرفته تا «شبکه ارتباطی زنان» و «بنیاد کودک» که به دفاع از سیاست های ضد حقوق بشری دولت به نام جامعه مدنی در این نشست پرداختند. دومین اقدام بسیار خطرناک دولت ایران، تصویب کلیات طرح جامع «قانون تاسیس و فعالیت سازمان های غیردولتی» است که کلیات آن علیرغم مخالفت های جدی در داخل کشور، بطورغیر قانونی، برخلاف آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و با اعمال فشار نهادهای امنیتی و نظامی، در روزهای پایانی سال ۱۳۸۹ خورشیدی به تصویب رسید. تصویب شتاب زده این طرح نشانگر درجه اهمیت آن بعنوان ابزار از بین بردن همه روزنه های شکل گیری و فعال شدن جامعه مدنی واقعی است. عرصه سوم بطور تفصیلی این طرح را تحلیل کرده است و در مورد پیآمدهای آن هشدار داده است.

در چنین شرایطی، اولین گام پس ازتصویب اختصاص گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران و برای اطمینان از کارآیی چنین نهادی، تدوین ساز و کاری مناسب برای دسترسی به جامعه مدنی واقعی ایران است. همچنین لازم به یادآوری است که در سال های گذشته دیدار سازمان های بین المللی معتبر همچون کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری منجر به بازداشت، محاکمه و زندانی شدن کارگران شجاعی شد که تلاش کرده بودند در این دیدارها حقایقی را در مورد وضعیت کارگران در ایران روشن کنند. عرصه سوم مایل است یاداوری کند که در سال گذشته میلادی پارلمان اتحادیه اروپا تلاش کرد در بازدیدی که از ایران دارد، با تعدادی از فعالان اجتماعی و مدنی قرار ملاقات بگذارد. همان اولین تماس ها از طریق سفارت خانه ها با فعالان مدنی، منجر به بازداشت وسیع و همزمان فعالانی شد که مورد تماس قرار گرفته بودند و بلافاصله دولت ایران دیدار هئیت پارلمانی اتحادیه اروپا را لغو کرد.

عرصه سوم بر این باور است که اعضای پیشرو جامعه مدنی از همه اقشار و گروه ها؛ سیاسی، مدنی، کارگری، زنان و کودکان، دانشجویان، اقوام و گروه های مختلف مذهبی، باید نسبت به چگونگی استفاده بهینه از این فرصت بطور جامع و همه جانبه بیندیشند وبرای بهره مندی بهینه ازاین امکان و تضمین امنیت همه آحاد جامعه، طرحی ارائه و جامعه جهانی را هدایت کنند.

عرصه سوم با استقبال از تصویب اختصاص گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، خواستار تدوین سازوکار مناسب از سوی این شورا است. این سازو کار باید با تحلیلی مناسب از شرایط ویژه ایران، نسبت به حضور وسیع و جامع همه فعالان و سازمان های جامعه مدنی واقعی در فرآیند تحقیق و تفحص اطمینان حاصل کند، ضمن اینکه امنیت جانی و سلامتی همه آن ها را تضمین می کند. قربانیان نقض حقوق بشر، زندانیان سیاسی و غیر سیاسی و خانواده های آن ها و نیز خانواده های اعدام شدگان باید در فضای کاملا آزاد و بدون هیچگونه تهدیدی بتوانند بخشی ازفرآیند تحقیق و تفحص باشند. فراتر از زندانیان و اعدام شدگان، باید همه حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای تضمین بهره مندی جامعه از کلیه حقوق اقتصادی، مدنی، سیاسی و فرهنگی مندرج دراسناد بین المللی، مورد تحقیق و بررسی قرارگیرند. در تدوین این سازو کار باید فعالان و سازمان های جامعه مدنی ایران در داخل و خارج از کشور بطور وسیع مشارکت داده شوند.

—

دروری دایک در گفتگو با عرصه سوم: جمهوری اسلامی باید به شکل واقعی با گزارشگر ویژه همکاری کند

2011-03-25 · Archive ID 335
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=335

شورای حقوق بشر سازمان ملل روز گذشته، قطعنامه اختصاص گزارشگر ویژه حقوق بشر را برای ایران به تصویب رساند. عرصه سوم در ارتباط با اهمیت صدور این قطعنامه، وظایف گزاشگر ویژه و ضرورت های بعد از صدور این قطعنامه، با دروری دایک، مسئول بخش ایران در سازمان عفو بین الملل مصاحبه کرده است. این مصاحبه در پی می آید.

آقای دایک، اهمیت تعیین گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران در چیست و در مجموع شما به عنوان نماینده یک سازمان بین المللی، این تصمیم شورای حقوق بشر را چطور ارزیابی می کند؟

برای ما امروز یک روز غم انگیزی است. از این نظر که این قطعنامه در پی عدم همکاری جمهوری اسلامی با گزارشگران دائمی سازمان ملل صادر شد. در خلا این نوع همکاری، بالاخره دنیا و نمایندگان کشورهای مختلف دنیا در شورای حقوق بشر تصمیم گرفتند یک گزارشگر ویژه در مورد وضعیت ایران تعیین کنند. هر چند این می تواند در نهایت اقدام مثبتی باشد اما برای ایرانیان، نهادهای حقوق بشری در ایران، وکلا و قضات و آن هایی که در سیستم قضایی کار می کنند و ترجیح می دهند کارشان را در فضای سالم و درستی انجام بدهند، یک اقدام غم انگیزی بود. معنایش این است که ایران متاسفانه با نهادهای معمولی سازمان ملل همکاری نکرده و الان به جای آن یک گزارشگر ویژه تعریف کرده اند؛ وضعیتی‌مشابه دو سه کشور دیگری که مقامات ایران شاید دوست نداشته باشند با آن کشورها مقایسه شوند.

متاسفانه وضعیت حقوق بشر در ایران طی یک روند طولانی به وضعیت بحرانی رسیده است. تنها امسال، حداقل براساس آمار رسمی، ۱۱۶ نفر اعدام شده اند و گزارش های معتبر دیگری هم نشان می دهد که افراد دیگری هم به طور پنهانی اعدام شده اند. این فقط در مورد حکم اعدام و اجرای آن است. همچنین ما نمی توانیم فراموش کنیم که وضعیت حقوق بشراز بعد از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۹ تا اکنون، خیلی بحرانی تر شده است. ما شاهد دستگیری های خودسرانه هزاران معترض بودیم. بعد از آن، صدها تن از آن ها در دادگاه های ناعادلانه محاکمه شدند. ما نمونه های مختلفی از شکنجه را دیدیم و صحبت های قربانیان شکنجه را شنیدیم، و موارد متعددی از بدرفتاری های ماموران با شهروندان و فعالان را ثبت کردیم. ما شاهد فشارها بر فعالان حقوق بشر ایران اعم از دانشجویان، وکلا و خبرنگاران بودیم. رفتاری که با آن ها صورت گرفت، به هیچ وجه قابل قبول نبوده و مغایر معیارهای بین المللی است. متاسفانه از یک جهت باید غمگین بود؛ اینکه مقامات ایرانی نتوانستند با مردم خودشان با احترام رفتار کنند.

به باور شما، مهمترین مسئولیت هایی که متوجه گزارشگر ویژه است و نیز اصلی ترین انتظاراتی که از وی دارید کدام ها است؟

به نظر من وظیفه اصلی این گزارشگر - که باید دیر یا زود تعیین شود- این است که همه معیارهای بین المللی مربوط به حقوق بشر را بررسی کند و در صورتی که در ایران نقصی در پیوند با این معیارها وجود داشته باشد، باید به دنیا و اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل اعلام کند. همچنین وظیفه دیگری در قبال مسئولان ایران دارد. این گزارشگر می تواند ساز و کارهایی به مقامات ایرانی پیشنهاد بدهد تا وضعیت حقوق بشر در ایران بهبود بیابد. در صورتی که قضات واقعا می خواهند در دادگاه هایشان و در مرحله اعاده دادرسی، براساس قراردادهای بین المللی رفتار کنند، گزارشگر ویژه می تواند راه کارهایی به آن ها ارائه دهد. ما البته پیشنهادمان به مقامات ایرانی این است که آن ها از خود حسن نیت و همکاری نشان دهند تا وضعیت حقوق بشر در ایران بهتر شود و از این طریق زمینه برای لغو این قطعنامه و خاتمه کار گزارشگر ویژه فراهم شود. تنها راه این مهم، همکاری واقعی جمهوری اسلامی با گزارشگر ویژه است.

با توجه به پیشینه جمهوری اسلامی و نحوه تعامل آن با گزارشگران سازمان ملل، اینبار، در صورتی که جمهوری اسلامی اجازه فعالیت به گزارشگر ویژه ندهد، عملا چه اتفاقی می افتد؟

در گذشته یعنی آخرین باری که گزارشگر ویژه تعیین شد این رفتار را از مقامات ایرانی دیده ایم. در آن موقع دولت ایران برای اولین سفر گزارشگران سازمان ملل به ایران مانعی ایجاد نکرد و در اولین گزارش هایی که این افراد نوشتند، نظر آن ها نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران، مساعد بود. بعد، به مرور نمایندگان سازمان ملل با تجربه ای که کسب کردند، متوجه شدند که برداشتی که در ابتدا داشتند، صحیح نبوده و به تدریج با قربانیان شکنجه و خانواده های زندانیان سیاسی روبرو شدند و واقعیت های موجود را درک کردند. امیدوارم کسی که اینبار از سوی شورای حقوق بشر تعیین می شود، در خصوص مسائل ایران، مطلع تر باشد. بخصوص اینکه سیستم ارتباطی ما بهتر از گذشته است. همچنین ما از مقامات ایرانی درخواست می کنیم که همکاری بهتری با سازمان های بین المللی، بویژه سازمان ملل و نهادهای مختلف آن داشته باشند. در حال حاضر، سطح همکاری مقامات ایرانی با نهادهای وابسته به سازمان ملل - که در ایران حضور دارند - خیلی کم است. امیدوارم این رویه هم عوض شود. طوری که در آینده مقامات ایران پی ببرند که همکاری کردن با نهادهای بین المللی به نفع مردم خودشان است.

شما به عنوان نماینده عفو بین الملل از گزارشگر ویژه ای که قرار است تعیین شود چه انتظاری دارید؟

اولا انتظار داریم بتوانیم با گزارشگری که تعیین می کنند در تماس باشیم. توصیه می کنیم به شکل مفصل قوانین ایران و آن دسته از قوانین را که مغایر معیارهای بین المللی هستند، بررسی کنند. همچنین توصیه می کنیم که رفتار نهادهای امنیتی و قضایی کشور را به شکل دقیق رصد نمایند. لطفا به این موضوع مهم توجه کنید: چطور می شود اعترافات تلویزیونی مختلفی ببینیم آن هم در روزهای قبل از محاکمه؟ یا در مورد یک خانم در تبریز، چطور است که «پرس تی وی» می تواند با ایشان مصاحبه کند، درست در همان زمانی که او حق ندارد با وکیل خودش تماس داشته باشد؟ و موارد مختلف دیگری نظیر تجاوز به دختران و پسران در زندان، از جمله مواردی هستند که نیاز به بررسی دارند.

در خاتمه می خواستم در خصوص «قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی» که هفته پیش کلیات آن در مجلس به تصویب رسید، نظرتان را جویا شوم. عرصه سوم طی هفته های گذشته بارها در مورد پیامدهای خطرناکی هشدار داده است که تصویب این طرح می تواند برای جامعه مدنی در پی داشته باشد.. این نگرانی وجود دارد که در روزها یا هفته های آینده این طرح در مجلس تصویب شود. در چنین شرایطی برای پیشگیری از این اقدام چه باید کرد؟

تصویب این قانون عواقب بسیار سنگینی برای جامعه مدنی در پی خواهد داشت. به نوعی این قانون، جامعه مدنی را با خطر محو شدن مواجه می سازد. ما خیلی نگران تصویب آن هستیم و نگرانی خودمان را با نهادهای دیگر در میان می گذاریم، با اتحادیه اروپا و کشورهای مختلف. ما می گوییم که این لایحه برای جامعه مدنی ایران یک اقدام استثنایی است. در صورت تصویب این لایحه، نهادهای مدنی تحت نظارت و کنترل دولت و نهادهای امنیتی قرار می گیرند و این خلاف روندی است که در دنیا جریان دارد. این قانون تهدیدی جدی برای نهادهای مدنی به شمار می رود. هر چند ما در حال حاضر هم در خصوص نهادهایی که وابسته به دولت هستند نگرانی هایی داریم.

—

بی بی سی: سازمان های غیردولتی در برزخ مجلس ایران

2011-03-26 · Archive ID 338
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=338

فعالان مدنی در داخل و خارج ایران نسبت به سرانجام قانون مربوط به فعالیت نهادهای مدنی در این کشور ابراز نگرانی کرده اند.

طرح جدیدی که کلیات آن به تصویب مجلس ایران رسیده است، فعالیت سازمان های غیر دولتی را تنها بر اساس مجوز دستگاه های سیاسی و امنیتی مجاز می داند، امکان همکاری با سازمان های غیردولتی بین المللی و از جمله سازمان ملل را بسیار محدود می کند و چنین همکاری هایی را زیر نظر دولت قرار می دهد.

کلیات طرح "قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمان های مردم نهاد" هفته گذشته در دستور کار مجلس قرار گرفت و با ۱۳۰ رای موافق، ۲۵ رای مخالف و ۱۶ رای ممتنع به تصویب رسید.

قرار است جزییات این طرح، بعد از تعطیلات نوروز مورد بررسی قرار بگیرد.

نمایندگان مجلس ایران در دی ماه ۱۳۸۹به کلیات این طرح رای نداده بودند، اما این طرح با تقاضای جمعی از آنها مجددا در دستور کار مجلس قرار گرفت.

سازمان های غیردولتی به عنوان ادامه دولت

محمد رضا محسنی ثانی، نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس ایران در یادداشتی که در روز جمعه پنجم فروردین ۱۳۹۰ توسط خبرگزاری مجلس ایران منتشر شد، فعالیت سازمان های غیردولتی را در چارچوب اصل خصوصی سازی فعالیت های دولت بر اساس اصل ۴۴ تعریف کرده و وظیفه اصلی آنها را فعالیت در زمینه مبارزه با اعتیاد و فعالیت های خیریه دانسته است.

آقای محسنی ثانی گفته است که در دهه ۸۰ خورشیدی "سیل ناهنجاری‌ها از بُعد مواد مخدر، طلاق و بداخلاقی‌های اجتماعی رو به فزونی بود و سیر صعودی در این زمینه غیرقابل اغماض است."

نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به این که نمی توان انتظار داشت که دستگاه های دولتی در مقابله با آسیب های اجتماعی موفق باشند، اظهار امیدواری کرده است که سازمان های مردم نهاد بتوانند تصدی این کار را به جای دولت بر عهده بگیرند.

این اظهارات نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس ایران در حالی ابراز شده است که پیش از این دولت ایران حمایت از سازمان های غیر دولتی را مقید به انجام طرح های همسو با دولت کرده بود.

مهدی شریفی، سرپرست اداره کل سازمان‌های مردم نهاد وزارت کشور در دی ماه سال گذشته گفت که "حمایت ریالی دولت" از سازمان‌های مردم نهاد منوط به "ارائه طرح و برنامه همسو با سیاست دولت و حفظ نظام" است.

در همین حال فعالان نهادهای مدنی که خواهان پذیرش آزادی فعالیت سازمان های غیر دولتی توسط دولت هستند، قانون مورد بررسی در مجلس را محدود کننده حق سازمان های غیر دولتی دانسته اند.

سازمان های غیردولتی به عنوان حق جامعه مدنی

پایگاه خبری "عرصه سوم" که خود را نهاد اطلاع رسانی مستقل فعالان مدنی در ایران معرفی می کند طرح تصویب شده در مجلس را خلاف قانون اساسی دانسته و نوشته است که حق فعالیت آزادانه سازمان های غیر دولتی در اصل ۲۶ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است.

منتقدان می گویند که طرح جدید به جای توجه به حقوق مندرج در اصل ۲۶ قانون اساسی، فعالیت نهاد های مدنی را در چارچوب واگذاری تصدی گری دولت دانسته که به گفته این منتقدان از اساس با تعریف سازمان های غیر دولتی در جهان متفاوت است.

دروری دایک، گزارشگر بخش ایران در سازمان عفو بین الملل، تصویب این طرح با شرایط فعلی را دارای عواقبی سنگین برای جامعه مدنی ایران دانسته و گفته است که این قانون "نهادهای مدنی را در کنترل دولت و نهاد های امنیتی قرار می دهد."

آقای دایک همچنین گفته است که با تصویب این قانون خطر محو شدن سازمان های غیر دولتی در ایران وجود دارد.

در حالی که طرح جدید حق فعالیت سازمان های غیردولتی برای فعالیت را منوط به اجازه وزارت کشور و تایید وزارت اطلاعات می داند، فعالان مدنی مستقل در ایران می گویند که فعالیت سازمان های غیر دولتی نیازمند

مجوز دولت نیست و تنها باید به ثبت قانونی برسد. به گفته این فعالان حق فعالیت خود بنیاد نهاد های مردمی، اصلی است که در قوانین بین المللی به رسمیت شناخته شده است.

توسعه اختیارات مالی

فعالان مدنی در ایران می گویند که طرح جدید اختیارتی را به دولت داده است که امکان توقف فعالیت سازمان هایی را فراهم می کند که سال ها فعالیت کرده اند.
بنا بر گزارش سایت "عرصه سوم" در طرح در حال بررسی "کلیه انجمن ها و سازمانهای مدنی که قبلا توسط اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی ثبت شده اند، باید خود را بار دیگر با شرایط مقرر در این قانون تطبیق داده و مجددا خود را به ثبت برسانند و اگر در این فرایند تایید نشوند، به دستور هیئت عالی، پروانه آنها ابطال و فعالیت آنها غیر قانونی اعلام خواهد شد".

همچنین فعالان مدنی می گویند که "حق انحلال غیراختیاری سازمان های غیردولتی قبلا در اختیار دستگاه قضایی بود و تا حدودی امکان مداخله دستگاه امنیتی را با مشکل مواجه می کرد... اما در قانون جدید تنها قدرت مطلقه در عرصه جامعه مدنی، هیت عالی نظارت است که کلیه امور تاسیس، انحلال و نظارت برفعالیت سازمان های غیر دولتی برعهد دارد. ترکیب این هیئت تشکیل شده از پنج نماینده دولتی، نمایندگان قوه قضاییه، وزارت خارجه، وزارت اطلاعات، امور اوقاف، امور مساجد، نیروی مقاومت بسیج و سازمان تبلیغات اسلامی است".

منبع: بی بی سی فارسی

—

دویچه وله: «خطر تصویب قانونی که به مرگ جامعه مدنی می‌انجامد»

2011-03-27 · Archive ID 341
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=341

قرار است پس از تعطیلات نوروز مجلس شورای اسلامی باز در مورد "قانون ناظر بر تأسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی" رای بدهد. هدف از تصویب این طرح قانونی و پیامدهای آن چیست؟ گفت‌وگو در این مورد با سهراب رزاقی، جامعه‌شناس.
دکتر سهراب رزاقی جامعه‌شناس و از بنیان‌گذاران وبسایت اینترنتی "عرصه سوم" است که به مباحث مربوط به جامعه مدنی، دمکراسی و حقوق بشر می‌پردازد.
دویچهوله: آقای دکتر رزاقی، طرح "قانون ناظر بر تأسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی"، یکبار در دیماه سال گذشته در مجلس مطرح شد و رأی نیاورد. تعدادی از نمایندهها خواستهاند که این طرح دوباره در مجلس طرح و به رأی گذاشته شود. ممکن است برایمان بگویید که نکات کلیدی این طرح که نمایندگان طرفدارش بر آن پافشاری میکنند، چیست؟ و چه چیزی قرار است در عمل صورت بگیرد؟

سهراب رزاقی: شاید بهتر باشد قدری به گذشتهتر و سابقهی این طرح برگردیم. چون این طرح برای اولین بار در دیماه ۱۳۸۷ از طرف تعدادی از نمایندگان مجلس به صورت یک طرح یکفوریتی به مجلس آورده شد. در آن زمان، یکفوریت طرح رأی نیاورد و قرار شد بهصورت عادی در مجلس مورد بررسی قرار بگیرد و طرح به کمیسیون اجتماعی ارجاع شد. این طرح در کمیسیون با حضور دستگاه‌ها و موسسات دولتی بدون حضور نمایندگان سازمانهای جامعه مدنی طی دو سال مورد بررسی قرار گرفته و سپس دوباره در دیماه سال ۸۹ در صحن علنی مجلس مطرح شد که بازهم کلیات آن رأی نیاورد و رد شد.
بعد از رد کلیات این طرح، نمایندگان طرفدار دولت و نیروهای خارج از مجلس فشار آوردند که این طرح دوباره در دستور کار مجلس قرار بگیرد. علیرغم آنکه طرح دوباره خلاف آییننامهی داخلی خود مجلس است و طرح و لایحه‌ای که رد میشود، تا شش ماه قابل طرح مجدد نیست، ولی به دلیل اینکه حدود ۵۰ نفر از نمایندگان طرفدار دولت فشار آوردند؛ و همینطور بهدلیل فشارهای بیرونی از سوی نهادهای امنیتی و نظامی، این طرح

روز ۱۱ اسفند سال ۸۹ دوباره در دستورمجلس قرار می‌گیرد که اینبار کلیات آن با ۱۳۰ رأی موافق بهتصویب رسید. جزییات طرح نیز قرار است بعد از تعطیلات عید نوروز مورد بررسی قرار بگیرد.
بنابراین من فکر میکنم اگر روند این طرح را بررسی کنیم، به این نتیجه میرسیم که نمایندگان مجلس چندان اقبالی به این طرح نداشتهاند و حداقل به عنوان اولویت برایشان مطرح نیست. آنچه مطرح است، فشار بیرونی دولت و نیروهای امنیتی - نظامی است که به دنبال اجرایی کردن این طرح هستند.

اینکه نیروهای امنیتی نظامی به دنبال این طرح هستند، دلایل متعددی دارد اما یکی از مهمترین علل آن، سیاست جایگزینی و سیاست جامعهی مدنیسازی دولتی است که دولت در سال‌های اخیر بویژه پس از وقایع ۲۲ خرداد در دستور کار خود قرار داده است. چون دولت نهم و دهم، دو سیاست را در رابطه با سازمانهای غیردولتی و جامعه مدنی دنبال می‌کنند؛ یکی سیاست سرکوب فعالان و سازمان‌های جامعه مدنی مستقل است. اما در کنار آن، دولت به دنبال یک جامعهی مدنیسازی دولتی است. یعنی سازمانهایی را شکل بدهد که به عنوان ابزار اجرایی دولت عمل کنند. در حال حاضر دولت در چارچوب این طرح سیاست جایگزینی و جامعه مدنی‌سازی دولتی را دنبال میکند.

این سیاست را در عمل با چه مبنای قانونی میخواهند پیاده کنند؟

طرحی که اکنون در مجلس مطرح است، دارای موادی است که میشود بر مبنای آن سیاست جایگزینی و جامعه‌مدنی‌سازی دولتی را پیش برد. یکی از بندهای این قانون، تأسیس نهادی با عنوان هیأت عالی نظارت است که به شکل هرمی فعالیت میکند. یعنی شامل هیأت عالی نظارت در سطح ملی، هیأت نظارت استانی و شهرستان است که یک قدرت مطلقه است و تمام امور مربوط به سازمانهای غیردولتی و نهادهای مدنی ازجمله تأسیس، فعالیت و انحلال آن را در برمیگیرد. به این معنا که هم اجازهی ثبت میدهد، هم نظارت و کنترل میکند و هم خودش حکم به انحلال می‌دهد. یعنی قدرت مطلقهای است که بر همهی زوایا و امور سازمانهای مدنی و غیردولتی احاطه و سلطه دارد.
از طرف دیگر، همهی سازمانهایی که تاکنون در طول چندین سال گذشته تأسیس شدهاند، باید ظرف شش ماه بروند خودشان را دوباره بر مبنای این طرح به ثبت برسانند. یعنی خود را با شرایط جدید تطبیق بدهند. این اقدام به معنای ساماندهی مجدد و حذف سازمانهای مدنی مستقل است. من فکر میکنم یکی از مهمترین نکاتی که در این طرح وجود دارد، نابودی استقلال سازمانهای مدنی و غیردولتی است.

آیا این طرح همهی سازمانهای غیردولتی را در برمیگیرد؟ یعنی حتی مثلاً سازمانی که قرار است کمکهای بهداشتی بکند، یا سازمانی که خیریه است؟

دقیقاً. یکی از نکات کلیدی این بحث این است که تمام سازمانهایی که بر اساس قوانین متعدد بهوجود آمدهاند، اعم از نهادهای فرهنگی، هنریای که بر اساس مجوز وزارت ارشاد شکل گرفتهاند، یا نهادهایی که بر مبنای قانون تجارت اصول ۵۸۴ و ۵۸۵، مقررات مالی دولت یا قوانین دیگر در رابطه با امور خیریه‌ای، بهداشت و درمان و مددکاری شکل گرفتهاند، همهی این موارد را دربرمیگیرد و بسیار گسترده است. فکر میکنم کمتر سازمانی است که در این چهارچوب نگنجد. حتی بخشی از قانون احزاب (ماده ۲ قانون قانون احزاب) را هم در برمیگیرد.

شما به عنوان کسی که در زمینه جامعهی مدنی تحقیق میکند و فعالیت دارد می‌توانید توضیح دهید که خود نمایندگان مجلس که گفتید اکثراً مخالف این طرح بودهاند، چه استدلالی آوردهاند؟

آنچه که در گفت‌وگو ها فهمیده می‌شود آنست که نمایندگان عمدتاً بدلیل فشارهای بیرونی وادار شده‌اند که به این اقدام تن بدهند. چون وزارت اطلاعات و وزارت کشور در ایران از مدتها پیش به دنبال اجرایی کردن این قانون بوده‌اند. آنها حتی منتظر تصویب این قانون در مجلس نمانده‌اند، بلکه الان عملا در حال اجرایی کردن آن هستند و براساس آن تلاش می‌کنند تا جامعه مدنی مورد نظر خود را سامان بدهند.
این طرح محدودیت‌های جدی برای اقدام‌های داوطلبانه و مدنی ایجاد می‌کند. بعنوان نمونه به برخی موارد اشاره می کنم.
یکی از این موارد موضوع تاسیس است که سازمان‌های مدنی و غیردولتی را به شدت محدود کنند. یعنی بر اساس این طرح، هرفرد داوطلبی نمیتواند بیاید و یک سازمان غیردولتی تشکیل بدهد و حداقل باید سه پنجم از

هیات اعضای موسس و هیات مدیره افراد متخصص و دارای مدرک علمی باشند. در صورتی که نهادهای مدنی، نهادهای داوطلبانه است و هر فردی که علاقهمند باشد، باید بتواند اینکار را انجام بدهد. یعنی جزو حقوق اولیهی هر فرد است که بتواند داوطلبانه در عرصههای مختلف اجتماعی فعالیت کند. به عبارت دیگر، انسداد و انقباض جامعه مدنی مستقل مهمترین هدف طراحان این قانون است.
دوم ایجاد محدودیت در تأمین منابع مالی برای نهادهای مدنی است. بر اساس این طرح، حتی یک سازمان خیریهای، برای جمعآوری اعانه نیاز به مجوز از دولت دارد و خودش رأساً نمیتواند بدون اجازهی دولت، حتی از مردم اعانه جمعآوری کند. در صورتیکه صدها سال از عمر خیریهها میگذرد که به صورت داوطلبانه از کمکهای مردمی بهره میگیرند و همواره تلاش میکردهاند بخشی از مشکلات جامعه را حل کنند، از قبیل کمک به فقرا و... در این طرح، حتی آنها هم باید برای ایجاد صندوق جمعآوری اعانه مجوز بگیرند. همچنین سازمانهای مدنی و غیردولتی برای انجام پروژههای دولتی نیز باید از هیات نظارت مجوز بگیرند. این امر بیانگر بدبینی و عدم اعتماد حتی به دستگاههای دولتی است.
محدودیت دیگری که این طرح ایجاد میکند، در زمینهی ارتباط سازمانهای غیردولتی با سازمانهای بینالمللی، شرکت در همایشها و حتی کارگاههای آموزشی است. همهی این فعالیتها باید با مجوز صورت بگیرند. این طرح ارتباط سازمانهای غیردولتی با دنیای بیرون را کاملاً قطع میکند. بر اساس این طرح، حتی این سازمانها نمیتوانند شبکههایی در بین خود سازمانهای غیردولتی ایجاد کنند. فقط میتوانند شبکههای تخصصی ایجاد کنند.
همهی اینها نشانگر آن است که دولت در صدد اشغال همهی فضای مدنی است و میخواهد آن را به نفع خودش مصادره کند. این مهمترین نکتهای است که در این طرح دیده میشود.

آیا مطرح شدن این طرح به معنای آن نیست که با وجود فشارهایی که در چند سال اخیر، بهخصوص بر فعالان مدنی بوده، باز دولت خود را از کنترل فعالیتهای مردم ناتوان دیده است؟

دقیقاً. اگر سیاست سرکوب بهنتیجه میرسید ، خودبهخود دیگر نیازی نبود که چنین طرحی را به تصویب برسانند. اما از طرف دیگر، دولت هم فهمیده است بدون حضور جامعه مدنی نمیتواند در عرصه داخلی و بین المللی عمل کند. از اینرو بدنبال جامعه مدنیسازی دولتی است. نمونهی آن را ما در نشست شورای حقوق بشر در چند هفتهی اخیر دیدیم که دولت ایران یک تیم ۲۰-۳۰ نفره ازفعالان سازمانهای غیردولتی و مدنی را بسیج کرده بود که در اجلاس شورای حقوق بشر، برای دفاع از سیاستهای ضدحقوق بشری دولت ایران، حضور داشتند. دولت فهمیده است که نقش این نهادها در صحنهی بینالمللی مؤثر است و حتی سعی میکند نهادهایی که خودش خلق میکند، یعنی نهادهای رام، مطیع و دستآموز را ایجاد کند که بر اساس آن بتواند در صحنهی بینالمللی هم مشارکت کند. اما از ایجاد سازمانهای مستقل وحشت دارد و سعی میکند بر اساس این طرح، از ایجاد سازمانهای مستقل جلوگیری کند.
من فکر میکنم یکی از نکات مهم که باید به آن توجه کنیم، در ارتباط با گزارشگر ویژهی حقوق بشر است که در نشست اخیر شورای حقوق بشر برای ایران تصویب شد و قرار است تا چند ماه آینده آن گزارشگر تعیین شود. مهمترین نگرانی آنست که دولت ایران بخواهد در غیاب فعالان وسازمانهای جامعه مدنی واقعی و مستقل، از جامعه مدنی وابسته برای پیشبرد برنامه و سیاستهای خود استفاده کند. به همین خاطر باید تلاش کنیم مکانیسمی طراحی شود که فعالان و سازمانهای جامعه مدنی مستقل بتوانند با گزارشگر تماس برقرار کنند و صدای مردم ایران را منعکس کنند و نگذارند دولت با بهرهگیری سازمانهای جامعه مدنی وابسته، برسیاستها و اقدامات ضد حقوق بشری سرپوش بگذارد. طراحی این مکانیسم هم وظیفه فعالان و سازمانهای جامعه مدنی ایرانی است و هم گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر.

در حال حاضر، واکنش جامعهی مدنی ایران و سازمانهای غیردولتی را چطور میبینید؟ تا چه حد نسبت به این طرح اعتراض کردهاند؟

اولاً شرایط داخلی ایران، شرایط عادیای نیست. یعنی فضایی بهشدت امنیتی و نظامی است و خیلی نباید انتظار داشت که حرکتهای خیلی مشخصی بروز پیدا کند. ولی تعدادی از سازمانهای غیردولتی از قبل به دنبال این طرح بودند و در صدد لابی کردن و گفتوگو با نمایندگان مجلس هستند. تقسیم کاری که دربین فعالان مدنی درون ایران صورت گرفته است که هرکدام از آنان با نمایندگان شهر خودشان تماس بگیرند و سعی کنند پیامدهای این طرحها را توضیح بدهند و نگذارند این طرح به شکل حاضر به تصویب برسد.
ولی من فکر میکنم، در عین حال که نیروهای فعال در داخل کشور علیرغم فشارهای امنیتی و نظامی به وظیفه

مدنی خود عمل می‌کنند، باید جامعهی مدنی خارج از کشور در این امر فعال باشد و بتواند صدای جامعهی مدنی ایران را منعکس کند و از همهی مجامع و سازمانهای بینالمللی بخواهد که در مقابل این طرح سکوت نکنند و نگذارند این طرح به تصویب برسد و اجرایی بشود. چون اجرایی شدن این طرح، به معنای مرگ سازمانهای جامعهی مدنی و غیردولتی در ایران است.

منبع: دویچه وله فارسی

مصاحبه‌گر: کیواندخت قهاری
تحریریه: داود خدابخش

—

بیانیه مشترک عفوبین الملل و عرصه سوم: خطر نابودی سازمان های مستقل جامعه مدنی

2011-04-04 · Archive ID 355
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=355

- ایران: خطر نابودی سازمان های مستقل جامعه مدنی

امروز دو سازمان غیر دولتی؛ عفوبین الملل و عرصه سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ایران خواستند که پیش نویس طرحی را در مجلس به چالش بکشند که بر مبنای آن امتیاز ثبت همه سازمان های غیر دولتی فعال در ایران عملا لغو خواهد شد.

بر اساس این طرح همه سازمان های غیردولتی که خواهان ادامه فعالیت و یا شروع به کارهستند باید توسط ساختار نظارتی جدیدی که اعضای آن وابسته به وزارت اطلاعات و بسیج هستند، تائید شوند و تصمیم های اساسی درفعالیت های اجرایی همه سازمان های غیر دولتی توسط این ساختار جدید گرفته شود.

عفو بین الملل و عرصه سوم بر این باورند که طرح "تاسیس و نظارت برفعالیت های سازمان های غیردولتی" ضربه ای است که با آن میخ دیگری بر تابوت حق آزادی انجمن و تشکل ها در ایران کوبیده می شود.

سازمان های بسیارمتنوعی ازجامعه مدنی درایران؛ از محیط زیست و زنان گرفته تا خیریه ها و سازمانی هایی که برای معلولین و انجمن های حرفه ای وکارفرمایی فعالیت می کنند، با این طرح مخالفت کرده و فعالانه از نمایندگان مجلس خواسته اند تا از تصویب این طرح به شکل کنونی آن خودداری کنند.

کلیات این طرح بدون رعایت امور حقوقی و قانونی مجلس شورای اسلامی، پس از دو بار مطرح شدن درصحن علنی مجلس شورای اسلامی بتصویب رسیده است و بررسی جزئیات آن برای بعد از تعطیلات نوروزی برنامه ریزی شده است.

عرصه سوم این طرح را بطورکامل تحلیل کرده و گزارش آن تحت عنوان "خطر قانونی کردن طرحی که جامعه مدنی را جوانمرگ می کند" درآذرماه 1389 منتشرشد. بر اساس این تحلیل، طرح جدید، قدرت انحلال همه سازمان های غیر دولتی را به تشکیلات غیر پاسخگوی جدیدی تحت عنوان "هئیت عالی نظارت بر فعالیت های سازمان های غیر دولتی" واگذار می کند.

هئیت عالی نظارت بر فعالیت های سازمان های غیردولتی که ریاست آن برعهده وزارت کشور است، دربرگیرنده نمایندگانی از قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، وزارت امورخارجه، سازمان اوقاف و امور مساجد، و بسیج است و در آن تنها حضور یک نماینده از سازمان های غیردولتی پیش بینی شده است. هئیت نظارت همچنین نهایت اقتدار را برهئیت مدیره سازمان های غیر دولتی اعمال می کند، توزیع منابع میان سازمان های غیر دولتی را دراختیار می گیرد، واین طرح هر گونه نظارت و نقد دولت و نهادهای وابسته به آن را منع می کند.

هرسازمان غیردولتی که مایل به ارتباط با سازمان های بین المللی و یا هر نوع مشارکتی در فعالیت های بین المللی است، باید قبل از هر گونه اقدامی از این هئیت نظارت مجوز دریافت کند.

عفو بین الملل و عرصه سوم اعلام کردند که بنظرمی رسد که طرح تاسیس و نظارت بر فعالیت های سازمان های غیر دولتی ناقوس مرگ جامعه مدنی را درایران به صدا در می آورد. جامعه مدنی ایران از زمان به قدرت رسیدن احمدی نژاد در سال 1384 تحت فشارهای شدیدی قرار گرفته است. از آن زمان تاکنون فعالان جامعه مدنی بخاطر فعالیت های مدنی خود با آزار و اذیت، تهدید و بازداشت روبرو شده اند و سازمان های آن ها عموما بدون حکم دادگاه بسته شده اند. برخی از این فعالان جامعه مدنی به احکام درازمدت حبس و یا شلاق محکوم شده اند، و بسیاری دیگر از ترس جان خود و با بی میلی کشور را ترک کرده اند.

عفو بین الملل و عرصه سوم اظهار تاسف می کنند که همزمان با این امر که جامعه بین المللی با تصویب گزارشگر ویژه آزادی تشکل در شانزدهمین نشست شورای حقوق بشر، اهمیت آزادی تشکل و انجمن را به رسمیت شناخته است، مقامات ایرانی نهایت تلاش خود را برای محدود کردن حقوق اولیه آزادی انجمن و تشکل بکار می برند.

زمینه های قبلی
آزادی تشکل و انجمن در ماده 22 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی که ایران نیز یکی از امضاء کنندگان آن است، تضمین شده است. در این ماده تاکید شده است که "هر کسی حق آزادی تشکل و انجمن با دیگران را بنفع خود دارد که این حق دربرگیرنده حق تشکیل اتحادیه های کارگری هم هست."

عفو بین الملل یک جنبش جهانی است که بیش ازسه میلیون حمایت کننده، عضو و فعال در بیش از 150 کشور و سرزمین دارد که این افراد برای پایان دادن به تجاوزهای شدید به حقوق بشر مبارزه می کنند. چشم انداز عفوبین الملل این است که هر فرد از همه حقوق تصریح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر معیارهای بین المللی حقوق بشربهره مند شود.عفوبین الملل به هیچ دولتی، ایده ئولوژی سیاسی، منافع اقتصادی یا مذهبی وابسته نیست و اساسا بودجه آن توسط اعضا و یا کمک های عمومی تامین می شود.

عرصه سوم سازمانی غیر دولتی و غیر انتفاعی است که در سال 1389 در آمستردام هلند با هدف ارتقاء و ترویج صلح، دموکراسی و حقوق بشر تشکیل شد. هدف این سازمان کمک به ظرفیت سازی فعالان و سازمان های جامعه مدنی و ترغیب به توسعه یک فضای پرشور و نیرومند برای فعالیت ها و اقدامهای مدنی است. همکاری میان سازمان های جامعه مدنی برای ایجاد یک جنبش حقوق مدنی سیاسی همبسته و قوی که بتواند رشد کند و موفق شود، اهمیت اساسی دارد. عرصه سوم امیدوار است که به کانونی برای سازمان ها و فعالانی تبدیل شود که برای دستیابی به هدف آزادی، دموکراسی و صلح با یکدیگر همکاری می کنند.عرصه سوم مایل به بسط همکاری ها با سازمان های جامعه مدنی ایرانی و بین المللی است.

برای اطلاعات بیشتر با دفتر مطبوعاتی عفو بین الملل در لندن، انگلستان، تماس بگیرید:

تلفن: 5566 7413 20 44+

ایمیل:press@amnesty.org

آدرس:دبیرخانه اموربین الملل، عفو بین الملل
Easton St., London, WC1X 0DW, UK 1

--

سهراب رزاقی، عرصه سوم

تلفن: +31 650457367

ایمیل: sohrab.razaghi@arsehsevom.net

وبسایت: http://www.arsehsevom.net

آدرس: هلند، آمستردام
De Wittenstraat 25, 1052 AK Amsterdam, The Netherlands

—

روزآنلاین: کودتای دولت و مجلس علیه جامعه مدنی

2011-04-07 · Archive ID 379
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=379

بالاخره بعد از مدت ها بحث و جدل در مجلس، طرح نظارت بر سازمان های غیر دولتی علیرغم هشدار نهادهای جهانی مدافع حقوق بشر، با اکثریت آرای نمایندگان به تصویب رسید و نظارت بر آن به عهده نهادهای دولتی و امنیتی از جمله سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، بسیج، نیروی انتظامی، سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت کشور سپرده شد.
بنابر این طرح سازمان‌های غیر دولتی از کمک های مالی دولت محروم و برگزاری تجمع و راهپیمایی از سوی آنها منوط به کسب اجازه از "مراجع ذیربط" شده است. این طرح با اکثریت آرای نمایندگان به تصویب رسیده اما برخی از نمایندگان هم از آن انتقاد کرده اند.
راهپیمایی سیاسی ممنوع
نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تصویب بندی از طرح فعالیت و نظارت بر آنچه "سازمان‌های مردم‌نهاد" خوانده شده، اجازه برگزاری اجتماعات و راهپیماییهای غیر سیاسی پس از کسب مجوز از مراجع ذیربط را صادر کردند.
به گزارش خبرآنلاین، سازمان های غیر دولتی حق دارند متناسب با حوزه فعالیت تخصصی خود با رعایت قانون مذکور و سایر قوانین و مقررات مربوط در چارچوب اساسنامه خود مواردی را لحاظ کنند و به فعالیت بپردازند .
"ارائه خدمات مورد نیاز جامعه، اظهار نظر و پیشنهاد راهکارهای مناسب به دستگاه های اجرایی و نهادهای ذیربط و همچنین برگزاری اجتماعات و راهپیمایی ها به صورت غیر سیاسی پس از کسب مجوز از مراجع ذیربط" از جمله حدود این فعالیت ها است.
یک روز قبل از تصویب این طرح، بند مربوط به تجمعات و راهپیمایی ها در مجلس با مباحثه طولانی نمایندگان روبرو شد و موافقت و مخالفت برخی از نمایندگان را به دنبال داشت.
محمد دهقان، عضو هیات رئیسه مجلس، با طرح پیشنهاد حذف این تبصره گفت : "اصل برگزاری راهپیمایی سبقه سیاسی دارد و با برگزاری تجمعات متفاوت است. از این رو اگر چه ما با برگزاری تجمعات مشکلی نداریم اما باید برگزاری راهپیمایی را از این قانون حذف کنیم تا زمینه سوء استفاده فراهم نشود."
مصطفی کواکبیان، نماینده اصلاح طلب سمنان در مجلس، با انتقاد از پیشنهاد حذف این تبصره گفت : "چرا باید زمینه هرگونه راهپیمایی را حذف کنید. این مخالف با اصل 27 قانون اساسی است که برگزاری تجمعات و راهپیماییهای بدون حمل سلاح را مجاز میداند."
در اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است: "تشکیل اجتماعات و راهپیماییها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است."
مشارکت مقامات خارج از "عنوان" ممانعت ندارد
بر اساس طرح نظارت بر سازمان های غیر دولتی که چارچوب فعالیت های آن روز دوشنبه، 15 فرودین ماه با با 144 رای موافق، 2 رای مخالف و 12 رای ممتنع به تصویب رسید، سازمان های "مردم نهاد" که از این پس در قانون به آنان "سازمان" گفته می شود "به تشکلی اطلاق می گردد که در راستای اهداف عام المنفعه و صنفی توسط گروهی از اشخاص حقیقی و حقوقی غیر حکومتی به صورت داوطلبانه و با رعایت مقررات ذیل در چارچوب قانون اساسی مبانی اعتقادی و ارزش های اخلاقی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران تاسیس شده و واجد شرایط غیر انتفاعی و غیر سیاسی است."
به گزارش خبرگزاری مهر، مقرر شده است که سازمان های غیر حکومتی به سازمان هایی گفته شود که دستگاه های حکومتی در تاسیس و اداره آن دخالت نداشته باشند. مشارکت مقامات و کارکنان حکومتی در صورتی که خارج از عنوان و سمت آنها باشد مانع وصف غیر حکومتی سازمان نخواهد بود.

نمایندگان مجلس همچنین تصویب کردند که از این پس "سازمان های مردم نهاد" به سازمان هایی غیر سیاسی اطلاق شود که فعالیت آن مشمول قانون احزاب نبوده و یا له یا علیه افراد و جریانات سیاسی تبلیغ نکنند.
این گزارش می افزاید: "بر اساس تصمیم مجلس، مراجع نظارتی بر اساس این قانون عبارتند از قوه قضائیه، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و دستگاه های تخصصی مربوط به آن و همچنین هیات موسس و جمعی از اشخاص حقیقی یا حقوقی که سازمان را تاسیس می نمایند."

کمک به NGO ها ممنوع

در ادامه بررسی جزئیات طرح تاسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان های مردم نهاد در جلسه علنی مجلس، خبرآنلاین روز چهارشنبه، 17 فرودین با اشاره به اینکه "هدیه، اعانه و هبه اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی میتواند یکی از منابع مالی سازمان‌های مردم‌نهاد باشد" گزارش داد در یکی از بندهای این طرح، به کمکهای مالی دولت به NGOها اشاره شده بود که نمایندگان با آن مخالفت و از اصل طرح خارج کردند.
نکته قابل توجه اینکه طبق تبصره دو این مصوبه، «سازمان» موظف است پیش از دریافت هرگونه کمک اعم از نقدی و غیرنقدی از آژانس‌های وابسته به سازمان ملل متحد و دیگر منابع کمک کننده خارجی اعم از حقیقی یا حقوقی، میزان کمک و موضوع آن را به صورت مشروح حسب مورد جهت اخذ مجوز به هیات عالی اعلام نماید.
این در حالیست که در تشریح ماده 12 این طرح، که تاسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان‌های مردم‌نهاد و چارچوب فعالیت این سازمان‌ها مشخص شده، صدور مجوز برای فعالیتهای بینالمللی NGOها، مشروط به تایید وزارت خارجه شده است.

میخ دیگری بر تابوت آزادی

این طرح در شرایطی به تصویب رسید که همزمان با بررسی آن در مجلس شورای اسلامی، سازمان عفو بین‌الملل و تشکل عرصه سوم، دو سازمان فعال در زمینه دفاع از حقوق بشر، با صدور بیانیه مشترکی نسبت به تصویب "طرح تاسیس و نظارت بر فعالیت سازمان های غیر دولتی" هشدار داده بودند.
این دو نهاد حقوق بشری این طرح را ضربه ای که با آن "میخ دیگری بر تابوت حق آزادی انجمن و تشکل ها در ایران کوبیده می شود" توصیف کرده اند.
عفو بین الملل و عرصه سوم در بیانیه مشترک خود اعلام کردند: "بنظرمی رسد که طرح تاسیس و نظارت بر فعالیت های سازمان های غیر دولتی ناقوس مرگ جامعه مدنی را درایران به صدا در می آورد. جامعه مدنی ایران از زمان به قدرت رسیدن احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ تحت فشارهای شدیدی قرار گرفته است. "
در طرح مورد انتقاد این دو سازمان "هیات عالی نظارت بر فعالیت های سازمان های غیردولتی که ریاست آن برعهده وزارت کشور است، دربرگیرنده نمایندگانی از قوه قضائیه، وزارت اطلاعات، وزارت امورخارجه، سازمان اوقاف و امور مساجد، و بسیج است و در آن تنها حضور یک نماینده از سازمان های غیردولتی پیش بینی شده است."
عفو بین الملل و عرصه سوم از نمایندگان مجلس ایران خواسته بودند که از تصویب این طرح خودداری کنند.
پیشتر عرصه سوم که سازمانی غیر دولتی و غیر انتفاعی است و با هدف ارتقاء و ترویج صلح، دموکراسی و حقوق بشر تشکیل شده است، در هشداری، تصویب این طرح را عاملی برای "جوانمرگ" کردن جامعه مدنی ایران توصیف کرده بود.
طرح قانون ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی در دهم دی ماه در صحن علنی مجلس مطرح شد اما پس از اظهار نظر موافقان و مخالفان، کلیات طرح به رای گیری گذاشته شد که تا روز گذشته به تصویب نرسیده بود.
آنزمان نمایندگان مجلس با ۶۵ رأی موافق، ۲۴ رأی مخالف و ۱۱ رای ممتنع با کلیات این طرح موافقت نکردند و از دستور کار مجلس خارج شد اما پس از رد این طرح، نمایندگان طرفدار دولت نسبت به روند بررسی طرح اعتراض کردند.
عرصه سوم در مورد زمینه طرح ناظر بر تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی نوشته است: " این طرح یک بار دیگر در سال ۱۳۸۶ از سوی تعدادی نمایندگان مجلس با قید یک فوریت به هیات رئیسه مجلس ارائه شده بود که با به رای گذاشتن آن در 1387 و پس از اظهار نظر موافقان و مخالفان، یک فوریت طرح به تصویب نرسید و طرح به کمسیون امور اجتماعی مجلس برای بررسی بیشتر ارجاع شد و کمیسیون ضمن بررسی و انجام تغییرات جدی در محتوای طرح با تصویب آن، برای طرح درصحن علنی به هیات رئسیه مجلس ارائه شد."

موافقان و مخالفان

منتقدین دولت معتقدند سازمان های های غیر دولتی پس از بر سر کار آمدن محمود احمدی در نژاد در 1384 با

تهدید ها و فشارهای جدی مواجه بوده و "شمار زیادی فعالان جامعه مدنی بخاطر فعالیت های مدنی خود با آزار و اذیت، تهدید و بازداشت روبرو شده اند و سازمان های آن ها عموما بدون حکم دادگاه بسته شده اند. برخی از این فعالان جامعه مدنی به احکام درازمدت حبس و یا شلاق محکوم شده اند، و بسیاری دیگر از ترس جان خود و با بی میلی کشور را ترک کرده اند."
حامیان حکومت و احمدی نژادکه روز گذشته با اکثریت آرا طرح نظارت بر سازمان های غیر دولتی را به تصویب رساندند، بر این اعتقادند که در فقدان چنین نظارتهایی امکان دخالت "بیگانگان" تقویت می شود.
منبع: روزآنلاین

—

جرس: طرح نظارت بر سازمان های غیردولتی؛ نهادهای مدنی در مسلخ قانون

2011-04-08 · Archive ID 382
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=382

سازمان های غیر دولتی ایران در معرض تهدیدی حیاتی قرار گرفته اند و در صورت تصویب نهایی طرحی که مجلس شورای اسلامی هم اینک آن را در دست بررسی دارد بسیاری از نهادهای جامعه مدنی منحل خواهند شد. بنابراین طرح، تمامی سازمان های غیر دولتی که خواستار ادامه فعالیت یا شروع به کار باشند باید مورد تایید یک نهاد نظارتی جدید قرار گیرند که اعضای آن وابسته به وزارت اطلاعات و نیروی بسیج خواهند بود. کنشگران نهادهای مدنی با ابراز نگرانی نسبت به تصویب این طرح گفته اند که حکومت در صدد قلع و قمع باقیمانده سازمان هایی است که هنوز به فعالیت مستقلانه خود ادامه می دهند.

از نگاه آنها هدف اصلی طرح " تاسیس و نظارت بر فعالیت سازمان های غیر دولتی" تثبیت شرایط پلیسی و امنیتی در جامعه و مسدود کردن آخرین روزنه های فعالیت سازمان های مردم نهاد است. برخی نهادهای غیردولتی در داخل و خارج از کشور طی روزهای اخیر از نمایندگان مجلس خواسته اند که مانع از تصویب این طرح شوند اما بعید است که درخواست آنها از جانب اعضای مجلس ایران برآورده شود.

میخی دیگر بر تابوت نهادهای مدنی
سازمان های جامعه مدنی ایران عمدتا میراث دوران اصلاحات است و در فضای سیاسی پر فراز و نشیب آن سالها به تدریج رشد کیفی و کمی پیدا کرده و به اعمال وظیفه ذاتی خود برای نظارت و نقد قدرت پرداختند. بسیاری از این سازمان ها به ویژه آنها که در حوزه های حقوق بشری فعالیت می کردند از همان ابتدا آماج تهدیدهای حکومت بودند و با اخلال های فراوان برای انجام فعالیت هایشان مواجه می شدند اما انتخابات ریاست جمهوری دو سال پیش که به تسلط کامل محافظه کاران بر ساخت قدرت منجر شد تهدیدها علیه نهادهای مدنی را نیز به بالاترین حد رساند. طی دو سال گذشته بسیاری از نهادهای معتبر جامعه مدنی مانند "انجمن حمایت از حقوق زندانیان" و "کانون مدافعان حقوق بشر" توسط مقام های حکومتی تعطیل شدند و گردانندگان آن تحت تعقیب قضایی قرار گرفتند. بسیاری دیگر هم به ناگزیر فعالیت های خود را کاهش داده و با شرایط موجود منطبق شدند با این حال آنها هم از حساسیت های حکومت مصون نبوده اند. این سازمانها اکنون با بزرگترین چالش دوران حیات خود روبرو هستند و ناظران می گویند تصویب طرح تازه مجلس پایانی بر حیات تمام سازمانهای مستقل جامعه مدنی ایران خواهد بود. بیانیه ای که به تازگی از سوی دو تشکل فعال در زمینه حقوق بشر یعنی " عرصه سوم " و " عفو بین الملل" منتشر شده، نیز با تاکید بر عواقب تبدیل طرح مجلس به قانون گفته که این اتفاق "میخ دیگری بر تابوت حق آزادی انجمن و تشکل ها" در ایران خواهد زد.
تغییر صورت مساله
طرح تاسیس و نظارت بر فعالیت سازمان های غیردولتی نخستین بار در سال 1386 توسط گروهی از نمایندگان مجلس ارائه شد اما یک فوریت آن به تصویب نرسید و برای بررسی بیشتر به کمیسیون اجتماعی ارجاع شد. در سال 1387 هم مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی پیش نویس دیگری برای این طرح ارایه کرد ولی در نهایت کمیسیون اجتماعی پیش نویس سال 1386 را مبنا قرار داد و با اعمال اصلاحات فراوان در آن نسخه کنونی طرح را آماده کرده است. تحلیلگران با مقایسه پیش نویس این طرح ها می گویند که

نویسندگان نسخه نهایی تجربیات ماه های پس از انتخابات در مقابله با جامعه مدنی را بکار گرفته اند تا سازمان های غیردولتی را عملا در اختیار نیروهای نظامی و امنیتی قرار دهند. بر مبنای این طرح وظیفه ذاتی نهادهای مدنی یعنی نظارت بر قدرت از آنجا سلب شده و این مساله در تعارض با ماده 182 قانون برنامه سوم مصوب سال 1379 است که در آن وظایف تشکل های غیر دولتی " تقویت نظارت های سازمان یافته مردمی بر فعالیت دستگاه های دولتی تعریف شده است". از دید ناظران طرح تازه مجلس نه تنها نظارت نهادهای مدنی بر قدرت را سلب کرده بلکه اساسا صورت مساله را تغییر داده و نهاد قدرت را مسوول نظارت بر عملکرد سازمان های مدنی دانسته است.

پدرخوانده ای از جنس دیکتاتوری

با وجود این که سازمان های غیردولتی بنابر ماهیت خود هم ردیف با هم تعریف می شوند و به اصطلاح جامعه شناسانه رابطه ای افقی دارند در طرح تازه مجلس شورای اسلامی رابطه ای سلسله مراتبی برای آنها تعریف شده است. در این تعریف نظارت بر سازمان های غیر دولتی بر عهده سه هیات قرار گرفته که اکثریت اعضای آن از نیروهای حکومتی هستند. هئیتهای شهرستان و استان وظیفه نظارت بر فعالیتهای سازمانهای غیر دولتی را به عهده دارند و هیات عالی نیز یک مرجع عالی سیاستگذاری و تصمیم گیری و نظارت در امور سازمانهای مردم نهاد است. هیات عالی نه تنها وظیفه سیاستگذاری برای تاسیس یک سازمان غیر دولتی بلکه حق صدور رای انحلال را نیز در اختیار دارد و اقدامات روزمره همچون راهپیمایی و تجمع نیز باید از فیلتر هئیت عالی بگذرد چرا که بررسی تقاضا برای هر گونه تجمع و راهپیمایی هر سازمان غیر دولتی باید به هئیت عالی گزارش شود و پس از بررسی از طرف این هئیت به مراجع ذیربط منتقل بشود. به این ترتیب سازمان های غیر دولتی صاحب یک نهاد عالی برای سیاست گذاری می شوند که اعضای آن را 5 نماینده سابق دولتی، نمایندگان قوه قضائیه، وزارت امورخارجه، وزارت اطلاعات، امور اوقاف، امور مساجد، نیروی مقاومت بسیج،سازمان تبلیغات اسلامی و یک نماینده از سازمان های غیردولتی تشکیل می دهند. ترکیب اعضای هیات عالی نظارت بر نهادهای غیردولتی به خوبی نیت طراحان آن را برملا می کند. این هیات عالی درباره همه فعالیت های سازمان های مردم نهاد دخالت خواهد کرد و سازمان هایی که این دخالت را برنتابند محکوم به انحلال خواهند بود. برای نمونه در صورت تصویب این طرح هر گونه عضویت نهادهای مدنی در سازمانهای بین المللی و هر گونه همکاری و فعالیت بین المللی آنان باید با مجوز هئیت عالی انجام شود، هرگونه تصمیم برای توزیع اعتبارات و تسهیات به سازمانهای غیر دولتی در چارچوب سیاستها و تصمیمات هئیت عالی صورت می گیرد و هرگونه همکاری نهادهای مدنی با آژانس ها و نهادهای خارجی باید پس از تایید هیات عالی انجام گیرد و شرکت اعضای این نهادها در مجامع خارجی نیز تنها در صورت کسب مجوز از هیات عالی امکان پذیر است.

جامعه مدنی جعلی

کنشگران مستقل جامعه مدنی معتقدند که حکومت در صورت تصویب طرح نظارت بر سازمان های غیردولتی دو هدف همزمان را پیگیری خواهد کرد. یکی از این اهداف نابودی سازمان های مدنی مستقل و دیگری تقویت سازمان های وابسته به حکومت است. از دید ناظران، حکومت با برچیدن سازمان های مستقل درصدد ایجاد نهادهای تقلبی و معرفی آن به عنوان سازمان های غیر دولتی است. شواهد فراوانی نیز برای اثبات این ادعا وجود دارد. برای مثال می توان به سخنان "علیرضا افشار" معاون امور اجتماعی وزارت کشور در دیدار مهر ماه گذشته اش با اعضای تشکل های مدنی اشاره کرد که مدعی شد سازمان بسیج بزرگترین تشکیلات مردمی است. این مقام مسوول همچنین از دولتیها خواسته بود در نشستهای بین المللی یکی دو تا از سازمانهای غیر دولتی را با خود همراه ببرند. ناظران در تحلیل این اظهارات می گویند جای تردیدی نیست که حکومت در صدد کنترل همه سازمانهای غیر دولتی و تنظیم روابط آنها با مردم و دولت بعنوان وابستگان درجه یک دولتی است. آنها معتقدند که جمهوری اسلامی برای تظاهر به داشتن آزادی تشکل ها در صدد تقویت سازمان هایی وابسته برآمده و طی سالهای اخیر نیز در نشست های مختلف اعضای این سازمان ها را به عنوان نمایندگان جامعه مدنی ایران روانه مجامع جهانی کرده است. این در حالی است که بسیاری از کنشگران مستقل جامعه مدنی ایران تحت شدیدترین فشارها قرار دارند و به طور مستمر از سوی حکومت سرکوب می شوند. فعالان مدنی از همین رو با ابراز نگرانی شدید نسبت به موضع ایران در برابر سازمان های غیر دولتی بر تلاش های بین المللی جهت تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی افزوده اند. آنها معتقدند که شورای حقوق بشر سازمان ملل باید گزارشگر ویژه آزادی تشکل ها را نیز برای تهیه گزارشی از وضعیت ایران معرفی کند تا حکومت بیش از پیش به بی فایده بودن تلاشش برای جعل جامعه مدنی و جا زدن نهادهای وابسته به عنوان تشکل های غیر دولتی پی ببرد با این حال امید چندانی به همکاری جمهوری اسلامی با نمایندگان نهادهای بین المللی نیز وجود ندارد کما

این که تصویب طرح انتخاب نماینده ویژه حقوق بشر از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل هم با واکنش منفی تهران روبرو شده است.

منبع: جرس

—

کمپین از نگاه رسانه ها

2011-04-09 · Archive ID 386
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=386

رادیو فردا: وضعیت سوگناک نهادهای مدنی در ایران

رادیو زمانه: قانون جدید فعالیت نهادهای غیردولتی به‌طور موقت از دستور کار مجلس خارج شد

بی بی سی: اعتراض به «خاموش کردن صدای سازمان های غیر دولتی» در ایران

روزآنلاین: جامعه مدنی در ایران زیرزمینی می شود(مصاحبه با دکترسهراب رزاقی و علی اکبر موسوی خوئینی)

رادیو زمانه: نگرانی مدافعان حقوق بشر از قانون جدید فعالیت نهادهای غیردولتی در ایران

جرس: ابراز نگرانی عبادی و فعالان حقوق بشری نسبت به تصویب طرح سازمانهای غیردولتی در مجلس

رادیو کوچه: «بی‌توجهی مجلس ایران به سازمان‌های مستقل مدنی»

رادیو فردا: هشدار درباره تصویب طرح نظارت بر سازمان های غیر دولتی در ایران

جرس: طرح نظارت بر سازمان های غیردولتی؛ نهادهای مدنی در مسلخ قانون

روزآنلاین: کودتای دولت و مجلس علیه جامعه مدنی

بی بی سی: هشدار در مورد 'خطر نابودی' سازمانهای غیر دولتی در ایران

رادیو فردا: هشدار عفو بین الملل به طرح نظارت بر سازمان های غیردولتی در ایران

رادیو زمانه: «طرحی تازه برای نابودی سازمان‌های مستقل و غیر دولتی در ایران»

گفتگوی صدای آمریکا با دکتر سهراب رزاقی در خصوص طرح نظارت بر تاسیس و فعالیت نهادهای مردم نهاد (بخش اول)

گفتگوی صدای آمریکا با دکتر سهراب رزاقی در خصوص طرح نظارت بر تاسیس و فعالیت نهادهای مردم نهاد (بخش دوم)

گفتگوی رادیو بین المللی فرانسه با دکتر سهراب رزاقی

دویچه وله: «خطر تصویب طرحی که به مرگ جامعه مدنی خواهد انجامید»

بی بی سی: سازمان های غیردولتی در برزخ مجلس ایران

—

بیانیه مشترک شیرین عبادی و ۹ سازمان جامعه مدنی و حقوق بشری

2011-04-11 · Archive ID 391
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=391

بی توجهی مجلس شورای اسلامی ایران به نگرانی های سازمان های مستقل جامعه مدنی در باره قانون جدید

بیانیه عمومی
21 فروردین ماه 1390
کد امنستی: ام دی ایی 13/044/2011

امروز شیرین عبادی؛ برنده جایزه صلح نوبل و نه سازمان حقوق بشری و اتحادیه کارگری درباره روند تصویب یک طرح در مجلس شورای اسلامی ابراز تاسف کردند. مجلس درحال بررسی جزئیات قانونی است که بنظر می رسد تلاش می کند با نقض معیارهای بین المللی آزادی تشکل و تجمع که ایران نیر به رعایت آن ها متعهد شده است، جامعه مدنی را در ایران از بین ببرد.

این گروه از سازمان ها که مرکب از نه سازمان بین المللی و ایرانی هستند؛ عفو بین الملل، عرصه سوم، بین الملل آموزش (ایی آی)، هیفوس، دیده بان حقوق بشر، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و کمیته سازمان جهانی ضد شکنجه، و در چهارچوب برنامه مشترک نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر وابسته به اف آی دی اچ، جامعه دفاع از حقوق بشر ایران(عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر) وکمپین بین المللی حقوق بشر در ایران به همراه خانم شیرین عبادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خواستند که به این قانون رای ندهند.

قانون ناظربر تاسیس و نظارت سازمان های غیر دولتی آخرین مراحل تصویب خود را در مجلس شورای اسلامی می گذراند. علیرغم مخالفت های جدی و شدید سازمان های غیردولتی در ایران که تصویب این قانون تاثیر بسیار شدید نامطلوبی بر فعالیت آن ها خواهد داشت، مجلس شورای اسلامی هم اکنون بندهای اصلی این قانون را برای محدود تر کردن سازمان های جامعه مدنی که در حال حاضر نیز بسیار محدود شده اند، بتصویب رسانده است.

طیف وسیعی از سازمان های جامعه مدنی، از مدافعان حقوق بشر، سازمان های زیست محیطی و زنان گرفته تا خیریه ها و سازمان های فعال درحوزه معلولین، انجمن های کارفرمایی و حرفه ای از جمله کانون های صنفی معلمان مشمول این قانون جدید خواهند شد. احزاب سیاسی، اتحادیه های کارگری و کانون وکلا بر اساس قوانین دیگری تاسیس و نظارت می شوند.

خانم شیرین عبادی در مورد این قانون گفت: "برخلاف اصل 26 قانون اساسی که اجازه تشکیل انجمن ها را می دهد ما شاهد سرکوب دولتی آن دسته از سازمان های غیر دولتی هستیم که در حوزه حقوق بشر و ظرفیت سازی در جامعه فعال هستند ." ایشان تاکید کردند که "برای نمونه دفتر کانون مدافعان حقوق بشر که من هم از موسسان آن هستم، در سال 1387 بطور غیر قانونی و در حالی که ناقضین قانونی آناز مونیت کامل برخوردار بودند، پلمپ شد و از آن تاریخ تاکنون این دفتر همچنان بسته است.حالا مقامات بدنبال این هستند تا به هر طریق ممکن از جمله منع های پیشگیرانه و یا بدرفتاری ها، اطمینان حاصل کنند که هیچ سازمانی که دیدگاه های آن ها را در عرصه اجتماعی به چالش بکشد، وجود خارجی ندارد."

از جمله مواد این قانون که در روزهای گذشته بتصویب رسیده است ماده شش می باشد که بر اساس آن یک ساختار غیر پاسخگو به جامعه تحت عنوان "هئیت عالی نظارت بر فعالیت های سازمان های غیر دولتی" ایجاد خواهد شد که ریاست آن برعهده وزارت کشور و اعضای آن نمایندگانی از وزارت اطلاعات، نیروهای انتظامی، بسیج، سپاه پاسداران، وزارت امور خارجه و دیگران هستند و فقط یک نماینده از سازمان های غیر دولتی در آن عضویت خواهد داشت. این هئیت قدرت صدور مجوز فعالیت و انحلال همه سازمان های غیر دولتی را خواهد داشت و نهایت اقتدار را بر هئیت مدیره سازمان ها اعمال خواهد کرد.

علی رغم مخالفت از سوی برخی از نمایندگان مجلس، ماده 12 بند (د) این قانون نیز بتصویب رسید. طبق این ماده سازمان ها فقط می توانند راهپیمایی های "غیر سیاسی" آن هم با مجوز قبلی این هئیت عالی نظارت بر سازمان های غیر دولتی برگزار کنند. بر اساس شواهدی که در دوره های مختلف شاهد آن بودیم، مقامات ایرانی به راهپیمایی هایی که سیاست های رسمی را به نقد بکشند مجوز برگزاری نمی دهند. ماده دیگری از این قانون که بر اساس آن دولت کمک هایی در اختیار سازمان ها قرار می داد بتصویب نرسید.

این نه سازمان و خانم شیرین عبادی در باره دو تبصره از ماده 12 این قانون که بتصویب مجلس رسیده است، نگرانی های ویژه ای ابراز داشتند. این موارد مربوط به منع ارتباطات بین المللی سازمان های غیر دولتی بدون کسب مجوز از این هیات از جمله درموارد عضویت در سازمان های بین المللی بویژه شرکت در دوره های آموزشی یا نشست ها، عقد قرارداد یا توافقنامه ها و دریافت منابع مالی یا هر نوع کمک از سازمان های بین المللی است. برخی از نمانیدگان مجلس خواستارحذف این بند شده بودند.

فرد ون لی یون؛ دبیر کل بین امللل آموزش، ایی آی در این باره گفت: "الزامی کردن کسب مجوز برای ارتباطات بین المللی باعث تضعیف حق سازمان های حرفه ای از جمله کانون های صنفی معلمان در ایران برای پیوستن به سازمان های بین المللی از جمله ایی آی است."

وی تاکید کرد "معلمان تا همین الان هم بخاطر شرکت در کنفرانس های ایی آی در خارج از ایران مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند و وزارت کشور تاکنون تلاش کرده است که جلوی فعالیت های این کانون های صنفی معلمان را بگیرد. این قانون دست وزارت کشور را برای مداخله در امور داخلی، امور نمایندگی و حرفه ای، و همچنین روابط بین الملل این کانون ها باز می گذارد و همچنین نمایندگان معلمان را در معرض خطر جدی تر آزارو اذیت و محاکمه قرار می دهد."

ماده 43 همین قانون در دست بررسی در مجلس، تصریح می کند که سازمان های غیر دولتی که در حال حاضر فعالند باید مجددا برای ثبت در عرض 6 ماه پس از تصویب این قانون اقدام کنند در غیر این صورت غیر قانونی خواهند بود. طبق قانون جاری در کشور، فقط دادگاه ها حق دارند که در مورد انحلال سازمان های ثبت شده دستور صادر کنند.

مواد این قانون در دست بررسی در مجلس در تناقض با اصول 26 و 27 قانون اساسی است و ناقض حقوق آزادی های تشکل و تجمع است که در مواد 21 و 22 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی برسمیت شناخته شده اند. با تصویب این قانون، فعالیت های مدافعان حقوق بشر و سایر فعالان جامعه مدنی بشدت بخطر می افتد. از جمله این فعالان می توان به مدافعان حقوق زن اشاره کرد که اعضای کمپین یک میلیون امضا و بسیاری دیگر از فعالان حقوق زن بخاطر جمع آوری امضا برای پایان دادن به تبعیض های قانونی علیه زنان و یا برگزاری تجمع های مسالمت آمیز بازداشت شده اند و برخی از آن ها احکام زندان دریافت کرده اند.

خانم شیرین عبادی در مورد این قانون و فعالان حقوق زن گفت: "سازمان های زنان در ایران در خط مقدم جامعه مدنی در کشور هستند. ما بشدت نگران این هستیم که این قانون آن ها را از ادامه فعالیت های مهمشان برای ارتقاء و حفاظت حقوق زنان در ایران و برای بهره مندی از همبستگی بین المللی باز دارد."

دولت ها در سراسر جهان نقش اساسی ای را که سازمان های مستقل غیر دولتی می توانند در پیشبرد معیارهای بین المللی حقوق بشر، تضمین حفاظت از محیط زیست، ارتقاء عدالت، معیارهای اساسی حقوق کارگران و بیش از همه درنظارت بر تجاوزهای قدرت دولتی ایفا کنند به رسمیت شناخته اند.

این نه سازمان اعلام کردند که "با تصویب این قانون، مقامات دولتی درست در زمانی که فعالان ایرانی و جهان با یکدیگر ارتباط برقرار کرده اند، درجستجوی منزوی کردن فعالان ایرانی از جهان هستند. جامعه مدنی نه یک تهدید بلکه یک منبع ارزشمند است. مردم ایران نمی خواهند که به این طریق مهار بشوند بلکه برعکس آن ها امیدوامند که به جامعه جهانی دسترسی داشته باشند و تجربیاتشان را با دیگران به اشتراک بگذارند با این امید که دنیا به مکان بهتری برای همه ما تبدیل بشود."

خانم شیرین عبادی و این سازمان ها در اعلام همبستگی با گروه های جامعه مدنی در ایران که با این قانون مخالفت کرده اند باشدت به مقامات ایرانی اعلام می دارندد که این قانون را به دور بیندازند چرا که این قانون الزامات بین المللی ایران در قوانین بین المللی حقوق بشر در مورد آزادی تشکل و تجمع را زیر پا می گذارد و بشدت دسترسی سازمان های غیر دوتلی در ایران را به حمایت های مستقیم از سازمان های بین المللی محدود می کند.

مجلس شورای اسلامی ایران باید کاملا به حقوق بشر از جمله حقوق و آزادی های مدافعان حقوق بشر که در بیانیه مدافعان حقوق بشر سازمان ملل متحد حفاظت شده است، پایبند باشد و از تصویب این لایحه و تبدیل آن به قانون دست بردارد.

برای اطلاعات بیشتر با دفتر مطبوعاتی عفو بین الملل در لندن، انگلستان، تماس بگیرید:

+00 14 3028 تلفن: 5555
press@amnesty.org :ایمیل
www.amnesty.org :وب سایت
آدرس:دبیرخانه اموربین الملل، عفو بین الملل
Easton St., London, WC1X 0DW, UK 1

سهراب رزاقی، عرصه سوم
تلفن: +31650457367
sohrab.razaghi@arsehsevom.net :ایمیل
/http://www.arsehsevom.net/en :وب سایت
آدرس: هلند ، آمستردام
,De Wittenstraat 25
AK Amsterdam, The Netherlands 1052

—

فورا اقدام کنید!

2011-04-12 · Archive ID 395
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=395

قانون جدید ناظر برسازمان های غیردولتی خطرات شدیدی برای فعالان مدنی بدنبال خواهد داشت.

مجلس شورای اسلامی درحال تصویب قانونی است که سازمان های مستقل جامعه مدنی را بشدت محدود خواهد کرد. در صورت تصویب این قانون، بسیاری ازفعالان جامعه مدنی در ایران بخاطر استفاده مسالمت آمیز از حقوق آزادی تشکل و تجمع خود در خطر آزار و اذیت و محاکمه قرار خواهند گرفت.

لایحه تاسیس و نظارت بر سازمان های غیر دولتی آخرین مراحل تصویب خود را در مجلس شورای اسلامی می گذراند. در چند روز گذشته، علی رغم مخالفت های جدی از سوی بسیاری از سازمان ها، برخی از مواد این لایحه تصویب شده اند که بشدت سازمان های جامعه مدنی مستقل در ایران را بخطر می اندازند.

طبق این قانون، ساختار جدید غیر پاسخگویی تحت عنوان هئیت نظارت برفعالیت های سازمان غیردولتی تاسیس خواهد شد. همه سازمان های غیردولتی که در حال حاضر فعالیت می کنند باید دوباره توسط همین هئیتی به ثبت برسند که دارای قدرت صدور مجوز فعالیت و انحلال همه سازمان های غیردولتی است و بر هئیت مدیره سازمان ها اختیارتام دارد. در حال حاضر، انحلال سازمان های ثبت شده برعهده دادگاه است. فعالانی که در سازمان های غیردولتی که مجوز ثبت دریافت نکنند یا مجوز فعالیت آن ها باطل شود تحت قانون بسیارمبهم مجازات اسلامی با خطرات بیشتر محاکمه های قضایی روبرو خواهنند شد. ازسایر مواد مصوب این طرح این

است که "هر نوع راهپیمایی غیرسیاسی" و همه ارتباطات بین المللی نیازمند صدور مجوز توسط هئیت نظارت است.

بحث ها پیرامون بقیه مواد این طرح درمجلس شورای اسلامی ادامه دارد. این طرح پس از تصویب درمجلس شورای اسلامی برای بررسی انطباق آن با قانون اساسی و شرع اسلام به شورای نگهبان ارسال خواهد شد.

فورا نامه ای به زبان فارسی، انگلیسی، عربی، فرانسه یا هر زبان دیگری و این تقاضاها را در نامه خود طرح کنید:

از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بخواهید که از تصویب قانون تاسیس و نظارت بر سازمان های غیر دولتی خودداری کنند زیرا که محدودیت های شدیدی در حق آزادی تجمع و تشکل مسالمت آمیز اعمال خواهد کرد.

به مقامات ایرانی یادآور شوید که آزادی تشکل و تجمع در اصل 26 و 27 قانون اساسی و در مواد 21 و 22 میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی که ایران عضو آن است، تضمین شده است.

از مقامات ایرانی بخواهید که از آزار و اذیت و زندانی کردن فعالان جامعه مدنی از جمله دانشجویان، زنان، فعالان محیط زیست، روزنامه نگاران، مدافعان حقوق بشر و همه اعضای انجمن های حرفه ای از جمله کانون های صنفی معلمان دست بردارند.

نامه های خود را می توانید تا قبل از دوم اردیبهشت ماه 1390 به این مراکز ارسال کنید:

سخنگوی مجلس شورای اسلامی
علی لاریجانی
مجلس شورای اسلامی، میدان بهارستان، تهران
ایمیل: Larijani@parliran.ir
نمابر:+98 21 33556408
خطاب نامه: مقام عالی

رئیس شورای نگهبان
آیت الله احمد جنتی
شورای نگهبان، خیابان امام خمینی، تقاطع غربی ولیعصر وجنوب خیابان فلسطین، تهران، کد پستی 1317735111
نمابر: +98 21 66401012 لطفا وقتی که پیام ضبط شده شنیدید عدد 2 را فشار دهید تا نامه شما ارسال شود.
ایمیل: info@shora-gc.ir
خطاب محترمانه نامه: مقام عالی

و لطفا یک رونوشت از نامه ها را به این مرکز ارسال کنید:

دبیرکل شورای عالی حقوق بشر
محمد جواد لاریجانی
شورای عالی حقوق بشر
اداره رئیس قوه قضائیه خیابان پاستور، خیابان ولیعصر، جنوب سهراه جمهوری،
ایمیل: info@humanrights-irn.ir
در ایمیل خود در بخش عنوان لطفا بنویسید: قابل توجه آقای محمد جواد لاریجانی
خطاب محترمانه نامه: مقام محترم
لطفا رونوشت نامه ها را به نمایندگی های سیاسی ایران در کشور خود ارسال کنید. برای ارسال نامه پس از تاریخ اعلام شده لطفا با دفتر های امنستی در کشور خود تماس بگیرید.
فورا اقدام کنید!

قانون جدید ناظر برسازمان های غیردولتی خطرات شدیدی برای فعالان مدنی بدنبال خواهد داشت.

اطلاعات بیشتر

ساختار جدید هئیت نظارت برفعالیت های سازمان های غیردولتی توسط وزارت کشور ریاست می شود و اعضای آن از وزارت اطلاعات، نیروهای انتظامی، بسیج، سپاه پاسداران و وزارت امورخارجه و سایرسازمان ها خواهند بود و فقط یک نماینده از سازمان های غیر دولتی عضو این هئیت خواهد بود.

اگراین طرح پیش نویس بتصویب برسد، اعضای سازمان های غیر دولتی که موفق به کسب مجوز از این هئیت نشوند یا سازمان هایی که مجوز آن ها باطل شود، طبق قانون مجازات اسلامی که بشدت مبهم است و برای نمونه اصطلاح "بخطر انداختن امنیت ملی "برای محدود کردن آزادی بیان، تشکل وتجمع درآن بکاربرده شده است، فعالان از فعالیت هایی همچون راهپیمایی ها، بحث های عمومی و تشکیل گروه ها و انجمن ها منع می شوند. تعریف جرایمی چنین مبهم در نقض اصول قانونمندی و قطعیت در امر حقوقی است که جرایم اینقدر وسیع و مبهم تعریف شوند، بنابراین چنین جرایم بسیار مبهمی که نمی توانند شفافیت و دقت مورد نیاز در تعریف جرایم را در قانون کسب کنند تا حدی نمی توانند تحت قوانین بین المللی حقوق بشر بعنوان "اقدامات جنایی قابل شناسایی" تعریف بشوند.

بطور خاص، مواد 183 تا 186 قانون مجازات اسلامی، که جرایم "محاربه و مفسد فی الارض" را در دشمنی با خدا تعریف کرده حق آزادی تشکل را محدود می کند. این اصطلاحات قانون مجازات اسلامی اینچنین بکار برده شده اند:"هر کسی که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم، دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می باشد." از جمله مصادیق محاربه "عضویت و حمایت از سازمان هایی است که در جهت براندازی جمهوری اسلامی هستند و یا برای براندازی مسلحانه جمهوری اسلامی طراحی می کنند."سایر مصادیق در قانون هم به گونه ای تعریف شده است که اگر فردی در جاسوسی و یا تشکیل گروه برای اُسیب زدن به امنیت کشور شرکت کند محارب تلقی می شود.

برای جرم محاربه مجازات مرگ تعریف شده و قضات دارای اختیارات بسیار وسیعی در تفسیرمصادیق و مواد مربوط به محاربه هستند.

مواد 498 و 499 قانون مجازات اسلامی تاکید می کند که هر کسی که اقدام به تشکیل یک گروه و یا پیوستن به گروهی در داخل و یا خارج از کشور بکند که دنبال "آسیب زدن به امنیت کشور" است به احکامی بین دو تا 10 سال زندان محکوم خواهد شد در حالیکه هیچ تعریفی از آسیب یا امنیت ملی در قانون مجازات اسلامی داده نشده است. مواد 501 و 508 هم مربوط به انواع جاسوسی است.

کسانی که در راهپیمایی ها و تجمعات غیر تائید شده شرکت کنند با پیگرد قضایی و محاکماتی تحت ماده 610 و تحت عنوان جرایمی از قبیل "تجمع و تبانی به قصد آسیب زدن به امنیت ملی" وماده 670 تحت عنوان عدم تبعیت از دستور مقامات روبرو می شوند.

بسیاری از سازمان های جامعه مدنی در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی بین سال های 1376 و 1384 بوجود آمدند. از زمان ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد که در سال 1384 به ریاست جمهوری رسید مقامات به این سازمان ها با دیده شک و تردید برخورد کردند و آن ها را متهم کردند که بخشی از "انقلاب مخملی" به قصد براندازی جمهوری اسلامی هستند. سازمان های غیر دولتی بسته شدند، از جمله کانون مدافعان حقوق بشر که خانم شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل از موسسان ان هستند، و انجمن دفاع از حقوق زندانیان که رئیس آن؛ عمادالدین باقی بعنوان زندانی عقیدتی درزندان بسر می برد. سایر فعالان نیز به دوره های طولانی مدت حبس محکوم شده اند از جمله محمد صدیق کبودوند؛ موسس سازمان حقوق بشر کردستان، سعید متین پور؛ فعال حقوق اقوام آذربایجانی ها، و بهاره هدایت، از رهبران دانشجویی و فعال حقوق زنان با آزار و اذیت و منع استخدام روبرو می شوند.

برای اطلاعات بیشتر لطفا به این بیانیه عمومی مراجعه کنید: خطر نابودی سازمان های مستقل جامعه مدنی در ایران ، کد عفو بین الملل ام دی ایی/13/037/2011 15 فروردین ماه 1390.

—

در پی اعتراضات گسترده رخ داد: طرح تاسیس، فعالیت و نظارت بر سازمان های مردم نهاد از دستور کار مجلس خارج شد

2011-04-13 · Archive ID 401
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=401

مجلس شورای اسلامی، به پیشنهاد برخی نمایندگان، بررسی طرح «تاسیس، فعالیت، و نظارت بر سازمان های مردم نهاد» که بندهایی از آن به تصویب رسیده بود را از دستور کار خود خارج کرد.

این پیشنهاد با ۱۵۶ رای موافق، ۲۰ رای مخالف و ۱۰ رای ممتنع به تصویب رسید و قرار است در ظرف سه ماهی که طرح مسکوت می ماند، کمیسیون اجتماعی بررسی های بیشتری روی آن انجام دهد.

سید کاظم دلخوش، که پیشنهاد مسکوت ماندن این طرح را ارائه کرده بود، ضمن انتقاد از «ابهامات» این طرح، گفت: «تعداد زیادی از نمایندگان عقیده دارند این طرح باید اصلاح شود و بعد از اصلاح اساسی به دستور کار مجلس بازگردد.»

همچنین زهره الهیان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که یکی از طراحان اصلی این طرح بود، در گفتگو با ایرنا از تصمیم نمایندگان برای مسکوت ماندن این طرح، انتقاد کرد و گفت: «رسانه هاي خارجي از اين كه اين قانون در نظام جمهوري اسلامي ايران و در مجلس شوراي اسلامي در حال تصويب شدن است عصباني هستند چرا كه برنامه نظام سلطه اين بود كه اين سازمان هاي مردم نهاد را براي مقابله با حاكميت و دور زدن نظام طراحي كند اما شكست خورد.»

عرصه سوم و عفو بین الملل طی ماههای گذشته کمپین وسیعی را در اعتراض به طرح «تاسیس، فعالیت، و نظارت بر سازمان های مردم نهاد» برپا کرده بودند.

عرصه سوم پیشتر نسبت به عواقب و پیامدهای زیانبار طرح «تاسیس، فعالیت، و نظارت بر سازمان های مردم نهاد» و جوانمرگی نهادهای مدنی هشدار داده بود و تاکید کرده بود که این لایحه در صورت تصویب، دست دولت را برای اعمال نظارت برنهادهای مدنی بازتر کرده و مداخلات دستگاههای امنیتی و نظامی در جامعه مدنی را قانونی می کند و خطرغیرقانونی اعلام کردن نهادهای مدنی پیشرو در ایران را افزایش می دهد.

در آخرین واکنش نهادهای مستقل مدنی نسبت به این طرح، ۹ نهاد مدنی و حقوق بشری به همراه شیرین عبادی، بیانیه مشترکی منتشر کردند و از مجلس ایران خواستند تا از تصویب این لایحه و تبدیل آن به قانون دست بردارد.

این نهادها متشکل بودند از: عفو بین الملل، عرصه سوم، بین الملل آموزش (ایی آی)، هیفوس، دیده بان حقوق بشر، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و کمیته سازمان جهانی ضد شکنجه، و در چهارچوب برنامه مشترک نظارت بر حمایت از مدافعان حقوق بشر وابسته به اف آی دی اچ، جامعه دفاع از حقوق بشر ایران(عضو فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر) وکمپین بین المللی حقوق بشر.

—

نامه دبیر کل «ائتلاف بین المللی برای مشارکت شهروند» به علی لاریجانی

2011-04-18 · Archive ID 406
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=406

سی آی وی آی سی یو اس
ائتلاف بین المللی برای مشارکت شهروند
www.civicus.org

28 فروردین ماه 1390

مقام محترم، جناب آقای علی لاریجانی

من بعنوان دبیر کل سی آی وی آی سی یو اس؛ ائتلاف بین المللی برای مشارکت شهروند که یک ائتلاف بین المللی جامعه مدنی است و در بیش از یک صد کشور عضو دارد، این نامه را برای شما می نویسم.

سی آی وی آی سی یو اس از شنیدن خبری مبنی بر این که مجلس شورای اسلامی بررسی طرح ناظر بر تاسیس و نظارت برسازمان های غیر دولتی را برای مدت سه ماه متوقف کرده و آن را برای بررسی بیشتر به کمیسیون اجتماعی مجلس ارجاع داده است، ابراز خوشحالی می کند. ما ضمن استقبال از این اقدام از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دولت می خواهیم که از این فرصت موقتی استفاده کرده و موادی در طرح بگنجانند تا همسو با میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی که ایران عضو آن است، و همانطور که در قانون اساسی ایران تصریح شده آزادی های بیان، تجمع و تشکل تضمین شوند.

ما همچنان نگران هستیم که علیرغم اعتراضات شدید جامعه مدنی در ایران بخش هایی (از جمله ماده 6 و قسمت هایی از ماده 12) از این طرح که به اجرا گذاشته خواهد شد در کمیسیون اجتماعی مورد بازبینی قرار نمی گیرد. ماده 6 این طرح برای نمونه تشکیل یک هئیت عالی را مصوب می کند که مرکب از نمایندگان اطلاعاتی و سایر بخش ها از جمله قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و نیروهای مقاومت بسیج است که قدرت تصویب و رد مجوز سازمان های غیر دولتی را دارد. این هئیت عالی قدرت نظارت بر انتخاب هئیت مدیره سازمان های غیر دولتی، فعالیت های آن ها و تصمیماتشان را نیز دارد. ما همچنین عمیقا نگران این هستیم که سازمان های غیر دولتی فقط یک نماینده در این هئیت عالی خواهند داشت.

بخش هایی از ماده 12 این طرح ملزم می کند که همه راهپیمایی ها فاقد وابستگی های سیاسی باشند و فقط زمانی یک راهپیمایی قانونی تلقی خواهد شد که هئیت عالی مجوز آن را صادر کند. اگر این طرح تصویب بشود، هئیت عالی قانونا دارای قدرتی برای تائید هر نوع ارتباط و همکاری سازمان های جامعه مدنی ایران و سازمان های بین المللی، از جمله شرکت در کنفرانس ها و همایش ها و عقد توافقنامه ها و قرارداد ها، است.

ما بر این باوریم که تلاش هایی که در این طرح صورت گرفته تا تضمین شود که فعالیت های سازمان های غیر دولتی تحت کنترل دستگاه های امنیتی قرار می گیرند در شکل فعلی آن یک تهدید اساسی برای جامعه مدنی در ایران بوجود می آورد. ماده 6 بویژه نظارت و کنترل نظامی و راهبردی بر فعالیت های سازمان های جامعه مدنی ایجاد می کند و بطور خاص تعامل سازمان های غیر دولتی را با سازمان های بین المللی از جمله آژانس های سازمان ملل محدود می کند.

مقام محترم،

قوانین مناسب جامعه مدنی باید فعالیت های آن ها را تقویت کند و فضای مناسب برای آن ها فراهم سازد تا فعالیت کنند. ما فکر می کنیم و تقاضا داریم که طرح نظارت بر تاسیس و نظارت بر سازمان های غیر دولتی باید به گونه ای بازبینی شود تا این شرایط را برای سازمان های غیر دولتی فراهم کند.

در صورتی که نیاز به اطلاعاتی در مورد بهترین دستآوردها در باره قوانین مربوط به سازمان های غیر دولتی دارید لطفا با ما در تماس باشید.

ارادتمند
اینگرید اسرینات
دبیر کل
سی آی وی آی سی یو اس؛ ائتلاف بین المللی برای مشارکت شهروند

—

جمهوری اسلامی ایران کمر همت به نابودی بقایای سازمان های جامعه مدنی ونهادهای شبه دموکراتیک در ایران بسته است

2011-05-03 · Archive ID 417
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=417

عرصه سوم- 13 اردیبهشت ماه 1390- در حالی که مجلس شورای اسلامی در اثر فشارهای حاصل از مخالفت سازمان های جامعه مدنی، بررسی طرح ناظر برتاسیس و نظارت بر سازمان های غیر دولتی را برای مدت سه ماه متوقف کرده است، همزمان با تصویب طرح نظارت بر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در کمیسیون مشترک مجلس و تلاش برای بتصویب رساندن لایحه اصلاح قانون احزاب سیاسی، نشان داد که همت جمهوری اسلامی برای ازبین بردن همه نهادهای مدنی ودموکراسی درجامعه ایران تلاشی سازماندهی شده است. عرصه سوم با هشدار بر این سیاست نابود سازی بقایای نهاد های مدنی و شبه دموکراتیک از طریق ایجاد کمیته های نظارت، از نمایندگان مجلس شورای اسلامی می خواهد که در دفاع از حق آزادی انجمن ها و تشکل ها، حق نمایندگی و برای حفظ مصونیت قانونی نمایندگان مجلس در ایفای نقش نمایندگی خود لایحه اصلاح قانون احزاب سیاسی و طرح نظارت بر نمایندگان را از دستور کار مجلس خارج سازند.

طرح "نظارت بر نمایندگان مجلس شورای اسلامی" و لایحه "اصلاح قانون احزاب"

طرح نظارت بر نمایندگان مجلس شورای اسلامی(1) در تاریخ 23 فروردین ماه 1390 در12 ماده در کمیسیون مشترک مجلس بتصویب رسید. این طرح که از نظر ماهوی و ساختاری ناقض اصول 86 و 84 قانون اساسی است، در صورت تصویب، مصونیت نمایندگان مجلس را برای ایفای نقش نمایندگی مردم ایران کاملا از بین خواهد برد.

از سوی دیگر، در سال 1387 طرحی برای اصلاح قانون احزاب مصوب 1360 از سوی برخی از نمایندگان داده شد اما هرگز در صحن علنی مجلس مطرح نشد. در اواخر سال 1389، کمیسیون ماده 10 قانون احزاب در وزارت کشور پیش نویس طرحی را آماده کرد و به هئیت دولت فرستاد تا بصورت لایحه اصلاح قانون احزاب به مجلس ارائه شود. نه تنها احزاب سیاسی در روند طراحی این لایحه مشارکت داده نشدند بلکه طراحان این لایحه همچنان از توزیع آن در میان احزاب و جامعه خودداری می کنند.

از آنجا که طرح نظارت بر نمایندگان مجلس شورای اسلامی و لایحه اصلاح قانون احزاب هر دو مغایر با آزادی تشکل و انجمن، آزادی بیان و مصونیت قانونی نمایندگان مجلس است که هم در قانون اساسی و هم قوانین و پیمان های بین المللی که ایران عضو آن هاست به رسمیت شناخته شده است، عرصه سوم به تحلیل این دو طرح و لایحه می پردازد.

طرح نظارت بر نمایندگان مجلس شورای اسلامی

اگر چه از نظر ساختاری و عملی انتخابات در ایران هرگز به معنای واقعی آزاد و منصفانه نبود ونامزدهای نمایندگی مردم در مجلس باید قبل ازهر اقدامی درنامزدی، تبعیت ایدئولوژیکی و عملی خود را از نظام سیاسی حاکم به تائید شورای نگهبان برسانند، اما نمایندگان به استناد آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و مطابق اصل 86 قانون اساسی در ایفای نقش نمایندگی خود از مصونیت برخوردار بودند.

هر چند سابق بر این نیز نمایندگانی بودند که پس از ایراد سخنرانی در مجلس یا سخنرانی های عمومی و مصاحبه ها مورد تعقیب قضایی قرارمی گرفتند، اما این تعقیب قضایی مبنای قانونی نداشت. در صورت تصویب طرح جدید نظارت بر نمایندگان، این مصونیت قانونی از بین خواهد رفت و آن تعداد اندکی از نمایندگان منتقد هم که قصد دارند نقش نمایندگی خود را ایفا کنند، دیگرهیچ احساس امنیتی نخواهند کرد وقطعا سکوت اختیار خواهند کرد، بویژه اینکه با اتهام مبهمی تحت عنوان به خطر انداختن امنیت ملی روبرو خواهند شد که مجازات

سنگینی برای آن در قانون پیش بینی شده است. به سکوت کشاندن نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی توسط این طرح، نقض کامل حق نمایندگی نمایندگان مردم در مجلس است.

از سوی دیگراین طرح نقش نظارتی مستقیم و غیر مستقیم مردم بر نمایندگان را به یک گروه 6 نفره در مجلس محدود می کند و مردم را از حق اولیه خود برای نظارت؛ چه بطور غیر مستقیم از طریق سایر نمایندگان و چه بطورمستقیم، باز می دارد.

از دیگر موارد بارز طرح نظارت بر نمایندگان، از بین بردن استقلال قوه قضائیه در برخوردهای قضایی با نمایندگانی است که از نظر قانونی متخلف شناخته شده اند چرا که اگر نماینده ای تحت تعقیب کیفری باشد باید مراتب به این هئیت نظارت اعلام شود. از سوی دیگر این هئیت می تواند ضمن بررسی های خود به این نتیجه برسد که یک نماینده باید مورد تعقیب کیفری قراربگیرد که در این صورت آن را به قوه قضائیه اعلام می کند و قوه قضائیه در چارچوب یک دادگاه ویژه به آن رسیدگی می کند.

براساس ماده 1 طرح نظارت بر نمایندگان، در آغاز هر دوره از مجلس شورای اسلامی، هیاتی مرکب از 6 نماینده مجلس بعنوان هیات نظارت بر نمایندگان تشکیل می شود. در ماده 2 طرح برای این هیات مجموعه وظایفی تعریف شده است که در 5 مورد دریافت گزارش های تخلف نمایندگان درحوزه مالی، اخلاقی، امنیت ملی، تاخیروغیبت در جلسات مجلس، و عدم شفافیت در منابع در آمد و تامین هزینه های انتخاباتی، این هیات حق بررسی و صدور حکم برای نمایندگان دارد. از این 5 مورد فقط مورد تاخیر وغیبت در آئین نامه داخلی مجلس پیش بینی شده بود و بقیه موارد از وظایف مجلس خارج بوده است و برعهده قوه قضائیه است که با رعایت مصونیت قانونی نمایندگان مجلس، طبق قوانین عادی کشوری تخلف های مالی و سایر تخلفات عمومی نمایندگان را بررسی کند. دو مورد اصلی یعنی منشور اخلاقی نمایندگان، که قرار است بعد از تصویب این طرح تدوین شود، و اعمال خلاف امنیت ملی کشوراز موارد جدی است که به جرایم نمایندگان اضافه شده و بعلت گنگ بودن هر دو این موارد، مصونیت نمایندگان را درایفای نقش نمایندگی خود از بین می برد.

علیرغم اینکه درطرح جدید نظارت برنمایندگان درماده 6 تاکید شده است که نمایندگان درمقام ایفای وظایف نمایندگی خود موضوع اصل 86 قانون اساسی و ماده 75 آئین نامه داخلی مجلس قابل تعقیب کیفری نیستند اما درتبصره یک همین ماده 6 تاکید شده است که تشخیص مصادیق موضوع اصل 86 قانون اساسی وماده 75 آئین نامه داخلی مجلس برعهده این هئیت نظارت 6 نفره است. این به این معناست که این هئیت 6 نفره می تواند تصمیم بگیرد که آیا نطق یک نماینده یا سخنرانی و مصاحبه او مصداق به خطر انداختن امنیت ملی یا از بین بردن منشور اخلاقی نمایندگان هست یا نه و به این ترتیب نه تنها مصونیت مطلق نمایندگان مجلس را در ایفای نقش نمایندگی خود عملا ازبین می برد بلکه جایگزین قوه قضائیه شده و در مورد سخنرانی و سایر تخلفات نمایندگان قضاوت کرده و حکم صادر می کند.

بر اساس ماده 8 طرح نظارت برنمایندگان، قوه قضائیه موظف است که شعبه خاصی برای رسیدگی به تخلفات نمایندگان تشکیل دهد تا آن دسته ازنمایندگانی را که تخلف های آن ها توسط هیات نظارت بررسی شده و به قوه قضائیه ارجاع داده می شود، محاکمه کند و نتیجه را به هیات نظارت اعلام کند. به این ترتیب قوه قضائیه به زیر مجموعه هیات نظارت بر نمایندگان درموارد مربوط به نمایندگان مجلس تبدیل می شود.

در جمهوری اسلامی ایران تشکیل دادگاه های ویژه و پشت درهای بسته سابقه دیرینه ای دارد که باعث می شود که حق تضمین شده برابری همه آحاد مردم در برابر قانون از بین برود. از سوی دیگر تجربه از جمله در مورد دادگاه های ویژه روحانیت و دادگاه های انقلاب نشان داده است که قوانین و روند رسیدگی در این دادگاه ها آئین دادرسی عمومی را نقض کرده و مانع برخورداری متهمین از حقوق برابر در محاکمه می شوند. همچنین می توان انتظار داشت که دادگاه ویژه در حالی که حقوق اولیه نمایندگان منتقد نظام را نقض کند برای نمایندگان همسو با نظام امتیازاتی به همراه داشته باشد.

لایحه اصلاح قانون احزاب

همزمان با تصویب طرح نظارت بر نمایندگان در کمیسیون مشترک مجلس، پیش نویس اصلاح قانون احزاب سیاسی که توسط کمیسیون ماده 10 قانون احزاب در وزارت کشورتدوین شده بود در کمیسیون سیاسی هئیت

دولت در دست بررسی است تا بصورت لایحه به مجلس ارائه شود. نه تنها احزاب سیاسی در تدوین پیش نویس اصلاح قانون احزاب مشارکت داده نشده اند، بلکه حتی متن نهایی شده در کمیسیون ماده 10 احزاب قبل از ارائه به هئیت دولت، برای اعلام نظر در اختیار احزاب قرار داده نشده است.

قانون احزاب فعلی مصوب سال 1360 است که در آن آزادی انجمن و تشکل برای احزاب سیاسی با رعایت اصل 26 قانون اساسی تا حد زیادی رعایت شده است. اما مقامات ایرانی و وزارت خانه هایی که خواستار محدود کردن آزادی تشکل برای احزاب سیاسی بودند طی سال های متمادی به آسیب شناسی فعالیت احزاب پرداختند و عمدتا از نبود شیوه های کنترل و نظارت بر احزاب سیاسی بعنوان معضل بزرگ قانون احزاب نام برده و خواستار تغییر آن بودند.

در سال 1387 طرحی از سوی برخی از نمایندگان مجلس برای اصلاح قانون احزاب ارائه شد اما هرگز در صحن علنی مجلس مطرح نشد. تا اینکه در سال 1389 کمیسیون ماده 10 قانون احزاب در وزارت کشور پیش نویس اصلاحیه ای برقانون احزاب سیاسی را تدوین و به دولت ارائه کرد.

هر چند اطلاع رسانی در مورد محتوا و وضعیت این لایحه تاکنون بطورکامل صورت نگرفته است اما مجموعه اطلاعات منتشره در قالب سخنرانی ها، گفتگوهای رادیویی و کنفرانس های مطبوعاتی توسط طراحان این لایحه در چند ماه اخیر، موجب نگرانی عمیق فعالان سیاسی و حقوق بشر در ایران شده است.

به نوشته یکی از اعضای کمیسیون ماده 10 قانون احزاب و نماینده مجلس در این کمیسیون؛ حمید رضا فولادگر، "در مرحله تاسیس احزاب و ارائه مجوز اصلاحاتی صورت گرفته تا یک مجوز اولیه موقت داده و سپس پروانه تاسیس دائم اعطا شود تا در این میان عملکرد احزاب بار دیگر مورد تائید کمیسیون ماده 10 قرار گیرد." وی همچنین خبر از "بازنگری در نحوه نظارت بر احزاب و بررسی تخلفات آن ها" داده است (2) کنترل فعالان سیاسی برای تشکیل احزاب سیاسی تحت عنوان مجوز و نظارت نقض صریح اصل آزادی تشکل و انجمن است که در قانون اساسی ایران نیز برسمیت شناخته شده است. این در حالی است که درقانون فعلی احزاب که مصوب سال 1360 است هیچ الزامی برای ثبت احزاب و ممنوعیت فعالیت برای احزاب ثبت نشده وجود ندارد.

همچنین به نوشته فولادگر در همین مطلب منتشره در وبسایت خبرآنلاین، در این لایحه تعریف جدیدی از "شکل گیری احزاب" داده شده است تا مواردی "همچون جبهه و ائتلاف را نیز در بربگیرد." تا تشکیل جبهه های سیاسی از احزاب پروانه دار تشکیل شوند. دبیرکمیسیون ماده 10، عباس زاده مشکینی نیز درمصاحبه ای با ایسنا در 17 فروردین ماه 1390 نه تنها تاکید کرد که طبق مواد پیش بینی شده در لایحه جدید، جبهه ها و ائتلاف ها باید از احزاب پروانه دار تشکیل شوند بلکه "مجموعه هایی که چه بصورت مقطعی و چه به صورت دائمی خواهان فعالیت سیاسی هستند ولو اینکه این فعالیت سیاسی به شکل فعالیت کوتاه مدت در فصل انتخابات و یا حمایت از شخص و یا جریان خاص باشد، باید مجوز فعالیت داشته باشند." (3). به این ترتیب احزاب و ائتلاف های سیاسی درسه مرحله باید مجوز دریافت کنند؛ اول پروانه موقت، دوم پروانه دائمی پس ازبررسی عملکرد حزب و سوم در مرحله ائتلاف های سیاسی هر چند کوتاه وموقت برای فعالیت و حمایت از کاندیدای خاصی در انتخابات.

در حالیکه دولت درسال های اخیرتلاش کرده است که با بازداشت فعالان سیاسی و لغو پروانه احزاب و سازمان های منتقد دولت رقبای سیاسی خود را از بین ببرد، طبیعی است که تصویب این لایحه در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی برای فعالان سیاسی ایران نگران کننده باشد. این لایحه در راستای محدود کردن حق مشارکت و رقابت سیاسی در انتخابات است چرا که نه تنها بر خلاف قانون اساسی باید احزاب پروانه داشته باشند بلکه هر گونه فعالیت و حمایت ائتلافی از نامزدهای انتخاباتی نیز نیاز به مجوز دولت دارد. یعنی آن دسته از ائتلاف هایی می توانند که شکل بگیرند که دولت به آن ها مجوز بدهند و پیشاپیش نامزدهای رقیب از رقابت باز خواهند ماند.

فعالان سیاسی در ایران هنوز نمی دانند که تر کیب هیات نظارت و اختیارات واگذارشده به آن ها تا چه حدی است اما بشدت نگران واگذاری اختیار انحلال غیر ارادی احزاب سیاسی از قوه قضائیه به هیات نظارت بر احزاب سیاسی است همانگونه که در پیش نویس طرح تاسیس و نظارت بر سازمان های غیر دولتی این اختیار واگذار شده بود.

با توجه به تلاشی که دریک سال و نیم گذشته توسط نیروهای امنیتی و نظامی در بازداشت فعالان سیاسی و لغو مجوز احزاب سیاسی منتقد دولت اعمال شده است، می توان دریافت که نگرانی فعالان سیاسی از قانونی شدن منع فعالیت های سیاسی احزاب منتقد دولت توسط این لایحه نگرانی جدی است.

توصیه ها و اقدام ها

عرصه سوم بر این باور است که روند دموکراسی ستیزی و جامعه مدنی هراسی بطور یکپارچه از سوی نهادهای امنیتی و نظامی بر همه عرصه های عمومی جامعه، اعم از مجلس، سازمان های غیر دولتی و احزاب سیاسی، بشدت درحال پیشبرد است. آنچه که در این روند بخوبی قابل مشاهده است این است که با ایجاد نهادهای کنترل شده نظارتی که تاسیس، نظارت و انحلال همه سازمان های جامعه مدنی وسیاسی را بر عهده دارد بطور قانونی ریشه نهادهای مدنی و دموکراسی زده خواهد شد.

عرصه سوم خواستار این است که لایحه اصلاح قانون احزاب بسرعت در جامعه و در میان فعالان و احزاب سیاسی توزیع شود تا ضمن نقد وبررسی آن همه مواردی که ناقض آزادی حق تاسیس و فعالیت همه احزاب و سازمان های سیاسی است از متن لایحه حذف شود.

عرصه سوم خواستار این است که دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، حق مشارکت و رقابت سیاسی، آزادی انجمن ها و تشکل ها، حق نمایندگی و مصونیت نمایندگان را به رسمیت بشناسند و لوایح و طرح های ضد حقوق مدنی – سیاسی را هر چه سریعتر از دستورکار خارج سازند.

عرصه سوم از جامعه جهانی بویژه نمایندگان مجالس و گزارشگران ویژه آزادی انجمن و تشکل ها ی سازمان ملل متحد انتظار دارد که در دفاع از حق نمایندگی از یکسو و آزادی فعالیت های سیاسی و تشکل و انجمن مردم ایران حمایت کنند.این حقوق هم درقانون اساسی و هم در پیمان های بین المللی که ایران عضو آن هاست، به رسمیت شناخته شده اند.

عرصه سوم همچنین از نمایندگان مجالس در کشورهای مختلف و عضو اتحادیه بین المجالس انتظار دارد که در حمایت از حق مردم ایران درنمایندگی دفاع کرده و نسبت به پیامدهای تصویب این طرح به نمایندگان فعلی مجلس شورای اسلامی هشدار بدهند و نگذارند حق نمایندگی و مصونیت نمایندگان در جامعه ایرانی از بین برود.

1. www.icana.ir/newspage.aspx?Newsid=15858
2. www.khabaronline.ir/news-103148.aspx
3. http://www.tabnak.ir/fa/news/156682

—

بیانیه شیرین عبادی به همراه رهبران اتحادیه ها، مدافعان حقوق بشر و عفو بین الملل در حمایت از منصور اسانلو و کارگران ایران

2011-05-05 · Archive ID 421
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=421

حقوق کارگران، حقوق بشر میباشد
کارگران ایرانی نیز مستحق برخورداری از حقوق بشر میباشند
ما کارگران ، اعضاء اتحادیه کارگران و فعالان حقوق بشرو عضوی از جامعه انسانی بیش از پیش نگرانی خود را نسبت به نقض فزاینده حقوق کارگران ایرانی اعلام میداریم در حالیکه که بسیاری از کارگران جان خود را از دست داده اند و عده ای در حال حاضر در زندان بسر می برند و عده ای نیز با وجود بیماری از دسترسی به امکانات بهداشتی درمانی محروم هستند، گروهی که در پی درخواست شرایط کاری مناسب در صدد سازماندهی مستقل اتحادیه کارگران بودند نیز از این کار باز داشته شده اند.

این مسأله با توجه به نقش ایران در ایجاد سازمان بین المللی کار و عضویت فعال ایران دراین سازمان بسیار دلسرد کننده است. بنا بر بیانیه سارمان بین المللی کار، کارگران در هر کشور از حقوق زیر برخوردار هستند:

حق سازماندهی انجمن و تشکل
حق مذاکرات دسته جمعی
لغو کار اجباری
لغو کار کودک
عدم تبعیض دراشتغال
حق برخورداری از شرایط مناسب کاری

مرگ، شکنجه، ارعاب ، آزار و اذیت و نقض حقوق کار گران به وضوح نشان دهنده نادیده گرفتن اصول اساسی سازمان بین المللی کار در ایران وهمچنین چشم پوشی از خواسته های کارگرانیست که تنها جرمشان مطالبه شرایط کاری مناسب و زندگی با عزت برای خانواده هایشان است.

ایران یکی از قدیمی‌ترین اعضای سازمان بین المللی کار می‌باشد که در سال ۱۹۱۹ میلادی، در بدو شکل گیری این سازمان، به آن ملحق شد. اولین اتحادیهٔ بازرگانی مستقل در ایران بیش از یک قرن قدمت دارد. اما امروز کارگران و معلمان ایرانی از بسیاری حقوق تعریف شده توسط سازمان بین المللی کار محروم هستند. آنان هم تحت قانون کار ایران و هم در عمل از دسترسی به حقوق اولیهٔ خود باز مانده اند. آنان نمی‌توانند اتحادیهٔ بازرگانی مستقلی تشکیل دهند تا حقوق اولیهٔ خود از قبیل دستمزدهای معوقه که در برخی موارد تا ۳۶ ماه پرداخت نشده اند را مطالبه کنند. حکومت به طور دائم کارگرانی را که به دنبال حقوق خود هستند بازداشت و محاکمه می‌کند. نیروهای امنیتی غالباً به تجمعات صلح آمیز کارگران حمله می‌کنند، خانوادهٔ آنان را مورد اذیت و آزار قرار میدهند و همانطور که در تجمع کارگران معدن مس شهر بابک در نزدیکی کرمان در سال ۲۰۰۴ اتفاق افتاد، حتی آنان را به قتل می‌رسانند.

رهبران اتحادیه ها، منصور اسانلو-سیندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه- ، محمود صالحی-کارگر نانوایی از شهرستان سقز در زندان به سر میبرند. مجید حمیدی، فعال سر شناس حقوق کارگران که هدف ترور قرار گرفته هم اکنون در بیمارستان بستری می‌باشد. یازده کارگر در فوریه ۲۰۰۸ به جرم شرکت در تجمع مسالمت آمیز روز جهانی کارگر زندانی و جریمه شدند. گرچه ماده ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی ایران آزادی تشکل را به رسمیت میشناسد، قانون کار ایران به صراحت در تضاد با این قوانین حقوقی می‌باشد ایجاد تشکلهای صنفی و فعالیتهای گروهی است در ماه مارچ سال ۲۰۰۷ هزاران یکی دیگر از مظاهر جنبش کارگری تلاش معلمان دبستان و راهنمایی برای معلم دست به تظاهرات در مقابل مجلس زده و خواستار رسیدگی به شکایات خود شدند که ازآن جمله تبعیض گسترده در مقایسه با دیگر کارکنان دولتی و دستمزد کم می باشد که آنها را مجبور به زندگی در زیر خط فقر نموده است. در پاسخ به این تلاش برای جلب توجه نمایندگان مجلس، نیروهای امنیتی دست به خشونت زده و به آنها حمله کردند. از آن تاریخ به بعد رهبران سازماندهنده این تشکلها در دادگاههایی ناعادلانه محاکمه شده ودرمواردی تا ۵ سال محکوم به زندان شدند.

دولت به شدت معلمان شرکت کننده در تظاهرات را با شلیک به آنان، بازنشستگی زودهنگام ، کم کردن دستمزد یا به تعلیق در آوردن کارشان مجازات کرد. تنها نشریه مستقل معلمان با عنوان قلم معلم مورد هجوم و چپاول ماموران امنیتی قرار گرفت و خبرنگاران و سردبیران نشریه به میز محاکمه کشیده شدند. و می کوشد تا از تشکیل جلسات این انجمنها جلوگیری کند. وزارت کشور اعلام کرده است که همه انجمنهای صنفی معلمان غیر قانونی است.

تظاهرات عمومی کارگران بطور معمول با سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه میشود. یک مثال قابل توجه از این نمونه وضعیت کارگران شرکت رشت الکتریک، یکی از بزرگترین تولید کنندگان لوازم الکتریک و قطعات الکتریکی در خاورمیانه، است. در سه سال گذشته کارگران رشت الکتریک در راستای احیای حقوق ابتدایی خود همواره کشیده اند تا اعتراض خود را در قالب تظاهرات و تجمعات مسالمت آمیز نشان دهند هر چند که این تلاش ها نتیجه ای در پی نداشته اند . از دیگرنمونه های این قبیل اعتراضات گسترده میتوان به اعتراضات مجتمع

هفت تپه در اهواز و اعتراضات کارگران نساجی در کردستان اشاره کرد. در تمامی نمونهای مذکور، سرکوب شدید و خشونت آمیزنیروهای امنیتی به اجتماعات کارگران پایان داده است.

نمونه های ارعاب، اذیت و آزار، و سرکوب شدید اعتراضات صلح آمیز کارگری وبی توجهی به حقوق ابتدایی کارگران ، ما را بر آن داشت که طی نامه ای به دولت ایران خاطر نشان کنیم که حقوق کارگری جزئی از حقوق انسانی بوده و باید محترم شمرده شود.

ما، مدافعان حقوق بشر، سازمان عفو بین الملل ایالات متحده آمریکا، سازمان عفو بین الملل ویسکانسون ، امضا کنندگان اتحادیه کار در ویسکانسون امریکا و اتحاد برای ایران مصرانه از جمهوری اسلامی ایران، شورای کار اسلامی، و وزارت کار جمهوری اسلامی خواستاریم تا قانون بین الملل کار و اعلامیه جهانی حقوق بشر(منشور سازمان ملل) را اجرا کرده و به آنان احترام بگذارند.

ما همچنین آزادی موقت کارگران بازداشت شده که نیازمند مراقبت پزشکی هستند را خواستاریم.

امضا کنندگان

دکتر شیرین عبادی – برنده جایزه صلح
خانم دولورس هورتا مؤسس کارگران مزرعه آمریکا به همراه سزار چاوز و معاون سابق آن سازمان
دکتر هادی قائمی، مدیر اجرایی، کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران
دکتر اعظم نیرومند راد رئیس عفو بین الملل ویسکانسون
خانم انجی هوگس، سازمان عفو بین الملل آمریکا
دکتر الیز اور باخ، متخصص ایران و اردن در سازمان عفو بین الملل آمریکا
آقای جیم کاوانا، رییس فدراسیون کار جنوب مرکزی ویسکانسون
دکتر برایان کندی، رئیس، فدراسیون معلمان آمریکا – ویسکانسین
خانم فیروزه محمودی، مدیر اجرایی سازمان اتحاد برای ایران
گیرندگان:

علیرضا آوایی رییس کل دادگستری استان تهران
صادق اردشیر لاریجانی
دفتر حفاظت منافع ایران در واشنگتن دی سی
کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد

منبع: گویا نیوز

—

Ask Our Security Editor

2011-07-17 · Archive ID 491
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=491

اگر شما سوالاتی درمورد چگونگی حفظ امنیت اینترنتی ومسائل مربوط به آن دارید می توانید با ما مطرح کنید.همکارما دربخش حمایت وامنیت اینترنتی به شما پاسخ خواهد داد.

[contact-form 2 "بی نام و نشان"]

—

ایستادگی مدنی

2011-07-18 · Archive ID 428
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=428

کنشهای کوچک و مثال زدنی از ایستادگی مدنی

اسیتو کراشا و جان جکسون در یک سری از مقالات مشترک به نام : « کنشهای کوچک و مثال زدنی از ایستادگی مدنی » با ارائه تعاریف روشن و مثالهای متعدد از موارد مشهور اعتراضات و ایستادگی مدنی به بازگویی و تشریح انواع روش‌های مبارزه مدنی در کشورهای مختلف جهان پرداخته اند . آنها به تجربیات آزادی خواهان و مصلحان اجتماعی در کشورهایی مانند برزیل، افغانستان، لیبریا، چاد، فلسطین، هند، ایالات متحده امریکا، آلمان دوران نازی، فیلیپین، چین ، یوگسلاوی، نپال، سودان برمه، لهستان، بریتانیا، ترکیه و پرو پرداخته اند . دراین مقالات نویسندگان با بازگویی اقدامات فردی و جمعی افراد و مردم روشهای به کار گرفته شده را بررسی کرده اند . شیوه‌هایی که درمبارزه با نقص قانون از طرف دولت ها،اعمال تبعیض و سرکوب و سانسور مؤثر واقع شده و در ادامه همبستگی جمعی و یا ملی را در پی داشته اند .

عمار ملکی این مقالات را به فارسی برگردانده و هربخش از مقالات را به یکی از رهروان مبارزه برای حقوق بشر و آزادی که در ایران زندانی اند تقدیم کرده است .

از "نافرمانی مدنی" تا بدفرمانی مدنی"

چه برداشتی از نافرمانی مدنی دارید؟ قوانین خوب و بد کدامند؟ برای تغییر قوانین ناکارآمد چه باید کرد؟ چه روشهایی در ایجاد حساسیت در مردم برای ایجاد نهادهای مدنی و فعالیت درآن موثرند؟ درباره « بدفرمانی مدنی » چه می دانید؟ این سؤالات و دهها پرسش دیگردر زمینه مبارزات مدنی را در سری دوم مقالات منتشر شده توسط عمار ملکی پروهشگر ایرانی و کارشناس ارشد مهندسی و سیاست گذاری عمومی می خوانید . این مقالات اولین بار درسایت گویا منتشر شده و شامل چهارده قسمت می شوند .

عمار ملکی در بخش نخست از این سری می نویسد :

«ا ین مجموعه نوشتار که از جمع آوری ، تر جمه ، نظریهپردازی و نگارش مطالب گوناگونی تشکیل شده است، حاصل اندیشه و تاملات ذهنی کسی است که با نگاه مهندسی و با استفاده از روش مشاهده به پدیدههای اجتماعی و سیاسی مینگرد و در زمینه علوم انسانی، خود را نیازمند آموزش و راهنمایی استادان این عرصه میداند . نویسنده این نوشتار بدون ادعای بهره مند بودن از دانش جامعی در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی، دارای دغدغههای بسیاری برای آزادی، توسعه، پیشرفت و آبادانی کشورمان ایران و دستیابی به جامعهای عادلانه بر مبنای دموکراسی و رعایت حقوق بشر میباشد . با این اعتقاد که در راه رسیدن به این آرمان، با غر زدن و سلب مسئولیت از خویش و در انتظار « دستی از غیب برون آید و کاری بکند » ، گشایشی حاصل نخواهد شد . باید که از یک سو، روش درست اعتراض کردن و مقاومت مدنی و مسالمتآمیز را دانست و از سوی دیگر با شناخت روحیات و روشهای اعتراضی خودمان، نقاط ضعف و توانایی خویش را بازشناسیم .»

منبع:

http://negaraan.blogspot.com

—

متن کامل کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

2011-07-18 · Archive ID 431
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=431

متن کامل کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

اگر چه طي سالهاي پس از تأسيس سازمان ملل متحد، كنوانسيون‌هاي گوناگوني در ارتباط با زنان و مسائل مربوط به آنان به تصويب رسيده است، اما بدون ترديد مهمترين كنوانسيون در تمام اين سالها، «كنوانسيون رفع كليه اشكال تبعيض عليه زنان» است.

دولت ايران، اگر چه به برخي از اين كنوانسيونها پيوسته، اما مفاد كنوانسيون رفع تبعيض عليه زنان را نپذيرفته است. چندي پيش طرحي براي الحاق ايران به اين كنوانسيون به مجلس ارائه شد،امااين طرح پس از مدتي از دستور كميسيون رسيدگي كننده خارجشد. متن كامل اين كنوانسيون را مي‌خوانيد:

كنوانسيون رفع كليه اشكال تبعيض عليه زنان

مصوب 1979 مجمع عمومي سازمان ملل متحد

مقدمه

دول عضو كنوانسيون حاضر،

با عنايت به اين كه منشور ملل متحد بر پاي‌بندي حقوق اساسي بشر، مقام و منزلت هر فرد انساني و برابري حقوق زن و مرد تأكيد دارد.

با عنايت به اين كه اعلاميهٔ جهاني حقوق بشر بر اصل جايز نبودن تبعيض تأييد داشته، اعلام مي‌دارد كه كليه افراد بشر آزاد به دنيا آمده از نظر منزلت و حقوق يكسان بوده و بدون هيچ گونه تمايزي، از جمله تمايزات مبتني بر جنسيت، حق دارند كه از كليه حقوق و آزادي‌هاي مندرج در اين اعلاميه بهره‌مند شوند.

با عنايت به اين كه دول عضو ميثاق‌هاي بين‌المللي حقوق بشر متعهد به تضمين حقوق برابر زنان و مردان در بهره‌مندي از كليه حقوق اساسي، اجتماعي، فرهنگي، مدني و سياسي مي‌باشند.

با در نظر گرفتن كنوانسيون‌هاي بين‌المللي كه تحت نظر سازمان ملل متحد و كارگزاري‌هاي تخصصي به منظور تساوي حقوق زنان و مردان منعقد گرديده‌اند.

با عنايت به قطع‌نامه‌ها، اعلاميه‌ها و توصيه‌هايي كه توسط ملل متحد و كارگزاري‌هاي تخصصي براي پيشبرد تساوي حقوق زنان و مردان تصويب شده است.

با نگراني از اين كه علي‌رغم اين اسناد متعدد، تبعيضات عليه زنان هم‌چنان به طور گسترده ادامه دارد.

با يادآوري اين كه تبعيضات عليه زنان ناقض اصول برابري حقوق و احترام به شخصيت بشر مي‌باشد و مانع شركت زنان در شرايط مساوي با مردان در زندگي سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي كشور و نيز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده و شكوفايي كامل قابليت‌ها و استعدادهاي زنان در خدمت به كشور و بشريت را دشوارتر مي‌نمايد.

با نگراني از اين كه زنان در شرايط فقر و تنگدستي حداقل امكان دسترسي را به مواد غذايي، بهداشت، تحصيلات آموزش و امكانات اشتغال و ساير نيازها دارند.

با اعتقاد بر اين كه تشكيل نظام نوين اقتصاد بين‌الملل بر اساس مساوات و عدالت در تحقق پيشبرد برابري بين مردان و زنان نقش مهمي را ايفا مي‌نمايد.

با تأكيد بر اين كه ريشه‌كن كردن آپارتايد، اشكال مختلف نژادپرستي، تبعيض نژادي، استعمار، استعمار نو، تجاوز، اشغال و سلطه و دخالت خارجي در امور دولت‌ها لازمه تحقق كامل حقوق مردان و زنان مي‌باشد.

با تأييد بر اين كه تحكيم صلح و امنيت بين‌المللي، تشنج‌زدايي بين‌المللي، همكاري‌هاي متقابل دول صرف نظر از نظام‌هاي اجتماعي و اقتصادي آنان، خلع سلاح كامل و به ويژه خلع سلاح اتمي تحت نظارت و كنترل دقيق و مؤثر بين‌المللي، تأكيد بر اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بين كشورها و احقاق حق مردم تحت سلطه استعمار و بيگانه و اشغال خارجي به دستيابي به حق تعيين سرنوشت و استقلال و همچنين احترام به

حاكميت ملي و تماميت ارضي باعث توسعه و پيشرفت اجتماعي خواهد شد و در نتيجه به دستيابي به مساوات كامل بين مردان و زنان كمك خواهد كرد.

با اعتقاد بر اين كه توسعه تمام و كامل يك كشور، رفاه جهاني و برقراري صلح مستلزم شركت يك‌پارچه زنان در تمام زمينه‌ها در شرايط مساوي با مردان است.

با در نظر گرفتن سهم عمده زنان در تحقق رفاه خانواده و پيشرفت جامعه،كه تا كنون كاملاً شناسايي نشده است، اهميت اجتماعي مادي و نقش مادري و نقش والدين در خانواده و در تربيت كودكان، و با آگاهي از اين كه نقش زنان در توليد مثل نبايد اساس تبعيض بوده بلكه تربيت كودكان نيازمند تقسيم مسئوليت بين زن و مرد و جامعه بطور كلي مي‌باشد.

با اطلاع از اين كه تغيير در نقش سنتي مردان و زنان در جامعه و خانواده براي دست‌يابي به مساوات كامل بين زنان در جامعه و خانواده براي دست‌يابي به مساوات كامل بين زنان و مردان ضروري است.

با عزم بر اجراي اصول مندرج در اعلاميه رفع تبعيض عليه زنان و در اين راستا اتخاذ اقدامات ضروري براي از ميان برداشتن اين گونه تبعيض‌ها در كليه اشكال و صور آن، به شرح ذيل توافق كردند:

بخش اول

ماده 1

عبارت «تبعيض عليه زنان» در اين كنوانسيون به هر گونه تمايز، استثناء (محروميت) يا محدوديت بر اساس جنسيت كه نتيجه و هدف آن خدشه‌دار كردن يا لغو شناسايي، بهره‌مندي يا اعمال حقوق بشر و آزادي‌هاي اساسي در زمينه‌هاي سياسي، اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي، مدني و يا هر زمينة ديگر توسط زنان صرف نظر از وضعيت زناشويي ايشان و بر اساس تساوي ميان زنان و مردان، اطلاق مي‌گردد.

ماده 2

دول عضو، هر گونه تبعيض عليه زنان را محكوم كرده، موافقت مي‌نمايند كه بدون درنگ سياست رفع تبعيض از زنان را با كلية ابزارهاي مناسب دنبال نموده و با اين هدف موارد زير را متعهد مي‌شوند:

الف. گنجاندن اصل مساوات ميان زنان و مردان در قانون اساسي يا ساير قوانين مربوطة هر كشور، چنان چه تا كنون منظور نشده باشد، و تضمين تحقق عملي اين اصل به وسيلة وضع قانون يا ساير طرق مناسب ديگر؛

ب. تصويب قوانين مناسب و يا اقدامات ديگر، از جمله مجازات در صورت اقتضاء به منظور رفع تبعيض از زنان؛

ج. برقراري حمايت قانون از حقوق زنان بر مبناي برابري با مردان و حصول اطمينان از حمايت مؤثر از زنان در مقابل هر گونه اقدام تبعيض‌آميز از طريق مراجع قضايي ذي‌صلاح ملي و ساير مؤسسات دولتي؛

د. خودداري از انجام هرگونه عمل و حركت تبعيض‌آميز عليه زنان و تضمين رعايت اين تعهدات توسط مراجع و مؤسسات دولتي؛

هـ.اتخاذ كلية اقدامات مناسب جهت رفع تبعيض از زنان توسط هر شخص، سازمان، و يا شركت‌هاي خصوصي؛

و. اتخاذ تدابير لازم از جمله وضع قوانين به منظور اصلاح يا نسخ قوانين، مقررات، عرف يا روش‌هاي موجود كه نسبت به زنان تبعيض‌آميزند؛

ز. فسخ كلية مقررات كيفري ملي كه موجب تبعيض نسبت به زنان مي‌شود.

ماده 3

دول عضو بايد در تمام زمينه‌ها به ويژه زمينه‌هاي سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي كلية اقدامات مناسب از جمله وضع قوانين را براي تضمين توسعه و پيشرفت كامل زنان و نيز بهره‌مندي آنان از حقوق بشر و آزادي‌هاي اساسي بر مبناي مساوات با مردان به عمل آورند.

ماده 4

1. اتخاذ تدابير ويژه موقتي توسط دول عضو كه هدف آن تسريع در برقراري مساوات بين مردان و زنان است نبايد به عنوان «تبعيض» به صورتي كه در اين كنوانسيون تعريف شده است، تلقي گردد. و بدون اين كه اين اقدامات منجر به حفظ معيارهاي نابرابر و مجزا گردد، پس از تحقق رفتار و فرصت‌هاي برابر متوقف خواهد شد.

2. اتخاذ تدابير ويژه توسط دول عضو از جمله اقداماتي كه در اين كنوانسيون براي حمايت از مادري منظور شده است، تبعيض‌آميز تلقي نخواهد شد.

ماده 5

دول عضو كليه اقدامات مناسب در زمينه‌هاي زير را به عمل مي‌آورد:

الف. تعديل الگوهاي اجتماعي و فرهنگي رفتاري مردان و زنان به منظور از ميان برداشتن تعصبات و كلية روش‌هاي سنتي و غيره كه بر تفكر پست‌نگري يا برترنگري هر يك از دو جنس و يا تداوم نقش‌هاي كليشه‌اي براي مردان و زنان استوار باشد؛

ب. حصول اطمينان از اينكه آموزش خانواده شامل درك صحيح از وضعيت مادري به عنوان يك وظيفه اجتماعي و شناسايي مسئوليت مشترك زنان و مردان در پرورش و تربيت كودكان خود باشد. با اين استنباط كه منافع كودكان در تمام موارد در اولويت قرار گيرد.

ماده 6

دول عضو كلية اقدامات مقتضي از جمله وضع قوانين را به منظور جلوگيري از حمل و نقل غيرقانوني و بهره‌بري از روسپي‌گري زنان به عمل خواهند آورد.

بخش دوم

ماده 7

دول عضو براي رفع تبعيض از زنان در حيات سياسي و اجتماعي كشور كليه اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد، به ويژه حقوق زير را در شرايط مساوي با مردان براي زنان تضمين خواهند كرد:

الف.رأي دادن در كلية انتخابات و همه‌پرسي‌هاي عمومي و داشتن شرايط نامزدي در همه اجتماعات منتخب عمومي؛

ب. مشاركت در تعيين سياست دولت و اجراي آن و انتصاب به سمت‌هاي دولتي و انسجام كليه مسئوليت‌هاي دولتي در تمام سطوح دولت؛

ج. شركت در سازمان‌ها و انجمن‌هاي غيردولتي مرتبط با حيات سياسي و اجتماعي كشور.

ماده 8

دول عضو اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد تا بدون هيچ گونه تبعيض و در شرايط مساوي با مردان اين فرصت به زنان داده شود كه به عنوان نماينده دولت خود در سطح بين‌المللي عمل نموده و در فعاليت سازمان‌هاي بين‌المللي نقش داشته باشند.

ماده 9

1. دول عضو در مورد كسب، تغيير يا حفظ تابعيت، حقوقي مساوي با مردان به زنان اعطا خواهند كرد. دولت‌ها به ويژه تضمين مي‌كنند كه ازدواج با فرد خارجي يا تغيير تابعيت شوهر در طي دوران ازدواج خود به خود باعث تغيير تابعيت زن، بي‌وطن شدن يا تحميل تابعيت شوهر به وي نگردد.

2. دول عضو به زنان و مردان در مورد تابعيت فرزندانشان حقوق مساوي اعطا خواهند كرد.

بخش سوم

ماده 10

دول عضو به منظور تضمين حقوق مساوي زنان با مردان در زمينة آموزش و پرورش هر گونه اقدامي براي رفع تبعيض از زنان به عمل خواهند آورد. به ويژه بر اساس مساوات بين زنان و مردان موارد زير را تضمين خواهند كرد:

الف. شرايط يكسان در زمينه آموزش‌هاي فني و حرفه‌اي، و براي دسترسي به آموزش و دريافت دانش‌نامه در انواع مختلف مؤسسات آموزشي در مناطق شهري و روستايي، اين تساوي بايد در آموزش پيش‌مدرسه‌اي، آموزش عمومي، حرفه‌اي و آموزش عالي فني و نيز دوره‌هاي حرفه‌اي مختلف تضمين شود؛

ب. دسترسي به برنامه درسي يكسان، امتحانات يكسان، معلمين داراي مهارت‌ها و صلاحيت‌هاي هم‌طراز و محل‌ها و امكانات آموزشي با كيفيت برابر؛

ج. از بين بردن هر گونه مفهوم كليشه‌اي از نقش زنان و مردان در كليه سطوح و در اشكال مختلف از طريق تشويق به آموزش مختلط و ساير انواع روش‌هاي آموزشي كه نيل به اين هدف را ممكن مي‌سازد و به ويژه برنامه‌هاي آموزشي مدارس و تطبيق دادن روش‌هاي آموزشي؛

د. ايجاد فرصت‌هاي يكسان جهت بهره‌مندي از بورس‌ها و ساير مزاياي تحصيلي؛

هـ. امكانات مشابه جهت دستيابي به برنامه‌هاي مربوط به ادامه تحصيلات، از جمله برنامه‌هاي عملي سوادآموزي بزرگسالان به ويژه برنامه‌هايي كه با حذف كاهش هر چه سريع‌تر شكاف آموزشي موجود بين زنان و مردان تدوين يافته‌اند؛

و. كاهش درصد دانش‌آموزان دختر كه ترك تحصيل مي‌كنند و تنظيم برنامه‌هايي براي دختران و زناني كه تحصيل زودرس داشته‌اند؛

ز. امكانات يكسان براي شركت فعال زنان در ورزش و تربيت بدني؛

ح. دسترسي به اطلاعات آموزشي مشخص كه سلامتي و تندرستي خانواده را تضمين مي‌نمايند، از جمله اطلاعات و راهنمايي در مورد تنظيم خانواده

الف. بند الف، برخورداري از شرايط يكسان در آموزش و دريافت دانش‌نامه در كليه مؤسسات و دوره‌هاي آموزشي.

الف. شرايط يكسان در زمينه آموزش‌هاي فني و حرفه‌اي، و براي دسترسي به آموزش و دريافت دانش‌نامه در انواع مختلف مؤسسات آموزشي در مناطق شهري و رستايي، اين تساوي بايد در آموزش عمومي، فني و حرفه‌اي و آموزش عالي فني و نيز دوره‌هاي حرفه‌اي مختلف تضمين شود.

ماده 11

1. دول عضو كليه اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد تا هر گونه تبعيض عليه زنان در اشتغال از بين برود و براساس اصل تساوي زنان و مردان، حقوق مشابه براي آن‌ها تضمين شود، به ويژه در موارد زير:

الف. حق اشتغال به كار به عنوان حق لاينفك تمام افراد بشر.

ب. حق استفاده از فرصت‌هاي استخدامي يكسان، از جمله اعمال ضوابط يكسان براي استخدام.

ج. حق انتخاب آزادانه حرفه و پيشه، حق برخورداري از ارتقاي مقام، حق برخورداري از امنيت شغلي و تمام امتيازات و شرايط شغلي و حق استفاده از دوره‌هاي آموزش حرفه‌اي و بازآموزي از جمله كارآموزي و شركت در دوره‌هاي آموزش حرفه‌اي پيشرفته و آموزش مرحله‌اي.

د. حق دريافت دستمزد برابر و نيز استفاده از مزايا و حق برخورداري از رفتار يكسان در مشاغلي كه داراي ارزش برابر است و هم‌چنين قضاوت يكسان در ارزيابي كيفيت كار مشابه.

هـ. حق استفاده از بيمه‌هاي اجتماعي به ويژه در دوران پيري و در ساير موارد از كار افتادگي و نيز حق استفاده از مرخصي استحقاقي.

و. حق حفظ سلامتي و رعايت ايمني در محيط كار، از جمله حمايت از وظيفه توليد مثل.

2. به منظور جلوگيري از اعمال تبعيض‌ها عليه زنان بر پايه ازدواج يا مادري (بارداري) و تضمين حق مؤثر آنان جهت كار،دول عضو اقدامات زير را به عمل خواهند آورد:

الف. ممنوعيت اخراج به دليل بارداري يا مرخصي زايمان و تبعيض در اخراج بر اساس وضعيت زناشويي و اعمال مجازات‌هاي قانوني بدين‌منظور.

ب. صدور اجازه مرخصي زايمان با حقوق يا مزاياي اجتماعي مشابه بدون از دست دادن شغل قبلي، ارشديت يا مزاياي اجتماعي.

ج. تشويق به ارائه خدمات حمايتي اجتماعي لازم به نحوي كه والدين را قادر نمايد تعهدات خانوادگي را با مسئوليت‌هاي شغلي و مشاركت در زندگي اجتماعي هماهنگ سازند، به خصوص از طريق ايجاد و توسعه شبكه تسهيلاتي براي مراقبت از كودكان.

د. برقراري حمايت خاص از زنان هنگام بارداري در انواع مشاغلي كه براي آنان زيان‌آور محسوب مي‌گردد.

3. قوانين حمايت كننده ذكر شده در اين ماده به طور متناوب هم‌گام با پيشرفت اطلاعات و دانش‌هاي علمي و تكنولوژيكي بايد مورد بررسي قرار گيرد و در صورت لزوم بازنگري، لغو يا تمديد شوند.

ماده12

1. دول عضو براي رفع تبعيض از زنان در زمينه مراقبت بهداشتي آنان كليه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا دسترسي به خدمات بهداشتي از جمله خدماتي كه به تنظيم خانواده مربوط مي‌شود براساس رعايت مساوات بين مردان و زنان تضمين شود.

2. دول عضو صرف نظر از مفاد بند 1 اين ماده ارائه خدمات مناسب در ارتباط با بارداري، بستري براي زايمان و دوران پس از زايمان را تضمين خواهند كرد و در موارد لازم خدمات رايگان و نيز تغذيه كافي در دوران بارداري و دوران شيردهي در اختيار آنان قرار خواهند داد.

ماده 13

دول عضو كليه اقدامات مقتضي را به منظور رفع تبعيض از زنان در ساير زمينه‌هاي حيات اقتصادي و اجتماعي به عمل خواهند آورد تا حقوق يكسان به ويژه در زمينه‌هاي زير براساس برابري مردان و زنان تضمين شود:

الف. حق استفاده از مزاياي خانوادگي؛

ب. حق استفاده از وام‌هاي بانكي، رهن و ساير اشكال اعتبارات مالي؛

ج. حق شركت در فعاليت‌هاي تفريحي، ورزشي و كليه زمينه‌هاي حيات فرهنگي.

ماده 14

1. دول عضو مشكلات خاص زنان روستايي را مد نظر قرار داده و به نقش مهمي كه اين زنان در جهت حيات اقتصادي خانواده‌هاي خود از جمله كار در بخش‌هاي غيرمالي اقتصاد به عهده دارند،توجه خاص مبذول خواهند داشت و كليه اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد تا مفاد اين كنوانسيون نسبت به زنان در مناطق روستايي اجرا گردد.

2. دول عضو كليه اقدمات مقتضي را جهت رفع تبعيض از زنان در مناطق روستايي به عمل خواهند آورد تا اين زنان براساس تساوي مردان و زنان در برنامه‌هاي عمراني و روستايي شركت نموده و از آن بهره‌مند گردند و به خصوص از حقوق زير برخوردار شوند:

الف. شركت در تدوين و اجراي برنامه‌هاي عمراني در كليه سطوح؛

ب. دسترسي به تسهيلات بهداشتي كافي از جمله از اطلاعات، مشاوره و خدمات تنظيم خانواده؛

ج. استفاده از انواع دوره‌ها و برنامه‌هاي تأمين اجتماعي؛

د. استفاده از انواع دوره‌ها و برنامه‌هاي آموزشي رسمي و غير رسمي از جمله سوادآموزي عملي و نيز بهره‌مندي از خدمات محلي و فوق‌العاده به منظور بالا بردن كارايي فني آنان؛

هـ .تشكيل گروه‌ها و تعاوني‌هاي خوديارى به منظور به دست آوردن امكان دست‌يابي مساوي به فرصت‌هاي اقتصادي از طريق اشتغال يا خود اشتغالي؛

و. شركت در كليه فعاليت‌هاي محلي؛

ز.دسترسي به وام‌ها و اعتبارات كشاورزي، تسهيلات بازاريابي، تكنولوژي مناسب و استفاده يكسان از زمين و برخورداري از رفتار مساوي در چارچوب اصلاحات ارضي و روستايي و نيز در برنامه‌هاي جايگزيني زمين؛

ح. بهره‌مندي از شرايط زندگي مناسب، به ويژه مسكن، بهداشت، آب و برق، ارتباطات‌و حمل و نقل.

بخش چهارم

ماده 15

1. دول عضو به زنان حقوق مساوي با مردان در برابر قانون اعطا مي‌كند.

2. دول عضو در امور مدني به زنان اختيارات و امكانات قانوني دقيقاً يكسان با مردان و نيز شرايط مساوي براي بهره‌برداري از اين اختيارات و امكانات اعطا خواهند كرد. دول عضو براي انعقاد قرارداد و اداره املاك براي زنان حقوقي برابر با مردان قائل شده و با ايشان در كليه مراحل دادرسي در دادگاه‌ها و مراجع قضائي به صورت يكسان رفتار خواهند كرد.

3. دول عضو موافقت مي‌نمايند كه كليه قراردادها و ساير اسناد خصوصي از هر نوع كه داراي اثر قانوني بوده در جهت محدوده كردن امكانات قانوني زنان باشد. كان لم يكن تلقي گردد.

4. دول عضو به زنان و مردان حقوقي يكسان در برابر قانون مربوط به تردد افراد و آزادي انتخاب مسكن و اقامتگاه اعطا خواهند كرد.

ماده 16

دول عضو به منظور رفع تبعيض از زنان در كلية امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگي كلية اقدامات مقتضي را به عمل خواهند آورد و به ويژه بر اساس تساوي مردان و زنان موارد ذيل را تضمين خواهند كرد:

الف. حق يكسان براي ورود به ازدواج؛

ب. حق يكسان در انتخاب آزادانة همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضايت كامل و آزادانة دو طرف ازدواج؛

ج. حقوق و مسئوليت‌هاي يكسان در طي دوران زناشوئي و به هنگام جدايي؛

د. حقوق و مسئوليت‌يكسان به عنوان والدين، صرف نظر از وضع روابط زناشويي، در مسائلي كه به فرزندان آنان مربوط مي‌شود؛ در كليه موارد منافع كودكان از اولويت برخوردار خواهد بود؛

هـ . حقوق يكسان در مورد تصميم‌گيري آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فاصله زماني بارداري و دسترسي به اطلاعات، آموزش و ابزار لازم كه قدرت بهره‌مندي از اين حقوق را به ايشان مي‌دهد؛

و. حقوق و مسئوليت‌هاي يكسان در مورد قيموميت، حضانت، سرپرستي و به فرزند گرفتن كودكان و يا موارد مشابه با اين مفاهيم در حقوق ملي، در كليه موارد منافع كودكان از اولويت برخوردار خواهد بود؛

ز. حقوق فردي يكسان به عنوان شوهر وزن من جمله حق انتخاب نام خانوادگي، شغل و حرفه؛

ح. حقوق يكسان براي زوجين نسبت به مالكيت، حق اكتساب، مديريت، سرپرستي، بهره‌مندي و انتقال ملك اعم از اين كه رايگان باشد و يا هزينه‌اي در برداشته باشد.

2. نامزدي و ازدواج كودك هيچ اثر قانوني ندارد و كليه اقدامات ضروري من جمله وضع قانون براي تعيين حداقل سن ازدواج و اجباري كردن ثبت ازواج در دفاتر رسمي مي‌بايست به عمل آيد.

بخش پنجم

ماده 17

1. به منظور بررسي پيشرفت حاصله در اجراي مفاد اين كنوانسيون كميته رفع تبعيض عليه زنان (كه من بعد از آن به عنوان كميته ياد خواهد شد) شامل هجده نفر در زمان لازم‌الاجراء شدن و پس از تصويب با پيوستن سي و پنجمين كشور عضو، بيست و سه نفر از خبرگان داراي شهرت اخلاقي والا و صلاحيت در زمينه‌هاي مربوط به كنوانسيون تشكيل مي‌شود. اين خبرگان توسط دول عضو از ميان اتباع كشورهايشان انتخاب مي‌شوند و در صلاحيت شخصي خود خدمت مي‌كنند. در انتخاب اين اشخاص به توزيع عادلانه جغرايايي و به حضور اشكال مختلف تمدن و نظام‌هاي عمده حقوق توجه مي‌شود.

2. اعضاي كميته با رأي مخفي و از فهرست افرادي كه توسط دول عضو نامزد شده‌اند، انتخاب مي‌شوند؛ هر دولت عضو مي‌تواند يك نفر از اتباع خود را نامزد نمايد.

3. نخستين انتخابات شش ماه پس از لازم‌الجراء شدن اين كنوانسيون برگزار خواهد شد. حداقل سه ماه قبل از تاريخ هر انتخابات دبيركل ملل متحد طي نامه‌اي از دول عضو مي‌خواهد تا ظرف دو ماه نامزدهاي خود را معرفي كنند.

دبير كل فهرست اسامي نامزدها را به ترتيب حروف الفبا و با ذكر كشور نامزدكننده هر يك تهيه و براي دول عضو ارسال خواهد داشت.

4. انتخابات اعضاي كميته در جلسه دول عضو كه توسط دبيركل در مقر ملل متحد برگزار خواهد شد، انجام مي‌شود در اين جلسه، كه حد نصاب تشكيل آن حضور دو سوم دول عضو مي‌باشد، اشخاص انتخاب شده براي عضويت در كميته آن دسته از نامزدهايي خواهند بود كه بيشترين تعداد آراء و همزمان اكثريت مطلق آراء نمايندگان عضو حاضر و رأي دهنده در جلسه را به دست آورند.

5. اعضاي كميته براي يك دوره چهار ساله انتخاب مي‌شوند. لكن دورة عضويت 9 نفر از اعضاي منتخب در اولين انتخاب در پايان دو سال به اتمام مي‌رسد. بلافاصله پس از اولين انتخابات اسامي اين 9 عضو به قيد قرعه توسط رئيس كميته انتخاب خواهد شد.

6. انتخاب 5 عضو ديگر كميته مطابق با بندهاي 2، 3 و 4 اين ماده و به دنبال سي و پنجمين تصويب يا الحاق صورت خواهد گرفت. دورة عضويت دو نفر از اعضاي فوق در پايان دو سال خاتمه خواهد يافت و اسامي دو نفر به قيد فرعه توسط رئيس كميته انتخاب خواهد شد.

7. به منظور اشغال پستهاي خالي احتمالي، دولتي كه فعاليت خبره‌اش به عنوان عضو كميته متوقف شده است، خبره ديگري را از بين اتباع خود براي عضويت در كميته مشروط به تأييد كميته، انتخاب خواهد كرد.

8. اعضاي كميته با تأييد مجمع عمومي و بر طبق ضوابط و شرايطي كه آن مجمع مقرر مي‌دارد و با در نظر گرفتن اهميت مسئوليت‌هاي كميته از سازمان ملل متحد مقرري دريافت خواهند كرد.

9. دبيركل ملل متحد تسهيلات و كارمندان لازم را به منظور تحقق و انجام مؤثر وظايف كميته در چارچوب اين كنوانسيون تأمين خواهد نمود.

ماده 18

1. دول عضو متعهد مي‌شوند گزارشي براي بررسي كميته در مورد اقدامات تقنيني، قضايي و اجرائي و ساير اقدامات متخذه در راستاي اجراي مفاد اين كنوانسيون و پيشرفت‌هاي حاصله در اين رابطه به دبيركل ملل متحد ارائه كنند:

الف. يك سال پس از لازم‌الاجراء شدن كنوانسيون براي آن دولت؛

ب. پس از آن حداقل هر چهار سال يك بار و علاوه بر آن هر زماني كه كميته درخواست‌كند؛.

2. اين گزارشات مي‌تواند مبين عوامل و مشكلاتي كه بر ميزان اجراي تعهدات تحت اين كنوانسيون اثر مي‌گذارد باشد.

ماده 20

1. كميته به منظور بررسي گزارشاتي كه مطابق با ماده 18 اين كنوانسيون ارائه شده هر ساله به مدتي كه از دو هفته تجاوز نكند تشكيل جلسه خواهد داد.

2. جلسه كميته معمولاً در مقر سازمان ملل متحد يا در هر محل مناسب ديگري كه به تصميم كميته تعيين مي‌شود برگزار خواهد شد.

ماده 21

كميته همه ساله از طريق شوراي اقتصادي و اجتماعي گزارشي در مورد فعاليت‌هاي خود به مجمع عمومي تسليم مي‌نمايد و مي‌تواند بر اساس گزارشات كلي و اطلاعات واصله از دول عضو پيشنهادات و توصيه‌هاي كلي ارائه دهد و اين پيشنهادات و توصيه‌هاي كلي همراه با نظرات احتمالي دول عضو در گزارش كميته درج مي‌گردد.

2. دبير كل ملل متحد گزارشات كميته را جهت اطلاع به كميسيون مقام زن ارسال مي‌نمايد.

ماده 22

مؤسسات تخصصي مجاز خواهند بود كه از طريق نمايندگان‌شان اجراي موادي از پيمان‌نامة حاضر را كه در حوزه فعاليت‌هاي آن‌ها جاي مي‌گيرند مورد بررسي قرار دهند. كميته ممكن است از مؤسسات تخصصي دعوت كند تا گزارش‌هايي درباره نحوة اجراي پيمان‌نامه در زمينه‌هايي كه به حوزة فعاليت آن‌ها مربوط مي‌شود ارائه نمايند.

بخش ششم

ماده 23

هيچ چيز در اين كنوانسيون بر مقرراتي كه براي دست‌ياي زنان و مردان برابري مفيدتر و مؤثر وجود دارد تأثير نخواهد گذاشت؛ اين مقررات مي‌تواند شامل موارد زير باشد:

الف. قوانين يك دولت عضو؛ يا

ب. هر كنوانسيون، پيمان يا موافقت‌نامه‌هاي بين‌المللي ديگري كه براي آن دولت لازم‌الاجراء است.

ماده 24

دول عضو متعهد مي‌گردند كليه اقدامات لازم در سطح ملي را كه هدف از آن تحقق كامل حقوق به رسميت شناخته شده در اين كنوانسيون مي‌باشد، به عمل آورند.

ماده 25

1. اين كنوانسيون براي امضاي كليه دول مفتوح مي‌باشد.

2. دبير كل ملل متحد به عنوان امين اين كنوانسيون تعيين مي‌شود.

3. تصويب اين كنوانسيون منوط به طي مراحل تصويب قانوني است. اسناد تصويب نزد دبير كل ملل متحد به امانت گذارده خواهد شد.

4. اين كنوانسيون جهت الحاق كليه دول مفتوح مي‌باشد. الحاق با سپردن سند الحاق به دبيركل ملل متحد محقق مي‌شود.

ماده 26

1. دول عضو مي‌توانند در هر زمان طي نامه‌اي خطاب به دبير كل ملل متحد درخواست تجديد نظر در اين كنوانسيون را نمايند.

2. مجمع عمومي ملل متحد مورد اقدامات احتمالي بعدي در مورد چنين درخواستي تصميم خواهد گرفت.

ماده 27

1. اين كنوانسيون سي روز پس از تاريخي كه بيستمين سند تصويب يا الحاق آن نزد دبيركل ملل متحد به امانت گذارده شد، لازم‌الاجرا مي‌گردد.

2. پس از به وديعه سپردن بيستمين سند تصويب يا الحاق، براي هر دولتي كه اين كنوانسيون را تصويب مي‌كند يا به آن ملحق مي‌گردد، كنوانسيون مذكور از سي‌امين روز تاريخي كه سند تصويب يا الحاق آن دولت به امانت گذارده شده لازم‌الاجراء مي‌گردد.

ماده 28

1. دبير كل متن تحفظ كشورها، در هنگام تصويب يا الحاق را دريافت و آن را ميان كليه دول توزيع مي‌نمايد.

2. تحفظاتي كه با هدف و منظور اين كنوانسيون سازگار نباشد پذيرفته نخواهد شد.

3. تحفظات از طريق تسليم يادداشتي به دبير كل ملل متحد در هر زمان قابل پس گرفتن است. نامبرده همه دولت‌ها را از اين موضوع مطلع خواهد كرد. لغو تحفظ از روزي كه يادداشت دريافت شود معتبر است.

ماده 29

1. هر گونه اختلاف در تفسير يا اجراي اين كنوانسيون بين دو يا چند دولت عضو كه از طريق مذاكره حل نگردد بنا به تقاضاي يكي از طرفين به داوري ارجاع مي‌گردد. چنانچه ظرف شش ماه از تاريخ درخواست داوري،

طرفين در مورد نحوه و تشكيلات داوري به توافق نرسند، يكي از طرفين مي‌تواند خواستار ارجاع موضوع به ديوان بين‌المللي دادگستري مطابق با اساسنامه ديوان گردد.

2. هر دولت عضو مي‌تواند به هنگام امضاء يا تصويب اين كنوانسيون يا الحاق به آن اعلام كند كه خود را موظف به اجراي بند يك اين ماده نمي‌داند. دول عضو ديگر در قبال دولتي كه به بند يك ماده اعلام تحفظ نموده است ملزم به اجراي بند يك نمي‌باشند.

3. هر دولت عضوي كه بر طبق بند 2 اين ماده اعلام تحفظ نموده باشد مي‌تواند در هر زمان از تحفظ خود از طريق اعلام رسمي به دبيركل متحد صرف نظر نمايد.

ماده 30

اين كنوانسيون متون عربي، چيني، انگليسي، فرانسه، روسي و اسپانيولي آن داراي اعتبار يكسان مي‌باشند، نزد دبيركل ملل متحد به امانت گذارده مي‌شود.

—

حمایت و حفظ امنیت اینترنتی

2011-07-18 · Archive ID 434
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=434

عرصه سوم مجموعه‌ای از دستور العمل های مفید برای حمایت و حفظ امنیت اینترنتی برای خوانندگان فراهم کرده است . این مطالب که به آسانی قابل استفاده اند، برای حفظ کامپیوتر شما و هم چنین حمایت از هویت فردی کاربران است . اولین مطلب از این سری در این هفته درباره چگونگی استفاده ازنرم افزارهای ضد ویروس خواهد بود . افزون برآن درباره چگونگی جلوگیری از نفوذ تبلیغاتی و دانلود شدن نرم افزارهای مربوطه است . اگر برای شما دراین باره پرسش هایی مطرح است می‌توانید آنها را مطرح کنید .

—

توانا: آموزشکده آنلاین جامعه مدنی

2011-07-18 · Archive ID 440
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=440

آموزش شهروندان نقش مهمی در ساختن نهادهای حقوق بشری، در ایجاد برابری جنسیتی، در دفاع از حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و سرانجام در احیای دموکراسی و پیشرفت اجتماعی در ایران بازی می کند .

عبارت « توانمندی » برگردان واژه انگلیسی Empowerment است . توانمندی واژه زیبایی است که جای خود را در زبان فارسی باز کرده و دیگر در زبان گفتاری و نوشتاری ما جا افتاده است .

اگر بخواهیم یک تعریف علمی هم از این اصطلاح بکنیم، می توانیم بگوییم توانمندی افزایش دانسته ها و مهارتهای ذهنی و جسمی انسان است، و افزون برآن توانمندی، داشتن استقلال فردی، اقتصادی ،آزادی و رهایی هم هست . بدیهی است که زندگی در یک جامعه آزاد و دموکراتیک هم از شروط لازم برای پیشرفت فردی و اجتماعی شهروندان در جامعه است .

« توانا » یکی از پروژه های مرکز آزادی خاورمیانه است . این موسسه آموزشی برای کنشگران و همکاران جامعه مدنی در ایران با هدف تقویت و آموزش فعالان جامعه مدنی از ماه می 2010 به راه افتاده است . آموزش مدنی و همکاری با سازمانها و دانشگاههای بین المللی بخشی از فعالیت‌های این بنیاد برای تربیت کادرهای مدنی و با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی در بسط و تقویت شبکه‌های فعال مدنی است .

شبکه توانا یکی ازوظایف خود را ایجاد کلاسهای آموزش آنلاین و تشکیل کلاسهای درسی برای تربیت کادرهای حرفه‌ای برای مثال در زمینه حمایت از حقوق بشر، حقوق زنان ، اقلیت‌های قومی و جنسیتی می‌داند . تحقیق درمورد جامعه مدنی در ایران، دستیابی و استفاده از تجربیات سایر کشورها در زمینه پیشبرددموکراسی و ساختن نهاد های مدنی بخشی از اهداف آموزشی این شبکه است .

آموزشکده توانا با همکاری دلسوزانه متخصصان و صاحب نظران ایرانی و خارجی به راه افتاده و برای ایجادیک جامعه آزاد و دموکراتیک ایرانی که درآن همه شهروندان از آزادی و حقوق برابر برخوردار باشند تلاش می‌کند .

سایت توانا :

http://www.tavaana.org/index.jsp

—

ادبلوک (Adblock) دوست واقعی برای رایانه شما

2011-07-25 · Archive ID 427
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=427

ادبلوک (Adblock) دوست واقعی برای رایانه شما

مهمترین علت تخریب رایانه های شخصی بدون تردید سرایت ویروس ها (Viruses)، تروجن ها (Trojans) و دیگر برنامه های مخرب می باشند. البته ما می توانیم از برنامه های ضد ویروس (Viruses) استفاده کنیم. اما واقعیت این است که با آنکه برنامه های ضد ویروس تا اندازه ای می توانند مشکلات رایانه ای ما را حل کنند، چنین برنامه هایی نمی توانند همیشه همه ویروس هایی را که وارد رایانه های ما می شوند از بین ببرند.
این گونه ویروس ها به شکل ناگهانی بدون اینکه ما به وبسایت های ویروس زده برویم به رایانه های ما راه می یابند. حتی قبل از اینکه روش مقابله با این ویروس ها را پیدا کنیم، رایانه های جدید علائمی از حمله ویروس را نشان می دهند. بعضی از این علامات مانند کاسته شدن سرعت رایانه ها یا باز نشدن تعدادی از برنامه ها باعث درد سرمی شوند، حتی این ویروس ها موجب از بین رفتن ظرفیت کار برد رایانه ها می گردند. چرا چنین ویروس هایی به رایانه های ما راه می یابند در حالی که اکثریت افراد از وبسایت های آلوده به وبروس هم استفاده نمی کنند؟
پاسخ این پرسش ساده است. حتی وبسایت های خیلی قابل اعتماد نیز در صفحات خود اعلانات تجارتی را می گنجانند. اگرچه بسیاری از مردم که با اینترنت سر و کار دارند این اعلانات را بی ضرر می شمارند اما در حقیقت یکی از مهم ترین طرق سرایت ویروس به رایانه ها هستند. و سبب مشکلاتی در باز کردن برنامه، آلوده شدن فایل ها و حتا از بین رفتن حافظه رایانه ها می گردند. اما خطرهای بزرگتر از این هم وجود دارد. اشخاص سومی مانند مخالفان آزادی بیان و هکرها می توانند با استفاده از چنین برنامه هایی نه تنها ازاطلاعات خصوصی مربوط به افراد آگاه شوند، بلکه حتا می توانند رایانه های ما را تحت کنترل خود آورده فایل های ما را به سرقت ببرند و یا از رایانه های ما در حملات دی دی او اس (DDoS) استفاده کنند.
اما باوجود این مشکلات درصد خیلی کمی از کاربران از راه حل برای این مسئله آگاهی دارند. حل این مشکل خیلی ساده است.

استفاده از ادبلوک

درحقیقت ادبلوک می تواند رایانه ها را در مقابل بسیاری ازاینگونه ویروس ها و تروجن هایی که بدون استفاده از ادبلوک مدام در رایانه های ما با استفاده از اینترنت ذخیره می شوند، محافظت کند.
بیشتر مردم نمی دانند که حتا یک کلیک بر این اعلانات حتی اگر بدون قصد هم باشد رایانه های ما را به ویروس ها و تروجن ها آلوده می سازد. ساده ترین راه حل البته استفاده نکردن مطلق از اینترنت است! اما این البته امکان ندارد. پس یگانه راه ساده برای کاربران که با مسایل مهم رایانه ای آشنا نیستند استفاده از ادبلوک است.

لیست ادبلوک برای براوزرهای عمده که استفاده از آن باعث حفظ بیشتر رایانه ها می‌گردد را در اینجا می بینید. با نصب کردن این ادبلوک ها ما می توانیم به شکل امن تری از اینترنت استفاده کنیم.

موزیلا فایرفوکس (Mozilla Firefox)
لینک: https://addons.mozilla.org/en-US/firefox/addon/adblock-plus/
گوگل کروم (Google Chrome)
لینک: https://chrome.google.com/webstore/detail/cfhdojbkjhnklbpkdaibdccddilifddb

سفاری (Safari)
لینک: http://download.cnet.com/Safari-AdBlock/3000-2378_4-10793198.html

اوپرا (Opera)
لینک: https://addons.opera.com/addons/extensions/details/opera-adblock/0.46/

اگرچه ا ینترنت اکسپلورر (Internet Explorer) نیز برای حفظ رایانه داران در مقابل چنین ویروس ها ادبلوک هایی دارد، شخصا مخالف استفاده این براوزر هستم. اینترنت اکسپلورر در مدت یک دهه به مشتریان عرضه شده وثابت شده که یکی از بد ترین براوزرها در بازار است. نه تنها اینترنت اکسپلورر ازمزایای براوزر های دیگر مانند موزیلا و گوگل کروم عاری است بلکه مشکلات گوناگونی نیز در پی دارد.

لطفا ازاستفاده اینترنت اکسپلورر صرف نظر و از یک براوزر دیگر مانند موزیلا و یا گوگل کروم استفاده کنید.

—

بیانیه تحلیلی در اعتراض به خشونت فراگیر علیه زنان در ایران

2011-07-25 · Archive ID 442
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=442

بیش از پانصد نفر از،کنشگران جنبش زنان، فعالان مدنی و آزادی خواهان ایرانی با انتشار یک بیانیه تحلیلی به گسترش دامنه خشونت علیه زنان در ایران اعتراض کردند. در این بیانیه آنها با برشمردن موارد اخیر تجاوز گروهی به زنان در خمینی شهر، استان گلستان و خراسان از عدم توجه و رسیدگی مسئولان قضایی و امنیتی و دفاع از زنان قربانی بشدت انتقاد کرده اند. آنها هم چنین به سیاستهای عمومی در زمینه زنان و عدم کارایی طرح های متعدد کنترل، تنبیه و مجازات تدابیر رایج مقامات دولتی در مورد بازداشت و سرکوب شدید فعالان جنبش زنان، و اعمال انواع تبعیضات جنسیتی از جمله به طرح ایجاد دانشگاه تک جنسیتی اعتراض کرده اند.

امضاکنندگان این بیانیه با تشریح شکست برنامه‌های زن ستیز دولتی در کنترل حجاب از مقامات مسئول و ائمه جمعه خواسته اند که با تجدید نظر و در پیش گرفتن سیاستهای انسانی و مدافع زنان از قربابیان حوادث اخیر با ارائه کمک‌های پرشکی و مددکادی حمایت کنند.

فعالان مدنی در این بیانیه هم چنین از گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل احمد شهید خواسته اند که به مسأله تبعیض و خشونت علیه زنان در ایران رسیدگی کند. بخشی از این بیانیه را در اینجا ملاحظه می‌کنید:

اعمال این سیاست ها تاکنون به دلیل بی توجهی و بی احترامی به حق زنان در انتخاب پوشش، نه تنها به رغم فشارهای نظامی علیه زنان پاسخ نداده بلکه جامعه را روز به روز جنسی تر و مقاومت زنان را در برابر برخوردهای پلیسی بیشتر کرده است. یکی از دکترین های جدید برای مدافعان جنسی شدن جامعه این است که «حجاب در اسلام براي حفظ نشاط جنسي است، چون حجاب تخيل جنسي را تحريك ميكند و سبب ميشود كه مسئله جنسي معنادار شود و دچار بيمعنايي نگردد» با همین ایدئولوژی هر روز هزاران مامور باید مراقب تار مو، اندازه و رنگ روسری و شکل مانتو زنان باشند تا بر اساس میزان تحریک پذیری شان، یا بخوانید"تحریک تخیل جنسی شان" هم با نشاط شوند و هم دختران و زنان را شناسایی، توبیخ و تنبیه کرده و هر روز شهر را با حضور شان نظامی تر کنند و به ضرب اجبار و سرنیزه و حضور نظامی، ظاهر اسلامی جامعه را حفظ کنند، چه باک اگر

زیر پوست شهر هزاران زن و کودک قربانی خشونت جنسی و جسمی و روانی شوند. پرسش اینجاست: چگونه می توان آرامش و امنیت خاطر را به واسطه مامورانی در جامعه حاکم کرد که مشاهده خود آنان از شهروندان سلب امنیت می کند؟ آنان خود به الگوهای رفتاری و پوششی مناسبی برای حمله و تجاوز به زنان بدل شده اند، کم نبوده اند کسانی که زیر نام مامور و بسیج با هیبت ظاهری مشابه بسیجی و انتظامی و لباس شخصی با ایجاد رعب و وحشت به زنان تجاوز کرده اند.>

برای خواندن متن کامل و امضاء بیانیه از سایتهای دانشجو نیوز و گویا دیدن کنید.

منبع:

http://www.daneshjoonews.com/news

—

غیرممکن را ممکن کنیم

2011-08-08 · Archive ID 465
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=465

نویسنده : اوری اوسلو

غیرممکن را ممکن کنیم

شبکه نامرئی کنشگران اجتماعی در بریتانیا

آنها پرسر و صدااند و همه جا حضوردارند . بسیاری با سرهای نیمه تراشیده،موهای درهم تنیده و با سگهای دورگه ای که پارس می کنند . اما هنوز هم این شبکه‌های همکاری هم چنان برای مقامات دولتی ناشناخته مانده و در طول سی سال هنوز موفق نشده‌اند که آنها را حذف و ریشه‌کن کنند . چگونه است که این گروه از کنشگران بی‌نظم و ترتیب محیط زیستی (معروف به اکو رزمندگان) توانسته اند از تلاش‌های متعدد پلیس برای نفوذ در شبکه های خود و براندازی شان جلوگیری کنند .

من دراین مقاله توضیح خواهم داد که شبکه غیرقابل رویت کنشگران محیط زیست در بریتانیا چگونه عمل می کند . و هم به چه دلیل اینترنت که به عنوان یک سیستم تقویتی مؤثر است، هنوز نتوانسته جانشینی واقعی برای این شبکه ها شود .

اجازه بدهید که قبل از آنکه وارد اصل مطلب شوم، به یک نکته منفی هم اشاره کنم . عرصه فعالیت‌های کنشگری در انگلستان بدون خطا نیست . مانند اکثر جنبشهای اجتماعی هنوز راهی طولانی تا رسیدن به کمال درپیش است . بعضی وقتها تفرقه درمیان گروههاپیش می‌آید، و آنها صدمه می بینند . و حتی پیش می‌آید که بمیرند . اما کنشگران مصمم اند که موارد عدم توافق و سدهای غیرقابل عبور را از سر راه بردارند . به این خاطر که معتقدند می‌توان برای داشتن یک دنیای قابل زندگی جان خود را هم فدا کرد . شبکه‌های دیده نشدنی آنها مثل موارد مشابه نواقصی هم دارند . اما بهترین نوعی هم هستند که دربریتانیای امروز می‌تواند وجود داشته باشد . این امکان وجود دارد که مدل مشابهی از این روش مقاومت را بتوان با موفقیت در جاهای دیگری که دولت دیگر درخدمت مردم نیست، به کار گرفت .

در حالی که پلیس بریتانیا قادر به از بین بردن شبکه‌های این کنشگران نیست ، اغلب با بازداشت صدها نفر به مجازات و مرعوب کردن کسانی که قوانین غیر مسئولانه را زیر پا گذاشته‌اند اقدام می کند .

فعالین اجتماعی در بریتانیا با تاکتیک‌های پلیس در موارد اعمال فشار و زندانی شدن آشنایی دارند و قادر به بکارگیری روشهایی هستند که ضربات وارده را خنثی می کند . برطبق روال معمول تدابیر قانونی بازدارنده وضع شده‌اند اما کنشگران تلاش می‌کنند تا با بازداشت شدن سبب دامن زدن به تبلیغات رسانه ای شوند . و به این ترتیب علیه تدابیر موجود پیشدستی کنند .

آنها اعتقاد دارند که گذراندن وقت در یک سلول هزینه پرارزشی برای جلب توجه رسانه‌ها و بازتاب فساد حقوقی دستگاه دولتی و حرص و آز شرکتهای تجاری است . هرچقدر آگاهی مردم بیشتر شود با مسائل کنشگران بیشتر همدردی خواهند کرد . مانند فردی به نام مارک کندی مامور مخفی ایی که به شبکه ای از کنشگران در ناتینگهام رخنه کرده بود . درمدت هفت سال او سعی کرد که یک پاتوق فعال را با پرونده سازی از کار بیاندازد . اما او بعد تغییر عقیده داد و به کنشگران پیوست و علیه شغلی که برایش حقوق می‌گرفت وارد عمل شد .

داستان کندی نشان داد که سعی نیروهای پلیس در نفوذ به جنبش برخلاف تلاشهای متعددشان به خاطر همبستگی و اتحاد میان کنشگران تقریبا بی نتیجه است .

شبکه کاری آنها را نمی‌توان تشخیص داد . کنشگران بر مبنای این فرض ضمنی اما مشترک عمل می‌کنند که برای هر کسی که بیش از یکماه با آنها بسر برده باشد روشن خواهد بود که عملکردشان چگونه است .

اما این موضوع عملاً برای مقامات دولتی غیرقابل درک و فهم است . چرا که جزیی از قوانین نانوشته نافرمانی مدنی هستند و می‌توانند دریک حوزه به نحوی متفاوت و گسترده‌تر عمل کند : مثلا صحبتی مانند :

« مرزها را دولت ها درست کرده اندو برای ما بی‌اهمیت اند، بنابراین ویزا مهم نیست و هرفردی که در این مورد مثل ما فکر کند با ما است .»

هنجارهای رفتاری ازفرهنگ و درک مشترک و یا از احساس صمیمیتی که افراد با هم دارند ناشی می شود، رفتارهایی که درحقیقت درمحدوده شرایط سخت زندگی و یا در مدتی که یک حرکت اعتراضی را سازمان می‌دهند به وجود می آیند .

نه ارباب و نه رهبر



هرکنشگر اجتماعی حامل این ارزشها و هنجارها است . این موضوع نیاز به رهبر را ازبین می‌برد و هم مانع متوقف شدن حرکت‌های اعتراضی می شود . معمولا وقتی که پلیس ها وارد صحنه می شود، اغلب می‌پرسند چه کسی اینجا مسئول است و فعالین در جواب پاهایشان را به هم زنجیر می‌کنند و یا به سگهایشان اشاره می کنند . برای اینکه در واقع رهبری وجود ندارد . کنشگران هم چنین روی مسأله زن بودن یا مرد بودن و یا تفاوتهای دیگر برای رسیدن به تفاهم و کار برای هدف مشترک کار می کنند . فقدان رهبری برای زنده نگه داشتن جنبش خیلی مهم است .

اگر هر فعال اجتماعی با همتایش برابر باشد، سرکوبگران می باید برای از بین بردن جنبش هر فرد را نابود کنند . در بیشتر دوران انقلابی در تاریخ برای ایجاد وحدت میان گروهها وجود یک رهبری قوی موفقیت را تضمین کرده است . به این دلیل عینی اکنون به نظر نمی‌رسد که فقدان رهبری مهمترین عامل موفقیت شبکه‌های مقاومت باشد . اما این روشی است که برای دهه ها به آن عمل کرده اند . هرفرد باید حافظ اطلاعاتی باشد و هر کس باید درزمینه مهارتهای مفید انقلابی آموزش دیده باشد (توسط مربیانی که مهارتهایی را که یاد گرفته‌اند به دیگران هم آموزش می دهند). کنشگران می‌دانند که افراد توانایی های مختلف دارند و با هم متفاوتند . تخصصی کردن امور هم لازم است و حتی در مواردی تا آخرین سطح ممکن . هر متخصص مهارتهای جدید را آموزش خواهد داد تا جایی که همه بتوانند درآن زمینه به خوبی کار کنند .

مثلاً وقتی فردی که تخصص او هک کردن سیستم های کامپیوتری است، بیشتر وقتش را به کارحرفه ای اش اختصاص می‌دهد و نه به حفر تونل و یا رفتن به تظاهرات . با وجود این او هم می‌تواند شیوه حفر یک تونل، یا روشهای دفاعی مانند نحوه به کارگیری تاکتیک‌های تظاهرات مثلا روش « بلاک بلوک : سرتا پا سیاه و غیرقابل تشخیص » را یاد بگیرد تا بتواند پلیس را فلج کند، پیش از آنکه او را گیر بیاندازند . بنابراین یک کنشگر ماهر همه چیز را یاد خواهد گرفت تا به دیگران بتواند یاد دهد . و البته در بعضی از مهارتها هم تخصص بیشتری خواهد داشت .

دموکراسی جدید : ایجاد تفاهم به جای سلطه اکثریت

با این همه هنوز امکان رشد برای رهبران طبیعی یعنی مردمی که با استعداد و شخصیت یک رهبر خوب به دنیا آمده‌اند هم در گروه وجود دارد . یک گروه فعال می‌تواند از چنین شخصیتی آموزش ببیند . فرق میان رهبری شدن و بهره گیری مؤثر از رهبران طبیعی، فقدان سلسله مراتب رایج در جریان کار است . این رهبران درجریان کار نمی‌توانند خواهان رأی باشند (که درمیان کنشگران به استبداد اکثریت معروف است) ، اما می‌توانند به هر نحوی برای ایجاد توافق تلاش کنند . به نوعی که همه اعضا هم عقیده باشند . آنها می‌دانند که فقط وقتی فردی با موضوعی موافقت کند ،حاضر به ریسک کردن و گذشتن از آسایش و امنیت شخصی برای تحقق آن امر خواهد شد .

تصمیم گیری براساس توافق نیاز به رفتارهای تحکم آمیز را از طرف رهبران از بین می‌برد زیرا هر فرد علیه آن رأی داده است . گاهی رسیدن به تصمیمات مبتنی بر توافق زمان می برد و امکان ضررهایی هم وجود دارد، اما کنشگران در بریتانیا فکر می‌کنند که این روش دموکراتیک ترین و درست‌ترین شیوه واکنش دربرابر یک دولت بیش از حد غیردموکراتیک است .

رهبران واقعی درگروه مسئولیت دوگانه کنترل را بر عهده دارند تا اطمینان یابند که هیچ نظر و صدایی درمراحل تصمیم گیری نادیده گرفته نشده باشد .

اهمیت اعتماد

مهم‌ترین ویژگی در دموکراسی های مبتنی بر توافق آنست که میزان اعتماد را بالا می برد . و بنابراین همکاری در شبکه‌های نامرئی را آسان می کند . اعتماد میان افراد لزوم رد وبدل کردن بیش از اندازه اطلاعات میان خودشان را تقلیل می دهد . کنشگران بر سر این موضوع توافق دارند که به خاطر حمایت از فعالان درمواجه با بازجویی و ارعاب پلیس گاه نیاز به تصمیم گیری و عمل فردی پیش می آید . اما آنها در این‌گونه شرایط هم می‌توانند هنوز از شبکه‌ها استفاده کنند . توضیح دادن در مورد مسائل هم همیشه لازم نیست . مثلا وقتی کسی می پرسد : « چه کسی سه تا ژنراتور هفت صد وات دارد؟ » ممکن است پاسخ این باشد : « من لورا را دیدم که چندتا ژنراتور از یک فستیوال با خودش برد .» بجای چون و چرا در این وضعیت فعالان اطمینان دارندکه برای آن تقاضا دلیلی وجود دارد و گرنه علتی برای این درخواست وجود نداشت . همکاری با افراد برای سازماندهی یک حرکت تنها راهی است که می‌توان میزان اعتماد و قدرت تحمل کردن را در شرایط خیلی سخت سنجید . با یکدیگربودن نشان خواهد داد که افراد تا چه حد حاضر به فداکاری و حمایت از کسانی که با آن فعالیت درگیرند، هستند . اگر شما تنها به کسانی اعتماد داریدکه مدتی با آنها کار کرده‌ایدو یا با آشنایان مطمئن دوستانتان همکاری موثر داشته اید، این شبکه کاری را می توان محکم و قابل اتکا دانست .

اینترنت هم باعث تقویت و هم تحکیم این مسئله است اما البته جای آن را نخواهد گرفت . زیرا شما نمی‌توانید به افراد آنلاین صددرصد اعتماد کنید . ناشناس ماندن در اینترنت در بسیاری از موارد خوب است . اما نه برای کنشگران طرفدار محیط زیست که به نحو وسیعی به اجرای فعالیت اعتراضی وابسته اند . و همیشه به قدرت ابتکار و همبستگی نیار دارند . این شیوه با مواردی که ارتباط تنها آنلاینی است فرق دارد .

اینترنت جای خود را دارد

دولت ها و شرکت هایی که واقعاً اهمیتی به منافع مردم نمی‌دهند، می‌توانند به آسانی فعالیت‌های اینترنتی را زیر نظر بگیرند . بنابراین حتی مسائلی که در میان جمع مطرح می‌شوند اساساً محرمانه باید تلقی شود . برای مثال

حتی یک ای میل آدرس امن هم از چشم آن‌ها پنهان نمی ماند . دردنیایی که همه چیز به طریقی خرید و فروش می شود . تنها جای امن جایی است که چیزی برای تجارت عرضه نمی شود . سایتهای اکتیویستی از دسترس شرکتها خارج اند، زیرا هیچ‌کس مثلا نمی‌تواند وقت طولانی صرف ردیابی اکو اکتیویسم بکند، بدون آنکه تحت تأثیر این گروهها قرار نگیرد .

نزدیکی افراد به یکدیگر پیش می‌آید، مثلاً به خاطر دل تنگی شدید ویا گاهی چهارده ساعت مکالمه روزمره برای اجرای یک حرکت اعتراضی هم طبیعی است . کنشگران تقریبا همه چیز را در مورد یکدیگر می دانند . درچنین شرایطی آسان است که فردی با انگیزه‌های مشکوک را متهم کرد . اما صحن تظاهرات تنها جایی است که دولتها و شرکتها نمی‌توانند به آن نفوذ کرده و آنرا به زیر سلطه ببرند . در جایی که قوانین بر روی کاغذ نیامده اند، شبکه‌های اعتراضی خلق می شوند و رشد کنند .

درست نیست جنبشی مردمی مانند جنبش محیط زیست را که نیاز به ارتباط های رو در رو دارد، به یک شبکه اینترنتی تبدیل کنیم . منظورم البته این نیست که اینترنت جایی در فعالیت‌های دموکراتیک مردم ندارد . برای کنشگران اجتماعی خیلی لازم و خوب است که مثلا برای شناخت یکدیگر و تبادل نظر جلسات آنلاینی ترتیب دهند . از همه مهم‌تر اینکه اینترنت بهترین مکان برای تقویت و ترویج ارزشهای فرهنگی کنشگری مدنی است . مثلا دربریتانیا فعالین محیط زیستی از رسانه‌های اجتماعی استفاده می کنند . اما فعالیت‌های غیرقانونی را از این طریق علنی نمی‌کنند و رسانه‌های اجتماعی را برای پخش موزیک، طنز و حفظ تماس به کار می گیرند . این ارتباطات برای گسترش ارزشهای فرهنگی مهم‌اند و هم چنین روابط عاطفی و دوستی درطول زمان پایدار می مانند . از سوی دیگر به حفظ گروههای غیر فعال هم کمک می‌کند تا اگر فرصتی برای حرکتی جدید فراهم آمد، با یاری رسانه اجتماعی بتوان آن را سازماندهی کرد .

نتیجه‌گیری

خلاصه نکات مطرح شده، مهمترین چیزی که بازار فعالان اجتماعی را در بریتانیا علیرغم دهه ها سرکوب حقوقی و سیاسی پررونق می‌کند، همانا شبکه نامرئی کنشگران و درک متقابل میان آنهاست که بربستر مناسبی رشد کرده است . بنابراین این نکات مهم اند :

1) رد کردن آگاهانه رهبران و نداشتن رهبری درمرکزیت؛

2) دموکراسی مبتنی بر ساختاری برابری خواهانه، توافقی و نه حکم اکثریت اعضا؛

3) وقت گذاشتن برای ارتباط و خلق اعتماد،دوستی و عاطفه متقابل؛

4) استفاده معقول از شبکه‌های آنلاین .

به نظر می‌رسد که این نکات درفرهنگ کنشگران بریتانیا درتقابل با اقدامات سرکوبگرانه تکامل یافته و دردنیا منتشر شده است . بدون شک این تجربیات واقعا وقتی حفظ می‌شود که با زمان و مکان خاص تطبیق داده شود تا با کمترین هزینه بهترین نتایج را بتوان یه دست آورد .

اگر من بخواهم به کسانی که در شرایط ویژه ای به کنشگری اجتماعی روی آورده‌اند پندی بدهم، خواهم گفت که اول باید مخالفان و یا طرف مقابل را خوب شناخت و سپس حرکت را آغاز کرد . دوم آنکه به همان شیوه ای که فکر می‌کنی درخور توست زندگی کن و چند جمله‌ای را بیاد بیاور که آلبر کاموی نویسنده در سال 1942 در رمان معروفش « بیگانه » نوشت : « تنها راه مقابله با یک دنیای ناعادلانه آنست که به گونه‌ای مطلق خودت را آزاد کنی زیرا که هستی تو تنها در عصیان خلاصه می شود .»

یاداشت :

مقاله بالا در وب سایت انگلیسی عرصه سوم هم چاپ شده است:

- مقاله پل لویس و راب اوانز

“Activists Walk Free as Undercover Officer Prompts Collapse of Case”

در روزنامه گاردین دهم ژانویه 2011 چاپ شده است . و آنلاین هم دردسترس است .

guardian.co.uk/environment/2011/jan/10

– حضور در محل مورد نظر جایی برای تداوم حرکت است . در انگلستان کنشگران از تاکتیک حضور فیزیکی مدام استفاده می کنند . مثلا برای حفاظت منطقه ای از تخریب . مثال : در یک شرکت تولید انرژی، فضایی را برای نگهداری مواد خطرناک تعیین کرده‌اند یا منطقه ای با معادن باز از زغال سنگ سرطان زا . کنشگران محیط زیست این محل ها را اشغال کرده و آنجا را به جایی قابل سکونت تبدیل می کنند . و یا اشغال تونل ها و پناهگاهای زیرزمینی تا فعالین بتوانند برای مقاومت در برابر ساختن معادن در آنجا حضور داشته باشند .

– آوری اسلو Avery Oslo نویسنده این مقاله در سال 2004 تحقیقی میدانی و مردم شناسانه در مورد فرهنگ اعتراضی خیابانی در اسکاتلند انجام داد . برای این مطالعه او با کنشگران محیط زیستی چند سال در چهارمنطقه عملیاتی زندگی کرد (که دوتای آنها به اجبار پلیس بسته شدند ولی دوتای دیگر هنوز فعال اند). دراین مدت اسلو به همراه فعالین در عملیات و هم تظاهرات شرکت کرد و هم برای تکمیل اطلاعاتش به همراه آنها به مناطق دیگر بریتانیا سفر کرد . برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به سایت زیر مراجعه کنید .

www.averyoslo.wordpress.com

—

آیا آنتی ویروس ها را باید حتماً خرید؟

2011-08-15 · Archive ID 474
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=474

اولین مقاله در مبحث امنیت اینترنتی در مورد ادبلوک نوشته شد . البته ادبلوک درحفظ رایانه ها از آسیب ویروس ها و تروجن ها نقش مهمی ایفا می کند ولی به تنهایی نمی تواند همه ضروریات امنیتی رایانه را تأمین کند . از سالهای پیش برنامه های مخصوص علیه ویروس نقش عمده‌ای در حفظ رایانه ها از خطر آلودگی به ویروس ها به عهده داشته اند .

از جمله می توان از نورتان آنتی ویروس (Norton Anti-Virus)، مکافی (McAfee) و ده ها برنامه دیگر نام برد . همه آنها می توانند از رایانه ها حفاظت کنند . اما هیچ یک از آنها بدون اشکال نیستند . مهمترین گرفتاری مشکل بودن نصب آنها برروی رایانه برای افرادی است که با رایانه و برنامه های آن آشنایی کافی ندارند . و مشکل دوم قیمت بالای این برنامه هاست . برای مشتریانی که در کشور های ایران و یا افغانستان زندگی می کنند، پرداخت پنجاه دلار برای یک برنامه آنتی ویروس آسان نیست .

اگر ما برای خرید یک لپ تاپ 400 دلار پرداخته ایم، در ظرف چهار سال، مبلغی هم برای خرید و سپس تجدید استفاده از برنامه های آنتی ویروس می‌پردازیم که برابر نیمی از قیمت رایانه می شود . یک بار از دوستم پرسیدم که رایانه ها تا به حال، چه دردسر هایی برایش ایجاد کرده اند . و دوستم فورا گفت : " آگهی های پی در پی می آید که باید باز آنتی ویروس بخرم !"

موضوع مهم این است که این دردسر یک عده را وادار می کند که از رایانه های خود بدون نصب آنتی ویروس استفاده کنند . این کار باعث می شود که ویروس ها بتدریج به رایانه هایشان راه بیابند و پس از مدتی آنها مجبور می شوند که آنتی ویروس جدید بخرند . البته در صورتی که بعد از نفوذ صد ها ویروس رایانه شان هنوز قابل استفاده باشد .

سالهای متمادی شرکت ها خرید و استفاده از آنتی ویروس را برای مشتریان اجباری کرده بودند .

اما درحال حاضر این ضوابط تغییر کرده اند . نه تنها در سالهای گذشته تعداد زیادی برنامه های جدید آنتی ویروس به بازار آمده اند، بلکه بیشتر این برنامه‌ها را به شکل رایگان می توان از اینترنت برروی رایانه ها نصب کرد .

لیستی از سه برنامه رایگان آنتی ویروس که می توان مستیقما از اینترنت روی رایانه نصب کرد را در اینجا ملاحظه می کنید .

ای وی جی (AVG) (نویسنده این صفحه در رایانه اش از همین برنامه استفاده می کند)

لینک : http://free.avg.com/us-en/homepage

اویرا (Avira)

لینک : http://www.avira.com/en/avira-free-antivirus

اواست (Avast)

لینک : http://www.avast.com/free-antivirus-download

افزون بر این، ده ها برنامه دیگر آنتی ویروس نیز بر روی اینترنت به شکل رایگان توزیع می گردند .

قابل یاد آوری است که می توان با خرید این برنامه ها به امنیت بیشتر دست یافت، البته با کمی احتیاط ضرورت این کار پیش نخواهد امد .

—

دو موضوع مهم در مورد فیس بوک

2011-08-15 · Archive ID 477
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=477

شاید خوانندگان اطلاع دارند که در چند روز گذشته دو موضوع مهم که چندان هم به هم ربطی ندارند توجه رسانه های بین المللی را جلب کرده است . عرصه سوم لازم می‌داند که خواننده گان را در جری این مسائل قرار دهد .

آیا گروه هکر انانیموس (Anonymous) به فیس بوک حمله خواهد کرد؟

در چند روز گذشته چندین رسانه و وبلاگ هشدار داده اند که اعضای گروه هکر انانیموس می خواهند به وب سایت فیس بوک در تاریخ 5 نوامبر سال جاری حمله کنند . برخی حتی نگرانند که این حمله احتمالاً نه تنها باعث خواهد شد که سایت فیس بوک برای روز ها بدون استفاده بماند، بلکه اطلاعات شخصی اعضای فیس بوک نیز افشا گردد .

این خبر اصلا درست نیست . اگرچه بعضی از هکر ها هشدار داده اند که حمله ای در کار است، به نظر نمی رسد که آنها دارای توانایی گروهی و یا امکانات مادی باشند تا چنین اقدامی را را عملی کنند . در اکثر نقاط جهان برای مقابله با حمله به رسانه‌های اجتماعی مانند فیس بوک تدابیری اتخاذ شده است .

حتی اگر این خبر درست هم باشد، بدترین نتیجهٔ چنین حمله ای این خواهد بود که سایت فیس بوک برای چند ساعت متوقف شود . اما اطلاعات شخصی استفاده کننده گان فیس بوک در معرض خطر جدی قرار نخواهد گرفت . البته باید بدانیم که احتیاط لازم است و هیچگاه نباید مسائل خیلی خصوصی خود را برروی سایت هایی چون فیس بوک بگذاریم .

چگونه می توان شماره های تلفن دوستان را از صفحه فیس بوک خود پاک کنیم

فیس بوک به یک نو آوری جدید دست زده است که باعث می شود اگر استفاده کننده گان با استفاده از تلفن موبایل به سایت فیس بوک بروند، این سایت از طریق موبایل ها شماره تلفن دوستان آنان را به روش اتوماتیک ثبت می کند . اگر چه این کار در حال حاضر باعث می شود که تنها استفاده کننده اولی این شماره ها را در پروفایل خود ببیند،اما البته این مسأله می‌تواند در آینده تغییر کند . در نتیجه تمام این شماره ها می توانند در اختیار اشخاصی دیگری هم قرار بگیرند

خواننده گان می توانند با چند دستور العمل ساده خود را از این دردسر برهانند .



- اول باید اطمینان داشته باشید که اطلاعات مربوط به شما در فیس بوک ذخیره نشده‌اند .

- اگر از فیس بوک در آیفون استفاده می‌کنید به آپلی کشن (Application/App) در قسمت بالای صفحه و لیست دوستان بروید و بروی Sync Contacts کلیک کنید . و بعد sync را خاموش کنید .

– اگر شما تلفن نوع اندراید (Android) را استفاده می کنید . به منوی اصلی بروید و برروی Setting کلیک کنید . و در زیر آن بخش Remove Facebook Data را انتخاب کنید .

– حال می‌توانید به فیس بوک بروید و تمام شماره های دوستان را که در آنجا ثبت شده است ازبین ببرید . می‌توانید با کلیک کردن روی این صفحه به محل مورد نظر بروید و روی Remove کلیک کنید . البته قبل از آن شما باید Sync را در تلفن تان خاموش کرده باشید .

پانوشت:`

این مطلب بخشی از یک سری از مقالات است که با هدف تنظیم و حفظ امنیت آنلاین و داده‌های شخصی خوانندگان تهیه شده اند. سری کامل این مطالب را می‌توانید در لینک زیر ملاحظه کنید:

http://bit.ly/n19Pz

اگر شمادرباره امنیت اینترنتی و روش نگهداری اطلاعات شخصی سؤالاتی دارید می‌توانید با ویراستار این بخش تماس بگیرید. ای میل او را در اینجا ملاحظه می کنید:

s.editor@arsehsevom.net

—

فراخوان کمپین «اعتراض سبز» به زندانی شدن میرحسین موسوی و مهدی کروبی

2011-08-17 · Archive ID 487
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=487

نزدیک به شش ماه از ربوده شدن و زندانی بودن غیرقانونی دوتن از کاندیداهای آخرین انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال 2009 می گذرد. به گزارش سایت کلمه، در مرداد ماه امسال بیش از سیصدنفر از شخصیت‌های فرهنگی، هنری و فعالان اجتماعی،گروهها و هواداران جنبش سبز با انتشار و امضای یک نامه سرگشاده به سازمانها و مقامات بین‌المللی خواهان اقدام مؤثر برای آزادی میرحسین موسوی، مهدی کروبی و همسران ایشان زهرا رهنورد و فاطمه کروبی شدند.
کمپین اعتراض سبز با انتشار این نامه درصدد است تا تمام امکانات و موازین حقوقی بین‌المللی را برای پایان بخشیدن به حبس غیرقانونی رهبران جنبش سبز به کارگیرد. این کمپین اعلام کرده است که تا تاریخ دهم سپتامبر جاری جمع آوری امضاء را ادامه خواهد داد.
در این نامه با تأکید بر رفتار غیرقانونی مقامات قضایی و دولتی ایران با رهبران جنبش سبز و همسرانشان که نقض آشکار حقوق بشر و نقض قوانین بین‌المللی و هم نقض قوانین کشوری از جمله اصل 32 قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانون مجازات اسلامی(ماده 583) است. افزون بر این قوانین بین‌المللی برای حمایت از تمامی افراد در برابر ناپدید شدن اجباری در این مورد هم زیر پا گذاشته شده است.
نامه سرگشاده کمپین اعتراض سبز خطاب به دبیرکل سازمان ملل و کمسیونهای مسئول این سازمان، پارلمان اروپا، سازمان کشورهای اسلامی، اتحادیه بین المجالس و تمام آزادی خواهان جهان نوشته شده است.
در بخشی از این نامه می خوانید:
“ از آنجا که مقامات دولتی و قضایی در ایران در گذشته بارها به طور سیستماتیک معترضین سیاسی را بازداشت و مورد شکنجه قرار داده ومکررا حقوق اولیه زندانیان را زیر پا گذاشته اند، بیم آن می‌رود که این تخلفات درمورد آقایان موسوی،کروبی و همسرانشان نیز انجام گیرد. و سلامتی ، تمامیت جسمی و روانی آنها مورد تهدید و آسیب قرارگیرد. لازم به تذکر است که درماه ژوئن گذشته زندانی سیاسی هدی صابر بر اثر همین ضرب و شتم ها و کوتاهی نمودن مامورین زندان درارائه اقدامات فوری جان خود را ازدست داد.”
می‌توانید برای خواندن مشروح این نامه از سایت کلمه بازدید کنید:

http://www.kaleme.com/1390/05/25/klm-69446/

برای امضای این نامه می‌توانید نام و امضای خود را به ای میل اعتراض سبز به آدرس زیر بفرستید:

etreaaz.sabz@gmail.com

—

یک حرکت مدنی خودجوش برای حمایت از کودکان کار در تهران

2011-08-22 · Archive ID 492
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=492

فراخوان مستقل و خود جوش گروهی از جوانان پرشور و دلسوز تهرانی برای جلب توجه مردم درحمایت از کودکانی که در خیابانهای تهران شیشه شور خودرو ها هستند، در روزهای گذشته واکنش‌های متعددی را دررسانه ها در پی داشت. روز پنج شنبه بیست مرداد ماه صد تا صد و پنجاه دختر و پسر تهرانی با میانگین سنی 18 تا 25 سال بدون اطلاع و یا همکاری با سازمانهای دولتی و غیر دولتی در حوالی خیابان پارک وی تهران دست به اقدامی بی سابقه زدند. آنها با شستن شیشه‌های ماشین‌ها به جای کودکانی که اغلب در این منطقه و سایر نقاط شهر تهران مجبور به این نوع کار در خیابانها هستند،خواهان جلب توجه عموم به معضل اجتماعی کارکودکان شدند.

این جوانان با یک فراخوان فیس بوکی درحمایت از دهها کودکی که روزها در لابلای ماشین‌ها برای کسب درآمد در حرکت اند به این اقدام دست زدند. و در انتها درآمد حاصله از کار خود را به آنها اختصاص دادند. اعضای این گروه با هدف به راه انداختن یک بحث اجتماعی در زمینه حمایت از بچه‌های کارگر به خیابان آمدند. برای رساندن صدای آنها به سازمانهای مسئول و اطلاع جامعه از شرایط دردناک زندگی آنان که به جای رفتن به مدرسه به کار طاقت فرسا در معابر مشغول اند.
این اقدام جمعی و مدنی برای حمایت از یک گروه آسیب‌پذیر در جامعه با استقبال فعالان مدنی روبرو شد. اما هم چنین واکنش تند بعضی از مقامات مسئول و هم با عکس المعل منفی سایت های اصول گرا مواجه بود. اعضای این گروه در پاسخ به واکنش های منفی و اتهامات وارده اطلاعیه ای منتشر کرد. بخشی از این اطلاعیه را در اینجا ملاحظه می کنید:
«سال‌هاست کودکانی از سرزومین ما سهم کودکی‌شان را بر سرچارراه‌ها و میان پارك‌ها طلب می‌کنند اما پشت این نگفتن‌ها، ندیدن‌ها و ننوشتن‌ها فراموش می‌شوند و زیر نگاه‌های غریب مردم این شهر کودکی، کودکی را از یاد می‌برد. کودکی که مشق نان می‌کند تا رویاهای‌اش و آرزوهای‌اش را زیر ضربه‌های عمیق کار از خاطر ببرد. کودکانی که شاید از نعمت پدر و مادر برخوردار باشند اما یتیم نگاه مهربانانه و نوازش گرم جامعه و مردمی هستند که نمی‌خواهند درد آن‌ها را ببینند.

در این میان، عده‌ای از جوانان همین شهر قراری گذاشتند تا پنج‌شنبه 20 امرداد زیر پل پارك وی گردهم‌آیند با لنگ و شیشه‌شوی و ساعتی هم‌درد این کودکان معصوم شوند، با مردم سخن گویند و آن‌ها را از مشکلات کودکان کار آگاه سازند و درنهایت هر آن‌چه حاصل شد به‌عنوان کمك به یکی از سازمان‌های غیردولتی حمایت از حقوق کودکان کار اهدا شود تا صرف آموزش آنان گردد. حاصل تلاش یك ساعته و نیمه این جمع، جدای از بحث مادی، شادی دل کودکانی بود که احساس کردند فهمیده می‌شوند، احترام می‌شوند و کسانی به چشم مزاحم به آنان نمی‌نگرند. این دل‌شادی، دل تمام افرادی که صمیمانه و بی‌چشمداشت طعم درد این کودکان را چشیدند، شاد کرد. بازتاب رسانه‌ای گسترده و بسیار مثبت در چند روز گذشته و استقبال گسترده‌ای که در جامعه و فضای مجازی از کلیت این اقدام صورت گرفت، نشان داد هنوز وجدان‌های بیدار و چشمانی بینا هست که نمی‌خواهد با توهم بر مشکلات چشم بپوشد و راه‌حل مشکلات را در تبیین آن‌ها می‌داند نه نادیده گرفتن آن.

با این حال، در این میانه دل‌های مریضی بودند و هستند که حتی از دود اسفند هم بوی توطئه استشمام می‌کنند و ناجوانمردانه و مطمئنا بی‌هیچ آگاهی انگ «حرکت سیاسی» به این تلاش مخلصانه و بی‌ریا چسباندند. دیروز سایتی وابسته به جریان حاکم این حرکت مدنی را «تلاش فتنه‌گرانه برای برآورد توان فراخوان اجتماعی» خواند و آن را در راستای برنامه‌هایی نظیر «آب‌پاشی» و «خزبازی» دانست و امروز گردانندگان روزنامه «رسالت» به زعم خود عمق این حرکت را شناسایی کرد و «جنگ نرم» نامیدند و حالا به دنبال «اتاق فکر» این حرکت است و لابد دست آخر به آن سوی مرزها می‌رسد. ما به هیچ عنوان قصد رسانه‌ای کردن این موضوع را نداشتیم چراکه نه به دنبال نام آمده‌ایم نه پی نان، اما این برداشت‌های متوهمانه از تلاش 30 جوان برای توجه دادن جامعه و

مسئولان به مساله کودکان کار ما را بر آن داشت تا پاسخی درخور تهمت‌های ناروای این «دشمن‌شناسان» متبحر دهیم.»

پی نوشت:
1) گزارش انجمن دفاع از حقوق کودکان از این حرکت :
http://www.irsprc.org/post/detail.aspx?mc=2&sc=19&pc=1&ctg=1&c=25&lang=Fa

2) پاسخ حامیان کودکان کار به اتهام‌های رسانه‌های دولتی
http://iran-emrooz.net/index.php?/news1/30563

3) مصاحبه دویچه وله با فرهاد مرادی یکی از فعالین حقوق کودک درباره این اقدام
http://www.karmandnews.ir/shownews.aspx?ID_News=20411

—

آیا استفاده "گوگل پلاس" دردسرهای امنیتی دارد؟

2011-08-24 · Archive ID 496
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=496

وب سایت شبکه گروهی «گوگل پلاس» در ظرف مدت بسیار کمی توانسته میلیون ها کاربران اینترنتی جدید را به خود جلب کند.

آمار نشان می دهد که تاکنون حدود دست کم بیست میلیون اکاونت (Account) فردی در گوگل پلاس باز شده است. اما مانندیگر سایت های رسانه های اجتماعی، گوگل پلاس هم با مشکلاتی روبرو است. در این نوشته خواهم کوشید که این مشکلات را برای دو گروه مهم از خواننده گان بازگو کنم
افرادی که ناچار از مقابله با رژیم های سانسور گر هستند :
لطفا از باز نمودن «اکاونت» در گوگل پلاس، درحال حاضر جدا خود داری کنند. مانند همه سایت های شبکه سازی اجتماعی، گوگل پلاس نیز اغلب مشکلات امنیتی دارد که هنوز دقیقاً مشخص نشده اند. به مرور زمان این مسائل تک تک آشکار و سپس حل خواهند گردید. امید است که تا سال آینده، بتوانیم آن‌ها را دقیقاً شناسایی کنیم. این مشکلات کاربران را با دردسر هایی مواجه خواهد کرد. بنابراین احتیاط بهتر از پشیمانی است.
اشخاصی که درکشورهای بدون سانسور اینترنتی رندگی می کنند:
باوجود آنکه گوگل به حفظ امنیت کاربران اینترنتی توجه خاصی دارد، دو موضوع ممکن است باعث دردسر شوند.
1) مهمترین و شاید بهترین ابزاری که گوگل پلاس درخود دارد سیستم شبکه سازی دایره وار (Circles) آن می باشد. گوگل پلاس به استفاده کننده گان اجازه می دهد که شبکه های مختلف مانندگروه همکاران، دوستان،خانواده و بقیه را بسازند و تماس های (Contacts) خود را در گروه های مورد نظر بگنجانند. این سیستم شما را قادر می سازد که موضوعات مخت لف را با افراد متفاوت در میان بگذارید. البته مشکل این شبکه ها آن است ک هرکس می تواند هرکه را بخواهد در گروه مورد نظر خود جا دهد،بدون اینکه از فرد مورد نظر اجازه بگیرد. تنها راهی که از آن طریق می توان از گنجانده شدن در گروه های دیگران در امان ماند آن است که آنها را کاملا ازوصل شدن به خود محروم (Blocking) کرد. در غیر این صورت نمی توان از پیغام های تجارتی، ناشناس و یا مضر جلوگیری کرد.
این موضوع هنوز آنقدر جدی نشده زیرا استفاده از گوگل پلاس هم تنها از طریق دعوت (Invite) از طرف یک کاربر این سایت امکان دارد. اما درآینده این موضوع خیلی جدی تر خواهد شد.
2) موضوع مهم دیگر آن که چون گوگل پلاس بسیار مورد توجه مردم قرار گرفته، خیلی ها خواهان آنند که صاحب «اکاونت» شوند. البته چون اکنون تنها دعوت یک نفر کاربر می تواند افراد علاقه مند را قادر به ساختن «اکاونت» کند، پس می تواند فرصتی هم برای کسانی باشد که می خواهند مزاحم کاربران آن شوند.
چنین افرادی ای میل های فریبکارانه می فرستند. که گویا این ای میل از جانب یکی از دوستان تان است. و با لینک های مختلف شما را به سایت های مضر می کشانند. لطفا اگر با فرستنده ای میل که ادعا می‌کند که

دعوت از جانب گوگل است آشنا نیستید روی لینک های فرستاده شده کلیک نکنید. و اگر لینکی غیر از گوگل هم باشد،حتی اگر فرستنده را می شناسید روی آن کلیک نکنید.
به این دلیل شما می باید به محتوای لینک نگاه کنید و نه نام فرد فرستنده. قبل از کلیک کردن روی آن لینک «ماوس» را بچرخانید تا محل لینک را به شما نشان دهد. در مورد «براورز» فایر فاکس محل کلیک در گوشه چپ و پایین صفحه دیده می شود.



غیر از این دو موضوع هنوز مسئله مهم دیگری در مورد مشکلات امنیتی گوگل پلاس در دست نیست. در این صورت شما را حتما از آن مطلع می کنیم.

—

ارسال مدارک و اطلاعات به گزارش گر ویژه حقوق بشر در ایران

2011-08-24 · Archive ID 505
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=505

احمد شهید وزیر امورخارجه سابق مالدیو و گزارش گر ویژه حقوق بشر در ایران، از سازمان ها، کنشگران اجتماعی و تمام افرادی که در مورد نقض حقوق بشر در ایران مدارک و اطلاعاتی در اختیار دارند،خواسته است تا با او تماس بگیرند و این موارد را گزارش کنند .

انتخاب احمد شهید به این سمت پس از نشست شورای حقوق بشر در فروردین ماه گذشته و صدور قطع نامه‌ای برای تعیین گزارش گر ویژه برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران انجام گرفت . شورای حقوق بشر سارمان ملل متحد در سال 2006 تاسیس شد و این نخستین بار است که این شورا برای ایران یک گزارش گر ویژه تعیین کرده است .

احمد شهید از یازدهم مرداد امسال رسما کار خود را آغاز کرده و هم چنین به طور رسمی از دولت جمهوری اسلامی خواسته است که به او اجازه ورود به ایران داده شود .

اطلاع رسانی در این مورد منحصر به سازمانها و جمعیت های حقوق بشری داخلی و بین‌المللی نیست . و همه افراد هم می‌توانند شخصاً موارد نقض حقوق بشر را به احمد شهید گزارش کنند . تمام اطلاعات فرستاده شده پس از دسته بندی با مدارک موجود درآن زمینه مورد بررسی قرار خواهند گرفت .

عیسی سحرخیز روزنامه‌نگار زندانی ازاولین کسانی بود که پس از انتخاب احمد شهید به این سمت با نوشتن نامه‌ای خطاب به او خواهان سفر فوری شهید به ایران شد .

بخشی از نامه عیسی سحرخیز را با عنوان : “ مرگ خاموش ما را تدارک دیده اند » دراینجا ملاحظه می کنید :

« جناب آقای احمد شهید !

آنچه امروز در زندان های جمهوری اسلامی میرود، جنایت علیه بشریت است و چیزی کمتر ازاقدامات ضد انسانی استالین در اردوگاه های کار اجباری سیبری ندارد . این اقدامات مختص زندانیان سیاسی نیست، و شرایط زندگی زندانیان عادی نیز کم از فاجعه ندارد . حتما مرگ ناگوار هدی صابر، زندانی اعتصاب غذا کرده، در اثر ضرب و شتم زندان بانان را شنیده اید و قبل تر نیز از جزییات مرگ محسن دگمه چی خبر دار شده اید . حتما مختصری از جزییات پرونده پزشکی اینجانب نیز آگاهی دارید و خود مطلع هستید که حتی اجازه بستری شدن بنده و مداوا در یک بیمارستان را نمی دهند . پس به ذکر جزییات نخواهم پرداخت . اما هدف از نگارش این سطور آن بوده که به شما گوشزد نمایم که اوضاع آن چنان نابسامان است که هر آن می توان انتظار وقوع رویدادهای دلخراش دیگری را داشت . چرا که امروز بر من و دیگر هم بندانم آشکار و بدیهی است که استراتژی این نظام، کشتن بی صدا و تدریجی زندانیان معترض است . آن ها عامدانه تصمیم دارند که ما را نابود کنند و مرگ خاموش ما را تدارک دیده اند، چون از زنده بودن ما، حتی در پشت این دیوارها و میله ها می ترسند .

اما شما به حکم انسانیت، و به حکم مسئولیتی که بر شما تفویض شده است، تعهد دارید که هر آنچه در توان دارید، بکار ببندید، تا سریع تر افکار عمومی دنیا را نسبت به اقدامات شنیعی که در پشت این دیوارها می گذرد خبردار کنید . امیدوارم که متوجه ارزش پربهای زمان در این مورد باشید و بدانید که هرگونه تاخیر در این اقدام، محصولی جز مرگ دیگر زندانیان سیاسی نخواهد داشت .. لذا از شما انتظار دارم که هر چه سریع تر جهت مسافرت به ایران اقدام نمایید و در این مهم، تاخیری نداشته باشید . چنانچه حاکمیت از ورود شما به کشور و ملاقات با زندانیان سیاسی ممانعت به عمل آورد، خود به تنهایی طشت رسوایی حاکمیتی خواهد بود که همه چیزش بر دروغ بنا شده است .»

برای خواندن متن کامل نامه عیسی سحرخیز به لینک زیر مراجعه کنید :

http://www.kaleme.com/1390/04/21/klm-65116

برای اطلاعات بیشتر در مورد نحوه تماس با احمد شهید می‌توانید به اطلاعات مندرج درمصاحبه رادیو فردا با عبدلاکریم لاهیجی حقوقدان و نایب رئیس فدراسیون جوامع حقوق بشر به لینک زیر مراجعه کنید :

http://www.radiofarda.com/content/f4_ahmad_shaheed_sending_report_human_rights/24303576.html

—

کنترل جی میل از طرف دولت ایران

2011-08-30 · Archive ID 507
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=507

بنا برگزارش روزنامه گاردین در سی ام آگوست، دولت ایران در هفته‌های اخیر محتوای ای میل های فرستاده شده از طریق « جی میل » را کنترل کرده است . به این معنا مامورین بازرسی، سرویس دهی ای میلی گوگل و جی میل، را بازرسی و به محتوای ای میل های افراد دسترسی داشته اند . به این منظور ای میل ها به نوعی ایستگاه کنترل هدایت می شوند . برای انجام این عمل از خدمات و گواهی نامه امنیتی یک شرکت هلندی به نام Digintor سوء استفاده شده است . این شرکت که هم چنین گواهی نامه های امنیتی وزارت خانه‌های هلندی را هم تأمین می کند . این شرکت پس از فاش شدن این مسأله گواهی نامه امنیتی صادر شده را لغو کرده و ادعا می‌کند که از این سوء استفاده بی اطلاع بوده است .

برای اطلاعات بیشر در این مورد سایت زیر مراجعه کنید :

http://blog.mozilla.com/security/2011/08/29/fraudulent-google-com-certificate/
https://www.eff.org/deeplinks/2011/08/iranian-man-middle-attack-against-google

—

پنج سال با کمپین یک میلیون امضا علیه قوانین نابرابر

2011-08-30 · Archive ID 511
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=511

مبارزات یک صد ساله زنان ایرانی برای رسیدن به برابری حقوقی و اجتماعی با تلاش‌های گروه‌های فمینیستی در دو دهه اخیر وارد مرحله جدیدی از حیات خود شده است . رشد و شکوفایی جنبش فعلی زنان در ایران حاصل تلاش‌های بی‌وقفه فمینیست های ایرانی در عرصه آموزش و پژوهش، در حوزه مطبوعات، رسانه‌ها و فعالیت‌های مدنی است . در این راه آنها با محدودیت‌ها و دشواری های بی شماری مواجه بوده و هستند . مبارزات حقوقی زنان برای تغییر قوانین تبعیض آمیز از دیر باز یکی از حوزه های چالش زنان در ایران بوده است .

کمپین « یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز علیه زنان » یکی از مهم‌ترین و مشهورترین کارزارهای اجتماعی برپا شده در سالهای اخیر است . این کمپین نه تنها در شهرهای ایران بلکه در سایر کشورهای جهان هم با استقبال و حمایت کنشگران جنبش فمینیستی، فعالین اجتماعی و شهروندان ایرانی روبرو شد و هم جوایز بین‌المللی از جمله جایزه معتبر سیمون دوبوار در سال 2009 را از آن خود کرد .

پنج سال پیش گروه‌هایی از کنشگران حوزه زنان پس از تجمع اعتراضی بیست و دوم خرداد سال 1385 در میدان هفت تیر در اعتراض به قوانین تبعیض آمیز که به سرکوب و دستگیری تعدادی از آنان انجامید،برآن شدند تادر ادامه پیگیری اهداف آن تجمع، به فعالیت برای ایجاد کارزاری اجتماعی در جهت رفع نابرابری حقوقی اقدام

کنند . طرح اولیه کمپین یک میلیون امضا با امضاء 64 از فعالین اجتماعی و فرهنگی و با حمایت 118 نفر کار خود را آغاز کرد . کمپین در پنجم شهریور 1385 رسما فعالیت خود را آغاز کرد .

محروم بودن زنان ایرانی از حقوق برابر در زمینه‌های گوناگون مانند قانون ارث، قانون مجازات، قوانین مربوط به ازدواج و طلاق و غیره از مباحث مطرح شده در دفترچه های توضیح قوانین و جمع آوری امضا هستند . اما تلاش‌های فعالان کمپین در شهرهای ایران برای گفتگوی رو دررو با مردم در کوچه و بازار و جمع آوری امضا با مخالفت جدی مسئولین دولتی هم روبرو شد . درپنج سال گذشته گروهی از زنان و مردان فعال در این کارزار بازداشت و به زندان افتاده و فعالیت علنی برای جمع آوری امضا ممنوع شده و سایت‌های مربوط به این کمپین از جمله سایت : تغییر برای برابری، بارها فیلتر شده اند .

نحوه شکل‌گیری این کارزار و بررسی اش از زوایای گوناگون در کتابی با عنوان « کمپین یک میلیون امضاء : روایتی از درون » به قلم نوشین احمدی خراسانی، یکی از اعضای موسس کمپین در سال ۱۳۸۶ منتشر شد . نویسنده در این کتاب به ویژگی‌های این حرکت، مشکلات پیش رو و دستاوردهای کمپین پرداخته، هم چنین ترجمه انگلیسی این اثر هم منتشر شده است .

بخشی از اهداف این کمپین (به نقل از سایت : تغییر برای برابری) از این قرارند :

جمعآوري يك ميليون امضاء، تنها يكي از اهداف محوري اين كمپين است زيرا اين كمپين اهداف ديگري را نيز مدنظر دارد يعني پيشبرد اين طرح با اهداف چندجانبه صورت ميگيرد :

1 ـ اين حركت ، مبنايي است براي مشاركت جمعي بخشهاي وسيعي از شهروندان، در جهت تغييرات مثبت اجتماعي و رسيدن به هدفي معين و مشروع يعنى رفع تبعيضهاي قانوني عليه زنان 2 ـ يكي از هدفهاي مهم اين حركت جمعي، آشنايي و گفت و گوي رو در رو با گروههاي مختلف زنان و به طور كلى شهروندان در سطح گسترده است . ارتباط مستقيم مدافعان حقوق برابر با هموطنان، خود باعث آگاهي يافتن از نيازها و لمس مشكلات آنها در زندگي روزمره به خصوص در زمينهي مسائل حقوقي خواهد شد و متقابلا باعث افزايش آگاهي و حساسيت نسبت به نابرابريهاي حقوقي در ميان زنان و مردان ميگردد .

3 ـ از سويي اين تلاش و عمل جمعي به زنان و مردان حقطلب و عدالتخواه تجربههاي بسياري ميآموزد و ارتباط بيشتر آنان را با گروههاي مختلف در بطن جامعه گسترش ميدهد . از تبعات مثبت اين ارتباط در صورت تداوم، ايجاد زمينه براي شنيده شدن صداى زنان خاموشى خواهد شد ،كه زندگى آنها تحت تاثير اين قوانين و تبعيضات آن دستخوش مشكلات فراوان است .

4 ـ اساس اين كمپين، اعتقاد به افزايش آگاهي از طريق ايجاد گفتگو ميان شهروندان و آموختن فعاليتهاي جمعي و دموكراتيك يعني ايجاد اصلاحات از پايين و از درون جامعهي مدني است .

بنابراين، پايهي اين عمل جمعي، اعتقاد به ضرورت تقويت حوزه عمومي و اعتقاد به توانمندسازي زنان است و باور به اينكه تنها تغييراتي ماندگار و ريشهاي هستند كه از بطن جامعه ميجوشند و نتيجهي آشنايي مستقيم با دردها و لمس مشكلات، است . و نيز آگاهي از اين امر كه مشكلات حقوقي، مشكل فردي و خصوصي نيست و شمار زيادي از زنان با تبعات تلخ آن دست و پنجه نرم مي كنند .

5 ـ يكي ديگر از اهداف اين كمپين آن است كه تلاشگران آن ، در عمل و تماس مستقيم با شهروندان جامعهي خود، متوجه شوند كه بدون تحمل سختي، بدون پرداخت هزينه و البته اتحاد و همدلي، هيچ بيعدالتي و تبعيضي قابل تغيير نيست . همدلي و همكاري صميمانهي مدافعان حقوق برابر و انساني در راستاي پيشبرد اين پروژهي عدالتخواهانه، بيترديد روحيه مشاركت در سرنوشت كشور را در ميان خود كوشندگان و متقابلا در ميان شهروندان ايجاد خواهد كرد . تاريخ مبارزات دموكراتيك زنان در ديگر كشورها، بخصوص كشورهايي با نوع حكومت و آداب و رسوم نزديک تر به ما ايرانيان نيز چيزي جز اين به ما نميآموزد . اين مبارزه راهي دشوار و طولاني است و مسير اصلي آن نه از مجاري و معادلات قدرت، مردان و زنان قدرتمند و ..... ، بلكه بسيار ساده از طريق آگاهي و حساسيت تک تک زنان و شهروندان عادي نسبت به حقوق خودشان و درك موقعيت و جايگاهشان در جامعه ميگذرد .

6 ـ اجراي موفق اين كمپين نشان خواهد داد كه خواستهي برحق تغيير قوانين تبعيضآميز محدود به تعداد محدودی از زنان نيست . بلكه اين خواسته، خواستهاي كاملا فراگير است و تعداد بسيار زيادي از زنان و مردان ايراني از نابرابري هاي حقوقي موجود در قوانين ايران رنج ميبرند و هركدام از آنان با توجه به زمينه هاي فرهنگي و ميزان امكاناتشان نسبت به آن واكنش نشان مي دهند . نتايج اين عمل جمعي نشان خواهد داد خواستهي تغيير و اصلاح قوانين، خواستهي طيف خاصي از زنان نيست . انگهايي كه اغلب به مدافعان حقوق برابر و زنان فعال به منظور خاموش كردن آنها زده مي شود از جمله : بيدردي، تعلق به طبقات مرفه جامعه ، خودنمايي و .... واقعا صحت ندارد، چون اين قوانين ناعادلانه بر زندگي همهي زنان اعم از باسواد و بيسواد، طبقات مختلف اجتماعی ، مجرد و متاهل، روستايي و شهري، كم و بيش تاثير ميگذارد .

برای اطلاعات مربوط به کمپین یک میلیون امضا می توایند به سایت : تغییر برای برابری مراجعه کنید .

http://www.we-change.org/

—

خطر امنیتی «گوگل» برای ایرانیان و راه حل آن

2011-08-31 · Archive ID 515
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=515

ماجرا با یک پیام ساده آغاز شد: یک کاربر اینترنتی در ایران که تلاش می کرد با استفاده از مرورگر «کروم» به گوگل وصل شود ، ناگهان، با کمال تعجب پیامی را بر روی صفحه رایانه اش مشاهده کرد مبنی بر اینکه گواهی امنیتی مورد استفاده او برای دسترسی به سایت گوگل به آنها (شرکت گوگل) تعلق ندارد. در مقابل، کاربر ایرانی بیکار ننشست و برای کشف دلیل این اتفاق، موضوع پیش آمده را در یکی از سخنگاه های کمکی گوگل در اینترنت مطرح کرد. در نتیجه، داستان بالا گرفت و شرکت گوگل را بر آن داشت که برای تحقیق و کشف علل اصلی قضیه دست به کار شود.

در نهایت، تلاشهای بازرسان گوگل به نتیجه رسید و از طرحی سری، و در عین حال جنجالی پرده برداشت: به ظاهر، «دیجی نوتار»، شرکتی امنیتی در هلند، یک گواهی اینترنتی در اختیار «فرد» [یا افرادی] در ایران قرار داده که استفاده از آن گواهی، احاطه کامل بر کل ترافیک امن گوگل در ایران را در اختیار آن فرد یا افراد قرار داده است.

چنین اشراف اطلاعاتی توسط اشخاصی نا شناس در ایران، برای کاربران در کشور، به معنای آن است که ترافیک شبکه مربوط به ایرانیان چندی در معرض یک هدایت عمدی و هدفدار قرار داشته و دستهایی در پشت پرده، داده های اطلاعاتی کاربران را، به میل خود، به سمت و سویی دیگر «منحرف» می کرده اند.

البته باید توجه داشت که انحراف ترافیک شبکه اینترنت توسط اشخاص ثالث، همیشه، در خطوط نا امن (http:// بجای https://) میسر بوده است. در این مورد بخصوص هم، دستکاری داده ها بدون اینکه کسی از آن باخبر شود، مستلزم دسترسی به یک گواهی امنیتی بوده است و یک نفر از ایران موفق شده است خود را به جای گوگل جا زده، گواهی مورد نیاز را به دست آورد و دو ماه تمام هم، بدون اینکه کسی متوجه این رخنه امنیتی شود، از مزایای اطلاعاتی آن استفاده کند.

در عمل، تنها دو راه برای دستیابی به یک چنین گواهی امنیتی وجود دارد: یا شخصی با تیم فروش شرکت «دیجی نوتار» تماس گرفته و به سادگی خود را به عنوان یک کارمند گوگل جا زده است و یا اینکه، سایت «دیجی نوتار» هک شده و گواهی فوق هم به صورت تقلبی از سایت به سرقت رفته است.

به هر حال، در هر دو صورت، یک رخنه امنیتی در شرکت فوق روی داده است: در صورتیکه گواهی به «کارمند تقلبی گوگل» به فروش رسیده باشد، «روند بررسی هویت» درخواست کنندگان فاقد کارایی مورد نیاز بوده و در صورتیکه «دیجی نوتار» هک شده باشد، سایت هلندی یاد شده با مشکلاتی جدی در امنیت زیرساخت اینترنتی اش روبروست.

به نوشته وبلاگ نویس های حیطه مسائل امنیتی، به احتمال قوی در سال 2009 نیز، سایت «دیجی نوتر» یک بار دیگر مورد حمله هکرها قرار گرفته است. تصاویر گرفته شده از صفحه های هک شده سایت فوق امروز همچنان در اینترنت یافت می شوند. حتی لینک دقیق صفحات هک شده تا صبح روز 30 ماه اوت (به وقت اروپا) در دنیای سایبر قابل دسترس بود.

رخنه های امنیتی، از قبیل ماجرای گوگل در ایران، با عنوان «فرد واسط» (یا MITM) شناخته می شوند. دراین سناریو، اطلاعات مربوط به امنیت ارسال از طریق اینترنت فرستاده شده و هر دو سوی ارتباط، فرستنده و درخواست کننده داده ها، کلید مورد نیاز برای ارسال امن پیغام را دارا هستند. بدین ترتیب، شما به عنوان فرستنده «بخشی» از اطلاعات مورد نیاز برای اثبات هویت خود ، و همچنین درخواست کننده، را در اختیار دارید. در سوی دیگر ارتباط، در خواست کننده، که گیرنده داده هاست، هم بخش دیگر اطلاعاتی را در اختیار دارد که در واقع می گوید: «بله، من همان کسی هستم که شما فکر می کنید.» اما برای انحراف و دستکاری در چنین روندی، یک «فرد واسط» می بایست راهی بیابد که هم فرستنده به نظر برسد و هم گیرنده. با این روش، شخص ثالث نفوذی در این رابطه دو سویه، خواهد توانست پیامهای ارسالی هر دو طرف را تغییر دهد و در ارتباط دخل و تصرف کند.



برای روشن شدن قضیه مثال زیر را در نظر بگیرید:
تصور کنید می خواهید یک نامه برای برادرتان ارسال کنید. اما یک دشمن به طریقی توانسته اوراق هویتی پستچی را به دست آورد و به زور رشوه و تطمیع، و یا تهدید، به عنوان پست چی شما مشغول به کار می شود و در نتیجه، مسئول جابجایی نامه های شما به برادرتان، و نیز رساندن نامه ها و پاسخ های او به شما.

حال، وقتی شما نامه خود را در صندوق می اندازید، پست چی متخاصم آن را برداشته و به دور می اندازد و به جای آن نامه ای به کل متفاوت از قول شما می نویسد و آن نامه را به دست برادرتان می رساند. در مرحله بعد، وقتی برادرتان پاسخ شما را ارسال می کند، پست چی آن پیغام را هم برمی دارد و از بین می برد و، به جای آن، پاسخ دیگری نوشته و برای شما باز می آورد.

در نتیجه، به خواست دشمن و با تغییر محتویات پیامهای شما، نه شما و نه برادرتان نخواهید توانست آنچه را در نظر دارید به یکدیگر بگویید. از آن بدتر اینکه، حتی اگر «فرد واسط» ماهیت پیامهای شما را دستکاری نکند، هر آنچه راز و مسائل سری میان شما و برادرتان رد و بدل شود در اختیار او نیز قرار می گیرد. مسائلی که می تواند شامل مطالب سری، نشانی ها، گذرواژه ها (پسورد) و دیگر موارد باشد – که با این وصف در دستان دشمن شما قرار می گیرد. و حالا فکر کنید جمهوری اسلامی در ایران، یا هر رژیم دیگری، پست چی مثال ما باشد و هر پیامی که شما از طریق گوگل ارسال کنید را بخواند....
با این همه، راه حلی نیز برای مقابله با چنین خطراتی وجود دارد. برای دفع حملاتی از این دست، «فایرفاکس»

و «کروم» هم اکنون کار را برای به روزگردانی مرورگرهای خود آغاز کرده اند تا دیگر گواهی های امنیتی شرکت «دیجی نوتار» را قبول نکنند. این مسئله در «هلند» از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، زیرا دولت آن کشور در حال حاضر برای انجام تعاملات معمول و امن با شهروندانش از خدمات «دیجی نوتار» استفاده می کند.

شیوه تهاجمی «فرد واسط» تا کنون، توسط رژیم های ایران و سوریه، و دیگران، برای دسترسی به داده های اطلاعاتی امن مورد استفاده قرار گرفته است. اوایل سال جاری میلادی (2011) هم، فهرستی از نه عدد گواهی امنیتی تقلبی توسط شرکت « کومودو » منتشر شد که رد بسیاری از آنها، متعاقباً، در ایران یافت شد.

شاید بدترین بخش ماجرای فوق آن باشد که انحراف ترافیک شبکه کاربران گوگل در ایران، دو ماه تمام در جریان بوده است. حتی پس از کشف رخنه و با شرایط موجود هم، هیچ راهی وجود ندارد که بدانیم چند نفر در ایران مورد هدف قرار گرفته اند و یا اینکه چند نفر «در شرف» آن هستند که مورد هدف قرار گیرند. اگر شما ساکن ایران هستید، اولین کاری که باید انجام دهید این است که جدیدترین نسخه مرورگر «گوگل کروم» یا «موزیلا فایرفاکس» را دانلود کنید. سپس، همانطور که پیشتر هم توصیه شد، برای ارتقای امنیتی ارتباط خود، از «تور» (Tor) یا دیگر روشهای رمزگردانی داده هایتان استفاده کنید.

علاوه بر تمام موارد اشاره شده، از شیوه دو مرحله ای بررسی هویت گوگل نیز استفاده کنید . چگونگی انجام مراحل فوق و راهنمای مصور آن، بر اساس وب سایت رسمی خود شرکت گوگل، را در اینجا مشاهده خواهید کرد.

«عرصه سوم» برای موضوع مطرح شده در این نوشتار اهمیت فراوانی قائل است و کماکان وضعیت موجود را از نزدیک دنبال می کند. ما به صورت منظم، مطالب جدیدی در این زمینه فراهم می کنیم و اطلاعات بیشتری در اختیار خوانندگان خود قرار می دهیم. لطفاً برای دریافت مطالب تازه مشترک خبرنامه یا سرخط موضوعات جدید ما شوید.

—

خطر حمله های سایبری «فرد واسط» در ایران – بخش دوم

2011-09-03 · Archive ID 517
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=517

خطر حمله های سایبری «فرد واسط» در ایران – بخش دوم

در پی هک شدن سیستم شرکت صادر کننده گواهی های امنیتی دیجیتال «دیجی نوتار»، شرکتهای «گوگل» و «موزیلا» اعتبار بیش از 200 گواهی امنیتی را لغو کرده اند.

هشدار جدید: «تور» [Tor]، «یاهو» و «موزیلا» نیز در میان اهداف هکرها قرار داشته اند.

این مسئله بدان معناست که اگر شما در زمره کاربران نرم افزار «تور» هستید و این نرم افزار را در تاریخی بعد از نهم ماه ژوئیه سال جاری میلادی (2011) دانلود کرده اید، احتمال خطر برای شما نیز وجود دارد. در عین حال، هیچ گونه تهدید امنیتی متوجه آن دسته از کاربران که از نسخه های مورد تأیید نرم افزار «تور» استفاده می کنند، نخواهند بود. (برای کسب اطلاعات بیشتر به وبلاگ «تور» مراجعه کنید.)

یکی از مسائلی که باید به آن توجه جدی نشان دهید اینست که اگر تا کنون امضای دیجیتال نسخه نرم افزار «تور» مورد استفاده خود را، برای اطمینان از اصالت آن، چک نکرده اید، زمان آن فرا رسیده که هرچه زودتر اینکار را انجام دهید. دستورالعمل آن را هم می توانید در اینجا مشاهده کنید.

بیش از 200 گواهی دیجیتال به سرقت رفته است
چند روز پیش، عرصه سوم گزارشی منتشر کرد مبنی بر بروز خطرات امنیتی جدی برای کاربران اینترنت در ایران. همانطور که در آن نوشتار اشاره شد، یک گواهی امنیتی دیجیتال توسط فرد یا افرادی به سرقت رفته و

در ایران مورد استفاده قرار گرفته بود. اشخاصی که در ایران گواهی فوق را در اختیار گرفته بودند با استفاده از آن به ارتباط امن میان کاربران ایرانی و سرورهای گوگل رخنه کرده بودند.

اما اکنون آشکار شده که نه تنها یک گواهی دیجیتال، بلکه بیش از 200 گواهی، در این ماجرا، هک شده و در استفاده سارقان قرار گرفته است. «کروم» و «فایرفاکس» اعتبار این گواهی ها را لغو کرده اند و هم اکنون، در صورتی که کاربران بخواهند با استفاده از یکی از گواهی های دیجیتال به سرقت رفته به سایتی دسترسی پیدا کنند، پیغام هشداری را بر صفحه نمایشگر خود خواهند دید.

باید توجه داشت که به رغم تمامی پیشرفت ها، یک وب سایت یا برنامه کاربردی «هک نشدنی» در دنیای نوین سایبر کماکان حکم کیمیا دارد. تا زمانی که ارزش داده های دیجیتال برای هکرها قانع کننده، چالش موجود به اندازه کافی بزرگ و فن آوری های تجسسی نیز به میزان مشابه پیشرفته باشد، هکر هایی پیدا می شوند که راه خود را برای رخنه به درون هر سیستمی بیابند. و این دقیقاً همان اتفاقی است که برای شرکت هلندی «دیجی نوتار» رخ داد. به ظاهر هکرهایی در ایران در زمانی حول و حوش دهم ماه ژوئیه 2011 موفق شدند که به درون سیستم این شرکت تخصصی امنیت شبکه وارد شوند.

«دیجی نوتار» سابقه تأمین ارتباطات امن شبکه ای را برای مشتریان مختلف، از جمله دولت هلند، بر عهده داشته است.

در تاریخ نوزدهم ژوئیه، «دیجی نوتار» وقوع هک در سیستم شرکت را کشف کرد. این شرکت هلندی اعلام کرده که کلیه گواهی های به سرقت رفته را ردیابی و تمامی آنها را باطل کرده است.

حال آشکار شده که بیش از 200 گواهی دیجیتال توسط هکرهای ایرانی به سرقت رفته و، در نتیجه، دامنه تهدیدهای امنیتی متوجه سایتهای نام آشنایی از جمله «تور»، «موزیلا» و «یاهو» نیز شده است. این در حالیست که گواهی دیجیتال جعلی ای که جرقه اولیه این بررسی ها را ایجاد کرد به نام «گوگل» صادر شده بود.

چک سفید امضا

بررسی ها نشان می دهد گواهی دیجیتالی که به نام گوگل صادر شد توسط چندین ارائه دهنده خدمات اینترنت (ISP) در ایران مورد استفاده قرار گرفته است، امری که خود این گمانه را تأیید می کند که هر کسی که «دیجی نوتار» را مورد حمله هکری قرار داده مطمئناً تحت پشتیبانی یک دولت یا یک سازمان قوی و برخوردار از امکانات بوده است. بخشی از ارتباط امن میان کاربران ایرانی گوگل در آن کشور و سیستم گوگل به سرورهایی هدایت شده بودند که، در خوشبینانه ترین حالت، نظارت و بازبینی بر محتویات پیامها را برای افرادی ناشناس میسر ساخته است.

«هانس ون دلوی»، مشاور ارشد امنیتی و مؤسس شرکت امنیت اینترنتی هلندی «مدیسون گرکا» می گوید: «اگر شما بر روی همه شرکت های ارائه دهنده خدمات اینترنت کنترل داشته باشید، تغییر مسیر ترافیک شبکه و ارسال داده ها به یک سرور پراکسی برایتان کار دشواری نخواهد بود.» این متخصص امنیت شبکه در ادامه می افزاید: «اگر چنین کنترلی را در اختیار نداشته باشید، کارتان کمی دشوارتر می شود، یک چنین عملیات هکری پیچیده و دقیق است، و اگر صحت داشته باشد که بیش از 200 گواهی دیجیتال به سرقت رفته اند، که به باور ما همینطور هم هست، هکرها به کلید اصلی سیستم دسترسی داشته اند.»

از یک منظر، این دسترسی برای هکرها حکم یک چک سفید امضا را داشته است زیرا، به کمک آن، توانایی آن را داشته اند که خود را به عنوان یک مرجع قابل اعتماد نشان دهند و اطلاعاتی که به ظاهر در یک ارتباط امن رد و بدل می شده اند را، به اختیار خود، جابجا کنند.

شناسایی توسط کاربران «گوگل کروم»

گواهی دیجیتال جعلی به نام گوگل به طور پیوسته مورد استفاده قرار نمی گرفت، به همین خاطر کشف آن نیز مدت زمان بیشتری را گرفت. در نهایت هم شناسایی آن توسط کاربران «گوگل کروم» انجام شد، از آنجاییکه گواهی امنیتی دیجیتال گوگل در متن برنامه مرورگر «گوگل کروم»، به شیوه ای غیر قابل دستکاری، ثبت شده است، این مرورگر توانست تشخیص دهد که گواهی مورد استفاده جعلی بوده و به گوگل تعلق نداشته است.



مراجع صدور گواهی دیجیتال امنیتی

شرکت هلندی «دیجی نوتار» و «واسکو»، شرکت مادر آن، در میان چند ده شرکتی هستند که به عنوان مراجع صدور گواهی دیجیتال امنیتی فعالیت می کنند. کار چنین شرکتهایی در عمل این است که اطمینان حاصل کنند که یک نهاد یا شخص حقوقی، مانند گوگل، همان کسی است که ادعا می کند. این مسئله زمانی که ارسال اطلاعات حساس از طریق اینترنت در میان باشد، حائز اهمیت بسیار زیادی است.

باید توجه داشت که دقیقاً مانند یک کارت شناسایی معمولی، گواهی دیجیتال را هم می توان جعل کرد یا دزدید. در چنین حالتی، هر کاربری که از طریق یک ارتباط که از گواهی جعلی استفاده می کند، به اینترنت وصل شود در معرض خطر قرار می گیرد. کمترین تهدیدی که متوجه چنین کاربرانی می شود آن است که فعالیت های امن آنها – مثلاً، اطلاعات ورود به سیستم این قبیل کاربران – برای اشخاص ثالث قابل مشاهده خواهد بود. بعضی از کارشناسان امور امنیت شبکه این پرسش را مطرح می کنند که با وجود چنین سیستم شکننده و قابل نفوذی که هم اکنون موجود است اساساً چگونه می توانیم از اطلاعات خود محافظت کنیم؟

برای درک بهتر شرایط موجود تصور کنید در حال حاضر «یک نگهبان» در دنیای سایبر مسئولیت حفاظت از داده های اطلاعاتی را بر عهده دارد، و این نگهبان را می توان با رشوه، تطمیع، تهدید، اخاذی، فریب دادن یا به خواب انداختن در سر پست، از میان برداشت. به این ترتیب، پخش مسئولیت امنیت شبکه در میان چند مرجع می تواند یک راه حل برای وضعیت کنونی قلمداد شود: در واقع به جای یک لایه محافظ، چندین لایه محافظتی در سیستم پیش بینی می شود.

شاید بتوان گفت که در مورد گواهی به سرقت رفته در ایران هم یک چنین سیستمی بود که در نهایت منجر به کشف رخنه و جعل بودن گواهی دیجیتال شد. (در این مورد مرورگر کروم به عنوان یک لایه اضافه امنیتی و «نگهبانی» ثانویه عمل کرد. تمهیدی امنیتی که سازندگان گوگل کروم استفاده از آن را به تمامی صاحبان سایتهایی که با مسائل امنیتی سرو کار دارند، پیشنهاد می کنند. در واقع، دیگران هم می توانند، مانند کروم، گواهی دیجیتال امنیتی خود را در متن مرورگر خود به شکلی دائمی [hard coding] و غیرقابل دستکاری ثبت کنند.)

بنیاد جبهه الکترونیک نسبت به آسیب پذیری سیستم تضمین امنیت کنونی هشدار می دهد.

سیستم مرجع صدور گواهینامه دیجیتال دهه ها پیش در زمانی طراحی و ارائه شد که بزرگترین دغدغه امنیتی سیستمهای برخط (آنلاین) محافظت از کاربران در برابر خرده سارقان شماره کارتهای اعتباری بود. در حالیکه

امروزه، کاربران اینترنتی برای محافظت از حریم شخصی خود در مقابل حکومتها بر روی چنین سیستمهایی حساب می کنند. انتظاری که تحقق آن، با شرایط فعلی، بعید به نظر می رسد.

برای اطلاعات بیشتر به گزارش بنیاد جبهه الکترونیک درباره مسائل امنیتی نگاه کنید.

—

نرم‌افزار «Tor» و امنیت اینترنتی (بخش اول)

2011-09-05 · Archive ID 521
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=521

در زمانه ما که بسیاری از دولت ها درصدد ایجاد محدودیت علیه استفاده آزاد از اینترنت اند . و در اوضاع بحرانی امروز که آزادی انتشار اطلاعات و اخبار برای ترویج و گسترش حقوق بشر در جهان نقشی بس حیاتی را ایفا می کند، نرم افزار های معدودی در دسترس اند که به خوبی از افشای هویت کاربران اینترنتی جلوگیری می کنند . اما اگرچه تعداد این نرم افزار ها خیلی محدود است، «Tor» در میان آنها بیشتر از بقیه استفاده می شود . «Tor» واقعاً نرم افزار مناسبی است که اکنون در اختیار مردم قرار دارد .

در چند سال گذشته، پرسش هایی در مورد چرایی استفاده از «Tor» مطرح شده است .

پاسخ به این سوال دو مسئله را در بر می گیرد . اول اینکه نحوه استفاده از «Tor» خیلی ساده و آسان است و به همین دلیل این نرم‌افزار اکنون بیشتر مورد استفاده است . موضوع دیگر آن که در مقایسه با نرم افزار های دیگر، «Tor» در چند سال گذشته ثابت کرده که به نسبت نرم افزار های ضد سانسور دیگر کارآمدتر است .

البته باید گفت که هنوز بسیاری از افراد از این نرم افزار استفاده نمی کنند . زیرا به نرم افزار ها و راه های دیگری دسترسی دارندکه البته از «Tor» هم بهترند . استفاده از سایر روشها نیز افراد را در برابر سانسور و یا افشای هویت شان حمایت می کند . اما البته افراد بسیاری هم به چنین نرم افزار هایی دسترسی ندارند و یا موانع موجود باعث می شود که از آنها استفاده نکنیم . نرم‌افزار «Tor» بهترین راه محافظت از اطلاعات در مقابله با رژیم های سانسور گر می باشد .

ولی بهترین معیاری که می توان این نرم افزار را با آن سنجید، پشتکار و صداقت سازندگان آن است که در تولید «Tor » کوشا هستند . شخصا افرادی را می شناسم که وقت گران قیمت خود را صرف کمک به دوستان گرفتار سانسور می‌کنند تا آنها بتوانند از اینترنت به شکلی آزاد و مطمئن استفاده کنند . گروهی از این دوستان دائما در معرض خطر و گرفتار شدن قرار دارند تا دیگران بتوانند از حق آزادی بیان آنلاین برخوردار باشند .

به این دلیل نه تنها «Tor» یکی از بهترین نرم افزار های ضد سانسور است، بلکه دستور العمل راهنمای استفاده از آن نیز به چندین زبان ترجمه شده و می توان این نرم‌افزار را در ظرف چند ثانیه و یا دقیقه داونلود (Download) و انستال (Install) کرد . هم چنین قبل از آن که دست کارمندان رژیم های سانسور گر به آن بیافتد می توان در ظرف چند ثانیه آن را از رایانه ها محو (Delete) کرد .

وقتی که به صفحه اینترنتی «Tor» رفته آن را داونلود می کنید، «Tor» را دریک فولدر (Folder) جدید در رایانه تان جا دهید . بعد از آن می توانید براوزر مورد نظر تان را در آن فولدر بگذارید و از آن استفاده کنید.

لینک برای داونلود (صفحه فارسی Tor) :

http://www.torproject.org/index.html.fa

در بخش دوم مفصلا طرق کاربرد «Tor» را تشریح خواهم کرد .

—

مبارزه مردم آذربایجان علیه خشک شدن دریاچه ارومیه و عقب نشینی دولت

2011-09-07 · Archive ID 524
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=524

درهفته‌های اخیرتظاهرات و راه پیمایی چندهزارنفری مردم دراستان آذربایجان شرقی و غربی در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه بازتاب وسیعی درجامعه و رسانه ها داشت . متاسفانه این گردهمایی های مسالمت آمیز با سرکوب نیروهای انتظامی مواجه و هم به دستگیری گروهی از کنشگران محیط زیست انجامید . اولین گردهمایی علنی در اعتراض به خشک شدن دریاچه ارومیه در سیزدهم فروردین امسال در شهر تبریز و ارومیه برگزار شده بود و با دخالت ماموران انتظامی ادامه نیافت . فعالین برگزارکننده در این گردهمایی ها خواهان توجه عموم و دولت به خشک شدن دریاچه و عواقب اجتماعی، محیط زیستی آن و هم خواهان باز کردن دریچه سدها و روان کردن آب به دریاچه ارومیه بودند .

درخرداد ماه امسال سه نفز ار فعالین معترض به نابودی دریاچه که درسیزدهم فروردین به همراه هفتاد نفر دیگر درگردهمایی اعتراضی بازداشت شده بودند، به بیست ضربه شلاق و پرداخت جریمه محکوم شدند . دو نفر از بازداشت شدگان یعنی حبیب پورولی و حجت مختار زاده به شش ماه حبس محکوم و اکنون در زندان تبریز زندانی هستند .

کنشگران محیط زیست درماه های گذشته با انتشار دانسته‌های خود در این باره دررسانه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و به راه انداختن « کمپین جهانی برای نجات دریاچه ارومیه » خواهان اقدام فوری مسئولان دولتی و هم سازمان های محیط زیست در سطح جهان برای جلوگیری از نابودی دریاچه ارومیه شدند . مردم آذربایجان عدم توجه مسئولان و سوء مدیریت آنان را از دلایل اصلی خشک شدن تدریجی دریاچه ارومیه می دانند .

دریاچه ارومیه بزرگترین دریاچه نمک در دنیا است و 27 گونه پستاندار، 212 نوع پرنده، 41 نوع خزنده، 7 گونه دو زیست و 26 نوع ماهی در حوزه اکولوژیکی این دریاچه زندگی می کنند . خشک شدن آن یک فاجعه محیط زیستی است که نه تنها باعث نابودی پرندگان و سایر وحوش ساکن در ناحیه است بلکه برای مردم منطقه پیامدهای وخیم اقتصادی و محیط زیستی را به همراه خواهد داشت . از رونق افتادن توریسم و در نتیجه بیکاری صدها نفز ار شاغلان دراین منطقه یکی از عواقب فوری این معضل و زیان‌بار به حال مردم است .

به نظر کارشناسان محیط زیست شصت درصد از دریاچه ارومیه تا پایان امسال خشک خواهد شد و جزایر کوچک پناهگاه جانوران هم ازبین خواهند رفت . تاکنون سیصد کیلومتر از آب دریاچه خشک شده است . وزارت نیرو موظف است امسال حداقل یک میلیارد متر مکعب آب را برای حفظ دریاچه از راه پمپاژ آب از رودخانه سیلوه در پیران شهر به ارومیه و انتقال آب از رودخانه ارس به دریاچه اقدام کند .

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در 25 مرداد امسال با طرح دو فوریتی انتقال آب به دریاچه ارومیه موافقت نکردند . جواد جهانگیر زاده عضو کمیسیون ملی و سیاست خارجی مجلس و از موافقان تصویب طرح دوفوریتی آبرسانی به دریاچه درگزارش خود به مجلس گفته است که نابودی دریاچه ارومیه آوارگی چهارده میلیون نفر از ساکنان منطقه را به همراه دارد . عدم موافقت مجلس با طرح دوفوریتی، نارضایتی شدید مردم آذربایجان را به همراه داشت خبرگزاری فارس از بازداشت شصت نفز درتظاهرات وسیع دوازده شهریور امسال در دوشهر تبریز و ارومیه خبر داد .

اما اعتراضات وسیع مردمی در هفته‌های اخیر سبب شد که گروهی از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به هیات رئیسه خواهان رسیدگی فوری به این موضوع شوند .

تظاهرات مردمی با شعار هایی از قبیل « دریاچه ارومیه جان می دهد، مجلس فرمان قتل اش را صادر می کند .» همراه بود . کنشگران محیط زیست درترکیه هم با برپایی یک گردهمایی اعتراضی در مقابل سفارت ایران در آنکارا و سردادن شعار بالا خواهان توجه جدی مسئولان و مردم به این معضل شدند . آنها بر زمین نشسته و سر و روی خود را با نمک پوشاندند . اعتراضات مردم مسالمت آمیز و غیر سیاسی بود . آنها تنها خواهان باز کردن دریچه سدها و جاری شدن آب به سوی دریاچه بودند . اما بازداشت ده‌ها تن نشان از عدم

اعتماد دولت به شهروندانی است که خود را درقبال حفظ منابع زیستی و طبیعی مسئول می‌دانند و برای پیشبرد این امرحاضر به تلاش جمعی و فداکاری هستند .

اما سرانجام اعتراضات مدنی و پیگیرانه مردم در تبریز، ارومیه و سایر نقاط باعث عقب نشینی موقت دولت از مواضع قبلی در این مورد و اختصاص 950 میلیارد تومان برای جلوگیری از نابودی دریاچه ارومیه شد . به گفته معاون وزیر نیرو این بودجه صرف انتقال آب از رودخانه ارس و کردستان به دریاچه ارومیه خواهد شد .

—

جامعه مدنی و دفاع از حقوق انسانی هم جنس گرایان

2011-09-13 · Archive ID 529
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=529

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در روز 13 شهریور جاری خبر اعدام شش نفر را در اهواز منتشر کرد . این افراد به جرم قاچاق مواد مخدر و اعمال خلاف شرع به دار آویخته شده اند . از سوی دیگر حجت الاسلام عبدالحمید امانت معاون دادگستری خوزستان در یک نشست مطبوعاتی اعلام کرد که سه نفر از این متهمان به استناد مواد 108 و 110 قانون مجازات اسلامی به مرگ محکوم شده بودند . این مواد قانونی در قانون مجازات اسلامی به هم جنس گرایان اختصاص دارد . به این معنا اگر دو مرد با یکدیگر رابطه جنسی داشته باشند به مرگ محکوم خواهند شد . اعدام این سه نفر به اتهام داشتن رابطه جنسی با مردان، نقض قوانین بین‌المللی مدافع حقوق انسانی اقلیت‌های جنسی و هم جنس گرایان است .

انتشار این خبر هولناک و تأیید آن از زبان یکی از مقامات رسمی دادگستری نشان می‌دهد که تبعیض و مجازات شهروندان هم جنس گرا (دگرباش) درجمهوری اسلامی هم چنان به قوت خود باقی است . هم جنس گرایی در ایران جرم و مردان به مجازات اعدام و زنان به مجازات شلاق و زندان محکوم می شوند . در قوانین اسلامی هم جنس گرایی نوعی ارتداد و درتقابل با احکام الهی و دینی قرار می گیرد .

امروزه تحقیقات زیست شناسانه، پزشکی و روان شناسی نشان می‌دهند که هم جنس گرایان نه بیمارند و نه منحرفان اخلاقی، تنها به هم جنسان خود گرایش جنسی دارند . پژوهش های علمی نشان می‌دهند که چهار تا هفت درصد افراد جامعه بشری تمایلات هم جنس گرایانه و یا دوجنس گرایانه دارند . متأسفانه آزار و سرکوب هم جنس گرایان در تمام جوامع بشری و دوران های تاریخی وجود داشته است . یکی از وظایف جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر در دنیای امروز حمایت و دفاع از حقوق همه اقلیت‌های قومی، مذهبی، جنسی و غیره است . در یک جامعه‌ی دموکراتیک که حقوق فردی و اجتماعی شهروندان تامین می‌شود و آزادی بیان وجود دارد، نوشتن و بحث درباره‌ی مسایل ممنوعه به‌تدریج جای خود را در رسانه‌ها و افکار عمومی باز کرده و تابوشکنی بیش‌تر عرصه‌های دینی و دنیوی را در بر می‌گیرد . دفاع از حقوق اقلیت‌های جنسی یکی از وظایف مدافعان حقوق بشر و هم دولت های دموکراتیک است .

اما هم جنس گرایی در جامعه ایران تابوی بزرگی است و هم جنس گرایان بیماران و منحرفان اخلاقی محسوب می شوند که باید تنبیه و اصلاح شوند . باورهای قدیمی و خرافی در مورد مسائل جنسی و گرایش جنسی در ایران درمیان مردم به شدت رواج دارند . به نظر اکثریت مردم چه مذهبی و چه غیرمذهبی افراد هم جنس گرا مطرود و هم محکوم هستند . آموزش و روشنگری درباره جنبه‌های متفاوت این مسئله در جامعه و برای اقشار گوناگون مردم وجود ندارد . و حتی بسیاری از افراد تحصیل کرده آگاهی کافی در مورد نتایج تحقیقات پزشکی در این مورد ندارند . هم جنس گرایان ایرانی اغلب در معرض تبعیضات بی شمار، خشونت و تجاوز جنسی قرار دارند . بخشی از داستان محمد، یک ایرانی هم جنس گرا که به ترکیه فرار کرده را در اینجا می خوانید :

« من در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمدم، در یکی از شهرستان‌های مذهبی ایران . سه برادر و یک خواهر داشتم . پدر صاحب یک مسئولیت داوطلبانه مذهبی بود . خانواده ما با رعایت شدید اصول مذهبی اداره می‌شد .

در بچگی رفتار دخترانه داشتم . به همین خاطر در خانه و در کوچه، وقت بازی با بچه‌های دیگر، به شدت تنبیه می‌شدم . از هر دو گروه طرد می‌شدم . نه دختر بودم که با دخترها اجازه بازی داشته باشم، نه شبیه پسرها بودم که در بازی شریک‌ام کنند . تنها بودم .

حدود یازده، دوازده سالگی یکی از دوستان برادر بزرگم با من رابطه‌ای را شروع کرد . چیزی شبیه به رابطه جنسی، اما نه رابطه کامل . اولین تجربه رابطه کامل را در دوره راهنمایی داشتم، با همان دوست برادرم . این رابطه را دوست داشتم، اما اذیت می‌شدم .

یک روز پدرم دید . پس از آن رفت و آمد او را به خانه و ارتباط او با من و برادرم را ممنوع کرد و من را به شدت تنبیه کرد . پدرم وقتی مرا می‌زد با خشونتی می‌زد که بیهوش می‌شدم . پس از آن در یک کلاس قرآن نام‌نویسی کردم . در کلاس پسری به نام سعید، به من فشار آورد تا همان رابطه‌ای که با دوست برادرم داشتم را با او هم داشته باشم . همه خبر داشتند . نمی‌توانستم از خودم دفاع کنم . فشاری که پدرم به من وارد می‌کرد قدرت دفاع را از من گرفته بود . ناچار با سعید رابطه گرفتم . بعد از او برادرش نیز با زور با من رابطه گرفت و سپس نفر سوم هم به این باج‌خواهی اضافه شد . من به رابطه با پسرها علاقه داشتم، اما دوست نداشتم به زور با من رابطه داشته باشند . دوست نداشتم با تهدید با من رابطه داشته باشند . دوست داشتم به کسی علاقه‌مند و با او آشنا بشوم و بعد با او رابطه‌ای داشته باشم که باعث آزار و اهانت و ایجاد ترس در من نباشد . اما در آن محله‌ی مذهبی، با خانواده‌های کم‌درآمد و با تحصیلات پایین، بیشتر اوقات دلهره داشتیم، از همه چیز . من بیشتر از همه می‌ترسیدم چون همیشه کسی بود که من را لو بدهد، یا باج بخواهد، و همیشه پدر و برادری بودند که من را با خشونت زیاد و به خاطر رفتار « نامناسب » بزنند تا از اصلاح بشوم . . نمی‌دانستم چطور اصلاح بشوم .» (به نقل از رادیو زمانه ، به لینک پایین صفحه مراجعه کنید.)

دفاع علنی از حقوق انسانی هم جنس گرایان یکی از معضلاتی است که کنشگران حقوق بشر در ایران با آن درگیرند . آگر چه بسیاری از گروه‌ها ی مدافع حقوق بشر در کشور خواهان دفاع از هم جنس گرایان و روشنگری دراین مورد هستند، اما به علت محدودیت‌های فرهنگی، مذهبی و ترس از تشدید احساسات منفی و تند مردم اغلب در این مورد سکوت می‌کنند و در موضع گیری ها و فعالیت‌های خود کمتر به افشاگری در این مورد می پردازند .

در سالهای اخیر ایرانیان مهاجر ساکن در دنیای غرب در برپایی تشکل ها، انتشار مجلات و آموزش آنلاین در زمینه هم جنس گرایی فعالیت‌های بسیار موثری داشته اند . دامنه این تلاش‌های مدنی هم چنین به داخل کشور هم گسترش یافته است . از کوشش های مؤثر این گروه‌ها می‌توان به انتشار جزوات آموزشی در زمینه ارتقائ آگاهی مردم و آموزش برای هم جنس گرایان در زمینه پیشگیری از بیماریهای مقاربتی و ایدز اشاره کرد . یکی از مهمترین زمینه‌های کار برای حمایت از این گروه آسیب‌پذیر فعالیت در زمینه آگاهی رسانی، حمایت همه جانبه از هم جنس گرایان ، شناسایی مبتلایان به ایدز و کمک به آنان است .

انتشار اخبار مربوط به آزار و اذیت و مجازات افراد با تمایلات هم جنس خواهانه و توجه سازمان های حقوق بشری به این معضل در سال‌های اخیر روز به روز بیشتر شده است . تشکل های مدافع حقوق هم جنس گرایان روز بیست و هشتم تیر را روزی برای اعتراض به وضعیت این گروه در ایران اعلام کرده اند .

یکی از وظایف سازمان های مدافع حقوق بشر و فعالین مدنی دفاع از حقوق اقلیت‌ها است . هم جنس گرایان در ایران چه درخانه و چه در اجتماع با تحقیر، توهین و خشونت مواجه اند . قانون مجازات اسلامی آنان را مجرم دانسته و به شدت مجازات می کند . حمایت از هم جنس گرایان، افشای جنایاتی که برآنها روا شده و آگاهی رسانی در مورد وضعیت آنان یکی از وظایف مهم و اساسی سازمان های حقوق بشر در ایران است .

لینک مصاحبه با رادیو زمانه:

http://radiozamaneh.com/society/degarbash/2011/07/26/5720

برای اطلاعات بیشتر به این سایت سازمان دگرباشان ایرانی نگاه کنید.

—

دو پرسش درباره برنامه Tor

2011-09-14 · Archive ID 531
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=531

زمانی رایانه ها گران و کمیاب بودند.هارد دیسک (Hard Disk) و حافظه شان از 200 میگا بایت (Megabyte) بیشتر نبود و باید بیست فلاپی دیسک (Floppy Disk) می خریدید تا یکی از آنها را به کار گیرید. اما اکنون آن دوره را پشت سر گذاشته ایم. امروز ما در عصر نوین صنعت رایانه ای و اینترنت بسر می بریم. عصری شگفت انگیز حتی برای کسانی که سالهاست از رایانه استفاده می کنند.

واژه هایی مانند ترابایت (Terabyte)، فایبر اوپتیک (Fiber optics) و فلش درایو (Flash Drive) حال دیگر خواب و خیال نیستند. این واژه ها اکنون کلماتی ملموس اند و ما روزانه آنها را به کار می بریم. با این همه هنوز هم بعضی از برنامه های ما کهنه هستند. بنابراین به جای آنکه از صنعت جدید برنامه های رایانه ای استفاده کنیم، هنوز هم با برنامه ها و اپلیکیشن های کهنه سر و کار داریم. اگرچه ما ممکن است به برنامه‌هایی که سالها با آن کار کرده ایم، عادت کرده باشیم، اما باید بدانیم که استفاده از بعضی از این برنامه ها نه تنها برای رایانه ها، بلکه حتی برای امنیت شخصی مان نیز مضر است.

افزون برآن، این برنامه ها بسیاری از نو آوری هایی را که در زمینه رایانه و اینترنت صورت گرفته ندارند. و یا به شکل غیر منظم و غیر قابل استفاده درخود گنجانیده اند. دو تا از این برنامه ها «ام اس ان (MSN) و یاهو مسنجر (Yahoo Messeger) » هستند. شرکت هایی که این دو برنامه را عرضه می‌کنند تا به حال بارها آنها را تغییر داده اند. اما در واقع، این دو برنامه به مرور زمان نتوانسته اند با پیشرفت صنعت رایانه ای خود را تطبیق دهند.

بنابراین از کمبود های امنیتی و مشکلات کد (Code) گذاری که در این دو برنامه وجود دارد نمی توان چشم پوشید. این در حالی است که ما امروز از هر زمان بیشتر به مسنجر ها نیاز داریم. و نه تنها از آنها برای خبرگیری از دوستان بلکه برای فرستادن پیام های خیلی ها محرمانه نیز استفاده می کنیم. نباید فراموش کرد که تعداد زیادی از کسانی که از این برنامه ها استفاده می کنند در کشور هایی که سانسور خیلی شدید است زندگی می کنند.

چون این دو برنامه مدت زیادی است که در بازار وجود داشته و شرکت های سازنده آنها چندین برنامه مهم و مفید دیگر را هم عرضه می کنند، اغلب به استحکام ساختار های امنیتی آنها توجه جدی نمی شود. و این به این معناست که هکرها توانسته اند از راه های گوناگون به اطلاعات شخصی شما از طریق این دو برنامه دسترسی داشته باشند.

در حقیقت امروزه ما ده ها مسنجر جدید در بازار داریم که بر انواع قبلی برتری دارند. و از نظر امنیتی نیز خیلی ها پیشرفته تر اند. در زمان ماموضوع امنیت بسیار مهم است. بنابراین نباید با استفاده از این دو مسنجر، امنیت خود و دیگران را به خطر بیاندازیم. وقت آن رسیده که از این دو مسنجر بگذریم و از انواع دیگر که امن تر و مدرن تر هستند استفاده کنیم.

در هفته های آینده، دراین مورد گزارش های دقیق تری خواهیم داشت.

—

کنار گذاشتن «ام اس ان» و «یاهو مسنجر»

2011-09-14 · Archive ID 535
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=535

زمانی رایانه ها گران و کمیاب بودند.هارد دیسک (Hard Disk) و حافظه شان از 200 میگا بایت (Megabyte) بیشتر نبود و باید بیست فلاپی دیسک (Floppy Disk) می خریدید تا یکی از آنها را به کار گیرید. اما اکنون آن

دوره را پشت سر گذاشته ایم. امروز ما در عصر نوین صنعت رایانه ای و اینترنت بسر می بریم. عصری شگفت انگیز حتی برای کسانی که سالهاست از رایانه استفاده می کنند.

واژه هایی مانند ترابایت (Terabyte)، فایبر اوپتیک (Fiber optics) و فلش درایو (Flash Drive) حال دیگر خواب و خیال نیستند. این واژه ها اکنون کلماتی ملموس اند و ما روزانه آنها را به کار می بریم. با این همه هنوز هم بعضی از برنامه های ما کهنه هستند. بنابراین به جای آنکه از صنعت جدید برنامه های رایانه ای استفاده کنیم، هنوز هم با برنامه ها و اپلیکیشن های کهنه سر و کار داریم. اگرچه ما ممکن است به برنامه‌هایی که سالها با آن کار کرده ایم، عادت کرده باشیم، اما باید بدانیم که استفاده از بعضی از این برنامه ها نه تنها برای رایانه ها، بلکه حتی برای امنیت شخصی مان نیز مضر است.

افزون برآن، این برنامه ها بسیاری از نو آوری هایی را که در زمینه رایانه و اینترنت صورت گرفته ندارند. و یا به شکل غیر منظم و غیر قابل استفاده درخود گنجانیده اند. دو تا از این برنامه ها «ام اس ان (MSN) و یاهو مسنجر (Yahoo Messeger) » هستند. شرکت هایی که این دو برنامه را عرضه می‌کنند تا به حال بارها آنها را تغییر داده اند. اما در واقع، این دو برنامه به مرور زمان نتوانسته اند با پیشرفت صنعت رایانه ای خود را تطبیق دهند.

بنابراین از کمبود های امنیتی و مشکلات کد (Code) گذاری که در این دو برنامه وجود دارد نمی توان چشم پوشید. این در حالی است که ما امروز از هر زمان بیشتر به مسنجر ها نیاز داریم. و نه تنها از آنها برای خبرگیری از دوستان بلکه برای فرستادن پیام های خیلی ها محرمانه نیز استفاده می کنیم. نباید فراموش کرد که تعداد زیادی از کسانی که از این برنامه ها استفاده می کنند در کشور هایی که سانسور خیلی شدید است زندگی می کنند.

چون این دو برنامه مدت زیادی است که در بازار وجود داشته و شرکت های سازنده آنها چندین برنامه مهم و مفید دیگر را هم عرضه می کنند، اغلب به استحکام ساختار های امنیتی آنها توجه جدی نمی شود. و این به این معناست که هکرها توانسته اند از راه های گوناگون به اطلاعات شخصی شما از طریق این دو برنامه دسترسی داشته باشند.

در حقیقت امروزه ما ده ها مسنجر جدید در بازار داریم که بر انواع قبلی برتری دارند. و از نظر امنیتی نیز خیلی ها پیشرفته تر اند. در زمان ماموضوع امنیت بسیار مهم است. بنابراین نباید با استفاده از این دو مسنجر، امنیت خود و دیگران را به خطر بیاندازیم. وقت آن رسیده که از این دو مسنجر بگذریم و از انواع دیگر که امن تر و مدرن تر هستند استفاده کنیم.

در هفته های آینده، دراین مورد گزارش های دقیق تری خواهیم داشت.

—

یادی از وانگاری ماتای: «من آن مرغ مگس خوارم.»

2011-09-28 · Archive ID 540
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=540

در این فیلم، وانگاری ماتای، برنده جایزه نوبل، داستان یک مرغ مگس خوار را تعریف می کند که بیشه ای را از نابودی نجات می دهد، در حالی که دیگر حیوانات کناری ایستاده اند و ابعاد بزرگ مشکل آنها را در جایشان میخکوب کرده است.
«باور من همیشه این بوده که، فرقی نمی کند که شب چقدر تار و تیره است، چون پایان آن همواره روشن است، و این حقیقت همان چیزی است که باید کانون توجه و تمرکز ما باشد.»
- پروفسور وانگاری ماتای

نوشتاری از عرصه سوم به یاد پروفسور وانگاری ماتای که به تازگی در اثر ابتلا به بیماری سرطان تخمدان درگذشت.

برای بسیاری از ما، او در چهارچوب یک قهرمان می گنجد، کسی که ابعاد مشکلات هرگز او را دلسرد نمی کرد. به قول یکی از همکاران عرصه سوم:

«تصور اینکه پروفسور وانگاری ماتای دیگر در میان ما نیست خیلی سخت است. در حالی که خیلی از جوانتر ها در مقابل مسائل و مشکلات شانه خالی می کنند، انگاری که وانگاری ماتای اصلاً 71 ساله نبود. با این همه، کسانی هستند که ما فقدانشان را حتی در خیال خود هم بر نمی تابیم. برای من، ماتای یکی از این آدمهاست.»

وانگاری ماتای مؤسس جنبش «کمربند سبز» بود. او در سال 1977، در واکنش به تخریب محیط زیست جنبش فوق را راه انداخت. حرکت ماتای با درختکاری آغاز شد. او، خود، در این باره نوشته است:

تجربیات و مشاهداتم من را به این باور رسانده است که تخریب فیزیکی زمین ما را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. اگر ما در یک محیط زیست بیمار زندگی کنیم – جایی که آب آلوده است، هوا پر از دوده و گازهای سمی است، خوراک ما آغشته به فلزهای سنگین و پسماندهای پلاستیکی است، یا خاک در عمل «غبار» است – این همه به ما آسیب می رساند و سلامتی ما را ذره ذره نابود می کند و مشکلات جسمی، روانی و روحی برای ما به بار می آورد. انحطاط محیط زیست در واقع، انحطاط خود ماست.
عکس این قضیه هم صادق است. روند یاری رساندن به زمین و درمان آن، یاری رساندن به خود ماست. اگر امروز می بینیم که کره زمین از نبود خاک حاصلخیز و تنوع زیستی در رنج است یا خشکسالی و بیابان زایی رمق سیاره مان را از او گرفته است، و اگر به دنبال این هستیم که آنچه را از دست رفته بازیابیم – مثلاً از طریق احیای جنگل ها – زمین هم، در مقابل، ما را در تلاش نجات بخشمان یاری خواهد کرد.
وقتی بتوانیم خوراک سالم تر و دستکاری نشده بخوریم، وقتی هوای پاک تنفس کنیم و آب زلال بنوشیم؛ وقتی خاک سبزیجات و غلات سالم را به فراوانی به ما ارزانی می دارد، طبیعتاً بیماری های ما و زندگی نا سالممان بهبود خواهند یافت. همان شیوه هایی که در درمان زمین کاربرد دارند برای بهبود ما نیز سودمند اند. ما می توانیم همانطور که خود را دوست می داریم زمین را نیز دوست داشته باشیم؛ می توانیم سپاسگزار انسان بودنمان باشیم و، در عین حال، برای نعمت های زمین نیز شکر گزار باشیم. می توانیم برای بهبود شرایط خود گام برداریم و، در همان حال، این بهبودی را برای زمین نیز بخواهیم. خدمتگذار نوع بشر باشیم، و برای زمین نیز داوطلبانه خدمت کنیم.

زمانی که از حقوق بشر، جامعه مدنی، آزادی، آزادگی، عدالت و مواردی مشابه سخن می گوییم، تصاویری که به همراه این مفاهیم در ذهنمان ظاهر می شوند چهره هایی از چند انسان هستند. همیشه به مهاتما گاندی، دکتر مارتین لوترکینگ و نلسون ماندلا می اندیشیم و در کنار آن تحولات ناشی از فعالیت چنان افرادی را سریع و «یک شبه» می انگاریم. به این ذهنیت عادت کرده ایم که تحولات را می توان به سرعت میسر ساخت و تنها ظرف چند سال به طور کامل درک و تجربه کرد. آنچه این میان فراموش می کنیم این حقیقت است که گاندی دهه ها کوشید که هندوستان را از زیر سلطه استعمار آزاد کند، که تلاش دکتر کینگ تجسم قرن ها محرومیت از حقوق شهروندی رنگین پوستان بود و ماندلا 27 سال در سلول زندانی در «جزیره روبن» در حبس به سر برد. تلاش این انسان ها و آنچه برای نیل به هدف مورد نظرشان انجام دادند به خوبی ثبت و ضبط شده است. اما دست آخر، آنچه که در ذهن ها ماندگار شد و آنچه باعث شد که این افراد را در دل عزیز بداریم و یادشان را ارج نهیم، نتیجه تلاشهایشان بوده است.

امروز نتایج کوشش های چنان افرادی برای ما کاملاً ملموس است: هند استقلال خود را یافت، در ایالات متحده آمریکا قانون حقوق مدنی جدیدی نگاشتند و اهالی آفریقای جنوبی از شر آپارتاید رها شدند.

کار پروفسور ماتای نیز ادامه دارد. از سال 1977 که او فعالیتش را آغاز کرد و جنبش «کمربند سبز» را بنیان گذاشت، که حرکتی برای کاشت میلیون ها اصله درخت در کشور کنیا بود. جنبش درختکاری «کمربند سبز» با هدف تأمین هیزم برای پخت و پز زنان روستایی، علوفه برای دامها و محیط زیستی سالمتر پیگیری شد و تا به امروز بیش از 47 میلیون اصله درخت در چهارچوب این جنبش کاشته شده و بسیاری دیگر نیز هر روزه کاشته می شوند.
کارهای ماتای، اما، به درختکاری در کنیا محدود نشد. او و جنبشی که راه اندازی کرد تمرکز خود را بر روی حقوق زنان، توانمند سازی شهروندان، آگاهی زیست محیطی، سواد آموزی، پایداری منابع طبیعی، برابری،

عدالت و شیوه درست حکومت قرار دادند. و مجموعه فعالیت ها ی او مرزهای میهن ماتای و اطرافیانش را در نوردید. وب سایت جنبش کمربند سبز تنها به برشمردن بخشی از کارهای اجرایی او، در دیگر نقاط جهان، اکتفا می کند:



در سال 2005، ده دولت آفریقای مرکزی وانگاری ماتای را به عنوان سفیر حسن نیت در امر جنگل حوزه رود کنگو منصوب کردند، او درهمان سال سمت ریاست شورای اتحادیه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آفریقا (ECOSOCC) را نیز پذیرفت.
درسال 2006 پروفسور ماتای مبتکر تأسیس گروه زنان نوبل شد و برای طرفداری و بسط عدالت، برابری و صلح در جهان این گروه را، به همراه پنج زن دیگر برنده جایزه صلح نوبل، بنیان گذاشت.
در سال 2006 پروفسور ماتای به برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) ملحق شد و برنامه ای برای کاشت یک میلیارد اصله درخت در سراسر جهان را پایه گذاری کرد. هدف این برنامه، ظرف کمتر از یک سال محقق شد؛ و هم اکنون تعداد درخت های کاشته شده به رقم 14 میلیارد اصله رسیده است.
در سال 2007 پروفسور ماتای (به همراه پال مارتین، نخست وزیر پیشین کانادا) به سمت مدیریت مشترک صندوق جنگل حوزه رود کنگو، طرحی پیشنهادی از دولت های بریتانیا و نروژ، برگزیده شد. در سال 2009 او توسط بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل، به عنوان سفیر صلح این سازمان معرفی شد.
در سال 2010، پروفسور ماتای به عضویت هیئت امنای «شرکت تحصیلات زیست محیطی جنگل کارورا» درآمد. وی همان سال، با همکاری دانشگاه نایروبی، مؤسسه مطالعات صلح و محیط زیست وانگاری ماتای (WMI) را تأسیس کرد. این مؤسسه پژوهش های دانشگاهی – برای نمونه در زمینه استفاده از اراضی، جنگلداری، کشاورزی، چالش های مربوط به منابع طبیعی و مطالعات صلح – و رویکرد جنبش «کمربند سبز» و اعضای آن را در یک نقطه گرد می آورد.

باید توجه داشت که فهرست دستاوردهای وانگاری ماتای بسیار طولانی تر از این چند مورد است و دامنه تأثیر کارهایش مسحور کننده. به تمامی موارد فوق این حقیقت را نیز اضافه کنید که او به عنوان یک «زن» فعالیت کرد – زنی از یک کشور فقر زده، جایی که فشار مرد سالاری می توانست هر زن دیگری را از پافشاری بر حقوق خود و یاری رساندن به جهانیان باز دارد. شاید از همین روست که وانگاری ماتای در میان همه فعالان مدنی و حقوق بشر جایگاه ویژه خود را دارد.

امروز، شاید پروفسور ماتای ما را ترک کرده باشد، اما آرمان های او، راه حل های او برای مشکلاتی که پیش روی ما قرار دارد و، نیز، حجم کارهایش – که باعث غنی تر شدن زندگی همه ما در سراسر جهان شده – همه و همه برای ما به یادگار مانده است؛ و اکنون نوبت ماست که راه او را ادامه دهیم.
«ما نمی توانیم خسته شویم یا اینکه کوتاه بیاییم. وظیفه ما در قبال نسل های کنونی و آینده بشر و نیز انواع دیگر موجودات این است که برخیزیم و به راه افتیم!»
– پروفسور ماتای

—

فعالین مدنی زن در معرض موج جدیدی از خشونت و محکومیت

2011-09-29 · Archive ID 542
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=542

صد و سه نویسنده از سراسر جهان در هفتاد و هفتمین گنگره انجمن جهانی « قلم » دربلگراد با انتشار بیانیه ای خواهان آزادی فرانک فرید نویسنده و کنشگر اجتماعی زندانی در ایران شدند . فرانک فرید به دلیل فعالیت‌های مردمی و هم شرکت در تظاهرات اعتراضی مردم آذربایجان علیه خشک شدن دریاچه ارومیه در سوم سپتامبر جاری در تبریز بازداشت شد . او هم چنین یکی از اعضای کمپین : « یک ملیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز » درآذربایجان است . فرانک فرید پس از بازداشت مورد ضرب و شتم شدیدماموران قرارگرفته است .

اقدامات ،تلاش مدنی و صلح آمیز کنشگران اجتماعی برای دفاع از حقوق بشر، حقوق کودکان، زنان و یا فعالیت برای جلوگیری از نابودی محیط زیست و دهها خواسته برحق دیگر، همه و همه نشانه احساس وظیفه، مسئولیت و امید به پیشرفت و گسترش عدالت اجتماعی فعالان مدنی در ایران است . اما متأسفانه این فعالیت‌های بشر دوستانه در تفاسیر قضات و حقوق دانان دادگاه های اسلامی تنها اقدام علیه « امنیت ملی » و « فعالیت

براندازانه » نامیده می شود، تا بر مبنای آن بتوانند این شهروندان آگاه و انسان دوست را به حبس های طولانی محکوم کنند .

اتهام، احضار،تشکیل دادگاه، صدور و اجرای احکام سنگین و ناعادلانه برای افرادی که جرمشان تنها احساس مسئولیت در قبال جامعه است . کسانی که اگر در کشورهای دموکراتیک و پیشرفته زندگی می‌کردند همواره مورد تقدیر و تشویق قرار می گرفتند . اجرای حکم شلاق برای سمیه توحید لو از فعالان انتخاباتی ستاد میرحسین موسوی در حالی که دست و پای او در زنجیر بود، دستگیری فرشته شیرازی از اعضای فعال کمپین یک میلیون امضا و محکومیت مهرنوش اعتمادی و هایده تابش از فعالان این کمپین در اصفهان به نه ماه حبس تعلیقی مثال‌های دیگری ازگسترش خشونت و سرکوب فعالین مدنی زن هستند .

فعالان اجتماعی زن اغلب به دلیل همکاری با سازمان های زنان، حقوق بشر، محیط زیست و یا فعالیت های بشردوستانه دیگر در معرض اتهام و دستگیری هستند . به این ترتیب نرگس محمدی نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر و رئیس هیت اجرایی شورای ملی صلح به یازده سال حبس تعزیری محکوم می شود . نرگس محمدی متهم به تشکیل شورای ملی صلح و تاسیس کمیته انتخابات سالم و هم چنین تشکیل کمپین علیه اعدام کودکان است . او پس از دریافت حکم محکومیت خود در مصاحبه‌ای با کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران می‌گوید که در همه جای جهان فعالیت برای حقوق بشر یک ارزش پذیرفته شده است . اما متأسفانه اکنون فعالیت‌های حقوق بشری من به ناحق « اقدام براندازانه » تلقی می شود .

نرگس محمدی از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام اجتماع و اقدام علیه امنیت ملی به ۵ سال، به اتهام عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر به ۵ سال و به اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال و در مجموع به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم است،

بخشی از مصاحبه این فعال حقوق بشر را که در سایت « کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران » منتشر شده در اینجا می خوانید :

« ایرادی که وکلای من در جلسات دادگاهم گرفتند این بود که اساسا این سه اتهام یکی بیشتر نیست . وقتی فردی عضو کانون یا انجمنی است طبیعتا فعالیت های انجام می دهد مثلا من جلسات و نشست های برگزار می کردم و یا به مدت دو سال سخنگوی کانون بودم که طبعا باید اخبار کانون را منتشر می کردم . دادگاه در واقع با یک اتهام عضویت کانون مدافعان حقوق بشر دو اتهام دیگر که زیر مجموع اتهام اولی است به من وارد کرده است و ۶ سال حبس اضافی صادر شده است که اینها ایرادات قانونی است .»
نرگس محمدی با اظهار تاسف از اینکه عضویتش در کانون مدافعان حقوق بشر جرم تلقی شده است، گفت :« کانون مدافعان نهادی مدنی بود که از سال ۷۹ با کسب مجوز از سوی وزارت کشور تاسیس شد . بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی احزاب،جمعیت ها و نهادها فعالیت هایشان آزاد است از سوی دیگر ایران اعلامیه جهانی حقوق بشر را پذیرفته است و بر اساس ماده ۹ قانونی مدنی پایبندی به میثاق های جهانی در حکم اجرای قوانین داخلی است . بنابراین بر اساس قوانین داخلی و تعهدات بین المللی کانون مدافعان کاملا قانونی بود، سازمان غیر دولتی بود که فعالیت های حقوق بشری داشت اما در حکم من، این نوع فعالیت براندازانه تلقی شده است و جای شگفتی و تاسف دارد که فعالیت های حقوق بشری اقدامات براندازنه برای یک نظام تلقی شود . تاسف آور است که چنین رای های از سوی دادگاه های ما صادر می شود .»

خانم محمدی در خصوص روند برخورد دستگاه قضایی با فعالیت های خودش گفت :« از دی ماه ۷۸ که دفتر کانون به طور غیر قانونی و بدون دستور قضایی بسته شد فشارها بر روی اعضای کانون افزایش پیدا کرده است . خود من اردیبهشت ماه همان سال که عازم گواتمالا بودم ممنوع الخروج شدم و به من گفته شد فعالیت های حقوق بشری را کنار بگذارم وگرنه با محرومیت های بیشتری مواجه می شوم چند ماه بعد در آبان ماه ۸۸ از کار اخراج شدم که دلیلش مشخص بود و حتی در حین اخراج به من گفته شد که چنانچه فعالیت های حقوق بشری را ادامه بدهم با محرومیت های بیشتری روبه رو می شوم . بعد از آن به شعبه ۴ بازپرسی احضار شدم، ۵ جلسه دفاع کردم و با قرار کفالت آزاد شدم اما ۲۰ روز بعد به طور کاملا غیرقانونی و بدون دستور قضایی بازداشت شدم . بعد از آزادی دو جلسه دادگاه دادشتم حالا رای صادر شده در ادامه این فشارهای که وارد شده دور از انصاف است . به جای اینکه به فعالیت های حقوق بشری در جامعه ما ارزش گذاشته شود با فعالانش

اینگونه برخورد می شود . من نگرانم که با جدی تر شدن مسئله حقوق بشر در جهان، فعالان حقوق بشر در ایران بیشتر از این تحت تعقیب و فشار قرار بگیرند .

او با اشاره به اینکه حتما از فرصت قانونی برای درخواست تجدید نظر استفاده می کند، گفت :« اما اینکه چه تصمیمی بگیرند را نمی دانم . همین رای دادگاه بدوی هم دور از انتظار بود و تصور نمی کردم که برای فعال حقوق بشر چنین حکمی صادر شود .»

سخنگوی اسبق کانون مدافعان حقوق بشر در اعتراض به نحوه ارائه حکم از سوی شعبه دادگاه نیزگفت :« بر اساس مقررات ایران باید یک نسخه از رای صادر شده برای وکیل یا متهم فرستاده شود اما مدت ها ست که به وکلای متهمان می گویند که به شعبه بروند و از روی اصل حکم رونویسی کنند، دیروز وکلای من مجبور شدند رای ۲۳ صفحه ای را رونویسی کنند .»

نرگس محمدی، در دوران بازداشتش در سال ۸۹ دچار بیماری جسمی شد که تا مدت ها تحت درمان بود . او همچنین پس از یورش شبانه ماموران امنیتی به منزلش در تاریخ ۲۰ بهمن ۸۹ که طی آن همسرش نیز بازداشت شد نامه ای به دادستان تهران نوشت و خواستار پیگیری قضایی برای ورود غیر قانونی و شکست قفل در ورودی و رفتار ناشایست ماموران امنیتی با خود و خانواده اش شد که هیچگاه جوابی از سوی دستگاه قضایی نگرفت .»

سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای در اعتراض به محکومیت نرگس محمدی و بی‌اساس خواندن این حکم اعلام کرد که صدور این حکم سنگین در راستای هدف درهم شکستن سازمانهای حقوق بشر در ایران است .

بر طبق خبر سازمان گزارشگران بدون مرز موج تازه ای از بازداشت روزنامه نگاران و نویسندگان طی هفته گذشته در ایران آغاز شده است . این سازمان از تحت فشار گذاشتن بازداشت شدگان برای همکاری با ماموران امنیتی ابراز انزجار کرده است .

—

سال 2011 سال قدردانی از خدمات رایگان در اروپا

2011-10-03 · Archive ID 548
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=548

پارلمان اروپا سال 2011 را سال « کارداوطلبانه » نامیده است . از اهداف مهم این نام گذاری می‌توان به آموزش و تشویق شهروندان به ارائه خدمات رایگان، هم قدردانی از مردم و ارج نهاندن به فعالیت‌های آنان برای جامعه اشاره کرد . بیش از صد میلیون نفر از مردم اروپا در زمینه کار داوطلبانه درکشوری که درآن زندگی می‌کنند و هم در سایر نقاط جهان فعالیت دارند . یک تحقیق در سال 2006 نشان می‌دهد که از هر اروپایی سه نفر به گونه‌ای در محله، شهر و کشورخود در پروژه های مختلف اجتماعی برای بهبود وضعیت شهروندان،محیط زیست و غیره فعالیت دارند . هشتاد درصد از آنان هم معتقدند که ارائه خدمات رایگان و مسئولیت پذیری شهروندان در قبال جامعه یکی از ویژگی‌های مهم جوامع دموکراتیک دراروپا و دنیای غرب است . یکی از نمونه‌های مشهور در حوزه فعالیت‌های مردمی کشور هلند است .

هلند : گل سر سبد

هلند کشوری پیشرفته، دموکراتیک و مرفه با جمعیت شانزده میلیونی و سرآمد کشورهای شمال اروپا در زمینه مشارکت رایگان مردم در جامعه است . درهلند هزاران بنیاد،جمعیت و سازمان کوچک و بزرگ با مشارکت مردم به وجود آمده که با بودجه مستقل و یا با حمایت مالی دولتی عمل می کنند . یکی از سیاست‌های همیشگی دولت ها در هلند تشویق مردم به حضور در جامعه برای کمک رسانی و شرکت درتصمیم گیرهای محلی و منطقه ای است . به این ترتیب همه افراد و گروه‌های اجتماعی و سیاسی می‌توانند آزادانه فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی خود را سازمان داده و در اوقات فراغت به کار داوطلبانه مورد علاقه شان بپردازند .

در مجموع دراین کشور 5/5 میلیون نفر در سال در این زمینه خدمات مردمی فعالیت مستمر دارند . چهل و یک درصد از زنان و 43 درصد از مردان این کشور به نوعی بخشی از وقت خود را برای کمک به شهروندان اختصاص داده اند . برای مثال یک میلیون نفر از مردان هلندی به کار داوطلبانه در بخش ورزش مشغول اند . ویا 650 هزار نفر از زنان در ارائه خدمات درمانی رایگان فعال و 700 هزار نفر از مادران در مدارس کودکان خود داوطلبانه کار می کنند . زنان داوطلب به طور متوسط 3/7 ساعت از وقت خود را در هفته به این امر اختصاص می دهند . در هلند درمجموع یک میلیارد ساعت کار داوطلبانه در سال انجام می شود و میانگین سنی افراد داوطلب بین 35 تا 44 سال است .

کاردواطلبانه در هلند درمیان همه اقشار مردم گسترش یافته و یکی از شاخص های مهم دربررسی میزان منزلت و ارزش اجتماعی شهروندان، اتحاد و احساس مسئولیت فردی و جمعی به شمار می آید .

داوطلبان خدمات اجتماعی در هلند در زمینه‌های گوناگون از قبیل کار در خانه های سالمندان، کمپ های پناهندگی، مراکز فرهنگی،درمانی و آموزشی به فعالیت مشغول اند . کمک رسانی در هنگام بلایای طبیعی و شرکت در کمپین های گوناگون برای دفاع از حقوق اقلیت های جنسی ، مذهبی و قومی یکی از سنت‌های دیرپا در میان شهروندان این کشور است . کمک های فردی و یا جمعی علاوه بر تأثیر مستقیم و حل مشکلات پیامد های مؤثر و مفید دیگری هم برای جامعه دارند . یکی از پیامد های مهم کارداوطلبانه در هلند گسترش وسیع شبکه‌های اجتماعی، اتحاد و اعتماد میان شهروندان، شکل‌گیری دیدگاه عمومی برای حل مشکلات و به مفهوم دیگر شکوفایی و غنی تر شدن « سرمایه اجتماعی » است .

—

کار داوطلبانه و سازندگی مدنی

2011-10-03 · Archive ID 545
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=545

عرصه سوم- بارها شنیده‌ایم که یک دست صدا ندارد و یا با یک گل بهار نمی شود . می‌دانیم که همکاری و کار گروهی یکی از پیش شرط های مهم برای اجرای هر فعالیت جمعی است . پیشرفت اجتماعی تنها با شناخت دقیق مشکلات و مصائب مردم، اتخاذ سیاست‌های مناسب از طرف دولت مردان، همدلی و اتحاد میان مسئولان و مسئولیت پذیری مجریان، فداکاری و درستکاری امکان‌پذیر است .

از سوی دیگر برپا کردن شبکه‌ها و سازمانهای مردم نهاد نیز تنها با کار بی‌وقفه و بدون چشم داشت مادی برای شهروندان هر جامعه امکان‌پذیر است . افراد علاقه‌مند به پیشرفت و بهبود وضعیت جامعه بازیگران اصلی درساختن شبکه های مدنی کوچک و بزرگ هستند . آنها با صرف وقت و انرژی خلاقیت و ایده‌های خود را در عمل به کار می‌گیرند . از مشکلات و نابسامانی ها نمی هراسند . با موانع و کارشکنی ها روبرو می شوند . سختی‌ها را تحمل می‌کنند و می‌دانند که به قول معروف کار نیکو کردن از پر کردن است .

بنیاد های محلی و سازمان هایی با اهداف خاص مثلاً در زمینه ریشه‌کن کردن بیسوادی، مواظبت از سالمندان،حفظ محیط زیست و غیره در کنار جنبش های اجتماعی مانند جنبش زنان، یا احیای حقوق بشر و دموکراسی بخشی از جامعه مدنی را تشکیل می دهند . این نهاد های مردمی فاصله و فضای میان جامعه، دولت و حوزه اقتصادی را پر می کنند .

شرط مهم و ابتدایی در ایجاد شبکه و بنیادهای مردم نهاد فعالیت خلاقانه، کار حرفه ای ،مستمر و داوطلبانه است . به این معنی تمام اقدامات خودجوش و آگاهانه شهروندان در پیشبرد جامعه و یا همیاری در هنگام وقوع حوادث، جنگ و فجایع طبیعی را هم می‌توان « کار داوطلبانه » نامید . از زمان انقلاب صنعتی مفهوم « کار » با پرداخت « مزد » بیش از پیش عجین شده و « کار بدون مزد » در حاشیه قرار گرفته و یا بخشا حذف شده است . و کار بدون سود، خارج از بازار رسمی اشتغال و تمام انواع غیررسمی فعالیت‌ها در جهت پیشبرد پروژه ای اجتماعی در حوزه فعالیت‌های مردمی قرار دارند . وابستگی جوامع به کار داوطلبانه چه در زمان وقوع حوادث ناگوار و غیر از آن همواره وجود داشته و جامعه همیشه به آن نیازمند است.

در پایان قرن بیستم با گسترش آموزش، خدمات عمومی و هم اوج گیری جنبش های مدنی توجه و ارج نهادن به همیاری و همکاری رایگان مردم بیش از پیش اهمیت یافت . امروزه می‌توان به نقش مؤثر و وسیع خود مردم مثلاً در جوامع غربی در گسترش شبکه های کمک رسانی و ارائه خدمات خوب و ارزان به شهروندان اشاره کرد .

همیاری و همکاری بدون چشم داشت مادی، احساس ستایش و تقدیر مردم را برمی انگیزد . افرادی که وقت و انرژی خود را برای تحقق یک پروژه اجتماعی به کار می گیرند . به اراده فردی،به اراده جمعی و هم امکان پیشرفت، فرهنگ سازی و دگرگونی ایمان دارند . درجوامعی که مردم به آزادی فردی، عدالت اجتماعی و رفاه نسبی دست یافته و آزادی بیان و گردهمایی به رسمیت شناخته شده، به طبع درجه رضایت اجتماعی بالا است . دراین شرایط توجه مردم به کمک رسانی و احساس مسئولیت اجتماعی افزایش می یابد . شهروندان در اجرای یک پروژه خدماتی در ارتباطی رودررو با یکدیگر قرار می گیرند . با مشکلات یکدیگر آشنا می‌شوند و از یکدیگر می آموزند و با همکاری با یکدیگر راه حل مناسب ارائه می دهند . فرهنگ سازی در زمینه انتقال آگاهی و تجربیات ، کمک رسانی و ارتقا مسئولیت فردی و جمعی یکی از وظایف اصلی کنشگران مدنی است .

کنشگران اجتماعی برای ارائه خدمات گوناگون به گروه‌های آسیب‌پذیر و یا دوام همکاری و کار گروهی در یک جنبش اجتماعی مانند حقوق بشر و یا حمایت از محیط زیست به شبکه ای از داوطلبان کارآزموده نیاز دارند . شناخت هر چه بیشتر از چگونگی جذب مردم به کار داوطلبانه و به کار گیری تجربیات کشورهای دیگر دراین زمینه می‌تواند برای سازمانهای مردم نهاد درایران راه گشا باشد.

برای آموزش بیشتر در این زمینه عرصه سوم به انتشار یک سری از مقالات آموزشی در زمینه اهمیت "کار داوطلبانه" در ساختن جامعه مدنی در ایران اقدام خواهد کرد .

—

کنشگر جامعه مدنی چه کسی است؟

2011-10-05 · Archive ID 551
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=551

عرصه سوم-هومن عسکری: اگر در حال بازدید از این وب سایت و خواندن نوشته حاضر هستید، به احتمال قوی یا در زمره کنشگران و فعالان حوزه جامعه مدنی به شمار می آیید و یا اینکه درنظردارید به آنها بپیوندید. اما چه درزمینه جامعه مدنی تجربه عملی داشته ویا نداشته باشید، خواندن این متن شما را با اطلاعات اولیه در زمینه جامعه مدنی و کنشگری آشنا خواهد ساخت. با این هدف که تعاریف عملی را در اختیار شما بگذارد. پس اگر خود را درمیان میلیونها انسانی می‌بینید که در سراسر جهان مصمم هستند که در جامعه خود تاثیرگذار باشند، لطفا قلم و کاغذ خود را آماده کنید.

پیش از کاوش در معنای «کنشگری جامعه مدنی»، نخست ببینیم تعریفمان از «جامعه مدنی» چیست



کنشگر جامعه مدنی چه کسی است؟

جامعه مدنی

به نوشته جفری سیالکساندر یکی از اندیشمندانی که به ما دردرک بهتر مفهوم کمابیش نظری جامعه مدنی کمک کرد، تلقی نوین از جامعه مدنی، با بار معنایی مثبت، در قرن هجدهم میلادی شکل گرفت.امانوئل کانت، فیلسوف سرشناس، نیز چنین جامعه ای را «جامعه شهرنشینان» توصیف کرد. بعدها هم بسیاری نظراتی پیچیده

را، به مرور زمان، به تعاریف پرشمار موجود از جامعه مدنی افزودند و بر مبنای یکی از جدیدترین تعاریف، جامعه مدنی «نوعی پیکره بندی اجتماعی است که در آن جامعه متمایز از دولت عمل می کند، مستقل از آن رشد می کند و در سطوح فردی و جمعی، به شکلی مستمر، آگاهیش نسبت به این استقلال افزایش می یابد.» این همه را می توان به شکل زیر ساده کرد:

«جامعه ای فعال که در آن شهروندان اختیار امور مربوط به اجتماع، محله، حقوق خود و مسائلی ازین قبیل را به شیوه ای «مدنی» در دستان خود می گیرند. این فعالیت ها ممکن است شامل راه اندازی تشکل، باشگاه، سازمان، ایجاد شبکه و اطلاع رسانی درباره مسائل مورد نظر باشند».

در طول سالیان اخیر نیز، مفهوم جامعه مدنی در رابطه با «دموکراتیزه کردن» جوامع بر سر زبانها افتاده است. دراین گونه تفکر، میان کنشگری جامعه مدنی و روند حرکت جوامع به سوی دموکراسی، رابطه ای قوی وجود دارد. با این همه این نکته را نیز باید خاطرنشان ساخت که بررسی های موردی اخیر (به ویژه در جهان عرب) نشان داده اند که نهادینه شدن دموکراسی صرفاً با کنشگری جامعه مدنی انجام پذیر نیست. در این میان دو عامل اصلی که در کنار کنشگری جامعه مدنی نقشی اساسی در روند فوق دارند عبارتند از عوامل «قانونگذاری» و «اجرایی». این دسته عوامل در جوامع بسته ترو دارای مکانیسم های نظارتی و قیمومیتی ایستای دولتی، به طور معمول موانعی محدودیت زا و یا، در بهترین حالت، کاهنده سرعت روند دموکراتیزه شدن جوامع هستند. بدین ترتیب، نخستین درسی که به عنوان یک کنشگر باید فرا گرفت آن است که انتظار نداشته باشید کوشش هایتان، هر چند مهم و تأثیرگذار، یک شبه نتیجه دهند. در این راه صبور بودن را هم باید آموخت.

وظایف کنشگران

اما با این مقدمه گذرا درباره «جامعه مدنی»، اکنون به سراغ مبحث اصلی این نوشتار می‌رویم تا ببینیم به چه کسی می توان لفظ «کنشگر جامعه مدنی» را اطلاق کرد. درفهرست عملی زیر دستورالعمل «آماده کردن» یک کنشگر حوزه جامعه مدنی را ملاحظه می کنید:

1) اطلاعات لازم را جمع کنید: کنشگری بدون داشتن حداقل اطلاعات درباره جوانب وابعاد مختلف اهدافتان،معنا ومفهوم چندانی نخواهد داشت. اخبارمحل زندگیتان را دنبال کنید، تلاش کنید با تاریخچه جنبشی که در آن زمینه فعالیت می کنید آشنایی پیدا کنید. با مردم مختلف صحبت کنید و به حرفهایشان گوش کنید، ببینید آیا کسی پیش از شما در این مورد کاری انجام داده است.

2) دیگران را بیابید: به محض اینکه گام نخست را برداشتید، تلاش کنید اشخاصی که در گذشته اقداماتی مشابه انجام داده‌اند را بیابید. برای نمونه، به یک مثال در زمینه محیط زیست توجه کنید: فرض کنید هدف شما جمع آوری زباله از کنار رودخانه ای خاص است. تلاش کنید افرادی با دغدغه های مشترک را از طریق رسانه های اجتماعی، درمحله تان، یا از طریق جستجوی آنها به طرق دیگر بیابید. گاهی پیدا کردن یک حلقه ارتباطی شما را به یک شبکه کامل دیگر متصل می کند. همین امر می تواند انگیزه ای فراتر برای شما باشد تا درمراحل اولیه، وظایف خود را به دقت و به صورت کامل انجام دهید.

3)شبکه اجتماعی خود را گسترش دهید: معمولاً فکر می کنیم که کنشگری را می توان با یک نفر شروع کرد و ادامه داد؛ با این وجود می بایست یادآور شویم که کنشگران جامعه مدنی در فعالیت های خود نیازمند شور و مشورت با دیگران هستند؛ این فعالان فرض می کنند که به محض مساعد بودن اوضاع اقدام به گسترش شبکه خود خواهند کرد. هرچه دامنه فعالیت شبکه اولیه افزایش یابد ، کنشگری شما از دید اجتماعی مدنی تر خواهد بود.

4) اطلاع رسانی کنید: به عنوان یک کنشگر جامعه مدنی، این امر باید هدف اصلی شما تلقی شود. شیوه های انجام این کار هم در مکان های مختلف و زمان های گوناگون متفاوت است، اما در واقع این تشخیص برعهده شما است که راههایی را برگزینید که عموم افراد جامعه تان آن را رفتاری «مدنی» بدانند و، به قول نیل ال وایتهد، از صاحب نظران این عرصه، قدرت انتخاب کسی را تنزل ندهد یا به آزادیش خللی وارد نکند.

5) اقدامات را به شکل «جمعی» انجام دهید: جامعه مدنی حول محور موضوعاتی مانند فعالیت های داوطلبانه و مشارکت مردمی در مقابل اجبار و محرومیت شکل گرفته است. مخاطبان کنشگر مدنی باید کسانی باشند که به اصول اولیه جامعه مدنی احترام می گذارند. او با همکاری آنها فعالیت هایش رابه پیش می برد.

6)به پخش پیامها اقدام کنید: کنشگران با تجربه راه نشر پیام خود به همتایان و رساندنش به مجاری تخصصی رسانه ای را پیدا می کنند. خبر خوب برای کنشگران مدنی آن است که به رغم تمامی دغدغه های موجود، این مسئله هرگز به اندازه امروز آسان نبوده است. جنبش های جدید مانند «بهار عربی» و «جنبش سبز» در ایران مثالهای بسیار خوبی از کنشگری امروزی و خبررسانی شهروندان از خیابان های قاهره، دمشق و تهران هستند که با کمک آنها تقریباً همزمان با وقوع حوادث خبرها بلافاصله در سراسر جهان پخش شدند.

7) استقلال تان را حفظ کنید : یک کنشگر جامعه مدنی به استقلال فکری و عملی معتقد است. انجمن ها و شبکه‌های مردمی باید مستقل از منابع قدرت، قیمومیت دولتی و خصوصی عمل کنند.

8) منابع مالی را تأمین کنید: فعالیت مدنی هزینه دارد. شاید این نکته خیلی ساده، اما جنجالی، مهم ترین بخش از فهرست دستورالعمل حاضر باشد، از آنجایی که بحث و جدل درباره مکانیسم ها و تأثیرات نهایی تأمین منابع مالی و پشتیبانی از کنشگران هم چنان ادامه دارد. به خاطر داشته باشید که هر کس یا هرچه منبع مالی شما به حساب آید، باید حائز دو شرط زیر باشد:

الف) واضح است که باید، همانطور که پیشتر ذکر شد، با اصل مدنیت هماهنگی داشته باشد. ب) تأمین منابع مالی کنشگران نباید به هیچ وجه دربرگیرنده هرگونه تعهدی برای آنها یا برنامه شان باشد. استقلال یک کنشگر قابل مصالحه نیست.

—

دهم اکتبر روز جهانی مبارزه با اعدام

2011-10-10 · Archive ID 558
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=558

دهم اکتبر روز جهانی علیه مجازات اعدام است. روزی که سازمان «همبستگی جهانی علیه مجازات اعدام» و سازمان عفو بین الملل در سال 2002 برای مبارزه جهانی با مجازات مرگ اعلام کرده اند. تا کنون صد و سی کشور این نوع مجازات را لغو کرده‌اند. اما با این همه هنوز در پنجاه و هشت کشور جهان مجازات اعدام قانونی بوده و اجرا می شود. سالانه هزاران نفر درجهان به خاطر دلایلی مانند سرکوب مخالفان سیاسی، اقلیت‌های قومی،دینی و یا جنایت، بزهکاری، تجاوز و اعمال خلاف قانون به مجازات مرگ محکوم می شوند. کشورهای ایران، چین، عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا، پاکستان و کره شمالی از نظر تعداد اعدامها در صدر جدول جهانی قرار دارند.

دربسیاری از ممالک دنیا افراد متهم با تهدید و شکنجه وادار به اعتراف شده و یا حکم اعدام در دادرسی های ناعادلانه و خلاف موازین حقوق بشر صادر می‌شود. اجرای مجازات مرگ به معنای عدم پای بندی به موازین حقوق بشری و هم اعلامیه جهانی حقوق بشر است. و به این معنا ناقض اصول سوم و پنجم این اعلامیه یعنی نقض حق حیات و هم رفتار خشونت آمیز و ظالمانه با افراد است.

در طول سی سال گذشته درصد مجازات اعدام در ایران به شدت افزایش یافته و بیشترین آمار اعدام نوجوانان و جوانان در جهان متعلق به کشورما است. به جوخه مرگ سپردن صدها نفر از اعضا و هواداران سازمان های سیاسی تنها به جرم دگر اندیشی و مبارزه سیاسی در مدتی کوتاه پس از انقلاب ضد استبدادی بهمن و یا اعدام بیش از پنج هزار نفر از زندانیان سیاسی در سال 1367 و هم چنین اعدام صدها نفر از متهمان به قاچاق مواد مخدر از جمله موارد نقض شدید حقوق بشر در ایران است.

کمپین بین‌المللی علیه مجازات اعدام در ایران

«کمپین بین المللی لغو مجازات مرگ در ایران» با هدف دفاع از حق زندگی و مخالفت با کلیه اشکال نقض آن، و برای دفاع از شأن و منزلت انسانی در سال 1389 به راه افتاده است. و خود را ملزم به دفاع از حق حیات انسان، فارغ از نوع رفتار و اتهام او دانسته و بر حفظ آن تاکید می ورزد. اعدام یک اقدام غیر انسانی و بازگشت ناپذیر است و حق زنده بودن را برای همیشه از فرد سلب خواهد کرد.

در بیانیه کارزار جهانی ایرانیان علیه مجازات مرگ آمده است:

«کمپین بین المللی لغو مجازات مرگ در ایران»، با تاکید بر این که دفاع از حق حیات و مخالفت با کلیه اشکال نقض آن، در جامع ترین رویکرد خود و بنا بر ارزشی جهان شمول و غیرقابل سلب صورت می پذیرد؛ شأن و منزلت انسانی را کانونی ترین فضیلت در پاسداشت حقوق بشر می داند و از آنجا که کرامت انسانی و مهم تر از آن کرامت جامعه بشری با حق بنیادین حیات وی در ارتباط تنگاتنگ است، خود را ملزم به دفاع از حق حیات انسان، فارغ از افعال و عقاید وی دانسته و بر حفظ آن تاکید می ورزد. اعدام یک اقدام بازگشت ناپذیر بوده و حق زنده بودن انسانی را برای همیشه سلب خواهد کرد.

«کمپین بین المللی لغو مجازات مرگ در ایران»، تلاش خواهد کرد تا با بهره گرفتن از ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی و با تاکید بر شیوه‌های صلح آمیز و مدنی و بر اساس اصول بنیادین حقوق بشر، جامعه مدنی و افکار عمومی ایران و جهان را نسبت به سرنوشت محکومین به اعدام، آگاه نموده و در نشر و نقل خبر، با اتکا به امنیت، صحت، دقت و سرعت اطلاع رسانی، در راستای حساس سازی و بر علیه مجازات اعدام فعالیت کند.

«کمپین بین المللی لغو مجازات مرگ در ایران»، از جامعه جهانی و حامیان حقوق بشر درخواست می‌کند که در مقابل اعدام‌های گسترده به اشکال مختلف اعم از اعدام های سیاسی، اعدام های تحت عنوان قاچاق مواد مخدر، اعدام نوجوانان و مجازات های غیرانسانی همچون سنگسار، سکوت نکنند."

به گزارش سازمان عفو بین الملل ایران پس از چین بالاترین میزان اعدام را درسال 2010 داشته و مخالفان سیاسی، قاچاقچیان مواد مخدر و متهمان به تجاوز به عنف سه گروه اصلی از افرادی هستند که همواره در ایران در معرض مجازات اعدام قرار دارند. به گزارش عفو بین الملل در سال گذشته به طور متوسط بیست نفر در هفته اعدام شده اند.

اجرای مجازات مرگ در ملاء عام یکی دیگر از سیاست‌های غیرانسانی و خشن جمهوری اسلامی است. درتابستان گذشته سازمان عفو بین الملل در ارتباط با انتشار تصاویر ویدیویی اجرای اعدام سه نفر به جرم تجاوز به عنف درمرکز شهر کرمانشاه بیانیه ای صادر و این عمل را محکوم کرد. سازمان عفو بین الملل اعدام در ملاء عام را نشانه برخورد بیرحمانه و غیر مسئولانه مقامات قضایی در ایران دانست. اجرای حکم اعدام در حضور صدها نفر از شهروندان و حتی کودکان عملی غیراخلاقی است که تنها به ترویج خشونت، بیرحمی و عادی شدن تماشای صحنه مرگ متهمان منجر می شود و نه سبب پیشگیری از جرم و جنایت و رعایت نظم و قانون بیشتر توسط شهروندان!

در هفته‌های گذشته صدورحکم اعدام به جرم ارتداد برای یوسف ندرخانی سی و دوساله یک ایرانی مسیحی، اعتراضات وسیعی را در سطح جهان به همراه داشت. دادگستری استان گیلان این حکم را به اتهام تغییر دین و تبلیغ آیین مسیحیت صادر کرده بود. اگر چه در آستانه روز جهانی مبارزه با اعدام و به دلیل اعتراض و تلاش سازمانهای بین‌المللی این حکم موقتاً به شرط توبه و مسلمان شدن دوباره یوسف ندرخانی لغو شده است. اما هنوز هیچ تضمینی برای لغو قطعی آن وجود ندارد.

اعدام ناگهانی عزیز خاکزاد زندانی سیاسی کرد در دوازدهم مهرماه امسال در حالی که حکم وی به پنج سال زندان و تبعید به زندان کرمان کاهش یافته بود، یکی دیگر از موارد نقض حقوق بشر در هفته‌های اخیر است. او بیست و نه ساله و اهل سلماس بود و به اتهام محاربه محکوم شده بود. هم چنین امکان محکوم شدن بیست نفر دیگر از زندانیان سیاسی کردبه اعدام هنوز وجود دارد.

هم‌اکنون تنها سه روز به اجرای حکم اعدام چهار نفر از متهمان تجاوز به عنف در خمینی شهر اصفهان باقی‌مانده است. دادستان عمومی انقلاب استان اصفهان حمید رضا حبیبی از تأیید این حکم و اجرای آن در ملاء

عام خبرداده است. اجرای احکام اعدام در برابر چشم مردم با مخالفت شدید کنشگران حقوق بشر و مردم روبرو است.

گزارش سالانه اتحادیه اروپا در مورد حقوق بشر

اتحادیه اروپا خواهان توقف اجرای مجازات مرگ در ایران شده است. پارلمان اروپا در جلسه سوم اکتبر جاری گزارش سالانه خود را درباره وضعیت حقوق بشر در سال 2010 منتشر کرد. بخشی از این گزارش به ایران اختصاص یافته است.

سایت ایران امروز متن فارسی گزارش اتحادیه اروپا را منتشر کرده که آن را در اینجا ملاحظه می کنید:

«در طول سال 2010، اتحادیه اروپا با صدور بیانیه های عمومی و اقدامات مختلف در تهران و پایتخت های کشورهای اروپایی، از ایران خواستار رعایت تعهدات بین المللی حقوق بشری آن کشور شد. اتحادیه اروپا نقض حقوق بشر شامل سرکوب اعتراض های مسالمت آمیز، دستگیری های خودسرانه، بدرفتاری با بازداشت شدگان، حق محاکمه عادلانه، تبعیض علیه زنان، اقلیت های مذهبی و قومی، از جمله محاکمه رهبران بهایی، را در این اقدامات مطرح کرد. اتحادیه اروپا در روز 12 ژوئن (22 خرداد)، سالگشت انتخابات ریاست جمهوری 1388، بیانیه جامعی در باره وضع حقوق بشر در ایران منتشر نمود.

گفتگوهای اتحادیه اروپا با ایران که از دسامبر 2006 با فسخ دور پنجم گفتگوها از طرف ایران به حال تعلیق در آمده بود، در سال 2010 همچنان مسکوت ماند. اتحادیه اروپا آمادگی خود را برای بحث در باره حقوق بشر با ایران اعلام کرد به شرط این که ایران تعهد واقعی به مشارکت جدی خود را نشان دهد. اما این مساله در سال 2010 رخ نداد.

در سراسر سال 2010، و در پی انتخابات ریاست جمهوری 1388، وخامت اوضاع حقوق بشر در بدترین حالت از سال 1979 (1357) به بعد ادامه یافت. آزار و اذیت، دستگیری و زندانی کردن روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، مدافعان حقوق بشر، رهبران مخالف، دانشجویان و افرادی که خواهان حقوق مشروع خود بودند به برقراری فضای فراگیر ترس انجامید. مدافعان حقوق بشر، روزنامه نگاران، رهبران سیاسی، اقلیت ها و دانشجویان مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، زندانی و گاهی اعدام شدند. شکنجه و بدرفتاری با بازداشت شدگان امری روزمره بود که با معافیت مرتکبان از مجازات در جریان بود. زنان پیوسته با تبعیض در قانون و عمل روبرو بودند.

محدودیت های شدید بر آزادی بیان و حق تجمع و تشکل مسالمت آمیز ادامه یافت. در سالگشت انقلاب اسلامی در 22 بهمن ـ که برای بسیاری از ایران باید نماد پیشرفت در آزادی ها و حقوق اساسی باشد ـ نمایندگان عالی اتحادیه اروپا از این که شمار زیادی از ایرانیان از بیان عقیده خود منع شده اند نگرانی خود را ابراز کردند. «صحنه های سرکوب خشونت بار امروز بخشی از روند چندماه گذشته است. حمله خشونت آمیز به افرادی که خواهان حقوق بنیادی آزادی بیان و تجمع هستند به بهای بی اعتمادی مردم و جامعه بین المللی به رژیم تمام شده است.»

با وجود این دولتمردان به محدود کردن امکان دسترسی به منابع اطلاعاتی در بیرون از ایران، مثل اینترنت، ادامه دادند. در برنامه های بین المللی رادیویی و تلویزیونی اختلال رخ داد. کنترل تلفن و پیامک ها و ئی میل ها امری روزمره بود. در ماه ژانویه، دولتمردان تماس ایرانیان را با تقریبا ۶۰ موسسه و سازمان خبری در خارج از ایران ممنوع کردند. کسانی که هنوز می خواستند با چند رسانه بزرگ فارسی زبان در باره حقوق بشر سخن بگویند مورد تهدید و آزار ماموران امنیتی قرار گرفتند. بسیاری از ایرانیان برای بیان نظریات خود به وبگاه های شبکه های اجتماعی روی آوردند. در مارچ 2010، شورای اتحادیه اروپا نگرانی عمیق خود را از اقدامات دولتمردان ایران برای جلوگیری از ارتباط آزاد شهروندان و دریافت اطلاعات از طریق تلویزیون، رادیو، ماهواره و اینترنت ابراز کرد.

به کارگیری روزافزون حکم اعدام در ایران به عنوان ابزار ارعاب مخالفان سیاسی، در مغایرت با حداقل موازین بین المللی، موضوع نگرانی ویژه دیگری بود. بر خلاف حقوق بین المللی، مجازات اعدام برای اعمالی به کار

گرفته می شد که در ردیف مهمترین جرایم به شمار نمی روند، از جمله جرایم مربوط به قاچاق مواد مخدر یا اتهام های مبهم مربوط به امنیت ملی شامل محاربه ("دشمنی با خدا").

افزایش شدید در اجرای حکم های اعدام در سال 2010 به ویژه باعث نگرانی شد. دولتمردان ایران به اجرای 252 مورد اعدام اذعان کردند، اما برآوردهای معتبر نشان می دهند که تعداد واقعی حداقل دو برابر آن و شامل اعدام های مخفی و نیز دسته جمعی در انظار عمومی بوده است. در سال 2010، حداقل یک مجرم نوجوان اعدام شد و 143 مجرم نوجوان زیر حکم اعدام به سر می بردند. حکم اعدام به وسیله سنگسار باز هم صادر می شد، گرچه اطلاعی از اجرای حکم سنگسار در دست نیست. اتحادیه اروپا (و جامعه بین المللی نیز) به شدت از صدور حکم اعدام با سنگسار برای خانم محمدی آشتیانی به خاطر زنا انتقاد کرده و با صدور چندین بیانیه از ایران خواستار توقف اعدام و کاهش حکم او شده است. اتحادیه اروپا در چندین مورد حکم های اعدام را پیش یا پس از اجرای آنها محکوم کرده و از ایران خواسته است اجرای حکم اعدام را با هدف الغای مجازات اعدام متوقف کند.

اتحادیه اروپا در زمان رسیدگی ادواری عمومی به پرونده ایران در شورای حقوق بشر در تاریخ 14 فوریه 2010 (25 بهمن 1388) پیگیرانه در باره کارنامه حقوق بشر این کشور اظهار نظر کرد. ایران در کوشش خود برای عضویت در شورای حقوق بشر شکست خورد. اتحادیه اروپا، همچون سال های پیش، از قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در باره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کامل به عمل آورد و این قطعنامه در تاریخ 21 دسامبر 2010 (30 آذر 1389) با 78 رای موافق به تصویب رسید. در این قطعنامه از دولت ایران به تاکید خواسته شد با کارشناسان ویژه سازمان ملل ـ که در پنج سال گذشته موفق به دیدار از ایران نشده اند ـ همکاری کامل به عمل آورد و از کارشناسان ویژه واجد اختیار خواست به وضع حقوق بشر در ایران توجه خاص نشان دهند.”

برای پیوستن به کمپین بین‌المللی مبارزه با مجازات اعدام در ایران از سایت زیر دیدن کنید:

http://stopexecution.info/fa/category/news

—

انجمن پژوهشگران ایران

2011-10-12 · Archive ID 567
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=567

انجمن پژوهشگران ایران یکی از بنیادهای ارزشمند تحقیقی غیر دولتی در بیست سال اخیر است که با همت گروهی ازمحققان جامعه شناس و متفکرین ایرانی درجهان و با هدف شناخت و بررسی مسائل و نابسامانی های اجتماعی درایران و ارائه تحقیقات با ارزش برپا شده است . انتشار گزارش‌های علمی و دقیق در زمینه‌های مختلف اجتماعی و تلاش برای ارائه راه حل و برنامه‌ریزی برای حل معضلات اجتماعی در ایران از جمله اهداف این بنیاد علمی است .

انجمن پژوهشگران ایران تا کنون چهل و هشت کنفرانس بین‌المللی در مورد ایران و مشکلات پیش رو برگزار کرده و یازده جلد کتاب از مجموعه مطالعات و سخنرانی‌ها را به چاپ رسانده است . ایجاد یک شبکه جهانی همکاری میان ایرانیان دانش پژوه و علاقمند به مباحث اجتماعی از دستاوردهای دیگر این انجمن می باشد .

انجمن پژوهشگران ایران با اعتقاد به لزوم گسترش اندیشه آزادی خواهی و بشردوستانه خواهان همکاری همه ایرانیان با تعلقات گوناگون فکری، مذهبی و قومی است . و از همیاری و نظرات آن‌ها در راستای پیشرفت فعالیت‌های خود استقبال می کند .

بخشی از گزارشات علمی این انجمن و هم مباحث مطرح شده را می‌توانید برروی سایت آن به زبان فارسی و انگلیسی مطالعه کنید .

http://aciiran.com/farsi

—

آخرین نظرسنجی انجمن پژوهشگران ایران

2011-10-12 · Archive ID 570
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=570

ارزیابی دیدگاه ایرانیان درمورد جنبش های آزادی خواهی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

سایت انجمن پژوهشگران ایران گزارش آخرین نظرسنجی خود درسال1390 را درمورد دیدگاهای مردم ایران در زمینه مهم‌ترین مسائل روز منتشر کرده است.

هدف از این نظر سنجی بررسی نظرات مردم درباره تحولات اخیر در دنیای عرب و جنبشهای اخیرموسوم به«بهار عربی»بوده است.از جمله اهداف دیگراین تحقیق شناخت دیدگاه‌های مردم ایران با توجه به عملکرد جامعه بین‌المللی و نظرات وخواسته‌های آنان درباره ایران است.

دراین گزارش می‌خوانیم :

«دستاوردهای اصلی نظر سنجی 1390 که به "جنبش های منطقه و تاثیر آن بر تحولات ایران" اختصاص پیدا کرده را می توان به ترتیب زیر بیان داشت:

– حمایت از تغییرات دموکراتیک در منطقه؛

– تاکید براهمیت روش های بدون خشونت برای ایجاد تغییر؛

– مخالفت با هر گونه حمله و دخالت نظامی و به هر دلیلی به ایران؛

– عدم اعتماد به انگیزه حضور قدرت های بین المللی و باور بر اینکه منافع اقتصادی مهمترین هدف حضور در منطقه می‌باشد؛

– با این وجود نیاز به حمایت بین المللی برای ایجاد تغییرات در ایران؛

– ممنوع کردن سفرهای خارجی سران حکومت ،تحریم سیاسی برای مُنزوی کردن از زمره بیشترین و بالاترین خواست پاسخگویان بوده است؛

– فراهم کردن امکانات اینترنتی امن برای شهروندان.

در زمره نکات پایه ای و مهمی که می تواند چارچوب محکمتری را برای شناختی بیشتر فراهم آورد انجام بررسی هائی مشابه است که نیاز بدان هر روز بیشتر احساس می گردد. واقعیت اینست که اگر نتوانیم شناخت کاملی از شرایط زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه مان در اختیار داشته باشیم هر آنچه هم که تلاشی بی وقفه داشته باشیم قادر به برداشتن کوچکترین گامی در جهت آینده ای بهتر برای مردممان نخواهیم بود.

امید ما بر اینست که نتایج این بررسی نیز به مانند دیگر بررسی ها، فعالیت ها و تلاش های انجمن پژوهشگران ایران که هدف نهائی "منافع ملی ایران" را بالاترین خواستگاه خود می داند بتواند رای تمامی کسانیکه علاقمند به آینده مثبت و روشن برای ایران هستند بصورت ابزار با ارزشی برای گفتگو و برنامه ریزی مورد استفاده قرار گیرد».

برای خواندن نتایج این همه‌پرسی به سایت‌های زیر مراجعه کنید:

گزارش کامل به فارسی

http://www.aciiran.com/nazarsanji%201390%20farsi.pdf

متن گزارش اولیه به انگلیسی

/http://aciiran.com/farsi/2016/03/12/دیدگاه-شما-در-رابطه-با-مجازات-اعدام

برای مصاحبه و اطلاعات بیشتر با آدرس ایمیل زیر تماس حاصل فرمایید

london@aciiran.com

—

نقض گسترده حقوق بشر در ایران

2011-10-17 · Archive ID 576
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=576

نخستین گزارش احمد شهید، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی

سایت کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران متن کامل اولین گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل را منتشر کرده است. این گزارش شامل شش بخش است و در آن موارد نقض حقوق بشر در ایران با بررسی آزادی اجتماع و بیان، نحوه برخورد با زندانیان سیاسی، کنشگران مدنی، مدافعان حقوق زنان، هنرمندان و روزنامه نگاران، اقلیت‌های قومی و مذهبی و متهمان جنایی مورد بررسی قرار گرفته است.

گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در ایران از طرف ریاست شورای حقوق بشر سازمان ملل در تاریخ هفدهم ماه ژوئن 2011 به این سمت منصوب شد و رسما کار خود را ازماه آگوست آغاز کرد. احمد شهید گزارشگر ویژه بارها خواهان مذاکره با جمهوری اسلامی و سفر به ایران با هدف تهیه یک گزارش کامل، شفاف و عادلانه از وضعیت حقوق بشر درایران شده است. برطبق مفاد گزارش منتشر شده تا زمان نگارش آن هیچ پاسخ رسمی از سوی مقامات دولتی به او داده نشده است. او هم چنین تقاضای ملاقات غیررسمی با نماینده دائمی ایران در سازمان ملل را داشت اما با درخواست های او برای این ملاقات موافقت نشد.

در گزارش فعلی از تماس و ملاقات گروهی از کنشگران ایرانی حقوق بشر، فعالان جامعه مدنی و هم چنین سازمانهای بین‌المللی با احمد شهید و همکاران او یاد شده است. بخش قابل توجهی از اطلاعات به دست آمده با موازین معتبر مورد نظر شورای حقوق بشر همخوانی داشته و هم چنین بسیاری از پرونده های مطرح شده مستحق اقدام فوری از سوی گزارشگر ویژه سازمان ملل هستند.

گزارش های رسیده و شهادت افراد حاکی از نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر در ایران است. نواقص و کمبود های قوه قضاییه درایران و عدم تطابق آن با موازین بین‌المللی و حقوق بشری یکی از دلایل اصلی در این زمینه است. یکی از موارد مهم درج شده در گزارش در مورد رفتار بیرحمانه ،غیرعادلانه با زندانیان سیاسی و جنایی در ایران است. برخورد تحقیرآمیز با زندانیان، شرایط اسفناک زندانها و صدور حکم اعدام در نبود تضمین های قضایی متناسب از آن جمله اند.

گزارش در شش بخش به وضعیت حقوق بشردر ایران پرداخته است. موارد نقض حقوق بشر در مورد فعالان مدنی، سیاسی، روزنامه نگاران، فعالان دانشجویی، فمینیست ها، هنرمندان، وکلا، فعالان دانشجویی، کنشگران محیط زیست دراین گزارش ذکر شده اند.

رفتار خشن در هنگام بازجویی، تهدید، شکنجه بدنی و روحی، وادارکردن افراد به اعترافات ساختگی، اتهامات غیرواقعی، تهدید اعضای خانواده زندانیان، مبالغ هنگفت وثیقه برای آزادی تا پانصد هزار دلار، مجازات های سنگین از جمله موارد نقض حقوق بشر درایران هستند.

رفتار خشن و غیر انسانی با رهبران مخالفان سیاسی

دربخش رفتار با فعالان جامعه مدنی، گزارشگر حقوق بشر به نقل از نزدیکان میرحسین موسوی و مهدی کروبی دو تن از کاندیداهای آخرین انتخابات ریاست جمهوری از آزار و اذیت آنها و همسرانشان زهرا رهنورد و فاطمه کروبی خبر می دهد. موسوی و کروبی از بهمن ۱۳۸۹ در بازداشت خانگی در محلی نامعلوم بسر می‌برند. و از سوی مأموران دولتی مورد آزار و تهدید قرار گرفته‌اند.

این گزارش در مورد رفتار خشن و غیرانسانی با آقای کروبی می نویسد:

«26 - در تاریخ23 آگوست ۲۰۱۱ مصاحبه ای با یکی از همکاران نزدیک اقای کروبی که مایل بوده به صورت ناشناس باقی بماند انجام شده است. این شاهد عینی و دست اول در خصوص خشونت اعمال شده علیه آقای کروبی و همکارانش و همچنین وضعیت حصر خانگی آقای کروبی ارائه کرد. گزارش شده است که تلفن های آقای کروبی همگی قطع شده اند و مامورین به خانه او وارد شده و تلویزیون، مدارک و نیز کتاب های او را از خانه اش برده اند. خانم کروبی هم اجازه نداشت که به قرارهای پزشکی (برای معاینه) خود برسد همچنانکه که داروهای این زوج توقیف شدند و آقای کروبی دسترسی به پزشک خانوادگی نداشته علیرغم مشکلات تنفسی که داشته است. همچنین گزارش شده که آقای کروبی در ۱۸۶ روزی که تحت بازداشت خانگی بوده تنها ۱۰ دقیقه توانسته در هوای آزاد تنفس کند. این شاهد همچنین گفته است که از زمانی که مامورین اطلاعاتی با گذاشتن دوربین در راهروها و اتاق های اولین مکانی که این زوج دستگیر شده بودند مکان را نظارت می کردند هیچ فضای شخصی برای این دو نمانده است.همچنین گزارش شده که از زمان بازداشت آقای کروبی تنها شش بار با اعضای خانواده خود ملاقات کرده و اینکه ملاقات کننده ها کاملا مورد تفتیش بدنی قرار گرفته اند هم قبل و هم بعد از ملاقات وهنگام خروج. براساس گزارشها ماموران هنگام ملاقات های آقای کروبی و همسر ایشان حضور داشته اند. آقای کروبی و همسر ایشان اخیرا از خانه خود به مکان های جداگانه ای حدودا در تاریخ ۱۶ جولای و ۱ اگوست برده شدند. درحالی که خانم کروبی بر اساس گزارش ها دیگر تحت بازداشت خانگی نیست، آقای کروبی به یک دفتر با دو اتاق برده و در آنجا نگهداری می شود واز ۱۶ جولای هیچ تماسی با خانواده خود نداشته است. گزارش های مبنی بر اینکه همزمان ۶ مامور همواره اتاق های یاد شده را اشغال کرده اند واحتمال حضور تیمی از روانشناسان که به منظور گرفتن اعترافات اجباری تلویزیونی درکنار آقای کروبی برای گزارشگر ویژه بسیار ناراحت کننده است. همچنین گزارش شده است که برخی از اعضای دو خانواده آقای موسوی و آقای کروبی مورد آزاد واذیت قرار گرفته، ارعاب و یا حتی بازداشت شده اند».

زندانیان سیاسی، فعالین مدنی و هنرمندان

در گزارش هم چنین وضعیت زندانیان سیاسی، روزنامه نگاران و وکلای زندانی، فعالان مدنی، محیط زیست، کنشگران حوزه زنان و هنرمندانی که قربانی نقص حقوق بشر شده‌اند، تشریح شده است. از جمله این افراد:

احمد زیدآبادی، محمد داوری، حشمت‌الله طبرزدی، عیسی سحرخیز، حسین رونقی ملکی، مسعود باستانی، بهمن احمدی‌امویی، محمدصدیق کبودوند، تقی رحمانی، کیوان صمیمی، رامین پرچمی، علی ملیحی ، آرش صادقی، نسرین ستوده، بهاره هدایت، محبوبه کرمی، محمد سیف زاده، جعفر پناهی، محمد رسول‌اف و محسن نامجو هستند که دراین گزارش به همراه جمعی دیگر از بازداشت شدگان و زندانیان در مورد دلایل دستگیری آنها، اتهامات وارده و جزییات مهم دیگر بحث شده است.

روشنفکران، فعالان سیاسی، مدنی و هنرمندان اغلب با اتهاماتی از قبیل توطئه، توهین به اسلام ورهبر، اقدام علیه امنیت ملی و تماس با سازمانهای خارجی روبرو و به این دلایل بازداشت و روانه زندان می شوند. سرکوب فعالیت‌های مدنی کنشگران حقوق زنان برای ایجاد برابری جنسیتی، تبعیض و نقض حقوق بشر درمورد گروه‌های قومی و دینی از جمله شهروندان بهایی مذهب، دراویش نعمت الهی ،مسیحیان و فعالان مدنی کرد، آذری، بلوچ وعرب از موارد یاد شده در این گزارش اند.

در بخشی از گزارش درباره زندانی کردن کنشگران جنبش برابری خواهی زنان آمده است:

« پرونده بهاره هدایت فعال دانشجویی و حقوق زنان و عضو شورای مرکزی و سخنگوی دفترتحکیم وحدت وفعال کمپین یک میلیون امضا به گزارشگر ویژه ارائه شد. بنابه گزارشات وی از سوی ماموران وزارت اطلاعات ایران برای پنجمین باردر چهارسال اخیر در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹ بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. در ماه مه ۲۰۱۰ خانم هدایت به ۹ سال و نیم زندان محکوم که پنج سال آن به اتهام " اجتماع و تبانی علیه نظام"، دوسال آن برای "توهین به مقام رهبری" و شش ماه آن برای اتهام "توهین به رئیس جمهور" است. دادگاه همچنین دوسال حبس تعلیقی وی را به دلیل شرکت در تجمع اعتراضی به قوانین تبعیض آمیز علیه زنان در سال ۲۰۰۶ به جریان انداخت. ۵۸-محبوبه کرمی فعال حقوق زن واز اعضای کمپین یک میلیون امضا، درابتدا در اول مارس ۲۰۰۹ بازداشت و پس از گذراندن ۱۷۰ روز زندان به دنبال تودیع وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. خانم کرمی سپس به چهار سال زندان محکوم شد. در فوریه ۲۰۱۱ دادگاه تجدید نظر، حکم وی را به ۳ سال کاهش داد. وی در ۱۵ می ۲۰۱۱ پس از آنکه وی توسط دادسرای زندان اوین احضار شد حبس سه ساله خود را آغاز کرد. اتهامات خانم کرمی شامل "عضویت در سازمان فعالان حقوق بشر"، "تبلیغ علیه نظام" و " اجتماع وتبانی به منظور اقدام علیه امنیت ملی می باشد».

افزایش بی رویه مجازات اعدام

در گزارش از اجرای مجازات اعدام و افزایش بی رویه احکام اعدام در ایران انتقاد شده است. قاچاقچیان مواد مخدر، قاتلان، متهمان به تجاوزات جنسی و سرقت مسلحانه بیش از سایر موارد جنایی در معرض مجازات اعدام قرار دارند. دربخشی ازگزارش آمده است:

«گزارش دوره ای دبیرکل سازمان به شورای حقوق بشر در ایران افزایش چشم گیری را در تعداداعدام های ثبت شده در ایران ثبت کرده است. علاوه بر نگرانی های جدی در خصوص کثرت استفاده از چنین حکمی، گزارشگر ویژه به همان اندازه در خصوص اینکه مجازات مرگ به صورت متداول در پرونده هایی که به متهم حق دادرسی عادلانه داده نمی شود نگران است. اعدام های گروهی مخفیانه در داخل زندان ها که در تعداد هشداردهنده ای رخ می دهد اغلب بدون اطلاع و حضور خانواده ها ووکلا صورت می گیرد. اعدام های در ملاء عام که ایرانیان ادعا می کنند تاثیر بازدارنده در وقوع جرم دارد، همچنان اتفاق می افتد. گزارشگر ویژه به خصوص از ویدیوی اعدام سه نفر که به جرم ادم ربایی و تجاوز در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۱۱ در میدان آزادی کرمانشان به دار آویخته شدند و جمعیت زیادی من جمله کودکان ناظر بودنداظهارناراحتی و نگرانی کرده است».

گزارشگر ویژه در پایان گزارش خود بار دیگر از مقامات جمهوری اسلامی می‌خواهد که به او اجازه سفر به ایران را بدهند تا او بتواند با تکمیل تحقیق خود درباره صحت و سقم موارد یاد شده با مقامات ایرانی گفتگو کند.

ترجمه فارسی نخستین گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را می‌توانید در سایت کمپین حقوق بشر درایران بخوانید:

http://persian.iranhumanrights.org/1390/07/sr-report-full-persia

—

متن کامل گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل

2011-10-17 · Archive ID 579
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=579

وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

A/66/374

تاریخ ثبت در مجمع عمومی ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱

تاریخ پخش عمومی ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱

یادداشت دبیر کل سازمان ملل

خلاصه

دبیر کل سازمان ملل مفتخر است که گزارش وضعیت حقوق بشر در ایران را که از سوی گزارشگر ویژه حقوق بشر، احمدشهید، بر طبق قطعنامه مصوب شورای حقوق بشر ۱۶/۹ تهیه شده است را به اعضای مجمع عمومی ارائه کند.

گزارشگر ویژه در قبال مسوولیتهای خود به صورت رسمی از ۱۰ مرداد ماه ۱۳۹۰ آغاز به کار کرد. به دنبال این انتصاب دیرهنگام در آن زمان گزارشگر ویژه به دبیر کل اعلام کرد که وی در موقعیت ارائه گزارشی جامع نیست اما تمرکز گزارش وی بر متدولوژی و روش کار وطبقه بندی جدیدترین روندهای وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی خواهد بود و بر نیاز به شفافیت و همکاری بیشتر جمهوری اسلامی تاکید خواهد کرد.

فهرست

- مقدمه
- متدولوژی و روش کار
- وضعیت حقوق بشر

A رفتار با فعالان جامعه مدنی

۱. فعالان سیاسی

۲. روزنامه نگاران
۳. فعالان دانشجویی
۴. هنرمندان
۵. وکلا
۶. فعالان محیط زیست

B آزادی اجتماعات
C حقوق زنان
D اقلیتهای قومی و مذهبی
E مجازات اعدام
F بازداشت به دلیل ارتباط با نهادهای خارجی

- نتیجه گیری

- مقدمه

۱ - گزارش حاضر بر طبق قطعنامه ۱۶/۹ شورای حقوق بشر ارائه می شود. این قطعنامه حکم گزارشگر ویژه در زمینه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را دایر کرد. این اولین حکم گزارشگر کشوری از سوی شورای حقوق بشر در مورد ایران می باشد. از زمانی که حکم قبلی که توسط کمیسیون حقوق بشر سابق ایجاد شده بود در سال ۲۰۰۲ خاتمه داده شد. این قطعنامه گزارشگر ویژه را موظف می سازد که (۱) گزارشی مقطعی به شصت وششمین مجمع عمومی ارائه کند و (۲) گزارشی به شورای حقوق بشر برای توجه این شورا در نوزدهمین نشست آن ارائه کند. این قطعنامه همچنین از دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهد که به طور کامل با گزارشگر ویژه همکاری کند، به وی اجازه ورود و سفر به آن کشور دهد و همچنین تمامی اطلاعات مورد نیاز برای تحقق وظایف وی را ارائه دهد.

۲- ریاست شورای حقوق بشر گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱منصوب کرد. وی به طور رسمی از ۱ آگوست ۲۰۱۱ آغاز به کار کرد و در آن زمان به مکاتبه با

مقامات ایرانی پرداخت و از آنان درخواست همکاری کرد. تا زمان نگارش این گزارش هیچ پاسخ رسمی از سوی مقامات ایرانی به این درخواست داده نشده است. گزارشگر ویژه همچنین در جولای ۲۰۱۱ درخواست ملاقات غیررسمی با نماینده دائمی ایران در سازمان ملل درژنو کرد و همچنین پیشنهاد کرد که در ماه آگوست ۲۰۱۱ به سوئیس سفر کرده و با وی قبل از ارائه این گزارش دیدار کند. ولیکن هر دو درخواست برای ملاقات ناموفق بودند. در بیانیه مطبوعاتی که در ۳ آگوست ۲۰۱۱ منتشر شد، گزارشگر ویژه از دولت خواست که به همکاری کامل با وی روی آورد و همچنین تاکید کرد که برقراری این حکم جدید فرصتی برای ایران است تا در زمینه طیف وسیعی از دغدغه های حقوق بشر که توسط جامعه بین المللی مطرح شده اند اقدام کند. در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱ در نامه ای به گزارشگر ویژه، نماینده دائمی ایران به سازمان ملل ، محمد رشا سجادی به دیدار برای صحبت و روش کار ابراز علاقه کرد. همچنین در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۱ با ارسال نامه ای به مقامات ایرانی در خواست سفر به آن کشور در نوامبر ۲۰۱۱ مطرح شد. گزارشگر ویژه امید به پاسخ مثبت به این درخواست دارد چرا که نمایانگر همکاری و مقاصد سازنده جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

۳ - پیش از آغاز رسمی حکم خود، در جولای ۲۰۱۱ گزارشگر ویژه یک سفر خصوصی به ژنو انجام داد و سپس در اوائل سپتامبر ۲۰۱۱ یک سفر رسمی به آنجا داشت. وی با تعدادی از افراد مربوط منجمله کمیساریای عالی حقوق بشر ملاقات کرد و همچنین با شماری از سازمان های غیردولتی معتبربین المللی و نمایندگان کشورهای حامی این حکم و نمایندگان کشورهایی که با آن مخالفت کرده بودند ملاقات کرد.

۴ - گزارش حاضر متدولوژی که نحوه کار گزارشگر ویژه در طی اجرای وظایف خود را ترسیم خواهد کرد را به همراه تمرکز آن ارائه می کند. گزارشگر ویژه خاطرنشان می کند که گزارشی جداگانه از سوی دبیر کل سازمان ملل در مورد تحولات حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از شهریور ۱۳۸۹ تا کنون به شصت وششمین نشست مجمع عمومی ارائه خواهد شد. بدون پیشداوری در مورد مطالبی که وی می خواهد با مقامات ایرانی مطرح کند، گزارشگر ویژه نگرانیهایی که در گزارش دبیر کل مطرح شده است و همچنین توصیه نامه های آن را حمایت می کند. گزارش حاضر هم شامل آخرین تحولات حقوق بشر در ایران می باشد ولیکن تمرکز آن بر پرونده ها وم‌واردی است که مستقیما با گزارشگر ویژه مطرح شده اند و تحولاتی که از نشست شورای حقوق بشر تا کنون اتفاق افتاده اند.

۵- گزارشگر ویژه از اظهاراتی که به کارگزاران مختلف جمهوری اسلامی منصوب شده که علاقه آنان به همکاری با سیستم حقوق بشر سازمان ملل را مطرح می کند استقبال می کند، مانند دعوت از سازوکارهای موضوعی ویژه وپیشنهاد سفر کمیساریای حقوق بشر، به عنوان فرصتی برای همکاری نهادهای حقوق بشر و مقامات ایرانی از طریق ارتباطات مقامات بلندپایه. ولیکن همانطور که کمیساریای عالی حقوق بشر بر آن اصرار کرده، ماموریتهای تحقیقاتی اولیه که شامل بازدید میدانی با دسترسی کامل برای گزارشگر ویژه می باشد برای آماده کردن شرایط سفر کمیساریای عالی مفید می باشد و مشارکت معنی دار برای انجام وظیفه کنونی هم می باشد. گزارشگر ویژه همچنین خاطر نشان می کند که شماری از درخواست های فوری از سوی گزارشگران ویژه موضوعی از سوی مقامات ایرانی بدون پاسخ مانده اند و گزارشگر ویژه متاسف است که هیچیک از گزارشگران موضوعی از سال ۲۰۰۵ تا کنون به ایران سفر نکرده اند.

۶- گزارشگر ویژه اساسا براین عقیده است که به وجود آمدن این دستور کار فرصتی را ارائه می کند برای همکاری هماهنگ شده بیشتر با مقامات ایرانی در مورد طیفی از مسائل حقوق بشر که ازسوی جامعه بین المللی مطرح شده اند. این دستور کار کشوری همچنین فرصتی برای تسهیل شناخت عمیق تر وضعیت حقوق بشر خاص در ایران در زمینه های فرهنگی و تاریخی ویژه آن است.
این همچنین فرصتی است برای پیشرفت تلاش های کنونی برای دنبال کردن چالش های ایران هم به شیوه ای تدریجی و هم به شیوه جامع. گزارشگر ویژه همچنین امیدوار است که ایران کارکرد وی را به عنوان فضایی امن و مشروع برای برداشتن گام هایی به سوی تعهدات بین المللی خود و همچنین فرصتی برای دنبال کردن جوانب حوزه های نگرانی که به ایران منتقل شده در طی مبادلات خود با جامعه بین المللی در موضوعات حقوق بشر بداند.

۷- گزارشگر ویژه همچنان از جمهوری اسلامی ایران در خواست خواهد کرد تا همکاری کامل خود با این دستور کار را انجام دهد. همکاری کشور در دستور کار فقط می تواند نیروی بالقوه برای سیاست زده شدن را کاهش

دهد، نگرانی که ایران همواره بیان کرده است. ولیکن همکاری ناکافی باعث ادامه افزایش نگرانی های جامعه بین المللی خواهد شد و احتمال گفت وگوی مثبت وسازنده در این موارد را کاهش می دهد.

- روش پیشنهادی کار

۸ – گزارشگر ویژه توسط اصول بی طرفی، استقلال و شفافیت کار خود را به پیش خواهد برد با اهداف مشخص روشنگری، تایید وهمکاری در اجرای تعهدات حقوق بشری ایران. گزارشگر ویژه بر این باور است که این ممارستی باید فارغ از سیاست زدگی وتنها با میل به کمک به ایران برای اجرای تعهدات بین المللی خود با شیوه ای تدریجی وشفاف باشد.

۹ -تمرکز اصلی تلاش های گزارشگر ویژه این خواهد بود که برای گزارش عادلانه و دقیق وضعیت حقوق بشر همکاری مقامات در ایران را جلب کند. در این راستا گزارشگر ویژه همچنان به دیداراز کشور ایران علاقه مند است تا با مقامات مربوطه آن کشور ملاقات کرده و از آنها اطلاعات بخواهد در مورد موضوعاتی که نهادهای حقوق بشر و دبیر کل مطرح کرده اند. به خصوص در زمینه های مربوط به قطعنامه های مختلفی که شورای حقوق بشر و مجمع عمومی صادر کرده اند.

۱۰ -گزارشگر ویژه همچنان درخواست همکاری اعضای سازمان ملل را دنبال کرده و خواهد کرد من جمله اعضای شورای حقوق بشر تا حمایت انها برای تسهیل کار خود را در خواست کند. با وجود آنکه برخی از این کشورها ممکن است حامی دستورهای کشوری نباشند اما آنها از مشروعیت تصمیم های شورا و اهمیت همکاری بین المللی در ترویج و حمایت از حقوق بشر حمایت می کنند. گزارشگر ویژه بنا دارد که در ارتباط نزدیک با این کشورها در جلب حمایتشان برای تشویق ایران به توانا شدن در خصوص سنجش مستقل صحت ادعاها در مورد وضعیت حقوق بشر ایران باقی بماند. گزارشگر ویژه امیدوار است که اعضای مجمع عمومی هم ایران و هم کشورهای دیگر را به افزایش همکاری شان با تلاش های گزارشگر ویژه برای جمع آوری اطلاعات مربوطه و دقیق تشویق کند.

۱۱ -شماری از کنشگران حقوق بشر وجامعه مدنی ایران و همچنین سازمان های بین المللی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران با گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران تماس گرفتند. وی مشاوره های رودررویی رابا این افراد و سازمان ها انجام داده است. بخش قابل توجهی از اطلاعات به دست آمده با استانداردهای معتبر مورد نظر شورای حقوق بشر همخوانی داشته و بسیاری از این پرونده ها استحقاق اقدام فوری از سوی گزارشگر ویژه را دارا می باشند. این شهادت ها و موضوعات در این گزارش مطرح شده اند. گزارشگر ویژه به دنبال همکاری مقامات ایرانی در بررسی این پرونده ها خواهد بود و نتیجه این تحولات را در گزارش بعدی خود درج خواهد کرد.

۱۲ – گزارشگر ویژه براین باور است که خروجی بررسی دوره ای همگانی در شورای حقوق بشر (UPR) که وضعیت جمهوری اسلامی ایران را در فوریه ۲۰۱۰ بررسی کرد، پایه مناسبی برای همکاری وی و مقامات ایرانی ایجاد می کند. در این مورد، او می تواند به تلاش های جمهوری اسلامی برای اجرای ۱۲۳ توصیه مطرح شده که این کشور موافقت کرد که با شفافیت و حمایت جامعه بین المللی آن را عملی کند. گزارشگر ویژه همچنین به دنبال ان خواهد بود که در مورد توصیه هایی که از طرف ایران رد شده به خصوص در سایه قوانین بین المللی حقوق بشبا این کشور گفت وگو کند.

به علاوه موضوعاتی که در گزارش های مرتبط با معاهدات، گزارشات مختلف دبیرکل و گزارشگران موضوعی و همچنین قطعنامه هایی که توسط مجمع عمومی و شورای حقوق بشر برجسته شده اند، دستور کار گزارشگر ویژه برای گفت وگو با ایران ترسیم خواهد کرد.

۱۳ – گزارشگر ویژه همچنین با دیگر گزارشگران موضوعی درخواست های فوری و دیگر مکاتبات همکاری خواهد کرد و همچنین درخواست ها و مکاتبات خودش را برحسب ضرورت در نظر خواهد داشت. وی گوشزد می کند که در حالی که شماری از مکاتبات بی پاسخ مانده اند، در بسیاری ازموارد ایران جواب داده است و وی به دنبال این خواهد بود که سطح ارتباطات با ایران را در مورد موضوعاتی که مورد توجه شورای حقوق بشر و مجمع عمومی می باشند افزایش بدهد.

۱۴ – گزارشگر ویژه براین باور است که دستور کار وی همچنین شامل نقش مهم دنبال کرد تعهدات بین المللی کشور مورد توجه می باشد. وی توجه بسیاری به همکاری با مدافعین حقوق بشر ایرانی و جامعه مدنی آن خواهد کرد منطبق با ضوابط عمل مرتبط با مکانیسم های ویژه. وی همچنین تلاش ها برای به وجود اوردن گفت وگوی غیرسیاسی، ترویجی، آگاه سازی عمومی و شناخت از وضعیت حقوق بشر در ایران از طریق ایجادارتباط با جامعه مدنی و کارشناسان حقوقی و دانشگاهی را تشویق خواهد کرد. وی همچنین قصد دارد که از طریق حضور برجسته در رسانه ها نه تنها برای تقویت تلاش های مقامات ایرانی در برآورده ساختن تعهدات بین المللی شان، بلکه همچنین برای برجسته کردن شکوائیه های آنانی که خود را قربانی می دانند. در این مورد گزارشگر ویژه بر این باور است که نیاز به یک توازن مابین یک ارتباط سازنده با مقامات ایرانی و تلاش های رسانه های وجود دارد تا بدین سان حسن نیت و تعهد به تحقیق در مورد اظهارات در مورد نقض حقوق بشر را نشان دهد.

- وضعیت حقوق بشر

۱۵- جمهوری اسلامی ایران پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی وسیاسی را سوم تیرماه ۱۳۵۴ بدون هیچ پیش شرطی را تصویب کرد که بر طبق آن حکومت راموظف به ترویج و حمایت از ضمانت های آن پیمان نامه می کند. این ضمانت ها شامل آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی انجمن ها و آزادی مذهب می باشد که تمامی آنها برای ترویج و حمایت از ایده آل های دموکراتیک شناخته شده اند.

۱۶ – پیمان نامه حقوق مدنی وسیاسی همچنین حق دادرسی عادلانه، حق دسترسی به مشاوره حقوقی، رفتارانسانی با بازداشت شدگان را تضمین و هرگونه بازداشت ودستگیری خودسرانه افراد را ممنوع می کند. قوانین بین المللی همچنین حقوق برابر زنان را با قید اینکه کشورهای متعهد بایستی حقوق برابر ومردان و زنانْ “ برای بهره برداری ازهمه حقوق سیاسی و مدنی که در پیمان نامه آمده است تضمین می کند. این حقوق همچنین شامل حق انتخاب شدن و مشارکت در انتخابات آزاد و عادلانه می باشد. همچنین این پیمان نامه از حقوق اقلیت هایی که در کشور وجود دارد حفاظت می کند و در ماده ۲۷ تصریح میکند حقوق اقلیتها نباید نادیده گرفته شودو آنها از فرهنگ، اعتقادات مذهبی و زبان مادری خود بهره برند.

۱۷ – درهماهنگی با این تضمین های حقوق بشری، مواد ۲۳ تا ۲۷ قانون اسلامی جمهوری اسلامی آزادی بیان، اجتماعات، انجمن ها و آزادی مذهب را تامین کرده است. علاوه بر آن، مواد ۳۲ و ۳۵ قانون اساسی حقوق افراد متهم و بازداشت شده را با ذکر اینکه ” اصل ۳۲ ـ در صورت بازداشت، موضوع اتهام‌باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثرظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع‌صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم‌گردد.

۱۸ -شماری از افراد و سازمان ها شهادت های دست اولی را برای گزارشگر ویژه تهیه کردند. عمده این گزارش ها نمایانگرروند نقض سیستماتیک اصول بنیادین مطرح شده حقوق بشر است. از این جهت، و بدون تعصب درخصوص ارتباطات بعدی، فوری ترین مسائلی که مورد توجه گزارشگر ویژه قرار گرفته اند شامل کمبودهای چندگانه در رابطه با قوه قضاییه است که در این موارد قابل بررسی است: برخی از شیوه های خاص که به مثابه شکنجه است، رفتارهای بی رحمانه یا طرز برخورد تحقیرآمیز با بازداشت شده، صدور حکم اعدام در نبود تضمین های قضایی متناسب، وضعیت زنان، آزار واذیت اقلیت های قومی، سلب حقوق مدنی و سیاسی – به خصوص آزارواذیت و ارعاب مدافعان حقوق بشر.

۱۹ - به علاوه، گزارش ها کرارا در خصوص استفاده از بدرفتاری های فیزیکی و روانی و شکنجه به اهداف وادار کردن آنان به قبول اتهامات صحبت کرده اند. از این جهت، چندین مصاحبه رودررو نشان می دهد که افراد غالبا در سلول انفرادی به مدت طولانی در اثنای دوره تحقیقات از پرونده شان نگهداری شده بودند. همه کسانی که درخصوص بازداشتشان مصاحبه شدند استفاده مستمر ومداوم از چشم بند در زمانی که به سلول انفرادی منتقل شده اند همچنین در زمان بازجویی ها را گزارش کرده اند. چندین تن گفته اند که تهدید شده اند، مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند، به آنها توهین شده است، یا با تهدیداتی علیه اعضای خانواده هایشان مورد ارعاب قرار گرفته اند و آنها چنین برداشتی داشته اند که چنین اقداماتی به منظور تشویق انها به پذیرفتن به شناختن یا همکاری با افرادی که برای بازداشت شده ناشناس بوده است. بازداشت ویا ارعاب اعضای خانواده نیز اغلب توسط این افراد مطرح شده است.

۲۰ – اتهاماتی که علیه مدافعان حقوق بشر، همچنین فعالان جامعه مدنی و فعالان مذهبی در شمار بسیاری از پرونده هایی که در این گزارش مطرح شده اند عبارتند از (الف) اقدام علیه امنیت ملی(ب) مشارکت در تجمعات غیرقانونی (ث) توهین به رهبر و (د) تبلیغ علیه نظام .

۲۱ – اکثریت این گزارش ها همچنین استفاده از مبالغ غیرمعقول وثیقه برای تضمین حضور افرادی که برای فعالیت های مدنی، سیاسی و حقوق بشری (درپیشگاه دادگاه) را برجسته می سازد. مبلغ وثیقه در این گزارش ها مواردی از ۱۰ هزار تا ۵۰۰ هزار دلار آمریکا را در برمی گیرد. متهمان و یا وثیقه گذاران اغلب وادار به ودیعه گذاشتن سندخانه و یا امضای تعهدنامه ای که بعدا به وسیله آن از حقوق افراد برداشته می شود. همه گزارش ها مطرح می سازند که سرمایه ای که برای تضمین حضور(درپیشگاه دادگاه) ارائه می شود- غالبا سندمنزل- هرگز به تضمین کننده ها بازگردانده نشده اند حتی زمانی که قاضی رای به بیگناهی فرد داده یا با پایان تحمل مدت محکومیت. از آنجاییکه این افراد این اسناد را در اختیار ندارند از کنترل مالی دارایی های خود محروم می مانند که سطح نگران کننده ای از پافشاری برای مجازات را حتی بعد از پایان پرونده ها ایجاد می کند.

۲۲ – به علاوه چندین گزارش ادعا می کنند که دادستانان اغلب افراد راپیش از اینکه برای صدور حکم در دادگاه حاضر شوند از احکامشان آگاه می کنند و اینکه این احکام غالبا مانند همان هایی هستند که توسط قضات مرتبط با پرونده ها صادر می شود. گمانه زنی این گزارش ها این است که چنین موضوعیت منعکس کننده فقدان استقلال قضات در چنین پرونده هایی است که عمیقا برای گزارشگر ویژه نگران کننده است.

۲۳ – گزارشگر ویژه از اعلام اخیر مقامات ایرانی برای عفو ۱۰۰ تن از زندانیان سیاسی که به جرم های مختلفی از جمله شرکت در تجمعات سال ۲۰۰۹ متهم شده بود استقبال می کنند. او امیدواراست که این قدم در کنار بررسی پرونده های مدافعان حقوق بشر، وکلا، روزنامه نگاران، فعالان حقوق زنان، هنرمندان، و فعالان جامعه مدنی که در این گزارش مطرح شده اند پیشرفت دولت را در بهبود وضعیت حقوق بشر ارتقا بخشد. به علاوه گزارشگر ویژه مایل است که که ازدولت ایران درخواست کند که اطلاعات در مورد روند و معیارهایی که برای اعطای بخشودگی به افراد یاد شده به کارگرفته شده است را در اختیار او بگذارد. گزارشگر ویژه آزادی دو کوهنورد آمریکایی در ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۱ را امیدوارانه طلقی میکند.

- رفتار با کنشگران جامعه مدنی

فعالان سیاسی

۲۴- گزارش های مربوط به وضعیت بازداشت و همچنین عدم برخورداری از حقوق رهبران سیاسی میرحسین موسوی و مهدی کروبی همچنین همسرانشان زهرارهنورد و فاطمه کروبی عمیقا نگران کننده است. هر این چهار نفر از فوریه ۲۰۱۱ در پاسخ به درخواستشان برای تجمع در حمایت از فعالان طرفداردموکراسی درسراسرمنطقه تحت بازداشت خانگی بوده اند.

۲۵ -شرحی از بازداشت آقای موسوی در اثنای مصاحبه با یکی از نزدیکان وی در روز ۲۶ اگوست ۲۰۱۱ به گزارشگر ویژه مطرح شده است. وی گفت که با اینکه هیچ اتهام رسمی علیه آقای موسوی و همسرشان اقامه نشده است، شرایط بازداشت آنان به نحوی است که آقای موسوی و خانم رهنورد خود را زندانی دولت می دانند. در این مسیر، گزارش شده است که این زوج قادر نبوده اند که با اعضای خانواده و دوستان از زمان بازداشت به صورت آزاد ارتباط برقرار کنند.

وی همچنین گفته است که همه روش های برقراری ارتباط یا از بین رفته اند یا از خانه این زوج بیرون برده شده اند. او همچنین گفت که تا دو هفته قبل از این مصاحبه، تعداد اندکی ملاقات که به شدت تحت نظر بوده را با اعضای خانواده هایشان طی شش ماه گذشته داشته اند. براساس گزارش ها اعضای خانواده به شدت مورد تفتیش بدنی قرار گرفته اند و ظن این رفته که ملاقات ها ضبط (ویدیویی) شده است. به علاوه این زوج بر اساس گزارش ها از کنترل بر سلامت خود، کتاب، فضای شخصی و توانایی برای انجام کارهای معمولی منزل وسرگرمی های خود محروم بوده اند. آزار واذیت و ارعاب اعضای خانواده آقای موسوی همچنین مطرح شده است. او همچنین گفت که خانواده آقای موسوی عمیقا نگران سلامت وی هستند با توجه به اینکه او وزن او به

مقدارقابل توجهی کاهش پیدا کرده است. برخلاف چندین مورد ناراحتی که نیازمند توجه پزشکی بوده است، پزشکان آقای موسوی را مورد مداوا قرارداده اند و گفته اند که وضعیت سلامت وی بحرانی نیست.

۲۶ – در تاریخ ۲۳ اگوست ۲۰۱۱ مصاحبه ای با یکی از همکاران نزدیک اقای کروبی که مایل بوده به صورت ناشناس باقی بماند انجام شده است. این شاهد عینی و دست اول در خصوص خشونت اعمل شده علیه آقای کروبی و همکارانش و همچنین وضعیت حصر خانگی آقای کروبی ارائه کرد. گزارش شده است که تلفن های آای کروبی همگی قطع شده اند و مامورین به خانه او وارد شده و تلویزیون، مدارک و نیز کتاب های او را از خانه اش برده اند. خانم کروبی هم اجازه نداشت که به قرارهای پزشکی (برای معاینه) خود برسد همچنانکه که داروهای این زوج توقیف شدند و آقای کروبی دسترسی به پزشک خانوادگی نداشته علیرغم مشکلات تنفسی که داشته است. همچنین گزارش شده که آقای کروبی در ۱۸۶ روزی که تحت بازداشت خانگی بوده تنها ۱۰ دقیقه توانسته در هوای آزاد تنفس کند. این شاهد همچنین گفته است که از زمانی که مامورین اطلاعاتی با گذاشتن دوربین در راهروها و اتاقا های اولین مکانی که این زوج دستگیر شده بودند مکان را نظارت می کردند هیچ فضای شخصی برای این دو نمانده است. همچنین گزارش شده که از زمان بازداشت آقای کروبی تنها شش بار با اعضای خانواده خود ملاقات کرده و اینکه ملاقات کننده ها کاملا مورد تفتیش بدنی قرار گرفته اند هم قبل و هم بعد از ملاقات وهنگام خروج. براساس گزارشها ماموران هنگام ملاقات های آقای کروبی و همسر ایشان حضور داشته اند. آقای کروبی و همسر ایشان اخیرا از خانه خود به مکان های جداگانه ای حدودا در تاریخ ۱۶ جولای و ۱ اگوست برده شدند. درحالی که خانم کروبی بر اساس گزارش ها دیگر تحت بازداشت خانگی نیست، آقای کروبی به یک دفتر با دو اتاق برده و در آنجا نگهداری می شود واز ۱۶ جولای هیچ تماسی با خانواده خود نداشته است. گزارش های مبنی بر اینکه همزمان ۶ مامور همواره اتاق های یاد شده را اشغال کرده اند واحتمال حضور تیمی از روانشناسان که به منظور گرفتن اعترافات اجباری تلویزیونی درکنار آقای کروبی برای گزارشگر ویژه بسیار ناراحت کننده است. همچنین گزارش شده است که برخی از اعضای دو خانواده آقای موسوی و آقای کروبی مورد آزاد واذیت قرار گرفته، ارعاب و یا حتی بازداشت شده اند.

۲۷ -حشمت الله طبرزدی فعال سیاسی و دبیرکل جبهه دموکراتیک ایران در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹ دستگیرو به زندان اوین منتقل شد. براساس گزارش ها درسلول انفرادی نگهداری و شکنجه شده است. در اکتبر ۲۰۱۰ طبرزدی به ۹ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق برای اقدام علیه امنیت ملی و توهین به رهبر محکوم شد. بعد از اعتراض به اعدام ۵ زندانی سیاسی طبرزدی به زندان رجایی شهر منتقل شد. طبرزدی درنامه ای که از زندان نوشت از دادگاه های بین المللی خواست که به شکای او علیه آیت الله علی خامنه ای رهبر ایران رسیدگی کنند. در آوریل ۲۰۱۱ طبرزدی به همراه دیگر زندانیان در زندان رجایی شهر در اعتراض به شرایط زندان دست به اعتصاب غذا زد.

روزنامه نگاران

۲۸ - در نامه ای به گزارشگر ویژه که تاریخ ۱۷ اگوست ۲۰۱۱ را بر خود دارد، کمیته محافظت از روزنامه نگاران اعلام کرد که ۳۴ روزنامه نگار تا تاریخ دسامبر ۲۰۱۰ در زندان به سر می برند. آنها گفتند که روزنامه نگاران اغلب با وثیقه های غیرمعقول مواجه شده اند که برخی مواقع تا ۵۰۰ هزار دلار آمریکا رسیده است. یکی از این پرونده ها مربوط به احمد زیدآبادی روزنامه نگار اصلاح طلب و ستون نویس روزآنلاین و دبیرکل انجمن دانش اموختگان ادوارتحکیم وحدت است که در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۰۹ دستگیر شد. وکیل آقای زیدآبادی و همسرش گفته اند که او بیش از دوسال زندانی است بدون اینکه از مرخصی برخوردار باشددرطول این مدت. در ۴ اگوست ۲۰۱۱، آقای زیدآبادی به مدت ۴۸ ساعت به مرخصی آمد تحت این شرایط که ۵۰۰ هزار دلار وثیقه بگذارد. آقای زیدآبادی در تاریخ ۲ ژانویه ۲۰۱۰ به ۶ سال زندان، پنج سال تبعید به گناباد و محرومیت همعمر از فعالیت های سیاسی و اجتماعی به دلیل اتهاماتی چون "تلاش برای ایجاد انقلاب مخملی " محکوم شده است. گزارش شده است که آقای زیدآبادی ۱۴۱ روز در زندان انفرادی بوده است واز بازجویی های دشوار خشن برای اجباراو به قبول اتهاماتش رنج برده است.

۲۹ - محمد داوری برنده جایزه " کمیته دفاع از روزنامه نگاران " و سردبیر وب سایت سهام نیوز در مورد وضعیت زندانیان در بازداشتگاه کهریزک گزارشاتی تهیه کرد به همراه ضبط ویدیویی شهادت افرادی که شکنجه شده یا مورد آزاد واذیت جنسی وحتی تجاوز قرارگرفته بودند. این همراه با دلایل دیگر منجر به بسته شدن

بازداشتگاه کهریزک در جولای ۲۰۰۹ شد. کار اقای داوری منجر به دستگیری وی و بازداشت او در زندان اوین در سپتامبر ۲۰۰۹ شد. او به ۵ سال زندان برای "اقدام علیه نظام: شد. این حکم اخیرا به شش سال افزایش یافت چرا که آقای داوری قادر نبود که مبلغ ۵۰۰۰ دلار جریمه برای شرکت در تجمع معلمان در تاریخ فوریه و مارس ۲۰۰۶ را پرداخت کند. مادر او در نامه ای که به بان کی مون دبیرکل سازمان ملل نوشته است گفته که پسرش در بازداشتگاه شکنجه سختی را تحمل کرده کرده است. براساس گزارش ها آقای داوری برای اینکه بر علیه کاندیدای سابق ریاست جمهوری مهدی کروبی اعترافات تلویزیونی بکند به سختی شکنجه شده است. براساس گزارش ها آقای داوری در زندانی انفرادی نگهداری شده و قادر نبوده است که در هشت ماه گذشته با خانواده خود تماس برقرار کند.

۳۰ -روایت ها درخصوص بازداشت و مرگ روزنامه نگار وفعال ایرانی آقای رضاهدی صابر، نگرانی های بیشتری را در خصوص دستگیری های خودسرانه وبازداشت و رفتار با کنشگران جامعه مدنی مطرح می سازد. آقای صابر گفته می شود که به دنبال اعتصاب غذایی که با حمله قلبی مواجه شد در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ جان خود را از دست داد. مقامات زندان متهم شده اند که از توجه پزشکی به وی خودداری کرده اند درحالی که او ساعت ها از درد قفسه سینه شکایت می کرد قبل از اینکه از او مراقبت پزشکی به عمل آید. آقای صابر از دوم ژوین در اعتصاب غذا بود بعد از اینکه هاله سحابی دختر مرحوم عزت الله سحابی از رهبران ملی-مذهبی بر اثر یک حمله قلبی در جریان مراسم ترحیم پدرش و پس از برخورد با نیروهای امنیتی کشته شد. اطلاعاتی رسیده به گزارشگر ویژه پیشنهاد می دهد که زندانیان از اعتصاب غذا به عنوان وسیله ای برای اعتراض به وضعیت زندان، بازداشت خودسرانه و یا احکام تبعیض آمیز استفاده می کنند. در زمان نوشتن این گزارش، حداقل ۱۵ زندانی در اعتصاب غذا بودند که حال برخی از آنها وخیم گزارش شده است.

۳۱ -عیسی سحرخیز روزنامه نگار و فعال سیاسی و رییس سابق بخش مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم اکنون در زندان رجایی شهر به دلیل اتهاماتی چون "توهین به رهبری " و "تبلیغ علیه نظام " نگهداری می شود. آقای سحر خیز در تاریخ ۳ اگوست ۲۰۰۹ دستگیر و به سه سال زندان و یک سالممنوعیت از سفر خارجه و پنج سال ممنوعیت از فعالیت های روزنامه نگاری محکوم شد. در تاریخ ۵ اگوست ۲۰۱۱ آقای سحرخیز مطلع شد که او به دوسال دیگر در زندان محکوم شده برای فعالیت های مطبوعاتی گذشته اش.

۳۲- حسین رونقی ملکی وب لاگ نویس در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۹ دستگیر شد و برای ۱۱ ماه در سلول انفرادی بند الف-۲ زندان اوین نگهداری شد. آقای ملکی در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۱۰ به ۱۵ سال زندان به خاطر اتهاماتی چون "عضویت در شبکه پراکسی ایران " و "توهین به رییس جمهور " محکوم شد. وکیل اقای ملکی اعلام کرده است که وضعیت سلامتی او نیازمند توجه پزشکی خارج از زندان است. در ۱۵ مارس ۲۰۱۰ روزنامه تندروکیهان مقاله ای منتشر کرد که در آن رونقی ملکی به اتهامات جدی همچون "پذیرفتن پول از دولت های غربی " و "کمک به شخصیت های سیاسی برای فرار از ایران " و "رهبری گروه های سیاسی " نسبت داده شده بود. گفته می شود که آقای ملکی در بند ۳۵۰ زندان اوین نگهداری می شود.

۳۳ – مسعودباستانی روزنامه نگار، در ۵ جولای ۲۰۰۹ دستگیر شد به خاطر فعالیت هایی که در سایت جمهوریت داشت که به صورت آشکار از آقای موسوی در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ حمایت می کرد همچنین اتهام هایی همچون "سامان دهی تظاهرات و تبلیغ علیه نظام ". براساس گزارش ها آقای باستانی سه ماه در سلول انفرادی سپری کرد و توسط ماموران زندان هنگامی که اعضای خانواده به ملاقات وی رفته بودند مورد ضرب و شتم قرار گرفت- زمانی که او تفاضای چندین دقیقه وقت بیشتر برای خداحافظی با مادر وهمسرش رادر ژوین ۲۰۱۱ داشت.
در نتیجه او دچار حالت تهوع و از دست دادن تعادل خود شد به نحوی که باعث انتقال او به بیمارستان گشت جایی که گفته می شود یک روز برای اینکه مطمین شوند ضایعه مغزی صورت نگرفته آنجا ماند. او بعد از اینکه شکایت خود را در خصوص ضرب و شتم پس گرفت، از سلول انفرادی به بند عمومی منتقل شد.

۳۴- بهمن احمدی امویی روزنامه نگار که برای روزنامه های اصلاح طلب می نوشت و همچنین دارای یک وب لاگ بود درژوئن ۲۰۰۹ دستگیر شد و هم اکنون حکم پنج ساله خود را به خاطر " اقدام علیه امنیت ملی" می گذراند. در نامه ای که وضعیت زندان خود را تشریح کرد امویی و شماری از زندانیان دیگر نوشتند که اکثر آنها در شرایط غیرانسانی با آنها رفتار شده از جمله استفاده معمول از حبس انفرادی در سلول هایی که تقریبا ۲.۲ در

۱.۶ متر بودند. در این نامه آمده است که آنها مورد ضرب و شتم شدید و بدرفتاری قرار گرفته اند از جمله سر آنها را درون توالت کردند، مداوما تهدیدشدند و از برای مدت طولانی از خواب محروم بودند.

۳۵- محمدصدیق کبووند موسس سازمان حقوق بشر کردستان و روزنامه نگار در ژوئن ۲۰۰۷ بازداشت و در زندان اوین حبس شدوبه مدت پنج ماه در آنجا در سلول انفرادی بود. وی به ده سال حبس و به اتهام "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تاسیس سازمان حقوق بشر کردستان " ، " تبلیغ علیه نظام از طریق انتشار اخبار،" "مخالفت با قوانین جزایی اسلامی از طریق انتشارمجازات هایی مانند اعدام وسنگسار" و "فعالیت در حمایت از زندانیان سیاسی" محکوم شد. از آن زمان تا کنون آقای کبودوند از بیماریهای شدید ومتداومی رنج برده است و بنابرگزارشات در بسیاری از مواقع از توجه پرسنل پزشکی محروم بوده از جمله دو سکته در سال ۲۰۱۰ داشته است. به گفته همسرکبودوند شوهرش به وی گفته است که پس از اولین حمله قلبی توسط متخصص اعصاب دیده شده ولی معاینه دقیق نداشته و هیچ آزمایشی از او به عمل نیامده است. همسر وی همچنین گفته است که به گفته شوهرش پزشک حاضر در عوض یک سری قرص هایی برای استفاده روزانه تجویز کرده است ولی هیچ گونه جزییاتی در مورد اسم، خواص طبی یا عوارض جانبی آن به وی نگفته است.

۳۶- تقی رحمانی روزنامه نگار، نویسنده و عضو شورای فعالان ملی مذهبی و یکی از اعضای فعال کمپین انتخاباتی مهدی کروبی در سال ۱۳۸۸ در تاریخ ۹ فوریه ۲۰۱۱، پس از آنکه ماموران امنیتی ناشناس بنابر گزارش ها به طور خشونت آمیز به خانه وی هجوم آوردند در حضور همسر و دو فرزندخردسالش او را بازداشت کردند. بنابه اظهارات همسرش نرگس محمدی مقامات ایرانی هیچ گونه اطلاعاتی (تا کنون) در مورد اتهامات وی بیان نکرده اند.

۳۷- کیوان صمیمی مدیرمسوول مجله نامه که دیگر منتشر نمی شود در ۱۴ژوئن۲۰۰۹ بازداشت شد. او به شش سال زندان و ممنوعیت مادام العمر از فعالیت های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی محکوم شده است و اتهامات وی«عضویت در گروه های غیرقانونی از جمله ائتلاف ملی مذهبی، شورای ملی صلح و کمیته پیگیری بازداشت های خودسرانه» می باشند. دادگاه تجدید نظر حبس او را تایید کرده اما محرومیت از فعالیت ها را به پانزده سال کاهش داد. آقای صمیمی درون زندان به بیماری کبدی دچار شده اما مقامات زندان بنابرگزارشات از اجازه دادن به وی برای درمان در خارج از زندان خودداری کرده اند. آقای صمیمی همچنین بنابرگزارشات در زمان های متعددی مورد بدرفتاری در زندان قرارگرفته و در فوریه ۲۰۱۰ فعالان محلی گزارش دادند که وی پس از آنکه به شرایط زندان اعتراض کرده است به سلول انفرادی منتقل شده است. همچنین گزارش شده است که از دیدارهای خانوادگی وی جلوگیری شده است.

رفتار با فعالان دانشجویی

۳۸- سه مصاحبه با فعالان دانشجویی که خواسته اند ناشناس بمانند در طی نوشتن این گزارش انجام شد. این دانشجویان گزارش داده اند که آنها با بازداشت و ارعاب مواجه شدند و در مواردی مورد ضرب وشتم و شکنجه به دلیل ارتباطاتشان با سازمان های قانونی ثبت شده فعالان دانشجویی قرار گرفته اند. پرونده های دیگری هم از سوی سازمان های معتبر غیردولتی دراختیار گزارشگر ویژه قرارگرفته اند.

۳۹- فعال دانشجویی عبدالله مومنی در ۲۱ ژوئن ۲۰۰۹ دستگیر شد و به عنوان شرکت در اعتراضات ۲۰۰۹ به چهار سال و۱۱ ماه زندان محکوم شد. گزارش شده است که آقای مومنی برای تقریبا ۲۰۰ روز در حبس انفرادی بوده است و مورد آزار فیزیکی و روحی قرارگرفته و وادار به اعترافات تلویزیونی شده است. درنامه ای خطاب به آیت الله خامنه ای آقای مومنی نوشته است که بازجویان او گلوی او را تاحد بیهوشی فشار داده اند و ماموران در چندین بار سر او را به درون توالت فرو برده اند. مومنی همچنین گفته است که وی از مرخصی و دیدارهای خانوادگی پس از انتشار این نامه محروم شده است. اتهامات جدیدی علیه آقای مومنی در ۲۷ جولای ۲۰۱۱ مطرح شده است که ادعا شده است که به دلیل نوشتن نامه فوق می باشد. همسر مومنی گفته است که شوهرش نیاز به معالجه طبی در خارج از زندان دارد ولی از توجهات پزشکی مربوطه محروم است. با این حال آقای مومنی هنوز حکم جدیدی دریافت نکرده و از مرخصی هم در طی تمام بازداشتش محروم بوده است.

۴۰- رامین پرچمی کارشناس ارشد کارگردانی فیلم وبازیگری در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ در اعتراضات خیابانی بازداشت شد. قاضی دادگاه آقای پرچمی را به یک سال در زندان به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تجمع غیرقانونی»، "تلاش برای ضبط ویدیو" و " اختلال در نظم عمومی" محکوم کرده است. این هنرمند که از حامیان جنبش سبز می باشد در یک سلول انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین که تحت کنترل وزارت اطلاعات می باشد برای دو ماه بازداشت بود. وی سپس به بند ۳۵۰ منتقل شد.

۴۱- علی ملیحی فعال دانشجویی، روزنامه نگار و عضو دفتر ادوار تحکیم وحدت در ۲ فوریه ۲۰۱۰ بازداشت و متهم به "اجتماع و تبانی علیه نظام" ،"تبلیغ علیه نظام" ،"شرکت در تجمعات غیرقانونی" ،"نشراکاذیب" و "توهین به رییس جمهور" شد. وی در قبال این اتهامات به چهار سال زندان محکوم شد که دادگاه تجدید نظر در جولای ۲۰۱۱ آن را تایید کرده است.

۴۲- آرش صادقی فعال دانشجویی که محروم از تحصیلات عالی شده است بنابرگزارشات به دلیل عضویت در کمپین انتخاباتی میرحسین موسوی از تحصیلات عالی محروم شده است. آقای صادقی اول در ۹ جولای ۲۰۰۹ در حین هجوم به محوطه دانشگاه تهران بازداشت و پس از ۴۵ روز آزاد شد. آقای صادقی دوباره پس از اعتراضات عاشورای ۱۳۸۸ دستگیر و در آوریل ۲۰۱۰ آزاد شد. در نوامبر ۲۰۱۰ وی به دادسرای زندان اوین احضار و در آنجا بازداشت و به ۵ سال زندان به جرم اجتماع و تبانی علیه نظام محکوم شد. بنابرگزارشات صادقی در آوریل ۲۰۱۱ به دنبال اعتصاب غذا به کما فرو رفت. صادقی همچنین بنابر گزارشات دچار مشکلات فیزیکی به دلیل ضرب و شتم مداوم و شکنجه همچون عفونت ریه و فلج عضو شده است.

هنرمندان

۴۳- جعفرپناهی کارگردان شناخته شده سینمای ایران و برنده جایزه فستیوال کن و فستیوال فیلم ونیز برای فیلم های بادبادک سفید و دایره، برای اولین بار در ۳۰ جولای ۲۰۰۹ به همراه فیلمساز مستند مهناز محمدی برای حضور در مراسم یادبود کشته شدگان اعتراضات ۱۳۸۸ دستگیر شد. وی پس از چند روز آزاد شد ولیکن دوباره در اول مارس ۲۰۱۰ در خانه اش به همراه ۱۸ تن از اعضای خانواده و دوستانش بازداشت شد. اعضای خانواده و ودوستان وی پس از چندروزی آزاد ولی وی تا ۲۵ ماه می ۲۰۱۰ در زندان ماند و با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی به دنبال واکنش های جامعه هنری بین المللی آزاد شد. در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۰ قاضی دادگاه پناهی را به ۶ سال زندان و ۲۰ سال محرومیت از ساختن هرفیلم یا نوشتن فیلمنامه و یا مصاحبه با رسانه های ملی و بین المللی و سفر به خارج از کشور محروم کرد.

۴۴- محمدرسول اف کارگردان سینما ویکی از همکاران جعفر پناهی هم به شش سال زندان محکوم شد. شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران با اتکا به موارد ۵۰۰، ۶۱۰ و ۱۹ قانون جزایی اسلامی با متهم کردن وی به "اجتماع و تبانی" با قصد "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه جمهوری اسلامی " محکوم کرد.

۴۵- محسن نامجو خواننده و اهنگسارایرانی به طور غیابی به ۵ سال زندان در ۹ ژوئن ۲۰۰۹ محکوم شد. محکومیت نامجو به جرم "توهین به مقدسات اسلامی" که ادعا شده است به دلیل تمسخر و خواندن قرآن به روش غیرمعمول بوده است. وی درحال حاضر در خارج از ایران به سر می برد.

وکلا

۴۶- شیرین عبادی وکیل برجسته حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل لیستی از ۴۲ وکیل که از سال ۲۰۰۹ مورد تعقیب قضایی و آزاردولتی قرارگرفته اند به گزارشگر ویژه ارائه داد. وی گوشزد کرد که دولت جمهوری اسلامی ایران وکلایی که مدافعین سیاسی را وکالت می کنند را در سالهای گذشته با بدبینی به آنان می نگرد. در نتیجه آنها با پرونده هایی روبرو بوده اند. برخی از آنها هم اکنون در حبس به سر می برند. از جمله آقای هوتان کیان، آقای قاسم شعله سعدی و آقای حسین یونسی. برخی دیگر از آنان با قرار وثیقه آزاد می باشند از جمله آقایان محمدعلی دادخواه، خلیل بهرامیان و عبدالفتاح سلطانی. عده ای دیگر از جمله خانم مهناز پراکند وخانم نسیم غنوی مورد بازجویی قرار گرفته اند. خانم عبادی همچنین گفته که اکثر این وکلا با اتهامات مربوط به حرفه وکالت و دفاع از حقوق متهمین در پرونده های سیاسی روبرو می باشند و به دنبال این تحولات غیرقابل اجتناب است که وکلای کشور در اینده ای نزدیک شجاعت خود برای دفاع از این گونه اشخاص را ازدست بدهند.

۴۷- وکیل برجسته حقوق بشر ایرانی نسرین ستوده در ۴ سپتامبر ۲۰۱۰ به دادسرای زندان اوین احضار و در آنجا بازداشت و به سلول انفرادی منتقل شد. در ژانویه ۲۰۱۱ به ۱۱ زندان و ۲۰ سال محرومیت از حرفه وکالت و ۲۰ سال ممنوع الخروج شد. اتهامات وی شامل "اقدام علیه امنیت ملی" ،" تبانی و تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران"، و "عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر" است. تقریبا یک سال پس از بازداشت ستوده که مادر دو فرزند خردسال می باشد همچنان در زندان اوین محبوس و از مرخصی وی جلوگیری شده است. پس از آنکه بازجویان به وی گفتند که دادگاه تجدید نظر ۱۱ سال حکم وی را تایید خواهد کرد ستوده درخواست خود را برای تجدید نظر پس گرفت. خانم ستوده چندین بار برای اعتراض به بازداشت غیرقانونی و نقض حقوق وی به اعتصاب غذا روی آورده است. بنابراطلاعات کسب شده توسط گزارشگر ویژه همسر خانم ستوده رضا خندان که به طور علنی برای رفتار عادلانه با همسرش تلاش می کند توسط مقامات بازجویی، بازداشت و مورد تهدید و آزار فیزیکی قرار گرفته است. اعضای خانواده خانم ستوده بنابرگزارشات در یک ملاقات اخیر از وی در زندان توسط مقامات زندان مورد آزار بدنی و بازداشت قرارگرفتند. در اعتراض به آزار بدنی و بازداشت اعضای خانواده اش خانم ستوده بنابرگزارشات از دیدارهای خانوادگی خودداری کرده است.

۴۸- محمدسیف زاده وکیل برجسته و یکی از موسسین کانون مدافعان حقوق بشر در تاریخ ۳۰ اکتبر ۲۰۱۰ به ۹ سال زندان و۱۰ سال محرومیت از وکالت به جرم "اقدام علیه امنیت ملی" از طریق "تاسیس کانون مدافعان حقوق بشر" محکوم شد. پرونده وی در حال حاضر در شعبه ۵۴ دادگاه انقلاب مورد تجدید نظر است. اتهامات وی شامل "تبانی واجتماع به منظور "اخلال در نظم داخلی" و " فعالیت های تبلیغاتی علیه نظام" بوده است. ولی از دسترسی به وکیلش و دیگر ضوابط دادرسی عادلانه محروم بوده است.

فعالان محیط زیست

کمپین نجات دریاچه ارومیه

۴۹- اطلاعاتی در مورد تشدید مشاجرات مربوط به تهدیداتی که دریاچه ارومیه با آن روبروست به گزارشگر ویژه از طریق چندین سازمان غیردولتی در اگوست ۲۰۱۱ ارسال شده است. فعالان محیط زیستی و همچنین ساکنین دو شهر بزرگ در اطراف دریاچه، ارومیه وتبریز، براین باورند که ساخت ۳۵ سد بر روی ۲۱ رودخانه ای که آب دریاچه را تامین می کنند موجب جلوگیری از انتقال ۵.۵ میلیارد متر مکعب به طور سالیانه شده است. از دست دادن این مقدار آب گفته می شود که دلیل عمده کاهش فزآینده سطح آب این دریاچه است. گزارشات ادعا می کند که ۸ میلیارد تن نمک می تواند به صورت بالقوه به محیط اطراف این دریاچه درحال خشک شدن آسیب برساند و موجب از دست دادن گیاهان و جانداران آن شود. همچنین بر روی سلامت و توانایی کشاورزی تقریبا ۱۴ میلیون ساکن منطقه مضر باشد.

۵۰- اعتراضات برای نجات این دریاچه پس از آنکه مجلس ایران نتوانست لایحه ای فوری برای بالا بردن سطح آب دریاچه از طریق انحراف آب از رودخانه ارس در اواخر اگوست ۲۰۱۱ را به تصویب برساند شکل گرفت. این اعتراضات بنا برگزارشات موجب دستگیری حداقل ۶۰ نفر به دلیل شرکت در این اجتماعات و مجروم شدن ۴۵ معترض دیگر به دنبال تیراندازی از سوی مامورین شده است. ادعاهای دریافت شده حاکی از آن است که بازداشت شدگان از دسترسی به وکیل، خانواده و مداوای پزشکی محروم بوده و تحت شکنجه ودیگر رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز قرارگرفته اند. فرآنک فرید یک فعال و روزنامه نگار واز اعضای اقلیت آذربایجان ایران بنابرگزارشات بعد از بازداشت در تاریخ ۳ سپتامبر ۲۰۱۱ در شهر تبریز مورد شکنجه قرار گرفته است. خانم فرید که در حال حاضر در زندان تبریز حبس است بنابرگزارشات متهم شده به "توهین به مقام رهبر" ،"تبلیغ علیه نظام واقدام علیه امنیت ملی" شده است. گزارشگر ویژه نگران ادعاهای سرکوب حقوق تضمین شده آزادی بیان و اجتماعات و همچنین ادعاهای محرومیت از دادرسی عادلانه برای بازداشت شدگان می باشد.

- آزادی اجتماعات

۵۱- پیمان نامه حقوق مدنی و سیاسی حق اجتماع مسالمت آمیز را تضمین می کند. ولیکن در موارد مختلف ادعا شده است که حق اجتماع مسالمت آمیز زیر پا گذاشته شده منجمله صادر نکردن مجوز از سوی دولت و ارعاب تجمع کنندگانی که برای سالگرد انتخابات خرداد ۸۸ اقدام کردند. گزارشگر ویژه همچنین اگاه شده است که به عنوان نمونه ماموران دولتی بنابر گزارشات از حق حضور عزاداران در مراسم تشعیع جنازه عزت الله

سحابی فعال سیاسی را نادیده گرفتند. گزارشات تصریح می کنند که نیروهای امنیتی در تشعیع جنازه که در ژوین ۲۰۱۱ اتفاق افتاد را متخل کردند و با خشونت جسد آقای سحابی را گرفته و با خود بردند و به ضرب و شتم عزاداران پرداختند از جمله دختر آقای سحابی، هاله سحابی. خانم سحابی همچنین یک فعال سیاسی در حال گذران حکم دو سال زندان خود به جرم "تبلیغ علیه نظام" و " اختلال در نظم عمومی" بود ولی برای حضور در تشعیع جنازه پدرش به مرخصی آمده بود. بنابراظهارات شاهدان عینی خانم سحابی توسط ماموران امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به دنبال آن بر اثر یک حمله قلبی مرگبار درگذشت.

۵۲- درمصاحبه با یک عضو سابق کمپین ریاست جمهوری مهدی کروبی که درخواست کرد ناشناس بماند، گزارش شد که در ۳۰ جولای ۲۰۰۹، پس از انکه آقای کروبی به مراسم یادبود کشته شدگان در اعتراضات ژوئن ۲۰۰۹ به بهشت زهرا رفت، در آنجا نیروهای پلیس به صورت مستمر به شرکت کنندگان با باتوم، اسپری فلفل و گاز اشک آور حمله کردند. این شاهد گزارش داد که وی از آقای کروبی در حین آنکه مورد ضرب وشتم قرار گرفت جدا شد. ولیکن آقای کروبی توانست بدون اینکه صدمه ببیند توسط محافظان امنیتی خود به ماشین خود برسد. این شاهد همچنین گزارش داد که آقای کروبی در ۱۱ فوریه ۲۰۱۰ دراجتماعی در شمال میدان آزادی مورد حمله قرار گرفت. بنا بر این گزارش آقای کروبی در قسمت ران و کمر خود مورد ضرب و شتم قرار گرفت وهمچنین گاز اشک آور و در معرض گاز اشک آور و اسپری فلفل بود. علی کروبی یکی از پسران اقای کروبی با تجمع کنندگان دستگیر و به یک مسجد منتقل شد. در انجا علی کروبی بنابرگزارش مورد ضرب و شتم شدید در مقابل دیگر بازداشت شدگان قرار گرفت. بنابراین گزارش یک دست او دچار شکستگی شد و دچار جراحاتی در ناحیه کمر وچشم شد. وی پس از ۲۴ ساعت ازاد شد.

- حقوق زنان

۵۳- همانطور که در بالا اشاره شد جمهوری اسلامی ایران پیمان نامه حقوق مدنی و سیاسی را بدون شرط تصویب کرده که نمایانگر نیت برای ترویج و حفاظت از توانایی زنان برای بهره مندی از تمام حقوق مدنی و سیاسی که در این پیمان نامه تصریح شده می باشد. در حالیکه ماده ۲۰ قانون اساسی ایران می گوید " همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون‌قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند" بحث تفسیر قوانین شریعت و چگونگی همخوانی آن با برابری جنسیتی موضوع گفت وگوی مداومی بین دولت و فعالان حقوق زنان می باشد.

گزارشگر ویژه براین باور است که ظرفیت دولت برای ایجاد دموکراسی، چندصدایی و برابر جنسیتی به طور جدی از طریق سرکوب فعالان که برای ارتقا این گفت وگو تلاش می کنند نادیده گرفته شده است.

۵۴- اضافه براین، به کارگیری برخی قوانین که مانع برقراری برابری جنسیتی می باشند توانایی دولت را برای حفاظت از حقوقی که در پیمان نامه حقوق مدنی سیاسی برای تمامی شهروندان تضمین شده تضعیف می کند. برای مثال جان یک زن و شهادت یک زن در دادگاه نصف مرد حساب می شود. مردان حق مطلق طلاق دارند در حالیکه زنان فقط می توانند درخواست طلاق را در شرایط به خصوصی مطرح کنند که برخی از آنان باید از قبل عقدنامه ذکرشده و مورد موافقت قرار گرفته باشد. مادران نمی توانند حق حضانت فرزندان خود را داشته باشند حتی پس از آنکه شوهرشان فوت کنند. زنان حق ارثیه مساوی نداشته و حتی وقتی که یک زن تنها بازمانده شوهرش باشد نمی تواند بیش از یک چهارم دارایی او را به ارث ببرد. اگر همسر تنها بازمانده نباشد ارث وی به یک هشتم اموال محدود است.

۵۵- فعالان حقوق زنان که تلاش برای برقراری برابری جنسیتی می کنند، به دلیل کارزارها و فعالیت هایشان در مورد حقوق زنان هدف قرار گرفته اند. برای مثال اعضای کمپین یک میلیون امضا به صورت مستمر مورد تهدید، آزار واذیت، بازجویی و زندان قرار گرفته اند. گزارشگر ویژه دو مصاحبه با اعضای این کمپین انجام داد که خواستند نامشان در گزارش مطرح نشود. به گفته این افراد آنها تحت نظر، بازجویی با چشم بند و بازداشت بوده اند. این بازجویی ها مربوط به فعالیت این فعالان دانشجویی و حقوق زنان بوده است. این افراد همچنین گفتند که تهدید به اخراج از دانشگاه یا محرومیت از ادامه تحصیلات خود به دلیل فعالیت هایشان بوده اند. آنها همچنین گزارش دادند که برای مدتهای طولانی در طی زمان بازجویی و تحقیقات در سلول های انفرادی به سر برده اند. همچنین از دسترسی به وکیل محروم بوده و تحت فشار برای اعتراف علیه خود و یا دیگران و حتی

اشخاصی که حتی برای آنها ناشناس بوده اند قرار داشته اند. یکی از این شاهدین گفت که به طورغیابی به ۵ سال زندان به جرم " تشویق اعتراضات" ، یک سال برای انتشاراکاذیب از طریق مصاحبه های رسانه ای و نوشتن مقالات و همچنین یک سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق به جرم " اقدام علیه نظام از طریق شرکت در تجمعات" محکوم شده است.

۵۶- اجرای سختگیرانه کدهای اخلاقی مربوط به پوشش و تلاش برای جرم آفرینی برای حجاب نامتناسب موجب محدودیت هایی درحضور زنان در صحنه اجتماع شده است. همچنین بیانات برخی از مقامات در مورد برخی از قربانیان و کسانی که به کرامت انسانی و جسمی آنها بی حرمتی شده است موجب نگرانی است. این گزارشات شامل اظهارات مقامات دولتی در مورد پوشش زنان به عنوان دلیل حملاتی که اخیرا دراصفهان در ژوئن ۲۰۱۱ اتفاق افتاد و در طی آن ۱۴ زنی که در یک میهمانی خصوصی بودند ربوده و مورد تجاوز جمعی قرار گرفتند. بیانات مقامات رسمی ادعا کردند که پوشش این زنان منبع خشونتی است که برعلیه آنها انجام شد و دلیلی برای عدم اقدام قضایی برعلیه عاملان شمردند.

۵۷- پرونده بهاره هدایت فعال دانشجویی و حقوق زنان و عضو شورای مرکزی و سخنگوی دفترتحکیم وحدت وفعال کمپین یک میلیون امضا به گزارشگر ویژه ارائه شد. بنابه گزارشات وی از سوی ماموران وزارت اطلاعات ایران برای پنجمین بار در چهارسال اخیر در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹ بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. در ماه مه ۲۰۱۰ خانم هدایت به ۹ سال و نیم زندان محکوم که پنج سال آن به اتهام " اجتماع و تبانی علیه نظام"، دوسال آن برای "توهین به مقام رهبری" و شش ماه آن برای اتهام "توهین به رئیس جمهور" است. دادگاه همچنین دوسال حبس تعلیقی وی را به دلیل شرکت در تجمع اعتراضی به قوانین تبعیض آمیز علیه زنان در سال ۲۰۰۶ به جریان انداخت.

۵۸- محبوبه کرمی فعال حقوق زن واز اعضای کمپین یک میلیون امضا، درابتدا در اول مارس ۲۰۰۹ بازداشت و پس از گذراندن ۱۷۰ روز زندان به دنبال تودیع وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. خانم کرمی سپس به چهار سال زندان محکوم شد. در فوریه ۲۰۱۱ دادگاه تجدید نظر، حکم وی را به ۳ سال کاهش داد. وی در ۱۵ می ۲۰۱۱ پس از آنکه وی توسط دادسرای زندان اوین احضار شد حبس سه ساله خود را آغاز کرد. اتهامات خانم کرمی شامل "عضویت در سازمان فعالان حقوق بشر" ،"تبلیغ علیه نظام" و " اجتماع وتبانی به منظور اقدام علیه امنیت ملی می باشد".

- اقلیت های قومی ومذهبی

۵۹- گزارشگر ویژه همچنین نگران گزارشاتی از خشونت های هدفمند و تبعیض علیه گروه های اقلیتی می باشد. اعضای اقلیت های قومی و مذهبی رسمی و غیررسمی از جمله شهروندان عرب، آذری، بلوچ، کرد، دروایش نعمت اللهی، سنی ها، بهاییان و جوامع مسیحی که بنا به گزارشات با نقض وسیع حقوق بشر و حقوق مدنی خود روبرو هستند. از جمله نقض حقوق آزادی اجتماعات، انجمن ها، بیان و حرکت انان.

۶۰- گزارشگر ویژه نگران گزارشات مبنی بر تعدی به اعضای جامعه بهاییان که با وجود انکه بزرگترین اقلیت مذهبی غیرمسلمان می باشند اما از شناسایی رسمی دولت برخوردار نیستند. اعضای آنان در یک روند تاریخی از تبعیضات گوناگونی رنج برده اند از جمله محرومیت از مشاغل، حقوق بازنشستگی و فرصت های تحصیلاتی و همچنین مصادره و تخریب اموال. بنابرگزارشاتی که گزارشگر ویژه دریافت کرده است حداقل ۱۰۰ عضو جامعه بهایی من جمله ۷ تن از افرادصاحب نام آنان هم اکنون در زندان های ایران به سر می برند. ادعا می شود که اکثریت این بازداشت شدگان با جرائم امنیتی روبرو بوده و در جریان روندهای دادرسی غیرعادلانه محکوم شده اند.

۶۱- به علاوه اقلیت های مذهبی رسمی هم با محدودیت های جدی در بهره مندی از حقوق خود روبرو هستند و محدودیت های فراوانی برای آزادی مذهب و عقاید مواجه هستند. گزارشگر ویژه خاطر نشان می کند که تغییرکیش از اسلام همچنان قابل مجازات است. ماده ۱۳ و ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی مسیحیت را به رسمیت می شناسد و به مسیحیان حق عبادت و ایجاد انجمن های مذهبی می دهد. ماده ۱۶ قانون اساسی دولت ایران را موظف به حمایت از برابری و حقوق مسیحیان می کند. ولیکن بنابرگزارشات مسیحیان در جمهوری اسلامی ایران، با موانعی برای آزادی مذهب روبرو بوده و هدف ابعاد مختلفی از تبعیض مذهبی قرار

دارند. گفته می شود که این شرایط به خصوص در مورد مسیحیان پروتستان که به تازگی تغییر مذهب داده اند اعمال می شود. وزارت اطلاعات اجتماعات پروتستان ها را از نزدیک تحت نظرقرار می دهد و به طور مداوم اعضای آنها را احضار، بازجویی و بازداشت می کند. در طی این بازجویی ها از افراد در مورد اعتقاداتشان فعالیت هایی کلیسایی، دیگر اعضای کلیسا پرسش می شوند و اغلب ترغیب به بازگشت به اسلام می شوند. در این مورد برخی از اعضای پروتستان گزارش داده اند که توسط ماموران اطلاعاتی تهدید شده اند که اگر به اسلام برنگردند بازداشت و به جرم ارتداد محاکمه خواهند شد. این روند آزار واذیت منجر به فعالیت های زیرزمینی اغلب کلیساهای پروتستان شده که مراسم کلیسایی و انجیل خوانی در خانه های شخصی اجرا می شود.

۶۲- گزارشگر ویژه به ویژه نگران از حکم اخیر دیوان عالی جمهوری اسلامی است که حکم اعدام آقای یوسف ندرخانی کشیش پروتستان که در خانواده ای مسلمان به دنیا آمده ولی در سن ۱۹ سالگی به مسیحیت روی آورده است. بنابراین حکم صادره اگر این شخص مسیحیت را نفی نکند وی به دار آویخته خواهد شد. این پرونده نشانه ای از بی مدارایی مذهبی و نقض حقوق آزادی مذهبی و اعتقادی با تایید حکومتی است. آزادی مذهب و اعتقادی یک آزادی تضمین شده در قوانین بین المللی است. کشیش بهروز صادق خانجانی، از کلیسای ایران در شهر شیراز، همچنین در ژوئن ۲۰۱۰ بازداشت شد و به مدت دو ماه بدون ارتباط با دنیای خارج در سلول انفرادی به سر برد. مقامات قضایی اول او را به ارتداد متهم کردند ولیکن بعدا جرم وی را به توهین به مقدسات تغییر دادند. وی هم اکنون در انتظار محاکمه برای این جرم است.

۶۳- دراویش صوفی مسلمان در جمهوری اسلامی ایران همچنین با موانع برای آزادی مذهب و تبعیض مذهبی به اشکال مختلف روبرو هستند. این به خصوص در مورد اعضای دروایش نعمت اللهی گنابادی اعمال می شود. غلامعباس زارع حقیقی یکی از رهبران دروایش گنابادی، به خاطر اینکه اجازه دفن در گورستان صوفی ها را داده بود در اکتبر ۲۰۰۹ به چهار سال زندان محکوم شد. در ۱۳ آوریل ۲۰۱۱ مقامات ۸ درویش گنابادی را به اسامی عبدالرضا کاشانی، شکرالله حسینی، علیرضاعباسی، علی کاشانی فر، محمد مروی، نظرعلی مروی، رامین سلطان خواه و ظفرعلی مقیمی بازداشت کردند. تمام آنان از اعضای گروهی از دروایش بودند که قبلا به پنج ماه زندان، پنجاه ضربه شلاق و یک سال زندگی درتبعید به جرم اخلال در نظم عمومی به دنبال تجمع در مقابل دادگستری گناباد و زندان آن شهر برای اعتراض به بازداشت یکی از رهبران خود شده بودند، محکوم شده بودند.

۶۴- آیت الله یوسف صانعی از مراجع تقلیدبرجسته شیعه در قم است که سابقه صدور فتوا با تفاسیر اصلاح طلبانه دارد. وی از حامیان نامزدی میرحسین موسوی در انتخابات ژوین ۲۰۰۹ بود. وی همچنین از منتقدان صریح سرکوب پس از انتخابات می باشد. در طی ماه های جولای و اگوست ۲۰۰۹ ایت الله صانعی به صورت علنی در قبال بازداشت ها، شکنجه، اعترافات اجباری و اعمال خشونت علیه معترضین انتقاد کرد. در ۳ ژانویه ۲۰۱۰ نیروهای لباس شخصی بسیجی بنابرگزارشات به دفتر آیت الله صانعی در شهر گرگان پس از سخنرانی انتقاد آمیز وی در مورد تحولات پس از انتخابات دران شهر حمله کردند. ماموران لباس شخصی همچنان بنابرگزارشات در مقابل بیت صانعی در قم تجمع کرده و در ۱۳ ژوئن ۲۰۱۰ به آن حمله و اموال آن را تخریب کردند.

۶۵- مولوی حبیب الله مرجانی مدرس و مدیر امور طلاب درحوزه دارالعلوم در اول ماه می ۲۰۱۱ دستگیر شد. در ۲۴ می ۲۰۱۱ بولتن نیوز وب سایت ایرانی ادعا کرد که مرجانی به اتهام "تلاش برای تشکیل اجتماعات غیرقانونی" بازداشت شده است. هیچ اطلاعاتی در مورد شرایط کنونی وی و وضعیت وی در دست نیست.

۶۶- حجت الاسلام احمدقابل پژوهشگر شناخته شده دینی و از نزدیکان وشاگردان آیت الله منتظری روحانی معترض است. در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰ قابل به دادگاه انقلاب مشهد احضار شد. پس از حضور وی بازداشت و به زندان وکیل اباد مشهد منتقل شد. در ۳۱ جولای ۲۰۱۱ قابل به زندان وکیل آباد فرخوانده و حکم بیست ماهه زندان خود را به دلیل صحبت درمورد شرایط زندان واعدام ها آغاز کرد.

۶۷-حجت الاسلام مجتبی لطفی روحانی جوانی است که مقالاتی در روزنامه های اصلاح طلب و وب سایت ها چاپ کرده است. وی به حکم دادگاه ویژه روحانیت شهر قم در ۸ اکتبر ۲۰۰۸ به اتهام "انتشاراکاذیب و تولید وپخش مقالات و جزوه بدون مجوز" بازداشت شد. در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۸ دادگاه ویژه روحانیت شهر قم لطفی را

به چهار سال زندان و پنج سال تبعید محکوم کرد و به زندان لنگرود قم منتقل شد. در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۹ مقامات اعلام کردند که آقای لطفی اجازه دارد که از غروب تا صبح هر روز را در خانه اش به سر برد. ولیکن او موظف بود که هر روز در زندان حضور داشته باشد. به دنبا حضور در مراسم تشجیع جنازه آیت الله منتظری لطفی دوباره دستگیر و این بار به اتهام "شرکت در تشجیع جنازه آیت الله منتظری در طی مرخصی از زندان" توسط دادگاه ویژه روحانیت مورد محاکمه قرار گرفت. دادگاه وی را به ده سال تبعید در شهر آشتیان محکوم کرد.

۶۸-گزارشگر ویژه همچنین گزارشات متعددی در مورد تبعیض علیه مسلمانان سنی در ایران دریافت کرده است. برای مثال جامعه سنی بنابرگزارشات اجازه ساخت مساجد ومحل عبادت ندارند و همچنین از اجرای مراسم نماز جمعی مانند نماز جمعه و عید محروم هستند. در ۲۹ اگوست ۲۰۱۱ یکی از رهبران مذهبی سنی شیخ الاسلام مولانا عبدالحمید، از رهبر ایران خواست که موانعی که برای اجرای مراسم عید فطر و نماز جمعه برای سنی ها در شهرهای بزرگ وجود دارد را رفع کند. وی همچنین نگرانی خود در مورد گزارشات در مورد اعمال تبعیض آمیز مقامات از طریق گرفتن سوگند کتبی از محققان مذهبی سنی در تهران برای اینکه مراسم عیدنماز عید فطر را برگزار نکنند. به علاوه در ۶ فوریه ۲۰۱۱ گزارش شده است که مقامات امنیتی به محل عبادت سنی ها در خانه ای در تهران هجوم برده آن را مهر و موم کرده و پیشنماز آنها را به نام مولوی موسی زاده دستگیر کردند. وی در ۱۳ مارس ۲۰۱۱ با تودیع وثیقه آزاد شد.

- اعدام

۶۹- گزارش دوره ای دبیرکل سازمان به شورای حقوق بشر در ایران افزایش چشم گیری را در تعدادداعدام های ثبت شده در ایران ثبت کرده است. علاوه بر نگرانی های جدی در خصوص کثرت استفاده از چنین حکمی، گزارشگر ویژه به همان اندازه در خصوص اینکه مجازات مرگ به صورت متداول در پرونده هایی که به متهم حق دادرسی عادلانه داده نمی شود نگران است. اعدام های گروهی مخفیانه در داخل زندان ها که در تعداد هشداردهنده ای رخ می دهد اغلب بدون اطلاع و حضور خانواده ها ووکلا صورت می گیرد. اعدام های در ملاء عام که ایرانیان ادعا می کنند تاثیر بازدارنده در وقوع جرم دارد، همچنان اتفاق می افتد. گزارشگر ویژه به خصوص از ویدیوی اعدام سه نفر که به جرم ادم ربایی و تجاوز در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۱۱ در میدان آزادی کرمانشان به دار آویخته شدند و جمعیت زیادی من جمله کودکان ناظر بودنداظهارناراحتی و نگرانی کرده است.

۷۰- به علاوه گزارشگر ویژه در خصوص گزارش های مبنی بر استفاده گسترده از مجازات مرگ برای مجازات هایی که قوانین بین المللی درخصوص جنایت های خیلی جدی را رعایت نمی کنندنگرانی جدی دارد. براساس منابع مختلف از جمله سازمان عفو بین الملل، اکثریت کسانی که در سال ۲۰۱۰ اعدام شدند متهمان مرتبط با جرائم موادمخدری بودند. کمیته حقوق بشر و گزارشگر ویژه اعدام های فراقضایی، شتاب زده و خودسرانه بیان کرده اند که جرائم مرتبط با مواد مخدر به عنوان "جرائم خیلی جدی" که مجازات مرگ در مورد آنها تحت قوانین بین المللی روا شمرده می شوند به شمار نمی روند. مجازات مرگ همچنین در مورد پرونده هایی با اتهام های محاربه یا "دشمنی با خدا یا حکومت"، تجاوز، قتل، اعمال منافی عفت نیز به کار گرفته شده است. بیش از ۲۰۰ فقره اعدامی که به صورت رسمی اعلام شده اند درسال ۲۰۱۱ رخ داده است. حداقل ۸۳ فرد، از جمله سه زندانی سیاسی تنها در ژانویه ۲۰۱۱ اعدام شده اند. همچنین این نکته مدنظر قرارگرفت که ۴ درصد اعدام ها که توسط رسانه های ایران اعلام شد هیچ اتهامی را مطرح نکرده بودند. حداقل یک نفر به جرم ارتداد در سال ۲۰۱۱ محکوم شده است و نزدیک به ۱۰۰ اعدام انجام شده در سال ۲۰۱۱ مرتبط با جرائم مواد مخدری بوده است.

۷۱- به علاوه براساس گزارشها مقامات ایرانی بیش از ۳۰۰ اعدام را در زندان وکیل آباد مشهد در سال ۲۰۱۰ انجام داده اند. مسوولان زندان وکیل آباد با نقض قوانین ایران ادعا می شود که این اعدام ها را بدون اطلاع دادن یا حضور وکلا و یا خانواده های آنان و بدون اطلاع قبلی کسانی که اعدام شدند انجام دادند. همچنین گزارش شده است که ۱۴۶ اعدام مخفی در سال ۲۰۱۱ انجام شده است.

۷۲- همچنین گزارش شده است که بیش از ۱۰۰ نوجوان (افرادزیر۱۸ سال) درجمهری اسلامی ایران انتظار مرگ به سر می برند. در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱ گزارشگر ویژه بهمراه گزارشگر اعدامهای سریع و فراقانونی و گزارشگر ویژه استقلال قضات و وکلا و گزارشگر ویژه شکنجه در بیانیه مطبوعاتی مشترکی اعدام در ملا عام

نوجوان ۱۷ ساله علیرضا ملا ساطانی را که در ۲۱ سپتامبر در کرج اتفاق افتاد محکوم کردند. گزارشگر ویژه تاکید میکند کهاعدام نوجوانان که براساس تعریف شامل افرادی می شود که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال دارند توسط (ای. سی. سی. پی. ار) و کنوانسوین حقوق کودک که جمهوری اسلامی ایران هم عضوی از آن است ممنوع اعلام شده است. به علاوه گزارشگر ویژه نگران رفتار نابرابرانه بین دختران و پسران در قانون مجازات است که دختران شش سال زودتر از پسران در برابرمسائل جنایی مسوول و پاسخگو می داند.

- بازداشت برای ارتباط با نهادهای خارجی

۷۳- امید کوکبی دانشمندجوان و فارغ التحصیل دانشگاه تگزاس زمانی که وی برای ملاقات خانواده اش به ایران سفر کرد، دستگیر و از فوریه ۲۰۱۰ در بند ۲۰۹ و بند ۳۵۰ زندان اوین بوده است.براساس گزارش ها او از آن زمان در زندان اوین نگهداری شده است. اتهاماتی که به وی نسبت داده شده عبارتند از "تحصیل پول نامشروع" و "رابطه با دولت متخاصم". پیش از دادگاه وی که بعدا برای زمانی نامشخص به تعویق افتاد کوکبی نامه ای را به رییس قوه قضاییه ایران نوشت و از آزارواذیت، شکنجه و نگهداری خود در سلول انفرادی سخن گفت. کوکبی همچنین نوشت که او به اتهام "بهت آور تجمع و تبانی بر علیه امنیت ملی و برای ۳۶ روز در سلول انفرادی نگهداری شده است". آقای کوکبی نوشت که او تحت فشارقرار گرفته که اعترافات اجباری بنویسد و در مورد کسانی بنویسد که در سفارت خانه ها و یا کنفرانس ها آنها ر مشاهده کرده ویا در تماس با آنها بوده است. او گفته که به او گفته شده بود که این افراد ماموران سازمان سیا هستند. او پافشاری می کند که هیچ سابقه ای از فعالیت سیاسی ندارند و قانونی بودن بازداشت خود را به چالش می کشد. وکیل آقای کوکبی براساس گزارش ها نامه ای به رییس قوه قضاییه نوشت و اعلام کرد که او به موکلاش دسترسی نداشته است.

۷۴- گزارشگر ویژه یک مصاحبه را با منبعی که خواسته ناشناس بماند در خصوص دستگیری دو پزشک و متخصص اچ.ای.وی/ایدز، آرش و کامیارعلایی، همچنین دو همکار آنها محمداحسانی و سیلوا هاراتونیان انجام داده است. مروری بر تصمیم دادگاه در این خصوص که در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰ توسط گزارشگر ویژه نشان میدهد که هر چهار نفر متهم شدند به "اقدام علیه امنیت داخلی از طریق همکاری با دولت ایالات متحده آمریکا". سندی که شامل تصمیم دادگاه است مطرح کرده بود که دولت آمریکا مظنون به " تلاش برای جلب و به کار گیری عناصری در سازمان های غیردولتی، روزنامه نگاران، وب لاگ نویسان، افرادی از طبقه تحصیل کرده و روشنفکر، رهبران علمی، جنبش های اجتماعی و دانشجویان بوده از طریق ایجاد لینک های ارگانیک". این سند در ادامه می نویسد که شاهدی که استفاده شده تا برادران علایی محکوم گردند این بوده که آنها اعتراف کرده اند که در کنفرانس ها شرکت کرده اند واز افراد برای شرکت در کنفرانس ها دعوت کردند همچنین در سازمان دهی و اجرای برنامه تبادل با نهادهایی مانند دانشگاه جان هاپکینز و انجمن آسیا همکاری کرده اند.

- جمع بندی

۷۵ -گزارشگر ویژه مایل است که بر میل خود به منظور گفت وگوی سازنده با دولت جمهوری اسلامی ایران، جامعه بین المللی و جامعه مدنی تاکید کند. گزارشگر ویژه نگاه رو به جلویی در مسوولیت دشوار این دستور کار و همچنین خروجی مثبت در حوزه حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران دارد. گزارشگر ویژه چندین نقطه امیدوارکننده برای همکاری در این گزارش یافته است، خصوصا اجرای توصیه های گزارش دوره ای (یو.پی.آر)، مواد پیمان نامه ها و یافته های مکانیسم های ویژه. او همچنین روندی فزآینده ای از ادعاهای مرتبط با نقض حقوق بنیادی مردم که تحت قوانین بین المللی تضمین شده است جمع آوری کرده است و بر فوریت شفافیت بیشتر از طرف مقامات ایرانی و گفت وگو ی نزدیک تر بین جمهوری اسلامی ایران و جامعه بین المللی برای استحکام تضمین های حقوق بشری برای شهروندانش تاکید می کند.

۷۶ -گزارشگر ویژه دولت را برای باز کردن فضای بیشتری برای گروه های ذکر شده کنشگران جامعه مدنی تشویق می کند تا قادر باشند کار خود را به انجام برسانند. او همچنین مایل است که تاکید کند اهمیت آزادی بیان و اجتماعات برای یک جامعه دموکراتیک و باز که براساس حاکمیت قانون اداره می شود و دولت را تشویق می کند تا از سرکوب ناراضیان خودداری ورزد. گزارشگر ویژه همچنین مایل است که اهمیت تداوم بخشیدن فرهنگ مدارا برجسته سازد و از دولت خواستار جلوگیری از تبعیض علیه زنان همچنین اقلیت های قومی و مذهبی در

همه جنبه های زندگی عمومی و مناسک مذهبی شان است و اینکه از آزادی آنان برای اجتماع کردن و بیان خودشان حفاظت کند.

۷۷- گزارشگر ویژه همچنین نگرانی خود در مورد سلامت و وضعیت زندانیان، بخصوص آنهایی که در این گزارش ذکر شده اند را اعلام میکند و ازجمهوری اسلامی ایران میخواهد که تحقیقات کاملی در مورد پرونده آنان آغاز کند. وی همچنین درخواست بازدید از زندانها و زندانیان را دارد تا بتواند در مورد ادعاهای عنوان شده در این گزارش تحقیق کند. گزارشگر ویژه از جمهوری اسلامی ایران میخواهد تا در مورد این پرونده ها تحقیق و اطلاعات مربوطه را در اختیار وی قرار دهند تا او بتواند در مورد این پروند ها و تحولات مربوطه به مجمع عمومی و شورای حقوق بشر گزارش دهد. وی همچنین جمهوری اسلامی ایران را تشویق به افزایش همکاری با کارزاهای ویژه سازمان ملل میکند تا فضایی مثبت برای بهبود حقوق بشر در ایران ایجاد شود.

۷۸ -گزارشگر ویژه باری دیگر از جمهوری اسلامی ایران میخواهد تا به وی اجازه سفر به ایران داده تا با گفتگو با مقامات بتوانند در مورد صحت وسقم اظهارات مطرح شده نقض حقوق بشر صحبت و آنان را یا تایید کند و یا پایان دهد.

—

نقش سازمان های مردم نهاد درحفظ محیط زیست درایران

2011-10-20 · Archive ID 582
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=582

درجهان امروز توسعه و پیشرفت اجتماعی بدون برنامه‌ریزی علمی و مدیریت کارآمد برای حفظ محیط زیست قابل تصور نیست. احیای زیستگاه های نابود شده ،حفظ جنگلها، مبارزه با آلودگی هوا و جلوگیری از فرسایش خاک تنها بخشی از مشکلات کشورها در این زمینه هستند.

جنبش مردمی حفظ محیط زیست در ایران در سالهای اخیر نقش مهمی درآگاهی رسانی، بررسی مشکلات و مبارزه برای جلوگیری از نابودی محیط زیست برعهده داشته است. اعضای این جنبش مدنی و صلح آمیز شهروندان ساکن در روستاها و شهرهای کشور ما هستند. افرادی که با هدف بالا بردن آگاهی و مسئولیت جمعی با تشکیل نهادها و شبکه‌های همکاری به این امر مهم پرداخته اند. برطبق آمار رسمی در سالهای اخیر دهها تشکل کوچک و بزرگ در مناطق مختلف ایران برای حفظ و بازسازی محیط زیست به وجود آمده و مشارکت مردمی برای اطلاع رسانی،چاره‌جویی، همکاری و فرهنگ سازی در این زمینه روز به روز افزایش یافته است.

از سوی دیگر بحران محیط زیست درایران در سالهای اخیر وارد مرحله ای جدی و خطرناکی شده است. آلودگی هوا و آب، فرسایش خاک، ازمیان رفتن جنگل ها، کم آبی و خشک شدن رودخانه ها و یا در معرض نابودی بودن دریاچه ارومیه از جمله مسائل مهم در این زمینه هستند.

درهفته‌های اخیر بحران محیط زیست درایران با افزایش غبار و ریزگرد در هوای شهر اهواز به عنوان آلوده‌ترین شهرجهان و هم خشک شدن رودخانه زاینده رود به اوج خود رسیده است.

گسترش جنبش محیط زیست

مبارزات مدنی اخیر در استان های آذربایجان غربی و شرقی برای جلوگیری از نابودی دریاچه ارومیه و شرکت هزاران نفر از مردم در راه پیمایی های برگزارشده نمایانگر درجه بالای آگاهی عمومی و احساس مسئولیت شهروندان در این امر مهم است. شهروندانی که به خوبی از خطر دستگیری و زندانی شدن و عواقب شرکت در یک حرکت اعتراضی در جمهوری اسلامی مطلع اند و به چشم خود شاهد بازداشت تنی چند از کنشگران محیط زیستی، ضرب و شتم و زندانی کردن آن‌ها بوده اند. ولی با این همه وظیفه خود می‌دانند تا برای جلوگیری از یک فاجعه محیط زیستی یعنی نابودی دریاچه ارومیه و پیامدهای اسف بار اقتصادی و اجتماعی آن به خیابان بیایند و اعتراض کنند.

شرکت گسترده مردم در مبارزه برای حفظ دریاچه ارومیه یک پیروزی بزرگ برای جنبش حفظ محیط زیست در ایران است که همکاری و همبستگی درمیان مردم را به نمایش می‌گذارد. واکنش مسئولان دولتی در پاسخگویی به خواسته های مردم و جدی گرفتن اعتراض آن‌ها در اختصاص دادن بودجه جدیدی برای جلوگیری از نابودی دریاچه ارومیه پیروزی مهم دیگری برای کنشگران و طرفداران این جنبش است.

اما این تنها دریاچه ارومیه نیست که قربانی نبودن سیاست جدی در زمینه حفظ محیط زیست در ایران است. خشک شدن رودخانه زاینده رود در شهر اصفهان هم یکی دیگر از نتایج اجرای سیاست ناکارآمد و غیر مسئولانه مدیران کشور در زمینه تامین منابع آب برای کشاورزی است. کنشگران شبکه‌ها و نهاد های محیط زیست دراستان اصفهان همچون هموطنان خود در آذربایجان برای حفظ این شاهراه حیاتی در استان خود درتلاش اند. آنان برای جلوگیری از خشک شدن زاینده رود و پیامد های بعدی آن خواهان همکاری تمام نهاد های مردمی در این زمینه هستند و با انتشار یک نامه سرگشاده در تابستان امسال به مردم ایران نگرانی شدید خود را از خشک شدن زاینده رود بیان کرده و خواهان توجه و رسیدگی به این مهم هستند.

متن این نامه را دراینجا ملاحظه می کنید:

هم میهنان ارجمند
سازمان‌های مردم‌نهاد دوستدار میراث طبیعی و فرهنگی اصفهان، این روزها همچون دیگر هم میهنان خویش به شدت نگران بحران‌هایی هستند که گریبان محیط زیست کشورمان را فراگرفته است.

بحران‌های زیست محیطی از جمله آلودگی هوا و آب، فرسایش خاک، تخریب جنگل‌ها، گسترش بیابان و پیشروی کویر، و ریزگردهای عربی، در چند سال اخیر به شکل فزاینده‌ای کشورمان را دربرگرفته است. این در حالی است که حفظ محیط زیست، تاثیر مستقیمی بر تندرستی افراد جامعه، رشد اقتصادی، کاهش آسیب های اجتماعی، افزایش امنیت جامعه و... دارد، از این روی در بسیاری از کشورهای جهان حفاظت از محیط زیست یکی از مهم ترین دغدغه های دولت‌ها و ملت‌هاست.
یکی از مهم‌ترین تخریب های محیط زیست که در سال‌های اخیر در کشورمان روی داده است، خشک شدن دریاچه ارومیه است. دریاچه ارومیه که به عنوان میراث طبیعی و تاریخی ایرانیان با عناوینی همچون «دومین دریاچه شور جهان»، «بزرگترین زیستگاه طبیعی آرتمیا»، «بیستمین دریاچه بزرگ جهان»، و «بزرگترین دریاچه داخلی ایران» نام برده می شود، به خاطر مدیریت ناکارآمد منابع آب کشور، به شدت در حال خشک شدن است و متاسفانه مسئولان با فرافکنی، علت اصلی این مساله را خشکسالی اعلام می کنند و این در حالی است که دست کم در طول دو سال گذشته، بر اغلب مناطق در حوضه آبخیز دریاچه ارومیه شرایط ترسالی حاکم بوده است.

اکوسیستم کم نظیر دریاچه ارومیه به عنوان گنجینه ژنتیکی با تنوع زیستی و جاذبه‌های گردشگری آن، یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های ملی ماست که به خاطر بی‌تدبیری سازمان‌های دولتی این روزها نفس‌های آخر خود را می‌کشد و بخش‌های وسیعی از آن به شوره‌زار تبدیل شده است و اگر در این مورد هرچه سریع‌تر چاره اندیشی نشود، دور نیست زمانی که در کتاب‌های جغرافی، نام «دریاچه ارومیه» به «کویر نمک ارومیه» تغییر یابد و شاهد تاثیرات مخرب تغییر اقلیم منطقه بر محیط زیست طبیعی و شهری پیرامون آن باشیم.

دریاچه ارومیه تا چند سال پیش غنی‌ترین زیستگاه جهانی آرتمیا (سخت پوست آب شور) به عنوان غذای اصلی برخی گونه‌های پرندگان مهاجر و منبع اصلی صادرات دها تُن «آرتمیا»ی ایران به کشورهای دیگر (به عنوان غذای آبزیان پرورشی) بود اما امسال به خاطر خشکی دریاچه و افزایش غلظت نمک، با ناباوری شاهد واردات آرتمیا از کشور چین به ایران هستیم.

بی‌گمان مدیریت ناکارآمد منابع آب و کشاورزی، سیاست های منجر به توسعه ناپایدار، و سد سازی‌های غیرعلمی بر رودخانه های آب رسان به دریاچه ارومیه نقش مهمی در خشک شدن شتابنده این دریاچه داشته است؛ از این روی لازم خواهد بود که هرچه سریع‌تر با بازنگری در روند فعلی ضمن استفاده از روش های نوین آبیاری و بالابردن راندمان آبیاری، از هر گونه حفر چاه عمیق و نیمه عمیق و گسترش زمین های کشاورزی جلوگیری شود و طرح های جدید سدسازی در منطقه متوقف شود، تا بتوان حق‌آبه زیستمندان پیرامون این دریاچه را به آنان بازگرداند.

سازمان های مردم نهاد دوستدار میراث طبیعی و فرهنگی اصفهان، زیان‌های ناشی از خشکی دریاچه ارومیه را به عنوان یک «بحران ملی» متوجه همه ملت ایران دانسته و ضمن پشتیبانی از درخواست های مکرر هم میهنان آذربایجانی، خواستار توجه جدی و فوری همه مدیران و مسئولان کشور در همه سطوح به این «بحران ملی» به جای فرافکنی و برخورد با اعتراض به حق هم میهنان آذربایجانی هستند.

هم میهنان ارجمند
این روزها که دریاچه ارومیه روزگار سختی را می گذراند، مردم اصفهان نیز خود را در خشم و اندوه هم میهنان آذربایجانی شریک می دانند ولی خود نیز در اندوه خشک شدن جگرگوشه شان «زاینده رود» به سر می‌برند و خواستار توجه جدی مسئولان به این مساله هستند.

متاسفانه، چند سال است که زاینده رود نیز همچون دریاچه ارومیه به خاطر سوء مدیریت منابع آب، به خشکی گراییده و این مساله تأثیرات مخربی بر شهر تاریخی اصفهان و منافع ملی کشورمان داشته است.

عوارض ناشی از خشک کردن زاینده رود که مسئولان به آسانی از کنار آن‌ها می‌گذرند بی‌شمار است اما برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: نادیده گرفتن حق‌آبه مناطق پایین‌دست زاینده رود و نابودی کشاورزی در زمین های حاصلخیز شرق اصفهان، خشک شدن تالاب گاوخونی، از بین رفتن گونه های جانوری و گیاهی، فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از بیکاری کشاورزان و دامداران منطقه، پایین آمدن قابل توجه آمار گردشگران داخلی و خارجی، اندوه و افسردگی مزمن شهروندان اصفهانی، و خشک شدن هزاران درخت در بیشه‌ها و بوستان‌های شهر.
روشن است که برای برون رفت از بحران خشک شدن زاینده رود، باید مواردی همچون اصلاح روش‌های غلط مدیریت منابع آب و ایجاد مدیریت واحد و یکپارچه اکوسیستم زاینده رود از سرچشمه تا تالاب، لغو قانون استقلال آب استان ها که در سال 1384 به تصویب رسید، رعایت حق آبه کشاورزان و بستر رودخانه زاینده رود که در قانون توزیع عادلانه اب در سال 1361 به تصویب مجلس رسید، در دستور کار نهادهای مربوط قرار گیرد.

سازمان های غیر دولتی امضاء کننده این بیانیه بار دیگر یاد آور می شوند که بحران خشک شدن دریاچه ارومیه و زاینده رود یکی از ده ها بحران جدی محیط زیست کشور است که این روزها در استان های مختلف کشور پدیدار است و مردم نواحی مختلف کشور با آن ها روبرو هستند.

واقعیت این است که دریاچه ارومیه و زاینده رود تنها متعلق به مردم آذربایجان و اصفهان نیستند. این منابع طبیعی، سرمایه های ملی همه ملت ایران و گنجینه طبیعی متعلق به همه مردم جهان هستند و سهم ملت و دولت ایران در پاسداشت آن ها بیش از دیگران است.

امیدواریم مسئولان کشور از آنچه که تاکنون در اصفهان و آذربایجان روی داده است، آموخته باشند تا بیش از این منابع طبیعی کشور در معرض آسیب و نابودی قرار نگیرد و در هیچ کدام از استان های کشور شاهد چنین بحران‌های زیست محیطی نباشیم و هرچه سریع تر با بهره گرفتن از راهکارهای علمی به نجات دریاچه ارومیه و زاینده رود بشتابند.

زنده باد دریاچه ارومیه،
زنده باد زاینده رود،
زنده باد ایران.

سازمان های مردم نهاد دوستدار میراث فرهنگی و طبیعی استان اصفهان- شهریور 1390

فهرست سازمان های امضاء کننده بیان نامه به ترتیب حروف الفبا:

انجمن اصفهان پژوهان
انجمن اندیشه جوان اصفهان
انجمن بنا نوا
انجمن جام جهان بین اسپادانا
انجمن حامیان حقوق بشر اصفهان

انجمن دوستداران میراث فرهنگی ارگ زنده رود قورتان
انجمن دوستداران میراث فرهنگی و گردشگری امرتاد
انجمن دوستداران میراث فرهنگی و گردشگری مهرگرد بهستان
انجمن دوستداران میراث فرهنگی و گردشگری ورزنه
انجمن راویان شکوه ایران (اصفهان)
انجمن زیست محیطی حمایت از حیوانات استان اصفهان
انجمن غارنوردان و غارشناسان ایران (اصفهان)
انجمن نویدآوران طبیعت سپاهان
انجمن وحدت جوانان ایران (اصفهان)
انجمن وحدت ملی ایران (اصفهان)
کانون بارگاه مهر
کانون فرهنگ پژوهان ایرانا، دانشگاه اصفهان
کانون گسترش فرهنگ ایران بزرگ (اصفهان)
موسسه دید خرد

برای اطلاعات بیشتر از سایت سازمانهای غیر دولتی درایران بازدید کنید:

http:///iranngonews.persianblog.ir

—

انتقاد فعالین مدنی و حقوق بشر از گزارش احمد شهید

2011-10-27 · Archive ID 584
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=584

انتشارگزارش احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران بازتاب وسیعی درمیان رسانه‌ها و مجامع ایرانی مدافع حقوق بشر و دموکراسی داشت. اگرچه این گزارش در مجموع با استقبال اکثریت کشورهای عضو سازمان ملل، رسانه‌های مستقل و نهادهای حقوق بشری ایرانی مواجه شد، اما واکنش انتقادآمیز برخی از کنشگران مدنی و هم اعتراض کسانی را که خود و یا اعضای خانواده شان قربانی نقض حقوق بشر در ایران شده‌اند را هم برانگیخته است.

علیرغم تقاضای های مکرر احمد شهید مقامات جمهوری اسلامی تا کنون اجازه ورود به ایران، بررسی و تحقیق درباره مسأله حقوق بشر را به او و همکارانش را نداده اند. گزارش آقای احمد شهید با عنوان «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران» در تاریخ ۱۵ اکتبر ۲۰۱۱ منتشر شد.

در این گزارش از تماس و ملاقات با گروهی از کنشگران حقوق بشر، فعالان جامعه مدنی و هم چنین سازمانهای بین‌المللی با احمد شهید یاد شده است. بخش اعظم اطلاعات جمع آوری شده با موازین معتبر مورد نظر شورای حقوق بشر مطابقت دارد. افزون براین بسیاری از پرونده های مطرح شده مستحق اقدام فوری از سوی احمد شهید و سازمان ملل هستند.

گزارش در شش بخش به وضعیت حقوق بشردر ایران پرداخته است. موارد نقض حقوق بشر در مورد فعالان مدنی، سیاسی، روزنامه نگاران، فعالان دانشجویی، فمینیست ها، هنرمندان، وکلا، فعالان دانشجویی، کنشگران محیط زیست دراین گزارش ذکر شده اند.

بخشی از انتقادات مطرح شده

از بررسی انتقادات مطرح شده می‌توان دریافت که تمام موضوعات و موارد نقض حقوق بشر در گزارش احمد شهید به یک میزان مورد توجه قرار نگرفته و بعضی از مهمترین موارد پایمال شدن حقوق انسانی شهروندان ایرانی از قلم افتاده اند. به طور مثال می‌توان به کم کاری در مسائل مربوط به کارگران، معلمان اشاره کرد.

رضوان مقدم یکی از کنشگران حوزه زنان در واکنش به این گزارش در مصاحبه با رادیو زمانه ازعدم درج مسائل مهمی مانند اعدام شیرین علم هولی از فعالان حوزه زنان در کردستان و یا زهرا بهرامی شهروند هلندی ایرانی تبار در این گزارش انتقاد می کند.

خانم پروین فهیمی، مادر سهراب اعرابی، جوان ۱۹ ساله‌ای که در روز ۲۵ خرداد ۸۸ هدف گلوله قرار گرفت، در گفت‌وگویی با مسیح علی‌نژاد خبرنگار ایرانی گفته است: «من اولین کسی بودم که در مورد کشته‌شدن بچه‌ام اعتراض کردم و تعجب می‌کنم همه ما را فراموش کرده‌اند. ما مستنداتی را به ایشان ارسال می‌کنیم تا در گزارش‌شان، کشته شدن بچه‌هایمان را هم قید کنند... به خاطر اینکه اینجا ما را تحت فشار قرار ندهند خیلی چیزها را رسانه‌ای نکردم... چطور آقای احمد شهید ما را فراموش کردند، ما مادرها هرگز فراموش نمی‌کنیم که خون بچه‌های بی‌گناه ما برای چه ریخته شد... من شخصا به هیچ‌وجه کوتاه نخواهم آمد.»

سایت دویچه وله در گزارش خود به تاریخ بیست و پنج اکتبر می نویسد: «به گفته‌ی فعالان حقوق بشر، قتل بیش از ۷۰ نفر در اعتراض‌های مسالمت‌آمیز خیابانی، از شدیدترین موارد نقض حقوق در دو سال اخیر در ایران بوده، اما در گزارش آقای احمد شهید بازتاب نیافته است».

فعالین مدنی در نقد گزارش احمد شهید هم چنین به عدم توجه کافی به مسائلی مانند سانسور کتاب و رسانه ها، فیلترینگ سایت‌ها، محروم بودن گروهی از نویسندگان از چاپ آثارشان وتهاجم گسترده دولت به سازمان های مدنی و ممنوعیت فعالیت سازمان های حقوق بشری در ایران نام می برند.

احمد شهید در گزارش خود هیچ اشاره‌ای به طرح و تصویب قوانینی که درجوهر خود نقض حقوق بشر را تشدید خواهند کرد نمی کند. فقدان احزاب سیاسی، طرح قوانینی مانند «قانون ناظر بر تاسیس و نظارت بر سازمان های مردمی» و غیره در این گزارش بررسی نشده اند.

خدیجه مقدم یکی دیگر از فعالان حوزه زنان می‌گوید درگزارش وضعیت حقوق بشردر ایران از جمله هیچ اشاره‌ای به پایمال شدن حقوق انسانی هم جنس گرایان و مجازات آن‌ها نشده است. مقدم هم چنین بی توجهی گزارشگر سازمان ملل را به اعتراضات صلح آمیز مادران زندانیان سیاسی و بخصوص بررسی وضعیت مادران خاوران و مادران پارک لاله را یکی از نقاط منفی این گزارش می داند.

تشکل «مادران عزادار» در واکنش به گزارش وضعیت حقوق بشر در ایران با صدور بیانیه ای خواهان بررسی وضعیت تمام زندانیان سیاسی اعدام شده در سه دهه گذشته شدند. آن‌ها دراعتراض به تهدید و آزار خانواده‌های زندانیان سیاسی خواهان افشاگری و رسیدگی جوامع بین‌المللی به این مسائل شدند.

تجمع مادران عزادار درپارک لاله

به گزارش تارنمای «مادران پارک لاله» (مادران عزادار ایران)، در این بیانیه که همزمان با تجمع گروهی از مادران جانباختگان حوادث بعد از انتخابات و حامیان و نزدیکان آنان در پارک لاله تهران (شنبه سی مهر ماه) منتشر شده، سه خواستهٔ زیر مطرح و علنی گردیده است:

خواهان لغو مجازات اعدام و کشتار انسانها به هر شکلی هست.
خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.
خواهان محاکمه عادلانه و علنی آمران و عاملان تمامی جنایت های صورت گرفته توسط حکومت جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل آن هستیم. ما مادران پارک لاله، اعدام های فردی و دسته جمعی در زندان ها؛ کشتارها و ترور های قومی، ملیتی، دینی، سیاسی، عقیدتی در خیابان ها؛ حمله به خانه ها، خوابگاه ها و محل های کار؛ ربودن، زندانی کردن و آسیب رساندن افراد برای کشتن اندیشه انسانی؛ شکنجه، اعتراف گیری، تجاوزو در نهایت سنگسار و قصاص را جنایت می دانیم و برای جلوگیری از تکرار جنایت و برای بهروزی انسان ها مبارزه می کنیم.ما مادران پارک لاله امروز دوباره در پارک لاله جمع شدیم تا نشان دهیم که هنوز هستیم و پیگیرانه خواسته های خود را تا تحقق تمامی آنها دنبال می کنیم».

در بیانیه «مادران پارک لاله» آمده است: "یک بار دیگر مادران پارک لاله در بعداز ظهر شنبه ای پاییزی در میان بهت و حیرت مردم حاضر در پارک، میدان آب نما را در سکوتی اعتراض آمیز دور زدند. آنان این بار نه با لباس

سیاه که با لباس های رنگین به نشانه شور و اشتیاق به ادامه مبارزه تا رسیدن به خواسته های خود به میعادگاه خود در پارک لاله بازگشتند. آنان باور دارند که برای رهایی باید راه های ناهموار و پر سنگلاخ را پیمود و در این راه هیچ هراسی به دل راه نمی دهند زیرا به انتخاب راه خود ایمان دارند.

پس از ماه ها انتظار، اولین گزارش گزارشگر ویژه آقای احمد شهید در مورد نقض آشکار حقوق بشر در ایران ارایه شد. هرچند خوشحالیم که در این گزارش به حقوق از دست رفته بسیاری از انسان های آزادی خواه اعتراض شده است، ولی دریغ و درد که باز خودی و غیر خودی و تبعیض نقش خود را بازی کرد و با کمبودهای بسیار منتشر شد. مواردی که شاید بتوان گفت از مهم ترین و آشکارترین موارد نقض حقوق بشر حداقل در دو سال اخیر بوده است. مواردی چون کشتار انسان های بی دفاع و مورد تعرض قرار دادن خانواده ها و حامیان آنها."

در این بیانیه پیرامون نواقص گزارش احمد شهید آمده است: "آقای شهید در روش کار خود تاکید کرده که تمرکز اصلی تلاش‌هایش تهیه گزارش عادلانه و دقیق از وضعیت حقوق بشر در ایران است، آیا این عادلانه است که فقط در دو سال گذشته، تعداد زیادی انسان به جرم اعتراض به نقض اولیه ترین حقوق خود کشته، مجروح یا بیمار شده اند؛ تعدادی دست به خودکشی زده اند؛ تعداد زیادی به زندان افتاده و تحت بازجویی های پیاپی قرار گرفته و یا برای اعتراف گیری شکنجه شده و یا مورد تجاوز قرار گرفته اند و هیچ اشاره ای به آن ها نشود؟ آیا این عادلانه است که مادران و خانواده های کشته شده ها حتی اجازه برگزاری مراسم یادبود فرزندان شان را ندارند و باز هیچ اشاره ای به آنها نشود؟ آیا این عادلانه است که حامیان مادران داغدار تنها به جرم حمایت از انسانیت و حقوق بشری(حمایت از مادران عزادار) دایم تحت فشار نیروهای امنیتی قرار گیرند، زندانی شوند و تحت بازجویی و احضارهای مکرر قرار گیرند و هم اکنون نیز دو تن از آنها به نام خانم ها لیلا سیف اللهی و ژیلا کرم زاده مکوندی در دادگاه بدوی به چهار سال زندان محکوم شوند ولی هیچ جایگاهی در گزارش آقای شهید نداشته باشند؟! "

همچنین خاطرنشان شده است: "ما مادران پارک لاله انتظار داریم، صدای دادخواهی ما مادران و حامیان در گزارش های بعدی گزارشگر ویژه سازمان ملل شنیده شود. همچنین انتظار داریم به موارد گسترده و آشکار نقض حقوق بشر که در طی این سی و سه سال بر مادران و خانواده و حامیان رفته است و احتمالا در گزارش های قبلی گزارشگران ویژه از جمله آقای گالیندوپل موجود است و به بایگانی سپرده شده است، نیز پرداخته شود."

گفتنی است تجمع و تشکل موسوم به "مادران عزادار" و حامیان آنها، از آخرین شنبه خرداد ماه دو سال پیش و پس از جانباختن تعدادی از جوانان در حوادث خونین بعد از انتخابات ریاست جمهوری شکل گرفت. در جریان این تجمعات که شنبه ها عصر مقابل میدان مرکزی پارک لاله تهران برگزار می شد، مادرانی که فرزندان خود را از دست داده یا ناپدید شده وهمچنین گروهی از فعالان مدنی و حقوق زنان – به خصوص مادرانی که در سال های پیشتر فرزندانشان اعدام یا ناپدید شده اند- نیز شرکت داشتند. بعدتر نیز، مادرانی که فرزندانشان در بازداشت قرار گرفتند، به این جمع مادران پیوسته بودند. آنها خواستار حقیقت .یابی در مورد کشته، ناپدید و بازداشت شدن فرزندان خود و پاسخگویی مقامات در برابر این موارد بودند.
تجمع "مادران عزادار"، برگرفته از تجمعات اعتراضی مادران آرژانتینی درسالهای دهه ۱۹۷۰ است که تعدادی از مادران مفقود شدگان و جانباختگان، مدتهای مدیدی با روسری های سفید و شمع در دست، در یکی از میادین بوئنوس آیرس (پلازا دُمایو) تجمع کرده و خواستار "حقیقت یابی در مورد فرزندان خود بودند."

احمد شهید پس از پایان ارائه گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل، در یک کنفرانس مطبوعاتی در نیویورک گفت که گزارش اخیر او یک گزارش مقطعی بوده و وقت کمی برای تنظیم آن داشته است.

درماه های گذشته دولت ایران از همکاری با احمد شهید خودداری کرده بود. صادق لاریجانی رئیس قوق قضاییه در واکنش به این گزارش آن را نادرست و غیر مستند خوانده است.

سایت خبرگزاری مجموعه فعلان حقوق بشر درایران(هرانا) هم نقد مفصلی از گزارش احمد شهید را برروی سایت خود منتشر کرده است:

http://hra-news.org/685/1389-01-27-05-27-51/10165-1390-08-0222.html

—

نرگس محمدی برنده جایزه بنیاد تاریخ سوئد

2011-10-27 · Archive ID 587
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=587

کنشگران اجتماعی در ایران برای فعالیت های خود در زمینه حقوق بشر، برابری جنسیتی، صلح ، محیط زیست و ده‌ها معضل اجتماعی و فرهنگی دیگر با صدها منع و محدودیت قانونی، اتهامات نادرست وهم بازداشت و محکومیت به زندان های طولانی مواجه هستند. جامعه جهانی اما اغلب با ستایش، بزرگداشت واهدای جوایز مهم بین‌المللی از آنان تقدیر کرده است.

کنشگران زن ایرانی تا کنون برای فعالیت‌های برابری خواهانه، بشردوستانه و صلح آمیز خود جوایز متعددی را ازآن خود کرده اند. از آن جمله جوایز صلح نوبل برای شیرین عبادی، سیمون دوبوار برای کمپین یک میلیون امضا علیه قوانین نابرابر، اولاف پالمه برای پروین اردلان نویسنده و فعال حوزه زنان و ده‌ها جایزه دیگر. مهم‌ترین تأثیر این قدردانی بین‌المللی در مطرح شدن نام این کوشندگان جان برکف آزادی و دموکراسی در ایران، همانا طرح هرچه بیشترمعضل نقض حقوق بشر در کشورما، چاره‌اندیشی و مبارزه برای احیای حقوق انسانها است.

اعطای جایزه بنیاد تاریخ سوئد به نرگس محمدی نایب رئیس کانون مدافعان حقوق بشر و رئیس هیت اجرایی شورای ملی صلح هم یک اقدام باارزش دیگر دراین زمینه است. این جایزه که امسال نام « یرآنگر(۱۹۱۳-۲۰۰۲) حقوق دان و مبارز حقوق بشر سوئدی را برخود دارد، هرساله به افرادی که در جهان برای دموکراسی و صلح مبارزه می‌کنند، اعطا می شود.

نرگس محمدی که در شرکت بازرسی مهندسان ایران کار می‌کرد، آبان سال ۸۸ به دلیل عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر از محل کارش اخراج شد. او درارديبهشت سال ۱۳۸۹ به اتهام عضویت در کانون مدافعان حقوق بشر به شعبه ۴ دادگاه انقلاب احضار و پس از چند جلسه دفاع با صدور قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد. اما تنها چند روز بعد، شبانه در منزل خود توسط مأموران امنیتی بازداشت شد.

نرگس محمدی در نیرماه سال ۸۹ در حالی که به شدت بیمار بود از زندان مرخص و دربیمارستان بستری شد. وی چندین ماه به دلیل ناراحتی و فلج عصبی تحت درمان بود. او پس از محاکمه در تابستان امسال به یازده سال حبس تعزیری محکوم شده است.

مراسم اعصای این جایزه روز چهاردهم نوامبر در استکهلم برگزار خواهد شد. نرگس محمدی پس از شنیدن خبر دریافت این جایزه به کمپین بین‌المللی حقوق بشردر ایران گفت:

«واقعاً افتخار می‌کنم که ازمیان مدافعان حقوق بشر از سراسر جهان این جایزه به من تعلق گرفته است.من به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری‌ام و به دلیل آنکه در تأسیس شورای ملی صلح به همراه خانم شیرین عبادی مشارکت داشتم به ۱۱ سال حبس محکوم شدم اما تقریباً هم‌زمان با حکم دادگاهم، از سوی بنیاد تاریخ زنده سوئد برنده جایزه هم شدم و حالا به این نتیجه می‌رسم که فعالیت‌های حقوق بشری در سطح ملی نیست بلکه حمایت جهانی را به دنبال دارد. نرگس محمدی این جایزه را باعث دلگرمی برای خود و فعالان حقوق بشر در ایران دانست که با وجود زندان، محرومیت از کار، ممنوعیت خروج از کشور و رنج‌های دیگر، فعالیت‌شان دیده می‌شود و نتیجه‌بخش است».

نرگس محمدی از مقامات دولتی خواسته است تا به او اجازه خروج از کشور و دریافت جایزه اش را بدهند.

—

نقش نهاد های مردمی درپیشگیری ازبیماری ایدز

2011-10-31 · Archive ID 589
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=589

از اواسط دهه هشتاد میلادی، ایران نیز مانند بسیاری از کشورها، با مشکل روزافزون خیل شهروندانی که دچار سندروم نقص ایمنی اکتسابی (ایدز) هستند، مواجه بوده است. عرصه سوم در نظر دارد طی سلسله مقالاتی به معرفی و بررسی روش هایی بپردازد که سازمان های مردم نهاد و کنشگران مدنی در جهان با استفاده از آنها توانسته اند ازافزایش تعداد بیماران جلوگیری کنند. و یا از طریق همکاری با دولت ها درجهت اصلاح قوانین و سیاست ها گام برداشته اند. در مقاله حاضر که نخستین نوشتارازاین سری است، به ارائه خلاصه سوابق ومیزان شیوع ایدز در جهان و ایران می پردازیم.

ایدز در جهان

بیماری ایدزدراثر ابتلا به ویروس اچ آی وی که سیستم ایمنی بدن انسان را مختل و به تحلیل می برد، بروز می کند. یعنی اساساً میزان ظرفیت و توانایی بدن فرد را در مقابله با بیماری ها کاهش می دهد. به بیان ساده تر ایدز را می توان به عاملی تشبیه کرد که دیوار، سقف خانه و حریم امن شما را ازمیان برمی دارد. در چنین حالتی خواهید توانست کماکان به زندگی درون خانه ادامه دهید، اما هربار که باران بگیرد، آب همه جا را فرا خواهد گرفت. دراین مرحله از بیماری، ایدز کاملا درمان ناپذیرنیست، اما می‌توان آن را کنترل کرد. زمانی که فرد به این ویروس آلوده شد، مجموعه ای ازچندین دارو برای تقویت سیستم ایمنی بدن مورد نیاز خواهد بود.

گمانه زنی ها حاکی از آن اند که ویروس: «اچ آی وی»، حدود 100 سال پیش در آفریقای غربی به وجود آمده است. این ویروس از نوع دیگری موسوم به «ویروس نقص سیستم ایمنی میمونی» (اس آی وی)، به وجود آمده است. «اس آی وی» انواع میمون ها را بیمارمی کند. احتمال دارد که زمانی «اس آی وی» از میمون ها به انسان منتقل شده باشد. پژوهش های جدید امکان سرایت این ویروس را از طریق انتقال خون میمون های بیمار به حامل انسانی مطرح می کنند.

در سال 2009، سازمان بهداشت جهانی برآورد کرد که بیش از 33 میلیون نفردردنیا دچار ویروس اچ آی وی بوده و تعداد تقریبی 2.7 میلیون نفر سالیانه به این ویروس آلوده می شوند. درفاصله زمانی یک ساله این ویروس مهلک دو میلیون نفر را نیز به کام مرگ می کشاند. تقریباً سه چهارم افراد مبتلا به اچ آی وی، در منطقه تحتانی « صحرا» در قاره آفریقا زندگی می کنند. بنابراعلام برنامه ایدز سازمان ملل متحد (UNAIDS)، بیش از 25 میلیون نفر از زمان شناسایی بیماری جان خود را در پی ابتلا به این بیماری از دست داده اند.

ایدز در ایران

ایران یکی از کشورهایی است که با در نظر گرفتن مساحت اش شیوع ایدز درآن چندان گسترده نیست. یکی از دلایل این امر آن است که اکثریت جامعه ایران را مسلمانان تشکیل می دهند. در نتیجه، آمارختنه پسران در مملکت بالاست. بر پایه برخی تحقیق ها ختنه به میزان چشمگیری میزان ابتلا به ایدز از طریق آمیزش جنسی را کاهش می دهد. با این وجود، ظرف چند دهه اخیر آمار آلودگی به اچ آی وی در ایران به سرعت افزایش یافته است. ایدز از راههای دیگری به جز آمیزش جنسی نیز منتقل می شود، ازجمله انتقال خون، استفاده از سرنگ هایی که پیشتر توسط یک حامل ویروس مصرف شده اند، و همچنین ازطریق انتقال ویروس بیماری از مادر به نوزاد.

گزارشی از برنامه توسعه سازمان ملل در ایران که در سال جاری منتشر شد، این نظریه را ارائه می دهد که ایدز در دو نوبت به ایران وارد شد. موج نخست دراواسط دهه هشتاد میلادی بود. بر اساس این گزارش پخش ویروس بیشتر از طریق انتقال خون آلوده بود. موج دوم شیوع ایدز درزندان ها به علت عدم رفتارهای آگاهانه و پیشگیرانه شکل گرفت. اگر چه در چند سال گذشته، استفاده از مواد مخدر سبب افزایش تعداد مبتلایان به این بیماری وهم باعث پیچیده تر شدن مسئله شده است. تقریباً 2.8% ازجمعیت ایران به مواد مخدر اعتیاد دارند.

داده های اطلاعاتی برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) بار دیگر حاکی از رشد تعداد موارد ابتلا به ایدز در ایران است:

بنابر نتایج تخمینی آماری که در سال 2009 انجام شد، شمار تقریبی ابتلا به اچ آی وی 83000 مورد ذکر شده، مجموع موارد گزارش شده ایدز در ایران 21435 مورد بوده اند. 3763 نفرنیز دراثر این بیماری فوت کرده اند، از شمارکل ذکر شده، 92.4% مذکر بوده اند، گروه سنی 34-25 سال بزرگترین درصد این موارد را تشکیل می دهند (46.6%) و به دنبال این گروه سنی 44-35 ساله ها قرار دارند با 27.3%. در 19.3% موارد، وسیله انتقال بیماری مشخص نیست، گسترش بیماری از طریق انتقال خون آلوده ومشتقات آن و انتقال بیماری از مادر به نوزاد به ترتیب 1.1% و 0.6% موارد را در بر می گیرند. در میان آن دسته از بیماران که به دلیل استفاده از مواد مخدر آلوده شده اند،98.9% مذکر بوده اند. در حالی که 55% شمار مبتلایان ناشی از آمیزش جنسی را زنان تشکیل می دهند.

دربخش دیگری از این گزارش می‌خوانیم که:

هم اکنون نگرانی فزاینده ای مبنی برورود موج سوم شیوع ایدزدرایران وجود دارد. موجی که ناشی ازعدم مراقبت و پیشگیری از بیماری دررفتار جنسی افراد است. درگذشته، شمارموارد جدید آلودگی که دراثر آمیزش جنسی رقم می خورد در حدود 8-5% کمابیش تثبیت شده بود، درحالیکه در ژوئن سال گذشته، این رقم به 9.1% رسید. اطلاعات منتشرشده توسط برنامه توسعه سازمان ملل که یکی از جامع ترین منابع این حوزه به شمار می‌آید، موارد حائز اهمیت زیر را نیز مطرح می کند:

1)مردان اغلب ازطریق استفاده از مواد مخدر آلوده می شوند. بیشترین سهم را هم گروه سنی 34-25 تشکیل می‌دهند.

2) تقریباً تمامی قربانیان انتقال اچ آی وی از طریق مصرف مواد مخدر مرد بوده اند.

3) ارقام درمیان زنان و مردان کمابیش مشابه هستند. اما میزان ابتلای زنان به بیماری دراثرآمیزش جنسی کمی بیش از مردان است.

آگاهی از شیوه هایی که ایدز بدان وسیله پخش می شود، به علاوه کمپین هایی که تمرکز خود را برروی آگاهی بخشی درباره رفتارهای غیر بهداشتی وموثر در پخش بیماری قرارداده اند، هر دو برای پیشگیری از موج سوم شیوع ایدزدرایران ضروری هستند.

درمقاله بعدی به سازمان هایی خواهیم پرداخت که فعالیت های خود را بر درمان ایدز و آگاهی بخشی درباره بیماری اختصاص داده اند.

—

اعتراض کنشگران مدنی به محکومیت فرشته شیرازی عضو کمپین یک میلیون امضا

2011-10-31 · Archive ID 591
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=591

عرصه سوم- حمید مافی: فرشته شیرازی یکی ازاعضای «کمپین یک ملیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز» در شهرستان آمل بیش از چهل روز است که زندانی است. او به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و نشر اکاذیب به سه سال حبس وهفت سال ممنوعیت خروج از کشورمحکوم شده است.

عرصه سوم در شهریورماه گذشته با انتشارخبرتشدید فشار، دستگیری ومحکومیت فعالین مدنی زن درحوزه حقوق بشر، زنان و محیط زیست نسبت به تشدید و ادامه آن در ایران هشدارداد. متأسفانه این رویکرد غیردموکراتیک و خشونت آمیز در تقابل با فعالیت‌های صلح آمیز وحقوق بشری زنان همچنان ادامه دارد. از سوی

دیگر با زنان درحوزه های دیگری مانند سینِما هم با روش‌های مشابه برخورد می شود. دستگیری ومحکومیت مرضیه وفامهر بازیگر فیلم «تهران من حراج» در ماه های پیش و آزادی او پس از اوج گرفتن اعتراضات هنرمندان، فعالان مدنی وایرانیان آگاه درداخل و خارج کشور یکی از این موارد است.

زنانی که تنها به خاطر عضویت در شبکه‌های مردمی و سازمان های غیر دولتی و تلاش برای ساختن جامعه‌ای عادلانه تر دستگیر، زندانی و محکوم می‌شوند، اغلب در مراحل دادرسی و یا پس از زندانی شدن هم از حقوق انسانی که شامل آن‌ها می‌شود بی نصیب هستند. مثلا نسرین ستوده وکیل مدافع بسیاری از فعالان حقوق بشر که خود به حبس طولانی مدت محکوم و زندانی شده، به خاطر اعتراض به پوشیدن چادراجباری درزندان ازحق ملاقات با دو فرزند خردسالش محروم است.

سایت «تغییر برای برابری» بیانیه گروهی ازفعالین مدنی را که به محکومیت فرشته شیرازی معترض اند منتشر کرده که در اینجا ملاحظه می کنید:

« بازداشت این فعال حقوق زنان در حالی صورت می‌گیرد که وی پیش از این نیز بارها به اداره اطلاعات احضار و در مورد فعالیت‌ها و نوشته‌های خود مورد بازجویی قرار گرفته بود. طی همین احضارها و بازجویی‌ها، پرونده‌ایی در رابطه با فعالیت‌های کمپینی و وبلاگ نویسی برای وی تشکیل شده بود.

او در وبلاگ‌اش به نام «آلاچیق» عموما به مسائل اجتماعی و زنان می‌پرداخت. اما چندی پیش به دلیل فیل‌تر شدن وبلاگش فعالیت‌های نوشتاری خود را متوقف کرده بود.

فرشته شیرازی که زنی آشنا و درگیر با مسائل و مشکلات قانونی و عرفی زنان است، پس از ورودش به حوزه فعالیت زنان نسبت به تکمیل و ادامهٔ تحصیل تشویق شد و در عین حال که مسئولیت سرپرستی خانواده را برعهده داشت، توانست با قبولی در رشتهٔ مدیریت وارد دانشگاه شود.

فرشته شیرازی از زمان بازداشت در بخش زنان زندان آمل همراه با بیش از ۸۰ زندانی دیگر با اتهامات و جرائم مختلف در یک مکان نامناسب در شرایط سخت به سر می‌برد. وی در این مدت به جز یک ملاقات کوتاه با برادرش، امکان ملاقات با فرزندانش را نداشته است.

در اقدامی کم‌سابقه و روندی غیرمعمول دادگاه این وبلاگ نویس در فاصلهٔ کوتاهی از زمان بازداشت بدون آن‌که وکیل متهم امکان حضور در آن را بیابد برگزار شده است. در این دادگاه اتهامات «تبلیغ علیه نظام»، «تشویش اذهان عمومی» و «توهین به مسئولان نظام» علیه وی مطرح گردیده است.

هر چند تمامی اتهامات انتسابی از سوی متهم رد شده بود، اما قضات دادگاه‌های انقلاب و عمومی آمل در احکامی غیرمنتظره جمعا حکم سه سال حبس تغزیری و هفت سال ممنوعیت خروج از کشور را برای فرشته شیرازی صادر کرده‌اند.

متاسفانه مانند بسیاری از موارد مشابه، روند بازداشت فرشته شیرازی از زمان احضار تلفنی به اداره اطلاعات تا زمانی که بدون حضور وکیل در دادگاه مورد محاکمه قرار گرفته، روندی غیرقانونی را طی کرده و عدم امکان ملاقات با خانواده و تماس تلفنی با وکیل، همچنین محل و وضعیت نامناسب نگهداری شرایط سختی را برای این فعال زن و فرزندانش به وجود آورده است.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعم از همکاران، همفکران و حامیان فرشته شیرازی ضمن تاکید بر فعالیت‌های مسالمت آمیز وی، همچنین تصریح بر آزادی بیان و حق انتقاد، از مسئولان قضایی و دولتی می‌خواهیم تا نسبت به بهبود شرایط نگهداری زنان زندانی و در نظر گرفتن بیماری این فعال زن، امکان تماس تلفنی و ملاقات حضوری وی را با وکیل و خانواده‌اش فراهم کرده و تا تشکیل دادگاه تجدیدنظر که در صورت رعایت انصاف و استقلال در بررسی پرونده منجر به نقض حکم بدوی خواهد شد، فرشته شیرازی را آزاد کنند.

اسامی:

ابراهیم مهتری – احترام شادفر – احسان بداغی – احمد باطبی – اسماعیل ختائی – اشکان مسیبیان – اشکان منفرد – اعظم خاتم- افروز مغزی – افسانه گودرزی – اکرم دعایی‌زاده – الناز انصاری – الناز بابایی – الهه امانی – الهه فراهانی – امیر کلهر – امید زمانی – امید کوهی – امیر رشیدی – امیر رضایی -امیر شیبانی‌زاده – امیر محسن محمدی – امین احمدیان – امین ریاحی – اندیشه جعفری – اویس اخوان – ایمان رضایی – ایمان صدیقی – آبتین غفاری – آذر محلوجیان – آرش اعلم – آرش دستخوش – آرش نصیری اقبالی – آرمین شریفی – آرنوش رحیمی – آریا حسینی – آریا خسروی – آریا علیزاده فر – آزاد فرخی – آزاد مرادیان – آزاده خرازی – آزاده خسروشاهی – آزاده دواچی – آسیه امینی – آنجلا نوبهار- آیدا ابروفراخ – آیدا سعادت – آیدا قجر – آینده آزاد – بابک اجلالی – بانو صابری – بشیر احسانی – بلال مرادویسی – بنفشه جمالی – بهرام اسماعیل بیگی – بهرام امامی – بهروز ترکی – بهروز علوی – بهروز فدائی – بهزاد مهرانی – بهمن صالح احمدی – بهمن محمدی – بهناز مهرانی – بهنام امینی – بهنام نیک زاد – پانته آ انس – پانته آ پزشکان – پدرام رفعتی – پروانه پرتوی – پروانه زیوایی – پروانه وحیدمنش – پرویز داورپناه – پروین اردلان – پروین بختیارنژاد – پروین ذبیحی – پروین ضرابی – پریسا احمدیان – پریناز قدمی – پوران اسماعیلی – پویا جهاندار – پویا غلامرضایی – پویش عزیزالدین – تارا احمدی – تارا سپهری فر – تارا نجداحمدی – ترانه یلدا – ثریا فلاح – جاوید حاج همتی – جلوه جواهری – جمشید بابایی – جمشید بهرامی – جواد شریفی نوید – حامد ابراهیمی – حامد ابراهیمی‌نژاد – حامد شیرازی – حامد کاووسی – حامد منزه – حامد هنرخواه – حبیب رستمی – حسن جعفری – حسن زارع‌زاده اردشیر – حسن زرهی – حسن نایب هاشم – حسین علوی – حمید ارهنجی‌پور – حمید حمیدی – حمید مافی – حمیدرضا شریفی – حمیدرضا مسیبیان – حمیده نظامی – حنیف کراگری – خاطره کریمی -خداداد خادم – خدیجه مقدم – داریوش دریامجد – داود آزادفر – داوود نوائیان – درسا سبحانی – درنا بندری – دل آرام آکار – دلارام علی – دیلان سعیدی – راحله حسینی – راضیه (پری) نشاط – رحمان جوانمردی – رضا سیاووشی – رضا کاویانی – رضا کریمی – رضا مبین – رضا هیوا – رضوان مقدم – رعنا کریم‌زاده – رها عسگری‌زاده – روح الله روزی طلب – روح الله سپندارند – روحی شفیعی – روزبه بیات – روشنک آسترکی – رویا عوضی – ریبین رحمانی – ریحانه اعتمادی – زارا امجدیان – زهره اسدپور – زویا اسکندریان – زینب پیغمبرزاده – ژاکلین هوبرت – ژانت عبدالهی – ژیلا گلعنبر – سارا آریایی – سارا حلم‌زاده – سارا زارع – سارا صحرانورد فرد – ساسان زنجانی – سام عزیززاده – ساناز افتخارزاده – سپیده شوشتری – سپیده فارسی – سپیده یوسف‌زاده – ستاره الیاسی – سحر دیناروند – سحر قلعه شاخانی – سحر نیازی – سحر هامی – سعید حیدری – سعید یعقوبی‌نژاد – سمیرا پوراندخت – سمیرا ساعد – سمیه بهادری – سمیه رشیدی – سهیل پرهیزی – سهیلا سامانی – سوده راد – سوران بهروز – سوسن طهماسبی – سوسن محمدخانی غیاثوند – سولماز ایکدر – سیامک سلطانی – سیاوش آریا – سیاوش بهمن – سیاوش رضائیان – سید داوود موسوی – سید محمود خراسانی – سیروس دستاران – سیروس زارع‌زاده اردشیر – سیما اوستا – سیما حسین‌زاده – سیمین روزگرد – سیمین مرعشی – شایان وحدتی – شبنم شعبانی – شقایق کمالی – شکوفه شادابی – شلیر باپیری – شهاب الدین شیخی – شهرزاد آل داود – شهزاد حسینی – شهلا باور – شهلا شفیق – شورش مرادی – شیدا کاویانی – شیرین دخت نورمنش – شیرین زحمتکش – شیرین فامیلی – شیوا نوجو – صبا واصفی – صبرا رضایی – صبری نجفی – صفورا الیاسی – طلعت تقی نیا – ظریفه نصیری – عالیه مطلب‌زاده – عزیز اکبری – عشا مومنی – عفت ماهباز – علی افشاری – علی بابوئی – علی تارخ – علی تقی‌پور – علی ستاری – علی صمدپور – علی طایفی – علی عفتی – علی فتوتی – علی کلائی – علی ماهباز – علی نظری – علی نیکویی – علیرضا کیانی – فاریا برلاس – فاطمه مسجدی – فخرش شادفر – فرح شیلاندری- فرح طاهری – فرحناز محمدی – فرزانه ایل بیگی – فرزانه جلالی – فرشاد دوستی‌پور – فرشته قادری – فرشته قاضی – فرشید آذرنیوش – فرشید یاسائی – فرناز کمالی – فرهاد طالبیان – فروغ سمیع نیا – فریبا داودی مهاجر – فریبا معتمدی – فرید مصلحیان – فریده خزائی – فهمیه سعیدی امجد – فهیمه رضایی – کاوه رضائی شیراز – کارن صدر – کاروان کوردستانی – کامران افرازه – کاوه کرمانشاهی – کاوه مظفری – کتی پزشکی – کریم پورحمزاوی – کریم حمیدی – کریم شامبیاتی – کلارا مرادیان – کورش سلیمی – کوروش صحتی – کوماس شهبازی – کیانوش دوستی‌پور – گلاله بهرامی – گلرخ جهانگیری – گیتا آذری – گیسو جهانگیری – لار حسینی – لعبت والا – لیلا اسدی – لیلا سعادتی – لیلا صحت – ماریان نصیرپور – ماکان اخوان – ماهور وجدی – مجید نیکنام امینی – محبوبه حسین‌زاده – محبوبه عباسقلی‌زاده – محبوبه فیاض – محبوبه محبی – محسن موسوی – محمد حسن آمری – محمد حسین جعفری – محمد شوراب – محمد عسگری – محمد کیمیایی – محمد یعقوبی – مرسده هاشمی – مرضیه باوندپور – مرضیه بخشی‌زاده – مرضیه شکیبا – مرضیه صالحی – مریم زندی – مریم اکبری – مریم اهری – مریم حکمت شعار – مریم حلم‌زاده – مریم رحمانی – مریم روزبهانی – مریم علوی –

مریم مرادی – مزدک عبدی‌پور – مژده علیمردانی – مژگان ثروتی – مژگان میهن دوست – مسعود کرمی – مصزفی عزیزی – معصومه زمانی – ملائیکه علم هولی – منصوره شجاعی – منصوره فتحی – منوچهر فاضل – منیره کاظمی – منیژه مرعشی – مهدی حیدری – مهران براتی – مهران می‌رعبدالباقی – مهرنوش اعتمادی – مه‌رو ملالی – مهسا شکرلو – مهسا صارمی – مهسا نصراللهی – مهسان قاسمی – مهشید راستی – مهین شکرالله‌پور – مونا سیف – میترا نجفی – میترا نقوی – میترا یوسفی – می‌دیا بایزیدپور – میلاد مالک – نازنین جواهری – نازنین قدیریان – نازی ساسانی – نازی عظیما – ناصح فریدی – ناهید جعفری – ناهید کشاورز – ناهید می‌رحاج – نائله عروجی – نجیبه اسدپور – نرگس کرمانشاهی – نرمین حسینی – نریمان رحیمی – نسرین الماسی – نسرین جاهد – نسرین حسینی – نسرین حمیدی – نسیم خسروی – نسیما شریعت – نعیمه کفشدوز – نفیسه آزاد – نگار انسان – نگار رویینیان – نگار سماک‌نژاد – نوشین کشاورزنیا – نوید امانت – نوید محبی – نیره توحیدی – نیکزاد زنگنه – نیلوفر کشمیری – نیلوفر انسان – هایده تابش – هدا امینیان – هژیر شریفی -همادجمشیدی – همایون نادری فر – هنگامه هویدا – هیرو زبیری – وحید خدایاری – ویدا گلزار – یاشار گرمستانی – یهمن سلطانی – یوسف پریدخت.

برای اطلاعات بیشتر درمورد «کمپین یک میلیون امضا» از سایت تغییر برای برابری دیدن کنید:

http://www.we-change.org/spip.php?article8759

—

نگذاریم «پیش نویس اصلاحی قانون کار» تصویب شود

2011-11-03 · Archive ID 593
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=593

سایت کلمه درگزارش منتشر شده در نهم آبان جاری از اجتماع اعتراضی پانصد کارگر شرکت نیشکر هفت تپه کارون در مقابل ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خبر می‌دهد که به عدم پرداخت چندماهه حقوق خود معترضد. اعتراضات کارگری در شش ماه گذشته در بسیاری از واحد های تولیدی و صعنتی ادامه داشته است. در وضعیت کنونی اکثریت تشکل های مستقل کارگری و اجتماعی با کنترل و سرکوب شدید دولتی مواجه اند. بسیاری از کنشگران درحوزه کار و کارگری زندانی هستند.

در شرایطی که قوانین موجود در ایران دارای نواقص جدی در تأمین حقوق کارگران وحمایت از آن‌ها در شرایط نامطلوب اقتصادی و یا دوران بیکاری هستند. طرح جدیدی به نام « پیش نویس اصلاحی قانون کار» از طرف دولت احمدی نژاد تنظیم و برای تصویب به شورای عالی کار فرستاده شده است. موارد مندرج در این پیش نویس آشکارا تبعیض آمیز و درضدیت با قوانین بین‌المللی درزمینه کار است.

کانون مدافعان حقوق کارگر در اعتراض به این پیش نویس در مورد عواقب تصویب این قانون برای جامعه کارگران هشدار می دهد. این کانون با بررسی و نقد این پیش نویس در مقاله‌ای با عنوان :

«پیشنهاد اصلاحیه قانون کار، چرا؟» به نقد آن پرداخته است. در بخشی از این مطلب می‌خوانیم :

« تقریبا در همه ی موارد، حقوق کارگران کاهش یافته و اختیارات کارفرمایان، افزایش یافته است. مساله اصلی آن است که اصولا چه ضرورتی برای تغییر و یا به اصطلاح "اصلاح" قانون کار در این شرایط وجود دارد؟

اصل این اصلاحات بر دو محور استوار است:

"1- حذف کلیه حق و حقوق کارگر در هنگام اخراج و تنها پرداخت حقوق روزانه، آن هم مساوی با بدهی‌های دیگر صاحبان سرمایه؛ مثلا بدهی خرید مواد اولیه، دارایی، شهرداری، بیمه و ... در نتیجه اگر کارگران چند ماه حقوق نگرفته باشند و کارگاه تعطیل شود، با وجود مدعیانی مانند دارایی، صاحبان چک و سهام و ... به کارگر هیچ چیز نمی‌رسد.

2- همه‌ی قراردادهای رسمی و دائمی، ارزشش همانند قراردادهای موقت می‌شود و ارزش خاص دیگری ندارد. حق سنوات هم دیگر قابل وصول نیست."

این همه در شرایطی است که بنا بر گزارش مرکز آمار ایران در سال 1390 اگر چه حداقل دستمزد 400 هزار تومان تعیین شده که به معنی دوبرابر شدن دستمزد در شش سال گذشته است. اما با افزایش سرسام آور قیمتها بر اساس متوسط درآمد و مصرف خانوار ایرانی خط فقر 980 هزار تومان تعیین شده که به معنای افزایش پنج برابری خط فقر درجامعه است.

روزبه بلهری گزارش گر اقتصادی رادیو فردا هم در مصاحبه اش با رادیو زمانه در مورد عواقب زیان‌بار این طرح هشدار می دهد. او در بخشی از این مصاحبه می گوید:

«به‌هر روی، از مواردی که بسیار مورد انتقاد بوده، بحث "کاهش اضافه‌پرداخت" است. تاکنون مطابق قانون کار، ۳۵ درصد اضافه‌پرداخت در نظر گرفته شده بود، اما قرار است طبق این پیش‌نویس تازه، کسانی که "شب‌کاری" یا "اضافه‌کاری" می‌کنند تنها ۱۰ درصد اضافه‌پرداخت دریافت می‌کنند. از سویی دیگر مطابق این پیش‌نویس، مرخصی سالانه کارگران از ۳۰ روز به ۲۱ روز کاهش پیدا می‌کند. به این معنا کارگران در طول سال، ۹ روز "مرخصی استحقاقی" کمتر خواهند داشت.

مسئله‌ای که مهم‌تر به نظر می‌رسد، بحث آسان‌تر شدن شرایط اخراج کارگران از سوی کارفرمایان است. یعنی همان مشکلی که در ماه ۳۳ قانون کار سابق (پیش از انقلاب) وجود داشت. این ماده پس از انقلاب به سبب اعتراض‌های گسترده کارگران و تشکل‌های کارگری لغو شد. با تصویب این پیش‌نویس تازه، این ماده دوباره احیا خواهد شد و بر این اساس امکان اخراج کارگران با شرایط آسان‌تر وجود خواهد داشت.

مسئله دیگر، تغییر در ماده ۱۸ قانون کار است. این ماده می‌گوید اگر کارفرمایی از کارگر خود در دادگاه شکایت کند و در مقابل کارگر بتواند بی‌گناهی خود را ثابت کند، کارفرما علاوه بر اینکه موظف می‌شود ضرر و زیان و مزد مقرر کارگر را بپردازد، باید او را مجدداً به سر کار نیز بازگرداند، اما مطابق پیش‌نویسی که تشکل‌ها و فعالان کارگری عنوان می‌کنند، این ماده ۱۸ به این شکل تغییر کرده است که کارفرما می‌تواند با پرداخت مزد و مزایای کارگر، از بازگرداندن او به سر کار خودداری ورزد».

حتی دراین شرایط دشوارو تشدید فشاربرتشکل های کارگری مستقل و سازمانهای مردم نهاد، مقاومت آنها درجلوگیری ازتصویب « پیش نویس اصلاحی قانون کار» مؤثرخواهد بود. تا کنون به دلیل افزایش مقاومت نهاد های کارگری،تشکل های رسمی کارگری وهم مخالفت گروهی از نمایندگان مجلس دولت موفق به تصویب سریع این طرح نشده است. بنابراین گسترش هرچه بیشتراعتراضات مدنی و حمایت از خواسته‌های برحق شهروندان کارگر باید در دستور کار تشکل های مردم نهاد قرار گیرد.

برای اطلاعات بیشتر دراین زمینه از سایت‌های زیر دیدن کنید:

http://radiozamaneh.com/society/humanrights/2011/11/02/8064

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2011/10/25.html

—

دریاچه ارومیه را نجات دهید

2011-11-03 · Archive ID 595
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=595

نامه سرگشاده شخصیت‌ها و نهادهای مردمی به مقامات دولتی

بحران محیط زیست در ایران را باید جدی گرفت. یکی از پیامد های خشکسالی و کم آبی در سرزمین ما نابودی دریاچه ها و رودخانه هاست. بحرانی که به علت فقدان یک برنامه‌ریزی علمی و هدف مند برای حفظ زیست گاه

های طبیعی اکنون وارد مرحله خطرناکی شده است. فاجعه پیش رو نابودی دریاچه ارومیه است. ارومیه بیماری در بستر مرگ است. نابودی ارومیه یعنی نابودی طبیعت زیبا، یعنی مرگ آبزیان و گیاهان، یعنی رکود و زوال اقتصاد محلی و ملی، یعنی زوال فرهنگی و دست آخر بی توجهی به تباهی و از دست دادن ثروت ملی.

تلاش برای نجات دریاچه ارومیه ادامه دارد. پس از جنبش بزرگ اعتراضی مردم در تابستان گذشته که با خشونت سرکوب و دستگیری گروهی از فعالان محیط زیست را به دنبال داشت. این بار گروهی از شخصیت‌ها و سازمان های مردم نهاد با انتشار نامهای سرگشاده به مسئولان کشور خواهان توجه جدی و دلسوزانه همه دست اندرکاران به یکی از مهم ترین بحران های سالهای اخیر در زمینه محیط زیست شده اند. متن این نامه را که برروی سایت ایران امروز منتشر شده است دراینجا می خوانید:

«به نام آفریدگار زیبایی
هیئت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی
همان طور که می‌دانیم، حال دریاچه ارومیه خوب نیست. ارومیه‌ی فیروزه‌ای، دیر زمانی است که در بستر بیماریست و چشم انتظار دارویی برای بازیابیِ طراوت و شادابی گذشته‌ی خود.
ما نگرانی‌های مردم، تشکل‌ها و فعالان محیط زیست و تلاش‌های آنها برای اعلام همبستگی با این سرمایه ملی را می‌ستاییم و آن را نشان از مسئولیت‌پذیری ایشان در قبال ذخایر طبیعی کشور می‌دانیم. آری؛ به راستی که امروز دریاچه ارومیه نیازمند توجه ملی است و ما در این راستا لازم دیدیم نکاتی را به تمام کسانی که به واسطه سمت‌های اجرایی‌شان، نقشی در تعیین سرنوشت دریاچه دارند، متذکر شویم:
۱. باور اغلب متخصصان محیط زیست این است که مداخلات انسانی نظیر توسعه نامتوازن، سدسازی‌های بی‌رویه، احداث میان گذر، گسترش کشاورزیِ ناکارآمد و حفر شتابان چاه‌های مجاز و غیر مجاز، بر پیدایش مشکلات دریاچه ارومیه اثر غیرقابل‌انکاری داشته است و این مسئله، فقط پیامد یک روند طبیعی اکوسیستم منطقه نیست.
۲. طرح‌های پیشنهادیِ انتقال آب بین حوضه‌ای، نظیر انتقال آب از رودخانه‌های ارس یا زاب، به علت زیان بزرگ ایجاد شده در مبدا و اثرات نامعلوم در مقصد، از طرف قریب به اتفاق کارشناسان محیط زیستی با هشدار و اعلام نگرانی مواجه شده‌اند. ما ضمن اعلام حمایت از این نگرانی‌ها و مخالفت با چنین اقدام‌های نسنجیده‌ای، باور داریم تصمیماتی که در آنها نگاه همه جانبه‌ای به اکوسیستم منطقه نشده باشد، نه تنها راه گشا نیستند، بلکه مشکلی بر مشکلات موجود اضافه خواهند کرد.
۳. مشکلات به وجود آمده برای دریاچه ارومیه، یک شبه درست نشده‌اند که بتوان یک شبه هم آنها را رفع و رجوع کرد. باید چاره‌ای اساسی بیاندیشیم و در درجه اول باور داشته باشیم که چیزی مهم‌تر از آینده‌ی زیست بوم منطقه نیست. لذا، سازمان‌های مسئول، فراتر از متهم کردن یکدیگر، باید اشتباهات و کوتاهی‌های‌شان را بپذیرند، و در این راه، اگر لازم شد که بر روی برخی تصمیمات قبلی غلط خود، خط قرمز بکشند، این کار را با شجاعت انجام دهند.
۴. به نظر ما، در شرایط فعلی، حاکم شدن فضای گفت‌وگوی کارشناسی و خردورزانه، بهترین اتفاقی است که می‌تواند بین دولت، رسانه‌ها، تشکل‌ها و کارشناسان دلسوز منابع طبیعی و محیط زیست بیافتد. گفت‌وگویی که هدفش یک چیز باشد: "پیدا کردن راه‌حلی معقول برای دریاچه ارومیه."؛ راه‌حلی که با نگاهی جامع، تمام اکوسیستم منطقه و حیات اقتصادی، اجتماعی و طبیعی آن را مد نظر داشته باشد.
در پایان باید اشاره کرد که اگرچه دریاچه ارومیه در حال حاضر رسانه‌ای‌ترین مشکل محیط زیستی ایران شده است، اما این موضوع، یگانه مسئله‌ی طبیعت کشورمان نیست و ما با مخاطرات پراهمیت دیگری از جمله سرعت بالای فرسایش خاک، تغییر کاربری و کاهش شدید عرصه‌های جنگلی، خشک شدن اغلب تالاب‌ها و دریاچه‌های مرکزی کشور، فرونشست زمین و گسترش بیابان‌زایی، تشدید گرد و غبار و رخداد ریزگردها و آلودگی‌های محیطی هم روبرو هستیم.
بحران محیط زیست، آینده جامعه ما را به طور جدی تهدید می‌کند و برای مقابله با آن، نیازمند یک همبستگی و همراهی ملی هستیم: مردمی که هریک داوطلبانه، پاسدار محیط زیست باشند و مسئولانی که با امکانات و بودجه‌ی در دستشان و البته با درنظر گرفتن نظرات کارشناسان و دلسوزان محیط زیست کشور، پاسخ‌گوی نگرانی‌های موجود باشند.
به امید روزهای بهتر برای محیط زیست ایران

جمعی از تشکل‌ها و کارشناسان محیط زیستی رونوشت:
کارشناسان امضا کننده به ترتیب حروف الفبا:

1.رضا اخوان، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع
2.وحید اعتماد، استاد دانشگاه تهران
3.محمد حسین ایران نژاد پاریزی، استاد دانشگاه یزد
4.مهدی بصیری، استاد بازنشسته دانشگاه صنعتی اصفهان
5.عبدالرسول تِلوَری،کارشناس بازنشسته مرکز تحقیقات حفاظت خاک و آبخیزداری کشور
6.مقداد جور غلامی، استاد دانشگاه تهران
7.بهرام حسن زاده کیابی، استاد دانشگاه شهید بهشتی
8.محمد خسرو شاهی، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع
9.علی اصغر درویش صفت، استاد دانشگاه تهران
10.محمد درویش، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع
11.احمد رحمانی، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع
12.حسن روحی‌پور، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع
13.عزت الله رئیسی، استاد دانشگاه شیراز
14.قوام الدین زاهدی امیری، استاد دانشگاه تهران
15.علی سلاجقه، استاد دانشگاه تهران
16.تقی شامخی، استاد دانشگاه تهران
17.انوشیروان شیروانی، استاد دانشگاه تهران
18.سید حمیدرضا صادقی، استاد دانشگاه تربیت مدرس
19.هوشنگ ضیائی، استاد دانشگاه آزاد واحد تهران شمال
20.ناصر طالب بیدختی، استاد دانشگاه شیراز
21.سیدرضا طبایی عَقدایی، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع
22.فاطمه ظفرنژاد، پژوهشگر آب و توسعه پایدار
23.احسان عبدی، استاد دانشگاه تهران
24.پدرام عطارد، استاد دانشگاه تهران
25.مهدی فرح پور، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع
26.بیژن فرهنگ دره شوری، کارشناس و پژوهشگر محیط زیست
27.عباس قمری زارع، عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع
28.اسماعیل کهرم، استاد دانشگاه آزاد مرکز تحقیقات تهران
29.هادی کیا دلیری، استاد دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات
30.حمید گُشتاسب میگونی، استاد دانشگاه محیط زیست کرج
31.ابوالقاسم متین، کارشناس سازمان ترویج، آموزش وتحقیقات وزارت جهاد کشاورزی
32.باریس مجنونیان، استاد دانشگاه تهران
33.مجید مخدوم، استاد دانشگاه تهران
34.محمدرضا مروی مهاجر، استاد دانشگاه تهران
35.محمدرضا مقدم، استاد بازنشسته دانشگاه تهران
36.کاظم نصرتی نصرآبادی، کارشناس‌محیط‌زیست و رئیس جامعه جنگلبانی ایران
37.منوچهر نمیرانیان، استاد دانشگاه تهران
38.پیمان یوسفی آذر، کارشناس و پژوهشگر سازمان جنگل‌ها
انجمن‌های علمی و تشکل‌های امضاکننده:
انجمن علمی ارزیابی محیط زیست ایران، انجمن علمی آبخیزداری ایران، انجمن اعضای هیئت علمی موسسه تحقیقات جنگل¬ها و مراتع، کانون دوستداران محیط زیست دانشگاه صنعتی شریف، انجمن علمی جنگلبانی ایران، کانون عالی گسترش فضای سبز و حفظ محیط زیست ایران، جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط زیست، جمعیت داوطلبان سبز، کانون دوستداران محیط زیست دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، انجمن پایشگران حامی محیط زیست، انجمن حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی(پیام سبز)، موسسه توسعه پایدار

هرمد، جامعه جنگلبانی ایران، انجمن طرح سرزمین، موسسه آوای طبیعت پایدار، کانون انسان پاک-زمین پاک، موسسه سبزکاران گیلان، کمیسیون محیط زیست انجمن طرفداران توسعه انزلی، انجمن بین رشته ای محیط زیست و اکوتوریسم، انجمن حفظ محیط کوهستان، انجمن حافظان محیط زیست بادرود، انجمن یوزپلنگ ایرانی، موسسه طنین طبیعت تیرگان، دیده‌بان کوهستان.”

—

اهل سنت در تهران و ممنوعیت نمازومسجد

2011-11-07 · Archive ID 597
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=597

بنی آدم: سیاست خشن و غیرقانونی مقامات جمهوری اسلامی در زمینه برخورد با حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران تنها شامل پیروان ادیان دیگر مانند مسیحیان و یا بهاییان نیست، اکنون مسلمانان اهل سنت هم در پایتخت جمهوری اسلامی حق برگزاری نماز عید قربان را ندارند. هرساله درچهارگوشه جهان نمازعید قربان در کنارآیین نذر وقربانی برگزار می شود. ممانعت از خواندن نمازعید قربان توسط اهل سنت در تهران خبری تکان دهنده ، باورنکردنی اما واقعی است.

چندین سال است که مردم اهل سنت تهران بزرگ، به خاطر نداشتن مسجد، در 10 محله در منازل، نمازهای جمعه وعیدین را برگزار میکنند. متاسفانه امسال با مداخله پلیس امنیتی، و به دستور مقامات، با شدت تمام از برگزاری نماز عید قربان جلوگیری شد.

در ایران بیش از هفده میلیون نفر از پیروان اهل سنت زندگی می‌کنند. شمار بزرگی از مردم کردستان و بلوچستان از آن جمله اند. تبعیضات قومی و مذهبی روا شده بر اهل سنت در ایران در سال‌های اخیر شدت گرفته است. اما چگونه و با چه توجیهی می شود مسلمانان را دریک حکومت اسلامی که ادعاهای بزرگ در زمینه حمایت از حقوق امت اسلامی در جهان دارد از خواندن نماز عید قربان محروم کرد. اهل سنت در تهران سالها ست که حتی حق داشتن مسجدی برای خود را ندارند.

این همه در شرایطی است که در اصول دوازده تا چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی حق آزادی بیان و عقیده، آزادی مذاهب بزرگ رسمی از جمله مسلمانان غیر شیعه و برپایی مراسم و آیین‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده است. حال معلوم نیست که مسئولان حکومتی برپایه کدام موازین قانونی و حقوق بشری گروه کثیری از مسلمانان اهل سنت ساکن تهران را از ابتدایی ترین حقوق انسانی و اسلامی خود که همانا شرکت دست جمعی در برپا داشتن نماز است، محروم می کنند. در شرایطی که مسلمانان غیر شیعه ساکن استان های دیگر حداقل از حق نماز عید قربان و شرکت در مراسم مذهبی خود محروم نیستند. این اولین بار نیست که اهل سنت در تهران حق برپایی مراسم نماز را در اعیاد اسلامی را ندارند. مامورین امنیتی ازبرگزاری مراسم عید فطر امسال هم توسط اهل سنت در تهران جلوگیری کردند.

سایت ایران امروز گزارش مفصلی را دراین باره تحت عنوان: «تشدید فشار بر اهل سنت درآستانه عید قربان» منتشر کرده است که دراینجا می خوانید:

«جرس: برخی گزارشها حاکی از تشدید فشار بر اهل سنت ایران در آستانه عید قربان است.

برخی از نمایندگان اهل سنت در تهران در تماس با دویچه وله خبر دادند که "روند ممانعت از برگزاری نمازهای دسته جمعی درمناطق مختلف تهران همچنان ادامه دارد و امسال حتی از اقامه‌ی نماز دسته جمعی در منازل هم جلوگیری کرده‌اند."
یکی از فعالان مذهبی اهل سنت در تهران که نخواست نامش فاش شود گفت: "ما در تهران مسجدی نداریم و پیش از این خواستار برگزاری نماز در میادین شهر و پارک شده بودیم، اما مقام‌های اداری شهر با آن مخالفت کردند.این درخواست ما برای ادای وظایف دینی بوده و جنبه سیاسی ندارد و نظام را هم تضعیف نمی‌کند."
وی در ادامه انتقاد کرد به اینکه درخواست آنها از سوی عده‌ای از مسئولان که "تعصباتی" دارند، رد شده است.

حسن امینی، حاکم شرع مردمی استان کردستان و رئیس "شورای مکتب قرآن کردستان"، نیز درباره‌ی وضعیت مناطق سنی نشین کشور چنین توضیح می‌دهد: من در سنندج زندگی می‌کنم و این ممنوعیت در مناطق سنی‌نشین اعمال نمی‌شود. ممانعت از برگزاری نماز جمعه و مراسم نماز عید تاکنون در تهران و شهرهایی بوده است که در آن اقلیت اهل سنت زندگی می‌کردند و نگذاشته‌اند نماز عید برگزار شود.

حسن امینی می‌افزاید: "متاسفانه تابحال درباره‌ی این اقدامات توضیحاتی داده نشده است. این اقدام دلیل قانونی، دینی و عقلی ندارد و فقط گفته شده است که مصلحت نیست و این توضح نمی‌تواند قانع کننده باشد."

به نظر کمال سیدو، مسئول امور خاورمیانه در "بنیاد مدافع حقوق ملت‌های تحت ستم" که مرکز آن در شهر هانوفر آلمان است، تشدید فشارها بر اهل سنت در آستانه‌ی عید قربان با وضعیت جدید کشورهای عربی ارتباط دارد.

سیدو ضمن انتقاد ازمخالفت مقام‌های ایرانی با احداث مسجد در تهران می‌گوید: "کشور آلمان به رغم اینکه یک کشور مسیحی است، اجازه می‌دهد بزرگترین مسجد مسلمانان در اروپا ساخته شود."

منابع مختلف اهل سنت سه روز پیش نیز خبر داده بودند که محمد اسماعیل ملازائی، یکی از اساتید دارالعلوم زاهدان و داماد مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان که از سوی دادگاه به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود، بطور ناگهانی از زندان زاهدان به یزد انتقال یافته است.

دادستان عمومی و انقلاب زاهدان، محمد مرزیه، در رابطه با اتهام وی گفته است: "اتهام اصلی محمد اسماعیل ملازهی ارتباط با یکی از سفارتخانه‌های کشورهای خارجی و برقراری ارتباط با عناصر اطلاعاتی در دبی و استفاده از کلمات رمز برای پیام‌های ارسالی بود."

ایرج بلوچ از "انجمن فعالان حقوق بشر بلوچستان" در این رابطه به دویچه وله می‌گوید: "هدف از این اقدام فشار بر فعالین مدنی، عقیدتی وفعالین حقوق بشری و هشدار به آنان است. چونکه اخیرا آقای مرزیه دادستان زاهدان در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا گفته است این فرد (محمد اسماعیل ملازائی) پرونده افراد مجرم دستگیر شده را پیگیری و بدنبال آزادی آنان بوده است."

از سوی دیگر پایگاه اطلاع رسانی سنی آنلاین گزارش داده است که مفتی محمد قاسم قاسمی، امام جمعه موقت اهل سنت زاهدان، سردبیر فصلنامۀ "ندای اسلام"، و مولوی احمد نارویی، معاونت اداری دارالعلوم زاهدان، عازم سفر حج بودند که پس از توقیف گذرنامه‌هایشان توسط نیروهای امنیتی در فرودگاه بین‌المللی زاهدان و فرودگاه بین‌المللی امام خمینی تهران، از سفر آنها ممانعت بعمل آمده است.

"سنی آنلاین" در گزارش خود همچنین آورده است که این دو شخصیت میان مردم منطقه محبوبیت فراوانی دارند و ممانعت از سفر آنها باعث تعجب و نگرانی شدید مردم منطقه گشته است.

حسن امینی در این باره می‌گوید: «من شخصا خودم هم وضعیت آنها را دارم و یکسال است نوبت حج عمره‌ام رسیده و نمی‌توانم به زیارت بروم چون گذرنامه‌ام توقیف شده است. این گونه اقدامات باعث شکاف و فاصله بیشتر پیروان اهل سنت و حکومت خواهد شد.»

به باور کارشناسان وضعیت کنونی اهل سنت، شخصیت‌ها و رهبران مذهبی اهل تسنن در ایران را ناخرسند کرده است.

کارشناسان در این رابطه به نامه‌ی نمایندگان مجلس به رئیس جمهور در دوم شهریور و همچنین نامه سرگشاده سیصد تن از نمایندگان و فعالان اهل سنت در ۲۶ شهریور ۱۳۹۰ اشاره می‌کنند و نتیجه می‌گیرند که به "درخواست‌های خیرخواهانه و قانونی" اهل سنت بی‌توجهی می‌شود و این مسئله رهبران اهل سنت را نسبت به بهبود وضعیت‌شان در ایران ناامید کرده است".

بازنشر از عرصه سوم



—

تا خیلی دیر نشده اقدام کنید

2011-11-07 · Archive ID 599
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=599

گروهی از فعالان سیاسی و مدنی در بند، درآستانه انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلام با انتشار بیانیه ای در مورد عواقب وخیم سیاست های غیردموکراتیک و سرکوب گرانه دولت اسلامی هشدار دادند. این بیانیه با امضای سی و شش نفر از جمله روزنامه نگارانی چون عیسی سحرخیز، بهمن احمدی امویی، مسعود باستانی و گروهی از فعالان سیاسی و مدنی زندانی منتشر شده است. در این بیانیه نویسندگان با تحلیل و مرورعواقب سرکوب آزادی بیان، زندانی کردن رهبران و فعالان جنبش سبز پس از انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 و تحولات جدید منطقه خاورمیانه از مقامات جمهوری اسلامی خواسته اند تا از دخالت نیروهای امنیتی و نظامی در جریان انتخابات آتی مجلس جلوگیری کنند.

آنها در بخشی از این بیانیه می نویسند:

"یکی از مهم ترین مشکلات امروز کشور در عرصه های مختلف از جمله انتخابات، ورود نهادها و نیروهای نظامی و امنیتی به این عرصه هاست که این نهادها قانونا و عرفا از ورود به آنها منع شده اند. تنها در نظام های استبدادی است که اینگونه نهادها در امور سیاسی، اقتصادی، قضایی و امثال آن مداخله می کنند و هرچه استبداد در نظامی بیشتر و شدیدتر باشد، حضور نهادهای امنیتی و نظامی نیز در عرصه های مختلف بیشتر و پررنگ تر است. در کشور ما نیز سکاندار اصلی حوادث انتخابات سال ۸۸ و پس از آن، این نهادها بودند و هستند که حضور آنها همچنان ادامه دارد و فضای امنیتی سنگینی را بر کشور مستولی و سایه افکن کرده اند. این دخالت تنها به حوزه سیاسی محدود نمی شود بلکه بخش عمده اقتصادی کشور نیز امروز در انحصار این نهادهاست. همچنین دستگاه قضا و قاضی که طبق قانون اساسی باید مستقل باشد هم تحت سلطه بی چون و چرای دستگاه نظامی و امنیتی است و احکام بی سابقه و سنگین دیکته شده توسط این نهادها به وسیله این نهادها به امضای قضات مشخص تعیین شده به وسیله آنها می رسد. آرای صادر شده به وسیله این دادگاهها پس از انتخابات سال ۸۸ آنچنان سنگین و از نظر حقوقی بی پایه و بدون مبناست که در صورت مقایسه با احکام دادگاههای نظامی زمان شاه باعث روسفیدی آن دادگاهها خواهد شد. این اقدامات طبعا قضات سالم و خدمتگزار دستگاه قضایی را نیز بدنام می کند و دردناک تر اینکه این احکام ظالمانه به نام دین و قضاوت اسلامی صادر می شود و ظلم مضاعفی را بر اسلام تحمیل می کند».

امضا کنندگان این بیانیه با یادآوری اختیارات قانونی مجلس شورای اسلامی به عنوان یکی از ارکان قانونی قدرت سیاسی و تصمیم گیری نسبت به اجرای یک انتخابات غیر دموکراتیک، کنترل شده و به تبع آن تشکیل یک مجلس دست نشانده و فرمایشی که حتی در دفاع از حقوق اعضا و مصوبات خود هم ناتوان است، هشدار می دهند.

در قسمت دیگری از این بیانیه آمده است:

«با توجه به اهمیت جایگاه مجلس، تصمیم گیری در مورد انتخابات آتی واجد اهمیت فراوان است و باید با تامل، ضرورتها، شرایط و پیش نیازهای آن مورد بررسی قرار گیرد.

برخی از موضوع های مهم در این زمینه عبارتند از:

۱- انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ که در واقع یک کودتای انتخاباتی بود شکاف دولت- ملت را تشدید و حکومت را بیش از پیش با بحران مشروعیت رو به رو کرد. مشکل اصلی در انتخابات سالهای اخیر که در سال ۸۸ به اوج خود رسید، تصمیم صاحبان قدرت به تعیین نتیجه انتخابات قبل از اخذ رای از مردم بود که منجر به رویدادهای دوران انتخابات و خیرش جنبش سبز پس از آن شد.

یادآوری بحران های پس از انتخابات سال ۸۸ از یکسو ملال آور و از سوی دیگر اجتناب ناپذیر است. ملال آور است، زیرا دامنه بحرانها در همه ابعاد آن به شکلی باور نکردنی تا اعماق جامعه نفوذ کرده است و غالب شهروندان، آن را به درجه ای تجربه کرده اند. اما اجتناب ناپذیر است، زیرا برای اصلاح این وضع خطیر و

بحرانی، چاره ای جز یادآوری و نقد مستمر آن و تاکید بر حق حاکمیت بلامنازع مردم و پایان دادن به انحصار قدرت سیاسی وجود ندارد.

بسیار بعید به نظر می رسد که دست اندرکاران مدیریت کلان کشور تا بالاترین سطح از شدت و عمق بحران های جاری بی خبر باشند و از آن بعیدتر این است که آنها ساده اندیشانه اظهارات تبلیغاتی خود مبنی بر ثبات و استقرار و مطلوب بودن وضع حاکمیت و جامعه را باور داشته باشند. فروپاشی اداره و مدیریت کشور اکنون به مرحله ای رسیده که فساد و سوء استفاده و آلودگی مسئله ای عادی در ارکان حکومت شده و ارقام نجومی ۳۰۰۰ میلیارد تومان اختلاس که تنها بخشی از یکی از تخلفات صورت گرفته، بحث عادی امروز جامعه شده است.

دولتی که ادعا می شد بهترین دولت یکصدساله اخیر کشور است تبدیل به فاسدترین دولت یکصد ساله اخیر و بلکه همیشه تاریخ ایران شده است و تنها راه حلی نیز که حامیان دیروز رییس دولت تاکنون به کار گرفته اند سرپوش گذاشتن بر این مفاسد و رسوایی ها و جلوگیری از اطلاع یافتن مردم و پرهیز از برخورد با عوامل اصلی آنها بوده است. زیرا شیوع این موارد به حدی است که

گر حکم شود که مست گیرند / در شهر هر آنکه هست گیرند

از وقوع مفاسد اخیر نباید متعجب بود زیرا دولتی که امانتدار رای مردم نباشد و در انتخابات با رای مردم آنچنان بازی کند، طبعا امانتدار سرمایه های معنوی و مادی مردم هم نمی تواند باشد.

۲-کی از مهم ترین مشکلات امروز کشور در عرصه های مختلف از جمله انتخابات، ورود نهادها و نیروهای نظامی و امنیتی به این عرصه هاست که این نهادها قانونا و عرفا از ورود به آنها منع شده اند. تنها در نظام های استبدادی است که اینگونه نهادها در امور سیاسی، اقتصادی، قضایی و امثال آن مداخله می کنند و هرچه استبداد در نظامی بیشتر و شدیدتر باشد، حضور نهادهای امنیتی و نظامی نیز در عرصه های مختلف بیشتر و پررنگ تر است. در کشور ما نیز سکاندار اصلی حوادث انتخابات سال ۸۸ و پس از آن، این نهادها بودند و هستند که حضور آنها همچنان ادامه دارد و فضای امنیتی سنگینی را بر کشور مستولی و سایه افکن کرده اند. این دخالت تنها به حوزه سیاسی محدود نمی شود بلکه بخش عمده اقتصادی کشور نیز امروز در انحصار این نهادهاست. همچنین دستگاه قضا و قاضی که طبق قانون اساسی باید مستقل باشد هم تحت سلطه بی چون و چرای دستگاه نظامی و امنیتی است و احکام بی سابقه و سنگین دیکته شده توسط این نهادها به وسیله این نهادها به امضای قضات مشخص تعیین شده به وسیله آنها می رسد. آرای صادر شده به وسیله این دادگاهها پس از انتخابات سال ۸۸ آنچنان سنگین و از نظر حقوقی بی پایه و بدون مبناست که در صورت مقایسه با احکام دادگاههای نظامی زمان شاه باعث روسفیدی آن دادگاهها خواهد شد. این اقدامات طبعا قضات سالم و خدمتگزار دستگاه قضایی را نیز بدنام می کند و دردناک تر اینکه این احکام ظالمانه به نام دین و قضاوت اسلامی صادر می شود و ظلم مضاعفی را بر اسلام تحمیل می کند.

بدون تردید تا زمانی که دخالت این نهادها در انتخابات ادامه داشته باشد هرگز نمی توان انتظار برگزاری انتخابات آزاد و سالم و صیانت از آرای واقعی مردم را در کشور داشت».

برای خواندن متن کامل بیانیه از سایت میهن به آدرس زیر بازدید کنید:

h ttp://www.mihan.net/pres/

—

آیا می دانید درایران چه می گذرد

2011-11-08 · Archive ID 601
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=601

عرصه سوم . شیرین عبادی رئیس کانون مدافعان حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل به دعوت وزارت امور خارجه هلند، شانزدهم آبان جاری در مرکز فرهنگی بالی در آمستردام درباره « وضعیت حقوق بشر و تبعیضات علیه مذاهب در ایران » ، سخنرانی کرد . عبادی درسخنرانی اش به مسائل دیگری مانند انرژی هسته ای، تحریم مقامات ایرانی و سیاست دول غربی دراین زمینه هم پرداخت .

او با انتقاد از سیاست دوپهلوی اتحادیه اروپا در قبال ایران خواهان اتخاذ سیاست‌های راه گشا و جدی‌تر دولت غربی در قبال مسأله حقوق بشر و احیای دموکراسی در ایران شد .

متن خلاصه شده سخنان شیرین عبادی و پاسخ او به پرسش ها را در اینجا می خوانید :

" سازمان ملل تمام شروط غیر معمول دولت ایران را در مورد گزارشگر ویژه حقوق بشر قبول کرد . اینکه او باید مرد، مسلمان و غیر غربی باشد و احمد شهید را که واجد این شرایط بود معرفی کرد . با این همه علیرغم درخواست های متعددش اجازه ورود او را به ایران ندادند . و برای آنکه از اقدامات احمد شهید جلوگیری کنند، از پارلمان اروپا خواستند که نمایندگانی برای بازدید به ایران بفرستند . من در پارلمان اروپا جلسه داشتم، به من گفتند که ما عازم ایران هستیم . من گفتم که دولت ایران می‌خواهد از شما سوءاستفاده کند و می‌گوید که احمد شهید بی‌طرف نیست . شما اجازه ندهید که ازتان سوءاستفاده کنند . از آنها بخواهید که اجازه ملاقات شما را با خانواده‌های زندانیان سیاسی ، خانواده شهدای حوادث پس از انتخابات و فعالان جامعه مدنی بدهند و اگر موافقت کردند آنوقت به ایران بروید . تا رفتن شما به ایران باعث این ادعا نشود که بگویند درهای ما با بروی همه باز است . همین اتفاق هم افتاد و دولت ایران باز هم به همان دلایل به نمایندگان اروپا اجازه ورود نداد .

احمد شهید در گزارش خود می‌گوید که وضعیت حقوق بشر در ایران بدتر از آن چیزی است که او تصور می‌کرده ومن حالا می‌خواهم بگویم در ایران چه می گذرد .

اعمال تبعیض در مورد ادیان

دولت ایران به کنوانسیون های بین‌المللی حقوق بشر پیوسته و متعهد شده که آن‌ها را اجرا کند . اما قوانین تصویب شده پس از انقلاب کاملاً در تضاد با این کنوانسیون هاست . مثلاً تبعیضات علیه سایر مذاهب و اگر چه ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی به رسمیت شناخته شده‌اند، اما سایر ادیان مانند بهائیت با تبعیضات بی شمار مواجه اند . در ایران سی هزار بهایی زندگی می‌کنند که از کلیه حقوق مدنی وغیره محرومند . آنها اجازه تحصیل در دانشگاه را ندارند و وقتی خودشان دانشگاهی غیررسمی برپا کردند، دولت آن را تعطیل و مسئولانش را دستگیر کرد . پیروان ادیان دیگر هم مورد تبعیض قرار می گیرند . مثلاً اگر یک مسیحی فوت کند و در میان ورثه او فرد مسلمانی باشد . اموال او نه به فرزندانش که مسیحی اند، بلکه به آن فامیلی که مسلمان شده می رسد . یوسف ندرخانی یکی از موارد اخیر است . فردی که به دین مسیح گرویده و حکم اعدام او صادر شده که به خاطر اعتراضات بین‌المللی فعلاً اجرا نشده است .

تبعیض براساس جنسیت

در این مورد موارد زیادی را می‌توان برشمرد . ارزش جان یک زن نیمی از ارزش جان یک مرد است . اگر مرد و زنی درخیابان تصادف کنند، خسارتی که به زن می‌دهند نصف خسارتی است که به یک زن می دهند . شهادت دوزن معادل با شهادت یک مرد است . مرد حق دارد چهاربار ازدواج کند و بدون عذر موجه زنش را طلاق دهد و بسیاری از موارد دیگر .

آزادی بیان در ایران

آزادی بیان پله اول دموکراسی است . درایران آزادی بیان خیلی محدود است . ژورنالیست های ما در زندانند . به گزارش سازمان روزنامه نگاران بدون مرز، تعداد ژورنالیست های زندانی در ایران بیشتر از همه کشورها است و از نظر میزان آزادی بیان ما در پایین‌ترین رده در لیست جهانی و سه تا مانده به آخر هستیم . در ایران حتی وکلا اجازه دفاع از موکل خود را در دادگاه ندارند و در صورت دفاع تحت تعقیب قرار می گیرند . بیش از چهل و چهار وکیل به همین علت مورد بازخواست و بعضی هاشان الان در زندان هستند . مثل همکار عزیزم نسرین ستوده که به شش سال حبس محکوم شده و یا آقایان سیف زاده، سلطانی، شعله سعدی و دیگران .

وکیل سکینه آشتیانی که به سنگسار محکوم شده بود و شما هلندی های مهربان از او دفاع کردید و به خاطر همین حمایت بین‌المللی سنگسار نشد، اما او جاوید هوتن کیان به خاطر دفاع از سکینه آشتیانی به یازده سال زندان محکوم و حالا درزندان است . من از شما می‌خواهم از او دفاع کنید همانطورکه از موکلش دفاع کردید .

فقر شدید در ایران

مردم ایران خیلی از وضعیت خود ناراضی اند . مسأله فقط خشونت حکومت نیست . فقر بسیار گسترش یافته و نود درصد از کارگران ما زیرخط فقر اند . مجموعه این شرایط باعث شده که پایگاه مردمی حکومت روز به روز ضعیف‌تر شود .

سیاست خارجی اشتباه

مردم سوریه قیام کرده‌اند و همه دنیای عرب و اسلام و حتی ترکیه از آنها دفاع می کنند . اما تنها کشوری که به بشار اسد پول و اسلحه داد دولت ایران است . در تظاهرات مردم سوریه پرچم ایران را آتش می‌زنند و فریاد می‌کنند : « ایرانی برو بیرون ». فیلمش را می‌توانید روی یوتیوپ ببینید . دولت ایران حتی برای شورشیان سنگال اسلحه می فرستد . مردم ما می‌گویند کارگران ما گرسنه هستند . چرا ما باید به شورشیان سنگال کمک کنیم؟

انرژی هسته ای

دولت ایران ادعا می‌کند که از انرژی هسته ای برای مقاصد صلح آمیز استفاده می کند . اخیراً نیروگاه اتمی بوشهر شروع به کار کرده و برق تولید می کند . به فرض اینکه دولت ایران درست بگوید می‌دانیم که نیروگاه اتمی از نظر زیست محیطی مناسب نیست . ایران روی خط زلزله است . و اگر مثلاً فاجعه فوکوشیما در ایران تکرار شود، می‌دانید چقدر آدم کشته خواهد شد؟ ما چرا نباید با این همه آفتاب از انرژی خورشیدی استفاده کنیم؟ در زمانی که بسیاری از کشورها متوجه عواقب تخریبی نیروگاه های هسته ای شده و آنها را تعطیل می‌کنند، ما باید به خاطر لجبازی عده ای تعداد نیروگاه ها را بیشتر کنیم، به همین دلیل تحریم و مجازات شورای امنیت هم بیشتر شده است . مردم ایران می‌پرسند چرا لجبازی می‌کنید و چرا منافع ملی را فراموش می کنید؟

مبارزه برای دموکراسی، نقش غرب و تحریم مقامات ایرانی

مبارزه برای دموکراسی و حقوق بشر درایران وظیفه ماست و آن را به خوبی داریم انجام می دهیم . تنها خواسته ما از غرب آنست که از دیکتاتورها حمایت نکند . شرکت اریکسون سوئدی نرم افزاری به دولت ایران داده تا تلفن‌ها و ای میل های مارا کنترل کند . با کمک یک شرکت فرانسوی آنها توانستند دسترسی مردم به تلویزیون بی بی سی و غیره را محدود کنند . چرا سارکوزی جلو این کار را نمی گیرد . ما با حمله نظامی و تحریم اقتصادی مخالفیم . چون به مردم صدمه می خورد . من از دول غربی می‌خواهم که با ایران معاملاتی نکنند که در نیتجه آن مردم سرکوب شوند .

دولت ایران خیلی فاسد است . و اخیراً هم اختلافات درمیان آنان بالا گرفته است . تنها به یک رقم اختلاس هزار میلیارد دلاری اخیر توجه کنید . من از شما یک سؤال دارم آیا آنها این پولها را دربانک های آفریقا و یا امریکای جنوبی می گذارند؟ نه . این پولها در بانکهای اروپایی هستند . پیش شما . دیکتاتورها وقتی از قدرت ساقط و بازنشسته می‌شوند قصرهای زیبا دراروپا می خرند . شما چرا آنها را راه می دهید؟

پارلمان اروپا بالاخره لیست افرادی که در ایران به هر طریق علیه مردم اقدام کرده‌اند را منتشر کرد . تا آنها نتوانند به اروپا سفر کنند . ما پس از سالها مذاکره اروپا را وادار کردیم که گروهی از مقامات را در ایران تحریم کند، اما وقتی سه تای آنها وزیر شدند شما تحریم را برایشان لغو می کنید ! این سه نفر وزرای امور خارجه، نفت و دفاع هستند . می‌گویید لازم است برای مذاکره ! چون این وزرا باید بتوانند به اروپا سفر کنند . بنابراین از من نپرسید راه چاره چیست؟ به قوانین خودتان احترام بگذارید . یعنی در واقع شما با لغو این تحریم به دولت ایران جایزه دادید و آنها شما را به این ترتیب مسخره کردند .

جامعه مدنی

اطلاع رسانی در کشورهای دموکراتیک غربی خیلی اهمیت دارد . شما باید در این زمینه کوشا باشید . به جامعه مدنی و کسانی که معتقد به حقوق بشر هستند رأی دهید . به احزابی رأی دهید که در این زمینه فعال اند . ایرانیان هرکجا که هستید باید اطلاع رسانی کنید عکاسی ، نوشتن مقاله، حتی در صحبت‌های خودمانی در محل کار بگویید که در ایران چه خبر است . در انتخابات کشورهایی که درآن زندگی می‌کنید شرکت کنید . به گروه‌های مدافع حقوق بشر رأی دهید . کار من دفاع از حقوق بشر و نه رهبری سیاسی است . من همیشه درکنار محرومان خواهم بود و آرزو دارم به کارم خودم یعنی وکالت برگردم" .

—

نگاهی از درون به جامعه ایران

2011-11-15 · Archive ID 606
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=606

عرصه سوم- گزارشی از کنفرانس برلین در یازدهم و دوازدهم نوامبر 2011

کنفرانس « نگاهی از درون به جامعه ایران » به همت یک شبکه نوپا و مدنی از جوانان ایرانی مقیم آلمان به نام « شفافیت برای ایران » درروزهای یازده و دوازدهم نوامبر جاری در شهر برلین برپا شد . دراین کنفرانس متخصصان مسائل ایران از زوایای گوناگون به بررسی ساختار قدرت ،معضلات سیاسی و تأثیر آن بر حوزه اقتصاد، جامعه مدنی، حقوق بشر، جنبش های اجتماعی و رسانه‌ها در ایران پرداختند . سخنرانان ایرانی و آلمانی هر کدام با ارائه گزارش‌ها و تحقیقات به تشریح مشکلات و مصائبی که در حال حاضر گریبان‌گیر سیاست و جامعه ایرانی در عرصه ملی و بین المللی است، پرداختند .

خلاصه کوتاهی از بحث‌های این کنفرانس را در اینجا می خوانید:

بخش یک

بررسی تحولات سیاسی

در گشایش برنامه روز یازدهم نوامبر،علی صمدی احدی فیلم ساز و رئیس گروه « شفافیت برای ایران » با ابراز نگرانی از وخامت مسأله حقوق بشر در کشور خواهان توجه همه دست اندر کاران به فقدان آزادی و دموکراسی در ایران شد . او گفت این نهاد با هدف اطلاع رسانی در زمینه حقوق بشر ودموکراسی و تلاش برای احیای آزادی در ایران تشکیل شده است .

پس از او توماس کروگر مدیر نهاد آلمانی « مرکز فدرال آموزش سیاسی » در سخنان خود با اشاره به حوادث پس از انتخابات آخرین ریاست جمهوری سال 1388 درایران و به نقل از سازمان عفو بین الملل گفت :" تا پایان سال 2009 ، پنج هزار نفر از شهروندان، فعالان سیاسی و مدنی، روزنامه نگاران و غیره در ایران دستگیر شده و دهها نفر در این میان جان خود را از دست داده اند ." او به سیاست سانسور و کنترل دولت ایران درزمینه رسانه‌ها و اینترنت اشاره کرد وگفت که حکومت خواهان ایجاد یک شبکه اینترنتی « حلال » و جدا از شبکه بین‌المللی است، تا به این ترتیب شهروندان را از دسترسی به شبکه جهانی ارتباط محروم و سرکوب آزادی‌های مدنی را ادامه دهد .

بخش بررسی تحولات سیاسی ایران با سخنرانی دکترعلی انصاری از بخش تاریخ دانشگاه سن اندروز اسکاتلند درباره دولت احمدی نژاد و ایدئولوژی تبلیغی اش آغاز شد . او با اشاره به رویکرد محمود احمدی نژاد به گفتمان ملی گرایی و استفاده تبلیغی از آن بحث خود را آغاز کرد .

انصاری با نمایش عکس بازدید احمدی نژاد و ولادیمیر پوتین نخست وزیر روسیه از تخت جمشید، آوردن منشور کوروش به ایران و هطراز دانستن سرباز هخامنشی با جوان بسیجی گفت این اولین باردرجمهوری اسلامی است که سیاست مداری تاریخ ایران باستان را دستاویز تبلیغات سیاسی خود قرار می دهد . او در توضیح استراتژی تبلیغی رئیس جمهور درکنترل اوضاع داخلی به هر قیمت، تلاش احمدی نژاد برای همراه کردن مردم با

خود ولی نه دخالت واقعی شهزوندان در سیاست صحبت کرد . به طور خلاصه پوپولیسم احمدی نژاد مبتنی بر استفاده از ملی گرایی و موعود گرایی با شعارهای هیجان انگیز در مشروعیت دستیابی به انرژی اتمی، تبلیغ ناامنی و ادعای ایجاد امنیت است . در تبلیغات دولتی مدام بر ایجاد نظم و امنیت تأکید می شود . اما از سوی دیگر ترس، احساس ناامنی وعدم اعتماد در کشورمدام افزایش یافته است . دراین میان به خاطر فقدان مدیریت، قانون و برنامه‌ریزی برای توسعه، فساد و هرج و مرج اقتصادی هم جامعه را فرا گرفته است . نبودن هیچ بنیادی برای کنترل و حسابرسی دردولت نارضایتی را درجامعه تشدید کرده است .

انصاری در برشمردن اختلافات میان سیاست احمدی نژاد و آیت الله خامنه ای، از سیاست « ملی گرایی تقدس یافته » در برابر اسلام تمامیت خواه فقاهتی نام برد . در ایران عملاً جمهوریت وحقوق مردم به فراموشی سپرده شده و تنها کسی که حق دارد شخص رهبر است . به گفته انصاری اما با تبلیغات ملی گرایانه احتمال قدرت یابی یک دیکتاتوری ناسیونالیسی هم در ایران وجود دارد .

سخنران دوم در این بخش پژوهشگر دینی حسن یوسفی اشکوری بود که به « نقش دوگانه روحانیت شیعه » درجمهوری اسلامی پرداخت . او به تعامل دین با دولت در تاریخ ایران اشاره کرد و گفت که درطول تاریخ مثلاً در دوره ساسانی و یا صفویه نهاد روحانیت در حوزه سیاست همواره از یک سو به حکومت ها مشروعیت بخشیده و از سوی دیگر با آنها به رقابت پرداخته است .

اشکوری معتقد است که این وضعیت در جمعوری اسلامی هم ادامه داشته است . گروهی از روحانیون شیعه که درانقلاب نقشی نداشتند پس از انقلاب همه کاره حکومت شدند و گروهی از آنان ازدرمخالفت با ولایت فقیه و جمهوری اسلامی درآمدند . مشروعیت زدایی از جمهوری اسلامی پس از فوت آیت الله خمینی از سوی روحانیون مخالف شدت گرفت و نقش آیت الله منتظری دراین میان بسیار برجسته بود . یوسفی اشکوری در ادامه به گفتمان مهدی گرایی احمدی نژاد، امکانات تبلیغی او و بی‌اعتنایی او به علما اشاره کرد .

اشکوری در پایان به اشاعه فرهنگ دورویی و بی پروایی مطلق احمدی نژاد در دروغ پراکنی اشاره کرد و آن را درتاریخ اسلام بی نظیر خواند . به عقیده اوهمکاری و رقابت روحانیون با دولت اسلامی همچنان ادامه دارد و به یک معنی دولتی درمیان دولت اسلامی به وجود آمده است . اشکوری درانتها تأکید کرد که مخالفت روحانیون شیعه با جمهوری اسلامی از جنس آزادی خواهی و تلاش برای تحقق یک دموکراسی واقعی در ایران نیست .

دکتر فریدون خاوند کارشناس و استاد اقتصاد در پاریس در پایان بخش اول کنفرانس با ارائه آمار تکان دهنده ای درمورد اقتصاد ایران سخنرانی کرد . او گفت که برخلاف تبلیغات رایج تحریم های بین‌المللی هم خیلی مؤثر بوده‌اند . او به بررسی کارنامه سی و دوساله جمهوری اسلامی در حوزه اقتصاد پرداخت . به عقیده او تولید ناخالص ملی در ایران پایین وکشور در رده 26 قرار دارد، و تولید ناخالص ملی در ترکیه با وجود نداشتن نفت دوبرابر ایران است . در حقیقت 75 درصد از بودجه کشور از فروش نفت است .

خاوند، در ادامه گفت، اگر چه ایران در گروه کشورهای درحال توسعه با درآمد سرانه متوسط است، با این وجود فاصله ما با قطر و یا عربستان زیاد است . نرخ رشد اقتصادی کشور در سطحی پایین‌تر از متوسط در منطقه خاورمیانه و ایران بالانرین نرخ تورم و بیکاری را درخاورمیانه و شمال افریقا دارد . او درادامه دولت گرایی،عدم برنامه‌ریزی علمی، گسترش پوپولیسم در حوزه اقتصادی، فساد، اقتصاد تک محصولی متکی بر صادرات نفت و کاهش آن را به عنوان تعدادی از معضلات مهم حوزه اقتصادی درایران برشمرد . خاوند در مورد درجه آزادی اقتصادی هم صحبت کرد . ایران در این مورد هم از بقیه خاورمیانه عقب تر و در جدول مربوطه در رده 144 در دنیا قرار می گیرد .

از نظر فساد مالی ایران در جایگاه 146 جهان قرار دارد، یعنی در کنار سوریه و یمن . او درپایان در باره افزایش نابرابری اجتماعی درایران گفت که کشور ما در این زمینه حتی از مصر در زمان مبارک هم عقب تر است . نکته مهم دیگر تأثیر تحریم های اقتصادی است که بسیار مؤثر بوده اند . به عقیده این اقتصاد دان هرنوع اقدام نظامی علیه ایران فاجعه آمیز است . اما ادامه تحریم ها می‌تواند بر تغییر سیاست رسمی درایران مؤثر باشد .

در پایان این بخش سخنرانان در پانل اول به بحث و گفتگو نشستند .

نکات جالب در حاشیه برنامه :

1) استقبال جوانان ایرانی از این برنامه وهم جنین پوشش رسانه‌ها چشم گیر بود .

2) یک خودروی پیکان شیری رنگ وکمی هم درب و داغان درسالن ورودی محل برگزاری کنفرانس قرارداشت . در کنار آن دهها سند اداری مربوط به اتاق بازرگانی، شهرداری و غیره به زبان فارسی روی دیوار دیده می شد . اسنادی که مثلاً برای خرید و فروش، پرداخت مالیات وخروج یک دستگاه اتومبیل از کشور اغلب به آن نیاز است . هزاران پیکان در خیابان های شهرهای ایران بخشی از زندگی روزمره اند و توجه چندانی هم جلب نمی کنند . اما قراردادن یک پیکان در اینجا بخشی از یک نمایشگاه هنری ودیدن آن خیلی هم نوستالژیک بود .

این پیکان رنگ ورو رفته آدم را به یاد هزار چیز می‌اندازد،و هم به یاد صنایعی که درایران می بایست رشد کنند و نکردند، وهم به یاد حرفهای دکتر فریدون خاوند یکی از سخنرانان این کنفرانس می‌اندازد که گفت « اقتصاد ایران در اثر سیاست‌های نابخردانه دارای بالاترین نرخ تورم درخاورمیانه، فاقد شکوفایی، تک محصولی و بی برنامه و انحصاری است ».

3) اما دربیرون محوطه کنفرانس هم تنی چند از طرفداران جمهوری اسلامی با دردست داشتن پرچم ایران برای اعتراض به این کنفرانس حضور داشتند .

برای دیدن ویدیوی این برنامه از صفحه فیس بوک عرصه سوم دیدن کنید :

http://radiozamaneh.com/video/8333

بخش‌های بعدی این کنفرانس به ترتیب درادامه منتشر خواهند شد .

—

تجارت مرگ

2011-11-17 · Archive ID 604
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=604

عرصه سوم - مأمورانی که دندان های جلویی سعید پورحیدررا شکستند، رازی تلخ را هم با این خبرنگار مخالف رژیم ایران درمیان گذاشتند: اینکه پورحیدر وامثال او تنها درمقابل جمهوری اسلامی مبارزه نمی کنند بلکه دراین نبرد نا برابربرخی شرکت های غربی هم همکاررژیم ایران هستند؛ شرکت هایی که به قول سعید پورحیدر، با دست زدن به "تجارت مرگ"، فن آوری مورد نیاز برای ردیابی و شنود مخالفان را دراختیار رژیم قرارداده اند.

سایت «بلومبرگ» در گزارش مفصلی به تاریخ هشتم آبان ماه، از قول پورحیدر می نویسد قدرت این دشمن جدید زمانی برمن آشکار شد که بازجوهایم متن های پیاده شده مکالماتم از طریق تلفن همراه، رایانامه (ایمیل) ها و پیامک هایی که نوشته بودم را در جریان بازداشتم در مقابلم گذاشتند. پورحیدر ادامه می دهد که نزدیک به نیمی از دیگر بازداشتی هایی که او در زندان اوین ملاقات کرده روایت هایی شبیه به تجربه او برایش بازگو کرده و گفته اند که مأموران از طریق ردیابی و شنود تلفن های همراهشان حرکات و تماس های آنها را زیر نظر داشته اند. ترجمه خلاصه شده این گزارش را دراینجا می خوانید.

روایت مکرر
بیشتر روایت هایی که زندانیان عقیدتی از درون اتاق های بازجویی رژیم ایران بازگو می کنند نیز کمابیش شبیه آنچه خواندید هستند. بازجوها در برابر رفتارمنطقی و احتمالاً اعلام بی خبری دستگیرشدگان طوماری ازمکالمات، تماس ها، پیامک ها، رایانامه ها، ابراز نظرها برروی شبکه های اجتماعی و اطلاعاتی ازین دست را در مقابل شخص بازداشتی قرارمی دهند. با اتکا به این «مدارک» فرد را مورد شکنجه و بدرفتاری قرار می دهند. وهم براساس همین اسناد و اقاریر زندانی، درنهایت برایشان احکام مجازات صادر می شود.
امروز برما مسلم است، زمانی که رژیم ایران به سرکوب معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال

۱۳۸۸ اقدام کرد، برخی شرکت های اروپایی فن آوری و تجهیزات ردیابی و شنود و نظارت دراختیار دولت ایران قراردادند. درطول دو سال گذشته، شرکت سوئدی «اریکسون ای بی» (Ericsson AB)، شرکت بریتانیایی «کریتیویتی سافتور» (Creativity Software Ltd) و شرکت «ادپتیو موبایل سکوریتی» (Adaptive Mobile Security) از ایرلند اقدام به بازاریابی و ارائه محصولاتی در ایران کردند . تا نیروهای انتظامی و آژانس های اطلاعاتی و امنیتی دولتی رژیم را مجهزکنند.
پیشتر و در سال ۲۰۰۸ میلادی اقدامی مشابه توسط شرکت «نوکیا زیمنس»، و انجام معامله با رژیم جمهوری اسلامی، منجر به بروز جنجال و احضار نماینده این شرکت به پارلمان اتحادیه اروپا شد. در نتیجه، کمپین «نه به نوکیا» جهانگیر شد و این مجموعه عظیم تجاری را بر آن داشت که با اذعان به وجود گزارش های "غیر قابل انکار" از اینکه فن آوری نوکیا زیمنس برای سرکوب مخالفان در ایران مورد استفاده رژیم قرار گرفته، ابراز تأسف کند و عقد معاملات جدید را با رژیم ایران متوقف نماید. به نوشته بلومبرگ از سال ۲۰۰۸ تا به امروز بسیاری از تجهیزات «نوکیا زیمنس» از ایران برچیده شده و شرکت چینی «هوآوی» (Huawei) از آن زمان جایگزین نوکیا زیمنس شده است.
لازم به ذکر است که شرکت های«اریکسون» و«کریتیویتی سافتور» نرم افزار و فن آوری را دراختیار رژیم ایران قراردادند که علناً برای مقاصد امنیتی و اطلاعاتی کاربرد دارند . ازجمله یک ابزارجاسوسی ویژه برای مکان یابی که اریکسون دراوایل سال ۲۰۰۹ به ایران فروخت. و وسیله ای مشابه که در سال جاری میلادی توسط شرکت «کریتیویتی سافتور» دراختیار رژیم ایران قرار گرفت.

ردیابی کنشگران

دهها مصاحبه و سند موجود ابعاد همکاری شرکت های تجاری بین المللی با نظام حاکم بر ایران و شراکت موسسه های فوق درعملیات جاسوسی رژیم را بیش از پیش روشن کرده است.
گروه های حقوق بشر و قربانیان خشونت رژیم ایران یک صدا تأیید می کنند که مقام های امنیتی و مأموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی به طور منظم با استفاده از ابزارهای شنود کنشگران سیاسی را به تله انداخته و با تکیه بر این تجهیزات از آنها بازجویی می کنند.
سناتور «مارک کرک» از ایالت ایلینویز آمریکا درباره شرکت هایی که به جمهوری اسلامی در سرکوب مخالفان کمک می کنند می گوید: "مدیران این شرکت ها نباید بتوانند حتی به چهره خودشان هم درآینه نگاه کنند." این سناتور جمهوریخواه چندی است که به دنبال تصویب قانونی است که برطبق آن دولت ایالات متحده تحریم های سخت تری را برای جلوگیری ازبه فروش رساندن تجهیزات سرکوب به رژیم ایران وضع نماید. این سناتورجمهوریخواه درباره دلیل لزوم تصویب طرح پیشنهادی خود می گوید: "کنشگران حقوق بشرآسیب پذیروبه بهای کسب و کاراین شرکت ها درمعرض شکنجه قراردارند."

اتحاد وزارت اطلاعات، ایرانسل، همراه اول و شرکت اریکسون

شرکت اریکسون، بزرگترین تولید کننده شبکه های بی سیم درجهان، تأیید کرده که درسه ماهه آخر سال ۲۰۰۹ این شرکت یک مرکز مکان یابی تلفن همراه را برای مقاصد مربوط به "صدورصورت حساب" به شرکت خدمات مخابراتی «ام تی ان ایرانسل»، دومین اپراتور بزرگ تلفن همراه درایران، به فروش رسانده است.
بلومبرگ از قول یک کارمند سابق اریکسون در ایران می نویسد شبی در سال ۲۰۰۹ هنگامی که افسران اطلاعاتی به دنبال یافتن ردی از یک مورد مظنون بودند، او یک تماس تلفنی فوری دریافت کرد که طی آن از وی خواسته شد هرچه سریعتر برای "رفع یک ایراد فنی" در مرکز مکان یابی اریکسون به محل کارش مراجعه کند.
بنا براعلام اریکسون، این شرکت کماکان به ارائه خدمات حفظ و نگهداری ازتجهیزات فروخته شده به ایران ادامه خواهد داد، با این وجود درماه اکتبر سال ۲۰۱۰ اریکسون، در پی تلاشهای اخیر برای شدت بخشیدن به میزان تحریم ها علیه جمهوری اسلامی، از تصمیم شرکت مبنی برخودداری ازفروش این نوع محصولات به ایران خبر داد.

ضمانت اجرایی

اوایل سال جاری میلادی، شرکت«کریتیویتی سافتور» تجهیزاتی را به نیروهای امنیتی ایران فروخت که به مأموران این امکان را می دهد که مکان تلفن های همراه را ردیابی کنند. برپایه سند ۱۹ صفحه ای توضیحات فنی محصول یاد شده، به کمک این دستگاه ها پلیس می تواند گزارش رفت و آمد یک فرد بخصوص را هر ۱۵ ثانیه دریافت و منطقه حرکت او را بر روی نقشه معین نماید.«کریتیویتی سافتور» تأیید کرده که «ایرانسل»

یکی از مشتریان آن شرکت است، اما به دلیل منع ناشی از تعهدات مندرج در قرارداد مابین طرفین، ازارائه هرگونه اطلاعات بیشتر خودداری کرده است.
شرکت «ادپتیو موبایل سکوریتی» که تحت حمایت بخش سرمایه گذاری شرکت اینتل قرار دارد نیز در سال ۲۰۱۰ با شراکت اریکسون فروش تجهیزاتی را به «همراه اول»، بزرگترین اپراتور تلفن همراه ایران، پیشنهاد کرد. به این ترتیب کلیه محتوای پیامک های ارسالی دراین شبکه را می توان فیلتر کرد، به دلخواه جلوی ارسال آنها را گرفت و نیز ذخیره نمود. یک سخنگوی شرکت اریکسون هم این مسئله را تأیید کرده است. افزون براین، شرکت ایرلندی «ادپتیو موبایل سکوریتی» نیز هم اکنون برای تجهیزاتی که درسال ۲۰۰۸ به ایرانسل فروخته کماکان خدماتی را ارائه می کند.
با این همه «ادپتیو موبایل سکوریتی» اصرار دارد که محصولاتش صرفاً برای مقاصد مقابله با هرزنامه (اسپم)، ویروس های نرم افزاری و«مطالب نامناسب» عرضه می شوند. وهیچ کدام برای "اجرای قانون" طراحی و فروخته نشده اند. درعین حال، "برای جلوگیری از خدشه دارشدن وجهه شرکت"«ادپتیو موبایل سکوریتی» قصد دارد پس از اتمام مدت قرارداد فعلی با ایران، در اواخر سال ۲۰۱۲، هیچ معامله دیگری با رژیم کنونی ایران انجام ندهد.
سه شرکت اروپایی «اریکسون ای بی»، «کریتیویتی سافتور» و«ادپتیو موبایل سکوریتی» درحالی به همکاری با ایران ادامه دادند که درخواست های زیادی در اروپا و آمریکا برای اعمال نظارت بیشتر بر فروش چنین تجهیزاتی به ایران مطرح شده بود. با این وجود این سه شرکت پس از آنکه نوکیا زیمنس، رقیب دیرینه شان، در میان انتقادهای همه جانبه با چالش بین المللی مواجه شد، همچنان به فعالیت خود در ایران ادامه دادند.

تهدیدی به نام پیامک

علاوه برردیابی موقعیت مکانی افراد، رژیم ایران برای نظارت برمحتوای پیام های نوشتاری درشبکه سراسری ارتباطی کشور به شرکت های یاد شده مراجعه کرد. به گفته گروه های فعال در زمینه حقوق بشر به زودی مشخص شد که خدمات پیام کوتاه، «پیامک»، نیز برای رژیم یک تهدید به شمار می آمد.
در سال ۲۰۰۸، «ادپتیو موبایل سکوریتی» به ایرانسل یک فن آوری خاص به فروش رساند که قابلیت فیلترکردن، انسداد و ذخیره پیامک ها را دارد. به گفته دو تن از مدیران سابق ایرانسل، نظارت بر پیام های نوشتاری خواست نیروهای امنیتی بود، که طبیعتاً ازاین فن آوری برای مقاصد خود استفاده می کنند.
در سندی متعلق به شرکت «ادپتیو موبایل سکوریتی» که بلومبرگ به آن دسترسی پیدا کرده است، ویژگی های تجهیزات سفارشی مورد نظر دولت ایران این گونه توصیف شده : این دستگاه کلیه پیام ها به زبان های انگلیسی، فارسی یا عربی را برای یافتن کلید واژه هایی خاص یا عباراتی کلیدی جستجو می کند؛ آنها را ذخیره کرده و پیام های علامت گذاری شده توسط فیلترها را برای بازبینی توسط افراد مسئول ذخیره می کند.
بنا براظهارنظرسه نفر که ازمفاد گفتگوهای انجام شده با خبرهستند، مقام های امنیتی و انتظامی ایران خواهان تخصص های ویژه ای نیز بودند. به گفته یکی ازمهندسان ارشد سابق ایرانسل، یکی ازخواسته های نهاد های اطلاعاتی آن بود که بتوان محتوای پیام ها را دستکاری کرد و آنها را تغییر داد.

دستانی خون آلود

مارک کرک، سناتور آمریکایی، می گوید: "اگر یک نفر غربی یا هرکدام از طرف های معامله با ما، به همکاری با مقام های ایران بپردازد، درواقع با دستانی خون آلود برسر میز حاضر خواهد شد. "
سعید پور حیدر، روزنامه نگار مخالف رژیم ایران، می گوید پس از بازداشتش درسال گذشته مأموران به او گفته بودند که اتهامش مصاحبه با رسانه های بیگانه مانند بی بی سی و صدای آمریکا است. سندشان هم مکالمات پخش نشده تلفن همراه اش بود، که شنود و ضبط شده و متن شان هم پیاده شده بود. به گفته پورحیدر، بازجوها متن رایانامه ها و پیامک های او را نیز دراختیارداشتند.

اعدام ساختگی

ضرباتی که باعث شکسته شدن چهارعدد از دندانهای سعید پورحیدر شد وهمه شکنجه های فیزیکی، در مقابل شکنجه های روحی ای که او متحمل شد هیچ بودند. این روزنامه نگار به یاد می آورد که روزی نگهبانان به او گفتند که می بایست اعدام شود. اومی بایست روی یک چهارپایه بایستد، دستان وچشمانش را بستند و طناب دار را برگردنش انداختند و۲۵ دقیقه به همان شکل با پاهایی لرزان نگاهش داشتند. پس از آن او را پایین کشیده وبه سلولش بازگردانده و گفتند که مجدداً به سراغش خواهند رفت. پورحیدر که تا صدورحکم دادگاه به صورت

موقت از زندان مرخص شده بود، به محض رهایی ازایران گریخت و به ترکیه رفت. ماه گذشته در مصاحبه ای با بلومبرگ در ترکیه، سعید پورحیدر گفت: "تمام این شرکت ها که خدمات مخابراتی و دستگاه های شنود به ایران می فروشند، به شکلی مستقیم در حفظ این رژیم نقش دارند."

—

نگاهی از درون به جامعه ایران

2011-11-21 · Archive ID 608
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=608

عرصه سوم- گزارش خلاصه بخش دوم کنفرانس برلین

جامعه مدنی درایران

بعدازظهر روزاول کنفرانس به بررسی جامعه مدنی وحقوق بشر درایران اختصاص داشت. این بخش با خواندن سخنرانی دکتر سهراب رزاقی استاد دانشگاه و پژوهشگر جامعه مدنی (شخصا درکنفرانس حضور نداشت) ادامه یافت. رزاقی با ارائه تحلیل جامعی از ویژگی‌ها، کمیت و کیفیت جامعه مدنی درایران به مهم‌ترین گفتمان های امروزی دراین حوزه اشاره داشت. ازجمله گفتمان حقوق بشر و یا جنبش برابری خواهی زنان که ازمهمترین زمینه‌های کار درجامعه مدنی نوپای ایران دردو دهه اخیربوده است. به گفته او آمارغیررسمی خبرازوجود ده تا پانزده هزار نهاد غیر دولتی درایران دارد. درسالهای گذشته سیاست رقابتی وهم سرکوبگرانه دولت در تقابل با نهاد های مردمی ازاستراتژی مبتنی بر کنترل، ومحدودیت و به وجود آوردن سازمان های رقیب و وابسته به دولت که اصطلاحاً به ان. جی . او. های زرد معروفند تشکیل شده است. درحال حاضر به جز شبکه دولتی زنان بقیه سازمان های موسوم به «زرد» فعالیتی چندانی ندارند.

دموکراسی ستیزی وجامعه مدنی هراسی یکی دیگر از ویژگی‌های گفتمان رسمی دربرابر نهادهای مستقل مردمی است. رابطه بخش خصوصی با جامعه مدنی ضعیف و بخش خصوصی تنها درزمنیه فعالیت‌های خیریه فعال است. رزاقی جنبش های اجتماعی را بخشی از جامعه مدنی می داند. ازمهمترین ویژگی‌های جنبش حقوقی مدنی در ایران ونهاد های برپا شده توسط آنها خودجوشی، پرهیز از ایدئولوژی ها، درخدمت محرومان بودن و پرهیز ازخشونت است. جنبش های اجتماعی اغلب از نافرمانی مدنی استفاده می‌کنند اما سازمان های مردمی اکثراً در چارچوب قانون فعالیت دارند. در این میان دولت اسلامی خواهان ساختن جامعه مدنی مورد نظرخود است. وبا سیاست ایجاد ترس و سرکوب و یا بازبینی قوانین ناظر بر فعالیت‌های سازمان های مدنی، کنترل وقطع روابط آن‌ها با سازمان های بین‌المللی وعدم ارتباط داخلی سعی در تضعیف و فروپاشی این شبکه‌های مردمی دارد.

زنان پیشگام ایجاد شبکه‌های مدنی و دیالوگ با سنت گرایان

سخنران بعدی دراین بخش مهرانگیز کار حقوق دان و نویسنده حوزه زنان بود.اودر آغاز با اشاره به حادثه تأسف آور مرگ همسرش سیامک پورزند ژورنالیست که چندی پیش اتفاق افتاد، ازاو به عنوان یکی از قربانیان نقض حقوق بشردرایران نام برد. مهرانگیز کار درادامه در تشریح جامعه مدنی زنان به تلاش‌های آنان در زمینه ایجاد مطبوعات مستقل دردوران خاتمی پرداخت. یکی از ماهانامه های مشهورو مستقل درآن زمان ماهنامه زنان به سردبیری شهلا شرکت بود. که با استفاده از گفتمان برابری خواهی درچارچوب مذهب اسلام توانست فضای گفتگو و انتشار را برای زنان غیرمذهبی نیز فراهم کند. ماهنامه زنان در سال 1991 منتشر و بیش از یک دهه و با تحمل فشار و تهدید کارش را ادامه داد. دوران اصلاحات با شکوفایی و رشد زنان روزنامه‌نگار و تاسیس انجمن زنان روزنامه‌نگار همراه شد. زنان روزنامه‌نگار سرانجام با تحمل مرارتهای متعدد موفق شدند مطبوعات را از انحصار مردان درآورند.خانم کار با اشاره به تلاش‌های زنان برای برپایی نهادهای مردمی در تمام زمینه‌ها از چالش های زنانه درثبت سازمان ها، دسته و پنجه نرم کردن این کنشگران با موانع مالی، قانونی وغیره صحبت کرد.

مهرانگیز کار هم چنین به نقش زنان اصلاح طلب درمجلس ششم پرداخت . پی‌گیری سیاست گفتگو و مجادله حتی با عالمان و فقها و آشنا کردن آنان با موازین مترقی جهانی درزمینه برابری خواهی یکی از ویژگی‌های فعالیت مدنی زنان درآن دوران است. این زنان بودند که درزمینه ایجاد دیالوگ و گفتگو با مخالفان فکری خود پیشقدم شدند و بدون شک تاریخ به این پیشگامان احترام خواهد گذاشت. او درپایان با بررسی فعالیت اینترنتی درحوزه زنان و شکستن شدن سانسوردر فضای مجازی،چگونگی شکل‌گیری «کمپین یک میلیون امضا علیه قوانین تبعیض آمیز» و نقش زنان درجنبش سبز از سرکوب شدید جنبش فمینیستی و زندانی شدن ده‌ها کنشگرکمپین یک میلیون امضا صحبت کرد. خانم کار معتقد است که یکی از نتایج این وضعیت مطرح شدن مسائل زنان به عنوان یکی ازمهم ترین معضلات جامعه ایرانی و حتی ایجاد تفرقه میان جناح های حاکم است. تا حدی که این روزها حتی محمود احمدی نژاد ناگزیراز طرح و موضع گیری درقبال مسائل زنان به نفع آنان است.

نفی جمهوریت و نقض حقوق بشر درایران

درادامه این بخش تام کونیگز رئیس کمیته حقوق بشر آلمان صحبت کرد. اوبا برشمردن مواردی از نقض حقوق بشر درایران واشاره به بیانیه این کمیته برای آزادی عبدالفتاح سلطانی حقوق دان و فعال حقوق بشر و یوسف ندرخانی کشیش مسیحی که هردو در ایران زندانی هستند گفت که دولت آلمان باید درعمل از جامعه مدنی درایران دفاع کند. او گفت « چهار هزار ایرانی در دوسال اخیر به ترکیه فرار کرده‌اند، اما تنها پنجاه نفرآنها درآلمان پذیرفته شده اند. ما باید آن‌ها را بپذیریم چون این افراد از اعدام و شکنجه فرارکرده اند».

عبدالکریم لاهیجی نایب رئیس فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر در سخنرانی خود گفت: « جمهوری اسلامی درذات وعملکرد خود مجموعه‌ای پرازتناقض است. یعنی درواقع یک موجود عجیب الخلقه. جمهوری اسلامی نهادهای جمهوریت را درخود دارد. یعنی براساس جمهوریت مردم گروهی را برای اداره اموربرمی گزینند. اما در نوشته های آیت الله خمینی و درکتابش به نام حکومت اسلامی، مفهوم جمهوریت لوث می شود و خدعه به نظرایشان دراسلام امکان‌پذیر و بلکه واجب است». لاهیجی راجع به عملکرد «موازین اسلامی» و «شورای نگهبان» گفت که مفهوم جمهوریت درجمهوری اسلامی با نظارت این شورا و رد کردن مصوبات نمایندگان مردم بی‌معنی و توخالی شده است. در کشوری که هشتاد درصد اختیارات قوه مجریه برعهده رهبر است، جمهوریت وجود ندارد. لاهیجی درادامه به قوانین اسلامی و ضدیت آن با کنوانسیون های بین‌المللی پرداخت و ازخشونت بی و حد حصر قوانین اسلامی، و بازداشت وکلای مدافع به جرم دفاع از مردم درایران صحبت کرد.

عاملان جنایات باید محاکمه شوند

پیام اخوان، حقوق دان دادگاه بین‌المللی لاهه و استاد دانشگاه درپایان این بخش درباره استفاده ازراهکارهای بین‌المللی برای مجازات ناقضان حقوق بشر درایران که در سی سال گذشته جنایات بزرگی را مرتکب شده‌اند صحبت کرد. اوبا اشاره به کشتار زندان سیاسی در سال 1367 و خشونت های روا شده بر مردم درحوادث پس از آخرین انتخابات سال 88 ایران گفت من می‌خواهم از فردی بگویم که برای داشتن یک دستبند سبز دستگیر شده و پس ازآزادی خودکشی کرده است. ویا امین جوان فر، که جسدش با قطع عضو تحویل داده شد. یا آزاده و لیلی پور زند که نمی‌دانند چه بر سر پدرشان سیامک پورزند آمد و چرا او در هشتاد سالگی خودکشی کرد.

اخوان درادامه گفت، ایرانیان خواهان شفافیت و روشنگری درباره نقض حقوق بشر درایران هستند. زیرا هر مورد زیرپا گذاشتن حقوق مردم به معنای یک تراژدی شخصی است. او به تریبون دادگاه لاهه در مورد یوگسلاوی اشاره کرد و گفت مردم یوگسلاوی برای برپا کردن دموکراسی باید حقیقیت قتل عام مسلمانان این کشور را بدانند. درایران ما باید ازتجربیات کشورهای دیگردر زمینه افشاگری جنایات دولتی استفاده کنیم. مبارزه با فرهنگ خشونت پرور درایران آغاز شده و جامعه مدنی با هدف خشونت ستیزی و احیای دموکراسی باید بتواند حتی در میان بسیجیان و پاسداران نفوذ کند.

جنبش های اجتماعی ، رسانه‌های اینترنتی، روزنامه نگاران تبعیدی

برنامه روز شنبه کنفرانس به نقش رسانه‌ها و اینترنت، ژورنالیسم در ایران، گزارشگری بین‌المللی ونقش شهروندان ژورنالیست اختصاص داشت. دکتر غلام خیابانی درآغاز روز دوم به نقش رسانه‌های اجتماعی درجنبش سبز و قیام های اخیر در دنیای عرب موسوم به» بهارعربی» پرداخت. او با برشمردن مزایای رسانه‌های

اجتماعی و نقش آن‌ها در جنبش های اخیر اجتماعی از اغراق کردن درمورد میزان تاثیرگذاری رسانه‌های اینترنتی درهدایت جنبش اجتماعی انتقاد کرد. وگفت باید بدانیم که همه شهروندان درایران به اینترنت دسترسی ندارند. و بنابراین نمی‌توان اینترنت را یک فضای عمومی مشترک برای همه مردم دانست. اما باید دید چرا رسانه اجتماعی توانست در قیام مردم تونس رل مهمی بازی کند ؟ از نظر او اینترنت می‌تواند بخشی از فضای عمومی باشد ولی نمی‌تواند سبب ارتباط همه گروه ها با هم شود. او درادامه به سرمایه‌گذاری دولتی درایران برای کنترل، دستگیری و کنترل بلاگرها، پایین بودن سرعت اینترنت ، سوء استفاده از آن و کوشش های دولت ایران برای راه انداختن «اینترنت داخلی و یا حلال» اشاره کرد.

پس از آن محمود عنایت از بی بی سی به مسأله سانسور دولتی، افزایش فیلترینگ، تشکیل ارتش سایبری با هدف ایجاد ترس و هک کردن و استفاده وسیع از تکنولوژی برای اشغال فضای سایبری از طرف دولت ایران صحبت کرد.

نوشابه امیری روزنامه‌نگار باسابقه و سردبیر سایت: روز، درباره مشکلات کاری، سانسور، فشارهای های امنیتی و دستگیری های روزنامه نگاران درایران صحبت کرد. او گفت روزنامه‌نگار دگر اندیش در جمهوری اسلامی اغلب با صفاتی از قبیل : جاسوس، خائن و غیره توصیف می‌شود و با تهدید، زندان، شکنجه،محرومیت از کار ونهایتاً فرارازکشور روبرواست. آنها می‌گویند چه چیز را باید بنویسی و چه چیز را نباید بنویسی مثلا. ژیلا بنی یعقوب به سی سال محرومیت از کار محکوم شده، امیری از همکارانش درایران گفت که مجبورند مخفیانه زندگی کنند وهم با قلم زدن با اسامی مستعاربه کار خود ادامه دهند. ما الان درایران هجده روزنامه‌نگار زندانی داریم. عیسی سحرخیز، احمدی امویی و دیگران با قاتلان و قاچاق چیان هم بند هستند.

یک روز کاری مانا نیستانی

سخنرانی مانا نیستانی کارتونیست و طنزپرداز معروف با نمایش کارتونی یک روز کاری اش همراه بود. نمایشی که اشک و خنده را توأماً برچهره حاضران نشاند. مانا نیستانی از زندگی خود در تبعید ، از کابوس های خونین یک کارتونیست و خواندن خبرهای بازداشت های فعالان اجتماعی، تماشای تصاویر صحنه‌های اعدام وغیره به عنوان مواد خام برای کارش سخن گفت و هم از تصور خوش آیند آزار دیکتاتورها درمواجه با کارهایش. و هم امید به آینده. نیستانی از سانسور به عنوان مخرب‌ترین عامل در عقب نشینی کردن کارتونیست ها، انتزاعی شدن هرچه بیشتر کارهایشان و درنتیجه قطع رابطه آنان با جامعه نام برد.

درمیزگرد این بخش احسان نوروزی روزنامه نگار، در مورد نقش رسانه‌های اجتماعی درجنبش های اجتماعی با سخنرانان دیگر به گفتگو نشست. او به نقش حیاتی جامعه مدنی آنلاین در شرایط امروز ایران اشاره کرد.اما یادآور شد که نباید درمیزان تاثیرآن اغراق کرد.اهمیت ارتباط اینترنتی درحفظ شبکه‌های مدنی دراین شرایط خیلی مهم اند. اما مجهز شدن دولت ایران به تکنولوژی مدرن برای کنترل اینترنت امنیت شبکه‌های مدنی را به خطر می اندازد. او گفت درواقع باید بگوییم که دولت به تسلیحات کنترل کننده اینترنت دست یافته است. جامعه مدنی غربی و ایرانی باید شرکت های غربی که این تسلیحات را دراختیارایران قرار می‌دهند افشا و تحریم کنند.

در بخش پایانی پونه قدوسی از بی بی سی، درمورد مشکلات خبررسانی درست و دقیق و نقش شهروندان ژورنالیست دراطلاع رسانی صحبت کرد. قدوسی در توضیح نحوه بازرسی خبری برای اطمینان ازسحت و سقم آن به حرفه‌ای شدن تدریجی شهروندان ژورنالیست اشاره کرد وهمکاری مردمی با شبکه‌های بزرگ خبری را ضرروی دانست. نقش افراد غیر حرفه ای درخبر رسانی آخرین انتخابات ایران وحوادث پس ازآن بسیارمهم بود. او با پخش چند ویدئو درباره جزییات کارش توضیح داد.

این کنفرانس را نهاد «شفافیت برای ایران» ترتیب داده بود. بودجۀ کنفرانس را مرکز آموزش سیاسی فدرال آلمان تأمین کرد. اعضای هیئت مدیره:علی صمدی احدی فیلمساز، نسرین بصیری روزنامه نگار، شمیم رفعت مشاورارشد بازرگانی و سردبیری نشریۀ اینترنتی آن به عهدۀ فرهاد پایاراست. مسئولیت اموراجرایی این نهاد را رضا محبت کار، کارشناس امورسیاسی به عهده داشت.

برای خواندن گزارش جالب نسرین بصیری به نام: درحاشیه کنفرانس، ازسایت زیر بازدید کنید:

http://www.iranologie.org/2011/11/blog-post_17.html

—

سازمان ملل نقض حقوق بشر درایران را محکوم کرد

2011-11-22 · Archive ID 611
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=611

عرصه سوم-هشتاد و شش کشورعضو سازمان ملل قطعنامه جدیدی را درمورد نقض شدید حقوق بشر در ایران تصویب کردند. برای چهارمین بار در دوماه گذشته موضوع پایمال کردن حقوق انسانی شهروندان ایرانی درسازمان ملل مورد بررسی قرار گرفته است. تصویب این قطعنامه پیروزی مهمی برای تمام فعالان حقوق بشر، کنشگران جامعه مدنی، مدافعان صلح و دموکراسی در ایران است. و نشانگر مؤثر بودن تلاش‌های شبانه روزی آنان برای دفاع ازجنبش حقوق بشر و تمام افرادی است که در راه ساختن جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک در ایران مورد تبعیض اند ،به زندان افتاده اند، شکنجه شده و یا جان خود را از دست داده اند.

کمیته سوم مجمع عمومی در شرایطی این قطعنامه را تصویب کرد که هئیت ایرانی حقوق بشر به ریاست جواد لاریجانی هفته گذشته در نیویورک برای عدم تصویب این قطعنامه به فعالیت‌های متعدد و مذاکره با نمایندگان کشورهای دیگر اقدام کرد. جواد لاریجانی در نشست مطبوعاتی در نیویورک باردیگرازتعیین گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل درباره ایران انتقاد کرد. مقامات جمهوری اسلامی تا کنون با درخواست احمد شهید گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر برای مسافرت او به ایران و تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر موافقت نکرده اند. احمد شهید چند هفته پیش با انتشارگزارش خود از موارد متعدد پایمال شدن حقوق انسانی شهروندان مانند گسترش اعدام ها، شکنجه فعالین سیاسی، مدنی، تبعیض علیه اقلیت‌های دینی و مذهبی نام می برد.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، از تصویب این قطعنامه استقبال کرد و هادی قائمی سخنگوی این کمپین تصویب این قطعنامه را گامی بسیار مهم از سوی جامعه جهانی دانست و گفت کشورهای عضو سازمان ملل را باید تشویق می کنیم تا توجه بین المللی را روی کارنامۀ بحرانی حقوق بشر ایران متمرکز کنند.

سایت کمپین بین‌المللی حقوق بشر دراین باره می نویسد:

«(۳۰ آبان ۱۳۹۰) کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران ازقطعنامه سازمان ملل د در خصوص وضعیت وخیم نقض حقوق بشر در ایران که امروز در کمیتۀ سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد استقبال می کند.

هادی قائمی، سخنگوی کمپین گفت:“ما تصویب این قطعنامه را گامی مثبت و بسیار مهم از سوی جامعه جهانی میدانیم و کشورهای عضو سازمان ملل را تشویق می کنیم تا توجه بین المللی را روی کارنامۀ بحرانی حقوق بشر ایران متمرکز کنند.”

قطعنامۀ سازمان ملل متحد با ۸۶ رای موافق، ۳۲ رای مخالف، و ۵۹ رای ممتنع تایید شد. محمد جواد لاریجانی، عالی ترین مقام رسمی مسئول حقوق بشر ایران، هفتۀ گذشته را در نیویورک صرف کرد تا به دفاع از کارنامۀ حقوق بشر ایران بپردازد و قبل از رای گیری نیز در مجمع عمومی سخن گفت و تلاش کرد تا اعضاء را به مخالفت با قطعنامه تشویق کند؛ تلاشی که بی ثمر ماند.

هادی قائمی افزود:“ایران می تواند به تلاشهای خود برای سرپوشی بر کارنامۀ وخیم خود ادامه دهد، اما نهادهای مختلف سازمان ملل به صورت فزاینده ای به این نتیجه رسیده اند که رفتار حکومت ایران با شهروندانش غیر انسانی است و نباید بیش از این تحمل شود.”

فقط ظرف دو ماه گذشته، سه مقام و نهاد مجزا و مستقل سازمان ملل متحده، بان کی مون، دبیرکل ، کمیته حقوق بشر سازمان ملل، و احمد شهید، گزارشگرویژه سازمان ملل متحد در وضعیت حقوق بشر در ایران،

همگی گزارش هایی مستند در محکومیت اقدامات ایران علیه حقوق بشر صادر کرده اند که مفاد آنان شامل اعدام های پنهانی، شکنجه، دستگیری های خودسرانهٔ گسترده، تبعیض علیه زنان و اقلیت های مذهبی و قومی، سرکوب آزادی بیان، آزادی احزاب، و اجتماعات است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه تصویب شده توسط کمیته سوم را به صورت رسمی در ماه دسامبر (آذرماه) ثبت خواهد کرد. پیش نویس قطعنامه یاد شده در ۲۷ اکتبر به اعضای مجمع عمومی ارائه شده بود.

قطعنامه امروز از حمایت کشورهای اقصی نقاط جهان برخوردار بود و کشورهای کلیدی موسوم به «بهار عربی» از جمله تونس و لیبی به آن رای مثبت دادند و مصر رای منفی سال پیش خود را به ممتنع تغییر داد. کشورهای ژاپن، بوسنیا و هرزگوین وکلمبیا رای مثبت دادند و کره جنوبی، سنگال، تانزانیا، جمهوری مرکزی آفریقا با رای مثبت امسال رای خود را از سال پیش تغییر دادند. ترکیه در رای گیری شرکت نکرد. اکثریت کشورهای آمریکای لاتین از جمله آرژانتین، شیلی، مکزیک، جمهوری دومنیکن و هندوراس و تمامی اعضای اتحادیه اروپا به آن رای مثبت دادند.

درقطعنامه مصوب امروز، مجمع عمومی مجددا به موضوع انتخابات در ایران پرداخت و قویا از جمهری اسلامی ایران خواست تا « تضمین کند که انتخابات مجلس در سال ۱۳۹۰ به صورت آزاد، منصفانه، شفاف، و بدون تبعیض صورت بگیرد و منعکس کنندهٔ ارادهٔ مردم و منطبق بر اعلامیهٔ جهانی حقوق بشرو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی باشند...» برای اولین بار مجمع عمومی از جمهوری اسلامی ایران خواست تا اجازه بدهد «نظارت مستقل، شامل ناظرانی از طرف جامعهٔ مدنی و نامزدان انتخاباتی، بر فرآیند انتخابات انجام شود و به روزنامه نگاران محلی و بین المللی اجازهٔ نظارت و گزارش آزاد انتخابات را بدهد.»

هادی قائمی گفت: "همگان شاهد فاجعهٔ حقوق بشری که به دنبال انتخابات سال ۱۳۸۸ اتفاق افتاد بودند. این قطعنامه باید هشداری برای مقامات ایرانی باشد تا بدانند که در انتخابات آتی مجلس، جهان نظاره گر انتخابات خواهد بود و تکراروقایع سال ۱۳۸۸ را تحمل نخواهد کرد."

کشورهای عضو سازمان ملل با اشاره بهحبس خانگی نه ماههٔ میرحسین موسوی و مهدی کروبی از ادامه این وضعیت ابراز نگرانی کردند

مجمع عمومی همچنین خواستار آزادی فوری تمامی زندانیان عقیدتی شد. بیش از ۴۰۰ زندانی عقیدتی فقط به دلیل عقاید و باورهای خویش پس از انتخابات ریاست جمهوری مورد مناقشهٔ سال ۱۳۸۸دستگیر شده و هنوز در حبس به سر می‌برند و در زندانهای ایران مورد بدرفتاری قرار دارند. قوهٔ قضاییهٔ ایران احکام زندان، شلاق، و جریمه های نقدی بیرحمانه ای را مبتنی بر اتهامات بی اساس در پوشش امنیت ملی به فعالان سیاسی و جامعه مدنی تحمیل کرده است. قطعنامهٔ مجمع عمومی نگرانی عمیق در خصوص این بازداشت ها و در خصوص وکلای حقوق بشری که به طور خودسرانه دستگیر و محاکمه شده اند، شامل همکاران کانون مدافعان حقوق بشر مانند عبدالفتاح سلطانی، نسرین ستوده، و محمد سیف زاده بیان کرده است.

محمدجواد لاریجانی رییس ستاد حقوق بشر ایران در یک کنفرانس مطبوعاتی وتنها چند روز پیش از رای گیری مجمع عمومی، عبدالفتاح سلطانی را به ارتباط به سازمانهای تروریستی که از آنها نامی نبرد متهم کرد. در واکنش به این اتهام بی پایه، همسر عبدالفتاح سلطانی در خصوص عکس العمل همسرش به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت: "آقای سلطانی گفتند که اگر برای من امکان داشته باشد خودم شکایت می کنم ولی اینجا من دستم بسته است نه قلم دارم و نه کاغذ. اما به دلیل اتهام بی ربطی که به من زده شده است، اتهامی که نه تفهیم شده و نه ثابت شده است در هر فرصتی یا خودم یا از وکلایم خواهم خواست که از ایشان شکایت کنند."

قطعنامهٔ امروز همچنین رفتار جمهوری اسلامی ایران را با اقلیت های قومی و دینی به چالش می کشد. در این قطعنامه از دولت ایران خواسته شده است تا "تبعیض و عدم شمول اعضاء آیین بهایی در خصوص دسترسی به تحصیلات عالی را از بین ببرد" و همچنین سرکوب خشونت آمیز و بازداشت عربهای ایرانی و ... سرکوب خشونت آمیز اعتراضات محیط زیستی در منطقهٔ آذربایجان ایران" را مورد انتقاد قرار داده است. مجمع عمومی همچنین نسبت به "تعداد بالای اعدامهای افراد متعلق به گروههای اقلیت" ابراز نگرانی کرده است.

مجمع عمومی همچنین انتقاد جدی خود را کلا در خصوص استفادهٔ ایران از مجازات اعدام اعلام کرد و از "وقوع مداوم و رشد خیره کنندهٔ مجازات اعدام در غیاب استانداردهای بین المللی" سخن گفت. این اولین بار است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد از ایران به دلیل انجام "اعدامهای گروهی پنهانی، و همچنین اعدام افراد بدون مطلع ساختن خانواده های زندانیان و یا وکلای مدافع آنان" انتقاد کرده است.

از ابتدای سال ۲۰۱۱ میلادی تا کنون، قوه قضائیه ایران حد اقل۴۵۵ نفر را اعدام کرده که ۱۶۱ فقره از این اعدام ها به صورت پنهانی صورت گرفته است. بدین ترتیب ایران، از لحاظ سرانهٔ جمعیتی بزرگترین کشور اعدام کننده در جهان است. اکثر این اعدامها برای جرمهایی مانند قاچاق مواد مخدر و روابط جنسی با رضایت طرفین صورت گرفته که طبق قوانین بین المللی انجام مجازات اعدام برای آنها مجاز نمی باشد. حداقل سه نفر از افرادی که ظرف این سال اعدام شده اند در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال داشته اند.

با تصویب این قطعنامه، این هشتمین سالی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد نسبت به شکست خیره کنندهٔ ایران در رعایت تعهدات حقوق بشری خود تذکر داده است و ایران را به همکاری با مقامات سازمان ملل متحد در جهت رفع این نقایص تشویق کرده است. این قطعنامه از ایران خواسته است برای همکاری با احمد شهید، گزارشگر ویژه ای که اخیرا برای حقوق بشر در ایران منصوب شده است اقدام کند و به وی اجازه بدهد تا "دسترسی نامحدود به کشور داشته باشد تا بتواند ماموریت خود را اجرا کند." در سالهای اخیر، ایران نسبت به خنثی کردن کلیهٔ تلاش ها برای بهبود وضعیت حقوق بشر خویش ادامه داده است و از زمان آغاز ماموریت احمد شهید، هیچگونه ارتباط مستقیمی با وی برقرار نکرده است.

کمپین بین المللی حقوق بشر از حمایت گسترده و فرامنطقه ای از این قطعنامه استقبال می کند و مصرانه از ایران میخواهد تا برای رفع نگرانی هایی که در قطعنامه مجمع عمومی مستند شده است است سریعا اقدام کند.»

برای اطلاعات بیشتر درمورد وضعیت حقوق بشر به: سایت کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران، مراجعه کنید:

ttp://persian.iranhumanrights.org

—

تظاهرات صدها کارگر درمقابل مجلس اسلامی دراعتراض به قانون کار

2011-11-22 · Archive ID 616
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=616

عرصه سوم- خبرگزاری های داخلی و خارجی خبرنخسیتن گردهمایی خیابانی واعتراضی کارگران به تغییرات « پیش نویس قانون کار» را در روز اول آذر ماه منتشر کرده اند. دراین گردهمایی صدها نفر شرکت داشتند. اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری و خانه کارگر از جمله نهاد ها و سازمان های مخالف با تصویب تغییرات قانون کار هستند.هم چنین کانون شوراهای اسلامی کار، که از تشکل‌های به رسمیت شناخته شده توسط دولت است، به جمع معترضان پیوسته است. بحث تغییر قانون کار، موضوع بحث در دولت های قبلی نیز بوده است.

موارد مورد بحث و انتقاد:

1) در تغییرات جدید قانون کار که توسط دولت محمود احمدی‌نژاد تدوین شده است ، حقوق کارگران در زمینه دستمزد نوبت کاری، کاهش یافته است.
2) منتقدان می‌گویند که به جای ۳۵ درصد اضافه پرداخت، فقط ۱۰ درصد به کارگران پرداخت خواهد شد.
3) در پیش نویس فعلی مرخصی سالانه کارگران از سی روز به بیست و یک روز کاهش یافته است.
4) به گفته تشکل‌های کارگری ، یکی دیگر از موادی که دولت احمدی‌نژاد درصدد تغییر آن است، موضوع افزایش اختیارات کارفرمایان در اخراج کارگران است. این قانون حق اخراج دسته جمعی کارگران را به آنها

خواهند داد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز نوشت که بیش از دو هزار کارگر خواستار استعفای وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ادامه اعتراض کارگران به پیش نویس قانون کار جدید شدند.

سایت اتحاد متعلق به اتحادیه آزاد کارگران ایران، دراین رابطه اطلاعیه ای به شرح زیر منتشر کرده است:

« بیش از دو هزار کارگر در اعتراض به تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران از ساعت 9 صبح امروز 29 آبان ماه سالروز تصویب قانون کار، بیش از دو هزار کارگر در مقابل مجلس شورای اسلامی در اعتراض به تغییرات ضد کارگری تر در قانون کاردست به تجمعی اعتراضی زدند. هر چند خانه کارگر چند روز پیش در محافل خود محل برگزاری این تجمع را خیابان ابوریحان اعلام کرده بود و هیچ اطلاع رسانی عمومی نیز در موردزمان و مکان برگزاری تجمع نکرده بود و تلاش داشت تا این تجمع را بصورت کنترل شده و با شرکت معدود عناصر شناخته شده خود برگزار کند با این حال صبح امروز 29 آبانماه کارگران علیرغم بارندگی شدید از نقاط مختلف خود را به مقابل مجلس شورای اسلامی رساندند و در اعتراض به تغییرات ضد کارگری تر در قانون کار دست به تجمع زدند.

در این تجمع کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به تغییرات ضدکارگری تر در قانون کار بطور یکپارچه ای شعار میدادند: مجلس به این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی – وزیر بی لیاقت استعفااستعفا – کارگر اتحاد اتحاد – مرگ بر سرمایه دار - تغییر قانون کار، وال استریت ایران و.....

این تجمع علیرغم بارندگی شدید بمدت 2 ساعت در مقابل مجلس شورای اسلامی ادامه داشت و در ساعت 11 قبل از ظهر کارگران با شعار: تغییر قانون کار، اعتصاب اعتصاب - به تجمع خود پایان دادند.»

برای کسب اطلاعات بیشتر از سایت اتحاد به آدرس زیر بازدید کنید:

http://www.etehadeh.com

—

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را به روز دفاع از زندانیان سیاسی- عقیدتی زن در ایران تبدیل کنیم

2011-11-28 · Archive ID 618
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=618

عرصه سوم - پژوهشگران، کنشگران حقوق بشر وفعالین حوزه زنان در داخل و خارج کشور با انتشار بیانیه ها، مقالات و برگزاری سخنرانی‌ها روز بیست وپنجم نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را گرامی داشتند و نسبت به افزایش روزافزون خشونت بر زنان در ایران اعتراض کردند.

از مسائل مهم مطرح شده در تمام این بیانیه ها اظهار نگرانی وانتقاد صاحب نظران مسائل اجتماعی در مورد افزایش خشونت و تعرض در حوزه خصوصی و اجتماعی علیه زنان در جامعه ایرانی است. آنان با بر شمردن موارد مشروعیت یافته خشونت جنسیتی در قوانین اسلامی، رسمیت یافتن روزافزون تبعیض های جنسیتی درحوزه آموزش و اشتغال و به کار گیری انواع شیوه‌های سرکوب در مورد فعالان مدنی زن نسبت به عواقب این وضعیت هشدار می دهند.

از جمله مادران پارک لاله در بیانیه خود به تشریح وضعیت اجتماعی زنان در ایران و فعالان زن زندانی به طور خاص پرداخته و خواهان پایان دادن به تبعیضات همه جانبه نسبت به آنان و آزادی همه زندانی سیاسی و عقیدتی شدند. مادران پارک لاله، مادران دادخواه جان باختگان در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی درایران هستند. آنان

خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی - عقیدتی و لغو مجازات اعدام بوده و هم چنین خواستار محاکمه علنی و عادلانه تمام دست اندرکاران جنایات های انجام شده در سه دهه اخیر هستند.

بیانیه مادران پارک لاله در ایران با پشتیبانی بین‌المللی این گروه‌ها منتشر شده است:

حامیان مادران پارک لاله ایران- اسلو

حامیان مادران پارک لاله ایران - ایتالیا

حامیان مادران پارک لاله ایران- دورتموند

حامیان مادران پارک لاله ایران- فرانکفورت

حامیان مادران پارک لاله ایران- کلن

حامیان مادران پارک لاله- لوس آنجلس/ ولی

حامیان مادران پارک لاله ایران - وین

حامیان مادران پارک لاله ایران- هامبورگ

حامیان مادران پارک لاله ایران- نورنبرگ

حامیان مادران پارک لاله ایران- ژنو

در بخشی از بیانیه مادران پارک لاله (مادران عزادار ایران) با عنوان :

«روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را به روز دفاع از زندانیان سیاسی- عقیدتی زن در ایران تبدیل کنیم!» می‌خوانیم که :

«بیست و پنج نوامبر روز جهانی رفع تمامی اشکال خشونت علیه زنان شناخته شده است. انتخاب این روز برای یادآوری فاجعهای است که نمونههای آن بارها در تاریخ ایران و جهان تکرار شده است و برای جلوگیری از تکرار آن باید تلاش کنیم. در این روز آدم ربایی، تجاوز و قتل سه زن به بیرحمانهترین شکل ممکن در سال 1960 به دست سربازان تروجیلو، دیکتاتور جمهوری دومینیکن به وقوع پیوست. این سه خواهر بهنامهای، پاتری، مینروا و ماریا ترزا میرابل، در منطقهای اطراف سانتیاگو در جمهوری دومینیکن، همراه با همسران خود در پشتیبانی از گروه (جنبش ۱۴ ژوئن) علیه حکومت دیکتاتوری رافائل تروجیلو مبارزه میکردند.

اینک خواهران میرابل "خواهران پروانه" در جهان به عنوان یکی از نمادهای مقاومت در برابر دیکتاتوری شناخته شدهاند. نخست در سال 1981 روز 25 نوامبر، سالروز قتل «خواهران میرابل»، بهوسیله فمینیستهای آمریکای لاتین، بهعنوان روز مقابله با خشونت علیه زنان انتخاب شد و سالها بعد مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ 17 دسامبر 1999 طی قطعنامه ای تعیین روز 25 نوامبر به عنوان "روز جهانی مقابله با خشونت علیه زنان " را تصویب نمود.

خشونت مضاعف علیه زنان در کنار خشونت ساختاری استثمار، هر روز ابعاد گسترده خود را به اشکال متنوع نشان میدهد؛ تجاوزهای دستهجمعی به زنان در کشورهایی مانند افغانستان، عراق، کنگو، سومالی، بوسنی و ... قاچاق زنان، مهاجرت اجباری، ترور دولتی و آزار و اذیتهای سیاسی، عقیدتی و دینی، از جمله دستگیری و قتل مبارزان مقاوم زن در جهان.

در ایران، در جامعهای که نیمی از جمعیت خود را به عنوان انسان رسما و قانونا به رسمیت نمی شناسد، تبعیض جنسیتی و جداسازی جنسی از ظریفترین و فراگیرترین شکلهای خشونت علیه زنان بشمار می رود.

سنگسار که عمده قربانیان آنرا زنان تشکیل میدهند، تجاوز، تهدید و تحقیرهای جنسی در زندانها، قتل های ناموسی، ختنه دختران، خرید و فروش زنان و دختران، چند همسری، رواج فحشا تحت عنوان شرعی صیغه، قوانین غیر عادلانه ارث، شهادت، حق طلاق و حضانت فرزند، دستمزد های نابرابر در مقابل کار یکسان، حجاب اجباری... همه و همه تنها بخشهایی از تبعیضهایی است که هر روزه بر زنان ایران تحمیل میکنند.

زندان، شکنجه، تحقیر، تجاوز و کشتار زنان در ایران کم نبوده است. زنان علاوه بر اینکه بایستی به عنوان یک زندانی مقاومت نشان دهند، بایستی به وسطه زن بودن مشکلات عدیده ای را تحمل کنند و زیر بار تحقیرهای بازجو، جامعه و خانواده خرد نشوند. کشتار زنان و مادران باردار؛ تجاوز به دخترکان باکره قبل از اعدام؛ زندانی کردن زنان به همراه فرزندانشان؛ وادار کردن زنان به رعایت حجاب اسلامی؛ شکنجه های قرون وسطایی در تابوتها؛ شکنجه های روانی برای ایجاد فضای گناه آلود و توابسازی؛ شستشوی مغزی با ایجاد عذاب وجدان برای دوری از خانواده؛ وادار کردن زنان به پذیرش ارتباط جنسی با بازجو؛ در انزوا قرار دادن زندانی و مهیا کردن شرایطی برای خودکشی؛ شکنجه زنان و مادران برای گرفتن اطلاعات در مورد خانوادههشان و در نهایت کشتار در خیابانها. این نمونهها در طول حاکمیت جمهوری اسلامی تداوم داشته است و زنان را به وحشیانه ترین شکل ممکن در زندان و بیرون زندان تحقیر کرده، شکنجه داده و کشتهاند. از جمله: زهرا کاظمی، زهرا بنی یعقوب، شیرین علمهولی، پروانه فروهر، ترانه موسوی، ندا آقا سلطان، شبنم سهرابی، هاله سحابی و ....

زنان ما علاوه بر نداشتن حقوق مساوی انسانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مدنی، برای دفاع از حقوق طبیعی خود نیز دستگیر و زندانی میشوند.

فعالان جنبش زنان، وکلا، روزنامهنگاران و هنرمندان زیر فشار مستقیم هر روزه رژیم زنستیز جمهوری اسلامی قرار دارند، و در حال حاضر تعداد بسیاری از زنان فعال ایران، از جمله:

نسرین ستوده، بهاره هدایت، مهدیه گلرو، زینب جلالیان، فریبا کمالآبادی، مهوش ثابت، فرشته شیرازی، عالیه اقدام دوست، محبوبه کرمی و ده ها تن دیگر در زندان ها، در بد ترین شرایط غیر انسانی و ضدحقوق بشری به سرمی برند.

از جمله مادران پارک لاله، مادران خاوران، خانوادههای جانباختگان و حامیان آنان نیز همواره مورد اذیت و آزار و بی حرمتی و ضرب و شتم قرار میگیرند و فقط به جرم دادخواهی، حمایت و همدردی، دستگیر و زندانی می شوند و تعدادی از آنان با گذاشتن وثیقه های سنگین و کمرشکن، برای محدود زمانی آزاد می گردند، ولی هر آن در خطر جدی بر گرداندن به زندان می باشند.»

برای خواندن متن کامل این بیانیه از سایت مادران پارک لاله بازدید کنید:

http://www.mpliran.com/2011/11/blog-post_23.html

جمعی از فعالان حوزه زنان نیز در ایران با انتشار بیانیه دیگری در سایت مدرسه فمینیستی روز بیست و پنجم نوامبر را گرامی داشتند. آنان نیز از افزایش خشونت علیه زنان در سطح جامعه و گسترش تبعیض جنسیتی در سیاست‌ها و قوانین جمهوری اسلامی انتقاد و نسبت به ابعاد فاجعه آمیز آن هشدار دادند.

متن کامل این بیانیه را دراینجا می خوانید:

«پروانههای فراموشنشدنی» نهضت مقاومت زنان در ایران

روزجهانی مبارزه با خشونت علیه زنان بزرگداشت روز کشته شدن «پروانه های فراموش نشدنی» کشور دومینیکن است، یعنی سه خواهر میرابل که در نهضت مقاومت کشورشان در مبارزه با دیکتاتوری جان خود را از دست دادند و همین واقعهٔ دلخراش سازمان ملل را بر آن داشت که روزی را برای یکپارچه کردن روند مبارزات جهانی با خشونت علیه زنان اعلام کند. ما زنان ایرانی نیز در نهضت مقاومتِ مسالمت آمیز مدنی سرزمین خود «پروانه های فراموش نشدنی» بسیاری داریم: از «پروانهٔ اسکندری» تا «پروانهٔ صلح» هالهٔ سحابی و پروانهٔ نسل امروز« ندا آقاسلطان» و... که همگی قربانی خشونتی شده اند که امروز آتش آن بیش از همیشه زبانه میکشد.

نزدیک به دو دهه از مبارزه و مقابله با خشونت در میان فعالان زن ایرانی میگذرد، اما متأسفانه نه تنها شاهد ارادۀ جدی دولتمردان کشور برای کاهش خشونت علیه زنان نبوده ایم، بلکه با اجرای سیاستهای نابخردانه و مردسالارانه، «خشونت خانگی علیه زنان» گاه به حوزۀ قانون نیز تسری یافته و به «خشونت قانونی علیه زنان» تبدیل شده است. برای نمونه، در حالی که روند فزایندۀ تجاوز جنسی و قتل زنان میبایست دستاویزی برای وضع قوانین حمایت کننده از زنان قربانی خشونت جنسی قرار گیرد، متأسفانه خشونتهای کلامی علیه زنان از سوی برخی از مسئولان کشور گسترش می یابد و بی اخلاقی و خشونت نسبت به زنان در جامعه توجیه و به آن دامن زده میشود. گویی دولتمردان به جای اینکه با نقد روشهای ناکارآمد خود در احقاق حقوق شهروندان کوشا باشند، ترجیح میدهند زنان را باعث و بانی گرفتاریها و مشکلات مملکت بدانند و برای اثبات باورشان ترجیح میدهند به عوض رفع نابسامانیها و تبعیضهای حقوقی زنان در قوانین خانواده، همچنان زنان را در نبود حداقل حقوق خود از جمله «حق طلاق» در موقعیتی دردناک قرار دهند به طوریکه راهی به جز بازتولید خشونت علیه خود و همسرانشان نیابند. برنامه ریزان اقتصادی مملکت به عوض آنکه برای کاهش دادن و نهایتا حل معضل خودفروشی و پایین آمدن سن فحشا، که ناشی از گسترش فقر و اجبار اعتیاد است، در صدد ایجاد سیستمهای حمایتی برآیند، کارآفرینی و ایجاد فرصتهای شغلی بیشتر برای زنان را در اولویت قرار دهند، و به تخصیص عادلانه و فراجنسیتی منابع و فرصتهای اشتغال بین شهروندان بیندیشند، متأسفانه با نحوۀ سیاستگذاری و تخصیص منابع کشور موجب به حاشیه راندن هرچه بیشترِ زنان از بازار کار و محرومیت آنان از امکان تامین معیشت شرافتمندانه میشوند.

یا شاهدیم که برخی از مسئولان، به جای ارائۀ راه حلهای بنیادی در جهت رفع مبانی خشونتها و مشکلات گستردۀ اقتصادی و اجتماعی علیه زنان، با برخوردی سطحی و شکلی «لباس زنان» را به معضل و دستاویزی برای اعمال خشونتهای بیشتر علیه زنان تبدیل کرده اند.

متأسفانه این روشها و سیاستهای نادرست نه تنها خشونت علیه زنان را به پنهانترین زوایای زندگی فردی و اجتماعی زنان گسترش داده که سایۀ شومش را بر زندگی کودکان بیگناه و بیپناه که آسیب پذیرترین گروههای جامعه هستند نیز گسترانیده و پیشاپیش نسل آینده را نیز در معرض سقوط و اضمحلال قرار داده است. شعله های سوزان این خشونتها که قلب سرزمین ما را در آتش خود میسوزاند از یکسو در تفکیک جنسیتی، نابرابری و جدایی قهرآمیز زنان و مردان در دانشگاهها و عرصه های عمومی زبانه میکشد، و از سوی دیگر در تفکیک و جدایی قهرآمیز فرهنگ و سرزمینمان از جامعۀ جهانی خود را به رخ جهانیان میکشد . گویی رجحان سیاست «جدایی و تفکیک»-- که قهر و خشونت را در درون خود بازتولید میکند-- بر سیاست «تعامل و گفتگو» --که در بطن خود مدارا و مسالمت را حمل می کند-- بیش از پیش برنظام اندیشه و تصمیم سازیهای «سیاست-مردان» ما جا خوش کرده است. آنان زنان را از مردان جدا میسازند به نیّت اینکه به «گناه» آلوده نشوند، فارغ از اینکه در تعامل و ارتباطی شفاف و برابر میان انسانهاست که روابط انسانی و اخلاقی دست یافتنی و شکوفا میشود. از سوی دیگر، مردمان ساکن سرزمین ایران را از جهانیان مجزا میکنند به نیّت اینکه به «فرهنگ جهانی» آلوده نشوند، فارغ از اینکه در سایۀ مدارا، تعامل و ارتباط با «دیگری» است که فرهنگ «خودی» بالنده و پویا میگردد. اما امروزه قطبی شدن هرچه بیشتر گفتمانهای سیاسی داخلی و جهانی و دامن زدن برخی دولتمردان ایرانی به چنین فضای تنش زایی، نه تنها مسائل و مشکلات زنان ایران را بیش از پیش به حاشیه میراند، بلکه ابعاد خشونت بر زنان و کودکان را نیز گسترده تر میکند.

در مواجهه با چنین وضعیتی است که ما، جمعی از کنشگران جنبش زنان در ایران، بیش از هر زمان دیگر دل‌نگران افزایش اِعمالِ انواع و اقسام خشونت بر زنان و کودکان هستیم، چرا که به نظر میرسد فضای دوقطبی و خصمانۀ ناشی از بن بست سیاستهای تنش‌آفرین و خشونت زای دولت-مردان در سطح ملی و جهانی، خطر برخوردهای قهرآمیز و، به تبع آن، گسترش خشونت علیه زنان و کودکان را تا عمیقترین لایه های اجتماعی و سیاسی و خانوادگی امروز و فردای ایران زمین دامن میزند.

به گمان ما، در فضای کنونی، سه نیروی عمده و استراتژیک قادرند به تعدیل این فضای خصمانه و دوقطبی یاری رسانند: گروه های گوناگون مردم در ایران، دولت حاکم بر ایران و جامعۀ جهانی. در این سه نیروی موجود و تاثیرگذار در آیندۀ ایران، هم پتانسیل خشونت و هم ظرفیت «مذاکره و گفتگو» توأمان وجود دارد. از این روست که ما زنان، به مناسبت فرا رسیدن «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان»، از همۀ «مردانِ سیاست» می-خواهیم که به ندا و هشدارهای ما زنان نیز گوش فرادهند و به جای گسترش قطب بندیهای تخاصمی و خشونت-

آمیز، بر تقویت ابزار و پتانسیلهای گفتگو و مذاکره در هر سهٔ این نیروها تکیه کنند. بی شک برای این کار لازم است که از گفتمانهای دوقطبی و متکی بر «حقانیت / عدم حقانیت» و یا ارزشهای دوبُنی (جبههٔ حق و باطل) فاصله بگیریم و بر گفتمان «آشتی و مذاکره و گفتگو در سطح ملی و نیز در سطح جهانی» پای فشاریم. و از همینرو امیدواریم گره کور بحران پیچیدهٔ کنونی از طریق شناسایی و بهره بردن از امکانات مذاکره و گفتگوی متقابل بین این سه نیرو گشوده شود. چرا که ما باور داریم راه حل نهایی مشکلات و بن بستهای موجود پرهیز از دامن زدن به فضای خصمانه و خشونتآمیز، احترام به حقوق شهروندان به ویژه زنان و کودکان، پذیرش گفتگو و مذاکره میان مسئولان حکومتی با جامعهٔ جهانی در پیشگاه افکار عمومی، پذیرش هنجارها و قواعد بین المللی (که حاصل تجربهٔ بشری است) و، همراه با آن، گفتگو و مذاکرهٔ شفاف با نمایندگان و رهبران

جنبشهای اجتماعی و سیاسی موجود و نیز ایجاد فضای امن از طریق رفع حصر از رهبران جنبش مدنی، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی به ویژه زنان و مادران زندانی و فراهم آوردن امنیت لازم برای فعالیتهای آزادانهٔ مدنی و گشایش فضای جامعهٔ مدنی کشور است.

بی شک فراهم آوردن زندگی شایستهٔ انسانی در فضای غیرخشونت آمیز برای زنان و مردان و کودکان و نسل-های حال و آیندهٔ کشورمان نه تنها در گرو «اهدافی مصلحانه» که نیازمند روشهایی غیرخصمانه و مداراجویانه در سطح بین المللی و در سطح ملی است و چنین زیست و زندگی آرزوی ماست.

امضاء کنندگان به ترتیب حروف الفبا:

آمنه کرمی

اعظم اکبر زاده

اکرم مصباح

الهه مجردی

بحجت رضایی

بنفشه حجازی

پروین ضرابی

ثریا یوسفی

جمیله محمدی

خدیجه باباییان

دخی دوشا

رخشان بنی اعتماد

روبان تبریزی

زهرا حیدرزاده

زهرا زینالی پور

زهرا میرزایی

ژیلا بنی یعقوب

سارا محمدی

سودابه کمالی

سوسن شعبانی

سونیا ترکمن

شهربانو امانی

شهلا فروزانفر

شهلا لاهیجی

شهین خاک نگار

شهین علوی

صادقه شیردل

صدیقه صیادی

طاهره طالقانی

طلعت تقی نیا

عالیه مطلب زاده

فاطمه گوارایی

فخرالسادات محتشمی پور

فخری شادفر

فخری نامی

فرحناز مینایی پور

فرخنده جبارزادگان

فرزانه طاهری

فرزانه محجوب

فرشته جمشیدی

فریده غایب

فریده فرازکوه

فریده ماشینی

فیروزه صابر

گوهر شمیرانی

لیلا ایپکچی

مریم جان پناه

مریم قدس

مژگان تقی نیا

معصومه دهقان

منصوره حمصیان

منصوره خسرو شاهی

منصوره مسعودی

مینو مرتاضی لنگرودی

ناهید توسلی

نرگس حمیدی

نرگس محمدی

نسرین ملکی

نوشین احمدی خراسانی

نیلوفر کشمیری

وجیهه خوش بین

اسامی جدید امضاء کنندگان بیانیه:

بنفشه جمالی

پرستو اله یاری

پروین سلطانی دولتخانی

جلوه جواهری

سمانه عابدینی

مریم رحمانی

مریم کاویانی

نازنین سام

ناهید کشاورز

نیکزاد زنگنه

—

تلاش جوانان ایرانی تبار برای توجه جامعه بین‌المللی به مسأله حقوق بشر درایران

2011-11-29 · Archive ID 623
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=623

عرصه سوم – یکی از پیامد های چشمگیر آخرین انتخابات ریاست جمهوری درایران، اوج گیری جنبش فراگیرسبزدرکشوروهم درمیان ایرانیان مهاجر بود. این جنبش اعتراضی برای نسل دوم مهاجران و پناهندگان ایرانی که در دوران کودکی از ایران رفته و یا درخارج ازکشور متولد و بزرگ شده است، بستر جدیدی برای بازیابی هویت ایرانی، بازنگری به سرزمین مادری و دل نگرانی برای آینده آن شد. یا مقدمه‌ای بود بر کشف دوباره ایران، برقراری پیوندهای تازه با نسل خود و احساس مسئولیت درقبال جنبش دموکراسی خواهی، حوادث پس از انتخابات و نقض گسترده حقوق بشر درایران.

نسل دوم ایرانی تبار ساکن در چهارگوشه جهان ناگهان با تحولات بی سابقه و جنبش عظیم مردم برای دموکراسی در جریان آخرین انتخابات روبرو شد. جنبشی که به سرعت در میان ایرانیان خارج از کشور هم گسترش یافت. و دررسانه های رسمی و اجتماعی بازتاب وسیعی داشت. در آن روزها تلاش بی‌وقفه ایرانیان خارج از کشور برای حمایت از جنبش « رأی من کجاست» و هم افشای سرکوب و کشتار شهروندان درحوادث پس از انتخابات فصل جدیدی در زندگی آنها گشود. آنان در خارج از مرزهای ایران به امکانات بهتری برای انعکاس فریاد آزادی خواهی هموطنان خود دسترسی داشتند. درحقیقت این گروه از ایرانیان ساکنان سرزمینی هستند که دردنیای مجازی می‌توان آن رابا ویژگی کشور «خارج از کشور» توصیف کرد.

نسل دوم مهاجران به همراه والدین خود درصدها راه پیمایی اعتراضی درپایتخت های جهان شرکت کردند. و یا به ابتکار خود فعالیت‌های گسترده ای را در زمینه حمایت از کمپین ها و اطلاع رسانی در سطح وسیع سامان دادند، تا به هر طریق بتوانند فریاد اعتراضی مردم ونقض شدید حقوق بشر را در ایران منعکس کنند. آنها هم چنین با تاسیس نهاد های مردمی به انواع فعالیت‌های مدنی متمرکز براحیای آزادی و پیشرفت دموکراسی در ایران روی آورند.

سیاست غرب و بی توجهی به نقض حقوق بشر درایران

سیاست دول غرب در قبال دولت جمهوری اسلامی مبتنی بر تحریم های اقتصادی و مذاکرات بر سر مسائل انرژی هسته ای متمرکز بوده، اما تا کنون برای حل بحران سیاسی میان جمهوری اسلامی و دنیای غرب کارساز نبوده است. در مذاکرات دول غربی با ایران به مسائل مربوط به نقض حقوق بشر در کشور ما توجه جدی نمی شود. اما اخیرا با انتشار گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد زیر پا گذاشتن همه جانبه موازین حقوق بشر درایران، سیاست مداران غربی باردیگر با ضرورت اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای آزادی زندانیان سیاسی و فعالان جامعه مدنی روبرو هستند. اگر چه تا کنون اقدامی کارساز دراین جهت صورت نگرفته و مقامات جمهوری اسلامی هم چنان با زیر پا گذاشتن موازین انسانی، گسترش اعدام ها ، ایجاد فضای سانسور و رعب و وحشت سیاست غیر دموکراتیک و سرکوب گرانه خود را به پیش می برند.

در این شرایط معدودی از شبکه‌های نوپای کنشگران جوان و ایرانی تبار ساکن غرب راه چاره را نه تنها در افشاگری مداوم و اطلاع رسانی در مورد ایران می‌دانند، بلکه بر لزوم گسترش همکاری با نهادهای مدنی مدافع حقوق بشر در غرب هم تأکید می کنند. سیاست چانه زنی و ایجاد دیالوگ با سیاست مداران غربی بر سر پیگیری و اقدام فوری برای تحت فشار گذاشتن جمهوری اسلامی در مورد توجه به مسأله حقوق بشر ، آزادی زندانیان سیاسی، رفع تبعیض از اقلیت‌های مذهبی ، قومی و غیره یکی دیگر از استراتژی های نهادهای مدنی ایرانیان ساکن در غرب است.

روشنگری درمورد ایران

بنیاد تازه تاسیس «شفافیت برای ایران» یکی از شبکه‌های نوپایی است که با همت گروهی از جوانان ایرانی متخصص در زمینه‌های مختلف در آلمان برپا شده است. این بنیاد درنوامبر گذشته یک کنفرانس دو روزه تحت

عنوان «نگاهی ازدرون به جامعه ایران» با شرکت متخصصان ایرانی و آلمانی در برلین برگزار کرد که بازتاب گسترده ای دررسانه های ایرانی درخارج از کشور داشت.

بنیاد عرصه سوم در روزهای گذشته دوگزارش از بحث های این کنفرانس را در سایت خود منتشر کرد. در سومین بخش از بررسی این کنفرانس پای صحبت های رضا محبت کار از اعضای هئیت مدیره بنیاد «شفافیت برای ایران» نشستیم که خلاصه‌ای از آن را دراینجا می خوانید.

کشف دوباره ایران

رضا محبت کار سی سال دارد و از هشت سالگی به همراه خانواده اش درآلمان زندگی کرده است. رضا علوم سیاسی خوانده و درهامبورگ زندگی می کند. با آنکه فارسی را به خوبی حرف می زند. ترجیح می‌دهد که دراین مصاحبه به آلمانی حرف بزند. خلاصه‌ای از صحبت‌های او را دراینجا می خوانید.

رضا می گوید:

“ من از کودکی در هامبورگ زندگی کرده‌ام .درخانواده من مسائل سیاسی ایران مطرح نمی شدند و من درواقع خیلی دیر زمانی که دانشجو بودم توجهم به مسائل ایران جلب شد. در دوران تحصیل در مورد خاورمیانه مطالعاتی داشتم و برای گذراندن کارآموزی در رشته علوم سیاسی با امیر نوری پور که عضو حزب سبزها درآلمان و نماینده پارلمان است کارکردم. این موقعیت توجهم را به مسائل ایران جلب کرد. تصادفاً در هنگام برگزاری آخرین انتخابات در سال 1388 به ایران رفتم. تا آن زمان اطلاعاتی چندانی از شرایط و اوضاع کشور نداشتم و نسبت به آن درواقع حساسیت چندانی هم نداشتم. البته تجربه من مثلاً با تجربه ایرانیان نسل اول که دراینجا زندگی می‌کنند متفاوت است. چون من بیشتر از زاویه مسائل آکادمیک و درسی به بررسی ایران پرداختم بدون آنکه از نظر عاطفی درگیر باشم.

اما پس از رفتن به ایران و مشاهده تظاهرات اعتراضی مردم پس از آخرین انتخابات راستش مسائل برایم جنبه احساسی و شخصی هم پیدا کرد. در آن روزها من درتهران شاهد اتفاقات باورنکردنی بودم و به همین علت تصمیم گرفتم که برای تغییر این شرایط و احیای دموکراسی درایران فعالیت کنم.

هدف ما از تشکیل این بنیاد و فعالیت در مورد مسائل ایران اطلاع رسانی و تاثیرگذاری است. برای آلمانی ها و سایر اروپاییان موضوع اصلی در مذاکرات با ایران مسائل هسته ای و امنیتی است. اما ما درواقع به آنها می‌گوییم در مذاکره با ایران باید بیشتر بر نقض حقوق بشر و تبعیضات روا شده بر مردم تکیه کنید. هدف ما روشنگری در مورد مصائب مردم در شرایط فعلی یعنی ادامه بحران سیاسی، فقدان آزادی و سرکوب است.

راستش وقتی که برای برگزاری این کنفرانس با دوستانم که اکثریت شان هم سن وسال من هستند مشغول فعالیت بودیم با بخشی از جامعه ایرانی ساکن آلمان بیشتر آشنا شدم. تا قبل ازآن من ارتباط زیادی با ایرانی ها درآلمان نداشتم. این تماس ها برایم درواقع شوکه کننده هم بود. چون برخورد بعضی ها اغلب خیلی سیاه و سفید، تحکم آمیز و کلافه کننده بود. حتی فحاشی هم کردند که چرا فلانی را برای سخنرانی دعوت کرده‌اید و چرا باید برای شرکت درکنفرانس بلیت خرید و از این قبیل حرفها.

من و شاید خیلی‌ها از جوانهای هم سن و سالم در واقع با گروهی از ایرانیان نسل اول که اغلب پناهنده هستند تفاوت فکری و فرهنگی داریم . و به همین علت هدف ما از برپایی این بنیاد درواقع این نیست که تنها با جامعه ایرانی ساکن آلمان درتماس باشیم بلکه هدف اصلی ما اطلاع رسانی به جامعه آلمانی، رسانه ها و دولت آلمان در رابطه با معضلات و مسائل ایران است.

به این دلیل ما باید بتوانیم با افکار عمومی و سیاست مداران آلمانی درمورد ایران وارد دیالوگ شویم. با رسانه‌های آلمانی و یا اروپایی همکاری کنیم. و هم چنین با گروه‌های ایرانی که در راستای همین اهداف فعالیت می کنند. من ایرانی و هم آلمانی هستم و با فرهنگ گفتگو، چانه زنی و مشورت در اینجا آشنایم. ما باید بتوانیم توجه سیاست مداران آلمانی و اروپایی را به جامعه مدنی در کشور و برقراری دموکراسی به عنوان تنها راه پیش روی مردم ایران جلب کنیم. از تبلیغ ایده جنگ به عنوان راه حل نهایی برای حل مناقشات ایران با دنیای غرب جلوگیری کنیم. حمایت از نهادهای مدنی در ایران ، آزادی زندانییان سیاسی و عقیدتی و جلوگیری از اعدام

های بی رویه در حال حاضر باید در دستور کار سیاست مداران غربی در مذاکراتشان با مقامات جمهوری اسلامی باشد. آنها در مذاکرات شان با مقامات ایرانی بر سر مسأله هسته ای باید به این معضلات هم توجه کنند.

من شخصاً به نوعی با مسأله هویت فردی خودم به عنوان یک آلمانی ایرانی تبار روبرو و هم درگیر هستم. یعنی در واقع در حال تحول شخصی ام. برای ایرانی‌ها من بیشتر آلمانی هستم و برای آلمانی ها اول ایرانی ام. درواقع حال دوباره با فرهنگ و شرایط ایران از زوایای دیگری آشنا شده‌ام.

من فکر می‌کنم که ما همه درمورد احیای دموکراسی در ایران و آینده کشور مسئول هستیم و باید بتوانیم برای ایجاد تفاهم و همکاری با یکدیگر تلاش کنیم.”

برای اطلاعات بیشتر می‌توانید از سایت بنیاد شفافیت برای ایران بازدید کنید:

http://www.transparency-for-iran.or g

—

روز اول دسامبر روزجهانی مبارزه با بیماری ایدز

2011-12-01 · Archive ID 625
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=625

عرصه سوم –از بیست و سه سال پیش روز اول دسامبر برابر با دهم آذر ماه به روز مبارزه جهانی با ایدز اختصاص یافته است. در این روز فعالیت‌های متعددی در سراسر جهان به منظور کمک مالی، آگاهی رسانی، آموزش و مبارزه با تبعیض نسبت به قربانیان این بیماری انجام می شود. هر سال برای این روز، شعار خاصی نیز در نظر گرفته می‌شود. هدف اصلی و مهم در این روز بالا بردن آگاهی مردم ، جلب حمایت مالی و اجتماعی از قربانیان این بیماری مهلک اما قابل پیشگیری و درمان است. در روز جهانی ایدز مردم لباس هایشان را با روبان قرمزی تزیین می‌کنند تا همبستگی ، تعهد و حمایت خود را درمبارزه با آن نشان دهند.

دبیرکل سازمان ملل متحد در پیامي به مناسبت روز جهاني ايدز 1 دسامبر 2011 برابر با 10 آذر ماه ضمن تقدير از پيشرفت‌هاي به دست آمده در زمينه كاهش 20 درصدي عفونت‌هاي اچ اي وي در جهان از سال 1997، خواستار شتاب حركت براي پايان دادن به ايدز براي هميشه شد.

ایدز در ایران

براساس تحقیقات انجام شده در ایران تا تیرماه 1390 نزدیک به 23 هزار نفر از بیماران مبتلا به ایدز در کشور شناسایی شده اند. بنابر آمار منتشر شده از سوی وزارت بهداشت و درمان از این تعداد 91/5 مرد و 8/5 درصد را زنان تشکیل می دهند. اما به گفته مسئولان این وزارتخانه آمار واقعی مبتلایان به ایدز درایران بیش از هشتاد هزار نفر است. طبق آمار رسمی دولتی در سال 1389 نزدیک 65 درصد از مبتلایان به ایدز معتادان به مواد مخدر هستند که از وسایل تزریقی آلوده استفاده کرده اند. از راه‌های دیگر انتقال ایدز رابطه جنسی(21 درصد) ،و انتقال بیماری از مادر به کودک(2/5 درصد) است. در 10 درصد از موارد علت انتقال نامعلوم و موارد ابتلا از خون و یا فراورده های خونی گزارش نشده است.

سازمان بهداشت جهانی درصد مبتلایان به ایدز در ایران را بسیار بیشتر از آمار رسمی دولت می‌داند. یک عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز درمصاحبه با خبر آنلاین می گوید: «آمارهای غیر رسمی ابتلای حدود ۱۰۰ هزار نفر و در پیش‌بینی‌های بدبینانه تا ۳۰۰ هزار مبتلا را اعلام می کنند. اما این آمارها قطعی نبوده و تخمینی است».

اقزایش آمار مبتلایان به ایدز در میان معتادان تزریقی وجود اپیدمی ایدز در میان معتادان را نشان می دهد. در مورد افراد حامل ویروس HIV یک متخصص بیماری‌های عفونی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر این تعداد را بین ۹۰ تا ۱۱۸ هزار نفر اعلام کرده است.

آنها کسانی هستند که هنوز نشانه‌های بیماری ایدز در آنها دیده نشده اما عامل انتقال این بیماری هستند. به طور معمول بین ۱۰ تا ۱۵ سال بعد از ورود ویروس علایم ایدز آشکار می‌شوند.

آمار دولتی از کاهش 40 درصدی آمار مبتلایان به ایدز به خاطر اجرای سیاست‌های کنترلی و مراقبتی خبر می دهد. آماری که نمی‌توان از صحت و سقم آن اطمینان داشت. چرا که در زمینه آموزش روشهای پیشگیری از ایدز در ایران هنوز یک برنامه جامع در سطح جامعه و به‌خصوص درمدارس و درمیان جوانان که یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر و درمعرض بیماری هستند وجود ندارد.

براساس تحقیق سازمان یونیسف سازمان ملل درمورد میزان آگاهی جوانان ایرانی در گزارش منتشر شده در سال 2010 ، یک سوم دختران نوجوان درایران در مورد راه‌های انتقال بیماری ایدز اطلاعات کافی نداشته اند. آموزش و اطلاع رسانی دراین مورد با مشکلات و محدوریت های متعددی روبرو است. تا چهار سال پیش جزوه های آموزشی درباره ایدز در بعضی از مدارس توزیع می‌شد که با تغییر سیاست‌ها و مسئولین، آموزش به دانش آموزان هم متوقف شد. بنابرگزارش یونیسف اکثریت جوانان ایرانی به خطر ابتلا به ایدز از طریق رابطه جنسی واقف نیستند و از وسایل پیشگیری کننده مانند کاندوم استفاده نمی کنند.

عدم آموزش و اطلاع رسانی در مورد بیماری ایدز و روش‌های پیشگیری از آن در سطح جامعه، فقدان برنامه‌های آموزشی درباره این بیماری در رادیو و تلویزیون دولتی از دلایل عدم آگاهی مردم و هم اقشاری در معرض بیماری یعنی معتادان و روسپیان است. در بعضی از مصاحبه‌های منتشر شده با بیماران در سایت‌های اینترنی آنها از تبعیضات روا شده برخود و پیشداوری های رایج و نادرست درمورد ایدز صحبت می کنند.

اقدامات دولتی درایران برای پیشگیری از بیماری ایدز با موانع جدی از قبیل عدم اجرای یک سیاست جامع و باز آمورشی، عدم توزیع عادلانه و رایگان خدمات درمانی میان بیماران، فقدان حمایت همه جانبه از مبتلایان و گروه‌های آسیب‌پذیر روبرو است. عدم وجود سازمانهای مردم نهاد در سطح کشور برای مبارزه با ایدز از طریق آموزش یکی دیگر از مسائل مهم دراین زمینه است.

—

کارزارشانزده روزه ایرانیان برای حذف خشونت علیه زنان

2011-12-01 · Archive ID 628
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=628

عرصه سوم- به ابتکار جمعی از پژوهشگران، مدافعان حقوق بشر و فعالین مدنی ایرانی کارزار شانزده روزه ای برای حذف خشونت علیه زنان به راه افتاده است .

گزارش سایت اخبار روز را دراین مورد دراینجا می‌خوانید:

شانزده روز کارزار برای مبارزه همگانی و هماهنگ در راستای حذف خشونت علیه زنان از دو دهه پیش در جهان آغاز شده است. امسال در بیش از ۱۶۰ کشور این کارزار جریان دارد. بسیاری از ما زنان و مردان ایرانی با باورهای گوناگون به حق به ندگی زنان بدور از خشونت بطور جدی بها داده و فعالانه به این مبارزه جهانی با خشونت علیه زنان پیوسته ایم.(۱)

این کارزار شانزده روزه که از ۴ آذر یا ۲۵ نوامبر آغاز شده و تا ۱۹ آذر یا ۱۰ دسامبر ادامه دارد، روزهای مهمی را در بر می گیرد:

• ۴ آذر (۲۵ نوامبر) – روز جهانی حذف خشونت علیه زنان

• ۸ آذر (۲۹ نوامبر) – روز جهانی زنان مدافع حقوق بشر

• ۱۰ آذر (۱ دسامبر) – روز جهانی ایدز

• ۱۱ آذر (۲ دسامبر) – روز جهانی حذف برده داری

• ۱۲ آذر (۳ دسامبر) – روز جهانی توانجویان (معلولین)

• ۱۵ آذر (۶ دسامبر) – سالروز کشتار پلی تکنیک

• ۱۶ آذر – روز ملی دانشجو

• ۱۹ آذر (۱۰ دسامبر) – روز جهانی حقوق بشر بیایید نگاهی کوتاه به تاریخچه هر یک از این روزها داشته باشیم.

۴ آذر (۲۵ نوامبر) – روز جهانی حذف خشونت علیه زنان روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان اولین بار درسال ۱۹۸۱ در گردهمایی زنان امریکایی لاتین و حوزه کارائیب به یادبود سه تن خواهران میرابال نامگذاری شد که در چنین روزی در سال ۱۹۶۰ بدست مزدوران دیکتاتور دومینیکن به شیوه وحشیانه ای به قتل رسیدند. با تلاش فراوان سازمان های زنان، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹ بطور رسمی این روز را «روز جهانی حذف خشونت علیه زنان» نامید.

۸ آذر (۲۹ نوامبر) – روز جهانی زنان مدافع حقوق بشر نام نسرین ستوده را که امروز در زندان است کافی است تا نه تنها ظلمی را که بر زنان مدافع حقوق بشر می رود بیاد آوریم، بلکه همچنین اهمیت نامگذاری این روز برایمان روشن شود. ۲۹ نوامبر روز گشایش اولین گردهمایی مشاوره بین المللی درباره زنان مدافع حقوق بشر بود که در سال ۲۰۰۵ در سری لانکا انجام گرفت. سازمان های حقوق بشر شرکت کننده در این گردهمایی تصمیم به نامگذاری این روز در بزرگداشت زنان مدافع حقوق بشر (Women Human Rights Defenders) گرفته و از سال ۲۰۰۶ آن را در بسیاری از کشورها جشن گرفته اند. گرچه این روز هنوز در تقویم سازمان ملل متحد جای نگرفته، بسیاری از سازمان های زنان و حقوق بشر در سراسر جهان آن را جشن می گیرند. در سال ۲۰۰۷، سازمان جهانی علیه شکنجه، فدراسیون بین المللی حقوق بشر، و دیده بان حمایت از مدافعان حقوق بشر در یک اعلامیه مشترک از همگان خواستند که برای رشد آگاهی عمومی و نیز بخاطر ارج نهادن به تلاشهایی که زنان در سراسردنیا برای دفاع از حقوق بشر انجام می دهند و کارهایی که مردان و زنان با وجود همه چالش ها در دفاع از حقوق زنان انجام می دهند، این روز را هرساله جشن بگیرند.(۲)

۱۰ آذر (۱ دسامبر) – روز جهانی ایدز نامگذاری روز جهانی ایدز توسط مسئول برنامه مبارزه با ایدز سازمان بهداشت جهانی به سازمان ملل پیشنهاد شد و از سال ۱۹۸۸ در بسیاری از کشورهای جهان برنامه های آگاهی رسانی درباره بیماری ایدز در این روز برگزار می شود. • بیش از نیمی از قربانیان ایدز در جهان زن هستند. • عامل اصلی مرگ و میر زنان در سالهای باروری (۱۵ تا ۴۹ سالگی) در جهان بیماری ایدز است. • تعداد زنان بالغی که با بیماری ایدز زندگی می کنند رو به افزایش است. • احتمال ابتلای زنان به بیماری ایدز در هنگام آمیزش جنسی دوبرابر مردان است. • تنها ۲۰درصد زنان بین ۱۵ تا ۲۴ ساله از راههای پیشگیری از انتقال بیماری ایدز آگاهی دارند. • در کشورهای فقیر و در حال توسعه، تنها یک سوم زنان باردار به راههای پیشگیری از انتقال بیماری ایدز به جنین دسترسی دارند. • در کشورهای زیرصحرای افریقا ۶۰ درصد افراد مبتلا به ایدز را زنان تشکیل می دهند. در میان افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله، زنان مبتلا به ایدز سه برابر مردان هستند.(۳)

۱۱ آذر (۲ دسامبر) – روز جهانی حذف برده داری برده داری هنوز در جهان پایان نیافته است. هم اکنون میلیونها برده در جهان وجود دارد که با تهدید و خشونت وادار به کاری می شوند که برای آن مزدی نمی گیرند. این برده ها هیچ راهی هم برای فرار از وضعیت بردگی نمی یابند. آنها برای ارائه لذت جنسی یا به عنوان کارگر کارخانه، مزرعه، معدن، ساختمان، رستوران و یا خانه به بردگی گرفته می شوند. بسیاری از آنها فریب گول زندگی بهتر در یک کشور دیگر را می خورند، یا توسط پدر و مادر یا شوهر یا دوست پسر خود فروخته می شوند. برخی از آنها نیز دزدیده شده و به کشورهای دیگر قاچاق می شوند. هیچگونه آماری از قاچاق انسان درون کشور ایران و یا صادرات قاچاق انسان از ایران به پاکستان و کشورهای عربی و یا واردات از کشورهای آسیای میانه به ایران وجود ندارد. متاسفانه بردگی جنسی دختربچه ها بصورت قانونی حمایت می شود: پدر می تواند دختر نابالغ

خودش را به خاطر ارائه خدمات جنسی بفروشند. قانون تمکین زن را به برده جنسی شوهرش تبدیل می کند. آمار جهانی قاچاق و برده داری انسان اگر چه به خاطر غیرقانونی بودن آن در بیشتر کشورها خیلی دقیق نیست، اما بشدت نگران کننده است: • بین ۴ تا ۲۷ میلیون نفر برده در جهان وجود دارد. • ۸۰۰ هزار نفر برده سالانه در جهان قاچاق فرامرزی می شوند. • ۸۰ درصد برده هایی که قاچاق می شوند دختربچه یا زن هستند. • سود حاصل از قاچاق انسان سالیانه ۳۲ بیلیون دلار است. • بهای خرید یک برده در امریکای دوران برده داری در سال ۱۸۵۰ – به نرخ امروز – ۴۰ هزار دلار بود. امروز بهای خرید یک برده فقط ۳۰ دلار است! • قاچاق برده سومین منبع بزرگ در آمد تبهکاری سازمان یافته، پس از قاچاق مواد مخدر و اسلحه، است.(۴)

۱۲ آذر (۳ دسامبر) – روز جهانی معلولان (توانجویان) بنا بر آمار جهانی که سازمان ملل متحد ارائه می دهد، ۲۰ میلیون زن در جهان تنها در نتیجه دشواری های بارداری و زایمان معلول هستند(۵). در مجموع، حدود ده درصد از جمعیت دنیا معلول هستند. آمار رسمی در ایران بیان می دارد که حدود ۳ میلیون نفر معلول وجود دارد(۶). با درنظر گرفتن جمعیت ۷۰ میلیونی در ایران و نیز فراوانی جانبازان پس از جنگ، به نظر می رسد که آمار رسمی معلولان در ایران دقیق نیست. بویژه آمار معلولان زن در ایران روشن نیست. کنوانسیون حقوق معلولان(۷) که ایران نیز در سال ۱۳۸۷ آن را به تصویب رسانده، اذعان می شود که "زنان و دختران دارای معلولیت غالبا در معرض خطر بیشتری هم در درون و هم در بیرون خانه می باشند و مورد خشونت، آسیب، یا سوء استفاده، غفلت، یا برخوردهای ناآگاهانه، سوء رفتار و یا استثمار واقع می گردند." همچنین در این کنوانسیون بر "گنجاندن دیدگاه های جنسیتی در تمامی تلاش ها در جهت ارتقاء بهره مندی کامل از حقوق بشر و آزادی های بنیادین توسط افراد دارای معلولیت" و "عدم تبعیض" و "برابری بین زن و مرد" تاکید می گردد. برای اینکه تصویری از یکی از پیش پا افتاده ترین چالش های زنان معلول در ایران داشته باشید، برای یک لحظه فرض کنید شما یک زن معلول در ایران هستید: با حجاب اجباری چه می کنید؟ تا چه حد حجاب اجباری زندگی را برای شما دشوارتر می سازد؟

۱۵ آذر (۶ دسامبر) – سالروز کشتار پلی تکنیک در سال ۱۹۸۹ مرد جوانی وارد یکی از کلاسهای درس رشته مهندسی در دانشکده پلی تکنیک مونترآل شد در حالیکه اسلحه ای بدست داشت. وی دخترهای دانشجو را ردیف کرده و به آنها گفت که شما زن هستید و در رشته مهندسی تحصیل می کنید، پس فمینیست هستید. من از همه فمینیست ها متنفر هستم. سپس آنها را به رگبار گلوله بست. در آن روز ۲۸ نفر قربانی نفرت یک مرد از زنها شدند و سپس آن مرد خودکشی کرد. شنیدن این خبر در آن روز مرا به لرزه انداخت چرا که من نیز یک زن دانشجوی رشته مهندسی بودم و مجسم کردم که بسادگی می توانستم در میان دخترانی باشم که قربانی خشم کور یک مرد نسبت به زنها می شوند. در طول سالهای بعد در زندگی ام خشم کور مردان ضد کرامت زن و ضد فمینیست را به شیوه های دیگر تجربه کردم. متاسفانه هنوز بسیاری از ما زنان در زندگی روزمره جلوه هایی از این خشم کور را بصورت های گوناگون پنهان و آشکار، از تلاش برای پوشاندن حجاب اجباری به تن مان گرفته تا فحش و ناسزا به خاطر جنسیت مان، تجربه می کنیم.

۱۶ آذر – روز ملی دانشجو ۱۶ آذر در ایران سالروز بزرگداشت مبارزات دانشجویی و نقش دانشجو در جامعه ایران است. بیش از نیمی از دانشجویان در ایران را دختران تشکیل می دهند، و هنوز با تبعیض های فراوان در محیط درس و دانشگاه، از حجاب اجباری و محرومیت در برخی رشته ها گرفته تا جداسازی جنسیتی، روبرو هستند. هنوز یک زن جوان دانشجو که در مبارزه برای تعیین سرنوشت کشور خویش شرکت می کند، در بسیاری موارد تصمیم گیری در زندگی شخصی خود به اجازه رسمی پدر یا شوهر خود نیازمند است. و متاسفانه هنوز زنان با وجود بالا رفتن میزان تحصیلات دانشگاهی شان در جامعه جدی گرفته نمی شوند و چشم انداز اشتغال برای زنان نابرابری شدید را ترسیم می کند.

۱۹ آذر (۱۰ دسامبر) – روز جهانی حقوق بشر در سالها و دهه هایی که از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ می گذرد، مفهوم حقوق بشر و رعایت آن توسط دولت ها روز به روز گسترده تر و در عین حال مشخص تر و دقیق تر می شود. به منظور تعریف دقیق مفهوم های مربوط به حقوق بشر، از جمله حقوق کودکان، زنان، زندانیان، پناهندگان، آوارگان، و ... کنوانسیون ها و پروتکل های الحاقی فراوانی نگاشته شده و توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کشورهای عضو آن به تصویب رسیده است. یکی از این کنوانسیون ها که اهمیت بسیار فراوانی دارد، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان است که هنوز توسط کشورهای امریکا و ایران به تصویب نرسیده است. حکومت امریکا ادعا می کند که قانونهایی که دارد بس پیشرفته تر از

کنوانسیون است و نیازی به تصویب کنوانسیون نیست، و حکومت ایران ادعا می کند که تبعیض علیه زنان ریشه در مذهب اسلام دارد و این تبعیض مقدس باید رعایت گردد. اما دیرپا زود روزی خواهد رسید که کنوانسیون حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در همه کشورها اجرا گردد. به امید آنکه هر چه زودتر خشونت علیه زنان در سراسر جهان حذف شود.

1.از جمله نگاه کنید به 2 www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=41455 .

2.دفاع از زنان مدافع حقوق بشر www.defendingwomen -w

3. بنیاد پژوهش ایدز. defendingrights.org/29_nov_celebrate.php

4. رسانه های لغو برده داری. www.amfar.org/abouthiv/article.aspx?id=3594

5 . abolitionmedia.org/about-us/modern-slavery-statistics

6. نگاهی به وضعیت فعلی معلولان در ایران، UN Enable www.un.org/disabilities/default.asp?id=109 . امین جلالوند www.mardomsalari.com/template1/News.aspx?NID=93030 .

7. کنوانسیون بین المللی حقوق معلولان و قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، گردآوری و ترجمه دکتر سید مصطفی کرباسی و دکتر کیوان دواتگران
www.behzisti.ir/Images/Upload/entesharat/Books/konvansion%20maloolan

—

فرصتی برای همصدایی جنبش زنان،هم آوا با پروانه های صلح

2011-12-05 · Archive ID 631
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=631

عرصه سوم- در پی انتشار بیانیه جمعی ازفعالان حوزه زنان درایران به مناسبت روز بیست و پنجم نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، وهشدارآنان ازافزایش خشونت نسبت به زنان در سطح جامعه و گسترش تبعیض جنسیتی درسیاست‌ها و قوانین جمهوری اسلامی، جمع دیگری از شخصیت‌ها، کنشگران مدنی و روشنفکران ایرانی درخارج ازکشوربا انتشار بیانیه دیگری با تاکید بر پیوند خود با جنبش برابرخواهی زنان ازآنان حمایت کردند.

متن کامل این بیانیه را دراینجا می خوانید:

بیانیه 150 تن از کنشگران حقوق زنان و شخصیت های فرهنگی و دانشگاهی برابری خواه:

150 تن از فعالان جنبش زنان و شخصیت های فرهنگی و دانشگاهی، طی بیانیه ای، بر پیوند ناگسستنی صدای خود در اقصا نقاط جهان با بیانیه «جمعی از فعالان جنبش زنان در داخل کشور به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» تاکید کردند.

در میان امضاء کنندگان این بیانیه، نام شخصیت های مدافع حقوق برابر از طیف های گوناگون فکری و در نقاط مختلف جهان به چشم می خورد. زنانی همچون شیرین عبادی، مهرانگیز کار، میهن جزنی، منصوره شجاعی، پروین بختیارنژاد، صدیقه وسمقی، فاطمه فرهنگ خواه، پرتو نوری علاء، ویدا حاجبی، خدیجه مقدم، محبوبه عباسقلی زاده، فاطمه حقیقت جو، عفت ماهباز، فریبا داودی مهاجر، مهناز پراکند، نازی عظیما، اعظم خاتم، رضوان مقدم و... اساتید دانشگاه همچون نیره توحیدی، هایده مغیثی، آزاده کیان، زیبا میرحسینی، ژانت آفاری، و... هنرمندانی همچون شهرنوش پارسی پور، پرستو فروهر، زیبا شیرازی، نیلوفر بیضایی، لعبت والا و... مردان آزادی خواه و برابری طلب همچون عبدالکریم لاهیجی، علی میرسپاسی، سعید پیوندی، حسن یوسفی اشکوری، علی اکبر مهدی، کاظم علمداری، مرتضی محیط، رضا علیجانی، آرش نراقی، مهران براتی، رامین جهانبگلو،

حسن شریعتمداری، حسین باقرزاده، علی افشاری، مهرداد درویش پور و... و نیز ائتلاف بین المللی علیه خشونت در ایران (ایکاوی)

متن کامل این بیانیه را در زیر می خوانید:

فرصتی برای همصدایی جنبش زنان ، هم آو با پروانه های صلح

جمعی از فعالان جنبش زنان در داخل کشور در بیانیه ای* به مناسبت روزجهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، نگاه تیزبین جنبش زنان را از خانه به جامعه و از ایران به جهان کشانده اند.

آنان هشدارهای ضد خشونت خودرا همزمان با این روز جهانی که به یاد پروانه های سوخته در آتش دیکتاتوری جمهوری دومینیکن ثبت شده است، سرداده اند. آنان جان های پاک پروانه های صلح و آزادی و برابری ایران را همچون قربانیان خشونت های دولت – مرد ساخته به گواهی گرفته، خشونت خانگی و قانونی را آغازی بر خشونت در سطوح گسترده تر اجتماعی و سیاسی دانسته اند .

آنان با نگاهی مسئولانه اما مستقل از دسته بندی های دو قطبی و پر تخاصم رایج ،همگان را از فقر وفحشا و اعتیاد و بیکاری که حاصل فرایند خشونت در سطوح گسترده است بیم داده و اولویت حل این مشکلات را که همچون سلاحی خانمان سوز سلامت وکرامت انسانی و اجتماعی تک تک مردم ایران، به ویژه زنان و جوانان را نشانه رفته است، به دولتها گوشزد کرده اند.

زنان درد آشنا با دشنه های تبعیض و محروم مانده از شکفتن استعداد و شایستگی در اثر ضرب تیغ تفکیک جنسیتی ، به درستی نشان داده اند که امروز جدایی و انزوای فرهنگ و سرزمین پرافتخارما ن از جامعه جهانی همانا در ارتباط است با انتخاب سیاست خشونت زای " جدایی و تفکیک " به جای سیاست آشتی جویانه «تعامل و گفتگو».

پروانه های صلح ایران ، آماج شمشیرهای از نیام بر کشیده خشونت جهانی بیمناک از آینده اند. آنان با تکیه بر تجارب تلخ و ویرانگر خود از خشونت ، از نابرابری ، ازجنگ و درگیری های قومی، و از مناقشات خشن سیاسی ، مذهبی و عقیدتی ؛ اینک با صدایی از آن خود ، "مردم ایران ، دولت و جامعه جهانی" را همچون سه عامل تعیین کننده ، مورد خطاب قرار داده آنها را از عناد ورزی و جنگ منع کرده و به گفتگو و صلح بر محور حقوق بشر ، احترام متقابل ، و دموکراسی در چارچوب منافع ملی فرا می خوانند.

آنان پذیرش هنجارها و قواعد بین المللی ؛ ایجاد فضای امن برای فعالان ، نمایندگان و رهبران جنبش های اجتماعی سیاسی موجود، آزادی تمام زندانیان و حصرشدگان سیاسی و عقیدتی، فراهم آوردن امنیت لازم برای فعالیتهای آزادانه مدنی و به کار گیری روش های غیرخصمانه ومداراجویانه در سطح بین المللی و ملی را شرایطی لازم برای زندگی شایسته انسانی دانسته اند.

پیام روشن و خشونت پرهیز این دسته از زنان کشورمان دراعتراض به تداوم چرخه خشونت از خانه تا جامعه و از ایران تا جهان در پیوند با صدای ما زنان ایرانی در نقاط مختلف جهان است .شاید با این همصدائی ها نیرویی باشیم در جهت شکستن دور باطل چرخه جنگ و خشونت جهانی در تمامی عرصه های خانگی و اجتماعی و سیاسی.

باشد که نقش نام های ما زنان ایرانی و مردان حامی این فراخوان در کنارهم و فراسوی مرزهای خشونت ساخته جغرافیای سیاسی، نقشی گردد از همبستگی جهانی برای پرهیز از خشونت و جنگ.

اسامی امضاء کنندگان این بیانیه به ترتیب حروف الفبا:

آذین آفتاب

آرش نراقی

آزاد مرادیان

آزاده پورزند

آزاده دواچی

آزاده کیان

آزیتا رضوان

آمنه نصررمزی

آینده آزاد

احمد مشعوف

ارشاد علیجانی

اسد کوه کلانی

اعظم خاتم

الاهه شکرائی

امیر خدیر

امیر رشیدی

انوشه مشعوف

باوند بهپور

بیژن پیرزاده

پرتو نوری علا

پرستو فروهر

پروین بختیارنژاد

پروین شهبازی

پروین صفری

پروین قاسمی

پگاه احمدی

پیمان ملاذ

ثریا فلاح

حسن شریعت مداری

حسن نایب هاشم

حسن یوسفی اشکوری

حسین باقر زاده

خدیجه مقدم

داریوش کریمی

دل آرام آکار

راحله عزمی

راضیه (پری) نشاط

رامین جهانبگلو .

رضا علیجانی

رضا گوهرزاد

رضوان مقدم

روجا بندری

روحی شفیعی

روشنک آسترکی

روشنک مسیبیان

رویا صحرائی

رویا طلوعی

زهره صادقی

زیبا شکیب

زیبا شیرازی

زیبا لاهیجی

زیبا میرحسینی

ژاله لاکنر گوهری

ژانت آفاری

سپید عبدی

سپیده جدیری

سپیده یوسف زاده

ستاره ثابتی

سحر مفخم

سعید پیوندی

سمانه موسوی

سهراب رزاقی

سهیل پرهیزی

سوفیا صدیق پور

سیامک زند

شعله ایرانی

شعله شمس شهباز

شهاب‌الدین شیخی

شهرنوش پارسی پور

شهره عاصمی

شهلا باور

شهلا بهاردوست

شهلا عبقری

شیرین فامیلي

شیرین بهرامی‌راد

شیرین عبادی

شیوا بدیهی نژاد

شیوا نوجو

صبری نجفی

صدیقه وسمقی

عبدالکریم لاهیجی

عزیز کرملو

عصمت بهرامی

عفت ماهباز

علی افشاری

علی اکبر مهدی

علی عبدی

علی عضدی

علی فتوتی

علی ماهباز

علی میرسپاسی

علی نیکویی

علی هنری

فاطمه حقیقت جو

فاطمه فرهنگ خواه

فاطمه کشاورز

فاطمه مسجدی

فتحیه زرکش

فرح شیلاندری

فرزانه پارسایی

فرنگیس حبیبی

فرهاد خسروخاور

فروغ.ن. تمیمی

فریبا داودی مهاجر

فهیمه ملتی

کاظم علمداری

کاویان صادق زاده میلانی

گودرز اقتداری

لاله شیخانی

لعبت والا

لیلا صحت

لیلا میلانی

محبوبه عباسقلی زاده

محمد بهبودی

محمد حسین جعفری

مرتضی کاظمیان

مرتضی محیط

مرسده صالحپور

مریم اهری

مریم دهقان پور

مریم سطوت

مزدک عبدی پور

ملیحه محمدی

منصوره شجاعی

مهدخت صنعتی

مهدی جامی

مهدی فتاح پور

مهران براتی

مهرانگیزکار

مهرداد درویش پور

مهرداد عمادی

مهری جعفری

مهناز پراکند

مهناز فدایی

میراحمد سالک

مینا سیگل

میهن جزنی

نادر هاشمی

نازی عظیما

نازیلا گلستان

نرگس خادمی

نسرین افضلی

نسرین رحیمیه

نسیم خطیبی

نیلوفر بیضایی

نیره توحیدی

نیما مشعوف

هایده مغیثی

ویدا حاجبی

ائتلاف بین المللی علیه خشونت در ایران-ایکاوی

—

کمپین 99 درجنبش وال استریت برای حمایت اززندانیان ایران

2011-12-05 · Archive ID 635
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=635

روایت یک تجربه اجتماعی

عرصه سوم-رضا حاج حسینی: هنگامی که جنبش وال‌استریت درصدراخبار خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف جهان قرارداشت، رسانه‌های جمهوری اسلامی تلاش کردند با سیاست‌های تبلیغاتی خود و براساس رویکرد «دشمن دشمن من، دوست من است»، این جنبش را به نفع خود مصادره کنند. سوی دیگر ماجرا هم این بود که جنبش وال‌استریت، مصداق صحبت‌های گاه و بی‌گاه محمود احمدی‌نژاد، رییس دولت ایران به حساب آمد.طرفداران او که هرازگاهی در سخنرانی‌هایش خبر از فروپاشی غرب می‌دهد، این جنبش را آغازی برای پایان ایالات متحده دانستند واخبار این جریان را با حساسیت بسیار پوشش دادند. درچنین فضایی، یکی از فعالان مدنی ایران، کمپینی به‌وجود آورد تا در مقابل هیاهو و جوسازی رسانه‌های حکومتی درایران، معترضان وال‌استریت را به جنبش آزادی‌خواهی مردم ایران پیوند بزند.

«علی عبدی»، با الهام از شعار«ما ۹۹درصد هستیم» وال‌استریت، که شبیه شعار«ما بی‌شماریم»جنبش سبز مردم ایران است، کمپین ۹۹ را به راه انداخت. به این ترتیب که ۹۹نفرازمعترضان وال‌استریت پیامی را برای ۹۹ زندانی سیاسی در ایران می‌فرستند تا با آنان هم‌دردی و همراهی کنند.آنان در این پیام‌ها به ستایش آزادی می‌پردازند و از تلاش زندانیان سیاسی برای شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران قدردانی می‌کنند. هر پیام به صورت یک پوستر ارایه می‌شود که عکس زندانی ایرانی و پیام معترض وال‌استریت را در بر می‌گیرد. عکس فرستده پیام و متن فارسی و انگلیسی آن هم در سایت کمپین می‌آید تا روزی به دست زندانی سیاسی آزاد شده در ایران برسد. این کمپین تا دوم دسامبر به عدد۲۷ رسیده و توانسته است فعالان مدنی از کشورهای دیگر را نیز با خود همراه کند.

تغییر زاویه دید، از وال‌استریت به آزادی

درشرایطی که رسانه‌های جهان اخبارجنبش وال‌استریت را در صدر خبرهای خود قرار داده بودند، ناگهان تصویر چند زندانی سیاسی ایرانی نیز در میان تصاویر دیده شد. «علی عبدی»، دانشجوی دکترای انسان‌شناسی دانشگاه یل، عکس‌های این زندانیان را به میان معترضان وال‌استریت برده بود تا علاوه بر جلب توجه آنان به اتفاق‌های درون ایران، دوربین رسانه‌های خبری را هم به سوی ایران و اتفاق‌هایش بچرخاند. یکی از هدف‌های این تلاش فردی- اجتماعی این بود که تبلیغات سازمان‌یافته رسانه‌های دولتی درایران را برای مصادره جنبش وال‌استریت ناکام بگذارد. حالا همراه با اتفاق‌هایی که دروال استریت می‌افتد، نگاه‌ها متوجه فعالان مدنی و سیاسی در زندان‌های ایران نیز می‌شود. دردل این فعالیت، پیامی هم برای فعالان مدنی ایران و مردم عادی که شاهد این رویداد هستند وجود دارد.کمپین۹۹، خیلی ساده می‌کوشد نشان دهد در آمریکا، به عنوان الگوی نظام

سرمایه‌داری، نقص‌هایی وجود دارد تا فعالان مدنی و آنها که برای شکل‌گیری دموکراسی در ایران تلاش می‌کنند، متوجه نقص‌های این شیوه حکومت باشند و بدانند آن‌چه برایش تلاش می‌کنند، به معنای رسیدن به مدینه فاضله نیست. آن‌چه در پارک زوکاتی، محل تجمع معترضان وال‌استریت می‌گذرد، می‌تواند آنان را با این کمبودها آشنا کند. آگاهی از این کمبودها، به فعالان مدنی برای ارایه الگوهای بهتر کمک می‌کند و زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا جامعه ایرانی از تجربیات جوامع دیگر در این راه به شکل مطلوب بهره‌برداری کند.

روایت‌هایی از پارک زوکاتی

شنیدن روایت زندان سیاسی در ایران، در پارک زوکاتی آمریکا، نشان‌دهنده میزان علاقه و توجه افکار عمومی جهان به فعالیت‌های آزادی‌خواهانه است. معترضان وال‌استریت نفس در نفس همدیگر، هر روز روایتی می‌شنوند از آن‌چه که در ایران می‌گذرد؛ از رنجی که برای مقابله با آزادی، حاکمیت قانون و جامعه مدنی در ایران به انسان‌ها تحمیل می‌شود و از تلاش کسانی که با وجود زندان، فشار و تهدید از پا نمی‌نشینند. رنج‌های انسانی، در اجتماع معترضان پارک زوکاتی تقسیم می‌شود؛ شنیدن داستان زندانیان سیاسی ایران، هم تسکین است، هم تلنگر. داستان‌هایی که در آن‌ها تلاش شده است تا حد ممکن شخصیت زندانی ایرانی به ملموس‌ترین شکل ممکن ارایه شود. به عنوان مثال، روایت کمپین ۹۹ از محبوبه کرمی، فعال جنبش زنان در ایران که در جنبش دموکراسی‌خواهی برای آزادی و عدالت فعالیت می‌کند، این است: «محبوبه که به خاطر مرگ مادرش و اتفاق‌هایی که برایش افتاده دچار افسردگی است، پیش از بازگشت به زندان در اردیبهشت۹۰ ، جلوی زندان اوین و در حالی که دوستانش برای بدرقه او آمده بودند گفت که خوشحالم برای هدفم که برای برابری زنان سرزمینم است به زندان می‌روم. از راهی که انتخاب کردم پشیمان نیستم. باید در اهداف‌مان پایدار باشیم و مصائب را تحمل کنیم. دوستان محبوبه او را انسانی مهربان و با روحیه بالا و صبور می دانند. محبوبه کرمی این روزها را در زندان اوین تهران می‌گذارند.»

شیوه کار کمپین

شیوه کار کمپین۹۹ بسیار ساده است. فعالان این کمپین، عکس زندانی را در دست می‌گیرند و داستان او را روایت می‌کنند. بعد از شنیدن روایت، نفر مقابل که از معترضان وال‌استریت است، به عکس نگاه می‌کند و شروع می‌کند به صحبت. به آن‌ها گفته می‌شود که این زندانی بعدها این حرف‌ها را خواهد خواند و خواهد شنید:«تو در این لحظه تاریخی، پیامی را از پارک زوکاتی برای ایران می‌فرستی.»

همین جمله ساده پیام فرستنده را در جایگاه یک موجود اثرگذار قرارمی‌دهد؛ کسی که خود نیز از موقعیتی که در آن قرار گرفته، تاثیر پذیرفته است. کسانی که تا به حال این پیام‌ها را فرستاده‌اند، گاهی کنترل خود را از دست داده‌اند و گریه کرده‌اند. گریه‌هایی که از سر احترام است. حتی ممکن است احساس کنند دردی که می‌کشند، با درد آن زندانی قابل مقایسه نیست.

برای تاثیرگذاری و گسترش بیشتر فعالیت این کمپین، تلاش شده ایرانیان دیگر نقاط دنیا هم در آن مشارکت داشته باشند. به عنوان مثال، بیست و هفتمین روایت کمپین۹۹ را که مربوط به دوم دسامبر است، «سحرناز سماعی‌نژاد» از تورنتوی کانادا فرستاده است. این روایت، پیام «پیتر» است به«فیض‌الله عرب‌سرخی». در بخشی از این روایت از زبان «پیتر» می‌خوانیم: «ما الان اینجا نشسته‌ایم و می‌دانیم که فیض‌الله برادر ماست. او برادر ماست چون مثل ما یک نگاه دوراندیشانه به جامعه‌اش دارد.فیض‌الله به این فکر نکرده که در درون سیستمی زندگی کند که فقط به خودش منفعت برساند؛ و برای همین هم هست که الان او در جایی است که همه می‌دانیم. او در زندان است چون به نسل‌های آینده‌ای فکر کرده که بعد ازاو خواهند آمد. من می‌خواهم از فیض‌الله تشکر کنم که وقتی با مشکلی در درون جامعه‌اش مواجه شده، خودش را در معرض خطر قرار داده و می‌خواهم از فیض‌الله تشکر کنم برای اینکه او یک الگو برای نگاه دوراندیش ماست.»

آنچه که درکنارخود این پیام اهمیت دارد، همراه شدن دیگر فعالان مدنی با کمپین۹۹ از گوشه و کنارجهان است. این همراهی نشان می‌دهد که فعالیت‌های مدنی خودجوش، تا چه حد ممکن است تاثیرگذار باشند. البته نکته مهم دیگر در مورد چنین فعالیت‌هایی، استمرار است و پیگیری و پشتکار برگزارکنندگانی که بدون هیچ چشمداشت شخصی، برای موفقیت آن تلاش می‌کنند. ضمن این‌که، معنای واقعی خودجوشی را در مقابل آنچه تحت عنوان این گونه فعالیت‌های مدنی و ابتکاری درایران اتفاق می‌افتد، به نمایش می‌گذارد.

برای اطلاعات بیشتر درباره کمپین ۹۹ ازسایت آن دیدن کنید:

www.99campaign.com

—

محکومیت زنان افغانی قربانی تجاوزبه زندان

2011-12-05 · Archive ID 639
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=639

عرصه سوم – هفته گذشته برنامه تحلیلی خبری شبکه یک تلویزیون هلند فیلمی را در مورد وضعیت زنان افغانی در زندان های این کشور پخش کرد. بخشی از این گزارش تکان دهنده درمورد زنانی است که مورد تجاوز قرار گرفته اند. طبق قانون آنها هم باید مجازات شوند و بسیاری از این زنان به زندان های طولانی مدت محکوم می شوند. این فیلم به سفارش پارلمان اروپا ساخته شده اما همین پارلمان با پخش آن از تلویزیون افغانستان مخالفت کرده است. یکی از دلایل این مخالفت به خطر افتادن زندگی زنانی است که دراین فیلم مصاحبه شده اند. از سوی دیگر پارلمان اروپا خواهان حفظ روابط خود با مقامات دادگستری در افغانستان است. یکی از زنان این فیلم گلناز زن جوانی است که یکی از اقوامش به او تجاوز کرده است. گلناز که در اثر تجاوز باردار هم شد به دوازده سال زندان محکوم گردید. او اکنون با فرزندش در زندان بسر می برد. بخشی از این فیلم و مصاحبه با کارگردان را دراینجا با زیر نویس فارسی می بینید.

—

پیام پنج دانشجوی زندانی به مناسبت شانزدهم آذر

2011-12-06 · Archive ID 646
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=646

عرصه سوم- شانزدهم آذر روز دانشجو درایران است. روز گرامی داشت خاطره همه دانشجویانی که به خاطر دفاع ازآزادی و جنبش دموکراسی خواهی درایران بپا خواسته وجان داده اند. جنبش دانشجویی در دوران معاصر همواره پیشگام مبارزات مدنی برای ایجاد یک جامعه دموکراتیک و عدالت اجتماعی بوده و نقش مهمی در تحولات سیاسی درایران به عهده داشته است. درآستانه شانزدهم آذر اما هنوز گروه کثیری از دانشجویان ایرانی به جرم آزادی خواهی دربندند. وهنوزهزاران دانسجوی دیگر با انواع محدودیت‌ها و تبعیضات آموزشی، جنسیتی و رفاهی دست به گریبانند. تفکیک جنسیتی، محرومیت دختران دانشجوازفرصت های آموزشی برابر، حذف بعضی ازرشته‌های دانشگاهی، اسلامی کردن علوم انسانی، ستاره دارکردن دانشجویان آزادی خواه، محروم کردن دانشجویان غیرمسلمان از تحصیل تنها بخشی از این تبعیضات اند.

درجمهوری اسلامی رهبران و فعالان جنبش دانشجویی تنها به جرم دگراندیشی واحساس مسئولیت درقبال سرنوشت کشور به زندان های طولانی مدت مجکوم شده اند. دانشجویانی مانند بهاره هدایت، عبدالله مومنی، مجید توکلی، مهدیه گلرو، کوهیار گودرزی، پیمان عارف، عباس کاکایی، مجید دری، سما نورانی، شبنم مددزاده، حسن اسدی زیدآبادی، میلاد اسدی، یاسر گلی، محمد پورعبدالله، ضیا نبوی، مرضیه خدابخش، محمد یوسف رشیدی، آرمان رضاخانی، عاطفه نبوی، بهروز جاوید تهرانی، آمانج حیدری، احسان عبده تبریزی، حامد روحی نژاد که در پیوند با سایر زندانیان عقیدتی و سیاسی جنبش آزادیخواهانه مردم ایران را به پیش می‌برند و برای برپایی یک جامعه مبتنی برعدالت، آزادی بیان و ارزش‌های حقوق بشری در ایران مبارزه می کنند.

به مناسبت روز دانشجو، کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی پیام پنج دانشجویی زندانی در زندان اوین را برروی سایت خود منتشر کرده که آن را دراینجا می خوانید:

«کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی: پنج زندانی دانشجویی بیانیه ای از داخل زندان اوین به مناسبت 16 آذر روز دانشجو منتشر کردند و در آن ضمن گرامیداشت یاد و خاطره دانشجویان جانباخته، نوشته اند که

بررسی تاریخ پر فراز و نشیب جنبش دانشجویی ایران به عنوان حاملان گفتمان تجدد خواهی و آزادی طلبی این نکته را به اثبات می رساند که همواره دانشگاه و دانشگاهیان پیشگام مبارزات استبداد ستیزانه مردم ایران بوده اند و در این راستا هزینه های سنگینی چون 16 آذر 1332 ،1 بهمن 40 ،18 تیر 78، خرداد 82 ، 25 خرداد 88 را متحمل شده اند.

به گزارش کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی، جواد علیخانی، آرش صادقی، مصطفی نیلی، سید مهدی خدایی، پیمان عارف در بیانیه ای از زندان اوین به مناسبت روز دانشجو تاکید کرده اند بر سر مواضعی که به زندان افتاده اند ایستاده اند. متن این بیانیه به شرح زیر است.

"خودت بگو

زنجیر اگر برای گسستن نبود

پس این دستهای بسته را

برای کدام روز خسته آفریده اند."

16 آذر نقطه عطف مهمی در مبارزات دانشجویی برای دستیابی به دموکراسی،آزادی و برقراری حکومت قانون بوده است.روزی که سه آذر اهورایی آذر شریعت رضوی،ناصر قندچی ،مصطفی بزرگ نیا سکوت را در گلو شکستند و در دانشگاه وحشت زده فریاد بر آوردند..اینانی که سکوت شب را شکستند و خود نشکستند و جاودانه شدند و هوا را از بوی خون خویش غصه دار کردند و سر منشا تحولات بعدی ایران معاصر گردیدند.به همین مناسبت ما فعالان دانشجویی در بند، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره ستارگان سپهر دانشجویی ایران بر آن شدیم در این مقطع حساس از تاریخ معاصر ایران نکاتی چند را با یاران دبستانی مان در میان بگذاریم:

1- بررسی تاریخ پر فراز و نشیب جنبش دانشجویی ایران به عنوان حاملان گفتمان تجدد خواهی و آزادی طلبی این نکته را به اثبات می رساند که همواره دانشگاه و دانشگاهیان پیشگام مبارزات استبداد ستیزانه مردم ایران بوده اند و در این راستا هزینه های سنگینی چون 16 آذر 1332 ،1 بهمن 40 ،18 تیر 78، خرداد 82 ، 25 خرداد 88 را متحمل شده اندو خم به ابرو نیاورده و برای نیل به آزادی و دموکراسی با تمام توان به کارکرد نقادانه خود در مواجهه با قدرت ادامه داده است. اما وضعیت دانشگاه در سال های اخیر نشان از رویکرد سرکوبگرانه و مهندسی شده حکومت در قبال دانشگاه دارد تا بلکه به تصورواهی خویش از این طریق بتواند فریاد آزادی خواهی مردم ایران را خاموش بنماید.از اخراج و بازنشسته کردن پیش از موعد اساتید مستقل و دگر اندیش گرفته تا فراخوان گسترده فعالان دانشجویی به کمیته های انضباطی و تعلیق های بلند مدت و ستاره دار کردن دانشجویان؛ از اخراج و زندانی کردن فعالین دانشجویی تا پلمپ تشکل های سیاسی،فرهنگی، صنفی دانشجویی و غیر قانونی اعلام کردن آنها؛از لغو امتیاز نشریات دانشجویی گرفته تا تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها؛از اعمال تبعیض های مذهبی در گزینش دانشجویان گرفته تا مباحثی چون اسلامی کردن علوم انسانی و حذف برخی رشته های علوم انسانی در دانشگاه هاو... .

حال روی سخنمان با شما یاران دبستانی مان است تا بدانید تمامیت خواهان به خوبی نقش نقادانه و استبداد ستیز انه نهاد دانشگاه پی برده اند و از این حیث تمام توان خود را صرف تهی کردن معنا و کارکرد ذاتی دانشگاه و دانشجو خواهند کرد تا بلکه دانشگاه به ابزاری برای رسیدن به مطامع ایدئولوژیک و سیاسی انحصارطلبان تنگ نظر مبدل گردد.با آگاهی نسبت به این امر است که مسئولیت خطیر شما در حفظ استقلال دانشگاه و پای فشاری بر آزادی آکادمیک برای نیل به جامعه ای آزاد می تواند نقشه های شوم تمامیت خواهان را نقش بر آب کند.و شما یاران دبستانی مان بدانید و باور کنید که شب از ستارگان می هراسد.

2 - یاران دبستانی با توجه به اینکه حوادث پس از انتخابات 88 ، فصل نوینی از تاریخ معاصر ایران را رقم زده و فضای عمومی جامعه بیش از پیش امنیتی شده است ؛ و نیز انتخابات مجلس نهم را در پیش داریم که به نظر می رسد مهمترین انتخابات مجلس تاریخ جمهوری اسلامی می باشد.از این رو ما بر آنیم تا پاره ای از مطلوبیت ها و خواسته های خود را پیرامون اولین انتخابات پسا- کودتا بیان نماییم. برگزاری انتخابات آزاد مبتنی بر موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق سیاسی-مدنی که تحقق مولفه های زیر را ضروری می سازد:

- آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی

- لغو هر گونه سازو کار نظارتی غیر دموکراتیک برای کاندیداهای انتخابات پیش رو

- آزادی مطبوعات و سایر رسانه های جمعی و امکان برخورداری برابر و عادلانه تمامی کاندیداها از رسانه های جمعی

- عذرخواهی و جبران خسارت وارده به آسیب دیدگان حوادث پس از انتخابات 88 به ویزه خانواده جان باختگان و محاکمه عاملان آن فجایع غیر انسانی

- آزادی تمام احزاب سیاسی قائل به فعالیت در یک چارچوب دموکراتیک

- تمکین حکومت به رای مردم به مثابه صاحبان اصلی قدرت سیاسی و اجتماعی

- آزادی سبک زندگی برای تمام مردم ایران به عنوان مقدمه ای برای ورود به انتخابات آزاد.

3 - با توجه به وضعیت حساس منطقه خاورمیانه و تحولات اخیر منطقه که به سقوط دیکتاتورها منجر شده است. می بایست به یک تحلیل واقع گرایانه از مسائل منطقه و جایگاه جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.متاسفانه حاکمبت جمهوری اسلامی ایران از روزهای آغازین استقرار این نظام سیاسی مدام از صدور انقلاب سخن گفته بی آنکه بداند لوازم آن چیست و چه توانی را می طلبد.البته به نظر می رسد که این رفتارهای واکنشی و ماجراجویانه بیشتر برای سر پوش گذاشتن بر بحران های اقتصادی-سیاسی - اجتماعی داخل کشور بوده است. و در واقع بیش از آنکه جنبه واقعی داشته باشد طنزگونه بوده است. متاسفانه در سالهای روی کار آمدن دولت نهم و شخص احمدی نژاد این ماجراجویی ها پررنگ تر شده است تا از این طریق بتواند عدم مدیریت دولت متبوعش را توجیه بنماید. از این رهگذر بوده است که با سخنان کارشناسی نشده و نسنجیده و موضع گیری های بی پایه و اساس ،چندین بار کشور را تا آستانه جنگ پیش برده است. لذا ما فعالان دانشجوی زندانی، از همه دانشگاهیان خواستاریم تا به جنگ به عنوان خطری بالقوه در این شرایط حساس منطقه ای نگاه کرده و اجازه ندهند که با فضاسازی های رسانه ای، مردم عزیزمان را نسبت به خطرات و عواقب خانمان سوز و ویرانگر جنگ فریب دهند.

در پایان ضمن اطمینان از اینکه دوستان خارج از زندان خود به نیکی به تحلیل شرایط و بهترین عمل سیاسی ممکن دست خواهند زد، همراهی خویش را با مبارزات جنبش دانشجویی و کوششهای دموکراسی خواهانه و حقوق بشر طلبانه مردم ایران در خارج از ابراز داشته، ایستادگی خویش را بر سر مواضع ای که بدان خاطر در زندان به سر می بریم ،اعلام می داریم.»

جواد علیخانی

آرش صادقی

مصطفی نیلی

سید مهدی خدایی

پیمان عارف

برای اطلاعات بیشتر درباره جنبش دانشجویی در ایران از سایت کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی بازدید کنید:

http://www.komitedefa.com

—

مصاحبه با مهناز افخمی مدیرسازمان بین المللی زنان برای آموزش و مشارکت

2011-12-06 · Archive ID 642
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=642

عرصه سوم – مهناز افخمی، وزیرپیشین امورزنان دردوران قبل ازانقلاب ومدیر فعلی سازمان بین‌المللی زنان برای آموزش و مشارکت است. افخمی تلاش یکصد ساله اخیرزنان ما برای به دست آوردن جایگاه حقوقی برابر با مردان و جنبش جدید دموکراسی خواهی درپی آخرین انتخابات ریاست جمهوری سال 1388 را به یکدیگر مرتبط می داند. اومعتقد است که جنبش سبز درایران تداوم حرکتی است که نزدیک به یک قرن پیش آغاز شد، و فرازها، فرود ها و تغییر و تحول های تکاملی و انقلابی پرشماری را پشت سر گذاشت. گفتگوی هومن عسکری با مهناز افخمی را دراینجا می خوانید.

هومن عسکری

ندا آقا سلطان تجسم چهره یک ملت

نزدیک به سه دهه، معدود تصاویر زنانی که از ایران به خارج می رسید و درمعرض دید جهانیان قرار می گرفت، جمعیتی را نشان می داد که حجاب اسلامی شان نوعی پذیرش و تسلیم در برابر شرایط و شاید رضایت مندی از وضعیت موجود را القا می کرد. به ندرت اتفاق می افتاد که انتشار یک یا چند روایت، این تلقی را در ذهن ها ایجاد کند که زنان ایران از جایگاه اجتماعی خود ناخشنود و خواهان تغییر وضعیت زندگی خود هستند. گذر زمان و ظهور فن آوری های اطلاعاتی و مخابراتی نوین، اما، تصویر ایستای موجود را یک بار و برای همیشه تغییر داد.

اکنون جهان این امکان را داشت که چهره ای متفاوت از زنان ایرانی را از طریق لنز دوربین های «تاروَندان»[netizens] درون مرزها مشاهده کند. این روایت نشان می داد که تسلیم و پذیرشی که در طول سالیان توسط برخی رسانه ها تبلیغ می شد اساساً وجود خارجی نداشته است. در سال 1388، زنان ایرانی به معنای واقعی کلمه ایستادند و دنیا را واداشتند که همراه و همگام با آنها به وضعیتشان توجه نشان دهد. آنان پیشگامان اعتراض ها و تظاهرات سراسری علیه نظام اسلامی شدند، خیزشی که با نام «جنبش سبز» در جهان شناخته شد. چندی نگذشت که این جنبش چهره ای انسانی و قابل درک تر یافت: چهره زنی جوان که در اثر اصابت گلوله نیروهای بسیجی جان خود را از دست داد. بر خلاف بیشتر قهرمانان ملی جامعه مردسالار ایران، این بار «ندا»، دختری جوان، به تجسم چهره ملت تبدیل شد. ندا از آن جهت خاص بود که از خواص نبود. او آینه تمام نمایی از دختران ایرانی بود که در جامعه پس از انقلاب به دنیا آمدند و بالیدند، زنانی که یکی از وجوه مشترک شان آنست که به اندازه سال های نوری با تصاویر منطبق بر ارزشهای مورد تأیید جمهوری اسلامی فاصله دارند.

تقریباً دو نسل پیش از ندا و هم سن و سالان او، مهناز افخمی دیده به جهان گشود. در ایران آن سال ها در 1319 خورشیدی، فرصت های زیادی را نمی شد برای یک دختر متصور بود. با این همه، مهناز افخمی مایه شگفتی همگان شد و توانست طی یک زندگی حرفه ای استثنائی، با زحمت بسیار برای پیشرفت زنان کشور فعالیت کند.



وزیر امور زنان

مهناز افخمی در 13 سالگی ایران را به قصد تحصیل در ایالات متحده ترک کرد. در 17 سالگی به شورای صنفی دانشجویان پیوست. در 1345 به ایران بازگشت و در کسوت استاد زبان انگلیسی دردانشگاه ملی به کار پرداخت. او درهمین زمان انجمن زنان دانشگاه را بنیان گذاشت. و از سال49 13 تا 1357 دبیرکل سازمان زنان ایران .و در 1353، مهناز افخمی به عنوان وزیر امور زنان به عضویت کابینه در آمد.

وب سایت او برگزیده شدن افخمی به وزارت را به «یک سال کنشگری مداوم و شدید در سال جهانی زنان (1975 میلادی)» مرتبط می داند. افخمی و همکارانش در آن سال ها به دستاورد ها و پیشرفت هایی در زمینه حقوق زنان دست یافتند. گروه تحت مدیریت مهناز افخمی توانستند، برای مثال، قوانین ایران را تا سال 1356 به گونه ای تغییر دهند که زنان در طلاق به حقوقی برابر با مردان دست یابند و حداقل سن ازدواج برای دختران از 15 سال به 18 سال افزایش یابد. افخمی هم چنین پایه گذار طرح ریزی و ارائه مجموعه قوانینی برای حمایت از اشتغال زنان ایرانی شد.

انقلاب اسلامی

با وقوع انقلاب اسلامی، پیروزی آیت الله خمینی و آغاز روند اسلامی کردن کشور به ظاهر تمامی دستاوردهای افخمی و دوستان او به یک باره از دست رفت و اوضاع به سمت و سویی مخالف به حرکت افتاد. در معادله جدید، درست یا غلط، آیت الله خمینی از یک سو در قالب نماد سنت در برابر شاه به عنوان نماد نوگرایی ایستاده بود. در مصاحبه پیش رو، مهناز افخمی طی گفت و گویی با نویسنده به یاد می آورد که چگونه مسائل زنان به آبشخور اصلی رویارویی میان این دو گفتمان تبدیل شد:

"آیت الله خمینی در بهمن ماه 1357 به قدرت رسید – و پیش از آنکه قانون اساسی جدیدی وضع شود ودولت دیگری امور را در دست گیرد و یا اینکه تغییرات بنیادین دیگری صورت گیرد – قبل از هر چیزی ایشان قانون حمایت از خانواده را لغو کرد."

البته، تحولات صورت گرفته توسط انقلاب اسلامی در ایران نه تنها حاصل عمر افخمی را، که زندگی او را یکسره تغییر داد. در حالی که درآن زمان در ایالات متحده در مأموریت به سر می برد، با خبر شد که به جرم

«فساد درزمین و جنگ با خدا» حکم اعدام غیابی برایش صادر کرده اند. به این ترتیب زندگی مهناز افخمی در غربت آغاز شد. با همین اتهام بود که انقلابیون بسیاری از مقامات رده بالای نظام شاهنشاهی، از جمله امیر عباس هویدا نخست وزیر سابق، را به جوخه اعدام سپردند. روحانیون روز به روز مواضعی واپسگرایانه تر اتخاذ می کردند و به عنوان یکی از نخستین مقررات حکومت اسلامی حجاب زنان را اجباری اعلام کردند، تعدادی از مناصب و شغل ها را برای زنان قدغن کردند و تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» برای تصفیه کارکنان و بازبینی مواد درسی، دانشگاه های سراسر کشور را دو سال تمام به حالت تعطیل درآوردند. نظام آموزشی جدید اشاعه دهنده یک ایدئولوژی خاص دین سالار بود که در آن مواردی مانند موسیقی و رقص ممنوع و حذف شده بود.

زندگی در غربت

اما در تبعید و به دور از ایران هم مهناز افخمی از دنبال کردن اهداف و برنامه های خود، چه در ارتباط با ایران و چه در مقیاس جهانی، دست بر نداشت. در طول آن سال های تیره و تار، مهناز که وزارت را به عنوان آخرین سابقه شغلی خود داشت، تصمیم گرفت مانند سال های پیش از صدارت در کسوت کنشگری فعالیت های خود را پی گیرد و برای حقوق زنان مبارزه کند اما این بار در عرصه ای جهانی.

افخمی تا به امروز کمک رسانی به هم میهنان خود در ایران را ادامه داده و تلاش کرده فعالان درون مرزهای کشور را در پیشبرد اهداف شان و مقاومت در برابر تأثیرات مخرب انقلاب یاری کند.

چندی بعد از پیروزی انقلاب 57، افخمی «بنیاد مطالعات ایران» را در سال 1360 تأسیس کرد. او با بسیاری از سازمان های حقوق بشری همکاری داشته، به مدت ده سال عهده دار معاونت موسسه بین المللی «خواهری جهانی» بوده، و همچنین به عضویت هیئت مشاوران «بخش زنان سازمان دیده بان حقوق بشر» در آمده است. وی در سال 1379 سازمانی جدید با نام «مرکز مشارکت زنان برای آموزش حقوق بشر، توسعه و صلح» (دبلیو.اِل.پی) تأسیس کرد.

از مهناز افخمی تا کنون چندین کتاب، مقاله و کتابچه های متعدد منتشر و به زبان های مختلف ترجمه شده است. نوشته های او به شکلی گسترده در دانشگاه ها، سازمان های مردم نهاد فعال در امور زنان و نهاد های بین المللی به عنوان منابع مرجع مورد استفاده قرار گرفته است.

امروز تقریباً چهل سال می شود که این زن ایرانی برای دفاع از حقوق زنان علیه هرگونه آپارتاید جنسی ایستاده است، آپارتایدی که، آنگونه که خود او می نویسد، "به نام سنت، مذهب، همبستگی اجتماعی، اخلاق یا نوعی ملغمه از ارزش های والا" بر زنان تحمیل می شود.

جنبش زنان درایران

اما پرسش این است که آیا فعالیت های افخمی و زنانی مانند او درایران تأثیری بر زندگی زنان داشته است؟ یا اینکه تمامی آنچه در طول سالیان رشته بودند پنبه شد و با قدرت یافتن روحانیون در 1357 دستاورد هایشان یکباره بر باد رفت؟

به باور افخمی جنبش هیچگاه متوقف نشد: "جنبش سبز در ایران تداوم حرکتی است که نزدیک به یک قرن پیش آغاز شد و فرازها و فرود ها و تغییر و تحول های تکاملی و انقلابی پرشماری را پشت سر گذاشت." او وضعیت کنونی در ایران را "مرحله ای دیگر از جنبشی در جریان" توصیف می کند.

سیما، یک زن ایرانی که حدود 60 سال سن دارد، می گوید به اعتقاد او دستاورد های زنان ایرانی در سال های اخیر، به رغم تمامی فشارهای شدید و بدرفتاری ها، ادامه جنبشی ماندگار است که پیش از انقلاب شروع شد و کماکان ادامه یافت. او روند روشنگری و مقاومت زنان ایرانی را آن چنان مؤثر می داند که، از دید او، "در غیر این صورت ایران یک افغانستان دیگر با شرایطی به مراتب بد تر برای زنان می بود."

یک ایرانی دیگر به نام مریم، که او نیز دهه ششم زندگی خود را می گذراند، به خاطر می آورد که چگونه توانست پس از به انجام رساندن تحصیلات مناسب به عنوان معلم به استخدام دولت درآید و با کسب درآمد، مستقل از خانواده خود زندگی کند. مریم می گوید هنوز آن زمان را به یاد دارد که او و برخی از دوستانش

تصمیم گرفتند رفتار فرهنگی متفاوتی از خانواده های خود برگزینند و "به محض اینکه سوار اتوبوس هایی می شدیم تا از شهرستان های کوچک محل سکونت مان به دانشسرای محل تحصیل در شهری بزرگتر برویم روسری ها و چادرهایمان را برمی داشتیم."

مجموعه تحولات تاریخی سالیان بعد نشان داد اگر چه تجربه مریم و دوستانش زندگی این نسل از دختران ایرانی را در دوران پیش از انقلاب دستخوش تغییر کرد، شاید بتوان بخشی از رویداد های درون جامعه را در سال های بعد به نوعی واکنشی ناشی از این تحولات دانست.

مهناز افخمی در سایت رسمی خود می نویسد:

"به نظرم اشتباه اصلی ما این نبود که کارهای دیگری را که می بایست انجام دهیم، انجام ندادیم. اشتباه اصلی ما این بود که شرایطی را ایجاد کردیم که تضاد های ناشی از نوگرایی، پیشرفت، برابری، و حقوق بشر، به ویژه حقوق زنان، افزایش یافت و واکنش به کارهای ما شاید فشار زیادی بر بافت اجتماعی کشور وارد کرد."

مهناز افخمی می گوید فکر می کند آنچه در انقلاب ایران اتفاق افتاد: "تجربه جهانی جدیدی بود که در آن ظهور مذهب سیاسی را به عنوان یک ایدئولوژی نظاره گر بودیم." وی در ادامه توضیح می دهد، "تنها زنان نبودند که در برابر شعارهای جدید و شیوه های نوین بسیج توده ها فریب خوردند، بلکه گروه عظیمی از نخبگانِ گروه های مختلف نیز شرایط مشابهی داشتند، حتی سیاست گذاران و سیاستمداران درآن دوران فکر می کردند این حرکت به جنبشی دمکراتیک و مشارکتی خواهد انجامید؛ که به سوی جامعه ای بازتر و بر مبنای تکریم بیشتر حقوق بشر خواهد رسید؛ که البته، دیدیم که نه تنها اینگونه نشد بلکه شرایط حتی به نقطه ای در تضاد آشکار با چنین آرمان هایی ختم شد. تفاوت بین زنان و گروه های دیگر این بود که آنها اولین گروهی بودند که به اشتباه خود پی بردند و نخستین کسانی بودند که در مقابل حاکمان جدید بپا خاستند و نارضایتی خود را به آنان نشان دادند."

افخمی با اشاره به ادبیات آیت الله خمینی و معنای متفاوت واژگان در کلام او، نظر خمینی درباره «زنان به عنوان ابزار جنسی» را مثال می زند، – که مواضع مورد نظر گروه های فمینیستی نیز هست. اگر چه، منظور رهبر انقلاب اسلامی در واقع این نبود که زنان می بایست به عنوان انسان هایی با حقوق برابر در جامعه به کار و فعالیت بپردازند، بلکه زنان مورد نظر او "انسان هایی پیچیده در چادر مشکی بودند که می بایست از فساد دور نگاه داشته شوند." همین مسئله درباره مفاهیمی مانند "دمکراسی، آزادی و مشروعیت" نیز صادق است. آنچه این واژگان در نظر بسیاری معنا داشتند برای آیت الله معنای متفاوتی داشت. ادبیات عوام فریبانه و استفاده ازعبارات مورد اقبال عمومی با معانی متفاوت بسیاری را فریب داد.

امروز ایران دارای یک اکثریت تحصیلکرده، اما محروم است که توسط زنانی تربیت شده اند که هویتشان در دوران پیش از انقلاب شکل گرفته و قوام یافته است. شاید همین واقعیت یکی از دلایل بروز برخورد مداوم میان گفتمان هایی باشد که در جنبش های اخیر ایران ظهور یافت. افخمی ریشه این تضاد را در "جامعه مدنی مدرن، پیشرفته و سطح بالای ایران به ویژه در حیطه کنشگری زنان، تشکیلات زنان و بسیج و آگاهی زنان" می بیند. وی می افزاید زمانی که یک جامعه مدنی نوگرا با مجموعه ای از قوانین و نظام حکومتی نا به هنجار از جهت تاریخی روبرو است، به طور پیوسته ناسازگاری عمیقی را در جامعه شاهد خواهیم بود. این شرایط دقیقاً همان چیزی است که هم اکنون در تضاد آشکار بین ایدئولوژی جمهوری اسلامی و واقعیت زندگی زنان ایرانی می بینیم. جامعه و زنان درهرمرحله ناچار به عقب راندن حکومت شده اند و تا حدی هم در این زمینه موفق عمل کرده اند.

با این وجود افخمی اذعان می کند که هرگونه اقدام آشکاردر برخی حیطه ها، مانند تلاش برای لغو حجاب اجباری، ازدید حاکمیت زیر سؤال بردن مشروعیت و اعتبار رژیم اسلامی خواهد بود. میزان زمان، نیرو و منابعی که تاکنون توسط جمهوری اسلامی تنها برای نگاه داشتن روسری بر سر زنان ایرانی صرف شده حیرت انگیز است. این حکومت کماکان به چنین رفتاری ادامه می دهد چون برای آنها حفظ حجاب زنان در حکم نمادی از اعتبار و وجاهت شان است. اما آیا این امر بدان معناست که زنان در یک فاز دیگر در برابر سیاست های مشت آهنین رژیم روحانیون عقب خواهند نشست؟

افخمی می گوید، "زنان تا به امروز تا جایی که امکانات انسانی شان اجازه داده است، علیه این محدودیت ها، خشونت ها و پرخاشگری ها هر آنچه در توان داشته اند انجام داده اند."

مهناز افخمی و همکاران او نیز هم چنان به ایفای نقش خود مشغولند. او می گوید تلاش گروهش براین هدف متمرکز است که زنان درون کشور را با کنشگران دردیگر نقاط جهان، بخصوص در خاور میانه و شمال آفریقا،درارتباط نگاه دارد. دراین راستا آنها تا کنون عناوین زیادی از کتاب های آموزشی، کتابچه های راهنما و ابزار یادگیری را ترجمه و بر روی شبکه اینترنت قرار داده اند.

گروه تحت مدیریت مهناز افخمی همچنین روایت های خود از آنچه امروز درایران اتفاق می افتد را ترجمه کرده و در میان ده ها هزار سازمان مردم نهاد در سراسر جهان پخش کرده اند. در قبال موج جدید تبعیدی های ایرانی ، در تلاش برای پشتیبانی از آن‌ها فعالند. و به این دسته از کنشگران برای ادامه زندگی در خارج از کشور وحفظ ارتباط با حلقه های درون کشور یاری می رسانند.

در زبان انگلیسی [و نیز فارسی] ضرب المثلی هست که می گوید دختر را ازروی مادرش باید شناخت.عکس ها و فیلم های دختران ایرانی که در اینترنت موجود هست هیچ شباهتی به خانم احمدی نژاد ندارد که با چادر مشکی بر سر تنها یک سوم از چهره اش نمایان است. شاید این همان زمینه ای است که «ندا» در آن به دنیا آمد وخیلی زود تبدیل به چهره ملتی شد که مدت هاست دچار سوء تفاهم، سوء درک و سوء مدیریت شده است.

برای متن انگلیسی این گفتگو ازسایت انگلیسی عرصه سوم دیدن کنید:

—

نسرین ستوده را فوراً آزاد کنید

2011-12-08 · Archive ID 648
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=648

عرصه سوم – درآستانه دهم سپتامبر روزجهانی حقوق بشر کمپین بین‌المللی حقوق بشردرایران کارزار جدیدی را برای آزادی نسرین ستوده وکیل برجسته زندانی آغاز کرده است. نسرین ستوده تنها به جرم تلاش برای اجرای قانون و عدالت و دفاع از موکلانش خود به محرومیت از وکالت و ده سال زندان محکوم شده است. کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران برای آزادی نسرین ستوده در برنامه خود ازهمه مدافعان حقوق بشر درجهان و شهروندان ایرانی و غیرایرانی می‌خواهد که با پیوستن به این کارزار برای آزادی این شخصیت برجسته و کنشگر مدنی درایران بکوشند. متن بیانیه کمپین حقوق بشررا دراینجا ملاحظه می کنید:

آغاز به کار برنامه «نسرین ستوده را آزاد کنید» :

“۱۴ آذرماه ۱۳۹۰) کمپین بین المللی حقوق بشر درایران امروز برنامه ای را برای ایجاد پشتیبانی جهانی از آزادی وکیل زندانی، نسرین ستوده، و برجسته کردن شرایط اسفناک زندانیان عقیدتی در ایران را راه اندازی کرد. آغاز این برنامه در استقبال از روز جهانی حقوق بشر، ۱۹ آذر، صورت می گیرد.

از ویژگی های این برنامه انتشار یک ویدیوی چهار دقیقه ای با عنوان " ستوده را فورا آزاد کنید " است. دراین ویدیو، برندۀ جایزۀ صلح نوبل، شیرین عبادی در خصوص تعهد ثابت قدم نسرین ستوده نسبت به حرفه اش، حبس نا عادلانۀ او و ضرورت تلاش گستردۀ بین المللی برای آزادی وی سخن می گوید.

ویدیو: نسرین ستوده را آزاد کنید .

هادی قائمی، سخنگوی کمپین بین المللی حقوق بشر درایران گفت: “نسرین ستوده یکی از شجاع ترین و صریح ترین مدافعان حقوق بشر در ایران است و خانوادۀ وی به صورت خستگی ناپذیری برای آزادی وی تلاش کرده اند. وی افزود: “برماست که به مناسبت روز جهانی حقوق بشر، به تلاشهای خویش برای معرفی جهانی ستوده و افزایش فشار بر دولت ایران برای آزادی وی بیفزاییم.”

علاوه بر ویدیوی "ستوده را فورا آزاد کنید،" کمپین همچنین ترتیباتی را برای ارسال دو نامه جهت اقدام برای آزادی ستوده در نظر گرفته است که از طریق آن افراد می توانند نامه ای را به مقامات عالیرتبهٔ ایرانی ارسال کنند و تقاضای آزادی ستوده رامطرح کنند. همچنین افراد می توانند نامهٔ دیگری را به وزرای امور خارجهٔ ۲۵ کشور در سراسرجهان ارسال کنند و از آنان تقاضا کنند تا خواستار آزادی نسرین ستوده شوند.

برنامه آزادی ستوده که نحوه نمایش آن به صورت چندرسانه ای و برروی تارنمای کمپین طراحی شده است همچنین حاوی چند ویدیو و یک نمایش اسلاید شامل یک ویدیوی اختصاصی از نسرین ستوده است که قبل از دستگیری اش فیلمبرداری شده و برای نمایش در اختیار کمپین قرار داده شده و در آن نسرین ستوده در خصوص اعدام افراد زیر ۱۸ سال در ایران سخن می گوید. این صفحه همچنین حاوی گامهای دیگری است که افراد می توانند برای حمایت از ستوده بردارند.

هادی قائمی ادامه داد: "اکثر مردم جهان میدانند که شهروندان ایران غالبا برای ابراز عقاید و یا پیوستن به اعتراضات به زندان فرستاده می شوند، اما آنها معمولا نام این زندانیان را نمیدانند." وی افزود: "ما امیدواریم که با قراردادن یک نام و یک چهره بر روی وضعیت اسف بار زندانیان عقیدتی در ایران بتوانیم میزان تحرک نسبت به آزادیِ نه تنها نسرین ستوده، بلکه صدها نفر دیگر که ناعادلانه پشت میله های زندان در ایران قرار گرفته اند را افزایش دهیم."

از زمان انتخابات ریاست جمهوری مورد مناقشهٔ سال ۱۳۸۸، مقامات ایرانی صدها روزنامه نگار، فعال سیاسی، رهبران دانشجویی، و مدافعان حقوق بشر را برای فعالیت های مسالمت آمیز و یا انجام حق آزادی بیان خویش، غالبا بدون محاکمات عادلانه، زندانی کرده اند. زندانیان عقیدتی بسیاری در خصوص شکنجه و بدرفتاری در زندانها، غالبا توسط مقامات وزارت اطلاعات که در تلاش برای اخذ اعترافات اجباری از آنان بوده اند، گزارش هایی ارایه کرده اند. لیست رو به رشد زندانیان عقیدتی شامل چندین وکیل حقوق بشر مشابه نسرین ستوده مانند عبدالفتاح سلطانی، محمد سیف زاده، و جاوید هوتن کیان می باشد.

مقامات ایرانی نسرین ستوده را در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۸۹ دستگیر کردند. وی متعاقبا مورد اتهامات "اقدام علیه امنیت ملی" و "تبلیغ علیه نظام" قرار گرفت و در شهریور سال جاری توسط دادگاه تجدید نظر به شش سال زندان و ۱۰ سال محرومیت از حرفهٔ وکالت محکوم شد.

تصمیم دادگاه کاملا بر مبنای فعالیتهای نسرین ستوده در کنار یکی از گروههای پیشرو حقوق بشر در ایران، کانون مدافعان حقوق بشر، و به دلیل ارایهٔ خدمات وکالت به برخی از اعتراض کنندگان و منتقدان دولت پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ استوار شده بود. به عنوان بخشی از خدمات وکالت برای این موکلین، نسرین ستوده با رسانه های داخلی و بین المللی در خصوص پروندهٔ موکلینش صحبت کرده بود. از زمان دستگیری تا کنون، نسرین ستوده دو بار دست به اعتصاب غذا زده تا نسبت به محرومیت خویش از حقوق اساسی اش به عنوان یک متهم و زندانی اعتراض کند.

نسرین ستوده که مادر دو فرزند خردسال است، به دنبال فعالیتهای خود برای لغو محکومیت اعدام برای افراد زیر ۱۸ سال، بهبود حقوق زنان، و دفاع از زندانیان عقیدتی در ایران و در عرصهٔ بین الملل چهره ای شناخته شده می باشد. وی در سال ۲۰۰۸ برندهٔ جایزهٔ حقوق بشر از کمیتهٔ بین المللی حقوق بشر در ایتالیا شد. در سال ۲۰۱۱، ستوده برندهٔ جایزهٔ برجستهٔ "آزادی برای نوشتن" از انجمن قلم آمریکا شد.

کمیساریای عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد، گزارشگر ویژهٔ سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران، چندین کشور و اتحادیهٔ اروپا و سازمانهای حقوق بشر بین المللی همگی ازپروندهٔ نسرین ستوده به عنوان مورد مهمی از نقض حقوق بشر توسط حکومت ایران یاد کرده اند.

روز جهانی حقوق بشر یادآور تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹ آذر سال ۱۳۲۷ توسط سازمان ملل متحد است."

برای اطلاعات بیشتر از سایت کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران بازدید کنید:

http://persian.iranhumanrights.org

—

درروزجهانی دفاع ازحقوق انسان ها ازهمه قربانیان نقض حقوق بشردرایران دفاع کنیم

2011-12-08 · Archive ID 651
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=651

عرصه سوم – دهم دسامبرروزجهانی حقوق بشراست. روزی که هرساله جایزه صلح نوبل به کوشندگان راه آزادی و برابری اهدا می شود. مدافعان حقوق بشر درسراسر دنیا دراین روز با برپایی مراسم ویژه مردم جهان را به مبارزه علیه تبعیضات و حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر فرا می خوانند. اعلامیه جهانی حقوق بشردر دهم دسامبر 1948 در سازمان ملل تصویب شد. سندی که برای اولین بار توسط کمیسیون حقوق بشر جامعه ملل تدوین و توسط النور روزولت همسر فرانکلین روزولت رئیس جمهور آمریکا به بحث گذاشته شد. این اعلامیه با رأی اکثریت اعضای سازمان ملل بدون رأی مخالف وهشت رأی ممتنع (ازجمله اتحاد جماهیر شوروی، افریقای جنوبی و عربستان) دربیش از شصت سال پیش تصویب و دردهه های اخیر به مهمترین سند بین‌المللی درزمینه حمایت ازحقوق برابرافراد با هرعقیده، فکرو یا رنگ و نژاد تبدیل وازاعتبارویژه ای دردنیا برخورداراست.

سازمان عفو بین الملل هرساله دردهم دسامبرفعالیت‌های گوناگونی را درسراسرجهان برای جلب حمایت عمومی ازحقوق زندانیان، قربانیان شکنجه وافراد اعدام شده برپا می کند.

در ایران رژیم جمهوری اسلامی درطول سه دهه گذشته با عدم پای بندی به اصول اعلامیه جهانی حقوق بشرونقض مکررآن درحوزه خصوصی و عمومی کشور را عملاً به زندانی بزرگ برای شهروندان خود تبدیل کرده است. سرکوب مخالفان سیاسی، اقلیت‌های دینی ، قومی و نادیده گرفتن حقوق اولیه شهروندان، اعمال خشونت مشروعیت یافته در قوانین علیه زنان تنها بخشی از این تبعیضات هستند.

درحال حاضرسازمان های مردم نهاد حامی حقوق بشر درایران ممنوع وتعطیل شده وهم کنشگران حقوق بشری به زندان افتاده اند. کسانی مانند امیراسلامی، نسرین ستوده ،عبدالفتاح سلطانی، عبدالرضا تاجیک ودهها نفراز دیگرمدافعان حقوق مردم مجازات وبه زندان های طولانی مدت محکوم شده اند.

درسالروزدفاع ازحقوق بشر شبکه‌های مدنی ایرانیان درخارج از کشور با برپایی مراسم متعدد خواهان توجه جامعه جهانی به نقض مکررمفاد این اعلامیه درایران هستند.

مراسم روز جهانی حقوق بشر در کلن

از جملهجمعی ازتشکل‌های مدنی ایرانیان در شهر کلن آلمان به مناسبت روز جهانی حقوق بشر مراسمی برگزار می‌کنند. این مراسم روز شنبه ۱۰ دسامبر در سالن کاریتاس کلن برگزار می‌شود. «انجمن پویا - کلن»، «انجمن زنان ایرانی - کلن»، «جمعیت پشتیبانی از مبارزات دموکراتیک مردم ایران ـ کلن»، «حامیان مادران پارک لاله ـ کلن» و «خانه همبستگی مهر» برگزارکنندگان این مراسم هستند.

این گروه‌ها دراعلامیه مشترکی با شرح مفصل موارد نقض حقوق بشردرسی سال گذشته درایران خواهان اقدام واتحاد همه آزادی خواهان درجهان برای افشاگری و پایان دادن به این وضعیت غیرانسانی درکشورهستند.

دربخشی از این اعلامیه می خوانید:

“در طول این سی و سه سال رژیم اسلامی در ایران حدود سی بار از سوی سازمان ملل به عنوان ناقض حقوق بشر محکوم شده است.
در سال ۱۳۸۹ کنشگران نهادها و جمعیتهای حقوق بشر در ایران، مجموعه ای از گزارش را ها با حجم ۱۰۶۱ صفحه با آمار و ارقام و نمودار و توضیح در زمینه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، در رسته های حقوق زنان، کارگران، دانشجویان، احزاب سیاسی، اقلیتهای دینی و عقیدتی، روزنامه نگاران، هنرمندان،

وکلای دادگستری و مدافعان حقوق بشر تنظیم و استخراج نمودند. طرح بیش از شش میلیون (۶۳۱۶۳۶۰) موارد نقض حقوق بشر در ایران از سوی مدافعان حقوق بشر بازتاب دهنده پایداری، شجاعت و امید بزرگ آگاهان ملت ایران، زنان آزاده و جوانان پیشرو هشیار میهن ما است.

هم میهنان عزیز! با توجه به بحرانها و وخامت اوضاع اقتصادی ـ اجتماعی ـ سیاسی داخل ایران، رویدادهای منطقه، اوضاع بین المللی و گسترش تنشهای درونی و بحران آفرینی، رژیم جمهوری اسلامی بی اعتبارتر و شکننده تر شده است.

مقاومت مقامات قضایی، عدم پذیرش گزارشگز ویژه سازمان ملل در ایران و غیرواقعی و فاقد ارزش خواندن گزارش اولیه آقای احمد شهید از سوی رژیم نشانگر آن است که جامعه فعالان حقوق بشر زمینه ها و کارپایه های اساسی را فراهم کرده اند، برخی از مهمترین آنان به قرار زیرند.

الف: در داخل ایران

– پیگیری و شناسایی موارد نقض حقوق بشر از طریق شبکه های اجتماعی
– جمع آوری، ثبت، تفکیک و دسته بندی جهت مستند سازی داده ها و جرایم
– شفاف سازی داده ها، شناخت نحوه عمل مبارزان حقوق بشر و تقویت شیوه های نافرمانی مدنی
– کار ترویجی و آموزشی برای گسترش زمینه های اطلاع رسانی و ژرفش جنبش حقوق بشری
– نقد و افشای گسترده و مداوم کلیه قوانین مدنی، جزایی و غیره و سیاستها و موضع گیریهای سران حکومت اسلامی

ب: در سطح بین المللی

همکاری با شورای حقوق بشر

– تلاش گسترده برای تکمیل گزارش آقای احمد شهید از طریق ارایه اسناد و نامه ها و انجام مصاحبه ها با قربانیان نقض حقوق بشر به وی
– کوشش در جهت پیشبرد موثر (ادامه کاری و ایستادگی بر سر) تحریم های مقامات نظامی –امنیتی– سیاسی ناقض حقوق بشر توسط اتحادیه اروپا، امریکا و دیگران
–کوشش در راه تحریم و جلوگیری از فروش سلاح ها، ابزارها و تکنولوژی و منع دیدن آموزش های نظامی – امنیتی برای کارگزاران رژیم اسلامی
– کوشش در راستای تحریم و جلوگیری از صادرات فناوری ها و ابزارها و نرم افزارهایی که در جهت سرکوب مخالفین استفاده میگردند به رژیم اسلامی، مانند شنود، فیلترینگ، ارسال پارازیت و سابوتاژ
ـ حساسیت و توجه به اجرا و پیشبرد حقوق بشر و کار کارشناسانه و اجرای پروژه های کارا و پیوسته در این زمینه از سوی گروههای کار و کمیته های ویژه نهادهای مدنی
– کوشش مداوم ایرانیان جهت ارتباط و اطلاع رسانی با مجامع و سازمانهای بین المللی، اعم از چهره های شناخته شده یا سایر کنشگران ایرانی
– در همین راستا علاوه بر کوشش چهره های شناخته شده، کنشگران حقوق بشر ایرانی میتوانند بطور مداوم در امر ارتباط گیری و اطلاع رسانی با مجامع و سازمانهای بین المللی بکوشند.

اقدام از طریق اتحادیه بین المجالس

با توجه به نقض خشن حقوق بشر در زمینه حق رای و انتخابات آزار و دزدی میلیونها رای مردم در سال ۱۳۸۸ و با توجه به اینکه هزاران نفر از رهبران و کنشگران منتقد و مخالف رژیم در زندانها و تبعید و زیر فشار سانسور بسر میبرند و مجلس هشتم نیز به تمام و کمال در اختیار ولی فقیه قرار دارد و بازیچه اراده او شده است، انتخابات مجلس نهم در این فضای خشونت و سرکوب، دستوری و فرمایشی است و صندوقهای رای پر از نامهای کارگزاران نظامی – امنیتی رژیم خواهد شد.

کنشگران مدنی می‌توانند از کمیته حقوق بشر و دموکراسی، اتحادیه بین المجالس که متشکل از ۱۵۷ مجلس کشورهای جهان و از جمله ایران است، بخواهند تا این نقض خشن حقوق بشر ملت ایران از سوی رژیم آن را با تعلیق عضویت و در صورت ادامه جنایات و کشتارها با اخراج رژیم اسلامی ایران از این اتحادیه پاسخ دهند.

اقدام از طریق شورای امنیت و دادگاه جنایی بین المللی

مبارزه قانونی و حقوق بشری علیه رژیم فقها در سطح بین المللی و از جنبه راهبردی میتواند به سطوح پیشرفته تری ارتقاء یابد. در صورت ادامه خشونت، کشتارها، اعدامها از سوی رژیم نهادهای مدنی میتوانند وباید فراتر روند و برای ارجاع پرونده جنایات رژیم به شورای امنیت و دادگاه جنایی بین المللی کوششهای خود را پی گیرند.

کنشگران و برپای دارندگان گفتمان و جنبش حقوق بشر در ایران در راه احیای منزلت و کرامت انسان ایرانی شناساندن و اجرای حقوق بشر و حقوق شهروندی، ایجاد نهادهای مدنی و تدارک جامعه مدنی پویا و توانمند ساختن مردم برای رسیدن به حاکمیتی ملی ، دموکراتیک و سکولار در ایران میکوشند.

در آستانه روز جهانی حقوق بشر یک بار دیگر بانگ دادخواهیمان را به گوش جهانیان میرسانیم و برای
آزادی همه زندانیان سیاسی ـ عقیدتی در ایران
آزادی انتخابات، بیان، قلم و مطبوعات و رفع سانسور از صدا و سیما
آزادی اجتماعات و سازمانهای مدنی ـ صنفی و سیاسی
حقوق زنان، کارگران، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان، معلمان و پرستاران
حقوق اقلیتهای قومی، دینی، عقیدتی و جنسی
بپا میخیزیم.
پگاه آزادی و سپیده سحر پیش روی ماست، در بگشاییم و به پیشوازش برویم."

برای خواندن شرح کامل بیانیه از سایت ایران امروز دیدن کنید:

www.iran-emrooz.net/index.php?/news1/33516

—

دغدغه دوستان دربند

2011-12-12 · Archive ID 654
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=654

عرصه سوم- تلاش‌های کنشگران جوان ایرانی برای جلب افکارعمومی جهان به فقدان دموکراسی وآزادی بیان درایران وکوشش آنان برای آزادی همه زندانیان سیاسی وفعالین مدنی درسال های اخیر با برپایی کمپین ها وابتکارات جالب ادامه دارد. علی عبدی مبتکرکمپین 99 برای آزادی دانشجویان زندانی درایران است.

گزارش نعمیه دوستداردرباره اورا دراینجا می خوانید.

زیاد دوست ندارد کارش با اسمش مطرح شود. ترجیح می‌دهد به جای تأکید بر نامش، کارش معرفی شود. ازمصاحبه گریزان است، اما برای معرفی فعالیت اجتماعی‌اش حاضراست مدت‌ها وقت بگذارد. این روزها بیش از 10ساعت درروز کارمی کند تا کارزاری که او برپا کرده، به سرانجام برسد.

علی عبدی، دانشجوی دوره دکترای دانشگاه یل دررشته انسان‌شناسی است. قبل ازآن، دوره کارشناسی ارشد را درمجارستان دررشته مطالعات جنسیتی گذرانده ودرایران هم دردانشگاه صنعتی شریف درس خوانده است.

کنشگران مدنی اورا به عنوان جوانی می‌شناسند که از فمنیسم حمایت می‌کند و برای راه انداختن حرکت‌های جمعی که حداقل با یک نفر شروع می‌شوند، سر پرشوری دارد.

نزدیک به یکسال و نیم پیش، علی عبدی که آن زمان هنوزدرمجارستان دانشجو بود، تنها جلوی سفارت ایران رفت تا اعتراضش را به اعتصاب غذای زندانیان سیاسی درایران نشان دهد: «ساعت 10و ربع می‌رسم جلوی سفارت. 7مقوای آ-چهار را که رویشان با ماژیک مشکی و به انگلیسی نوشته‌ام «بوداپست، اعتصاب غذا درهمبستگی با زندانیان سیاسی ایران، دوم آگوست، 10صبح تا 9شب» روی زمین می‌چسبانم. 2 پوستر رنگی را که دیشب ب. برایم فرستاده است، بین مقواها قرار می‌دهم. حالا نشسته‌ام روی نیمکتی که درست جلوی سفارت قرار دارد. مقاله‌هایی را که چاپ کرده ام تا درساعت 11 بخوانم، ازکیفم بیرون می‌آورم. پشت سرم 2 تا بنز مشکی با شماره سیاسی است. سایه چند درخت روی نیمکت افتاده. فاصله‌ام با دراصلی سفارت تنها 5 متر است.»

علی عبدی به عنوان یک کنشگر جوان، معمولا ازفراخوان‌هایی که برای حمایت از فعالیت‌های مدنی مانند آزادی زندانیان سیاسی، حمایت از حقوق زنان و آزادی‌های اجتماعی اعلام می‌شود حمایت می‌کند. وبلاگی با عنوان «گاه‌نوشت‌های علی» دارد، فضایی برای انتشار نامه‌های فراخوان یا نقد و نظری بر فعالیت‌های کنشگران اجتماعی ایران.

نمونه دیگری ازفعالیت‌هایی که اودرآن مشارکت داشته وازایده‌ای ساده وانسانی شکل گرفته، فراخوانی است که درآستانه نوروز 90، ازسوی شبکه وبلاگ‌نویسان سبزمنتشر شد. این گروه، نشانی منزل گروهی ازشهدای جنبش را منتشر کردند وخوانندگان را دعوت کردند تا نوروز را با ارسال یک کارت تبریک، پیامی محبت‌آمیز ویا شاخه گلی، به بازماندگان شهدای جنبش سبزایران تبریک گفته واین گونه با آنان همدردی کنند.

مشخص نیست که تا چه میزان ازاین طرح وطرح‌های مشابه استقبال شده وچه تعدادی آن را اجرا کرده‌اند، اما آنچه مهم است تاثیری است که ازاین فراخوان‌ها برجا می‌ماند وروح امید را در دل دیگران زنده نگه می‌دارد.

خانواده‌ام را آزاد کنید!

اما فعالیت‌های علی عبدی به عنوان یکی ازاعضای کمپین «خانواده بزرگ زندانیان سیاسی»، درمیان کنشگران جامعه مجازی بسیارشناخته شده است. این کمپین، با توجه به فشارزیادی که در2 سال گذشته برخانوادههای زندانیان سیاسی درایران وجود داشته، شکل گرفته است. درشرایطی که خانواده زندانیان سیاسی ازمصاحبه با رسانهها منع و تهدید شده بودند که اگردرمورد عزیزانشان صحبت کنند، با آن‌ها برخورد خواهد شد، کمپین خانواده بزرگ زندانیان سیاسی ازهمه کنشگران و مردم ایران خواست با پیوستن به این کمپین با شعار«خانواده‌ام را آزاد کنید»، به شکل نمادین و به عنوان یکی از اعضای خانواده یک زندانی سیاسی، برای آزادی او فعالیت کنند. این اقدامات شامل معرفی زندانی، خبررسانی درمورد وضعیت او وپیگیری شرایط زندگی خانواده فرد زندانی است. به این ترتیب، با فراخوان ساده‌ای که ازاین کمپین درفضای مجازی منتشر شد، خیلی زود تعداد زیادی از شخصیت‌ها و شهروندان، به عنوان خواهر یا برادریک زندانی سیاسی شروع به کار کردند؛ تلاشی که گاهی خیلی ساده و تنها درحد ارسال یک پیام محبت‌آمیز بود، اما توانست توجه عده زیادی را به مساله زندانیان سیاسی جلب کند. اوهم چنین کوشش کرد تا با مصاحبه و اطلاع‌رسانی، اخباراین کمپین را به گوش مخاطبان بیشتری و فراتر ازجامعه مدنی ایران برساند.

دغدغه‌ای به وسعت ایران

دغدغه زندانیان سیاسی برای این کنشگر جوان جامعه مدنی، دغدغه‌ای همیشگی است. شاید به همین دلیل است که با شروع اعتراض‌های وال‌استریت، باردیگرعلی عبدی تلاش کرد با استفاده ازجنبش وال استریت، توجه‌ها را به سمت جنبش مردم ما و زندانیان سیاسی درایران برگرداند. درشرایطی که جامعه جهانی وهم معترضان وال استریت تحت تاثیرخیزش مردم درکشورهای عربی بودند، عبدی کوشید از این فرصت به سود جنبش مردم ایران استفاده کند. با این هدف، او کمپین99 را به راه انداخت تا نام زندانیان سیاسی ایران را باردیگرمطرح کند. اومعتقد است که رنج‌های انسانی زبان مشترک آدم‌ها هستند ومهم‌ترین امکان ارتباط را میان انسان‌هایی که درقاره‌های مختلف زندگی می‌کنند، فراهم می‌کند.

تاکنون، باراصلی فعالیت‌های این کمپین بردوش خود عبدی بوده واین کنشگر مدنی، بیشترین تلاش را برای گفت‌وگو با معترضان، تهیه روایت هایی از زندانیان سیاسی ایران وانتشارآن دررسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

انجام داده است. درعین حال، اوکوشیده است تا با کنشگران ایرانی درکشورهای دیگرهم تماس بگیرد تا ضمن انجام بخشی ازاین برنامه درآن کشورها، فرصت مشارکت را برای دیگران نیز فراهم کند. کسانی که بیشترشان مثل خود او، جوان وعلاقه‌مند به کنشگری اجتماعی‌اند.

آنچه که حاصل این فعالیت شبانه‌روزی است، اکنون درقالب گزارش‌های روزانه در سایت کمپین99 و صفحه اش در فیس بوک منتشر می‌شود و نتایج آن قراراست درآینده، به صورت نمایشگاهی ازپوسترهای تهیه شده توسط معترضان وال‌استریت وهم با تهیه فیلم مستندی برمبنای گفته‌های آنان ارائه شود.

چیزی که درشخصیت علی عبدی به عنوان یک کنشگر جوان جلب توجه می‌کند، تکیه اوبرتوان فردی و انرژی جوانی است که وقتی با روحیه مشارکت‌جویانه وعلاقه به جذب نیروهای فعال جمع می‌شود، می‌تواند به عنوان الگویی برای کنشگری جوانان در خارج از ایران مطرح شود.علی عبدی، می‌کوشد حرکت را از خود آغاز کند وآن‌گاه با معرفی اش به دیگران، زمینه‌ای فراهم کند تا دغدغه‌های فردی او به دغدغه‌های جمعی بدل شوند.

برای آگاهی بیشتر دراین زمینه از سایت کمپین 99 دیدن کنید:

http://www.99campaign.com/

—

وظیفه مخاطب بودن

2011-12-12 · Archive ID 656
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=656

عرصه سوم- رضا حاج حسینی: ازمجموعه نقش‌هایی که هنرمند در یک جامعه دارد، یکی هم می‌تواند روشنگری وآگاهی بخشی برای رسیدن به آزادی، دموکراسی و جامعه مدنی باشد.هنرمند آزاداندیش با ظرافت ودقت، ازابزارهنربهره می‌جوید تا اثری خلق کند که با طرح پرسش‌هایی برای مخاطبش، او را متوجه کاستی‌ها و نقص‌های موجود در جامعه و کشورش کند و اگر می‌تواند راهی برای بهبود نشان دهد و راهنمایی باشد برای حرکت به سوی زندگی بهتر.

از این دست هنرمندان درایران کم نیستند. کسانی که با وجود فشارها، تهدیدها، بگیر و ببندها وداغ و درفش‌ها، از راه و آرمان خود دست برنمی‌دارند و ترسی از بی‌داد استبداد ندارند. نمونه‌اش بانوی سینمای ایران، رخشان بنی‌اعتماد،که با شجاعت به کژاندیشی‌ها و یاوه‌گویی‌های فرجا... سلحشور، کارگردان فیلم‌های ارزشی تلویزیون ایران پاسخ گفت و اشاره جالبی هم کرد به مدنیت که اگر حاکم می‌بود، شرایط از اساس دگرگون می‌شد: “... اما می‌دانم برخورد مدنی و شکایت به محکمه بردن در این وانفسا، در پیچش و خمش حامیان ایشان ره به ترکستان می‌برد...”

گاهی اما این خود هنر است که در چنگال دیکتاتور گرفتار می‌شود و تیغ ممیزی و سانسور بر شاهرگش می‌نشیند. علاوه بر این، هنر و هنرمند به شکل‌های مختلف خوار می‌شوند و رسانه‌های حکومتی در مسابقه و رقابت برای ارائه آثاری سخیف و کم‌ارزش، ازهم پیشی می‌گیرند؛ تلاشی برای پایین آوردن سطح ذائقه و دانش هنری بیننده و شنونده که باعث قهر او با آثار ارزشمند، تاثیرگذار و تفکر برانگیز می‌شود. جلوه‌ای از این کم‌مایه شدن آثارهنری را می‌توان امروز دربازتولید فیلم‌فارسی آن هم در نازل‌ترین شکلش، در سینمای ایران دید. در چنین شرایطی، هنرمند برای نجات هنر و حرکت به سوی آزادی چه می‌تواند بکند؟

هنرمند در راه آزادی

هنرمند درعرصه‌ها و زمینه‌های مختلف هنری یک پیام‌رسان است. او با استفاده از ابزارش، پیامی را برای مخاطب می‌فرستد. گاهی این پیام چنان موجی برای آزادی ایجاد می‌کند که خالق اثر را بر جا می‌گذارد و به زمزمه زنان و مردان کوچه و بازار تبدیل می‌شود. گاهی هم مولف است که از اثر خود جلو می‌افتد و مردم بی‌آن‌که چندان با آثارش آشنا باشند، او را به عنوان سمبلی از آزادی می‌شناسند و می‌ستایند. به هرترتیب،

فرایند خلق و رویارویی با اثر هنری هرکدام از این‌ها که باشد، کار هنر و هنرمند در فضای ایدئولوژی‌زده بسیار دشوار است.

ایران ازجمله کشورهایی است که درآن برای هنرمند وظیفه و تکلیف مشخص شده است. او موظف است که متعهد باشد! تا اینجا البته مشکلی وجود ندارد، چراکه تعهد ممکن است منافاتی با هنر نداشته باشد. مشکل اما از طرح یک سوال آغاز می‌شود: هنرمند به چه چیزی باید متعهد باشد؟

قرار این بوده که او به آرمان‌های جمهوری اسلامی متعهد باشد. یکی از این شعارها و آرمان‌ها هم دفاع از حق مظلوم دربرابر ظالم است، اما مشخص نیست که اگر روزی حکومت خود تبدیل به ظالم شد، تکلیف هنرمند چیست؟ باید به حکومت متعهد باشد یا به مظلوم؟

پاسخ روشن است. حکومت، ظالم بودن خود را نمی‌پذیرد و درمقابل هرحرف و سخن مخالفی سخت می‌ایستد. حالا هنرمند است که با استفاده از بیان هنرمندانه خود، این سد را می‌شکند و از راه‌های مختلف از جمله طنز، هجو، کنایه و ایهام، به مخاطبان خود می‌فهماند که با آن‌هاست نه بر آن‌ها. درچنین شرایطی می‌توان ازهمان تعریف متعهد بودن هنرمند به عنوان آنتی‌تزش استفاده کرد؛ یعنی تعهد او درخدمت روشنگری و آگاهی‌بخشی برای رسیدن به آزادی و جامعه مدنی به کار گرفته می‌شود. گرچه رفتن به چنین راهی دشواری‌های خودش را هم دارد و از ممنوعیت کار تا بازخواست، بازجویی و زندان را برای هنرمند به همراه می‌آورد، اما در نتیجه نام او را از اثرش فراتر می‌برد. در سال‌های گذشته، کم نبوده‌اند چنین آثاری که چه در داخل و چه در خارج از ایران ساخته شده‌اند و یا هنرمندانی که تلاش کرده‌اند با زبان هنر، مسائل و مشکلات موجود در ایران را به نمایش بگذارند. این‌که موفق بوده‌اند و گاهی هم با شکست مواجه شده‌اند، مهم نیست. مهم این است که با خلق این آثار، بر ضرورت استفاده ازهنر به عنوان ابزاری برای توسعه دموکراسی تاکید شده است.

وظیفه مخاطب بودن

اثر هنری با وجود مخاطب است که هستی و معنا پیدا می‌کند. هنری هم که قصد روشنگری وآگاهی‌بخشی دارد، به مخاطب فعال (مخاطب فعال در هنرهای نمایشی کسی است که در فرایند خلق اثر مشارکت می‌کند. مثل مخاطبان تعزیه که در شکل‌گیری این نمایش آیینی موثرند) نیاز دارد نه بیننده‌ای که تنها نظاره‌گر وضع موجود باشد. مراد از مخاطب فعال در اینجا کسی است که آن‌چه را که می‌بیند یا می‌شنود، با دیگران به اشتراک می‌گذارد و آنان را دعوت می‌کند که آن‌چه را بر او اثر گذاشته و باعث آگاهی‌اش شده، از دست ندهند.

البته نکته اینجاست که وظیفه مخاطب بودن هنوز برای جامعه مدنی ایران شناخته نشده است.ازطرفی، شمارمخاطبان آثار هنری در ایران محدود است؛ یعنی اغلب همان کسانی که سینماروی حرفه‌ای هستند، تئاتر هم می‌بینند، کنسرت هم می‌روند و سعی می‌کنند نمایشگاه‌های نقاشی و عکاسی و... را هم از دست ندهند. از سوی دیگر، برخی هنرها ازجمله تئاتر، مخاطبان محدودتری هم دارند. اما انفعال آنها به این معناست که علاقه مندان محدود آثار هنری، هنوز وظیفه خود را به عنوان مخاطب نپذیرفته‌اند و باور نکرده‌اند. این‌که آنان هم حلقه‌ای از شبکه های ارتباطی هستند که به فرستنده پیام کمک می‌کند تا او اثر خود را در معرض دید گروه بزرگتری از مردم قرار دهد. حال اگر این پیام برای گسترش آزادی و دموکراسی باشد، عده بیش‌تری درجریان آن قرار می‌گیرند.

نتیجه این‌که، اگر هنرمند نیستیم تا فعالیتی مدنی را در قالب یک اثر هنری یا بر اساس تاثیرگذاری‌مان پی بگیریم، می‌توانیم از ظرفیت مخاطب بودن‌مان استفاده کنیم. این اتفاق می‌تواند باعث کند شدن تیغ سانسور حکومت در مقابل پدیدآورندگان آثار هنری هم بشود. و هم حرکتی آرام اما پویا برای شکل‌گیری جامعه مدنی درایران باشد.

پانوشت:

۱) کاری از مانا نیستانی .

—

آخرین گزارش آماری نقض حقوق بشر

2011-12-13 · Archive ID 659
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=659

عرصه سوم – هرانا خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشردرایران از بیست ماه پیش تا کنون اقدام به انتشارآمارماهانه موارد نقض حقوق بشر درایران کرده است. درآخرین گزارش ازاین مجموعه که به وضعیت حقوق بشردرآبان ماه امسال تعلق دارد، شاهد ادامه روند پایمال کردن حقوق انسانی ومدنی شهروندان ایرانی در زمینه‌های گوناگون و به طور گسترده هستیم. دراین بررسی آماری موارد گزارش شده مانند نقض حقوق زندانیان،موارد ظلم و تعدی به اقلیت‌های مذهبی و قومی، زنان، کودکان، کارگران و دهها مورد دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

سایت هرانا هم چنین درمقاله ای تحلیلی به بررسی این گزارش پرداخته است و با انتشاراصل این سند که حاوی مدارک جمع آوری شده از طرف فعالان حقوق بشر، هم اطلاعات سازمان های دولتی و رسانه ای درایران است نشان می‌دهد که علیرغم تمام تلاش‌های کنشگران مدنی و حقوق بشردرایران و اعتراضات جهانی این روند همچنان ادامه داشته و طیف وسیعی از شهروندان ایران همچنان درمعرض آسیب های جدی وجبران ناپذیربه خاطرنقض حقوق انسانی و مدنی خود قرار دارند.
متن بررسی این گزارش را به نقل از سایت هرانا دراینجا می خوانید:

گزارش آماری نقض حقوق بشر - ویژه آبانماه ۱۳۹۰
خبرگزاری هرانا - نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران بر اساس برنامه ماهانه خود که بیش از ۲۰ماه از آغاز آن می‌گذرد، اقدام به انتشار گزارش آماری ماهانه از وضعیت حقوق بشر ایران ویژه آبانماه ۱۳۹۰ نمود.

در این نوشتار ۱۸۹ گزارش حقوق بشری منتشره آبانماه در ۱۱ رسته حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. و علاوه بر تلاش برای ارتقای دقت گزارشات تلاش شده است جنبه‌های آموزشی نیز در گزارش تقویت شود.
بررسی حقوقی اخبار و گزارشات مهم و پرداختن به گزارشاتی که بیشترین و کمترین توجه را به خود را اختصاص داده است در کنار استفاده از محاسبات آماری و نموداری را باید از دیگر نکات برجسته این گزارش دانست. متن کامل این گزارش به شرح زیر است، هم چنین برای دریافت نسخهٔ PDF آن اینجا کلیک کنید.

ارزیابی عمومی در مورد اخبار نقض حقوق بشر در آبان ماه

در آبان ماه سال ۱۳۹۰، هم چون گذشته، نقض حقوق بشر در ایران به سبب رفتار طبقه ی حاکم و معضلات فرهنگی جامعه ی ایرانی در حوزه های گوناگون و به طور گسترده ای تداوم یافت. این مهم در حالیست که برخی از بارزترین گزارش های منتشر شده در ماه گذشته، مربوط به گذشته بوده و برای اولین بار در این ماه منتشر شده اند. این خود دلیل دیگری بر این مهم است که آمارهای جمع آوری و اعلام شده در هر ماه هرگز نمی توانند تمام موارد نقض حقوق بشر مربوط به آن ماه را به طور کامل در بر بگیرند و بسیاری از این آمارها دیرتر توسط واحد نشر، آمار و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گردآوری و منتشر می شوند و چه بسا اخباری که به دلیل منابع محدود و مشکلات گزارشگری در ایران، هرگز تحت پوشش قرار نمی گیرند.

از جمله ی این موارد می توان به خبر مربوط به مرگ یک زندانی سیاسی به نام آرش ارکان اشاره کرد.آرش ارکان ۲۶ ساله، در تجمعات مردمی ۱۳ آبان ماه ۱۳۸۸ دستگیر و به زندان اوین منتقل شد. این زندانی سیاسی دچار بیماری کلیوی بود و وضعیت این زندانی در طی دوران حبس به علت بی‌توجهی مسئولان زندان وخیم‌تر شد تا جایی که تنها سه روز پیش از مرگ او را به بیمارستان بقیه الله منتقل کی کنند و سرانجام آرش ارکان در روز نهم بهمن ماه ۱۳۸۹، پس از تحمل یک سال و سه ماه زندان در بیمارستان جانش را از دست داد.

در ماه گذشته احمد محسنی گرکانی، رئیس دیوانعالی جمهوری اسلامی، از رسیدگی به ۱۰۰ پرونده ی تجاوز جنسی، که وی از آن ها تحت دو عنوان "تجاوز به عنف" و "زنای محصنه" نام برده؛ در مهرماه ۱۳۹۰ که منجر به

صدور ۵۶ فقره قصاص و ۱۲ فقره اعدام شده است، خبر داد. علی افتخاری، معاون قضایی رئیس کل دادگستری خوزستان هم از اجرای ۹۴ حکم اعدام، قصاص نفس و عضو در این استان خبر داد. محدوده ی زمانی صدور و به اجرا در آمدن این احکام دوسال اخیر عنوان شده است.

تایید حکم اعدام یک نوجوان به نام شایان امیدی در گیلان توسط قضات دیوان عالی نیز از مهم ترین اخبار نقض حقوق بشر در آبان ماه محسوب می شود. شایان امیدی که به اتهام قتل به قصاص محکوم شده است، به هنگام وقوع حادثه یعنی در ۱۵ مهرماه سال ۱۳۸۹، تنها ۱۶ سال سن داشته است.

بازتاب گسترده ی مسائل حقوق بشر در رسانه ها و شبکه های اجتماعی

در این قسمت به گزارش هایی در حوزه حقوق بشر پرداخته می شود که با وجود اینکه عموما به نسبت سایر اخبار مرتبط در ماه گذشته حجم کمتری از نقض حقوق بشر را در بر داشته اند، رسانه ها و شبکه های اجتماعی، که بازتابی از افکار عمومی محسوب می شوند، با توجه و حساسیت ویژه ای آن ها را دنبال کردند.

سعید ملک پور زندانی ای که توسط ارتش سایبری سپاه پاسداران به مدیریت سایت‌های پورنوگرافی فارسی‌زبان متهم شده است، مجدداً از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد. گفته می شود این حکم قطعی نیست و مجددا باید برای رسیدگی به دیوان عالی کشور ارسال شود. حکم اعدام آقای ملک‌پور پیش از این از سوی دیوان عالی کشور به دلیل "نقص در تحقیقات" نقض و برای تکمیل تحقیقات به دادگاه بدوی بازگردانده شده بود.

از سوی دیگر در روز عید قربان، یکی از مناسبت های مذهبی مسلمانان، پلیس امنیت تهران با مراجعه به مکانهای معیّن برای برگزاری نماز عید، از برگزاری نماز عید قربان اهل سنت ممانعت به عمل آورد و در برخی دیگر از کلان شهرهای کشور مانند اصفهان نیز با وجود مراجعات مکرّر مردم اهل سنت ساکن در این شهرها و تقاضای مجوز برای برگزاری نماز عید، با اقامه نماز عید قربان توسط اهل سنت مخالفت شد. در موردی مشابه در ماه گذشته نیروهای امنیتی از سفر زیارتی حج "مفتی محمدقاسم قاسمی" و "مولانا احمد نارویی"، دو تن از شخصیتهای برجسته اهل سنّت ایران، به منظور سفر زیارتی حج، جلوگیری کردند.

هم چنین کنستانتین بیریولین، قائم مقام سازمان همکاری نظامی و فنی روسیه اعلام کرداین کشور چندین دستگاه پارازیت انداز سیار در اختیار ایران گذاشت و در حال مذاکره برای ارسال تجهیزات بیشتری است. به گفته ی وی این یک سیستم دفاعی است که امنیت حکومت ایران را تامین می کند. در رابطه با جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات، شرکت تکنولوژی‌های هوآوی(Huawei Technologies Co) نیز اخیرا تکنولوژی جدیدی را در اختیار دولت که صاحب امتیاز تمام سیستم های مخابراتی کشور می باشد، قرار داده است که با استفاده از آن و با نصب سیستمی پلیس می تواند افراد را در ارتباط با موقعیت مکانی تلفن‌های همراه‌شان ردیابی کند.

علاوه بر این ۷۰ طراح لباس در تهران بازداشت شدند که یکی از وبسایت های متعلق به بسیج علت آن را تربیت ۲۰۰ دختر برای مانکن شدن با آموزش های غربی عنوان کرده است. طراحی لباس یکی از رشته هایی ست که به طور رسمی در برخی دانشگاه های کشور نیز تدریس می شود.

تصاویر منتشر شده در رابطه با یکی از اعدام های انجام گرفته در ملاءعام هم نشان می دهد که کودکان نیز در این مراسم اجرای حکم حضور یافته بودند. نحوه ی برگزاری این اعدام که در قرچک ورامین صورت گرفت، بیانگر این مهم است که هیچ محدودیت سنی ای برای مشاهده اجرای حکم اعدام انسان ها از سوی دستگاه های ذیربط لحاظ نشده است.

اخباری که در رسانه ها و شبکه های اجتماعی مورد بحث واقع نشد

در این قسمت که به نوعی در تقابل با بخش قبل قرار می گیرد، آن دسته گزارشات حقوق بشری ای بررسی می شوند که با کم توجهی از سوی رسانه ها و شبکه های اجتماعی رو به رو شده اند. عدم استقبال به مسائل حائز اهمیتِ این چنینی و رفتار گزینشی اهالی رسانه و عناصر فعال در شبکه های اجتماعی، علل گوناگونی مانند نوعی سیاست گذاری خاص در عرصه رسانه و همینطور سلایق مردم و مشکلات فرهنگی-آموزشی جامعه را در

بر می گیرد. در نظر داشتن این مهم که چنین رفتار گزینشی ای کاملاً همسو با رفتار طبقه ی حاکم و رسانه های دولتی ست نیز حائز اهمیت است.

بر همین اساس خبر صدور حکم اعدام برای بهروزآلخانی زندانی سیاسی محبوس در زندان مرکزی ارومیه از سوی دادگاه انقلاب به اتهام محاربه از طریق همکاری با گروه‌های معاند نظام به رغم اهمیت، مورد توجه و بحث واقع نشد. این در حالیست که مسئولان این زندانی سیاسی محکوم به اعدام را به علت عدم شناسایی از سوی سایر زندانیان در بند مربوط به جرایم مواد مخدر محبوس کرده اند.

همینطور ساکنان برخی از روستاهای شهرستان صحنه(استان کرمانشاه) با ابراز گله از وعده‌های مسئولین از نبود آب آشامیدنی و گاز در روستایشان شکایت نموده اند. این روستاییان برای تامین این نیاز اولیه به چشمه‌ها و چاه‌ها پناه می برند. در همین زمینه مسئولان اعلام کردند که ۱۱ روستای پل دختر در استان لرستان هم به دلیل آلودگی آب با نفت، با مشکل آب شرب مواجه اند.

در خصوص وضعیت زندانیان سیاسی ای که با بیماری های جسمی مواجه اند، بایستی به رضا شهابی که از خردادماه سال ۸۹ تاکنون به صورت بلاتکلیف در زندان اوین به سر می برد و علاوه بر مشکلاتی در کبد و قلب دچار عوارض و درد و گرفتگی در گردن شده که باعث بی حسی در سمت چپ ِ بدن و دستاناش شده است و به دلیل شدت درد و بیماری به ناچار به کلینیک عراقی در شرق تهران برده شد؛ اشاره کرد. محبوبه کرمی، دیگر زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین نیز به علت کم خونی شدید وضعیت جسمی بدی دارد به طوری که به دلیل تشدید این بیماری دوبار در بند به حالت نیمه بیهوش درآمده است. حسین رونقی ملکی هم که به دلیل عدم انتقال به موقع به بیمارستان و عدم مرخصی استعلاجی یک کلیه خود را از دست داده و تحت عمل جراحی مجدد قرار گرفت، در حالی پس از عمل و علی رغم نیاز مبرم به رسیدگی پزشکی به زندان بازگردانده شد که در زندان دچار خونریزی داخلی شد به طوری که لخته های خون در ادرار وی دیده می شود.

در گزارشی دیگر یک کودک کار توسط ۱۱ کارگر افغانی در پردیس کرج ربوده شد و در یک ساختمان نیمه کاره به قتل رسید. پزشکی قانونی علت مرگ این پسر نوجوان ۱۵ ساله، تجاوز دسته جمعی اعلام شد.

از سوی دیگر فشار بر دراویش گنابادی که از تاریخ ۱۱ شهریور ماه در کوار آغاز و منجر به بازداشت و ضرب و شتم تعدادی از دراویش ساکن در این شهرستان شد ٬ مجددا با بازداشت دو درویش گنابادی و تفتیش منازل و ضرب و شتم تنی چند از دراویش ساکن در کوار ادامه یافته است. علاوه بر این نیروهای امنیتی با برقراری جو امنیتی در کوار ٬ به خودروی خالی از سرنشین یکی از دراویش گنابادی ساکن این شهرستان تیراندازی کردند.

یک رویداد مثبت

باز شدن دریچه های سد زاینده رود که پس از مدت ها آب را در بستر زاینده رود جاری کرد؛ می توان به عنوان رویدادی مثبت در ماه گذشته ارزیابی کرد. این رویداد جدا از شادی شماری از مردم اصفهان حضور آبزیان و پرندگان آبی بر بستر زاینده رود و زنده شدن حیات طبیعی در این رودخانه را در پی داشت.

برخی مستندات حقوقی و قانونی برای موارد گزارش آبان ماه

با توجه به اینکه خلاء آموزش در کنار اطلاع رسانی، به ویژه در زمینه ی حقوق بشر احساس می شود، در این بخش برخی از گزارش های نقض حقوق بشر ماه گذشته که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، به طور مختصر از لحاظ حقوقی بررسی می شوند.

در خصوص عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان بیماری که نیاز مبرم به مراقبت های ویژه دارند و در غیر این صورت وضعیت جسمی آنان روز به روز به وخامت می گراید و حتی در برخی موارد فجایعی چون مرگ زندانی را به همراه دارد بایستی اشاره کرد که ماده ی ۲۲ کنوانسیون حقوق زندانیان بر لزوم انتقال زندانیان بیمار نیازمند به معالجات ویژه و تخصصی به موسسات تخصصی یا بیمارستان های غیرنظامی در خارج از زندان دلالت می کند. بیمارستان مورد اشاره باید تجهیزات لازم، تخت کافی، لوازم دارویی مناسب و پزشک متخصص و آموزش دیده برای مراقبت های پزشکی و درمانی از زندانی بیمار را داشته باشد. در این زمینه هم چنین ماده ۱۰۳ آئیننامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی جمهوری اسلامی نیز بیان می دارد که در موارد

ضروری خروج محکوم از زندان برای معالجه بایستی با تایید بهداری زندان و اجازه رییس موسسه یا زندان و موافقت قاضی ناظر باشد. بایستی اشاره کرد این ماده که مربوط به قوانین داخلی نظام جمهوری اسلامی و زندان های کشور است، در بسیاری از موارد با مخالفت دادستانی و ماموران اطلاعاتی نقض می شود.

صدور و اجرای احکام اعدام بر نوجوانان نیز در حالی در ایران دنبال می شود که در حال حاضر اعدام افراد زیر ۱۸ سال در بسیاری از کشورهای جهان منسوخ شده است. این مهم طبق ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که بر ذاتی بودن حق حیات تاکید می ورزد و همین طور ماده ۳ قطعنامه حمایت از حقوق محکومان به مرگ و بند ۵ ماده ۶ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که از حقوق افراد زیر ۱۸ سال به طور خاص حمایت می کند، غیرقانونی ست. بند ۲ ماده ۱ دومین پروتکل اختیاری میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی به منظور الغای مجازات مرگ، بر تمامی اقدامات لازم در جهت منسوخ کردن مجازات مرگ در راستای احترام به حق حیات، که از حقوق ذاتی افراد است، تاکید می ورزد.

جا دارد اشاره شود که صدور احکام اعدام برای زندانیان سیاسی نیز که در کشور تداوم دارد، در شهرستان ها با عدم اطلاع رسانی نیز مواجه می شود.

فشار بر اهل سنت و دراویش گنابادی، به عنوان دو نمونه از اقلیت های مذهبی موجود در ایران هم نقض حقوقی هم چون آزادی تبلیغ دین، آزادی عقیده-بیان وبرابری مذهبی را می رساند. طبق ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هر شخصی حق دارد از آزادی دین و تغییر دین یا اعتقاد و همچنین آزادی اظهار آن بطور فردی یا جمعی و به طورعلنی یا در خفا برخوردار باشد. همینطور بند ۱ ماده ۱ اعلامیه مربوط به اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، دینی و زبانی نیز از موجودیت و هویت ملی، قومی، فرهنگی، دینی و زبانی اقلیت‌ها در سرزمین‌های خود حمایت و ایجاد شرایط را برای ارتقای این هویت مهم قلمداد می کند. بند ۱ و ۲ ماده ۲ همین اعلامیه نیز تاکید می دارد که اشخاص متعلق به اقلیت‌ها حق دارند در نهان و به طور علنی، آزادانه و بدون مداخله و یا هر شکل از تبعیض، دین خود را اعلام و به آن عمل کنند و به صورتی موثر در زندگی فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و عمومی شرکت کنند.

ممانعت از گردش آزاد اطلاعات و نقض حق آزادی بیان با مدد گرفتن از تکنولوژی کشورهایی هم چون روسیه و چین هم در حالی با جدیدت توسط دولت ایران پی گرفته می شود که جدا از ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بخشی از بند ۲۵ اعلامیه هزاره نیز صراحتا به تضمین آزادی رسانه ها برای اجرای نقش اساسی آنها و نیز حق مردم برای دسترسی به اطلاعات، اشاره می‌کند.

مقدمه آمار

بر اساس گزارش‌های گردآوری شده از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در محدوده زمانی آبان ماه سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۸۹ گزارش از سوی حداقل ۵۰ منبع خبری یا حقوقی انتشار یافته است.

در بررسی موردی ۱۸۹ گزارش آبان ماه، تعداد ۲۶۳۶۴ مورد نقض حقوق که ۱۳۵۸۰ مورد آن نقض مستقیم حقوق بنیادین بشر با حضور آمر در تطبیق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعداد ۱۲۷۸۴ مورد آن نقض حقوقی که در عین وجود معاهدات بین المللی، نقض بنیادین حقوق بشر محسوب نمی‌شود ارزیابی شده است،

عمده موارد نقض حقوقی که علیرغم تاثیر مستقیم از سیاستگذاری‌های حکومت، اقدام مستقیم و منظم نقض حقوق بشر را در بر نمی‌گیرد، در حوزه کارگری و اصناف بوده است و حقوقی از قبیل اخراج، تعلیق، عدم دریافت دستمزد و فقدان امنیت شغلی بوده است.

بدیهی است گزارش‌هایی که در پی می‌آید با توجه به عدم اجازه دولت ایران به فعالیت مدافعان حقوق بشر تنها بخش کوچکی از نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران است. در موضوع میزان خطای گزارش که حداکثر ۳ درصد در بحث منابع برآورد می‌شود باید اشاره کرد که ارگانهای خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران میزان ۲۹ درصد گزارش‌های این ماه را ارائه و مستند کرده‌اند، رسانه‌های حکومتی یا نزدیک به دولت میزان ۲۷ درصد و سایر منابع خبری-حقوقی غیر دولتی ۴۴ درصد گزارش‌ها را منتشر کرده‌اند که بدیهی است بخش آمار

مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران امکان زیادی برای مستند کردن گزارش‌های سایر گروه‌های خبری یا حقوقی ندارد و در این حوزه حسب تجربه و شناخت خود عمل می‌کند.

"در حال حاضر در گزارشی که پیش رو است، میزان موارد نقض حقوق نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۳% افزایش و نسبت به ماه قبل نیز ۳۳% کاهش داشته است."

کارگری :

در آبان ماه سال جاری ۲۸ گزارش در مورد نقض حقوق کارگران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسید که تعداد ۱۶ گزارش از آن گزارش‌هایی را در بر می‌گرفت که مستقیماً نقض حقوق بشر نبوده ولی مرتبط به سیاستگذاری‌های حکومت و همینطور حقوق مدنی است. مجموع موردی این نقض حقوق بالغ بر ۲۴۶۴ مورد است.

بر اساس این گزارش‌ها ۳۰۰ کارگر به دلیل تعطیلی کارخانه و یا تعدیل نیرو از کار اخراج شدند، در مجموع ۶۵۸ ماه از حقوق کارگران در شرکت‌ها و کارخانجات مختلف با تعویق همراه بوده است که بر اساس آمار موجود بیشترین آن تعویق ۲۴ ماهه پرداخت حقوق کارگران شرکت آونگان بوده است.

بر اثر سوانح در محل کار به دلیل فقدان ایمنی شغلی ۴ کارگر جان خود را از دست دادن و از سوی دیگر دستگاه قضایی کشور ۲ تن از فعالان کارگری را احضار و یک تن را بازداشت و شش تن را به ۳۴۲ ماه حبس محکوم کرد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کارگران ۴۶% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۷% راشاهد بوده‌ایم."

اقلیت‌های مذهبی:

در ماه گذشته از مجموع ۱۸ گزارش ثبت شده، تعداد ۶۳ مورد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

بخشی از این آمار مربوط به بازداشت ۷ تن از شهروندان بهایی و دراویش گنابادی بوده است هم چنین ۱ تن از اقلییت‌های مذهبی به شش ماه حبس تعزیری محکوم شد.

ممانعت از دفن ۳ شهروند بهایی و ممانعت از فعالیت اقتصادی ۳ شهروند بهایی دیگر و جلوگیری از اجرای مراسم عید قربان توسط اهل سنت در تهران و اصفهان از جمله موارد نقض حقوق در این حوزه بوده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی ۸% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۲۱% راشاهد بوده‌ایم."

اقلیت‌های قومی-ملی:

در ماه گذشته از مجموع ۹ گزارش ثبت شده، تعداد ۴۲ مورد نقض حقوق اقلیت‌های قومی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

از این تعداد می‌توان به بازداشت ۴ شهروند و احضار ۱ تن و محاکمه ۲۷ تن در این حوزه اشاره کرد، از سوی دستگاه قضایی دو تن از اقلییت های قومی را به ۳۶ ماه حبس محکوم کرد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های قومی ۴۱% نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱۰% را شاهد بوده‌ایم."

اصناف:

در ماه گذشته از مجموع ۸ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۰۴۵۴ مورد نقض حقوق اصناف در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

بخشی از این آمار مربوط به بازداشت ۷۰ تن از طراحان لباس و محاکمه دو تن از وکلای دراویش گنابادی، ۶۰ مورد پلمپ اماکن و ۸ هزار مورد عدم پرداخت حقوق معلمان از جمله موراد این گزارش بوده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اصناف ۳۳% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۳۷% را شاهد بوده‌ایم."

فرهنگی:

در ماه گذشته از مجموع ۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۵۱ مورد نقض حقوق فرهنگی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

در این حوزه بایستی به احضار ۵۰ تن از فعالین مدنی به وزارت اطلاعات به دلیل ارتباط و همکاری با بی بی سی فارسی اشاره کرد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق فرهنگی نسبت به سال گذشته تغییری نداشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۷۵% را شاهد بوده‌ایم."

زنان:

در ماه گذشته از مجموع ۳ گزارش ثبت شده، تعداد ۵ مورد نقض حقوق زنان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

وقوع یک قتل ناموسی در تهران، یک مورد اسید پاشی در کرمانشاه از جمله موراد مهم این گزارشات بوده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زنان ۶۰% نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۱۶% را شاهد بوده است."

کودکان:

در ماه گذشته از مجموع ۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۳ مورد نقض حقوق کودکان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

از آمار ثبت شده می‌توان به یک مورد تجاوز و قتل کودک کار و هم چنین محکومیت یک نوجوان به اعدام از چمله موارد یاد شده در این گزارش است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کودکان ۶۶% نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز تغییری حاصل نشده است."

اعدام:

در ماه گذشته از مجموع ۱۷ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۹ مورد صدور و اجرای حکم اعدام در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

در آبانماه سال جاری، حسب گزارشات به ثبت رسیده، ۸ شهروند به اتهام‌های مواد مخدر، قتل، ترور و تجاوز به اعدام محکوم شدند و ۲۱ زندانی نیز بر اساس اتهام قتل، جرایم مواد مخدر و تجاوز اعدام شدند.

سه زندانی نیز به اتهام تجاوز و قتل در ملاء عام و در شهرهای قرچک ورامین، نوشهر و دلفان اعدام شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل صدور و اجرای حکم اعدام ۱۵% نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۲۰% را شاهد بوده‌ایم."

دانشجویان:

در ماه گذشته از مجموع ۲۰ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۵ مورد نقض حقوق دانشجویان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

این گزارش‌ها بازداشت ۹ دانشجو و محکومیت ۴ دانشجو به ۹۰ ماه حبس تعزیری محکوم شدند و از سوی دیگر نیز ۵ تن از دانشجویان نیز از حق تحصیل در دانشگاه محروم شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق آکادمیک ۳۵% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز تغییری حاصل نشده است."

زندانیان:

در ماه گذشته از مجموع ۳۱ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۳۱۱۶ مورد نقض حقوق زندانیان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

این تعداد گزارش مربوط به ۳۴ مورد شکنجه و یا ضرب و شتم زندانیان، ۸ مورد عدم رسیدگی پزشکی، ۱۹ مورد اعمال محدودیت مضاعف، ۳ مورد اجرای حکم شلاق، ۶ مورد عدم دسترسی به وکیل، ۶ مورد نقل و انتقال اجباری و ۱۳۰۳۱ مورد اعمال فشار و تهدید زندانیان بود.

هم چنین ۱۰ مورد بلاتکلیفی و ۲۹ مورد اعتصاب غذا نیز از دیگر موارد نقض حقوق زندانیان لحاظ شده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زندانیان ۲۲% نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۳۵% را شاهد بوده‌ایم."

اندیشه و بیان:

در ماه گذشته از مجموع ۵۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۹۱ مورد نقض حقوق در حوزه اندیشه و بیان توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

بر اساس این آمار ۲۲ تن از فعالین در این حوزه بازداشت، ۲۵ تن احضار به اطلاعات و دادگاه انقلاب و ۳ نفر دیگر نیز در دادگاه مورد محاکمه قرار گرفتند. همینطور ۱۵ تن از فعالین نیز جمعا به ۵۷۰ ماه حبس تعزیری و ۱۲۶ ماه محرومیت محکوم شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اندیشه و بیان ۲۴% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱۴% را شاهد بوده‌ایم."

بررسی آمار

نمودارها

نمودار زیر مقایسه گزارش ماهانه بر اساس گستره رسته‌ها در آبان ماه ۱۳۹۰ است، همانطور که در ذیل مشاهده می‌کنید، زندانیان با ۳۲% و حوزه اندیشه و بیان با ۲۲% به ترتیب در رتبه اول و دوم تعداد موارد گزارش شده از سوی گزارشگران حقوق بشر قرار دارند.

برای خواندن تمام این مطلب و دیدن نمودارهای آماری از سایت هرانا دیدن کنید:

hra-news.org/263/333/10475-1.html

—

کمپین صندلی خالی برای دانشجویان زندانی

2011-12-15 · Archive ID 666
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=666

جای تو خالی نیست

عرصه سوم - آذر،ماه آخر پاییز، برای فعالان سیاسی و دانشجویی شاید بیشتر ازهرزمان دیگری یادآور دانشگاه و جنبش دانشجویی باشد. ۱۶آذر درایران روز دانشجوست وامسال دفتر تحکیم وحدت برای توجه بیشتر به وضعیت دانشجویان،۱۶ تا ۲۳ آذر ماه را هفته دانشجو نامید. این تلاش برای جلب توجه بیشتر، دست‌کم درخارج از ایران نتیجه داد و کمپینی به نام "صندلی خالی" به راه افتاد. این کمپین ایده ساده‌ای دارد: قرار است پوستر دانشجویان زندانی یا دانشجوهایی که جان خود را در حوادث بعد از انتخابات جنجالی ریاست جمهوری سال۱۳۸۸ از دست دادند، بر صندلی‌های خالی کلاس‌های دانشگاه‌ها قرار بگیرند وعکس یا فیلم آن برای صفحه فیس‌بوک کمپین فرستاده و منتشر شود.

مصاحبه رضا حاجی حسینی با پویا جهاندار

پویا جهاندار، عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی و فعال دانشجویی که این کمپین را به راه انداخته است درباره آن به عرصه سوم می‌گوید: عده زیادی از دانشجویان درحال حاضر در زندان هستند و شماری از دانشجویان هم در اعتراضات مسالمت‌آمیز مردمی پس از برگزاری انتخابات، جان خودشان را از دست دادند. کمپین صندلی خالی حرکتی نمادین است برای یادآوری و زنده نگه داشتن نام این دانشجویان که جای‌شان سر کلاس‌ها و میزهای درس و تحصیل خالی است. صندلی خالی نمادی است ازدانشجویانی که باید سر کلاس درس باشند و نیستند.

اگر به صفحه صندلی خالی در فیس‌بوک بروید، می‌توانید عکس‌ها ومتن‌هایی را ببینید که برای این کمپین فرستاده شده است. دریکی از این عکس‌ها و پیام‌ها که درباره ضیا نبوی، دانشجوی زندانی عضو شورای دفاع از حق تحصیل است می‌خوانید: قرارگذاشته‌ایم به ضیا بگوییم که به یادش هستیم، حتی اگر کیلومترها فاصله بین ما واوست. قرارگذاشته‌ایم برای ضیا بنویسیم، از بهترین و صمیمانه‌ترین آرزوهای‌مان برای بودنش، برای آزادی‌اش. قرار گذاشته‌ایم به خانواده‌اش شادباش بگوییم و به مادرش دست مریزاد، برای پروردن آزاد مردی چون ضیا...

جهانداردرباره وجوه دیگراین کمپین می‌گوید: نکته دیگرآنکه حکومت اصراردارد بگوید تندوری‌هایی مثل حمله وحشیانه به سفارت انگلیس، کاردانشجوهاست وکسانی که ازدر و دیوار بالا می‌روند دانشجو هستند. درحالی‌که مشخص نیست چندتای آن‌ها واقعا دانشجو هستند وچندتا غیردانشجو. اما ما می‌خواهیم پیام بدهیم که دانشجویان واقعی ما و فعالان جنبش دانشجویی الان در زندان هستند.

صندلی خالی از کجا شروع شد؟

شروع کمپین صندلی خالی از شهر واشنگتن بود وازدانشگاه جرج واشنگتن. دردانشگاه یورک کانادا و دانشگاه بارسلونا هم این حرکت انجام شده است. ازچند دانشگاه ایران هم برای این کمپین عکس فرستاده‌اند اما نمی‌توان گفت کجا و کدام دانشگاه چون از نظرامنیتی برای دانشجویان مشکل‌ساز می‌شود و برنامه‌های بعدی‌شان را با مشکل مواجه می‌کند.

جهاندار می‌گوید: تعداد دیگری ازدوستان ازجاهای دیگرهم هستند که دارند کمک می‌کنند. مثلا آرمان رضاخانی هست که خودش از بچه‌های نخبه ایران است و از المپیادی‌ها. او دارنده مدال جشنواره خوارزمی است که پس ازانتخابات بازداشت شده بود وحالا بعد از آمدن به خارج از کشور، درمحیطی که می‌تواند آزادانه کاروفعالیت کند، نمی‌خواهد دوستان زندانی وهم‌بندش را فراموش کند. سلمان سیما هست که خیلی فعال است. بعضی از دوستان هم هستند که نمی‌خواهند اسم‌شان مطرح شود و ترجیح می‌دهند گمنام بمانند.

او اضافه می‌کند: متاسفانه دوستان دراروپا هنوزاستقبال چندانی ازاین کمپین نکرده‌اند. البته قول داده‌اند در روزهای آینده حرکت‌های مشابهی انجام دهند و گزارش، فیلم و عکس‌های اقدامات‌شان را درصفحه کمپین آپلود کنند.

کمپین، تا کی؟

تا زمانی که شرایط دانشگاه‌ها چنین باشد و دانشجو در زندان باشد، کمپین صندلی خالی به فعالیت خود ادامه خواهد داد تا بتواند صدای کسانی باشد که صدای‌شان به کسی نمی‌رسد. جهانداردرباره وضعیت امروزوآینده کمپین هم می‌گوید: در حال حاضر گزارش‌هایی که در قالب ویدیو، فیلم وعکس برای ما می‌فرستند، در صفحه کمپین می‌آید. اگر بخواهیم روزانه در رسانه‌های مختلف اطلاع‌رسانی کنیم ممکن است خیلی جذابیت ایجاد نکند اما همان صفحه فیس‌بوک ما درروزی که ویدیوی دانشگاه واشنگتن را گذاشتیم، حدود ۵هزار بار کلیک شد. در داخل ایران هم از این حرکت استقبال شده و فعالان مدنی و جنبش دانشجویی نسبت به آن ابراز رضایت کرده‌اند. این نشان می‌دهد که ما به اندازه خودمان توانسته‌ایم تاثیرگذار باشیم.

از صفحه کمپین صندلی خالی همین‌طور برای اطلاع‌رسانی درباره آخرین وضعیت دانشجویان زندانی استفاده خواهد شد. تولد و دیگر مناسبت‌های زندگی هرکدام از دانشجوها هم دراین صفحه خواهد آمد.جهاندارمی‌گوید: می‌خواهیم انعکاس‌دهنده صدای زندانیان در بند باشیم.

صندلی ما خالی است

گرچه جایتان در کلاس‌ها خالی است، اما همیشه به یادتان هستیم. این شعار کمپین صندلی خالی است.دانشجویان، فعالان مدنی و حتی تک‌تک شهروندان، دربرابردانشجویانی که جان‌شان را برای آزادی در ایران از دست داده‌اند یا پشت میله‌های زندان هستند، مسئول‌اند. جهانداردرمورد این مسئولیت معتقد است:ما یک وظیفه‌ای داریم درقبال زندانیان سیاسی و آن این که ازاین آزادی استفاده کنیم وصدای آن‌ها بشویم.نباید از آنان غافل شویم. این که کارما چقدر مفید یا موثر است، قضاوتش با مردم است و خانواده‌ها و خود زندانیان سیاسی. اما ما به عنوان یک انسان وظیفه داریم کاری بکنیم که شرمنده نباشیم و بتوانیم دین مان را به کسانی که درایران هستند ودارند در بدترین شرایط زندگی می‌کنند ادا کنیم. نتیجه اش هر چه می‌خواهد باشد.

آغازگرکمپین صندلی خالی در پایان می‌گوید: مهم نیست این کمپین را چه کسی برگزار کرده. این کمپین به نام دانشجویان عزیزاست. نشانی ایمیل‌مان درصفحه کمپین هست وامیدواریم هرکسی درهر جای جهان دوست دارد وامکانش برایش وجود دارد، پوستر زندانیان سیاسی را برصندلی‌های خالی کلاس‌های دانشگاه‌ها بگذارد. این کار را می شود درگروه‌های کوچک هم انجام داد و خیلی کارسختی نیست. ممنون می‌شویم اگر دست دوستی ما را بفشارید تا بتوانیم قدم کوچکی در راه آزادی دانشجویان در بند برداریم.

برای آشنایی بیشتر با کمپین صندلی خالی به این نشانی مراجعه کنید:

http://www.facebook.com/Empty.Seat.Campaign?ref=ts&sk=wall

—

عصیان جامعه مدنی

2011-12-19 · Archive ID 670
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=670

عرصه سوم- مصاحبه با غسان عثمانی، عضو جنبش دانشجویی تونس

درمصاحبه پیش رو، آرتورو دِسیمونه با غسان عثمانی، کنشگر دانشجویی تونسی به گفت‌وگو می‌پردازد. غسان در این مصاحبه به مسائل مختلفی از جمله آینده تونس، جنبش خشونت پرهیز، اسلام گرایی، و انتخابات آتی (در زمان انجام این گفت‌وگو) اشاره می‌کند. وی می‌گوید: «انقلاب کنونی از دل ایدئولوژی‌های صلح جویانه‌زاده

نشد، در این انقلاب بخصوص آرمان صلح طلبی و خشونت پرهیزی یا پایان بخشیدن به جنگ وجود خارجی ندارد. ویژگی «خشونت پرهیز» یا «بدون خون ریزی» انقلاب ما بیشتر در تار و پود فرهنگ‌های شمال آفریقایی و کارتاژی ما تنیده شده است. اهالی شمال آفریقا به خشونت به عنوان ابزاری مطمئن برای رسیدن به قدرت نگاه نمی‌کنند؛ برعکس، ما همیشه به دنبال این بوده‌ایم که به شکلی خشونت را دور بزنیم و از کنارش رد شویم، تا راهی بهتر و آرام‌تر بیابیم.»

برگردان: هومن عسکری

در ماه مه سال ۲۰۱۱، به عنوان بخشی از برنامه ای از طرف یک گروه رسانه‌ای غیر رسمی ایتالیایی موسوم به «جبهه آزادی اطلاعات» به کشور تونس سفر کردم تا با کنشگران و انقلابیون تونسی دیدار و گفت‌وگو داشته باشم. آنجا بود که با غسان عثمانی آشنا شدم و یک روز تحت نظارت دو دختر دانشجوی زیبای تونسی که خودشانحاضر به مصاحبه نشدند با غسان در کافه اونیورسال واقع در خیابان بورقیبا به گپ و گفت پرداختم. او تازه دهه سوم زندگی خود را آغاز کرده و بیست و چند ساله است، به من گفت که نامش را از روی نام غسان خنفانی برگزیده‌اند. شاعر فلسطینی خالق «سرزمین پرتقال‌های غمگین» که موساد خودرو شخصی‌اش را بمب گذاری کرد و او را به قتل رساند. ما به فرانسوی با هم صحبت کردیم، در آن سفر من تلاش می‌کردم فرانسوی زنگار گرفته‌ام را با خواندن کتاب زمستانی در مایورکا اثر ژورژ سَند، گردگیری کنم. غسان دانشجوی رشته تاریخ است و به نقد نو و مارکسیسم علاقه‌مند است.

دسیمونه: توضیح بده چرا این انقلاب خشونت پرهیز است. به نظر نمی‌رسد که طرفدار گاندی و صلح طلبی باشید.

غسان: انقلاب کنونی از دل ایدئولوژی‌های صلح جویانه‌زاده نشد، دراین انقلاب بخصوص آرمان صلح طلبی و خشونت پرهیزی یا پایان بخشیدن به جنگ وجود خارجی ندارد. ویژگی «خشونت پرهیز» یا «بدون خون ریزی» انقلاب ما بیشتر در تار و پود فرهنگ‌های شمال آفریقایی و کارتاژی ما تنیده شده است. اهالی شمال آفریقا به خشونت به عنوان ابزاری مطمئن برای رسیدن به قدرت نگاه نمی‌کنند؛ برعکس، ما همیشه به دنبال این بوده‌ایم که به شکلی خشونت را دور بزنیم و از کنارش رد شویم، تا راهی بهتر و آرام‌تر بیابیم. در چنین جوامعی کسی که به دنبال قدرت است ابزار دسیسه را در برابر خشونت بر می‌گزیند. ما تاریخچه ای در توطئه چینی در سکوت داریم که درفرهنگ ما راه حل هوشمندانه حل و فصل مشکلات در رویارویی با سرکوب است. این گرایش به توطئه تنها در عرصه سیاسی مملکت به چشم نمی‌خورد بلکه در دیگر لایه‌های اجتماع هم دیده می‌شود، مثلاً در خانواده‌ها وقتی که نبرد قدرت در می‌گیرد.

دسیمونه: اگر مردم همیشه به دنبال دسیسه چینی باشند، در چنین زمینه‌ای به نظرت همه دچار توهم توطئه نخواهند شد؟

غسان: تونسی‌ها در کل دچار سوءظن و پارانویا هستند، گرایشی در اجتماع ما به سمت سوءظن نسبت به همه وجود دارد که ناشی از خصلت زود قضاوت کننده ماست. امروز هم با شرایطی که به وجود آمده خصلت فوق خیلی قوی‌تر از گذشته پر و بال پیدا کرده، به همین ترتیب هم دولت گذرا یا «موقت» کنونی حضور نیروهای پلیس را دوبرابر کرده است. سابق بر این شمار نیروهای پلیس با افراد غیرنظامی برابری می‌کرد، اما امروز این تعداد افزایش یافته، با این تفاوت که کمتر به نظر می‌آیند، چون نیروهای لباس شخصی یا اعضای پلیس مخفی هستند.

دسیمونه: امیدهای انقلاب تونس چه هست و انقلابیون امروز در چه وضعیتی قرار دارند؟

غسان: آنچه کنشگرها انجام داده‌اند بیشتر یک شورش بود، یک عصیان جامعه مدنی بود تا یک انقلاب. در حال حاضر ما تحت یک حکومت گذرا و موقت به سر می‌بریم تا انتخابات جدید در ماه ژوئیه فرا برسد. خیلی متأسفم که برای این به اینجا آمدید که یک انقلاب را نظاره گر باشید و در عوض با این حال و هوا مواجه شدید، باید برایتان دلسرد کننده بوده باشد. باز هم خیلی متأسفم که جیب برها کیف پولتان را دزدیدند. بسیاری از اعضای دولت موقت در حزب «تجمع دموکراتیک قانون اساسی» (آر سی دی) متعلق به بن علی عضویت داشتند، به همین جهت یک تنفر سراسری نسبت به این دولت موقت در میان مردم وجود دارد، مردم به این دولت علاقه‌ای

ندارند و به آن احترام نمی‌گذارند. دولت پلیس مخفی دارد و سیاست‌های دولت سابق را دنبال می‌کند، کنشگرها را می‌ترسانند، مردم را زیر نظر می‌گیرند، بین مردم داستان‌هایی درباره کنشگرهایی نقل می‌شود که توسط پلیس دولت موقت گروگان گرفته شدند و مورد تجاوز جنسی قرار گرقتند، در حالی که تجاوز به زندانیان سیاسی یک تاکتیک استاندارد برای ایجاد رعب و وحشت بود که توسط حکومت بن علی انجام می‌شد. مردم امروز حس می‌کنند که آزادتر هستند و می‌توانند عصبانیت خود را بروز دهند، اما درگذشته به خاطر سرکوب خیلی کم حرف می‌زدند. این ترس هم وجود دارد که دولت موقت به کل انقلاب را بدزدد و در امور اختلال ایجاد کند، روز به روز به جو نگرانی افزوده می‌شود و مردم می‌گویند که بیم آن دارند که فرصت را از دست بدهند. شور و حال به وجود آمده در حال فروکش است و دلیل این وضع اختناقی است که دولت موقت فعلی علیه دستاوردهای جنبش مدنی ایجاد کرده است.

دسیمونه: در ماه ژوئیه انتخاباتی1 در پیش روی داریم، به نظر شما در این انتخابات چه چیزی را شاهد خواهیم بود؟ .

غسان: البته واضح است که من نمی‌دانم چه خواهد شد. هم اکنون حدود ۷۷ حزب سیاسی وجود دارند که در تاریخ تونس پدیده تازه‌ای است، پیش از این و در دوران بن علی، تنها یک حزب «آر سی دی» و پنج حزب دیگر داشتیم که یا قدرتی نداشتند یا تحت نفوذ شدید حزب بن علی بودند. یک حزب استالینیست- لنینیست هم بود که خودش مسأله ساز است. امروزه ۷۷ تا حزب در تونس داریم.

دسیمونه: پس از سیستم تک حزبی به سیستم هرج و مرج و بالقوه چند حزبی رسیده‌اید.

غسان: این همه حزب می‌تواند برای تونس یک عامل مضر و مخرب باشد. اما در عین حال باید در نظر داشته باشید که ۷۷ حزب را کسی جدی نخواهد گرفت، هر شخص و دسته‌ای می‌خواهد برای خودش حزب تشکیل دهد، اما اکثر این ۷۷ حزب زیر مجموعه‌ها و انشعابات احزاب بزرگ‌تر و باسابقه‌تر هستند. برای همین هم نتوانسته‌ایم که این همه را به مثلاً ۱۵ حزب یا چیزی در این حدود تقلیل دهیم یا مجابشان کنیم تا با ادغام درون یکدیگر احزاب بزرگتری تشکیل دهند. ما نگران آینده هستیم، مقامات حزب «تجمع دموکراتیک قانون اساسی» (آر دی سی) به قدرت نخواهند رسید مگر اینکه در انتخابات دست به تقلب‌های گسترده بزنند، چیزی که، برای نمونه، در ایران شاهد آن بوده‌ایم. اما مردم تونس یک چنین تقلبی را تحمل نخواهند کرد، دولت هم این را می‌داند و بیم آن را دارد که مردم خشمگین شوند، به رغم جنگ کثیفی که هم اکنون در جریان است، ما مقام‌های دولتی را ترسانده‌ایم، چهره‌های وابسته به حزب «آر سی دی» درون دولت موقت هم وحشتزده هستند. اما جایی که در آن با چالش مواجهیم شاید تنها اقبال روزافزون حزب اسلام گرای «انهدا» در میان مردم باشد.

دسیمونه: آیا نگران نیستید که پس از سقوط رژیم سکولار بن علی در این شرایط یک رژیم اسلام گرای سرکوبگر با رأی مردم بر سر کار بیاید؟

غسان: من شخصاً آدم سکولاری هستم اما باید تأکید کنم که میان اسلامگرایی «انهدا» و اسلامگرایی حماس در فلسطین، حزب الله در لبنان و القائده تفاوت وجود دارد. من مخالف «انهدا» هستم اما آن‌ها در قالب یک حزب فعالیت می‌کنند و شیوه زندگی سکولار تونسی‌ها – که به هیچ وجه بنابر آموزه‌های اسلام نیست – را خواهند پذیرفت. اعضای انهدا ادعا می‌کنند که اسلام گرایانی میانه رو هستند، و سیاست مورد نظرشان شمول گرا و پیشرو است. می‌توانید با بسیاری از احزاب سیاسی دموکراتیک مسیحی که در اروپا دارید مقایسه‌شان کنید؛ خواهید دید که «انهدا» خیلی بیشتر از آنچه به «حماس» شباهت داشته باشد، به آن‌ها شبیه است. اکثریت تونسی‌های سکولار در مراکز شهری به آزادی‌های خود عادت کرده‌اند و در مقابل خطر اسلام گرایی، که کشورهایی مثل ایران دچار آن شدند، هیچ گونه نرمشی نشان نمی‌دهند. اینکه آیا «انهدا» بر سر قول‌های بردبارانه‌اش خواهد ماند بعید به نظر می‌رسد، بسیاری از تونسی‌ها نگرانند که «انهدا» در نهایت امور را در دست بگیرد و قوانین و مقررات محدود کننده و ممنوعیت اموری مانند نوشیدن مشروبات الکلی و ادبیات غیر دینی را وضع و اجرا کند. تونسی‌ها، به ویژه در شهری مانند تونس، در مقایسه با بسیاری از مردم منطقه، بسیار نواندیش و تحصیلکرده هستند.

دسیمونه: من کمی قبل از این با یک کنشگر اسلام گرا صحبت کردم، و پس از شنیدن صحبت‌های او فکر می‌کردم که رژیم بن علی با خشونت مردم را مجبور می‌کرد که شیوه زندگی نوگرا و سکولار را برگزینند، شاید

شبیه آنچه آتاتورک در ترکیه انجام داد. یک قطعه موسیقی رپ هم هست که، برای مثال، پلیس بن علی را متهم می‌کند که زنان محجبه را کتک می‌زنند. من درباره این مسئله اطلاع زیادی ندارم، ممکن است درباره این مسئله توضیح دهید؟

غسان: رژیم بن علی شباهتی به حکومت آتاتورک نداشت. حکومت بن علی یک دیکتاتوری روشنفکر نبود. استبداد بن علی فاقد ایدئولوژی بود، حتی یک ایدئولوژی منسجم فاشیستی. حکومت او در واقع یک دولت دست نشانده بود که منافع غرب را تأمین می‌کرد، فرانسه و ایالات متحده. سیستم تحت رهبری بن علی یک دولت پلیسی بود، که بابت فقدان ایدئولوژی معروف بود. رهبران آنهم به خاطر فساد و حماقت شهره عالم بودند.

دسیمونه: اما مردم اینجا خیلی نوگرا هستند. در جریان گردهمایی‌های بیرون هتل قصبه و جلوی کاخ دادگستری، من زنان زیادی را دیدم که در کسوت قضاوت بودند، به ظاهر زنان اینجا آزادی زیادی دارند. اگر واقعاً سیاست‌هایی نوگرا و قائل به حقوق زنان در مملکت دنبال نمی‌شد، برخورداری زنان از حقوقشان چگونه حاصل شد؟ اگر زنان تونس تا این حد تحصیلکرده هستند، آیا می‌توانیم بگوییم که رژیم بن علی واپس گرا بوده یا اینکه، بر عکس، مانند شاه در ایران سیاست‌های مترقیانه‌ای هم داشته است؟

غسان: زنان تونس به دلایل مختلف، فارغ از رژیم بن علی، روحیه آزادی دارند. بگذارید تأکید کنم که هیچ برنامه روشنفکرانه‌ای برای ساخت آینده جامعه در سیستم تمامیت خواه «آر سی دی» وجود نداشت. از جهت فرهنگی، زنان تونس از دیرباز با دیگر نقاط جهان اسلام تفاوت داشته‌اند، داشتن زنان بسیار قوی و دارای اراده مستقل در فرهنگ کارتاژ و بربرها وجود دارد. ما در تاریخمان ملکه دیدو را داشته‌ایم، که به دلیل دلاوری در نبرد و توان رهبری‌اش زبانزد بود، کاهنا را داشته‌ایم که یک ملکه بربر بود که با قدرت زیاد در برابر نخستین امواج اسلامی کردن مقاومت کرد، تهاجم اسلامی که در نهایت منجر به شکست فرهنگ‌های پیش از سلام در شمال آفریقا شد .2

بیشتر زنان تونسی در جامعه با حجاب ظاهر نمی‌شوند، اما در شرایط امروز بدبختانه بیش از پیش، درمیان بخشی از جمعیت کشور و در سطح جامعه وجود حجاب را مشاهده می‌کنیم. این مسئله تاحدی ناشی ازتبلیغات رژیم عربستان سعودی است، تبلیغات وهابی و خرافاتی که به جامعه ما نفوذ کرده و در حال گسترش است. مردم از یک سو خرافه‌های اسلامی وهابی را به دلیل نفوذ منطقه‌ای عربستان سعودی می‌پذیرند، جایی که بن علی هم اکنون در تبعید به سر می‌برد. از سوی دیگر، علت این وضع می‌تواند این حقیقت باشد که، همانطور که شما هم متوجه شدید، رژیم سرکوبگر پیشین بسیار سکولار وعلناً فاسد بود. تبلیغات رژیم عربستان سعودی بر روی لایه‌های ناراضی جامعه که دارای گرایش‌های اسلامی بوده‌اند تأثیرگذار بوده است، وهابی‌ها با نفوذ در این بخش از مردم گناهان رژیم پیشین را به بی‌دینی آن‌ها ربط داده‌اند. اما دلایل مخالفت بن علی با فعالیت‌های اسلام گرایانه چیز دیگری بود، درعین حال لزومی هم به رهایی از ذهنیت شدیداً اسلامی در بخشی از جامعه به چشم نمی‌خورد. آن دوران با افراد دارای گرایش‌های اسلامی بر سر منافع حزب «آر سی دی» بدرفتاری می‌شد چون این حزب با یک جنبش سیاسی و حزب اسلام گرا رقابت داشت، طبیعی است که هواداران آن حزب و جنبش مورد بدرفتاری‌های حکومت قرار می‌گرفتند. بله، زمانی بود که زنانی که روسری بر سر می‌کردند بیشتر مورد آزار و اذیت واقع می‌شدند، اما وضع دیگر ناراضیان هم آن موقع چندان بهتر نبود.

دسیمونه: امروز، قبل از این مصاحبه در مقابل «قصبه» دیدم که روزنامه نگارها جلوی یک دادگاه جمع شدند تا با... مصاحبه کنند (نام شخص در مصاحبه حذف شده)، یک کنشگر سیاسی که می‌گوید توسط پلیس مخفی دولت موقت مورد تجاوز قرار گرفته، دادگاه پرونده تجاوز به او و شکایت از پلیس مخفی هم اکنون در جریان است. مرد شاکی در برابر خبرنگارها به وضع رقت انگیزی شروع به جیغ زدن کرد و بعد هم به سرعت از محل دور شد. برای من که این صحنه را می‌دیدم جای شگفتی داشت، چرا او باید در برابر روزنامه نگارها، در روز روشن و جلوی مردمی که آنجا دورش جمع شده بودند، یک چنین مسئله‌ای را تعریف کند؟

غسان: احتمال دارد که این کنشگر مورد تجاوز قرار گرفته باشد، این تاکتیک برای «آر سی دی» خیلی عادی و معمول بود که زندانیان سیاسی را مورد تعرض جنسی قرار دهند. اما دراین مورد بخصوص مطمئن نیستم. هر کسی این روزها کنشگر شده و می‌خواهد زخم‌هایش درمبارزه را به بقیه نشان دهد. شخص شاکی مورد نظر شما چند هفته پیش و قبل از مصاحبه شما با وی، با الجزیره مصاحبه کرده بود. وقتی با این شبکه تلویزیونی

گفت‌وگو می‌کرد اصلاً این طورکه شما تعریف می‌کنید برخورد نمی‌کرد، خیلی آرام و مسلط حرف می‌زد. برای همین این پیشامد می‌تواند عجیب باشد. رسانه‌های دولتی اغلب به این شخص حمله می‌کنند، و پلیس هم اورا متهم می‌کند که با پرداخت رشوه به مردم آن‌ها را برای انجام تظاهرات علیه دولت موقت تشویق می‌کند. به او اتهام زده بودند که با پرداخت ده یورو به بچه‌های کوچک برای پیوستن به تظاهرات رشوه داده است. واضح است که تمام این قبیل حرف‌ها دروغ دشمن است، اما این نکته را هم بگویم که او [از دید ما] یک کنشگر مظنون است که از سطح فکری چندان بالایی هم برخوردار نیست. با این همه حرکت او یک تحول در جامعه تونس محسوب می‌شود. پلیس مدت‌ها بود که به طورجمعی ناراضیان تونسی را مورد تعرض قرار می‌داد. اما این نخستین بار است که یک مرد می‌آید و اعلام می‌کند که هدف تجاوز جنسی سازمان یافته نیروهای پلیس قرار گرفته است. شرمساری سنتی و خوی مردانگی در جامعه ما مانع از این می‌شد که قربانیانی ازاین دست اعلام کنند که مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. پس از پیشقدم شدن او، مردان جوان دیگری هم به حرکت آمده‌اند و داستان‌های خود را مطرح کرده‌اند که در بعضی موارد به احتمال قوی صحت دارند.

دسیمونه: آیا از شیوه‌های نظارتی که دولت موقت درمورد شما و دیگر کنشگران اجرا می‌کند نگرانی دارید؟

غسان: مشکل درحال حاضر نفوذ پلیس مخفی است: با هیچ کس صحبت نکن، تا وقتی در تونس هستی دوستی هیچ کسی را نپذیر. مواظب باش. وقتی شما را دیدیم گروهی دورتان را گرفته بودند که ادعا می‌کردند کنشگر هستند، این عده آدم مشکوک هستند و ما اعتمادی به آن‌ها نداریم. این چهارنفر را در تمام تظاهرات و راهپیمایی‌ها می‌بینیم، برخوردشان خیلی پرخاشگرانه است. سخنران‌ها را مسخره می‌کنند وهیچ وقت هیچ نشان و پلاکاردی با خود ندارند که مشخص کند از چه گروه و دسته‌ای هستند. بسیاری از کنشگرانی که با آن‌ها ملاقات خواهید کرد احتمالاً افسران پلیس مخفی هستند. ممکن است بخواهند شما را تخلیه اطلاعاتی کنند و ازطریق شما درباره کنشگران واقعی تونسی اطلاعات کسب کنند. یک چنین پیشامدی می‌تواند به ضرر مردم تونس و مبارزین باشد. وقتی با کنشگران خود خوانده صحبت می‌کنید خیلی احتیاط کنید.

اطلاعات بیشتر درباره آرتوروغسان را درسایت های زیربخوانید:

Arturo Desimone
http:// fr.wikipedia.org/wiki/Mohamed_Talbi

Ghassen Athmni
http://fr.wikipedia.org/wiki/Islam_lib%C3%A9ral

1: انتخابات تا ماه اکتبر به تعویق افتاد. نتایج را دراینجا ملاحظه نمایید:

http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-15487647

2:کاهنا یکی از چهار ملکه تاریخی بربرها بود که نقش قهرمانانه‌ای درمقاومت علیه تهاجم اسلامی عرب‌ها ایفا کرد.

—

نامه زنان کرد به احمد شهید

2011-12-19 · Archive ID 672
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=672

عرصه سوم - گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در مورد نقض شدید حقوق بشر در ایران با واکنش‌های متعددی از سوی فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی روبرو شد . از جمله انتقادات به این گزارش نادیده گرفتن و یا عدم توجه کافی به نقض حقوق کارگران، اقلیت‌های قومی، هم جنس گرایان ،جنبش زنان و مواردی دیگر است .

درگزارش زیر که با عنوان « مطالبات زنان کرد و گزارش احمد شهید » برروی سایت رادیو زمانه منتشر شده است، مسائل زنان کرد و نامه فعالان زن در کردستان به احمد شهید بررسی شده است .

مصاحبه حسن کاکارش با ثریا فلاح

حسن کاکارش - پس از انتشار گزارش احمد شهید، گزاشگر ویژه سازمان ملل برخی از گروه‌ها و شخصیت‌های ایرانی نامه‌هایی به او ارسال کردند .

بیشتر این نامه‌ها حاکی از این هستند که نقض حقوق بشر در ایران در سطح گسترده‌تری صورت گرفته است . برخی هم از دیگر موارد نقض حقوق بشر در ایران خبر داده‌اند که در گزارش احمد شهید اشاره‌ای به آن نشده است .

یکی از این گروه‌ها، جمعی از مدافعان حقوق زنان و فعالان مدنی هستند که خواستار انعکاس وضعیت زنان کرد در گزارش‌های آینده گزارشگر ویژه سازمان ملل شده‌اند .

این فعالان مدافع حقوق زنان در قسمتی از نامه خود به احمد شهید نوشته‌اند : " ما بر این باوریم که از آنجایی که این گزارش مطمئنا بعنوان سند پایه‌ای، محور بحث و گفت‌وگو برای بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران قرار خواهد گرفت بایست در حد امکان به نقض گسترده و نظام‌مند حقوق تمامی اقشار جامعه در ایران بپردازد . ما به نوبه خود به طور روشن خواستار انعکاس وضعیت زنان کرد که به دلیل ستم‌های چند جانبه از حقوق انسانی خود محروم هستند می‌باشیم . عدم وجود اطلاعات کافی در رابطه با نقض حقوق زنان کرد در گزارش شما را در ارتباط با روش‌های پیشنهادی کار می‌بینیم ."

در پیوند با مطالبات زنان کرد و نامه این دسته از فعالان مدنی به احمد شهید، با ثریا فلاح مدافع حقوق زنان گفت‌وگویی کرده‌ایم .

چه عواملی باعث عدم اشاره احمد شهید به مسئله زنان کرد در گزارش خود به سازمان ملل شده است؟

ثریا فلاح : دلایل زیادی برای عدم اشاره به مسائل زنان کرد در گزارش مقطعی آقای احمد شهید وجود دارد . به طور مختصر به هر مورد اشاره می‌کنم : تمرکز آقای احمد شهید بر آن پرونده‌هایی بوده است که به طور مستقیم از سوی برخی از فعالان حقوق بشری با ایشان مطرح شده است . بدین معنا که اگر موارد حادتر و وخیم‌تریمانند مسائل جانی هم مطرح باشند به دلیل عدم طرح آنان با وی در گزارش نیامده است . ما زنان کرد و گروه‌هایی را به اندازه کافی نداشتیم تاپرونده‌هایی را به وی ارائه دهند . بر این باور بودیم که تیم همکار ایشان از گزارش‌های محرز موجود که به طور دوره‌ای در سازمان‌های مختلف حقوق بشری چاپ و درج می‌شود کمک می‌گیرند .

- این گزارش که در ماه اکتبر تحت عنوان " وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران " در دسترس عموم قرار گرفته، چنان‌که از اسمش پیداست گزارشی جامع نیست . این گزارش در واقع کارنامه جمهوری اسلامی ایران طی شش ماه از مارچ تا سپتامبر ۲۰۱۱است . پس نمی‌توانسته است به نکات درخواستی ما پاسخ دهد ولی امکان طرح مسائل زنان کرد وجود داشت .

- فرصت کمی از زمان انتخاب ایشان به‌طور رسمی (از آگوست ۲۰۱۱) تا ارائه گزارش اوبه سازمان ملل در ماه اکتبر وجود داشت . یعنی او زمان زیادی نداشت . در این زمان امکان دسترسی به منابع قابل اعتماد نبود که به‌طور دقیق به ارائه گزارش بپردازند . به نظر عملی نمی‌رسید که با وجود زمان محدود و عدم دسترس به شاهدان عینی گزارشی مفصل تهیه شود، اما هنوز احمد شهید می‌تواند از گزارش‌های ماهانه و سالانه سازمان عفو بین‌الملل استفاده کند که به تفصیل به وضع زنان کرد پرداخته است .

- عدم دسترسی به مستندات کافی و نبود امکانی برای آوردن خانواده‌های آسیب‌دیده از ایران و نگرانی از ایجاد مشکلاتی برای خانواده‌های قربانیان و کشته‌شدگان از سوی حکومت ایران از دیگر مسائل و مشکلات موجود بود .

– من فکر می‌کنم یک‌سری ارجحیت های سازمانی و فکری از جانب افراد و گروه‌هایی وجود داشت که توانستند درآن مدت با احمد شهید تماس حاصل کنند . چنانچه در بخش مقدماتی گزارش نیز اشاره شده است که گزارش‌ها از طریق شماری از کنشگران حقوق بشر و جامعه مدنی ایران و هم‌چنین سازمان‌های بین‌المللی تهیه شده است . آنقدر موارد نقض حقوق بشر در ایران فراوان است که از نظر کسانی که با ایشان همکاری کرده‌اند شاید مسائل ما جزئی است .

در این گزارش که به شش فصل تقسیم‌بندی شده است، امکان طرح یا بردن نام زنان زندانی کرد که یا حکم اعدام دارند یا احکام طولانی مدت گرفته‌اند در چندجا ازجمله در فصول " وضعیت فعالان سیاسی، بخش حقوق زنان، اقلیت‌های قومی و مجازات اعدام و حبس " وجود داشت

البته باید بگویم هدف ما این نیست که بگوییم تنها نقض گزارش ایشان مورد مسائل زنان کرد است . این مشکل در مورد مسائل اقلیت‌های اتنیکی و دگرباشان جنسی و مادران عزادار و ... هم وجود دارد،اما این مسائل به این معنا نیست که مسائل و مشکلات بسیار پیچیده زنان کرد به حاشیه رانده شود . هم‌چنین من معتقدم بایدنامه‌ها و مستندات موضوعی به دفتر آقای شهید ارسال شودو هر گروه و قربانیان نقض حقوق بشر و سازمان‌های حقوق بشری شکایت‌های‌شان را به دفتر گزارشگر ویژه ارسال کنند . افراد می‌توانند با گروه‌ها و کمپین‌های مختلف همکاری و یا نامه آنان را امضا کنند .

مطالبات زنان کرد به طورمشخص در کردستان ایران چیست؟

مطالبات زنان کرد به دلیل وضعیت حاکم در کردستان برای سال‌های متمادی و در طی لااقل سه نسل به نسبت مشخص و متعارف،اما بر اساس موقعیت اجتماعی، جغرافیایی، پایگاه و خاستگاه آنان تا حدی متفاوت است . به دلیل اهمیت مسائل ملی در میان کردها با وجود فقر حاکم نمی‌توان گفت خواست‌های اقتصادی آنان بیشتر برای‌شان مهم است یا مطالباتی در حیطه مسائل اجتماعی . اما آنچه مشخص است زنان از لحاظ اقتصادی تحت فشار شدید هستند . نان و کار می‌خواهند . آب سالم و طبیعی و مسکن می‌خواهند . زنان روستایی درگیر مشکلات وابسته به اقتصاد به شدت ضعیف و بیمار نگهداشته شده مناطق کردنشین هستند و مجبور به امرار معاش هستند . آنها برای این کار خود خواهان حمایت و امنیت هستند . زنان عادی کرد خواهان بهتر شدن وضعیت اقتصادی خود هستند .

ایجاد امکانات تولید کار، ایجاد بازار کار برای صنایع دستی زنان، تولیدات خانگی و در کل فراهم کردن امکانات جذب نیروی زنان هستند . آن‌ها به حق آزادی آموزش و تعلیم زبان مادری در کنار سایر زبان‌ها در ایران و خواهان آزادی انتخاب نام فرزند واسامی کردی و به شدت مخالف پیشبرد سیاست‌های ضد زبان مادری هستند . خواهان سیاست‌های درست در قبال تحصیلات دختران و ترک تحصیل آنان هستند . زنان کرد از بهداشت کافی برخوردار نیستند . دولت امکانات و بودجه کافی در اختیار این مناطق نمی‌گذارد . زنان خواهان تامین بهداشت کافی برای خود و دخترهای‌شان هستند که مادران آینده‌اند .

زنان کرد خواهان سیستمی هستند که پاسخگوی نیازهای ملی - مذهبی، مشکلات و چالش‌های قومی، و رعایت موازین و حقوق برابری شهروندی - نه از نوع شهروند درجه دو - هستند . زنان کرد خواهان از بین رفتن فشارهای سیاسی از جانب دستگاه‌های امنیتی بر خانواده‌هایی هستند که مرد یا پسر خانواده کشته یا اعدام شده و یا به یکی از احزاب پیوسته‌اند

زنان کرد خواهان سیستمی هستند که پاسخگوی نیازهای ملی - مذهبی، مشکلات و چالش‌های قومی، و رعایت موازین و حقوق برابری شهروندی - نه از نوع شهروند درجه دو - هستند . خواهان امنیت شهروندان در منطقه میلیتاریزه کردستان هستند . زنان کرد خواهان از بین رفتن فشارهای سیاسی از جانب دستگاه‌های امنیتی بر خانواده‌هایی هستند که مرد یا پسر خانواده کشته یا اعدام شده و یا به یکی از احزاب پیوسته‌اند . زنان مناطق مرزنشین که هیچ‌گونه امکان دسترسی به کار و اشتغال را ندارند و به همراه مرد خانواده کولبری می‌کنند، نباید سر مرزها اعدام شوند بلکه بایست امکانات کاربرایشان فراهم شود . مادران خواهان آزادی فرزندان در بندشان هستند .

مردم از تدوام فضای امنیتی در کردستان و تشدید برخوردهای سلیقه‌ای و غیر قانونی عوامل امنیتی و انتظامی با مردم کرد خسته شده‌اند . زنان کرد سال‌هاست که قربانیان مناطق پر کشمکش و نظامی هستند . حتی آنان که سواد ندارند به نگاهی اعتراض دارند که آنها را به عنوان کرد و قوم به حاشیه رانده شده شهروند درجه دوم می‌دانند . تفاوت‌های، نژادی، دینی، قومی و عقیدتی را به خوبی درک می‌کنند و خواهان رفع این تبعیض‌ها هستند . زنان متشکل‌تر و کسانی که از قوانین ضد زن اطلاع دارند خواهان عدم حمایت‌های قانونی از مسببین قتل‌های ناموسی، کمک به جلوگیری از خودسوزی و سایر نابهنجاری‌های اجتماعی هستند .

مادرانی که فرزند در حبس دارند،خواهان بازدید مقامات بین‌المللی از زندان‌های مخوف کردستان و مناطق کردنشین هستند . زنان نسل انقلاب خواهان آنند که کمی از بودجه سالیانه کشور به کردستان تعلق گیرد . خواهان جلوگیری از واردات تعمدی مواد مخدر توسط سپاه پاسداران به مناطق کردنشین هستند . زنان در بند خواهان حق رسیدگی علنی و منصفانه در دادگاه هستند . زنان تحصیل‌کرده خواهان سیستم سکولار هستند . من معتقدم مطالبات زنان کرد در سطح گذران زندگی و آزادی خود و فرزندانشان و بهداشت و امنیت تنزل کرده است . آنان از حق مذهب، حق تابعیت، حق پناهندگی، حق ملیت، تغییر مذهب، حق استفاده از فناوری علمی و هنری، حق مشارکت سیاسی در امور کشوری و تغییر ساختاری سخن نمی‌گویند . بلکه سیاست‌های اتوریته در ایران این در خواست‌ها را در ته صندوقچه تاریخ ریخته است .

نوشتن این نامه تا چه اندازه‌ای در گزارش های بعدی احمد شهید تاثیر خواهد گذاشت؟ آیا شما مستنداتی ارائه داده‌اید؟

نوشتن نامه در رابطه با و ضعیت زنان کرد در ایران و نامه‌های دیگر از جانب گروه‌ها کمپین‌ها و شخصیت‌های مستقل به تنهایی نمی‌تواند تاثیر شایانی در گزارش نهایی ایشان در ماه مارچ داشته باشد . آنچه در کارهای سازمان ملل و ارگان‌های وابسته بالاخص در رابطه با حقوق بشر مهم است شهادت افراد شکنجه دیده، زندانی، خانواده آنان و نیز این هست که چه بر سر آنان آمده . بخصوص در رابطه با افرادی که حقوق اولیه آنان،همانا حق آزادی از آنان سلب شده است .

افراد می‌توانند با تاکید بر اعلامیه حقوق بشر و بندهای آن شکایت‌های خود را بیان کنند . چنانچه در این بیانیه آمده است هر فردی سزاوار و محق به زندگی، آزادی و امنیت فردی است (ماده ۳اعلامیه) و هم‌چنین تاکید شده که تمام انسان‌ها آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند .(ماده اول) به همین دلیل تاکید بیشتر ما علاوه بر اشاره به ساختارهای اقتصادی – اجتماعی و مسائل فرهنگی که زاییده نظام موجود است،خشونت‌هایی را در بر می‌گیرد که زاییده قوانین جزایی و مدنی است وزنان را با چالش‌های فراوانی روبه‌رو کرد ه است . نوشتن نامه همراه با مستندات مؤثر است . البته گزارش‌هانمی‌تواند مقاله گونه باشد . درست مانند کار یک وکیل بایست جزء به جزء و دقیق باشد . زبان گزارش هم مهم است . چون دستیار ایشان به زبان فارسی تسلط دارند نامه یا اسناد نوشته شده نمی‌تواند به زبان کردی وآذری و .. باشد . قطعاًگزارش‌هاو مستندات موثرند به همین دلیل است که ایشان در روش کاری‌شان از دیدن افراد و گروه‌ها و سازمان‌ها کمک می‌گیرند .

این که آیا ما مستنداتی آماده کرده‌ایم؟ما به همراهی سایر کنشگران و فعالان حقوق بشر که دل‌شان برای کردها و زخم‌های تاریخی آنان می‌تپد گروه‌های کاری درست کردیم . در گروه زنان ۱۲نفر بودیم و هستیم که شروع به تهیه و تدارک مطالب و موضوعات و عکس و لینک و نامه و ... کرده‌ایم . در جریان کار متوجه شدیم که برای موارد فرهنگی که متاسفانه فشار بسیار زیادی روی زنان کرد هست، حتی آقای احمد شهید به فرض بتواند با مقامات ایرانی به گفت‌وگو بنشیند،چه کمک اساسی برای اثبات تضییع حقوق آنان می‌کند؟هم چنین متوجه شدیم در مواردی مدرک کافی نداریم،ولی مسائل ما آنقدر زیاد است که به صورت یک کتابچه در آمده است . اگر وقت بیشتری داشتیم و اگر نیروی کافی در ایران داشتیم کار بهتری ارائه می‌شد .

نیروهای‌مان که همگی در عرض این یکی،دوسال یا از ایران بیرون آمده یا دستگیر و زندانی شده‌اند و خلاء وجود سازمان‌های مربوط به زنان هم که بر این مشکل می‌افراید . عجالتاً نامه‌ای نوشتیم با مقدمه‌ای که چرا زنان کرد معترضند و دوستان آن را امضا کردند . مهم این است که ما بتوانیم نامه‌ها را به جاهای مختلف بفرستیم و آنان را در جریان قرار دهیم . افراد به انجام کار در زمینه ارائه مستندات، آماده کردن افراد خانواده زندانیان

سیاسی، ارائه عکس‌های واقعی از زنان منطقه، گزارش‌هاو اسناد به دست آمده توسط سازمان‌های معتبر وکمک گرفتن از پژوهشگرانی پرداختند که ساکت ننشسته‌اند.

گزارش بعدی احمد شهید از وضعیت حقوق بشر ایران در ماه مارچ (اسفند ۱۳۹۰) به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارایه خواهد شد . فعالان مدنی و سیاسی باید در زمینه‌های فعالیت‌شان گزارش بدهند . هرچند دولت ایران و آیت‌الله صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه ایران گزارش احمد شهید را " سخیف، ناصحیح و غیرمستند " توصیف کرد و مطمئناًهیچ‌کدام از شهادت‌ها و اظهارات را نخواهند پذیرفت اما باید به گوش جهانیان برسد .

—

واتسلاو هاول، مرد مبارزات مخملی

2011-12-20 · Archive ID 677
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=677

نعیمه دوستدار - با مرگ واتسلاو هاول نویسنده ورئیس جمهورسابق چک که در یکشنبه ۱۸دسامبر۲۰۱۱ درسن۷۵سالگی درگذشت، جهان یکی از بزرگترین رهبران آزادی خواه ومدافعان جنبش های مدنی خشونت پرهیز را از دست داد. هاول روشنفکری بود که توانست رؤیاهای خود را زندگی کند. او ازمعدود نویسندگان جهان بود که علاوه برهنر نوشتن وخلاقیت ادبی توانست یک جنبش اجتماعی و ضد دیکتاتوری را درکشورش رهبری کند وپس از سقوط رژیم کمونیستی به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود.

خواندن یا شنیدن تجربه‌های مشترک، انگیزه‌بخش حرکت‌های اجتماعی است. شریک شدن درروپای مشترک آزادی و صلح، حتی برای ملت‌هایی که هنوز آن را به طور کامل احساس نکرده‌اند، زیباست.بی شک به همین دلیل است که فعالان مدنی ایران، از خواندن سرگذشت جنبش‌های مدنی دردیگر نقاط دنیا، لذت می‌برند و یا خبرهایش را دنبال می‌کنند.

واتسلاو هاول، نمایشنامه‌نویس معترض سال‌ها زندانی رژیم کمونیستی بود و سرانجام بعد از رهبری مبارزه بدون خونریزی انقلاب مخملی، سمبل صلح و آزادی و رئیس‌جمهور چک شد. پس از انتشار خبر مرگ هاول به علت بیماری بسیاری از رهبران جهان برای درگذشتش پیام فرستادند و کارل بیلدت، وزیر خارجه سوئد، هاول را یکی از بزرگ‌ترین اروپاییان معاصر نامید؛ کسی که صدای آزادی‌خواهی او برای یک رسیدن به یک اروپای متحد و آزاد درجهان پیچید.

نویسنده ممنوع!

نمایشنامه‌های هاول برای دو دهه ممنوع بودند. نمایشنامه‌های پوچ‌گرای او که شخصیت‌هایش اغلب ناتوان و درتلاش برای برقراری ارتباط، در زبان تهی از معنا و مفهوم دوره کمونیسم بودند، در سال‌های۱۹۶۰ به روی صحنه می‌رفتند؛ دورانی کم و بیش آزاد و معروف به بهار پراگ که با مداخله نظامی اتحاد جماهیر شوروی درسال ۱۹۶۸ پایان یافت. بعد از آن نمایشنامه‌های هاول بر اثر سانسور، ممنوع و ناپدید شدند وجلوی انتشارشان گرفته شد.

هاول چندین بار بعد از انتشار منشور۷۷ به زندان افتاد؛ بیانیه‌ای که از حکومت کمونیستی می‌خواست به استانداردهای جهانی حقوق بشر پای بند بماند. تنها شش ماه پس از آخرین باری که هاول زندانی شد، یعنی در نوامبر ۱۹۸۹، او گردهمایی صدها هزار نفر از معترضان را درخیابان‌های پراگ برای یک انقلاب صلح‌آمیزسامان داد. تظاهراتی که سرانجام به حاکمیت حزب کمونیست طرفدارشوروی در چکسلواکی پایان داد. یک ماه بعد، او به عنوان رییس‌جمهور منتخب مردم در کاخ ریاست جمهوری پراگ بود.

واتسلاو هاول، نماد جنبش خشونت پرهیز و شیوه انتقال قدرت به شکل صلح‌آمیز بود. او توانست به کشوری کوچک با ۱۰میلیون جمعیت، درصحنه سیاست جهانی اعتبار بخشد. کلام معروف او این بود:راستی و عشق بر دروغ و نفرت غلبه خواهد کرد. هاول چندان علاقه‌ای به رییس‌جمهور شدن نداشت و به گفته دوستانش ترجیح

می‌داد دریک بار بنشیند و مردم را با هم آشتی دهد. هاول فکر می‌کرد سیاست او را از کارش به عنوان یک نویسنده بازخواهد داشت؛ اما حتی زندگی روزمره اش هم با سیاست آمیخته بود.

واتسلاو هاول، مدال آزادی فیلادلفیا را درسال۱۹۹۴ دریافت کرد و نامزد جایزه صلح نوبل هم شد.جایزه معروف اولاف پالمه در سوئد و مدال ریاست جمهوری برای آزادی، بالاترین مدال اجتماعی در ایالات متحده آمریکا هم از جایزه‌های دیگری بود که به پاس فعالیت‌های مدنی به او داده شد. هم چنین، او در سال ۲۰۰۳ جایزه صلح گاندی را به خاطر حمایت‌هایش از حقوق بشر در بدترین شرایط و فعالیت‌های صلح‌دوستانه، از دولت هند دریافت کرد.

پیتر نکای، رییس جمهور فعلی جمهوری چک، هاول را سمبل ایجاد و تداوم جمهوری دموکراتیک در این کشور می‌داند و مرگ او را یک ضایعه بزرگ توصیف می‌کند؛ کسی که بی‌تردید یکی از چهره‌های برجسته سیاست جهان در این قرن بود.

حمایت‌کننده ای صبور

شخصیت‌هایی که به دلیل مبارزات مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبانه درمیان جهانیان اعتباری به دست می‌آورند، معمولا از این نام و اعتبار برای حمایت از جنبش های مشابه در کشورهای دیگر استفاده می‌کنند. توجه این افراد به مسائل مدنی و حقوق بشری باعث توجه جهانی به آن کشور می‌شود، و نظر رسانه‌ها و نهادهای اثرگذار را به سوی خود جلب می کند. هاول، یکی از این شخصیت‌های جهانی بود که گر چه درسال‌های پایانی عمر خود، حضور مستقیمی درعرصه سیاست نداشت، اما در دنیا به عنوان حمایت‌کننده صبور مقاومت‌های بدون خشونت مشهور بود. بیل کلینتون، شخصیت و روش مبارزه او را به گاندی و نلسون ماندلا تشبیه می‌کرد. او نیز مانند گاندی و ماندلا، الهام‌بخش فعالان مدنی سراسر دنیا بود.

هاول برای مردم ایران هم نامی آشناست؛ تأثیرپذیری از انقلاب مخملی چک که اوآن را رهبری و حمایت می‌کرد، از اولین اتهامات به معترضان ایرانی بعد از انتخابات جنجالی سال ۱۳۸۸ بود.معترضان ایرانی، متهم شده بودند که از انقلاب مردم چک و انقلاب‌های رنگینی که بعدها دراروپای شرقی اتفاق افتاد، الهام گرفته‌اند. واتسلاو هاول، در همان دوران درباره حوادث ایران اظهارنظر کرد.او درگفت‌و گویی که با رادیو اروپای آزاد انجام داد از انتخاب محمود احمدی‌نژاد ابراز نگرانی کرد و اعلام همبستگی با فعالان حقوق بشر، دانشجویان و سایر مبارزان سیاسی را بسیار مهم دانست. او با معترضان به نتایج انتخابات همدلی کرد و خطاب به دولت‌های جهان گفت: نفت نباید مهم‌تر ازحقوق بشر باشد.

واکنش هاول به مسائل ایران، هم سبب دلگرمی فعالان مدنی در ایران وهم باعث توجه بیشتر شخصیت‌ها و مجامع بین‌المللی به رویدادهای سیاسی و اجتماعی در ایران شد.

همیاری هاول اما درحمایت از روشنفکران و زندانیان سیاسی ایران به قبل از انتخابات سال ۸۸ بر می‌گردد؛ زمانی که او از حکومت ایران خواست اکبر گنجی را که آن زمان زندانی بود، آزاد کند.

سال گذشته هم، هاول در مراسم پایانی گردهمایی "فوروم ۲۰۰۰" در پراگ، از مقامات جمهوری اسلامی خواست نسرین ستوده را آزاد کنند. او در سخنرانی اش اعلام کرد که از شیرین عبادی، برنده ایرانی جایزه صلح نوبل، شنیده که نسرین ستوده دراعتراض به شرایط زندان در اعتصاب غذا به سر می‌برد وحال او خوب نیست. هاول تاکید کرد "فوروم ۲۰۰۰" از آزادی این وکیل زندانی در ایران حمایت می‌کند. گردهمایی "فوروم ۲۰۰۰" به ابتکار واسلاو هاول، از سال ۱۹۹۷، هرسال با حضور فعالان صلح، حقوق بشر و چهره‌های برجسته جهانی برگزار می‌شود.

درخواست واسلاو هاول برای آزادی نسرین ستوده و ابراز امیدواری‌اش برای آزادی همه زندانیان سیاسی در ایران، با واکنش مثبت حاضران وصاحبان رسانه‌ها در گردهمایی "فوروم ۲۰۰۰" رو به رو شد. شیرین عبادی، سخنان واسلاوهاول درباره ایران را، از دلایل جلب توجه بین‌المللی به مبارزات مسالمت‌آمیز مردم ایران و نیز وضعیت خطیر و ناگوار زندانیان سیاسی دانست.

تجربه مبارزه بدون خشونت واسلاو هاول اکنون به عنوان یکی از نمونه‌های موفق جنبش‌های اجتماعی-سیاسی، پیش روی ایرانیان است؛ تجربه‌ای مشترک وآشنا برای همه جنبش های دموکراتیک که او با اعلام حمایت از وضعیت معترضان و زندانیان سیاسی درایران و سایرنقاط دنیا همواره درخدمت آن باقی ماند.

—

سازمان ملل و محکومیت نقض حقوق بشردرایران

2011-12-20 · Archive ID 679
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=679

عرصه سوم- مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت آرا قطعنامه خود علیه نقض حقوق بشر درایران را به تصویب رساند. روزدوشنبه ۲۸ آذرماه جاری مطابق با نوزدهم دسامبر مجمع عمومی مصوبه ای را که در آن از"نقض جدی و مداوم حقوق بشر" درایران نام برده شده واز جمله شلاق زدن، قطع عضو وافزایش بی رویه اعدامها درجمهوری اسلامی را محکوم کرده، تصویب کرد.

دراین سند مواردی بیش از ۱۲ نوع نقض حقوق بشر، ازجمله رفتارهای تهدید آمیز، بی‌رحمانه، غیرانسانی، تحقیرآمیز وفقدان هرگونه تجمع و ممانعت مداوم دولت اسلامی ازآزادی اجتماعات و گردهمایی‌های مسالمت‌آمیز و محدودیت‌های شدید در بیان عقاید، آزادی اندیشه، فکرو مذهب،درایران مطرح شده است.

طرح این قطعنامه که چندی پیش ازسوی کانادا پیشنهاد شده بود با ۸۹ رأی موافق، ۳۰ رأی مخالف و ۶۴ رأی ممتنع تصویب شد. مصوبه فوق پیش ازاین درکمیته سوم سازمان ملل متحد و درسی ام آبان‌ماه امسال با ۸۶ رأی مثبت به امضای اعضا رسیده بود.

بخشی از گزارش سایت رادیو زمانه را درمورد این قطعنامه دراینجا می خوانید:

«دراین قطعنامه همچنین به مسائل اقلیت‌های ملی یا قومی واقلیت‌های مذهبی ازجمله مشکلات کردها، آذری‌ها، عرب‌ها، بلوچ‌ها، و بهائیان، مسیحیان، یهودیان، دراویش، مسلمانان سنی و زرتشتی اشاره شده است.

مجمع عمومی سازمان ملل از دولت ایران خواست تا به‌منظور نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران با سازمان ملل همکاری کند.

بنا به این گزارش، محمد خزاعی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد سعی کرد تا مانع از تصویب این قطعنامه شود اما تلاش‌های وی بی‌ثمر ماند.

محمد خزاعی به‌شدت علیه این قطعنامه موضع گرفت وگفت مسائل مربوط به حقوق بشر باید به شورای حقوق بشرمستقر درژنو سپرده شود و "به‌دور از سیاست‌زدگی، برخورد گزینشی و معیارهای دوگانه" مورد قضاوت قرار گیرد.

سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل همچنین وضعیت حقوق بشر در کانادا و آمریکا را نیز مورد انتقاد قرار داد.

بانی دوگال، نماینده جامعه بهاییان در سازمان ملل متحد تأکید کرد که تصویب این قطعنامه توسط مجمع عمومی "تأیید موقعیت غم‌انگیز ایران به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر در جهان است."

در یک سال اخیر این چندمین بار است که سازمان ملل، بان کی مون، دبیرکل این سازمان و نهادهای مدافع حقوق بشر نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران هشدار می‌دهند.

جمهوری اسلامی ایران نه تنها به این قطعنامه‌ها توجهی نکرده است بلکه از ورود احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل به ایران نیز جلوگیری به‌عمل آورده است.

جمهوری اسلامی ایران تصویب چنین قطعنامه‌هایی را در چارچوب "توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی" ارزیابی می‌کند و آن‌ها را نادیده می‌گیرد.»

گزارش کامل این خبر را روی سایت زمانه می‌توانید بخوانید:

http://radiozamaneh.com/news/iran/2011/12/20/9176

—

برداشتن گام‌های کوچک به سوی دموکراسی

2011-12-22 · Archive ID 681
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=681

قطره قطره، کمپین !

عرصه سوم- رضا حاج حسینی: آینده فعالیت‌های مدنی با توجه به کمپین‌های متنوع و گوناگونی که این روزها برای گسترش دموکراسی و حقوق بشر در ایران به راه می‌افتد چگونه خواهد بود؟ آیا اساسا شکل‌گیری کمپین‌های مختلف می‌تواند تاثیری برسرعت گذار به دموکراسی درایران بگذارد؟ فایده راه‌اندازی یک کمپین درمقابل فشارهای شدید حکومتی و فضای بسته رسانه‌ای چیست و کمپین‌ها معمولا چه هدف‌هایی را دنبال می‌کنند؟ این نوع پرسش‌ها اغلب اولین سوال‌هایی هستند که فعالان مدنی با آنها روبرو می‌شوند و پاسخ مناسب به آن، می‌تواند مسیر فعالیت را برای خود فعالین وهم کسانی که به حمایت از کمپین ها دعوت می‌شوند، هموار کند.

برپایی کمپین‌های مختلف از چند منظر قابل مشاهده و بررسی است.عده‌ای انتظار دارند این حرکت‌ها زود بازده باشند و مثلا اگر کمپینی برای آزادی دانشجویان زندانی راه می‌افتد، خیلی سریع همه دانشجوهای زندانی آزاد شوند! این گروه معتقدند اگر حرکت‌های مدنی چنین نتیجه‌ای به دنبال ندارند، نمی‌توان به آنها خوش‌بین بود و با این مقدمه خیلی کوتاه، نتیجه می‌گیرند که "چه فایده؟! درختی که قرار است به این زودی‌ها میوه ندهد، بهتر است اصلا کاشته نشود!" اما با استفاده از همین نتیجه‌گیری، می‌توان به نکته‌ای عمیق‌تر رسید: درخت برای این که بار بدهد به زمان طولانی برای رسیدگی و مراقبت نیاز دارد. فعالیت‌های مدنی هم قابل تشبیه به درخت هستند. چون اگر ریشه بگیرند و قوی شوند، تنه‌ای محکم و مقاوم و قامتی بلند پیدا می‌کنند.

آینده، نه همین زودی‌هاست

انتظار به نتیجه رسیدن سریع و آنی، دست‌کم از کمپین‌هایی که برای ایران و با توجه به اوضاع و احوال این روزها به راه می‌افتند، چندان منطقی و امکان‌پذیر نیست. اما نتیجه این کنش‌های اجتماعی، حتی درهمین زمان کوتاه که از دور جدید فعالیت‌های مدنی برای ایران می‌گذرد، قابل مشاهده است.

ازدوسال پیش وپس از برگزاری انتخابات جنجالی ریاست جمهوری درایران، فعالیت‌های مدنی و مبارزاتی مخالفان حکومت جمهوری اسلامی وارد مرحله جدیدی شد. سرکوب شدید اعتراضات مسالمت‌آمیز خیابانی زمینه شکل‌گیری و پررنگ‌تر شدن جنبش‌های مدنی را درفضای مجازی فراهم کرد.ایده‌ها در شبکه‌های اجتماعی به حرکت درآمدند وحمایت از فکرهای تازه برای ادامه مبارزه، باعث ایجاد جو همراهی و همکاری در فضای مجازی شد. این روند درطول این دو سال ادامه داشته و اگر ادامه پیدا کند،می‌تواند آرام آرام شرایط را برای تبدیل ظرفیت‌های موجود به سرمایه اجتماعی برای جنبش و مبارزه فراهم کند. طبیعی است که سیر این روند نیازمند زمان است و بسترسازی مناسب می‌طلبد؛ یعنی هرچند نمی‌شود تاثیری آنی برای فعالیت‌های مدنی و کمپین‌های مختلف متصور شد، اما می‌توان به آینده آن‌ها نگاه روشنی داشت.

امید، آن‌چه باید باشد

برای ایجاد تغییر به‌خصوص درشرایطی که مقاومت شدید علیه آن وجود دارد، باید صبور بود و امیدوار.علاوه براین لازم است تا با بازخوانی اهداف جنبش‌های مدنی و آزادی‌خواهانه، در فعالان اجتماعی و سیاسی انگیزه مضاعف ایجاد کرد. یکی از فعالان مدنی درایران که خواست نامش محفوظ بماند دراین‌باره می‌گوید: یک زندانی سیاسی وقتی درزندان است برای آن‌که بتواند دوران حبس خود را راحت‌تر بگذراند، نیاز به انگیزه دارد. او باید بداند که از یاد نرفته است و دیگران به فکرش هستند. از خانواده‌اش که مستقیم با او درارتباط هستند و احوالش را می‌پرسند، تا دوستان و آشنایانش. این‌که برای او جشن تولدی برپا شود یا برایش تجمعی برگزارشود، یا حتی عکسش را دریک مکان عمومی به نمایش بگذارند وبه دیگران پیام دهند، حداقل اثرش این است که خود آن زندانی انگیزه و روحیه بیشتری پیدا می کند و برای گذراندن دوره حبس و دیگر مشکلاتی که با آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کند، قوی‌تر می‌شود. ایجاد انگیزه و امید، یکی از وظایف فعالان مدنی است و باعث می‌شود تا جنبش‌های اعتراضی در بدترین شرایط بتوانند به حیات خود ادامه دهند.

کارهای بزرگ با گام‌های کوچک

درمیان کسانی که برای آزادی تلاش می‌کنند، هستند کسانی که بیشتر رویای آزادی را درسر می‌پرورانند. این نگاه رویایی باعث می‌شود که این دسته، اغلب قدم‌ها و کارهای کوچک کسانی را که برای آزادی تلاشی واقع‌گرایانه دارند، نبینند و چون انجام کارهای بزرگ نیز به این سادگی‌ها میسر نمی‌شود، ناامیدانه از دایره فعالیت‌های مدنی بیرون می‌روند.

پویا جهاندار، یکی دیگر از فعالان مدنی که کمپین صندلی خالی را برای آزادی دانشجویان زندانی در ایران به راه انداخته است، درباره این دیدگاه می‌گوید: خیلی از دوستان فکر می‌کنند باید کارهای بزرگ انجام بدهند و کارهای کوچک را اصلا به حساب نمی‌آورند و نادیده می‌گیرند. اما من فکر می‌کنم هر کسی باید به اندازه خودش اثرگذار باشد حتی به اندازه سر سوزن. در واقع من فکر می‌کنم اگر افراد به‌دنبال چنین تاثیری باشند، آن‌وقت کنش‌های مدنی از جمله کمپین‌ها، سازماندهی بهتری پیدا می‌کنند و انسجام بیشتری می‌یابند. اگر ما همدیگر را حمایت کنیم و در کنار هم باشیم، می‌توانیم صدای جنبش مردم ایران و صدای زندانیان سیاسی را به خوبی انعکاس بدهیم.

جهاندار با تاکید بر نقش و جایگاه شبکه‌های اجتماعی درجنبش‌های مدنی می‌گوید: ببینید! الان رسانه‌های گروهی که مخاطبان چند میلیونی دارند و درسطح گسترده‌ای اخبار واقعی ایران را پوشش می‌دهند، بیشترین نگاهشان به شبکه‌های اجتماعی است. هرچه فعالیت‌های مدنی در این شبکه‌ها پررنگ‌تر بشود، مسلما با مطرح شدن در رسانه‌های گروهی، عده بیشتری از مردم را درگیر می‌کنند و نتیجه بهتری می‌گیرند.این مساله نشان می‌دهد که برپا کردن این کمپین‌ها و استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای معرفی آن‌ها، می‌تواند در آینده ایران خیلی موثر باشد.

این فعال اجتماعی برای نشان دادن تاثیر کمپین‌ها مثالی هم دارد: زمانی که کوهیار گودرزی بازداشت شد تا چهار یا پنج روز هیچ خبری از او نبود. همین مسأله باعث شد که کمپین کوهیار گودرزی برایش تشکیل شود و آدم‌ها جمع شدند. چند روز بعد از این قضیه بود که گفتند کوهیار به بند عمومی منتقل شده است. حالا بیایید فکر کنیم که یک صدم درصد، این اتفاق دراثر آن کمپین بوده. حتی اگر همین مقدارهم تاثیرگذار بوده باشد، نشان می‌دهد که ما توانسته‌ایم کار خودمان را بکنیم. البته این ما که می‌گویم، منظورم بچه‌هایی هستند که درکمپین کوهیار گودرزی فعال بودند. مساله مهم در این عرصه این است که آدم باید نهایت تلاش را بکند و چندان درگیر نتیجه نباشد.

—

گزارش آماری نقض حقوق بشردرآذرماه

2011-12-27 · Archive ID 684
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=684

عرصه سوم – هرانا خبرگزاری مجموعه فعالان حقوق بشر درایران از بیست و یک ماه پیش تا کنون اقدام به جمع آوری آمار ماهانه نقض حقوق بشر درایران و انتشارآن کرده است. درآخرین گزارش ازاین مجموعه که به وضعیت حقوق بشردرآذرماه امسال تعلق دارد، باز شاهد تشدید روند پایمال کردن حقوق انسانی ومدنی مردم درزمینه‌های گوناگون هستیم. دراین بررسی آماری موارد گزارش شده مانند نقض حقوق زندانیان، موارد ظلم و تعدی به اقلیت‌های مذهبی و قومی ، زنان ، کودکان ، کارگران و دهها مورد دیگر مورد بررسی قرار گرفته است.

سایت هرانا با انتشارمقاله زیر درمورد این گزارش به بررسی آن پرداخته است. هم چنین با انتشاراصل این سند که حاوی مدارک جمع آوری شده از طرف فعالان حقوق بشر، هم اطلاعات سازمان ها و رسانه‌های عمومی درایران است نشان می‌دهد که عایرغم تمام تلاش‌های کنشگران مدنی و حقوق بشر درایران واعتراضات جهانی این روند همچنان ادامه دارد و طیف وسیعی ازشهروندان درکشورهمچنان درمعرض آسیب های جدی وجبران ناپذیربه خاطرنقض حقوق انسانی و مدنی خود قرار دارند.

بررسی خبرگزاری هرانا را دراینجا ملاحظه می کنید:

خبرگزاری هرانا - نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران بر اساس برنامه ماهانه خود که بیشاز ۲۱ ماه از آغاز آن می‌گذرد، اقدام به انتشار گزارش آماری ماهانه از وضعیت حقوق بشر ایران ویژه آذرماه ۱۳۹۰ نمود.

در این نوشتار ۱۷۵گزارش حقوق بشری منتشره آذرماه در ۱۱ رسته حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است. و علاوه بر تلاش برای ارتقای دقت گزارشات تلاش شده است جنبه‌های آموزشی نیز در گزارش تقویت شود. بررسی حقوقی اخبار و گزارشات مهم و پرداختن به گزارشاتی که بیشترین و کمترین توجه را به خود را اختصاص داده است در کنار استفاده از محاسبات آماری و نموداری را باید از دیگر نکات برجسته این گزارش دانست.

متن کامل این گزارش به شرح زیر است، هم چنین برای دریافت نسخه PDF آن اینجا کلیک کنید.

ارزیابی عمومی اخبار نقض حقوق بشر آذرماه

در آذرماه سال ۱۳۹۰، هم‌چون بازه‌های زمانی پیشین، شاهد تداوم نقض حقوق بشر در ایران و به طور گسترده در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف بوده‌ایم. نقض حقوق بشر در یک جامعه جدا از اینکه با رفتار طبقه‌ی حاکم و قوانین مصوب موجود رابطه‌ی مستقیم دارد، عموماً به برخی باورها و بینش‌های نادرست موجود که ریشه در فرهنگ و سنت آن جامعه دوانده‌اند؛ نیز مربوط می‌شود.

در آذرماه حکم قطع پا و قطع دست دو شهروند با دستور دادستان عمومي و انقلاب شیراز، در محل زندان عادل‌آباد به اجرا درآمد.اتهام این دو تن سرقت مسلحانه از بانک‌های شیراز عنوان شده است.

این رویداد غیرانسانی رابطه‌ی مستقیمی با یکی از مهم‌ترین رویدادهای ماه گذشته در حوزه‌ی حقوق بشر، یعنی تصویب قطعنامه‌ای توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به علت تداوم شکنجه و نقض حقوق بشر در ایران و سرکوب شهروندان توسط جمهوری اسلامی دارد. این قطعنامه پیش‌تر ودرسی‌ام آبان‌ماه با ۸۶ رای مثبت تویط کمیته‌ی سوم سازمان ملل متحد به تصویب رسیده بود و به عنوان بخشی از روال قانونی، نهایتاً با ۸۹ رای موافق، ۳۰ رای مخالف و ۶۴ رای ممتنع به تصویب مجمع عمومی این سازمان نیز قرار می‌گرفت.

علاوه بر این پسر ۱۶ساله‌ای که در حین شوخی با دوستانش باعث کورشدن چشم یکی از آن‌ها به علت استفاده از تفنگ بادی شد، با درخواست قصاص از سوی شاکی پای میز محاکمه رفت.

در پی انفجارکوره‌ی کارخانه‌ی نورد فولاد غدیر یزد در پایان شیفت کاری روز یکشنبه بیستم آذرماه نیز، تمامی ۲۳ نفر مشغول به کار در این محل دچار حادثه شدند. در این حادثه پنج تن در دم جان باخته و سیزده تن دیگر(جمعا هجده نفر) نیز به علت شدت جراحات در بیمارستان سوانح و سوختگی فوت شدند. این درحالیست که تاکنون علت قطعی انفجار مشخص نشده است.

در همین خصوص و بر اساس اعلام روابط عمومی اداره‌ی کل پزشکی قانونی استان گلستان در شش ماهه‌ی نخست امسال ۲۲ نفر در استان گلستان به دنبال وقوع حوادث ناشی از کار جان خود را ازدست دادند. این آمار در مقایسه با مدت زمان مشابه سال قبل که تعداد فوتی‌های ناشی از حوادث کار ۱۵ نفر بود، ۷. ۴۶ درصد افزایش یافته است.

از سویی با توقف هرسه خط تولید کارخانه‌ی ایران خودروی تبریز، به سبب عدم شماره گذاری ۳۰ هزار وانت پیکان، یک‌هزار و ۵۰۰ کارگر درخط مونتاژ و ده‌ها هزار نفر دیگر در شرکت‌های تولید قطعات این شرکت بیکارمی‌شوند .

بازتاب ویژه‌ی برخی اخبار در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

در این بخش به گزارش‌هایی در حوزه‌ی حقوق بشر پرداخته می‌شود که علی‌رغم اینکه ممکن است حتی به نسبت سایر اخبار مشابه در ماه گذشته حجم کمتری از نقض حقوق بشر را در بر داشته‌اند، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، که در واقع بازتابی از افکار عمومی تلقی می‌شوند، با حساسیت ویژه‌ای آن ها را دنبال کردند.

درگیری کارکنان روزنامه‌ی ایران با ماموران امنیتی که برای بازداشت علی‌اکبر جوانفکر، سرپرست مؤسسه ایران و مشاور مطبوعاتی محمود احمدی نژاد، به دفتر این روزنامه مراجعه کرده بودند؛ یکی از اخبار جنجال برانگیز ماه گذشته بود. در این خصوص برخی از پرسنل گروه سیاسی روزنامه ایران که با سردادن شعارهای الله اکبر و مرگ بر ضد ولایت فقیه سعی داشتند تا مانع از بازداشت وی شوند، بازداشت شدند. لازم به اشاره که با گذشت یک ماه از این حادثه دستگاه قضایی-امنیتی روند احضار خبرنگاران این رسانه را در پیش گرفته است.

هم‌چنین اخیراً مشخص شده آمنه بهرامی نو قربانی اسیدپاشی، به دلیل مفاد رضایتنامه‌ای که در حین گذشت از اجرای حکم قصاص مجید موحدی در دادسرای تهران امضا کرده دیگر نمی‌تواند دیۀ دو چشمش را بگیرد. وی که معترض است و معتقد است فریب خورده، می‌گوید که تمام تلاشش را برای گرفتن دیه‌ی کامل انجام می‌دهد اما اگر موفق نشود برای همیشه ایران را ترک می‌کند.

از سوی دیگر در پی برگزاری مراسمی برای علی کردان وزیر سابق کشور جمعی از کارگران نساجی مازندران در سخنرانی احمدی نژاد اختلال ایجاده کرده و یک نفر از ایشان به نام "رشید – ش" که خود را به صندلی‌های ردیف مقابل احمدی نژاد رسانده بود پس ازپرتاب کفش نسبت به مشکلات کارگران اعتراض کرد. این کارگر اخراجی که پس از ضرب و شتم توسط نهادهای انتظامی حاضر در محل بازداشت شد، در دوره‌ی ریاست جمهوری محمد خاتمی نیز به دلیل پرتاب تخم مرغ به سمت وی نیز بازداشت شده بود.

جدا از این و همانند سال‌های اخیر، امسال نیز ماموران امنیتی، مانع از برگزاری مراسم بزرگداشت قربانیان قتل های زنجیره ای شده و با فشارهای امنیتی و تهدید، از انجام مراسم خانوادگی برای داریوش فروهر و همسرش پروانه مجد اسکندری و همینطور محمد مختاری، بر سر مزار آنها نیز ممانعت بعمل آورده اند. نامبردگان در سال ۱۳۷۷ توسط ماموران وزارت اطلاعات و در جریان پروژه‌ی ربایش و قتل مخالفان و روشنفکران (قتل‌های زنجیره ای) کشته شدند.

عدم پرداختن رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به برخی گزارش‌های حقوق بشری

این قسمت به آن دسته از گزارشات حقوق بشری‌ای می‌پردازد که با کم توجهی ملموسی از جانب رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی رو به رو شده‌اند. رفتار گزینشی اهالی رسانه و افراد فعال در شبکه‌های اجتماعی و بی‌توجهی به مسائل حائز اهمیتی که نمونه وار به آن‌ها اشاره خواهد شد، به مسائل متعددی منجمله ذائقه‌ی مردم و سیاست گذاری خاص در این عرصه و مشکلات فرهنگی-آموزشی جامعه مرتبط است؛ بدیهی ست که رفتارهای گزینشی اساساً همسویی، خواسته یا ناخواسته، با رفتار طبقه‌ی حاکم و رسانه های دولتی دارد.

رضا شهابی کارگر و عضو هیأت مدیره‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به بلاتکلیفی خود و عدم قرار گرفتن تحت مداوای پزشکی، از ابتدای آذرماه دست به اعتصاب غذا زده است.

وی با وجود انتقال به بیمارستان هم چنان در اعتصاب غذا است و تاکید کرده است که تا آزادی بدون‌قید و شرط، به اعتصاب خود پایان نخواهد داد.

از سوی دیگر مدیر روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد از وقوع آتش‌سوزی در یک چادر برزنتی ومرگ یک زن و مرد کارتن‌خواب خبر داد.

حکم اعدام یک زندانی با هویت "کیانوش- ش" در سحرگاه روز شنبه بیستم آذرماه سال جاری، در میدان دانش شهرکرد در حالی به اجرا در آمده است، که وی نیاز مبرمی به مداوای پزشکی داشت. وی که دقایقی قبل از اعدام اقدام به خودزنی کرده بوده، علی‌رغم خونریزی شدید از راه حل آویز در ملاءعام اعدام شد.

در رابطه با ممانعت از آزادی و عدم اجازه‌ی مرخصی به زندانیان سیاسی نیز به دو مورد در ماه گذشته اشاره می‌شود. مورد اول مربوط به محبوبه کرمی، فعال حقوق بشر و فعال حقوق زنان است که مسئولان امنیتی از حضور در مراسم خاکسپاری و یادبود پدرش ممانعت به عمل آورده‌اند. وی مادرش را نیز در شرایط مشابهی و هنگامی که در حبس به سر می‌برد از دست داد و در حال حاضر شرایط جسمی و روحی وخیمی دارد. همینطور علی رغم اتمام محکومیت بهروز جاوید تهرانی، دستگاه قضایی از آزادی این زندانی سیاسی جلوگیری می‌نماید. به علت پرونده سازی جدیدی که به دلیل عاملیت در پخش فیلمی از محسن دکمه‌چی زندانی سرطانی بر علیه بهروز جاوید تهرانی صورت گرفته بود، وی چندی پیش مدت ۴ ماه را در بند ۲۰۹ زندان اوین بسر برد.

یک رویداد مثبت

پس از پیگیری‌های متعدد و عدم پاسخگویی مقامات قضایی حکم اعدام زینب جلالیان، زندانی سیاسی کرد، از سوی دیوان عالی نقض و این زندانی سیاسی حبس ابد محکوم شد. زینب جلالیان در آذرماه سال ۱۳۸۸ به اتهام محاربه و همکاری با گروه پژاک به اعدام محکوم شد.

بدیهی ست که این رای دیوان عالی را با تسامحِ بسیار و صرفاً جهت دفاع از نقض مجازات مرگ، می‌توان رویدادی مثبت برشمرد.

برخی مستندات حقوقی و قانونی پیرامون موارد گزارش آذرماه

در بخش پیش رو برخی گزارش‌های نقض حقوق بشر به اختصار از لحاظ حقوقی بررسی می‌شوند. این امر می‌تواند تا حدی خلاء آموزش در کنار اطلاع رسانی را پر نماید و طیف‌های مختلف را نسبت به حقوق خودشان آگاه‌تر سازد.

پیرامون عدم مرخصی در مواقع ضروری، بخش دوم ماده ۴۴ کنوانسیون حقوق زندانیان اشاره می‌دارد که زندانی می بایست بلافاصله از مرگ خویشاوندان، نزدیکان و دوستانش و یا بیماری جدی یکی از آنها مطلع شود و در صورت بیماری مهم از یکی از بستگان نزدیک و یا مرگ خویشاوندان نزدیک زندانی باید مجاز باشد هر زمان که شرایط اجازه می‌دهد برای رفتن به بالین و مراسم او از مرخصی استفاده کند و تحت اسکورت یا به تنهایی حضور یابد.

آمار تلفات ناشی از حوادث کار هم در شرایطی روبه فزونی رفته است و در اکثر موارد هیچ مسئولی پاسخگو نیست که بر اساس بخش ب ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایمنی و بهداشت محیط کاربایستی به رسمیت شناخته شود.

اخراج و بیکاری کارگران در کشور و عدم حمایت هیچ یک از نهادهای مربوطه نیز که در ماه گذشته نیز تداوم یافت، بند ۱ ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر را که طبق آن هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بی‌کاری حمایت شود، نقض می‌نماید.

در رابطه با اعدام شهروندان در کشور که خود ناقض مفادهای اعلامیه‌های معتبری از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که بر ذاتی بودن حق حیات تاکید دارد، اجرای اعدام زندانیان در

شرایطی که نیاز به رسیدگی پزشکی دارند، به طور مضاعفی غیر انسانی ست. بر اساس قانونی که نحوه اجرای احکام اعدام که توسط قانونگذاران جمهوری اسلامی وضع و در ۲۷ شهریور سال ۸۲ تصویب شده است، چنانچه محکوم به اعدام بیمار باشد و این بیماری به حدی باشد که طبق نظر پزشکی قانونی مانع انجام تشریفات اجرای حکم باشد پس از تایید توسط قاضی صادر کننده حکم یا دادستان، اجرای حکم تا رفع مانع به تاخیر خواهد افتاد.

در خصوص عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان بیماری که نیاز مبرم به مراقبت های ویژه دارند بایستی اشاره کرد که ماده ی ۲۲ کنوانسیون حقوق زندانیان بر لزوم انتقال زندانیان بیمار نیازمند به معالجات ویژه و تخصصی به موسسات تخصصی یا بیمارستان های غیرنظامی درخارج از زندان دلالت می کند. بیمارستان مورد اشاره باید تجهیزات لازم، تخت کافی، لوازم دارویی مناسب و پزشک متخصص و آموزش دیده برای مراقبت های پزشکی و درمانی از زندانی بیمار را داشته باشد. در این زمینه هم چنین ماده ۱۰۳ آئیننامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی جمهوری اسلامی نیز تاکید می‌کند که در موارد ضروری خروج محکوم از زندان برای معالجه بایستی با تایید بهداری زندان و اجازه رییس موسسه یا زندان و موافقت قاضی ناظر باشد. بایستی اشاره کرد این ماده که مربوط به قوانین داخلی نظام جمهوری اسلامی و زندان های کشور است، در بسیاری از موارد با مخالفت دادستانی و ماموران اطلاعاتی نقض می شود.

مقدمه آمار

بر اساس گزارش‌های گردآوری شده از سوی نهاد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در محدوده زمانی آذر ماه سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۷۵ گزارش از سوی حداقل ۳۶ منبع خبری یا حقوقی انتشار یافته است.

در بررسی موردی ۱۷۵ گزارش آذر ماه، تعداد ۱۳۱۱۲ مورد نقض حقوق که ۵۶۲ مورد آن نقض مستقیم حقوق بنیادین بشر با حضور آمر در تطبیق با اعلامیه جهانی حقوق بشر و تعداد ۱۲۵۵۰ مورد آن نقض حقوقی است که در عین وجود معاهدات بین المللی، نقض بنیادین حقوق بشر محسوب نمی‌شود؛ ارزیابی شده است،

عمده موارد نقض حقوقی که علیرغم تاثیر مستقیم از سیاستگذاری‌های حکومت، اقدام مستقیم و منظم نقض حقوق بشر را در بر نمی‌گیرد، در حوزه کارگری بوده است و حقوقی از قبیل اخراج، تعلیق و یا بیکاری کارگران پس از تعطیلی کارخانه رخ داده است.

بدیهی است گزارش‌هایی که در پی می‌آید با توجه به عدم اجازه دولت ایران به فعالیت مدافعان حقوق بشر تنها بخش کوچکی از نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران است. در موضوع میزان خطای گزارش که حداکثر ۳ درصد در بحث منابع برآورد می‌شود باید اشاره کرد که ارگانهای خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران میزان ۲۹ درصد گزارش‌های این ماه را ارائه و مستند کرده‌اند، رسانه‌های حکومتی یا نزدیک به دولت میزان ۲۷ درصد و سایر منابع خبری-حقوقی غیر دولتی ۴۴ درصد گزارش‌ها را منتشر کرده‌اند که بدیهی است بخش آمار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران امکان زیادی برای مستند کردن گزارش‌های سایر گروه‌های خبری یا حقوقی را ندارد و در این حوزه حسب تجربه و شناخت خود عمل می‌کند.

"در حال حاضر در گزارشی که پیش رو است، میزان موارد نقض حقوق نسبت به ماه مشابه سال قبل ۲۱% کاهش و نسبت به ماه قبل نیز ۳% کاهش داشته است."

مشروح آمار

کارگری:

در آبان ماه سال جاری ۲۴ گزارش در مورد نقض حقوق کارگران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسید که تعداد ۱۹ گزارش از آن گزارش‌هایی را در بر می‌گرفت که مستقیماً نقض حقوق بشر نبوده ولی مرتبط به سیاستگذاری‌های حکومت و همینطور حقوق مدنی است. مجموع موردی این نقض حقوق بالغ بر ۱۲۵۵۳ مورد است.

بر اساس این گزارش‌ها ۱۲۰۴۲ کارگر به دلیل تعطیلی کارخانه و یا تعدیل نیرو از کار اخراج شدند، در مجموع ۶۵۸ ماه از حقوق کارگران در شرکت‌ها و کارخانجات مختلف با تعویق همراه بوده است که بر اساس آمار موجود بیشترین آن تعویق ۷ ماهه پرداخت حقوق کارگران سامیکو صنعت بوده است.

بر اثر سوانح در محل کار به دلیل فقدان ایمنی شغلی ۴۰ کارگر جان خود را از دست دادن و ۱۸ تن نیز زخمی شدند و از سوی دیگر دستگاه امنیتی کشور ۲ تن از فعالان کارگری را بازداشت و یک تن نیز از سوی دستگاه قضایی احضار شد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کارگران ۱۳% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز تغییری حاصل نشده است."

اقلیت‌های مذهبی:

در ماه گذشته از مجموع ۱۱ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۸ مورد نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

بخشی از این آمار مربوط به بازداشت ۸ تن از شهروندان بهایی، اهل سنت و اهل حق بوده است هم چنین ۸ تن از اقلییت‌های مذهبی به ۲۵۲ ماه حبس تعزیری، ۹۰ ضربه شلاق و ۱۸۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شدند.

ممانعت از فعالیت اقتصادی ۳ شهروند بهایی و احضار یک تن دیگر و جلوگیری از اجرای مراسم مذهبی اهل حق از جمله موراد نقض حقوق اقلییت های مذهبی در طی ماه جاری بوده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های مذهبی ۲۲% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۲۶% راشاهد بوده‌ایم."

اقلیت‌های قومی-ملی:

در ماه گذشته از مجموع ۵ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۶ مورد نقض حقوق اقلیت‌های قومی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

از این تعداد می‌توان به بازداشت ۶ شهروند و محاکمه ۶ تن در این حوزه اشاره کرد، از سوی دستگاه قضایی یک تن از اقلییت های قومی را به ۶۰ ماه حبس محکوم کرد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اقلیت‌های قومی ۵۸% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۳۰% را شاهد بوده‌ایم."

اصناف:

در ماه گذشته از مجموع ۱ گزارش ثبت شده، تعداد ۳ مورد نقض حقوق اصناف در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اصناف ۸۸% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۸۷% را شاهد بوده‌ایم."

فرهنگی:

در ماه گذشته از مجموع ۵ گزارش ثبت شده، تعداد ۵ مورد نقض حقوق فرهنگی در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

در این حوزه بایستی به ممنوع کار شدن دو هنرمند کشورمان و ممانعت از نشر آثار یک شاعر اشاره داشت که از سوی اداره ارشاد و فرهنگ اسلامی اعمال شده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق فرهنگی ۱۶% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۶۰% را شاهد بوده‌ایم."

زنان:

در ماه گذشته از مجموع ۴ گزارش ثبت شده، تعداد ۵ مورد نقض حقوق زنان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

وقوع سه مورد اسید پاشی که یک مورد آن از سوی یک زن بر روی همسرش به دلیل ازدواج مجدد رخ داد از جمله موارد مهم نقض حقوق زنان در این ماه بوده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زنان ۷۵% نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۲۰% را شاهد بوده است."

کودکان:

در ماه گذشته از مجموع ۱ گزارش ثبت شده، تعداد ۱ مورد نقض حقوق کودکان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق کودکان ۱۰۰% نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۶۶% را شاهد بوده ایم."

اعدام:

در ماه گذشته از مجموع ۱۷ گزارش ثبت شده، تعداد ۵۰ مورد صدور و اجرای حکم اعدام در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

در آبانماه سال جاری، حسب گزارشات به ثبت رسیده، ۸ شهروند به اتهام‌های مواد مخدر، قتل، ترور و تجاوز به اعدام محکوم شدند و ۳۷ زندانی نیز بر اساس اتهام قتل، جرایم مواد مخدر و تجاوز اعدام شدند.

شش زندانی نیز به اتهام تجاوز و قتل در ملاء عام و در شهرهای کازرون، رشت، شهرکرد، ساوه و کرمانشاه اعدام شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل صدور و اجرای حکم اعدام ۳۱% نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۹% را شاهد بوده‌ایم."

دانشجویان:

در ماه گذشته از مجموع ۱۲ گزارش ثبت شده، تعداد ۱۷ مورد نقض حقوق دانشجویان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

این گزارش‌ها بازداشت ۷ دانشجو و محکومیت ۳ دانشجو به ۱۲۰ ماه حبس تعزیری محکوم شدند و از سوی دیگر نیز ۲ تن از دانشجویان نیز از حق تحصیل در دانشگاه محروم شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق آکادمیک ۷۱% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۲۰% را شاهد بوده ایم."

زندانیان:

در ماه گذشته از مجموع ۴۶ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۲۱ مورد نقض حقوق زندانیان در ایران توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

این تعداد گزارش مربوط به ۹ مورد شکنجه و یا ضرب و شتم زندانیان، ۱۳ مورد عدم رسیدگی پزشکی، ۸ مورد اعمال محدودیت مضاعف، ۳ مورد اجرای حکم شلاق، ۴ مورد عدم دسترسی به وکیل، ۸۵ مورد نقل و انتقال اجباری و ۴۰ مورد اعمال فشار و تهدید زندانیان بود.

هم چنین ۸ مورد بلاتکلیفی و ۱۴ مورد اعتصاب غذا نیز از دیگر موارد نقض حقوق زندانیان لحاظ شده است.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق زندانیان ۱۲% نسبت به سال گذشته افزایش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز افزایش ۱۳% را شاهد بوده‌ایم."

اندیشه و بیان:

در ماه گذشته از مجموع ۴۹ گزارش ثبت شده، تعداد ۲۱۳ مورد نقض حقوق در حوزه اندیشه و بیان توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران استخراج شد.

بر اساس این آمار ۱۲ تن از فعالین در این حوزه بازداشت، ۶ تن احضار به اطلاعات و دادگاه انقلاب و ۱۳۴ نفر دیگر نیز در دادگاه مورد محاکمه قرار گرفتند. همینطور ۲۸ تن از فعالین نیز جمعا به ۲۷۹۴ ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

"طبق آمار فوق و با مقایسه آن در ماه مشابه سال قبل نقض حقوق اندیشه و بیان ۳۲% نسبت به سال گذشته کاهش داشته است، هم چنین نسبت به ماه پیش نیز کاهش ۷% را شاهد بوده‌ایم.

بررسی آمار

نمودارها
نمودار زیر مقایسه گزارش ماهانه بر اساس گستره رسته‌ها در آذر ماه ۱۳۹۰ است، همانطور که در ذیل مشاهده می‌کنید، زندانیان با ۳۸% و حوزه اندیشه و بیان با ۲۱% به ترتیب در رتبه اول و دوم تعداد موارد گزارش شده از سوی گزارشگران حقوق بشر قرار دارند.

برای دیدن بقیه نمودارها به سایت هرانا مراجعه کنید:

ttps://hra-news.org/263/333/10755-1.html

—

ازدیده بانی تا سازندگی

2011-12-27 · Archive ID 688
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=688

مصاحبه با جاسمین نوردین، کنشگر صلح از آفریقای جنوبی

برگردان: هومن عسکری

عرصه سوم با جاسمین نوردین، کنشگراهل آفریقای جنوبی، درباره تجربیات وفعالیت‌های او در سازمان‌های جامعه مدنی مصاحبه کرده است. دراین نوشتار، تلاش برآن بوده که برروی تجربیات جاسمین دردهه ۱۹۹۰ تمرکز شود، زمانی که وی با شبکه دیده بانان مستقل(NIM) همکاری داشت و درباره خشونت‌های دولتی و پشتیبانی از افراد و سازمان‌های مردمی گزارش تهیه می‌کرد. جاسمین برخی از آموخته‌های خود درباره ایجاد سازمان‌های شبکه‌ای، تفاوت میان رهبری و مدیریت، ونیاز به شفافیت دراهداف را دراین مصاحبه با ما درمیان گذاشته است. این کنشگر صراحتاً اعلام می کند: "من دیگر مایل نبودم که جامعه‌ای را دیده بانی کنم که دیگر نمی‌خواهم درآن زندگی کنم. می‌خواستم جامعه‌ای بسازم که فرزندان و نوه‌هایم در آن رشد کنند و ببالند."

در طول دهه ۱۹۹۰، جاسمین نوردین با سازمان شبکه دیده بانان مستقل کار می‌کرد، مجموعه ای که خشونت دولتی در آفریقای جنوبی را بررسی و ثبت می کرد و از نهادهای مردمی قربانی این خشونت ها نیز حمایت می کرد.حمایت هایی که به طور ویژه در قالب خدمات قانونی، مشاوره و کمک‌های پزشکی ارائه می شد.

شبکه دیده بانان مستقل زمانی برای نظارت و مقابله با بی‌رحمی‌های دولت آپارتاید تأسیس شد که این رژیم در برابر مخالفت روزافزون علیه خود به واکنش وعمل تلافی جویانه دست می زد. سازمان ازافرادی که هدف این اعمال قرار گرفته بودند حمایت می کرد و این حمایت‌ها شامل پشتیبانی حقوقی نیز می‌شد. این گروه به بررسی خشونت‌های دولتی می‌پرداخت و درباره چنین رفتارهایی گزارش تهیه می‌کرد و به کمک تعدادی ازنمایندگان پارلمان که از یاران این طرح بودند، آن را برای آگاهی عموم منتشر می‌ساخت، تامطمئن باشد که گزارش‌ها رسماً ثبت و ضبط می‌شوند.

شبکه یاد شده بیش ازیک سازمان صرف بود و موفق شد مجموعه‌ای از گروه‌های جامعه مدنی و کنشگران دارای اهداف مشترک را متحد کند، ازجمله موسسات مذهبی، سازمان‌های حقوق بشری، سازمان‌های صلح و توسعه، سازمان‌های تحقیقاتی و نیز سازمان‌های مدنی. امری که به ارائه چشم اندازی ملموس از سیاستمتزلزل کردن بنیان جامعه توسط رژیم آپارتاید منجر شد.

عرصه سوم: نخستین چالش بزرگ پیش رویتان چه بود؟

جاسمین نوردین: وقتی برای اولین بار درجلسه شبکه شرکت کردم، ۲۲ یا ۲۳ ساله وجوان‌ترین عضو گروه بودم. درآن موقع ازرفتارکودکانه و ناپخته بعضی ازاعضای گروه جا خورده بودم. همه کسانی که دور و برمن بودند یا رئیس بودند یا مدیر پروژه، اما وقتی دور اتاق را نگاه کردم در واقع صرفاً کودکان سه ساله‌ای را می دیدم که در قالب بزرگسال‌ها رفته بودند و وقتی در بحث راه به جایی نمی‌بردند کج خلقی و پرخاشگری می‌کردند. غیر قابل باور بود، فکر کنم انتظار بیشتری ازاین افراد در جایگاه مدیریت داشتم. با این وجود، درک این حقیقت که سرو کارتان به هرحال با انسان هاست که هر کدام شخصیت احساسی خود را به فضای کاری می‌آورند و باید برای کار و تعامل با آن‌ها راهی بیابید، برای من درس بزرگی بود. آنچه من درباره رهبری آموختم این است که آدم‌ها هرکدام شخصیت جداگانه‌ای دارند، با نیازها، آرزوها، آمال، نقاط قوت و ضعف و باید اول ازهمه درباره این نکات بدانید و بعد یاد بگیرید که چگونه به این نیازها پاسخ دهید و در فضایی سازنده آنها را به کار گیرید. همین مسئله باعث شد من به تفاوت میان مدیریت و رهبری پی ببرم. سازمان‌ها وجنبش‌ها اغلب توسط رهبران کاریزماتیک و با دیدی وسیع تأسیس می‌شوند، و کارکرد مدیریت و رهبری در وجود آنها باهم تلفیق می‌شود. این وضعیت تضاد زیادی درون سازمان ایجاد می‌کند که درکارکرد و بقای مجموعه هم تأثیر گذار خواهد بود. در استانی که من کار می‌کردم چند نفر ازاعضای شبکه بودند که برداشت واضح و روشنی از نقش ووظیفه شبکه دیده بانان مستقل در سرعت بخشیدن به روند تحول و تغییرداشتند، این افراد اشراف کاملی هم بر آنچه در رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی می‌گذشت داشتند. بدین ترتیب وقتی شبکه تعهدش را اجرا کرد و به مأموریتش عمل کرد، بستن منظم و به موقع دفتراستانی را پیگیری کردند. دردیگر استان‌ها، بسته شدن دفترها چندان مرتب و تمیز پیش نرفت.

عرصه سوم: به نظر شما چه چیز راجع به تفاوت رهبری و مدیریت وجود دارد که جالب توجه است؟

جاسمین نوردین: بیشتر مواقع، زمانی که یک سازمان کارش را شروع می‌کند، امکانات کافی وجود ندارد که هم مدیر و هم رهبر داشته باشد، ازین رو از سر نیازهردو را درتحت یک عنوانقرار می دهند. البته چنین حالتی از سر ناچاری است، اما با رشد و توسعه مجموعه، رفته رفته برای افراد دشوارمی شود که قدرت کسب شده را کنار بگذارند، فرهنگ سازمانی را تغییر دهند و روندی متفاوت از آنچه به هنگام تأسیس سازمان درجریان بوده پیش گیرند.

عرصه سوم: سازمان شما چگونه با چالش در رهبری و مدیریت کنار آمد؟

جاسمین نوردین: افرادی درشبکه و در سازمان‌های مختلف بودند که نقش و مأموریتشان بسیار واضح و مشخص بود. این افراد موفق شدند که نه تنها خود تعهد سازمانیشان را حفظ کنند بلکه ساز و کاری را نیز پیاده کنند که دفاتر استانی هم در برابر تعهد ونقش سازمان پاسخگو باشند. زمانی که مأموریتشان انجام می شد یا دیگر

موضوعیت نداشت، توانستند به کار خود خاتمه دهند و بخش‌هایی که نیاز به ادامه کار داشتند را دربخش های دیگر سازمان ادغام کردند. مسأله فقط شفافیت مسائل و فهم درست از مأموریت محوله نبود، بلکه رهبری جداگانه هم بود. افرادی بودند که می‌توانستند بگویند: «جامعه در حال تغییر است، و نیازهای مهم تری ازحفظ بقای شبکه‌مان داریم.» این افراد کاملاً می‌دانستند که مأموریت سازمان و نقش آن چه بوده، و مجموعه چگونه ازعهده انجام آن برآمده است. اما درشرایط جدید نیاز به آن بود که به جای دیده بانی آفریقای جنوبی سابق، تمرکز بر روی ساخت یک آفریقای جنوبی جدید گذاشته شود. این تغییر انرژی باید اتفاق می‌افتاد، وخود مردم بودند که انجام آن را عملی کردند. چیزی که من پس از کاردر شبکه دیده بانان مستقل آموختم آن بود که دیگر نمی‌خواستم به رصد کردن جامعه‌ای ادامه دهم که علاقه‌ای به زندگی درآن ندارم. می‌خواستم آن نوع جامعه‌ای را که دوست داشتم بچه‌ها و نوه‌هایم در آن رشد کنند و ببالند را بسازم.

عرصه سوم: مهم‌ترین چیزهایی که یاد گرفتی چه هستند؟

جاسمین نوردین: همانطور که گفتم، اولین و مهم‌ترین چیزی که من پس از کاردر شبکه دیده بانان مستقل آموختم آن بود که دیگر نمی‌خواستم نظاره گر جامعه‌ای باشم که علاقه‌ای به زندگی در آن ندارم. می‌خواستم آن نوع جامعه‌ای را که دوست داشتم بچه‌ها و نوه‌هایم در آن رشد کنند و ببالند را بسازم. برای من به عنوان یک انسان نوعی تحول ذهنی اتفاق افتاد که در سازمان‌های جامعه مدنی اطرافم منعکس شده بود. دیگر اینکه یاد گرفتم برای سازمان‌هایی کهدرزمینه برنامه‌های سیاسی فعال اند، بسیاراهمیت دارد که بین اطلاعات موثق وصحیح و اطلاعات گمراه کننده و نادرست تمیز داده شود. بخشی از شبکه دیده بانان مستقل فعالانه این وظیفه را بر عهده داشت که اطمینان حاصل کند اطلاعات منتشره صحیح بوده و با اطلاعات نادرست درباره سازمان، اعضای آن و فعالیت‌ها مقابله شود. شایعاتی که درمحیط‌های سیاسی پخش می‌شود می‌تواند به سرعت مناقشه ساز شود. سومین مسئله هم این بود که زمانی که چند سازمان حیطه عملیاتی مشابهی دارند، آنچه اهمیت دارد آن است که با یکدیگر و با افراد مشغول درهمان زمینه همکاری داشته باشید.هم چنانکه مهم است که نه تنها اطلاعات، بلکه کارکنان و نیروهای انسانی را نیز باهم سهیم شد. ایجاد ارتباط وهمکاری با دیگران برای دستیابی به هدفی بزرگتر اهمیت بسزایی دارد.

عرصه سوم: این مسائل واقعاً درس‌های ارزشمندی هستند، بخصوص برای ما.

جاسمین نوردین: بیایید راجع به فعالیت درزمینه صلح زیادی احساساتی نشویم، در این وادی رقابت بسیار شدید است و نیاز به ادامه بقا بالا. رقابت شدیدی برقرار است. درچنین شرایطی رهبری قوی لازم است وچند نفر که به کارشان وارد باشند و با اعتقاد به آنچه انجام می‌دهند از توانایی جمع کردن کارها برخوردار باشند. زمانی که من کارم را به عنوان یک کنشگر آغاز کردم، ازین جهت این کاررا دنبال کردم که به آنچه انجام می‌دادم باورداشتم. از آن زمان هم، ایجاد صلح به نوعی صنعت تبدیل شده. آدم‌ها به این حیطه با انگیزه‌های مختلف وارد می‌شوند، بعضی‌ها ازین جهت به این کار می پردازند که باوردارند به راستی توانایی ایجاد تغییردرجهان را دارا هستند و برخی دیگر به این فعالیت صرفاً به دید یک شغل نگاه می‌کنند ومنبع درآمدی ثابت، برای دیگران هم معدن طلایی است که می‌توانند این گونه پول زیادی درآورند. به بیان ساده، من فکر می‌کنم درزمینه کاری ما دو گروه آدم هستند: مبلغان صلح دربرابر مزدوران صلح. رقابت بر سر بقاست و نیاز به مدیریت و چند نفر است که با درک کامل و اعتقاد و ایمان بتوانند کارها را سروسامان دهند.

عرصه سوم: شما چگونه به این حوزه وارد شدید؟

جاسمین نوردین: ازطریق یک استاد دانشگاه آمریکایی به نام دکتر «دادلی ویکس» بود، ایشان کارگاه‌های آموزشی حل و فصل مناقشات را برای جوانان آفریقای جنوبی برگزارمی‌کردند. این کارگاه‌ها برای من فتح باب جدیدی در شیوه حل مناقشات بود. پس از گذران دوره آموزشی، داوطلب شدم. می‌خواستم با بهره جویی ازستعدادهایم درجهت ساخت جامعه‌ای بهترکمک کنم. تحصیلاتم را ادامه دادم ودرنهایت موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد درمطالعات صلح شدم.

توصیه‌های جاسمین:

• رهبری ثانویدرسازمان: بسیارمهم است که درون سازمان‌ها فعالانه رده دوم در سطح رهبری را ایجاد کنید. در سازمان ما، رئیس با یک تیم کوچک مدیریتی کار می‌کرد که مسئولیت رهبری ومدیریت را داشت. ساخت فعالانه رده دوم رهبری ادامه حیات سازمان را تضمین می‌کند. این مسئله بخصوص درآفریقای جنوبی اهمیت ویژه ای پیدا کرد، جایی که رهبران بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی پس از تغییر رژیم به بخشی ازدولت جدید تبدیل شدند. سازمان‌هایی که رده دوم رهبری خود را ازقبل آماده داشتند به فعالیت خود ادامه دادند اما آنهایی که چنین اقدامی را انجام نداده بودند دچار سردرگمی و هرج و مرج شدند.

•سیستم مالی و اداری دقیق: برای سازمان‌ها بسیارمهم است که سیستم‌های مالی و اداری خوب و دقیقی داشته باشند. زمانی که چنین بخشی در سازمان تعریف نشده باشد، فضا برای سواستفاده و فساد ایجاد می‌شود. برای سرمایه گذاران هم مهم است که به گزارش‌های مالی تفضیلی دسترسی داشته باشند.

•مشخص کنید که به عنوان یک سازمان در مقابل چه شخص یا نهادی باید پاسخگو باشید:ازجانب چه کسانی فعالیت می‌کنید و قرار است به منافع چه کسانی خدمت کنید؟ موکلان یا سرمایه گذاران؟ درمرحله بعد نیازهای سازمان، موکلان و سرمایه گذاران را هماهنگ کنید. این اقدام به شما کمک می‌کند که در شرایطی قرار نگیرید که نیازها و علایق موکلانتان در تضاد با نیازها و علایق تأمین کنندگان منابع مالی سازمان قرار گیرد.

•پرورش اعضای کادر و مربی‌گری:سازمان‌ها نیاز دارند که اعضای خود را پرورش دهند. میزان درستی عملکرد یک سازمان به کیفیت کاراعضای آن بستگی دارد وسازمان‌ها باید واقعاً در این بخش سرمایه گذاری کنند. لزومی هم ندارد که هزینه گزافی را برای چنین برنامه‌ای بپردازند. تربیت اعضا را می‌توان به دو صورت رسمی وغیر رسمی انجام داد. به اعضا فرصت دهید تا دیدگاه‌های خود را وسیع تر کنند، تا بتوانند دیگر مکانات را هم ببینند .امری که بسیارحائز اهمیت است چون در این صورت افراد می‌توانند امکانات جدید را به سازمان و جامعه خود عرضه کنند. چیزی که تنها از طریق تربیت و تبادل اعضا صورت خواهد پذیرفت.

•تضادهای درون سازمانی و میان اعضا را حل و فصل کنید:به نظر من این مسئله که درون مجموعه جایی باشد که اعضا بتوانند با رجوع به آنجا مسائل خود را حل کنند، بسیار مهم است. این فضاها را می‌توان به شکل رسمی داشت یا به صورت غیررسمی و دوستانه. در مورد سازمان ما، فضایی ایجاد کرده بودیم تحت عنوان «فضای باز یا سرزمین آزاد». این مکان آخرین بخش ازملاقات‌های هفتگی/ ماهیانه میان اعضا بود. در پایان هرملاقات، ما فضایی را فراهم می‌کردیم که اعضا مسائل خود را مطرح کنند و به مطالبی که قبلاً و در جایی دیگر به آنها پرداخته نشده رسیدگی شود.

•شبکه‌های حمایت از رهبران زن: یکی از اقدامات حمایتی‌ای که فکر می‌کنم ایده محشری بود،این طرح بود. اگرچه من نقشی درآن نداشتم، برنامه برگزاری جلسات ماهیانه حمایتی از مدیران یا رهبران زن دراستان بود. پشتیبانی خیلی کمی از زنانی که در جایگاه‌های مدیریتی بودند صورت می‌گرفت. رهبران زن دعوت می‌شدند تا به گفت‌وگوهای ماهیانه بپیوندند و دراین بحث شرکت کنند که رهبر زن بودن برایشان چه معنایی داشت. نیاز به این فضا برای رهبران زن در جوامع مردسالار خیلیآشکاراست.

—

کمپین نامه نویسی به آیت الله خامنه ای

2011-12-29 · Archive ID 693
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=693

چه کسی به رهبرنامه می نویسد؟

عرصه سوم- رضا حاج حسینی: سه‌شنبه، ۲۲آذر ماه سال۱۳۹۰، محمد نوری‌زاد، فیلمسازی که به دلیل اعتراض‌ها و انتقادهایش از رهبر جمهوری اسلامی، پس از انتخابات جنجالی ریاست جمهوری سال۱۳۸۸، به چهره‌ای شناخته شده در میان فعالان اجتماعی و سیاسی تبدیل شد و طعم حبس و زندان را چشید؛ در نامه پانزدهم خود از سری نامه‌هایی که خطاب به آقای خامنه‌ای نوشته، از همسران دو فرمانده شهید سپاه، چند تن

از مراجع تقلید شیعه، سیدمحمد خاتمی، رییس‌جمهور سابق ایران، اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجمع تشخیص مصلحت نظام و شمار دیگری از شخصیت‌های برجسته سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خواست تا مثل او نامه‌های محترمانه‌ای به رهبر جمهوری اسلامی بنویسند و به نقد عملکرد او و نظام تحت امرش بپردازند تا شاید باب نقد حکومت باز شود و تغییری در وضعیت حاکم به وجود آید. او در پایان نامه خود نوشته است: “همه می‌نویسیم و رهبر را مخاطب نوشته‌های صریح اما مشفقانه خویش قرار می‌دهیم. به امید اثربخشی اقیانوسی از کلمات خیرخواهانه.”

هنوز اما چند روزی از انتشار این نامه نگذشته بود که نامه‌ای از همسر شهید باکری خطاب به محمد نوری‌زاد انتشار یافت و پس از آن، نامه‌هایی دیگر و نامه‌ای از دکتر عبدالکریم سروش، خطاب به آیت‌ا... علی خامنه‌ای که پر سر و صداتر از بقیه نامه‌ها شد. به این ترتیب در پاسخ به فراخوان محمد نوری‌زاد برای نوشتن نامه به رهبر ایران، جریانی به راه افتاد که حالا یک کمپین از دل آن بیرون آمده.اگر به سایت نوری‌زاد بروید، می‌بینید که برای نامه‌های ایرانیان به رهبر، سایتی مجزا ترتیب داده شده است با این توضیح: “برای نامه‌های شما، برای ثبت شدن نامه‌های شما در تاریخ، برای گلوله‌باران که نه، برای گل‌باران آنانی که برما گلوله می‌بارند. این راه، شیوه ما در این راه پرخطر است. ما همچون گاندی و نلسون ماندلا، به آنانی که ما را می‌کشند، به آنانی که ما را می‌زنند، به آنانی که ما را غارت می‌کنند، لبخند می‌زنیم و خسته نباشید می‌گوییم.”

وبلاگ “نهضت نامه‌نگاری به رهبر جمهوری اسلای ایران” نیز نامه‌های مردم به رهبری را منتشر می‌کند. در فیس‌بوک هم اگر جست‌وجو کنید، به صفحه‌های مرتبط با این موضوع برمی‌خورید.صفحه‌هایی که از شما هم دعوت می‌کنند تا به رهبرنامه بنویسید، مطالباتتان را محترمانه با او درمیان بگذارید و به نقد عملکردش بپردازید.

و حالا، یک میلیون نامه

جریانی که پس از درخواست محمد نوری‌زاد برای نامه‌نگاری به رهبر ایران به راه افتاده است نام‌های مختلفی به خود گرفته. صفحه‌ای هم درفیس‌بوک ایجاد شده که نامش کمپین یک میلیون نامه به رهبر ایران است. مسئول این صفحه اما احتمالا به دلیل حساسیت‌هایی که نسبت به جایگاه رهبر جمهوری اسلامی وجود دارد و مسائل و مشکلاتی که ممکن است برای او ایجاد شود، معرفی نشده است.درشرحی که برای معرفی این صفحه نوشته شده، آمده است: “این صفحه در پاسخ به درخواست جناب دکتر نوری‌زاد عزیز و به منظور انعکاس مطالبات مردمی خطاب به آقای خامنه‌ای، رهبری جمهوری اسلامی ایران ایجاد شده و امیدوارم با همت همه دوستان در جهت ترویج و معرفی این صفحه و ارسال نامه‌های متعدد، گوشه‌ای از فریادهای مردم عزیز ایران را به گوش حاکمان آن برسانیم!”

اما رساندن گوشه‌ای از فریادهای مردم ایران به گوش حاکمان، آن هم از طریق نامه آیا فایده و نتیجه‌ای هم خواهد داشت؟

گرچه نویسندگان خود این نامه‌ها از جمله محمد نوری‌زاد و عبدالکریم سروش چندان امیدی به نتیجه کارشان ندارند، ولی عمل کردن و فعال بودن را بهتر ازمنفعل بودن و ناامیدی می‌دانند. مثل همین فعالان مدنی، ایجاد کننده این صفحه هم درجمله‌های پایانی معرفی صفحه‌اش ابراز امیدواری کرده است که آینده این حرکت مثبت و نتیجه‌بخش خواهد بود: “مطمئنم که این حرکت کوچک در آینده‌ای نزدیک اثرات بسیار عمیقی بر پیکره متصلب حکومت فعلی وارد خواهد آورد.

نامه‌هایی در راه

دعوت محمد نوری‌زاد به نامه‌نگاری با رهبرکافی بود تا عده‌ای که ممکن است چندان هم نام‌های شناخته شده‌ای نباشند، دست به قلم ببرند و آن‌چه را در دل دارند، برای رهبر ایران بنویسند. دریکی از این نامه‌ها با امضای پارسا مهرگان آمده است: “این جانب و جمع کثیری از جوانان و دانشجویان که طی این مرقومه از آن‌ها نمایندگی می‌کنم از وضعیت موجود جامعه به جان آمده ایم... ما به جان آمده‌ایم از حاکمیت دروغ و رخت بر بستن صفا و صداقت و روحیه اخوت از این کلبه احزان. چرا حکومت ایران به آنجا رسیده است که با استفاده از صدا و سیما و تریبون‌های حکومت، مثل ریگ بیابان دروغ را در همه وجه‌هایش در جامعه می‌پراکنند و باور کننده‌های آن را بابصیرت و تأمل‌کنندگان در آن را مزدور بی. بی. سی می‌خوانند؟ بابصیرت و بی‌بصیرت!!! گویا

یکی از دستاوردهای اخیر نظام تغییر هویت کلمات است. در تلویزیون ایران اسمی از ناآرامی‌ها و تعداد کشته‌های ۵ هزار نفری سوریه برده نمی‌شود ولی حوادث بحرین را با چنان حرارتی پوشش می‌دهند که گویا در آنجا حمام خون به راه افتاده است؛ در حالی‌که شمار کشته‌های بحرین، فکر نمی‌کنم یک پنجم سوریه هم باشد...”

فراخوان نامه‌نگاری به رهبر جمهوری اسلامی اما باعث ایجاد تحرکی تازه در فضای سیاسی ایران شده است. علی افشاری، فعال سیاسی در آمریکا، در این‌باره می‌نویسد: “نوری‌زاد با ابتکار عمل هوشمندانه، هم فضیلتی ماندگار از خود برجای گذاشت و هم در افزایش شیب تغییر فضای اعتراضات به سمت رهبری نقش موثری ایفا کرد.”

این جریان باعث شده است که باب خواسته‌های مدنی از حاکمیت هم باز شود تا افراد بتوانند درنامه‌های خود دست‌کم درخواست‌های شخصی خود را با رهبرایران مطرح کنند. ادامه این کار سبب می‌شود که اگر نه خود آیت‌ا... خامنه‌ای، که نامش به عنوان پاسخگو به میان مردم بیاید. رهبر ایران تاکنون پاسخی به چنین نامه‌هایی نداده است، در حالی که درباره سنت شیعی، چنین گفته می‌شود که بزرگان دینی پیوسته خود را پاسخ‌گوی همه مردمان(مسلمان و غیر مسلمان) می‌دانستند و حتی برای احقاق حق مردم در دادگاه حاضر می‌شدند.

علی افشاری در تحلیل خود در این‌باره معتقد است: “گسترش انتقادات علنی از رهبری جمهوری اسلامی این پتانسیل را دارد تا جایگاه ولی‌فقیه را عادی سازد و به این ترتیب سنت مجازات سنگین منتقدان رهبری دستخوش تغییر گردد. این تغییر به نوبه خود باعث می‌شود هزینه اعتراض به رهبری کاهش یافته و درنتیجه آسیبی جدی به ساخت مطلقه قدرت وارد آید. این نکته چرایی هزینه بالای نقادی رهبری را روشن می‌سازد.”

فارغ از همه این تحلیل‌ها، نوشتن نامه‌های انتقادی به رهبری، اگردر مقیاسی گسترده و وسیع اتفاق بیفتد، یک امتیازبزرگ خواهد داشت و آن این که رفتارحکومت را در مواجهه با این انتقادها به نمایش و چالش خواهد کشید. آیا حکومت می‌تواند پاسخی منطقی برای منتقدان داشته باشد و با آنان تعامل و گفت‌وگو کند یا این‌که خواسته‌ها و انتقادهای مشروع و مدنی آنان را با درشتی و سرکوب پاسخ خواهد داد؟

حکومت ایران هر کدام از این راه‌ها را انتخاب کند، فعالان مدنی برای گسترش صلح، دموکراسی و حقوق بشر به تلاش‌های خود ادامه خواهند داد. یکی از این تلاش‌ها شاید همین نامه‌نوشتن برای رهبر ایران باشد.

برای اطلاعات بیشترمی‌توانید به نشانی های زیرمراجعه کنید:

http://nameha.nurizad.info/

http://namehnegari.wordpress.com

293353617372744-www.facebook.com/کمپین-یک-میلیون-نامه-به-رهبر-ایران

—

گزارش شش ماهه نقض حقوق بشردرآذربایجان

2011-12-29 · Archive ID 695
http://www.arsehsevom.net/fa/?p=695

عرصه سوم-کمپین بین‌المللی حقوق بشردرایران، از فعالان ومدافعان حقوق بشر ایرانی حمایت می کند. این کمپین حامی افراد وهم سازمان هایی است که درتلاش برای به دست آوردن حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی واقتصادی شهروندان کشوردر چارچوب پیمانها و معیارهای بین المللی که دولت ایران هم ملزم به رعایت آنهاست، فعالیت می کنند. کمپین اطلاع رسانی و فعالیت درزمینه احیای حقوق بشردرایران را وظیفه اصلی خود می داند. اعضای مؤسس کمپین اعتقاد دارند که مسئله حقوق بشردرایران همانند کشورهای دیگر بسیار حائز اهمیت بوده و فقدان ضوابط انسانی ودموکراتیک دردستگاه قضایی کشور یکی ازموانع عدم پیشرفت جامعه، دفاع ازحقوق افراد، برقراری عدالت و دموکراسی است. نقض حقوق طبیعی و مدنی شهروندان ایرانی همواره

یک معضل بزرگ و دغدغه ی مشروع و برحق کنشگران مدنی ومجامع حقوق بشر بین المللی است. ارتقا فرهنگ حقوق بشری درایران وجلوگیری از نقض آن تنها با بسط عدالت دریک سیستم قضایی مبتنی بر معاهدات مورد قبول جامعه بین‌المللی و ایجاد یک جامعه مدنی پیشرو تحقق می پذیرد.

کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران برای اینکه مقامات جمهوری اسلامی را ملزم به رعایت قوانین و معیارهای بین‌المللی کند. به مستند سازی و ثبت تمام موارد نقض حقوق بشردر ایران اقدام می کند و این اطلاعات را به همراه سایر اطلاعات مورد نیاز برای یک ارزیابی دقیق وارائه پیشنهادات سازنده درمعرض افکار عمومی قرارمی دهد.

یکی ازآخرین گزارش‌های کمپین بین‌المللی حقوق بشر درایران در مورد نقض حقوق بشر درآذربایجان است که بخشی از آن را دراینجا می خوانید:

«گزارش شش ماهه نقض حقوق بشر در آذربایجان : ۳۲۶ بازداشت فعالان مدنی-سیاسی، ۴۵ حکم قضایی، ۱۶ حکم شلاق

به گفته منابع موثق محلی در دو استان آذربایجان شرقی و غربی طی شش ماه اول سال ۱۳۹۰ بیش از ۳۲۰ نفر از فعالین فرهنگی، سیاسی، حقوق بشر و حقوق زنان در این دو استان دستگیر شده اند که عمده دستگیری ها درجریان اعتراضات مردمی به خشک شدن دریاچه ارومیه صورت پذیرفته است. مشخصات ۳۲۶ نفر از افراد یاد شده در این گزارش آمده است.

لازم به ذکر است که این تعداد افرادی را در برمی گیرد که فعالان حقوق بشر در این دو استان توانسته اند شناسایی و مشخصات آنها را جمع آوری کنند و تعداد افراد دستگیر وآزاد شده در مدت یاد شده و یا افرادی که هم اکنون در زندان هستند و یا حکم قضایی گرفته اند ممکن است بیش از تعدادی باشد که در این گزارش می آید.

منابع یاد شده به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفتند که بسیاری از این افراد بلافاصله بعد از بازداشت و یا طی چند روز پس از آن آزاد شدند. با این وجود از میان ۴۵ نفری که دادگاه برای آنها حکم قضایی و زندان در نظرگرفته است، ۱۶ تن حکم شلاق گرفته اند. برای ۱۶ نفر از این افراد جریمه نقدی بین یک میلیون تا ۳ میلیون ریال تعیین شده است.

۳نفر از دستگیر شده گان ۱۳ فروردین در تبریز(تجمع اعتراضی به خشک شدن دریاچه ی اورمیه) به شلاق و جریمه ی نقدی محکوم شده بودند که پس از اجرای حکم ۲۰ضربه شلاق آزاد شدند.این سه تن عبارتند از: سعید سیامی ، علی سلیمی و جلیل علمدارمیلا نی.

به گفته منابع یاد شده که این اطلاعات را در اختیار کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گذاشتند، طی شش ماه اول سال ۹۰، ده فقره اعدام در زندان های آذربایجان که به گفته مسوولین جرائم مرتبط با مواد مخدر داشته اند انجام پذیرفته است. برخی ازاعدام شدگان که نام آنها منتشر شده است عبارتند از: توحید معصومی دجین، خالد اسماعیلی و مسعود قوی پنجه ، عارف رشید پور، اسفندیار منداحکی ، تیمور(تیمن) ایوبیان، صدیق نعمانی ، مهدی کهن و یونس آقایان(یونس آقایان از پیروان اهل حق و اقلیت های مذهبی ایران بود که اعدام شد).

منابع یاد شده همچنین گفتند که ۷ نفر از محکومین سال های قبل برای اجرای حکم به زندان فراخوانده شده و در حال حاضر در حال سپری کردن مدت محکومیت خود در زندان هستند که عبارتند از: فراز زهتاب (۳ماه باقیمانده از ۶ماه حبس تعزیری)-سیما دیدار (۵ماه باقیمانده از ۶ ماه حبس تعزیری)- علیرضا فرشی (۳ماه باقیمانده از ۶ماه حبس تعزیری) – یوسف مهر(۴ ماه حبس تعزیری)- ابولفضل وصالی(۶ماه حبس تعزیری) – موسی ساکت(۷ماه حبس تعزیری)- بهمن نصیر زاده (۸ماه باقیمانده از یک سال حبس)

بنابراطلاعات یاد شده، سیامک کوشی، دانشجوی رشته مکانیک دانشگاه آزاد تبریز و فعال دانشجویی پس از دستگیری در ۱۷ خرداد ماه از دانشگاه اخراج شد. همچنین امیر رضایی از فعالین دانشجویی دانشگاه اورمیه نیز مرداد ماه سال جاری از دانشگاه اخراج شد. منابع محلی یاد شده گفته اند که مهدی حمیدی شفیق(دانشجوی

جامعه شناسی دانشگاه تبریز) و محمد عزیزی (دانشجوی ادبیات دانشگاه رشت) نیز از ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد محروم شدند.

منابع موثق محلی به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفتند که «بسیاری از فعالین آذربایجان در حین دستگیری و نیز پس از آن مورد شکنجه قرار گرفته ا ند. از جمله فرانک فرید فعال حقوق زنان ، شاعر و نویسنده که در جریان تظاهرات ۱۲ شهریور در تبریز دستگیر شده بود هنگام دستگیری مورد ضرب و شتم ماموران قرار گرفت در حین انتقال به بازداشتگاه نیز از ناحیه ی سر و صورت ضربات متعددی بر او وارد شد و در بازداشتگاه اطلاعات نیز این روند ادامه یافت به نحوی که این فعال حوزه زنان از ناحیه گوش و دست آسیب جدی دیده است.»

این منابع افزودند که «بازداشت شدگان مراسم افطاری ۲ شهریور نیز در حین دستگیری مورد ضرب و شتم و هتاکی ماموران امنیتی قرار گرفته و پس از آن نیز در دادسرای تبریز و در حضور خانواده هایشان و نیز در زندان تبریز مورد ضرب و جرح قرارگرفتند « به طوریکه از نواحی دست ، دنده ، دندان و... شکستگی هایی گزارش شده است».

توضیحاتی در مورد جدول بازداشت های شش ماهه نخست درآذربایجان شرقی و غربی

* فعالان حقوق بشر محلی به کمپین گفتند که این اسامی فوق فقط مربوط به دستگیر شدگانی است که اسامی آنها در سایت ها و خبرگزاریها منتشر شده است وگرنه به عنوان مثال در جریان تظاهرات خیابانی در تبریز و اورمیه(اعتراض به خشک شدن دریاچه اورمیه) تعداد بیشماری دستگیر شده بودند.

* درجدول زیر برخی از اسامی به بازداشت هایی در جریان مسابقات تیم تراکتورسازی تبریز می پردازد. فعالان مدنی آذربایجان می گویند درجریان بازی های این تیم معمول تعدادی از هوادران آن تیم دستگیر میشوند که در این گزارش از آنان فقط با نام هوادار تیم تراکتورسازی یاد شده است: «این افراد در عادی ترین حالت حداقل ۱روز در پاسگاه در بازاداشت به سر میبرند و با تعهد و بعضن با وثیقه آزاد میشوند.البته پرونده ی تعدادی از این افراد به دادگاه ارجاع داده میشود اما چون در ۶ماهه ی نخست سال ۱۳۹۰ حکم هیچ یک از این افراد اجرا نشده بود لذا در این گزارش ذکر نشده است.»

*زمان سپری شده در بازداشت موقت و یا زندان انفرادی برای افراد مذکور در این گزارش فقط تا پایان شهریور محاسبه و نوشته شده است. بنابراین تعداد زیادی از این افراد همچنان زندانی هستند و یا مدتها بعد آزاد شده اند به عنوان مثال سعید نعیمی با گذشت ۸ ماه از دستگیریش همچنان زندانی است یا دستگیر شده گان ۲شهریور تبریز ۳ماه پس از بازداشت با وثیقه آزاد شدند که در این گزارش فقط ۲۹روز سپری شده تا پایان شهریور نوشته شده است .

* جاهای خالی در این جدول به منزله عدم اطلاع موثق از مکان نگهداری و یا آزادی آنان است.

* دستگیر شده گان ۱۳فروردین در تبریز در جریان تجمع اعتراضی به خشک شدن دریاچه ی اورمیه بازداشت شده بودند که ازتعدادی از آنان فقط با نام فعال زیست محیطی نامبرده شده است اما کسانی که سوابق فعالیت های دیگر اجتماعی یا سیاسی نیز داشته اند با توجه به نوع فعالیت شان نام برده شده است.»

برای خواندن اسامی افراد بازداشت شده وزندانی به جدولی که برروی سایت کمپین بین المللی حقوق بشر قرار گرفته است مراجعه کنید:

http://persian.iranhumanrights.org/1390/10/azerbayejan_hrs_90/

—